



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا  
علیها صاب

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



## مترجم یا رابط ناشنوایان

زندگی نامه و فعالیت های فاطمه آنا محمد

محمد نوری



انجمن ملی برای حقوق بشر ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مترجم یا رابط ناشنوایان: زندگی نامه و فعالیت های فاطمه آقامحمد

نویسنده:

محمد نوری

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۷	مترجم یا رابط ناشنویان: زندگی نامه و فعالیت های فاطمه آقامحمد
۱۷	مشخصات کتاب
۱۷	اشاره
۲۱	فهرست
۳۷	مقدمه
۴۳	فصل اول: زندگی نامه خودنوشت
۴۳	اشاره
۴۵	سرگذشت اجمالی
۴۵	اشاره
۴۵	مدرسه و تحصیل
۴۵	خانواده
۴۵	اشاره
۴۶	یک خاطره جالب
۴۶	نزدیکان و خویشاوندان نزدیک
۴۶	اشاره
۴۶	مادرم، پروین صنیعی نژاد
۴۸	پدرم؛ احمد آقامحمد
۵۰	صغری مادر پدرم
۵۰	مادر
۵۰	برادرم محمد آقامحمد
۵۳	ازدواج و فرزندان
۵۳	داماد بزرگم
۵۳	داماد کوچکم

۵۴	مهارت آموزی
۵۴	اشاره
۵۴	یادگیری ادیومتری
۵۴	اشاره
۵۴	ثمینه باغچه بان در توسعه شنوایی سنجی
۵۴	دوره نه ماهه آموزش ادیومتری
۵۶	تصویب رشته ادیومتری
۵۶	گروه زبان اشاره
۵۶	اشاره
۵۶	تشکیل گروه
۵۸	روش جمع آوری اشارات
۵۸	یکسان سازی
۵۸	تأسیس مدرسه باغچه بان ۳ و روش ارتباط کلی
۵۹	فرهنگ سازی برای زبان اشاره
۵۹	اشاره
۵۹	سمینار زبان اشاره
۵۹	کانال آموزشی برای ناشنوایان در تلویزیون
۶۰	تدوین فرهنگ زبان اشاره فارسی
۶۱	خاطراتی از خانم سمیعی
۶۲	همکاری با سازمان رادیو و تلویزیون
۶۲	اشاره
۶۲	شناخت تلویزیون و اشتغال در آن
۶۲	اشاره
۶۲	همکاری با تلویزیون
۶۲	آغاز فعالیت های سیما در زمینه ناشنوایان
۶۲	اشاره

- ۶۲ ..... رویکردهای موافق و مخالف
- ۶۴ ..... روز جهانی ناشنوایان و همراهی سیما
- ۶۵ ..... پخش سریال با زبان اشاره
- ۶۵ ..... گسترش استفاده از زبان اشاره در سیما
- ۶۶ ..... مخالفان زبان اشاره در سیما
- ۶۶ ..... تشکر ثمینه باغچه بان
- ۶۶ ..... همکاری فاطمه غلامی
- ۶۷ ..... عدم پرداخت حقوق
- ۶۷ ..... موافقت مدیریت سیما با درخواست ها
- ۶۸ ..... تأثیر و کارکرد زبان اشاره در سیما
- ۶۸ ..... مشکلات و موانع
- ۶۸ ..... اشاره
- ۶۸ ..... چگونگی اجرای اخبار
- ۶۹ ..... تحولات جدید
- ۷۱ ..... برتری ایران در اطلاع رسانی ناشنوایان
- ۷۲ ..... تقدیر و تکریم یا کارشکنی
- ۷۲ ..... اشاره
- ۷۲ ..... مخالفت بعضی مدیران
- ۷۲ ..... همکاری یا کارشکنی
- ۷۳ ..... گلایه کوچک
- ۷۶ ..... همکاری با سازمان بهزیستی
- ۷۶ ..... اشاره
- ۷۶ ..... تشکیلات جدید سازمان و همکاری جدید
- ۷۶ ..... اشاره
- ۷۶ ..... جدا شدن از گروه زبان اشاره
- ۷۷ ..... همکاری به عنوان مترجم و برگشت به سرکار

۷۷	.....	سمینار کانون های سراسر کشور
۷۸	.....	اشتغال و مشکلات
۷۸	.....	اشاره
۷۸	.....	حقوق مالی
۷۸	.....	کار با حداقل حقوق
۷۹	.....	مشاجرات معاونت توانبخشی و کارگزینی
۷۹	.....	رکود دوره نظم ده
۸۰	.....	فعالیت های متنوع
۸۰	.....	اشاره
۸۰	.....	جلد چهارم زبان اشاره
۸۱	.....	همکاری برای زیر نویس فیلم های خانگی
۸۱	.....	ثبت روزهای جهانی معلولان در تقویم ایران
۸۱	.....	آموزش ناظم مدارس و دیگر عوامل مراکز آموزشی
۸۲	.....	تربیت رابط و آوردن نیروی جدید
۸۳	.....	نشر جلد چهارم
۸۳	.....	برنامه برای هفته ناشنوایان
۸۳	.....	برگزاری سمینار سراسری
۸۴	.....	توانبخشی کودک و خانواده ناشنوا
۸۵	.....	بازنشستگی بر اثر بیماری جسمی
۸۵	.....	اشاره
۸۵	.....	علل کناره گیری
۸۵	.....	اشاره
۸۵	.....	تغییر مدیران و رفتن از بهزیستی
۸۵	.....	بیماری جسمی
۸۶	.....	زمان بازنشستگی
۸۶	.....	نوشتن کارنامه و انتقال تجارب



۸۶	..... اشاره
۸۶	..... آشنایی از دفتر فرهنگ معلولین
۸۸	..... سالشمار زندگی
۹۱	..... فصل دوم: سیر عمر در آینه اسناد
۹۱	..... اشاره
۹۳	..... دوره ابتدایی تا دیپلم (۴۰ تا ۵۲)
۹۴	..... تحصیلات تخصصی (۵۳ تا ۶۱)
۹۴	..... اشاره
۹۴	..... کارمندی سازمان ملی رفاه ناشنوایان
۹۵	..... دوره ماشین نویسی
۹۶	..... شرکت در دوره نه ماهه
۹۷	..... حضور در گروه زبان اشاره به عنوان یکی از اعضا
۱۰۰	..... رشته ادیولوژی
۱۰۱	..... مهارت آموزی در حرفه خیاطی
۱۰۲	..... فعالیت آموزشی و پژوهشی در عرصه زبان اشاره (۵۳ تا ۷۷)
۱۰۲	..... اشاره
۱۰۳	..... اهمیت زبان اشاره
۱۰۴	..... آموزش زبان اشاره
۱۰۶	..... تدوین و نشر کتاب
۱۰۶	..... اشاره
۱۰۸	..... کارنامه تألیفات
۱۱۰	..... رقابت و تعارض در مخالفان و موافقان
۱۱۰	..... اشاره
۱۱۱	..... مخالفت به روش طومار
۱۱۴	..... مخالفت وزیر با پخش اخبار ناشنوایان به زبان اشاره
۱۱۴	..... پاسخ صدا و سیما به وزیر

- ۱۱۵ ----- مباحثه کارشناسان
- ۱۱۸ ----- ریشه یابی اختلافات موافقین و مخالفین
- ۱۱۹ ----- تاریخچه و ریشه های علمی روش ارتباط کلی
- ۱۲۵ ----- مخالفت آموزشگاه نیمروز
- ۱۲۵ ----- اشاره
- ۱۲۸ ----- نتیجه گیری
- ۱۲۸ ----- انتقال تجارب پیشرفته
- ۱۳۴ ----- افزایش گنجینه اشارات
- ۱۳۴ ----- اشاره
- ۱۳۴ ----- مکتوب سازی اشارات
- ۱۳۶ ----- عقلانیت جمعی و مفاهمه عمومی
- ۱۳۶ ----- اشاره
- ۱۳۶ ----- مفاهمه عمومی در ناشنوایان ایران
- ۱۳۸ ----- خلاصه و نتیجه
- ۱۳۹ ----- اشتغال در دو سازمان بهزیستی و صدا و سیما
- ۱۳۹ ----- اشاره
- ۱۳۹ ----- فعالیت های بهزیستی
- ۱۳۹ ----- اشاره
- ۱۴۰ ----- تنوع و تکثر رشته های کاری
- ۱۴۰ ----- اقدام جامع
- ۱۴۴ ----- فعالیت در تلویزیون (۷۷-۹۵)
- ۱۴۴ ----- اشاره
- ۱۴۴ ----- خواست عمومی برای مناسب سازی تلویزیون برای ناشنوایان
- ۱۴۴ ----- فیلم و سریال همراه با رابط
- ۱۴۷ ----- تولید فیلم خانگی
- ۱۴۹ ----- پذیرش مدیریت اخبار ناشنوایان

۱۵۸	سرفصل های کاری
۱۵۹	ایجاد همکاری بین سیما و بهزیستی
۱۶۸	تأسیس مرکز تربیت و تأمین رابطین ناشنوایان
۱۷۰	همکاری منطقه ای
۱۷۶	پاسخ به نیاز واقعی ناشنوایان
۱۸۷	خواست عمومی
۱۸۷	طومار جمعی از ناشنوایان
۱۸۹	طومار ناشنوایان خراسان
۱۹۰	قطعهنامه نشست کانون های ناشنوایان، خرداد ۱۳۷۷
۱۹۲	جمعی از ناشنوایان
۱۹۴	طومار ۲۴۱ امضایی
۱۹۵	نامه یک دختر ناشنوا
۱۹۶	فعالیت های شبکه پنج به عنوان نقطه عطف
۱۹۷	نقش خانم آقامحمد
۱۹۸	دیدگاه مسئولان و مدیران ارشد
۲۰۲	فعالیت های خانم آقامحمد
۲۱۱	پایان و نتیجه گیری
۲۱۳	فصل سوم: کارشناسی امور ناشنوایان
۲۱۳	اشاره
۲۱۵	همکاری تا بازنشستگی
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	نگاهی به برخی اسناد
۲۲۵	قرآن آموزی و توانبخشی
۲۲۵	اشاره
۲۲۵	گزارش فعالیت ها
۲۲۷	روش اشاره طباطبایی

۲۲۹	آموزش قرآن بزرگسالان
۲۳۱	توافق نامه و همکاری
۲۳۳	گسترش دستاوردها و نظارت بر ادارات
۲۳۳	اشاره
۲۳۳	مسافرت به شهرها
۲۳۷	تولید فیلم
۲۴۵	کودک و نوجوان
۲۴۹	برگزاری مراسم
۲۵۱	ایجاد هماهنگی سیما و بهزیستی
۲۵۴	توان افزایی
۲۵۶	مناسب سازی
۲۶۱	فصل چهارم: توان افزایی با تلویزیون
۲۶۱	اشاره
۲۶۳	کارکرد و کارآیی تلویزیون
۲۶۳	اشاره
۲۶۳	اختراع و شروع به کار
۲۶۳	چگونگی عملکرد تلویزیون برای ناشنوایان
۲۶۶	سهم ناشنوایان از تلویزیون
۲۶۷	ورود ناشنوایان به جامعه
۲۶۸	تداخل زیرنویس سریال ها با زیرنویس های تبلیغاتی
۲۶۹	تأثیر تلویزیون بر زندگی ناشنوایان
۲۶۹	اشاره
۲۷۰	برنامه سازی مناسب
۲۷۱	اطلاع از برنامه ها
۲۷۲	زیرنویس یا برنویس
۲۷۴	استفاده از رابط

۲۷۸	ارتباط
۲۷۸	اشاره
۲۷۸	زبان و گفتار
۲۷۹	روش متداول در آموزش و پرورش
۲۷۹	اختلاف سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش
۲۸۰	شیوه های اجرایی در سیما
۲۸۲	تاریخ تحولات
۲۸۲	اشاره
۲۸۲	گزارش نشست فدراسیون جهانی ناشنوایان
۲۸۲	اشاره
۲۸۲	سرفصل های بررسی ها
۲۸۴	وضعیت کشورهای اروپایی
۲۸۵	تأثیر در ایران
۲۸۵	چگونگی اجرای برنامه های ویژه ناشنوایان
۲۸۵	اشاره
۲۸۵	مشکلات
۲۸۷	دو روش
۲۸۷	شبکه مسئول
۲۸۹	پیشنهادات
۲۹۱	گزارش آقامحمد و پیشرفت ها
۲۹۲	مناسب سازی اماکن
۲۹۳	تحولات سیما در دهه های اخیر
۲۹۳	اشاره
۲۹۳	خط مشی
۲۹۴	اقدامات بهزیستی
۲۹۴	نظریه کارشناسی

۲۹۵	..... ضرورت ها و نیازها
۲۹۵	..... اشاره
۲۹۶	..... نقش آقامحمد
۲۹۷	..... مطالبات ناشنویان در استفاده از سیما
۲۹۷	..... اشاره
۲۹۷	..... اوج گیری مطالبات در سال ۷۷
۳۰۷	..... رخدادهای سال های ۷۸ و ۷۹
۳۱۹	..... مخالفت علنی با برنامه های ناشنویان در سیما (۸۰ و ۸۱)
۳۲۶	..... پاسخ آقامحمد
۳۲۶	..... درباره متن محمود پاکزاد
۳۲۷	..... دیدگاه آقامحمد
۳۲۹	..... تداوم برنامه های ناشنوایی در سیما
۳۲۹	..... گسترش اخبار ناشنویان
۳۳۴	..... داوری و نظر ناشنویان
۳۳۴	..... اشاره
۳۳۵	..... متن نامه های فردی
۳۳۶	..... نظرات جمعی و نهادها
۳۳۸	..... تقدیر و تشکر
۳۴۲	..... فصل پنجم: گفت و گو
۳۴۲	..... اشاره
۳۴۴	..... مصاحبه با رسانه ها
۳۴۴	..... اشاره
۳۴۴	..... سکوت و تنهایی در دنیای ناشنویان
۳۴۶	..... باور کنیم دیگران هم حق دارند
۳۴۹	..... گوش ناشنویان
۳۵۸	..... دستهایی برای سخن گفتن

- ۳۵۹ ----- درخشش مرحوم باغچه بان مانند ستاره ای پر فروغ در دلهای ناشنوایان جهان
- ۳۶۲ ----- با زبان بی زبانی
- ۳۶۵ ----- بهار هم می گذرد، ما هنوز لذتی نبرده ایم
- ۳۶۸ ----- حقیقت واقعی در سکوت نهفته است
- ۳۷۱ ----- نخستین رابط ناشنوایان در تلویزیون
- ۳۷۴ ----- اولین رابط ناشنوایان در تلویزیون
- ۳۷۸ ----- میزگردها
- ۳۷۸ ----- اشاره
- ۳۷۸ ----- چرا ما را نمی فهمند: ما به زبان شما حرف می زنیم
- ۳۸۲ ----- سهم ناشنوا از رسانه ملی
- ۳۸۹ ----- فصل ششم: نویسندگی و کتاب
- ۳۸۹ ----- اشاره
- ۳۹۱ ----- مهمان های ناخوانده
- ۳۹۷ ----- فرهنگ زبان اشاره فارسی
- ۳۹۹ ----- مجموعه اشارات ناشنوایان
- ۴۰۱ ----- آشنایی با اشارت ناشنوایان
- ۴۰۳ ----- زبان اشاره فارسی
- ۴۰۳ ----- اشاره
- ۴۰۶ ----- اسناد و مدارک
- ۴۱۲ ----- طرح نامه تألیف جلد چهارم
- ۴۳۱ ----- کتاب کودک
- ۴۳۱ ----- اشاره
- ۴۳۲ ----- سارا کوچولو
- ۴۳۶ ----- کتاب های دیگر
- ۴۳۸ ----- فصل هفتم: دیدگاه ها، مقالات
- ۴۳۸ ----- اشاره

- ۴۴۰ ..... من می توانم: نکاتی چند با والدین کودکان ناشنوا -
- ۴۵۵ ..... طرح کشوری حمایت و توانبخشی ناشنوایان -
- ۴۸۶ ..... تاریخ زبان اشاره در ایران: جمع آوری، ثبت و استفاده -
- ۴۹۵ ..... اخبار ناشنوایان -
- ۴۹۹ ..... تأسیس و راه اندازی مرکز توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا -
- ۵۰۸ ..... چگونگی مراحل مختلف توانبخشی -
- ۵۳۱ ..... طرح فرهنگی ویژه نوجوانان نیمه شنوا و ناشنوا -
- ۵۴۰ ..... اهتمام به امور معلولین -
- ۵۴۷ ..... اهمیت زبان اشاره در ایجاد ارتباط -
- ۵۴۹ ..... نگاهی به ناشنوا و ناشنوایی -
- ۵۵۴ ..... سخنرانی در چهارمین همایش مترجمان آبان ماه ۱۳۹۷ -
- ۵۵۶ ..... فصل هشتم: تلاش ها و مقبولیت عمومی -
- ۵۵۶ ..... اشاره -
- ۵۵۸ ..... هفته جهانی ناشنوایان -
- ۵۷۳ ..... کنگره عقب ماندگی ذهنی -
- ۵۷۴ ..... یاری به مددجویان -
- ۵۸۲ ..... توانبخشی -
- ۵۸۳ ..... صدا و سیما -
- ۵۸۷ ..... فصل نهم: آلبوم عکس -
- ۶۰۰ ..... درباره مرکز -



## مترجم یا رابط ناشنویان: زندگی نامه و فعالیت های فاطمه آقامحمد

### مشخصات کتاب

سرشناسه: آقامحمد، فاطمه، ۱۳۳۳-

عنوان و نام پدیدآور: مترجم یا رابط ناشنویان: زندگی نامه و فعالیت های فاطمه آقامحمد/ محمد نوری.

مشخصات نشر: قم: توانمندان، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۴۹۱ص.: مصور.

شابک: ۵۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۱۴-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: زندگی نامه و فعالیت های فاطمه آقامحمد.

موضوع: آقامحمد، فاطمه، ۱۳۳۳-

موضوع: معلمان ناشنویان -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع: Teachers of the deaf -- Iran -- Biography

شناسه افزوده: نوری، محمد، ۱۳۴۰ شهرپور -

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ / ۲۷۳ / HV ۲۴۲۶

رده بندی دیویی: ۹۳۷۹۰۹۲/۳۰۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۸۶۲۶۸

ص: ۱

اشاره

مترجم یا رابط ناشنوایان: زندگی نامه و فعالیت های فاطمه آقامحمد

پدیدآورنده: محمد نوری

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۱۴-۲ ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۱۶-۱۴-۲

ناشر: توانمندان شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۰۰۰/۵۰۰ ریال

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

[www.HandicapCenter.com](http://www.HandicapCenter.com)

[www.DataDisability.com](http://www.DataDisability.com) , [www.Tavanmandan.com](http://www.Tavanmandan.com)

[info@handicapcenter.com](mailto:info@handicapcenter.com)

بسم الله الرحمن الرحيم

تقديم به همه عزیزان ناشنوا

به ویژه افرادی که یاری و همراهی ام نمودند.

ص: ۳



## فهرست

مقدمه ۱۳

فصل اول: زندگی نامه خودنوشت ۱۹

سرگذشت اجمالی ۲۱

مدرسه و تحصیل ۲۱

خانواده ۲۱

یک خاطره جالب ۲۲

نزدیکان و خویشاوندان نزدیک ۲۲

مادرم، پروین صنیع نژاد ۲۲

پدرم؛ احمد آقامحمد ۲۳

صغری مادر پدرم ۲۵

برادرم محمد آقامحمد ۲۵

ازدواج و فرزندان ۲۷

داماد بزرگم ۲۷

داماد کوچکم ۲۷

مهارت آموزی ۲۸

یادگیری ادیومتری ۲۸

ثمینه باغچه بان در توسعه شنوایی سنجی ۲۸

دوره نه ماهه آموزش ادیومتری ۲۸

تصویب رشته ادیومتری ۲۹

گروه زبان اشاره ۲۹

تشکیل گروه ۲۹

روش جمع آوری اشارات ۳۰

یکسان سازی ۳۰

تأسیس مدرسه باغچه بان ۳ و روش ارتباط کلی ۳۰

فرهنگ سازی برای زبان اشاره ۳۱

سمینار زبان اشاره ۳۱

کانال آموزشی برای ناشنوایان در تلویزیون ۳۱

ص: ۵

تدوین فرهنگ زبان اشاره فارسی .. ۳۲

خاطراتی از خانم سمیعی .. ۳۳

همکاری با سازمان رادیو و تلویزیون .. ۳۴

شناخت تلویزیون و اشتغال در آن. ۳۴

همکاری با تلویزیون. ۳۴

آغاز فعالیت های سیما در زمینه ناشنوایان. ۳۴

رویکردهای موافق و مخالف .. ۳۴

پخش سریال با زبان اشاره ۳۶

گسترش استفاده از زبان اشاره در سیما ۳۶

مخالفان زبان اشاره در سیما ۳۷

تشکر ثمینه باغچه بان. ۳۷

همکاری فاطمه غلامی .. ۳۷

عدم پرداخت حقوق. ۳۸

موافقت مدیریت سیما با درخواست ها ۳۸

تأثیر و کارکرد زبان اشاره در سیما ۳۹

مشکلات و موانع. ۳۹

چگونگی اجرای اخبار. ۳۹

تحولات جدید. ۴۰

برتری ایران در اطلاع رسانی ناشنوایان. ۴۲

تقدیر و تکریم یا کارشکنی .. ۴۳

مخالفت بعضی مدیران. ۴۳

همکاری یا کارشکنی .. ۴۳

گلایه کوچک... ۴۴

همکاری با سازمان بهزیستی... ۴۷

تشکیلات جدید سازمان و همکاری جدید. ۴۷

جدا شدن از گروه زبان اشاره ۴۷

همکاری به عنوان مترجم و برگشت به سرکار. ۴۸

سمینار کانون های سراسر کشور. ۴۸

اشتغال و مشکلات... ۴۹

حقوق مالی.. ۴۹

کار با حداقل حقوق. ۴۹

مشاورات معاونت توانبخشی و کارگرینی.. ۵۰

ص: ۶



رکود دوره نظم ده ۵۰

فعالیت های متنوع. ۵۱

جلد چهارم زبان اشاره ۵۱

همکاری برای زیرنویس فیلم های خانگی.. ۵۲

ثبت روزهای جهانی معلولان در تقویم ایران. ۵۲

آموزش ناظم مدارس و دیگر عوامل مراکز آموزشی.. ۵۲

تربیت رابط و آوردن نیروی جدید. ۵۳

نشر جلد چهارم ۵۴

برنامه برای هفته ناشنویان. ۵۴

برگزاری سمینار سراسری.. ۵۴

توانبخشی کودک و خانواده ناشنوا ۵۵

بازنشستگی بر اثر بیماری جسمی... ۵۶

علل کناره گیری.. ۵۶

تغییر مدیران و رفتن از بهزیستی.. ۵۶

بیماری جسمی.. ۵۶

زمان بازنشستگی.. ۵۷

نوشتن کارنامه و انتقال تجارب... ۵۷

آشنایی از دفتر فرهنگ معلولین.. ۵۷

سالشمار زندگی... ۵۹

فصل دوم: سیر عمر در آینه اسناد. ۶۱

دوره ابتدایی تا دیپلم (۴۰ تا ۵۲). ۶۳

تحصیلات تخصصی (۵۳ تا ۶۱). ۶۴

کارمندی سازمان ملی رفاه ناشنوایان. ۶۴

دوره ماشین نویسی.. ۶۵

شرکت در دوره نه ماهه. ۶۶

حضور در گروه زبان اشاره به عنوان یکی از اعضاء ۶۷

رشته ادیولوژی.. ۷۰

مهارت آموزی در حرفه خیاطی.. ۷۱

فعالیت آموزشی و پژوهشی در عرصه زبان اشاره (۵۳ تا ۷۷). ۷۲

اهمیت زبان اشاره ۷۳

آموزش زبان اشاره ۷۴

ص: ۷

تدوین و نشر کتاب... ۷۶

کارنامه تألیفات.. ۷۷

رقابت و تعارض در مخالفان و موافقان. ۷۸

مخالفت به روش طومار. ۷۹

مخالفت وزیر با پخش اخبار ناشنویان به زبان اشاره ۸۲

پاسخ صدا و سیما به وزیر. ۸۲

مباحثه کارشناسان. ۸۳

ریشه یابی اختلافات موافقین و مخالفین.. ۸۶

تاریخچه و ریشه های علمی روش ارتباط کلی.. ۸۷

مخالفت آموزشگاه نیمروز. ۹۳

نتیجه گیری.. ۹۵

انتقال تجارب پیشرفته. ۹۵

افزایش گنجینه اشارات... ۱۰۱

مکتوب سازی اشارات.. ۱۰۱

عقلانیت جمعی و مفاهمه عمومی.. ۱۰۲

مفاهمه عمومی در ناشنویان ایران. ۱۰۲

خلاصه و نتیجه. ۱۰۴

اشتغال در دو سازمان بهزیستی و صدا و سیما ۱۰۵

فعالیت های بهزیستی.. ۱۰۵

تنوع و تکثر رشته های کاری.. ۱۰۶

اقدام جامع. ۱۰۶

فعالیت در تلویزیون (۷۷-۹۵) ۱۰۸

خواست عمومی برای مناسب سازی تلویزیون برای ناشنوایان. ۱۰۸

فیلم و سریال همراه با رابط.. ۱۰۸

تولید فیلم خانگی.. ۱۱۱

پذیرش مدیریت اخبار ناشنوایان. ۱۱۲

سرفصل های کاری.. ۱۲۰

ایجاد همکاری بین سیما و بهزیستی.. ۱۲۱

تأسیس مرکز تربیت و تأمین رابطین ناشنوایان. ۱۳۰

همکاری منطقه ای.. ۱۳۲

پاسخ به نیاز واقعی ناشنوایان. ۱۳۸

خواست عمومی.. ۱۴۷

ص: ۸

طومار جمعی از ناشنوایان. ۱۴۷

طومار ناشنوایان خراسان. ۱۴۹

قطعه‌نامه نشست کانون های ناشنوایان، خرداد ۱۳۷۷. ۱۵۰

جمعی از ناشنوایان. ۱۵۲

طومار ۲۴۱ امضایی.. ۱۵۴

نامه یک دختر ناشنوا ۱۵۵

فعالیت های شبکه پنج به عنوان نقطه عطف.. ۱۵۶

نقش خانم آقامحمد. ۱۵۷

دیدگاه مسئولان و مدیران ارشد. ۱۵۸

فعالیت های خانم آقامحمد. ۱۶۲

پایان و نتیجه گیری.. ۱۷۱

فصل سوم: کارشناسی امور ناشنوایان.. ۱۷۳

همکاری تا بازنشستگی... ۱۷۵

نگاهی به برخی اسناد. ۱۷۵

قرآن آموزی و توانبخشی... ۱۸۴

گزارش فعالیت ها ۱۸۴

روش اشاره طباطبایی.. ۱۸۶

آموزش قرآن بزرگسالان. ۱۸۸

توافق نامه و همکاری.. ۱۹۰

گسترش دستاوردها و نظارت بر ادارات.... ۱۹۲

مسافرت به شهرها ۱۹۲

تولید فیلم.. ۱۹۶

کودک و نوجوان.. ۲۰۲

برگزاری مراسم.. ۲۰۶

ایجاد هماهنگی سیما و بهزیستی... ۲۰۸

توان افزایی... ۲۱۱

مناسب سازی... ۲۱۳

فصل چهارم: توان افزایی با تلویزیون.. ۲۱۷

کارکرد و کارآیی تلویزیون.. ۲۱۹

اختراع و شروع به کار. ۲۱۹

ص: ۹

چگونگی عملکرد تلویزیون برای ناشنویان. ۲۱۹

سهم ناشنویان از تلویزیون. ۲۲۱

ورود ناشنویان به جامعه. ۲۲۲

تداخل زیرنویس سریال ها با زیرنویس های تبلیغاتی.. ۲۲۳

تأثیر تلویزیون بر زندگی ناشنویان. ۲۲۴

برنامه سازی مناسب.. ۲۲۵

اطلاع از برنامه ها ۲۲۶

زیرنویس یا برنوشت... ۲۲۷

استفاده از رابط... ۲۲۹

ارتباط... ۲۳۲

زبان و گفتار. ۲۳۲

روش متداول در آموزش و پرورش... ۲۳۳

اختلاف سازمان بهیستی و آموزش و پرورش... ۲۳۳

شیوه های اجرایی در سیما ۲۳۴

تاریخ تحولات.... ۲۳۶

گزارش نشست فدراسیون جهانی ناشنویان. ۲۳۶

سرفصل های بررسی ها ۲۳۶

وضعیت کشورهای اروپایی.. ۲۳۷

تأثیر در ایران. ۲۳۸

چگونگی اجرای برنامه های ویژه ناشنویان. ۲۳۸

مشکلات.. ۲۳۸

دو روش... ۲۳۹

شبکه مسؤل. ۲۳۹

پیشنهادات.. ۲۴۰

گزارش آقامحمد و پیشرفت ها ۲۴۱

مناسب سازی اماکن.. ۲۴۲

تحولات سیما در دهه های اخیر. ۲۴۳

خط مشی.. ۲۴۳

اقدامات بهزیستی.. ۲۴۴

نظریه کارشناسی.. ۲۴۴

ضرورت ها و نیازها ۲۴۴

نقش آقامحمد. ۲۴۵

ص: ۱۰



مطالبات ناشنویان در استفاده از سیما ۲۴۶

اوج گیری مطالبات در سال ۲۴۶.۷۷

رخدادهای سال های ۷۸ و ۲۵۵.۷۹

مخالفت علنی با برنامه های ناشنویان در سیما (۸۰ و ۸۱) ۲۶۷

پاسخ آقامحمد. ۲۷۲

درباره متن محمود پاکزاد. ۲۷۲

دیدگاه آقامحمد. ۲۷۳

تداوم برنامه های ناشنویان در سیما ۲۷۵

گسترش اخبار ناشنویان. ۲۷۵

داوری و نظر ناشنویان.. ۲۷۹

متن نامه های فردی.. ۲۸۰

نظرات جمعی و نهادها ۲۸۱

تقدیر و تشکر.. ۲۸۳

فصل پنجم: گفت و گو. ۲۸۷

مصاحبه با رسانه ها ۲۸۹

سکوت و تنهایی در دنیای ناشنویان. ۲۸۹

باور کنیم دیگران هم حق دارند. ۲۹۱

گوش ناشنویان. ۲۹۴

دستهایی برای سخن گفتن.. ۳۰۳

درخشش مرحوم باغچه بان مانند ستاره ای پر فروغ در دلهای ناشنویان جهان. ۳۰۴

با زبان بی زبانی.. ۳۰۶

بهار هم می گذرد، ما هنوز لذتی نبرده ایم. ۳۰۹

حقیقت واقعی در سکوت نهفته است... ۳۱۲

نخستین رابط ناشنویان در تلویزیون. ۳۱۵

اولین رابط ناشنویان در تلویزیون. ۳۱۸

میزگردها ۳۲۲

چرا ما را نمی فهمند: ما به زبان شما حرف می زنیم. ۳۲۲

سهم ناشنوا از رسانه ملی.. ۳۲۶

فصل ششم: نویسندگی و کتاب... ۳۳۳

مهمان های ناخوانده. ۳۳۵

فرهنگ زبان اشاره فارسی... ۳۴۰

ص: ۱۱

مجموعه اشارات ناشنویان ۳۴۲

آشنایی با اشارت ناشنویان ۳۴۴

زبان اشاره فارسی ۳۴۶

اسناد و مدارک ۳۴۸

طرح نامه تألیف جلد چهارم: ۳۵۴

کتاب کودک ۳۷۰

سارا کوچولو ۳۷۱

کتاب های دیگر ۳۷۳

فصل هفتم: دیدگاه ها، مقالات ۳۷۵

من می توانم: نکاتی چند با والدین کودکان ناشنوا ۳۷۷

طرح کشوری حمایت و توانبخشی ناشنویان ۳۸۶

تاریخ زبان اشاره در ایران: جمع آوری، ثبت و استفاده ۴۰۲

اخبار ناشنویان ۴۱۰

تأسیس و راه اندازی مرکز توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا ۴۱۴

چگونگی مراحل مختلف توانبخشی ۴۱۹

طرح فرهنگی ویژه نوجوانان نیمه شنوا و ناشنوا ۴۳۱

اهتمام به امور معلولین ۴۳۷

اهمیت زبان اشاره در ایجاد ارتباط ۴۴۱

نگاهی به ناشنوا و ناشنوبینی ۴۴۳

سخنرانی در چهارمین همایش مترجمان ۴۴۷

آبان ماه ۱۳۹۷ ۴۴۷

فصل هشتم: تلاش ها و مقبولیت عمومی ۴۴۹

هفته جهانی ناشنویان ۴۵۱

کنگره عقب ماندگی ذهنی ۴۶۶

یاری به مددجویان ۴۶۷

توانبخشی ۴۷۴

صدا و سیما ۴۷۵

فصل نهم: آلبوم عکس ۴۷۹

فهرست

ص: ۱۲

فاطمه آقامحمد متولد ۱۳۳۳ فارغ التحصیل رشته شنوایی شناسی است. دست سرنوشت او این گونه رقم خورده بود که از جوانی با جامعه ناشنوایان ارتباط پیدا کند و در زمینه های مختلف آموزشی، پژوهشی، اجرایی و اطلاع رسانی برای رشد و پیشرفت ناشنوایان کوشش نماید. کارنامه اش به قطر و ضخامت حدود پنجاه سال است. هر مسئولیتی بر عهده می گرفت، با تمام وجود و با دلسوزی آن را به انجام می رساند؛ از این رو در طول خدمت، دستاوردهای گران بها و تجارب راهگشا به جامعه هدف اعطا و اهدا کرده است.

اینجانب از طریق آقای رضا محمودی در سال ۱۳۹۲ وصف حال و شرح خدمات فاطمه آقامحمد را شنیدم، پس از مطالعه اجمالی متونی که در اختیارم بود، به این جمع بندی رسیدم که «آقامحمد» گوهر پاک و خالصی است که جامعه و حتی ناشنوایان نسبت به او شناخت و اطلاع کافی ندارند. مهم تر اینکه با معرفی او، در واقع بخش مهمی از تاریخ معلولیت و رخدادهای ناشنوایی ایران رونمایی خواهد شد و مورخین و پژوهشگران در آینده بهتر می توانند تاریخ این دوره را تدوین کنند.

منظورم از این دوره، سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۰ و به ویژه چند سالی که امواج خروشان انقلاب اسلامی سراسر کشور را فراگرفته بود و بعد از آن جنگ تحمیلی همه چیز و همه حوادث را تحت شعاع قرار داده بود. در این دوره همگان فقط به چند موضوع می اندیشیدند و دیگر موضوعات از مدار تفکر و پژوهش بیرون افتاده بود. آقامحمد برخلاف جو عمومی و فضای غالب بر کشور، بی سروصدا در پی گره گشایی از مشکلات ناشنوایان بود.

از این رو دریایی از تجارب و یافته هایی دارد که منحصر به فرد است. صندوق دانسته ها و داشته های او را به تحقیق می گویم کسی دیگر ندارد و فقط فاطمه آقامحمد این صندوق را در اختیار دارد. دلیل من، اطلاعاتی است که در این دو کتاب عرضه کرده است.

البته من نمی خواهم از قدر و قیمت دیگر فعالان در عرصه ناشنوایان طی آن سال ها بکاهم و کم کنم بلکه می خواهم جایگاه انحصاری که فاطمه آقامحمد در آن قرار گرفته بود را نشان دهم و بگویم کسی دیگر را سراغ نداریم که چنین موقعیتی را داشته باشند. بله رضا محمودی، محسن لوح موسوی، محمد کمالی، مرتضی پیروزی و حبیب تهرانی زاده هم هر کدام موقعیتی داشتند و هر کدام منشأ خدماتی شدند ولی جایگاه آنان متمایز و متفاوت با آقامحمد بود.

به هر حال تصمیم گرفتیم ضمن تألیف زندگی نامه فاطمه آقامحمد، تاریخ تحولات ناشنوایی در دهه شصت و هفتاد یعنی سال های ۵۶ تا ۱۳۸۰ را بر اساس فعالیت ها و تلاش های ایشان بازنویسی کنیم.

\*\*\*

فاطمه آقامحمد در زمینه های آموزش و تدوین ناشنوایان با زبان اشاره؛ توسعه علمی و اجتماعی زبان اشاره؛ پژوهش و تألیف درباره ناشنوایی و زبان اشاره؛ مناسب سازی تلویزیون جهت استفاده ناشنوایان ایران؛ گسترش دسترس پذیری تلویزیون در عرصه های مختلف برای ناشنوایان؛ راه اندازی سیمای ناشنوایی در شهرهای مختلف ایران؛ توان افزایی و توان بخشی ناشنوایان با انتقال تجارب به آنان و افزایش دانش و مهارت های آنان؛ گسترش حرفه رابط در جامعه ناشنوایان؛ مشاوره و راهنمایی پروژه های مختلف علمی و اجتماعی برای ناشنوایان؛ تقریب مدیران به جامعه هدف با توجیه آنان و افزایش تجارب و دانش آنها.

فعالیت های ایشان در طول نزدیک به نیم سده، ذیل یکی از این ده سرفصل می گنجد. اما ایشان گزارش روزانه یا ماهانه یا فصلی از فعالیت هایش نوشته است. از این رو بسیاری از اطلاعات یا اسناد از بین رفته است. آنچه امروزه در اختیار داریم مجموعه ای از اسناد طبقه بندی نشده و نیز خاطرات و اطلاعاتی است که در ذهن ایشان است.

صدها برگ سند و صدها قطعه عکس بود که باید مطالعه می شد و پس از طبقه بندی و تقسیم، ارتباط بین آنها کشف می گردید؛ و مجدداً مطالعه و به تجزیه و تحلیل آنها اقدام می شد. گاه برای یافتن محتوای یک سند باید به منابع دیگر مراجعه می گردید. به هر حال چنین شیوه ای بسیار پیچیده و زمان گیر و صعب است.

حدود سه ماه وقت مرا گرفت تا در مرحله اول کتاب به سرانجام رسید. اما پس از اتمام رسیدن کتاب مجدداً بیش از یک هزار برگ سند جدید آوردند و قرار شد به مطالب پیشین افزوده شود. در این مرحله بیش از هفت ماه وقت گرفت تا بالاخره متن حاضر آماده شد. البته هم در مرحله اول و هم در مرحله دوم همواره از راهنمایی ها و نظریات ایشان بهره مند بوده ایم. در واقع اگر مساعدت های ایشان نبود، قطعاً این کتاب به صورت جامع آماده نمی شد.

\*\*\*

متأسفانه زبان اشاره در میهن ما، سرنوشت ناخوشایندی پیدا کرده و در دو سوی آن موافقان و مخالفانش حضور دارند. عناد آنها تا حدی است که حاضر نیستند با گفتگو و تفاهم به راه کار مرضی طرفین برسند و راه کاری عرضه کنند تا ناشنوایان بیش از این دچار تأخر فرهنگی و دورمانده از قافله مدنیت و فرهنگ نشوند.

چگونه است که در بسیاری از کشورها ناشنویان با زبان اشاره به مراحل عالی رسیده اند ولی متصدیان امور آموزشی گاه به دلیل اصرار بر دیدگاه های ناکارآمد و استفاده نکردن از کارشناسی های جهانی و نظریه های دستگاه های علمی و فرهنگی پیشرفته موجب مشکلاتی در زندگی ناشنویان شده اند. اما تا شرایطی فراهم نیاید که موافقان و مخالفان به تبادل نظر و گفت و گو بپردازند؛ تا وقتی تجارب گذشته مکتوب نشود و تلاش نکنیم از گذشته درس بیاموزیم، وضع جامعه ناشنویان بهتر نخواهد شد.

دفتر فرهنگ معلولین از سال ها گذشته درصدد بوده، تاریخ کتاب گویا و کتاب بریل، تجارب گذشته در جامعه نابینایی را بر اساس واقعیت های موجود تدوین کرده و در اختیار همگان به ویژه نابینایان قرار دهد و از آنان ملتمسانه بخواهد با مطالعه گذشته، به تعامل و تبادل نظر پرداخته و راهی مطلوب برای آینده خود و زدودن موانع و مشکلات بگشایند.

همین شیوه را درباره معلولین حرکتی و ناشنویان و آسیب دیدگان اجتماعی و ذهنی هم به کار بسته ایم. اگر ما منتظر معجزه ایم یا توقع داریم کسی از کشور دیگر بیاید و معضلات را از پیش پای ما بردارد، چنین خیالاتی، خواب های خوش ولی غیر واقعی است. خود ناشنویان و خود نابینایان باید آستین همت بالا زده، کمر تلاش بسته، از هدر دادن فرصت ها حذر کرده و با گرفتن دست هم ایجاد روحیه تعاون و همکاری و به وجود آوردن فضای مهر و محبت به جای دشمنی ها و تنفرها و درس آموختن از گذشته و چشم دوختن به آینده، ساختن جامعه را آغاز کنند.

اما برای ساختن آینده، نیاز به تجارب نخبگان هست. هر کس هرگونه تجربه و خاطره ای دارد، لازم است به صورت یادداشت یا مقاله یا کتاب منتشر نماید. مطلبی که خانم فاطمه آقامحمد نوشت و در شهریور ۱۳۹۵ منتشر کرد بسیار راهگشا است. این گونه مطالب نه تنها برای نسل امروز سودمند است که آیندگان هم از آن پند بسیار خواهند آموخت.

\*\*\*\*

کتاب درباره موضوعات ناشنویان و در نگاه گسترده تر درباره موضوعات معلولیتی بسیار اندک است. با اینکه کتاب اصلی ترین عامل حیات و پیشرفت در هر جامعه ای است. تاریخ ناشنویان، تاریخ آموزش ناشنویان، تاریخ ترجمه و رابطه یا مترجم و رابط زبان اشاره و دیگر موضوعات تألیف نشده و هیچ متنی اعم از تاریخی، اجتماعی و جامعه شناسی، روانشناسی، مأخذشناسی و غیره در ایران در اختیار پژوهشگران و خود ناشنویان یا خانواده آنها نیست. وقتی خشکسالی کتاب باشد و در موضوعات مختلف کتاب وجود نداشته باشد، چرخه و سیستم حیات فرهنگی دچار مشکلات و نارسایی های متفاوت خواهد شد. دقیقاً مثل این است که در طبیعت اصلی ترین عنصر حیات یعنی آب نباشد. نتیجه آن گسترش خشکسالی در همه جا و فقدان سرسبزی و حیات در همه عرصه ها و خلاصه بدبختی است. باید تلاش کنیم اصلی ترین عنصر رشد حیات فرهنگی یعنی کتاب مثل

باران بر این جامعه بارد. هر کس بر اساس رویکرد و تجارب و دانسته های خود، مطلبی بنویسد و اگر توان نشر و چاپ آن را ندارد، حداقل از طریق سامانه های الکترونیکی و مجازی در اختیار مردم قرار دهد. با ایجاد رونق فرهنگی به تدریج، تفکر و اندیشیدن هم شکوفا می گردد، و با افزایش خردورزی، عقلانیت و مفاهیم و تفاهم مسیر مدنیت و حل مشکلات اجتماعی و دستیابی به جامعه آگاه و مطلوب هموار خواهد شد.

خانم آقامحمد در این نوشتار، اطلاعات خوبی از آغاز تدوین زبان اشاره، منازعات در عرصه زبان اشاره و جایگزین آن، مواضع سازمان های دولتی در این باره و ده ها موضوع دیگر نوشته است. این اطلاعات برای نسل جوان که از حوادث فرهنگی دهه چهل و پنجاه و شصت چیزی نمی داند، بسیار راهگشا است.

با اینکه کسی مثل خانم آقامحمد که حدود نیم قرن در تشکیل زبان اشاره، مترجمی و اطلاع رسانی به ناشنوایان بوده، و گنجینه ای از تجربه است، درباره روش کارش، نوع فعالیت هایش و جنبه های مختلف فعالیت هایش، باید چند پایان نامه، چندین مقاله و کتاب تألیف و عرضه شده باشد، ولی با کمال تأسف مهم ترین نوشته هایی که در دسترس است یکی مطلبی است که خودش در شهریور ۱۳۹۵ به توصیه آقای رضا محمودی نوشته و چند مصاحبه کوتاه از او داریم و یک گزارش کوتاه که در روزنامه جام جم منتشر شده است.

حداقل کادر علمی روزنامه جام جم می توانست درباره این «معدن تجربه و خدمت» کار علمی کند و مقالات علمی و کارشناسی منتشر نماید. یک مصاحبه توسط نگین حسینی انجام شده و در روزنامه جام جم در بهمن ۹۱ منتشر شده، یک مصاحبه دیگر را ایسنا از ایشان در مهر ۸۶ گرفته و یک مقاله کوتاه توسط مراد فردوسی تدوین و در روزنامه جام جم در مهرماه ۹۱ منتشر شده است.

خانم آقامحمد از این نظر تجربه قابل مطالعه برای ناشنوایان و دیگر گروه های معلول است. آنان باید بدانند که نهادهای دولتی، برای بهترین نیروهای این جامعه کاری انجام نمی دهند و خودشان باید شروع کنند. یعنی اولاً از این گونه افراد تجلیل و تقدیر نمایند؛ دوم کار پژوهشی درباره این افراد انجام دهند، مقاله و کتاب بنویسند و تجارب به دست آمده را در درون فرهنگ و جامعه خودشان توسعه دهند.

\*\*\*\*

تأسف آور اینکه خانم آقامحمد از کارش کنار می رود، با اینکه یک عمر بهترین خدمات را به ناشنوایان داشته، ولی هیچ خبری نشد و آب از آب تکان نخورد، با اینکه لازم بود ناشنوایان در سایت ها، وبلاگ ها، گروه ها و شبکه های موبایلی مثل تلگرام از ایشان تشکر می کردند. الآن هم دیر نیست یک پیشنهاد این است در ساعتی که ایشان خبر می گفته، ناشنوایان یک پیام در حد یک عبارت کوتاه مثلاً «ما قدر دان زحمات تو هستیم و متشکر خدمات تو هستیم» ارسال کنند.

ص: ۱۶



پیشرفت و ترقی جامعه ناشنویان مرهون این است که هر یک از ناشنویان پشتیبان دیگری باشد؛ از یکدیگر حمایت کنند، به جای تحقیر و کوچک نمودن یکدیگر، به تکریم و بزرگ کردن یکدیگر کمک کنند. یک نکته مهم در مورد افراد شنوا است که به دلیل علاقه یا انسان دوستی یا وظیفه شناسی به کمک جامعه ناشنویان آمده و خدمات مهمی انجام می دهند. گاه دیده می شود، ناشنویان به چشم یک بیگانه و غیر خودی به آنان نگاه می کنند. چنین رفتارهایی موجب تضعیف جامعه هدف می شود؛ چون نیکوکاران، مساعدت نخواهند کرد و حمایت ها قطع می شود و در نتیجه جامعه هدف ضعیف می شود. توجه کنید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا ائمه علیهم السلام یا انسان های بزرگی مثل مرحوم باغچه بان توصیه کرده اند، مردم به کمک ناشنویان بشتابند و افرادی به منظور عمل به این توصیه ها جلو می آیند و مساعدت می کنند. ولی برخی ناشنویان که انگشت شمار هستند، نسبت به این افراد رفتار مطلوبی ندارند. بالاخره در جهان امروز کسی موفق است که قدرت جذب مساعدت بیشتر داشته باشد، کسانی به موفقیت می رسند که بتوانند افراد بیشتری را جذب کنند. از این رو ناشنوا باید از کسانی مثل آقامحمد کمال تشکر و امتنان را داشته باشند و به روش های مختلف او را تکریم کنند.

\*\*\*\*\*

لازم است از جناب آقای رضا محمودی مدیر محترم انجمن خانواده ناشنویان تشکر کنیم که علاوه بر راهنمایی، اسناد و مدارک سودمندی در اختیار ما گذاشتند. تلاش های خود خانم آقامحمد در تألیف این کتاب اگر نبود، قطعاً این کتاب به چاپ نمی رسید. ایشان با دقت و حوصله متن ها را نوشته و پس از تایپ هم غلط گیری کردند و بسیار وقت گذاشتند.

مدیریت این پروژه ابتدا بر عهده خانم منصوره ضیایی فر (نابینا و پژوهشگر در حوزه کتاب گویا و کتاب بریل) بود ولی به دلیل مشغله های فراوان خانم ضیایی فر و از طرف دیگر گسترش ابعاد پروژه، تصمیم گرفتیم، مدیریت هر قسمت بر عهده یکی از کارشناسان دفتر فرهنگ معلولین واگذار شود تا پروژه زودتر و بهتر به نتیجه برسد. البته از خانم ضیایی فر تشکر می کنیم. نیز از همه افرادی که در به ثمر نشستن این اثر صادقانه و مخلصانه تلاش کرده اند، تشکر می نمایم.

شیوه دفتر فرهنگ معلولین این گونه است که برای کار و تلاش افراد هر چند بسیار اندک احترام قائل است و حق مادی و معنوی همه پژوهشگران و نویسندگان را پاسداری کرده و نام آنها را در کنار کارشان ثبت می کند. اساساً تحقیق و نوشته هر فرد، مال او است و هر گونه تصرف در آن توسط دیگران، غصب و اکل مال به باطل و حق الناس است.

لازم است این نکته را هم یادآور شوم، بنده از سال ۱۳۶۹ وارد تحقیقات ناشنوایی شدم. چون در جریان محاصره آبادان یک گلوله توپ در نزدیک من منفجر شد هر دو گوشم آسیب جدی دید. از سال ۶۹ تصمیم گرفتم بخشی از وقتم را به ناشنوایی و ناشنویان اختصاص دهم. از همان زمان

متوجه برخی اختلافات در جامعه ناشنویان شدم ولی بدون ورود به اختلافات تلاش کردم با همه گروه ها و جریان ها رفیق و دوست باشم. تا کنون این رویه را داشته ام. از سال ۱۳۹۰ مدیریت دفتر فرهنگ معلولین را پذیرفتم و در این دفتر همه صاحبان فکر و اندیشه فارغ از گرایش فکری یا تمایلات اجتماعی شان حضور یافتند و همکاری نمودند. به همین دلیل تلاش کرده ایم برای همه شخصیت ها بدون در نظر گرفتن طرز فکر آنان، زندگی نامه و کارنامه تدوین کنیم. البته توصیه های ریاست عالی جناب حجت الاسلام والمسلمین سیدجواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی مدظله در اتخاذ چنین خط مشی و رویه ای بی تأثیر نبوده و لازم است از ایشان تشکر نمایم.

امیدواریم از آراء و نقدهای نخبگان، نویسندگان و پژوهشگران بهره مند شویم؛ انتقادات و اظهار نظرهای شما عزیزان موجب کمال و رشد و حتماً مسرت آفرین است.

محمد نوری

دی ماه ۱۳۹۷

ص: ۱۸



این فصل شامل چند مقاله درباره زندگانی، خانواده، تحصیلات و فعالیت های خانم فاطمه آقامحمد است که به قلم خودش نوشته است. به دلیل خودنوشت بودن این متن دارای اهمیت خاصی است و می تواند مبنای بسیاری از تحقیقات و تألیفات بعدی باشد.

خانم فاطمه آقامحمد پس از این با نام آقا محمد یا فاطمه یاد خواهد شد و از آوردن القاب و عناوین مدحی اجتناب می کنیم، چون درصدد ارائه متن علمی هستیم و نمی خواهیم بی جهت متن کتاب حجیم گردد.

آقامحمد زندگی اش را به دوره های پژوهش و تجربه آموزی، همکاری با سازمان رادیو و تلویزیون، درگیری تمام وقت در تلویزیون و بیماری جسمی و بازنشستگی تقسیم و درباره هر یک از این چهار دوره مطالبی را بیان کرده است. قطعاً مطالب گزینشی است و نخواست همه زوایای زندگی اش را بنمایاند. البته معمول و اغلب زندگی نامه های خودنوشت همین گونه است.

رضا محمودی با اصرار از آقامحمد درخواست تألیف این مطالب را داشت و به اصرار محمودی بخشی را در تابستان ۱۳۹۵ نوشته و بخش دیگر را در سال ۱۳۹۶ نوشته است.

آقامحمد به عنوان فرزند احمد تا جایی که پدرش در زندگی اش نقش داشته، پدرش را معرفی کرده است. همین روش را در مورد دیگر اعضای خانواده و دیگر سرفصل های زندگی اش به کار برده است. یعنی از شیوه کارآیی سوژه ها استفاده کرده و هر مقوله در فرایند زندگانی او، مؤثرتر بوده، بیشتر و پررنگ تر به آن پرداخته است.

به لحاظ اهمیت و نقش مؤثر آقامحمد لازم است مدیران تشکل های ناشنوایان؛ کارشناسان ناشنوایی به مطالعه این متن بپردازند؛ چون گویای تجارب چند دهه کار و تلاش در عرصه ناشنوایی و تلاش به عنوان رابط در سیمای جمهوری اسلامی ایران است. از طرف دیگر اولین بار است که کسی تجارب عینی و عملی خود در سازمان صدا و سیما در زمینه معلولین را بیان می کند.

عادت ناپسند ما ایرانیان این است که دوست داریم هر راهی را از ابتدا تا انتها خودمان تجربه کنیم و دوست نداریم جا پای دیگران بگذاریم و با استفاده از تجارب دیگران به پیش برویم.

### اشاره

نام پدرم احمد آقامحمد است؛ راجع به علت انتخاب نام خانوادگی آقامحمد چیزی نمی دانم. نام مادرم پروین صنیعی نژاد است. من در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۳۳ در تهران به دنیا آمدم. پدر و مادرم مشغول انتخاب نام برایم بودند نیز از دیگران هم مشورت می گرفتند؛ در چنین شرایطی مادر بزرگم یعنی (مادر پدری) به وسط آمد و می گوید این طفل چون در ایام فاطمیه (روزهای منسوب به شهادت حضرت زهرا علیهم السلام) به دنیا آمده، نامش را با خودش آورده است. از این رو نام من فاطمه انتخاب شد.

برادرم محمد یک سال از من بزرگتر بود و با هم همبازی بودیم.

### مدرسه و تحصیل

در سن شش سالگی به مدرسه رفتم در آن زمان سال تولد مهم بود چون من در سال ۱۳۳۳ به دنیا آمده بودم مدرسه نامم را نوشت. در مدرسه خواجه نظام الملک دوره ابتدایی را گذراندم. نام مدیر مدرسه ام خانم متولی بود. سپس در دبیرستان سیندخت برای دوره دبیرستان ثبت نام کردم. در این دوره بسیار فعال بودم. از نظر درسی بعضی از دروس خیلی خوب بودم و بعضی دروس متوسط بودم. نیز در تیم والیبال مدرسه بودم «از سال دوم تا پایان دبیرستان» والیبال بازی می کردم. در گروه کُر هم فعالیت داشتم ضمن آنکه آن زمان روزنامه نگاری رواج داشت و هر هفته، هر کلاس یک روزنامه داشت؛ مثلاً کلاس های اول، یک روزنامه و کلاس های دیگر هم همین طور بودند. من هم عضو گروه روزنامه نگاری بودم. بیشتر کار من نقاشی و طراحی روزنامه بود البته بعضی اوقات نوشتن متن ها هم به عهده من بود. دوره کلاس های گلسازی را هم گذراندم.

نیز عکسی از گروه کُر با حضور اینجانب است که در برابر خانم فرخ رو پارسا وزیر آموزش و پرورش آن زمان است عکس مراسم میهمانی را هم فرستادم.

### خانواده

### اشاره

مادرم پروین صنیعی نژاد خانواده خیلی خوبی داشت در آن زمان سطح طبقاتی وجود داشت اما نه به فاصله امروزی. آن زمان طبقات زندگی رفاهی مردم یا ضعیف بود یا متوسط یا خوب. تجملات امروزی را نداشت و از کف زمین تا سقف آسمان تفاوت نبود. مردم با هم بسیار ارتباط نزدیک داشتند از هم مطلع بودند رفت و آمد بسیار خوب بود مثلاً خانواده ما با خانواده پسر خاله پدری رفت و آمد داشت با دایی و خاله های مادری با فرزندان ایشان رفت و آمد می کردیم. رفت و آمدهای روزهای خاص بر همه واجب بود. ایام عید، ماه محرم، وفات ها، ختم، شب های یلدا، چهارشنبه سوری، عید فطر، سفرهای تفریحی یا زیارتی دسته جمعی بسیار زیاد بود. مثلاً پدر مادری یا پدر بزرگم «یحیی» هر سال تابستان دختران با فرزندانشان و عروسان با فرزندانشان را به هزینه خودش به مشهد می برد. خانه بزرگی داشت که دارای درخت گردو، انار، انگور بود. همه ساله موقع چیدن آن همه را دعوت می کرد و همه در چیدن میوه کمک می کردند و آن روز تا دیر وقت دور هم بودیم. بچه ها با هم بازی و شادی

می کردند. درخت گل نسترن و محمدی بزرگی در باغچه خانه پدر بزرگم بود. بعضی وقت ها که می خواستم مدرسه بروم پیش پدر بزرگم می رفتم و از او یک دسته گل برای آموزگارم می گرفتم.

مادر بزرگم صغری کلاس آموزش قرآن داشت به صورت رایگان به بچه های محل قرآن آموزش می داد. بچه ها در سن های مختلف پسر و دختر با یک زیرانداز و قرآن به خانه آنها می آمدند و دور تا دور حیاط می نشستند و قرآن یاد می گرفتند.

در خانواده مادریم اکثر خانم ها مسئولیت برون از خانه هم داشتند و شاغل بودند. البته بیشتر آموزگار، دبیر، پرستار، نرس، تکنسین بی هوشی اتاق عمل بودند. کار کردن خانم ها در خانواده او رواج داشت. ضمناً خاله بزرگم هم مانند مادرش در منزل خود کلاس آموزش قرآن داشت.

ضمن آنکه در آن زمان اکثر خانواده ها روضه خوانی ماهانه داشتند.

خانواده ما هم دوم هر ماه ۵ روحانی می آمدند و روضه می خواندند.

ضمن آنکه خانواده دور هم جمع می شدند از اتفاقات روز می گفتند و بچه ها می شنیدند و یاد می گرفتند پدر، مادرها به خصوص مادر بزرگ ها قصه می گفتند و در دل داستان به نوه ها و بچه ها آموزش می دادند. زندگی بیشتر رابطه عاطفی و نزدیکی داشت و همه از هم باخبر بودند و در موقع لزوم دست یکدیگر را می گرفتند. همان گونه که قبلاً گفتم فاصله طبقاتی بسیار فاحش و زیاد نبود، کمی افت و خیز داشت.

### یک خاطره جالب

نوه های پسری شیطان بودند بعضی اوقات به خانه پدر بزرگم رفته به بالای درخت گردو می رفتند گردو می چیدند. «قبل از روز مراسم» وقتی پدر بزرگم می آمد یک ترکه داشت آن را برمی داشت و می گفت اگر بیای پایین با این تنبیه می شوی مادر بزرگم وساطت می کرد. می آمد داخل حیاط درب کوچه را باز می کرد و می گفت. بپر پایین و فرار کن آنها هم همین کار را می کردند. اما هرگز ندیدم پدر بزرگم کسی را با ترکه بزند. فقط آنها را می ترساند.

### نزدیکان و خویشاوندان نزدیک

#### اشاره

خانواده کوچک و صمیمی دارم و همه در کنار هم زندگی خوبی داریم. از نظر مالی هیچگونه مشکلی نداریم و به لطف خداوند جزء طبقه خوب جامعه از نظر تحصیلات و مسائل مالی هستیم.

### مادرم، پروین صیعی نژاد

از خانواده خوب و تحصیل کرده بود شخصی صبور و آرام با تشویق او به جامعه ناشنویان آمدم. چون می دانست من علاقه مند به خدمت هستم و در کارم به دنبال بندگی خداوند و رضایت او هستم از او که مرا تشویق کرد بسیار سپاسگزارم. ایشان در ششم شهریور ۱۳۸۹ به رحمت خدا پیوست.

مادرم پروین درس خوانده بود مایل بود شغلی داشته باشد خاله او که در آموزش و پرورش جایگاه محترمی داشت از او دعوت کرد برای

ناظمی یک مدرسه. مادرم هم خیلی مایل بود اما پدرم مخالفت کرد و اجازه نداد او برود. مادرم بسیار مراقب ما بود به درس خواندن ما خیلی اهمیت می داد. شخصیتی آرام و صبور داشت هرگز پرخاش نمی کرد با مشکلات کنار می آمد. همیشه می گفت یک خانم باید خودش هم کار کند. در امتحان های پایان هر دوره تحصیلی مانند ششم ابتدایی، نهایی یا دیپلم همراه فرزندان از صبح می رفت و بیرون حوزه امتحانی منتظر می ماند تا

ص: ۲۲

ما امتحان بدهیم و با هم برمی گشتیم. در آن زمان خانواده های بچه های مدرسه نیز با هم در ارتباط و گاهی رفت و آمد داشتند. خود من خانواده ام با بعضی از خانواده دوستانم رفت و آمد داشته و از حال و احوال هم خبر داشتیم.

در آن زمان بچه ها بیشتر مواد خوراکی از خانه همراه خود می بردند و در زنگ تفریح مدرسه می خوردند. یا نان ساندویچی «به نوع امروزی نبود نان های بلند و گردی بود به نام نان سفید» که داخل آن مربا یا کره یا پنیر می گذاشتند و ما مدرسه می بردیم. مدرسه بوفه داشت که بیسکویت و بستنی، تمبر هندی، لواشک می فروخت. گاهی هم از این تنقلات می خریدیم. مادرم همیشه می گفت خوراکیت را با دوستانت تقسیم کن شاید آنها نداشته باشند. دلشان بخواهد. آن وقت اگر به آنها ندهی خداوند قهرش می آید. «ما در آن زمان جزء خانواده های خوب بودیم».

### پدرم؛ احمد آقامحمد

او در کودکی پدرش را از دست داده بود و در زندگیش بسیار زحمت کشیده و تلاش کرده بود او یکی از مخترعینی است که در سال های ۱۳۴۵، ۱۳۴۶ اختراعش را در کشورمان ایران به ثبت رسانده و نام او در کتاب مخترعین درج شده است. این کتاب در کتابخانه ملی ایران موجود است.

نام پدر پدرم حیدر و مادرش صغری بود در سن کودکی پدر را از دست می دهد اما مادرش با دو فرزند دیگر یک پسر و یک دختر زندگی را با مشکلات خاص زمانه خود می گذرانند. مادر بزرگم وقتی پدرم به سن مناسب می رسد او را به مغازه آهنگری معرفی می کند تا او کار یاد بگیرد. پدرم این شغل را تا آخر زندگیش ادامه داد. اما پدرم در سال ۱۳۴۵ یا ۱۳۴۶ (دهه ۴۰) با اختراعش روی ماشین های سنگین وزن و به ثبت رساندن آن اختراع، در بین همکارانش در سراسر کشور از نظر مهارت کاری معروف و مشهور شد. اختراع او در کتاب مخترعین ایرانی به عنوان ده چرخ شدن ماشین های شش چرخ و اضافه نمودن دیفرانسیل ثبت شده است و این کتاب در کتابخانه ملی ایران موجود است. پدر اولین کسی بود که این اختراع را در جهان به انجام رساند و بعداً کشورهای دیگر اقدام به الگوگیری از او کردند، هر چند ابتدا نتیجه نگرفتند.

پدرم مردی دست و دلباز بود هر چه در می آورد خرج می کرد، اصلاً عادت به پس انداز نداشت. یک نمونه کار او این بود. در آن زمان ها روی چرخ های دستی یا در خورجین چهارپایان «قاطر و الاغ» خربزه یا هندوانه یا توت بستگی به میوه فصل داشت به در خانه ها می آوردند و مردم می خریدند. پیرمردی بود که با قاطرش بیشتر وقت ها هندوانه می آورد به در خانه ما که می رسید با صدای بلندش می گفت ارباب سلام. هندوانه آوردم. پدرم هم همه بارش را می خرید و در حیاط می گذاشت. سپس تعدادی از هندوانه ها را به در خانه همسایه ها می داد و می گفت خیرات است. یا کله پاچه فراوان می خرید: صبح در کاسه ای چینی با یک عدد نان سنگک به در خانه همسایگان می داد.

هر سال تابستان حتماً یک ماه به بیلاق «اوشان، فشم» می رفتیم. به طوری که بعضی از دوستان من تصور می کردند من اهل اوشان هستم. خلاصه هر چه درآمد داشت. خرج می کرد. مادرم هم زورش به او نمی رسید تا جلویش را بگیرد. او کار آزاد داشت بعضی اوقات درآمد بسیار خوب؛ ولی بعضی اوقات هم درآمدی نداشت اما مشکل مالی نداشتیم چون همیشه منزل شخصی داشتیم و چند همسایه در خانه ما بودند که می توانستیم با کرایه ای که پدرم دریافت می کرد زندگی را بچرخاند.



البته پس از ثبت اختراعش کار پدرم بسیار رونق گرفت و وضعیت اقتصادی ما هم بسیار خوب شد. به طوری که در آن زمان کمتر کسی ماشین شخصی داشت اما در خانه پدرم همیشه دو تا ماشین بود و چند خانه و دو مغازه داشت و به لطف خدای مهربان زندگی خیلی مرفه داشتیم. یک شوهر دختردایی داشتم به نام آقای شکیبایی ایشان مدتی در آلمان زندگی کرده بودند. موضوع اختراع پدرم را به یک شرکت آلمانی که در ایران فعالیت داشت نشان داد. آنها هم ابراز علاقه کرده بودند که پدرم استخدام آن شرکت شود و برای آنان کار کند.

وقتی این پیشنهاد را به پدرم دادند پدرم ناراحت شد و گفت من برای خودم مغازه دارم چند کارگر دارم رها کنم برم کارگر آنها بشوم. قبول نکرد. کم کم وضع درآمدی پدرم بهتر از قبل می شد و روزگار به خوبی می گذشت.

پدرم در آذرماه ۱۳۹۲ به رحمت خدا پیوست و با درگذشت پدر، بدون والدین شدم و در واقع غم بزرگی بر سینه ام نشست.

پدر صنعتگر حرفه ای و با تجربه ای بود. ایشان توانسته بود کارآیی ماشین های باربری بزرگ را با بخش های تخصصی و افزودن چهارچرخ به عقب آنها، افزایش دهد. چون اولین کسی بود که در ایران و جهان چنین کاری انجام داده بود، اختراعش در کتاب اختراعات و ابتکارات ثبت شده و در کتابخانه ملی ایران نگهداری می شود. جامعه مخترعین و مبتکرین ایران او را عضو کرده و برایش کارت عضویت صادر کرده بودند.



این نکته نشانگر این است که خانواده آقامحمد همواره در کار و تلاش بوده و علاوه بر تلاش در صدد نوآوری و پیشرفت کشور و ترقی جامعه بوده اند.

### صغری مادر پدرم

صغری مادر پدرم که به او مادر می گفتیم. به پروین مادرم: مامان به پدرش یحیی آقابزرگ به مادرش خانم بزرگ می گفتیم.

### مادر

«مادر پدرم» با ما زندگی می کرد. بسیار با ایمان و مؤمن بود. صبور و همیشه شاکر خداوند مهربان بود یک قرآن داشت که هرگز از جلوش برداشته نمی شد. او سواد خواندن و نوشتن نداشت اما سواد قرآنی داشت می توانست بخواند. اما نمی توانست بنویسد. خیلی چیزها در زندگی از او آموختم. خیلی. بعضی شب ها نماز شب می خواند. از بچگی وقتی نماز یومئیه می خواند من هم وضو می گرفتم و در کنارش می ایستادم او با صدای بلند می خواند و من هم تکرار می کردم بدین شکل نماز را آموختم. بعضی وقت ها دعایی را به من می داد و می گفت مادر این را برایم در کاغذ بنویس تا آن را حفظ کنم من برایش می نوشتم و هر بار که تمرین می کرد کاغذ را به من می داد تا بینم درست می خواند من هم یاد می گرفتم و حفظ می شدم. به من می گفت فاطمه جان تا جوانی هر چه یاد بگیری خوب است چون وقتی پیر شوی حفظ کردن آن برایت خیلی مشکل می شود.

خیلی چیزها از او آموختم. ممنون اش هستم همیشه یادش می کنم. ان شاءالله روحش شاد و قرین رحمت خداوند مهربان باشد.

### برادرم محمد آقامحمد

او هم به نام مبتکر عضو جامعه مخترعین ایران است فردی بسیار پاک دل با ایمان و مذهبی او از ابتدای اعتراضات مردمی نسبت به آزادی و انقلاب فعال بود به طوری که وقتی جنگ آغاز شد در دوره های زمانی متعددی به جبهه می رفت و در این ایام به فکر ساخت مین کوب یا مین یاب افتاد تا جلوی قطع شدن دست و پای جوانان خوب کشور را که برای دفاع از وطن و دینشان جان خود را بر کف اخلاص گذشته بودند، بگیرد. به لطف خدا موفق شد مین کوب بسازد که بسیار دقیق تر از مین کوب در روسیه و آمریکا بود و با موفقیت در حضور سران نیروهای مسلح و سپاه پاسداران و کارشناسان امر آزمایش شد و او به عنوان مبتکر ساخت مین کوب در ایران نامش ثبت شده است پس از این طرح ساخت مین روبر ضد تانک را ارائه کرد؛ که از نظر کارشناسان این طرح هم بدون نقص و قابل اجرا بود که به علت پایان جنگ کار به تولید و آزمایش نرسید. ضمناً مین کوب ایشان با مشارکت و همکاری ارتش جمهوری اسلامی ایران ساخته شد.



جامعه مخترعین و نوآوران ایران

INVENTORS AND INNOVATORS  
SOCIETY OF IRAN

آقای احمد آقا محمد فرزند استاد حیدر

کد | ۰ | ۲۵ | ۰ | ت | متولد | ۱۳۰۸ | ص | تهران

شماره شناسنامه ۴۹۰

مدت اعتبار این کارت از تاریخ ۸۹/۶/۹ لغایت ۹۱

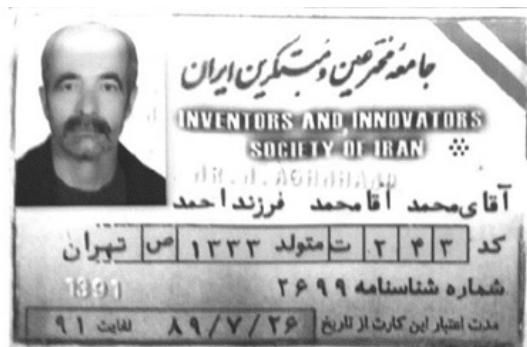
برادرم از من بزرگتر است و در زمان انقلاب و در دهه ۶۰ او نیز در زمان جنگ تحمیلی موفق به ساخت مین کوب شد و نام او نیز به عنوان مبتکر معرفی شده چون در کشورهایی مانند: روسیه و آمریکا مین کوب اختراع شده بود اما او برای نخستین بار در ایران مین کوب طراحی کرد. این ابتکار به نام او ثبت شده است.

خودم متأهل هستم. همسرم محمدرضا نوری تاجر که چند سال است بازنشسته شده است. دو دختر و یک پسر دارم که دختر بزرگم عاطفه یک پسر به اسم مهدیار و یک دختر به نام هلیا دارد. دختر دوم عطیه یک پسر به نام محمدامین دارد و پسرم عطا هم ازدواج کرده هنوز فرزندی ندارد.

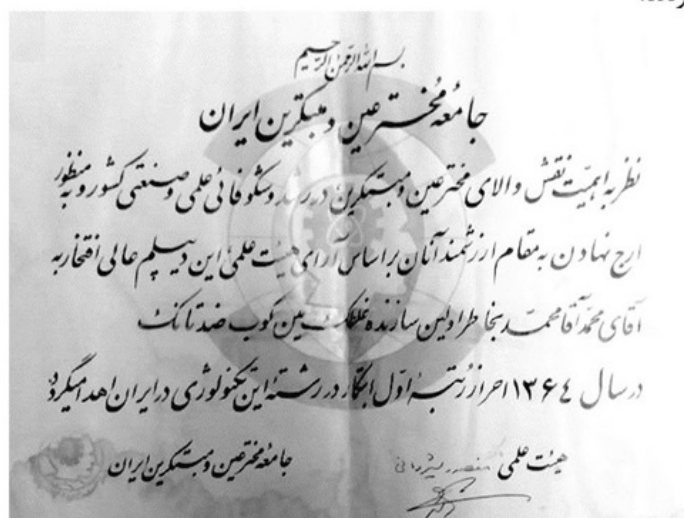
سه خواهر دارم که آنها هم در اجتماع حضور فعال دارند. همسران خوب و فرزند دارند. به لطف خداوند زندگی خوبی دارند و یک برادر که از همه ما کوچکتر است.

محمد آقامحمد به دلیل داشتن نبوغ خاص و استعداد در ساخت وسایل ابتکاری، عضو جامعه مخترعین و مبتکرین ایران شد. تصویر کارت عضویت او:

به خاطر ابتکار و ساخت مین کوب ضد تانک در سال ۱۳۶۴، رتبه اول ابتکار در رشته این تکنولوژی را در ایران احراز کرد و هیئت علمی جامعه مخترعین و مبتکرین ایران به محمد آقامحمد دیپلم عالی افتخار اعطا کردند.



به خاطر ابتکار و ساخت مین کوب ضد تانک در سال ۱۳۶۴، رتبه اول ابتکار در رشته این تکنولوژی را در ایران احراز کرد و هیئت علمی جامعه مخترعین و مبتکرین ایران به محمد آقامحمد دیپلم عالی افتخار اعطا کردند.



با ثبت اختراع احمد آقامحمد پدر فاطمه آقامحمد و محمد آقامحمد، برادرش این خانواده در ایران شناخته تر شدند. حتی برخی نهادهای صنعتی آلمان از احمد آقامحمد درخواست کردند تا در آلمان به اجرای برخی پروژه ها پردازد. اما او استقبال نکرد و در پاسخ گفت می خواهم نیرو و خلاقیت خود را برای کشورم مصرف کنم. (۱)

## ازدواج و فرزندان

در پایان نوزده سالگی و ابتدای بیست سالگی رسیده بودم که به صورت سنتی ازدواج کردم. محمدرضا نوری تاجر که در آن زمان سروان نیروی هوایی بود خواستگاری ام آمد و بالاخره ازدواج انجام شد. در آن زمان در دانشگاه درس می خواندم و در سازمان رفاه ناشنوایان مشغول به کار بودم.

درس می خواندم. کار و خانه داری می کردم همسرم اهل سفر بود به همین دلیل اوایل ازدواج به فرانسه، ایتالیا، انگلیس و پس از آن به کشورهای بسیاری سفر کردیم. ما با خانواده همسر در خانه پدری اش زندگی می کردیم. چند بعد سال باردار شدم. در سال ۱۳۵۷ دختر بزرگم عاطفه به دنیا آمد. اعتراضات مردمی به اوج خود رسیده بود و کم کم انقلاب به پیروزی نزدیک می شد. در مردادماه همین سال بود که عاطفه در کنارم روی تخت بود که همسرم روزنامه ای به خانه آورد و نشانم داد. خبر سقوط هواپیمای خانم سمیعی و دو فرزندش بود. چه خبر بدی بسیار گریه کردم او زن بزرگ، خانم، فهمیده و باسوادی بود. بعد از سه سال که از تأهلم می گذشت به خانه سازمانی رفتیم و مستقل شدیم. اکنون همسرم بازنشسته است.

## داماد بزرگم

اکبر شه وردیخانی در نیروی انتظامی «دایره تشخیص هویت کارشناس خط شناسی و کارشناس دادگستری» است.

## داماد کوچکم

جلال بختیاری، در وزارت بهداشت. دکترای گفتار درمان استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه است. پسر عطا نوری تاجر در بانک پاسارگاد «در یکی از شعب» به عنوان مدیر مشغول به کار است. همسرش فرشته نصرتی در یک شرکت خصوصی که در صادرات و واردات کاغذ فعالیت می کند و مشغول به کار است.

ص: ۲۷

من فاطمه آقامحمد فرزند احمد از خدای خودم کمک می خواهم که یاریم کند تا بتوانم خلاصه ای از خاطرات و گزارش کارهایم را بنویسم. این قسمت از زندگی ام وقتی شروع شد که احساس وظیفه کردم که باید کار کنم و درآمدی داشته باشم. همیشه باور جدی به حضور خداوند در زندگی ام داشته ام و به همین دلیل همواره پنجره هایی از نور و امید به رویم گشوده شده و خواسته یا ناخواسته راه کارهای نو پیش پایم قرار گرفته است. این را هم بگویم، همیشه متشکر خالق هستی، خداوند منان بوده ام.

### یادگیری ادیومتری

#### اشاره

روزی در روزنامه آزمون استخدام برای مدرسه باغچه بان را دیدم تصور کردم برای آموزگاری است، شرکت کردم. سپس قبولی ام اعلام شد؛ و در مصاحبه هم پذیرفته شدم. با دوستانی که موفق شده بودیم به این مرحله برسیم صحبت می کردیم، بیشتر آن ها مثل من فکر می کردند معلم می شوند. اما در جلسه ای با خانم ثمینه باغچه بان، او گفت: شما را برای دوره نه ماهه سنجش شنوایی انتخاب کردیم و در نهایت ادیومتریست خواهید شد.

#### ثمینه باغچه بان در توسعه شنوایی سنجی

خانم ثمینه باغچه بان فرزند جبار باغچه بان نخستین بنیانگذار آموزش ناشنوایان در ایران و مدیر مدارس باغچه بان و همچنین مدیرعامل سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران بود. که نقش و جایگاه ویژه در گسترش ادیومتری در ایران داشت. برادر شوهر ثمینه، آقای جمشید پیرنظر آموزش دوره ادیومتری را در آمریکا گذرانده بود. ثمینه خانم با ارتباط و کمک او توانست دانش و حرفه ادیومتری را به ایران منتقل کند. زیرا در آن زمان کنترل شنوایی دانش آموزان و بررسی شنوایی افراد عادی یک نیاز جدی در ایران بود. از این رو ثمینه تصمیم گرفت دوره آموزش ادیومتری برگزار کند و از طریق این رشته امکان پیشگیری و درمان ناشنوایی را فراهم آورد.

#### دوره نه ماهه آموزش ادیومتری

دوره نه ماهه شامل دروس مختلف از جمله: روانشناسی، جامعه شناسی، تعمیرات سمعک، آناتومی و آشنایی با بیماری های گوش و نیز دروس دیگر؛ از همه مهم تر آموزش کلمات به صورت اشاره با دست ویژه ناشنوایان بود. کسی که کلمات را آموزش می داد خانمی به نام مریم رستمی که دارای پدر و مادر ناشنوا بود. ایشان متن درسی یا جزوه ای نداشت فقط تجربه ای که در زندگی خود و از پدر و مادر خود آموخته بود؛ نیز در ارتباط با جامعه ناشنوا به ویژه آقای کامران رحیمی از جوانان تحصیل کرده و فعال ناشنوا آموخته بود، به ما آموزش می داد. البته کلمات یا نمادها و علائم اشاره هم بسیار محدود بود. در همان جلسه نخست من احساس کردم بین کلمات و اشارات ارتباط و پیوند مشخصی وجود دارد. در پایان کلاس خانم رستمی از من سؤال کرد؛ آیا در خانواده ام شخص ناشنوایی بوده که به این خوبی و روانی اشاره می کنم؟

جواب دادم خیر. ثمینه خانم هم می گفت تو مانند یک آدم خوش خط، اشاره می کنی. برای آموزش دروس عملی، به مدرسه باغچه بان در میدان کلانتری یوسف آباد (جمال الدین اسدآبادی کنونی) می رفتیم. در آنجا با دانش آموزان ناشنوا آشنا می شدیم. آنها را خیلی دوست داشتم چون همه



آن ها خیلی مرتب و با نشاط بودند. بخصوص در زنگ تفریح با هم صحبت می کردند و شاد و شیطون بودند. در مدارس باغچه بان دختر و پسر با هم مختلط بودند.

### تصویب رشته ادیومتری

همچنین ثمینہ خانم با تلاش فراوان توانست رشته تکنسین ادیومتری را به عنوان یکی از رشته های دانشگاهی در دانشگاه ملی (شهید بهشتی) به تصویب رساند. برای نخستین بار، این رشته توانبخشی در دانشگاه های ایران دانشجو می گرفت. سپس از همه ما خواستند تا در آزمون آن شرکت کنیم. هزینه ثبت نام را هم ایشان برایمان پرداخت کرد. در آن روز گروه های مختلف آزمون می دادند و افراد بسیار در آزمون شرکت می کردند که به لطف خدا من هم قبول شدم و موفق شدم ضمن کار، فوق دیپلم هم بگیرم. در این دوره یکی از دروس دانشگاهی، آموزش زبان اشاره بود و خانم سمیعی استاد ما بود. من و بهادری و شهیدی دستیار ایشان بودیم.

### گروه زبان اشاره

#### اشاره

یکی از فعالیت های خانم ثمینہ توسعه زبان اشاره به عنوان یکی از نیازهای اساسی ناشنوایان ایران بود. مهم ترین کارش این بود که بر اساس ضوابط و مبانی علمی و تجارب علمی زبان اشاره را سامان دهی کرد.

#### تشکیل گروه

پس از پایان دوره نه ماهه، ثمینہ خانم به من پیشنهاد کرد، چون می خواهد برای گسترش زبان اشاره گروهی تشکیل دهد، من هم با آنها همکاری کنم و عضو گروه شوم. من چند روز برای تصمیم گیری وقت خواستم تا جواب بدهم؛ ایشان پذیرفت. به خانه آمدم و از خاله ام که خانمی مذهبی و معتقد بود، خواستم برایم استخاره کند؛ ایشان پس از استخاره گفت: خوب است. فردای آن روز به ثمینہ خانم گفتم مایل هستم در گروه زبان اشاره کار کنم. بالاخره روزی ایشان گفت به سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران بروم که در سال ۱۳۵۰ تأسیس شده و ثمینہ خانم مدیرعامل آن سازمان بود، چون محل کار آنجا بود. در آنجا با خانمی به نام جولیا ان آلیور (سمیعی) (۱) مسئول گروه تشکیل شده، آشنا شدم. قرار شد ایشان به زودی اطلاع دهد که چه زمانی کار را آغاز کنیم. تقریباً در سال ۱۳۵۳ کار شروع شد و هنوز دوره نه ماهه تمام نشده بود مدرکی که از دوره نه ماهه دارم تاریخ آن ۳۰ خرداد ۲۵۳۵، (۳۰ خرداد ۱۳۵۳) ثبت شده است. آن روزها از سال شاهنشاهی باید استفاده می شد. وقتی آنجا رفتم آقای رضا قلی شهیدی، (۲)

خانم مریم رستمی، خانم ایران بهادری (۳) و خانم ملک زرگر الهی (از خانواده ناشنوایان) در یک اتاق جمع بودند. ثمینہ خانم با خانم سمیعی آمدند؛ خانم باغچه بان توضیح داد و قرار شد اشاراتی که ناشنوایان برای ارتباط با یکدیگر استفاده می کنند، جمع آوری شود.

بنابراین بنای تشکیل گروه زبان اشاره، تألیف و تدوین اشارات به طور رسمی در کشورمان آغاز گردید.

ص: ۲۹

۱- خانمی آمریکایی و همسر آقای سمیعی مدیر عامل بانک ایران و عرب بود. او اولین کسی است که ایده و طرح جمع آوری اشارات را داده است.

۲- یکی از شاگردان استاد بزرگوار جبار باغچه بان.





روش کار جمع آوری اشاره ها این طور مقرر شد؛ ابتدا کلمات مربوط و لغات ضروری مثل واژه های خانواده را می نوشتیم؛ سپس از ناشنویان اشاره آن را می پرسیدیم. آقای شهیدی استاد اشارات طبیعی بود. کلمات مانند: پدر، مادر، برادر و خواهر، خوردن، مسواک و غیره را آقای شهیدی و رستمی و زرگر الهی نظر می دادند. من هم طوری که خودم می فهمیدم تصویری از اشاره جلوی آن کلمه می کشیدم. سپس چند کلمه که در آن روز جمع می شد را با خانم بهادری به کاخ جوانان محلی در خیابان فلسطین امروزی که مخصوص جمع شدن جوانان و خانواده های ناشنویان بود می بردیم. کلمات و اشارات را برای آنها اجرا می کردیم اگر تأیید می کردند در جلسه بعد مطرح می کردیم. در این جلسه تصمیم گیری ثمینه خانم هم حضور داشتند اگر تأیید می شد کلمه را در یک دفتر بزرگ می نوشتیم. نیز توضیحات لازم درباره چگونگی اشاره جلوی آن نوشته می شد. به این شکل کلماتی که اشاره طبیعی داشت، جمع شد. به تدریج دیگر ثمینه خانم به جلسات نمی آمد؛ اما کار ادامه داشت. خانم سمیعی بعدها از آقای شهیدی خواست از جوانان فعال با تحصیلات بالاتر هم برای گسترش اشارات دعوت شود. در پی این دعوت، آقایان: محسن لوح موسوی، رضا محمودی، مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی به مرور به گروه اضافه شدند. اما از طرفی خانم رستمی و زرگر الهی از گروه بیرون رفتند. کار ادامه داشت تا اینکه یک روز خانم سمیعی کتابی با عنوان زبان اشاره آمریکایی به نام **the deaf talk to** به جلسه آورد. این کتاب شامل حرکات دست و طراحی شکل ها بود و قرار شد از این کتاب الگوگیری شود. به من گفته شد، اشارات را با استفاده از طراحی دست ها در کتاب مزبور، اشارات کلمات فارسی را طراحی کنم. و آن را در مربعی قرار داده و زیر آن، کلمه اشاره را می نوشتم.

### یکسان سازی

همزمان با ضبط و ثبت اشارات، من و خانم بهادری به مراکز و مدارس باغچه بان می رفتیم و اشارات را به آموزگاران و کسانی که در ارتباط با ناشنویان بودند آموزش می دادیم. همچنین از استان ها دعوت شد دو نفر از علاقه مندان به زبان اشاره را برای آموزش کوتاه مدت به تهران بفرستند. آن موقع ۱۴ استان داشتیم و ۲۸ نفر به تهران آمدند و دوره مقدماتی زبان اشاره را یاد گرفتند.

### تأسیس مدرسه باغچه بان ۳ و روش ارتباط کلی

در همین روزها آقای تراب، باغ بزرگی را در خیابان دولت برای مدرسه به ناشنویان هدیه کرد. خانم هما خلیلی از طرف ثمینه خانم، مدیر آن شد. خانم باغچه بان، آموزش در این مدرسه را با روش ارتباط کلی آغاز کرد. یعنی از شیوه های گفتار، لب خوانی، اشاره، سمعک و تربیت شنوایی استفاده می شد. بنابراین دانش آموزان در مدرسه شماره ۳ باغچه بان با روش ارتباط کلی آموزش می دیدند. گروه ما هم که همان تعداد اولیه بودیم بدون رستمی و زرگر الهی هفته ای یک روز به مدرسه شماره ۳ می رفتیم و اشارات را به آموزگاران یاد می دادیم. سپس لغات مورد نیاز آنها را یادداشت می کردیم. خانم سمیعی هم در آن روز یک قصه از کتاب های کودکان را که قبلاً با آقای شهیدی تمرین کرده بود با روش ارتباط کلی به ویژه حالت چهره و صدا مخصوص شخصیت داستان برای کودکان می خواند و آموزش می داد. سال ها با ناشنویان آشنا و با آنها کار کردم هرگز کودک ناشنوا را ندیدم در ساعت تفریح کتاب

داستان بخواند به غیر از دوره ای که در مدرسه باغچه بان شماره ۳ بودم. می دیدم که خود بچه ها با علاقه کتاب را بر می داشتند و برای یکدیگر توضیح می دادند.

اشاره سازی برای کلمات فاقد اشاره: این کار ادامه داشت تا اینکه متوجه شدیم لغات بسیار اساسی هست که اشاره ندارد. از این رو جلسات تدوین اشارات را ادامه دادیم تا در مورد آنها هم تصمیم گیری شود. ضمن آنکه هر کلمه ای که اشاره نداشت با الفبای باغچه بان می گفتیم اما هدف اساسی این الفبا برای ایجاد صوت و گفتار بود بنابراین الفبای فارسی را با توجه به فرم نوشتن آن در گروه تصویب و برای ساخت برخی اشارات از آنها استفاده می کردیم، مانند رنگ ها. البته اگر رنگی اشاره طبیعی داشت از همان اشاره طبیعی استفاده می کردیم، مانند رنگ سبز یا رنگ قرمز. پس از الفبای زبان اشاره فارسی در ساخت اشارات هم استفاده می کردیم اما اسامی و کلماتی که اشاره نداشت با الفبای باغچه بان بیان می شد. ناگفته نماند که برخی اشارات طبیعی هم استفاده اش صورت خوشی نداشت مانند (معلم) که زدن خط کش در کف دست بود. این اشارات هم به پیشنهاد جوانان تحصیل کرده تغییر داده می شد. مثلاً اشاره آموزش و آدم، برای کلمه معلم تصویب شد. کم کم برای آموزش اشارات جزوه های ساده با راهنمایی و زیر نظر خانم سمیعی نوشتیم و اشاره جدید را در جملات مختلف تکرار می کردیم سپس و به افرادی که در ارتباط با ناشنوایان بودند آموزش می دادیم. برای کلمات جدید با توجه به زبان فارسی و مفهوم کلمه اشاره پیشنهاد می شد. مثلاً آهنگر اشاره طبیعی آهن + گر که همان اشاره آدم یا انسان است، استفاده می کردیم. در اشاره طبیعی آهن و آهنگر فرقی نداشت برای همین اشاره طبیعی آهن + آدم تصویب شد «آهنگر». البته بعضی روزها، پس از ساعت ها بحث و گفت و گو و جدال برای کلمه ای، اشاره پیدا و تصویب نمی کردیم و اشاره ای مورد توافق نبود تا به درک معنی و مفهوم کلمه کمک کند.

## فرهنگ سازی برای زبان اشاره

### اشاره

زبان اشاره دارای مبانی و ابعاد فرهنگی است اما تا آن زمان روی آن کار جدی نشده بود. اما لازم بود نخبگان در این باره، به هم اندیشی بپردازند. نیز اطلاعات لازم به مردم و خود ناشنوایان داده شود. بنابراین مجموعه اقداماتی شروع شد که توضیح داده می شود.

### سمینار زبان اشاره

اولین مدرسه ناشنوایان توسط مرحوم باغچه بان در تبریز در ۱۳۰۲ دایر شد و در پنجاهمین سالگرد آموزش ناشنوایان در ایران با همت خانم باغچه بان و همکارانشان سمینار چهار روزه در ساختمان وزارت کشاورزی آن زمان در خیابان بلوار کشاورز معروف به ساختمان شیشه ای چند طبقه ای، برگزار شد. مهمانانی از کشورهای مختلف شرکت داشتند و تجربیات خود را در سخنرانی بیان می کردند. گفته ها هم همزمان برای همه افراد شنوا توسط گوشی ترجمه می شد. مترجم این بخش خانم سمیعی بود. برای ناشنوایان هم من و خانم بهادری به زبان اشاره ترجمه می کردیم. سمینار باشکوهی بود در زمان خودش بسیار خوب و پر بار بود.

### کانال آموزشی برای ناشنوایان در تلویزیون

در همین دوره بود که ثمنه خانم موفق شد در تلویزیون در کانال آموزش، زمان کوتاهی را بگیرد. هدف این بود که چند خبر کوتاه درباره ناشنوایان و آموزش چند اشاره برای ناشنوایان پخش شود. خانم رستمی، بهادری و اعظم شفیعی (ناظم مدرسه ۲

باغچه بان) و من هر دو نفر یک هفته اجرا می کردیم. متأسفانه این برنامه مدت زیادی طول نکشید و قطع شد.

## تدوین فرهنگ زبان اشاره فارسی

بالاخره تصمیم گرفته شد تا لغات جمع آوری شده در کتابی به نام فرهنگ زبان اشاره فارسی چاپ شود. البته قبل از این، خانم بهادری که با ما فوق دیپلم گرفته بودند از طرف سازمان شیر زنان لاینز بورسیه شده و به امریکا رفته بود. برای این کتاب از تصویر چهار ناشنوا به نام خانم ها: الهه قاسمی شاد و شعله صداقت و از آقایان محسن لوح موسوی و رضا محمودی استفاده می شد. این آقایان در گروه توسعه زبان اشاره هم بودند. شیوه کار این گونه بود که ابتدا، کارشناسان با دست اشاره را نشان می دادند سپس از آنها عکس گرفته می شد؛ در مرحله بعد، از روی عکس ها، حرکات دست با فلش مشخص می شد. در آن موقع امکانات بسیار محدود بود و با قلم ریز و مرکب سفید روی تصاویر سیاه و با مرکب سیاه روی تصاویر سفید کار می شد. همچنین با استفاده از خط کش حرکات دست با فلش مشخص می شد.

این کار را ادامه می دادیم که متأسفانه خانم سمیعی با دو فرزندش در سانحه سقوط هواپیما در مردادماه سال ۱۳۵۷ در پایگاه جی تهران سقوط کرد و درگذشت. اجساد آنان در تهران در قبرستان مسیحیان کاتولیک میدان شهدا پیروزی خیابان پورمند خیابان ده فروردین انتهای خیابان تاجری پلاک ۲۸۴ به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد. او پایه گذار زبان اشاره در ایران بود.

پس از فوت خانم سمیعی خانم باغچه بان مرا مسئول گروه کرد. ما کار را با همکاران ناشنوا و عضو جدید گروه به نام خانم افضلی ادامه دادیم تا اینکه اعتراضات مردم نسبت به عدم آزادی در کشور آغاز شد و هر روز بیشتر می شد. خانم باغچه بان به من که در استراحت زایمان بودم زنگ زد و گفت هر طور شده بروم و کتاب را تمام کنیم چون فردا هیچ چیز مشخص نیست من هم قبول کردم.

روزها به زیرزمین مدرسه شماره ۱ باغچه بان می رفتیم کلمات باقی مانده را عکاسی و فلش ها را با آقای محمودی روی تصاویر می کشیدیم. بعدها آقای پیروزی نیز به ما کمک می کردند. روز های شلوغی بود زمان برگشت مردم معترض در خیابان ها بودند لاستیک و غیره آتش می زدند من به سختی به خانه می رسیدم. امکانات رفت و آمد هم به راحتی امروزه نبود. به لطف خدا و همکاری دوستان. کار نزدیک به ۱۰۰۰ لغت به پایان می رسید به انقلاب نزدیک می شدیم.

ثمینه خانم، آقای فتوحی را به جای خود مدیرعامل سازمان کرد. آقای فتوحی کارهای ثمینه را ادامه دادند. با عنایت خداوند نخستین کتاب با نام فرهنگ زبان اشاره فارسی در سال ۱۳۵۹ به چاپ رسید. البته کتاب داستانی میهمانان ناخوانده را خانمی انگلیسی به نام سوزان دبوراهلم کشیده و تمام کارهای صفحه بندی قطع کتاب و در هر صفحه تصویری از موضوع داستان را نقاشی کرده و در زیر تصویر کلمات اشارات را با همکاری گروه کشیده بود در حقیقت کار تایپوگرافی آن را انجام داده بود. وقتی به انقلاب نزدیک شده بودیم کتاب را که کامل و آماده چاپ بود به من تحویل داده بود. من هم آن را تحویل آقای فتوحی دادم تا برای چاپ همزمان با کتاب فرهنگ زبان اشاره فارسی اقدام شود. کار خود را ادامه می دادیم که کشورمان مورد حمله دولت عراق قرار گرفت ضمناً پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران سازمان های حمایتی در یک سازمان به نام سازمان بهزیستی ادغام شد. از

جمله سازمان ملی رفاه ناشنوایان اما خوشبختانه آقای فتوحی کارشناس مسئول ناشنوایان بود و کارها به پیش می رفت.

یک روز خانمی به نام مینو فرشید پیش من آمد. تحصیلات دانشگاهی در رشته طراحی در دانشگاه هنر و مدرک طراحی داشت. کارش را دیدم بسیار حرکات دست را زیبا می کشید. او را به آقای فتوحی معرفی کردم تا به گروه ما اضافه شود، چون ما برای کار طراحی اشارات به شخصی مانند او نیاز داشتیم. اما خواسته ما پذیرفته نشد. بعدها من خانم فرشید را به ثمینہ خانم معرفی کردم چند کار او را هم به ایشان نشان دادم. چندی بعد دیدم خوشبختانه کتاب جوجه طلایی (شعری از باغچه بان) توسط ایشان طراحی و چاپ شده است. آقای شهیدی هم بازنشسته شد. در این زمان، نماینده کلاسماں در دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) با چند نفر از دوستان دیگر با پیگیری فراوان توانستند رشته ما را به کارشناسی ارتقاء دهند. من هم کارشناسی را ادامه دادم. حالا دیگر همه چیز تغییر کرده بود و ما به ساختمانی نزدیک سوانح و سوختگی در خیابان رشید یاسمی منتقل شده بودیم.

### خاطراتی از خانم سمیعی

در سال ۱۳۵۷ دختر بزرگم عاطفه به دنیا آمد و وقتی در بستر بودم، شوهرم روزنامه ای آورد که خبر سقوط هواپیمای جولیا سمیعی را درج کرده بود، حادثه دلخراشی بود او و دو فرزندش کشته شدند؛ خبر بدی بود و بسیار گریه کردم.

خانم سمیعی به زبان فرانسه، آلمانی و فارسی مسلط بود. یک مسیحی کاتولیک بود. خیلی چیزها از او آموختم. زنگ ناهار همیشه با کارمندانش در یک میز می نشست و غذا می خورد. دفتر زبان اشاره به پیشنهاد و همت او تأسیس شده بود ولی بعد از مدتی دفتر زبان اشاره از سازمان رفاه ناشنوایان در خیابان پهلوی به مدرسه شماره ۱ باغچه بان «یوسف آباد» منتقل شده بود در آنجا طبقه آخر. یک اتاق کوچکی بود که هیچ امکاناتی نداشت. چند میز گذاشته بودند و گروه ما آنجا کار می کرد. خانم سمیعی قرار گذاشته بود هر کس خودش میزش را تمیز کند و برای بقیه چای درست کند سپس استکان ها را بشورد تا آماده برای روز بعد باشد. یک روز هم مخصوص خودش بود.

یادم هست یک روز من زودتر از بقیه آمدم نوبت خانم سمیعی بود اما من میز خودم و او را تمیز کردم و چای را آماده کردم. وقتی آمد. با همان میزان که فارسی بلد بود گفت. کی میز من را تمیز کرده غلط کرده. ما خندیدیم. اما گفت خواهش می کنم کسی میز مرا تمیز نکند. خودم تمیز می کنم. همیشه یکشنبه ها صبح به کلیسا می رفت و کمی دیرتر از روزهای دیگر به اداره می آمد. بسیار مهربان، جدی و آگاه بود هر سفری که به آمریکا یا کشورهای دیگر می رفت. وسایل و کتاب های مربوط به زبان اشاره و اقداماتی که آنجا برای ناشنوایان انجام می شد را برای ما می آورد. خدا رحمتش کند. روحش شاد. «ان شاءالله»

پس از ایشان مسئولیت گروه آموزش و پژوهش زبان اشاره را خانم ثمینہ باغچه بان به من دادند.

### اشاره

گاه حوادث زندگی، بدون پیش بینی به وقوع می پیوندد؛ مردم معمولاً این گونه رخدادها را تقدیر انسان می دانند. برای من هم سرنوشتم این گونه رقم خورده بود که در خدمت سیما قرار گیرم. البته از اینکه این مرحله از زندگی ام تداوم و ادامه قبل بود و چون آمیخته با خدمت به ناشنوایان بود، راضی و مسرور بودم. در این بخش سعی می کنم، کارنامه ام در سیما را مرور کنم، تجاربی که به دست آوردم را گزارش دهم. البته بسیاری از اقدامات، گروهی بود و نمی توانم مدعی باشم این ها تماماً برای من است.

### شناخت تلویزیون و اشتغال در آن

#### اشاره

تلویزیون دارای ظرافت های خاص خود است و هر کس می خواهد در آنجا کار کند باید مجهز به دانش باشد و وقت خود را کاملاً در اختیار کار قرار دهد. به همین دلیل افراد اندکی می توانند در اینجا کار کنند. من هم باید تلاش می کردم خودم را وفق دهم.

### همکاری با تلویزیون

یک روز از تلویزیون تهیه کننده برنامه کودک به نام خانم پروین شمشکی پیش من آمد و از من خواست به عنوان مجری در برنامه ای به نام «امیدهای تازه» به صورت مسابقه برای بچه های ناشنوا و شنوا، شرکت کنم. قرار بود با اشاره یک کلمه را بگویم، هر کودکی زودتر کلمه را فهمید جایزه بگیرد. به ایشان گفتم چون باردار هستم نمی توانم و بجای خودم خانم افضلی و دو مربی اندرزگاه مادر را معرفی کردم. خانم افضلی توسط سیما انتخاب شد و مدت کوتاهی این برنامه با اجرای خانم افضلی پخش شد.

### آغاز فعالیت های سیما در زمینه ناشنوایان

#### اشاره

در مورد اینکه آیا صدا و سیما از ابتدای تأسیس به بعد طرحی و اقدامی برای ناشنوایان داشته یا نه؟ اطلاعی در دست نیست، فقط می دانستم از سال ۱۳۶۶ اخبار ناشنوایان در سیما زمان مدیریت آقای محسن هاشمی آغاز شد. این برنامه در سال های بعد تحولات بسیار داشته که خلاصه ای از سیر تحولات آن را می گویم.

### رویکردهای موافق و مخالف

همیشه عده ای با برنامه های ناشنوایان در سیما مخالف بوده اند.

محمدباقر جعفری نیا از سردبیران صدا و سیما در سال ۱۳۶۶ با تلاش فراوان توانسته بود بخش خبر ناشنوایان روزهای جمعه ساعت ۱۷ و ۳۰ در شبکه دو سیما را با اجرای خود ناشنوایان فعال کند. همان زمان هم خیلی ها سعی کردند جلوی پخش این بخش کوچک خبری را بگیرند؛ از جمله برخی از معلمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی چون آموزش در سازمان کودکان استثنایی با روش شفاهی بود اما در بهزیستی روش ارتباط کلی اجرا می شد. حتی وزیر وقت آموزش و پرورش آقای کاظم اکرمی در نامه ای خواستار قطع برنامه شده بود. اما با جلسات کارشناسی متعددی در صدا و سیما آن ها متقاعد و کار ادامه یافته بود. تا در پاییز سال ۱۳۶۹ در دانمارک اجلاس فدراسیون جهانی ناشنوایان برگزار شد که از صدا و سیما آقای جعفری نیا و چهار نفر از سازمان بهزیستی (گروه توسعه زبان اشاره) در این سمینار شرکت کردند در آن



تلویزیون های کشورهای مختلف موظف به برنامه ریزی برای جامعه ناشنوا شده بودند. این گروه با تجربیات خوبی که از سمینار کسب کرده بودند، بازگشتند. ضمناً همیشه آقای جعفری نیا می گفت: یکی از افتخارات کشور ما در بخش ناشنوایان. کتاب فرهنگ زبان اشاره بود چون خیلی از کشورهای شرکت کننده هیچ کتابی در این زمینه نداشتند. حالا دوباره فرصتی مناسب برای برنامه ریزی در سیما بود. در این مدت من هم سعی کردم از شرایط به دست آمده برای پیش برد کارها در بخش ناشنوایان استفاده کنم. یکی از کارها افزایش کمک مالی به کانون های سراسر کشور به ویژه آن هایی که فعال بودند، حتی تا دو برابر افزایش پیدا کرد. و برای کنکور سراسری هماهنگ شده بود در دانشگاه علوم توانبخشی میدان مادر کنکور معلولین با شرایط خاص مانند افزایش زمان آزمون به مدت یک و نیم برابر افراد عادی - برای ناشنوایان حضور مترجم زبان اشاره و برای نابینایان حضور منشی برگزار شود. سپس بعد از آزمون نمایندگان سازمان بهزیستی به دفتر مدیر اجرایی سازمان سنجش رفته سؤالاتی که برای معلولین امکان پاسخگویی نبود را حذف نموده تا عزیزان معلول متضرر نشوند. من هم نماینده ناشنوایان بودم. در سال دوم حضور خودم در این جلسه خانم اطیابی یکی از معلمان خوب و دل سوز ناشنوایان که مدرک دانشگاهی در رشته ادبیات داشت، دعوت به همکاری کردم و با مشورت ایشان معلمین ریاضی و زبان انگلیسی و عربی را هم دعوت به همکاری کردیم. متأسفانه نام این عزیزان بسیار هم دلسوزانه با من همکاری می کردند در خاطر نیست. حتی زمان برگزاری کنکور از همکاری این عزیزان بهره می بردیم زیرا من نمی خواستم کوچک ترین حقی از ناشنوایان ضایع شود. تا پایان سالی که در بهزیستی فعالیت داشتم این کار ادامه داشت.

### روز جهانی ناشنوایان و همراهی سیما

در مهرماه سال ۷۷ مصادف با روز جهانی ناشنوایان آقای جعفری نیا مرا صدا زد و گفت برو خیابان افریقا نبش مینا پیش آقای مفید مدیر محترم شبکه ۵ با ایشان صحبت کردم قرار است امروز به مناسبت هفته جهانی در برخی از برنامه ها از مترجم زبان اشاره (رابط ناشنوایان) استفاده شود. البته ایشان قول گرفته بودند که امروز فقط این اقدام در شبکه ۵ باشد. آقای مفید قبلاً در سیما با آقای جعفری نیا کار کرده و دوست بودند و از مدیران مبتکر، جدی و دقیق بود. آقای مفید از مدیر پخش خواست نامه ای به من بدهد و مرا برای کار هماهنگ شده معرفی کنند. نامه را گرفتم و به شبکه ۵ بالای تپه صبا رفتم ساعت حدود ۹ صبح بود. ابتدا برنامه ها را با زبان اشاره اعلام می کردم و در بین برنامه ها هفته جهانی را تبریک و محل برگزاری جشن را هم اعلام می کردم. خدا را شکر بدون مشکل این کار ادامه داشت تا اینکه آقای مفید بزرگوار خواست بعضی از برنامه ها را به طور کامل با زبان اشاره اجرا کنیم. تا عصر آن روز، تلفن های زیادی از طرف خانواده های ناشنوایان به شبکه شد و از این اقدام بسیار تشکر شد. از طرف دیگر در محل برگزاری جشن که در سالن دانشگاه علوم توانبخشی سازمان بهزیستی بود شادی و شور خاصی از طرف عزیزان ناشنوا به پا شده بود و همه از این اقدام خوشحال بودند. دوباره آقای مفید با شبکه تماس گرفت و گفت همه برنامه ها را با رابط ناشنوایان اجرا کنید. همه خوشحال بودیم؛ زیرا برای اولین بار این کار انجام می شد و تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت. آقای مفید به پخش آمد و گفت تصمیم گرفته برنامه ای برای ناشنوایان با مترجم در شبکه پخش کند و



این کار را ادامه دهد. این نخستین بار بود که در سیما برنامه های عادی با تصویر رابط اجرا می شد. خلاصه آن شب تا ساعت ۱۲ یکسره من اشاره می کردم. بسیار خسته شده بودم برنامه شبکه تمام شد ما هم خداحافظی کردیم. یکی دو روز بعد بچه های ناشنوا را دیدم یکی از آن ها به من گفت خسته نباشی گفتم خسته نشدم گفت چرا خودم دیدم که موقع خداحافظی گفتم خسته شدم. تازه فهمیدم چون اشاره می کردم لحظه آخر هم که می خواستم از جلوی دوربین بلند شوم با زبان اشاره گفتم خیلی خسته شدم کارگردان هم این بخش از گفته مرا پخش کرده بود و عزیزان ناشنوا دیده بودند. خانم محمدپور عزیز را دیدم ایشان گفتند فاطمی روز جشن اینجا جای خالی بود نمی دانی چه غوغایی بود همه خوشحال بودند. چون به آرزوهای چندین ساله خود رسیده بودند. فردای آن روز خواسته آقای مفید را به آقای جعفری نیا اطلاع دادم ایشان خیلی خوشحال شد.

### **پخش سریال با زبان اشاره**

سپس با هماهنگی های لازم در جلسه ای با حضور مدیر شبکه و مدیر دفتر خودمان و بنده لیست برنامه ها را دیدیم و من سریال جدیدی به نام «روزگار جوانی» را برای ترجمه انتخاب کردم، چون هم ایرانی بود و هم تازه می خواست پخش شود. به لطف خدا برای نخستین بار بود که در جهان یک سریال با زبان اشاره برای ناشنوایان پخش می شد. بعدها فهمیدم که نامه های زیادی به مدیر وقت سازمان آقای لاریجانی از طرف اولیای ناشنوایان و مسئولان سازمان داده شده بود و درخواست برنامه با رابط برای ناشنوایان کرده بودند آقای لاریجانی هم از کار آقای مفید حمایت کردند.

### **گسترش استفاده از زبان اشاره در سیما**

همزمان در هفته ناشنوایان در بخش خبر شبکه چهار با هماهنگی آقای جعفری نیا هر شب اخبار این شبکه را با مترجم ناشنوایان یا همان رابط اجرا کردم. ناگفته نماند که سردبیر این بخش بسیار با زبان اشاره یا ترجمه برای ناشنوایان یا رابط مخالف بود. اما نتوانسته بود جلوی آن را بگیرد. سپس از شبکه دو درخواست برنامه کردیم که آقای مشیری با موافقت درخواست ما را به مدیر تأمین برنامه آقای کلانتری دادند در جلسه ای با ایشان و آقای جعفری نیا تصمیم گرفتیم برنامه تصویر زندگی که یک برنامه کامل از آموزشی - فرهنگی و تفریحی و هم مورد درخواست ناشنوایان بود را انتخاب و قرار شد هر روز صبح این برنامه با رابط ناشنوایان پخش شود. باید متذکر شوم گرفتن برنامه ها به راحتی نبود جلسات کارشناسی می گذاشتیم وقتی مسئولان مربوطه توجیه می شدند این کار انجام می شد ضمن آنکه صدا و سیما حاضر نبود هزینه ای برای این کار پردازد. آن ها تصور می کردند این خدمات را بهزیستی باید به عهده بگیرد چون مسئولیت معلولان را به عهده دارد در جلساتی که با مسئولان مربوطه می گذاشتیم بنده و آقای جعفری نیا آن ها را توجیه می کردیم و می گفتیم هر سازمانی با توجه به رسالتی که دارد در برابر جامعه موظف است خدمات بدهد به طوری که آموزش و پرورش خدمات آموزشی. بهداشت و درمان خدمات درمانی و صدا و سیما، اطلاع رسانی و آگاهی به جامعه و همچنین ناشنوایان را به عهده دارد. در سازمان های بین المللی اطلاع رسانی از طریق سیما برای ناشنوایان اولویت داشته و تأکید شده است. با این وصف ما می گفتیم نیروی تخصصی را بهزیستی تأمین کند. به همین دلیل در ۵ سال نخست، شبکه ۵ هیچ مبلغی بابت کار به من نداد. با آنکه کار رفته رفته گسترش می یافت و فیلم سینمایی روزهای جمعه در هفته بهزیستی یک هفته کامل در هفته دفاع مقدس فیلم های سینمایی با رابط پخش می شد چون کار جدیدی بود خیلی ها دوست

داشتند در برنامه‌ها از رابط استفاده کنند ضمن آنکه پولی هم پرداخت نمی‌کردند. از طرفی آقای دکتر کمالی، آقای جعفری نیا و من با روزنامه‌های مختلف مصاحبه می‌کردیم و درباره لزوم و حق ناشنوایان از بهره‌مندی سیما می‌گفتیم. هدفمان این بود که تا مسئولین توجیه شوند و قبول کنند که ناشنوایان هم حق دارند از برنامه‌های سیما استفاده کنند. یک روز به پیشنهاد آقای دکتر کمالی با تهیه‌کننده برنامه «به خانه بر می‌گردیم» صحبت کردم و ایشان را متقاعد کردم که خوب است به خانواده‌ها در مورد موضوعات مختلف مربوط به ناشنوایان اطلاع‌رسانی کنیم. ایشان پذیرفتند و افزون بر یک سال، هفته‌ای یک بار با حضور آقای دکتر کمالی به عنوان کارشناس میهمان و من مترجم زبان اشاره در برنامه شرکت می‌کردیم. حتی مدتی من چند کلمه زبان اشاره در برنامه «به خانه بر می‌گردیم» آموزش می‌دادم. با پیگیری در برنامه‌های مختلف، ناشنوایان را به عنوان میهمان می‌بردم تا بینندگان با موفقیت آن‌ها آشنا شوند. از جمله آقای محمد محمدی دعوی‌سرایبی که هنرمند قالی‌باف بود و قالی‌دو رویه از تمدن‌های مختلف را بافته بود او را به برنامه «شب به خیر تهران» بردم و ایشان کارش را معرفی کرد سپس این قالی را به ریاست جمهور وقت با هماهنگی بهزیستی هدیه داد که قرار شد با حضور خودش در فرانسه این فرش دو رویه را به سازمان ملل یونسکو هدیه کند. که این کار انجام شد. یا در روزهای مناسبتی ناشنوایان را به سیما می‌بردم تا مردم از توانایی‌های آنان مطلع شوند خودم هم در برنامه‌های مختلف با هدف اطلاع‌رسانی و آگاهی مردم شرکت می‌کردم.

### **مخالفتان زبان اشاره در سیما**

ناگفته نماند که عده‌ای ناآگاهانه و عده‌ای به دلیل متبیت‌ها و انحصار طلبی‌های خودشان خیلی تلاش کردند تا جلوی پخش برنامه‌ها را بگیرند حتی کسانی که روزی بهترین دوستان و همکارانم بودند کسانی که می‌دانستند این برنامه‌ها چقدر برای ناشنوایان اهمیت دارد اما از آنجا که هدف من خدمت به جامعه ناشنوایان بود و با عشق کار می‌کردم و فقط توکلم به خدای مهربانم بود. با یاری خدای توانا و حمایت مسئولان چه در بهزیستی چه در صدا و سیما و همچنین همکاری خوب همکارم آقای محمودی و حمایت خیلی از خانواده‌های ناشنوایان این برنامه ادامه یافت.

### **تشکر ثمینه باغچه بان**

یک روز که ثمینه خانم به ایران آمده بود، به من زنگ زد و گفت می‌خواهد آقای دکتر کمالی و جعفری نیا را ببیند. من هم به آنان گفتم و جلسه برگزار شد. ثمینه خانم گفت: فقط می‌خواستم از شما به خاطر این کار بزرگ و مهمی که انجام دادید تشکر کنم و متذکر شد که این درخواست خود ایشان بوده که در چنین جلسه‌ای شرکت کند. چون سال‌ها ناشنوایان خواستار چنین برنامه‌هایی بودند من هم وظیفه خودم دانستم تا بیایم و از شما تشکر کنم.

### **همکاری فاطمه غلامی**

کار گسترش پیدا کرده بود و من به تنهایی نمی‌توانستم از عهده همه کارها برآیم. آقای جعفری نیا گفت یک نفر را معرفی کن برای همکاری با تو در برنامه‌های سیما. من هم خانم بهادری را معرفی کردم ایشان پذیرفت و گفت کس دیگری را بیاور. پس از مشورت با آقای محمودی خانم فاطمه غلامی ازناوله را معرفی کردم ایشان با همکاری خانم غلامی موافقت کردند. و از من خواستند به جد ایشان را آماده اجرا نمایم. من هم سعی خودم را کردم. ضمن آنکه این خانم دارای شخصیت خوب و همکاری خوبی هم با ما داشت با آقای کلانتری بزرگوار صحبت کردم و خواهش کردم برنامه «تصویر زندگی» را با ایشان اجرا نمایم که پذیرفت. مدتی ایشان را با خودم به

پخش می بردم تا با چگونگی کار و اجرا آشنا شوند سپس به صورت مشترک برنامه را اجرا می کردیم تا اینکه یک روز در میان کار را به عهده گرفت و راه افتاد.

### **عدم پرداخت حقوق**

شبکه دو هم مدت ها پولی به ما نمی داد. اما آقای دکتر کمالی هر سه ماه یا شش ماه یک مبلغی را به صورت چک به من و خانم غلامی به عنوان پاداش می داد. مبلغ زیادی نبود اما ما را خوشحال می کرد چون می دیدیم مسئولان قدر زحمت های ما را می دانند. اما بعدها شبکه دو نزدیک عید به هر نفر ما یک سکه می داد در این میان نامه ای از طرف ریاست سازمان بهزیستی به ریاست محترم صدا و سیما دادیم و بیانیه پایانی سمینار مسئولان کانون های سراسری کشور که در ۲۳ و ۲۴ خرداد سال ۷۷ به پیشنهاد آقای جعفری نیا در زاهدان صادر شده و خواسته های دقیق و کارشناسی شده ای داشت را به پیوست فرستادیم. من هم مسئول پیگیری بودم بالاخره قرار شد در جلسه ای با حضور کارشناسان صدا و سیما درخواست های نامه بررسی شود. اما در این روزها دیگر آقای جعفری نیا مدیر کل ما نبود از دفتر ما رفته بودند و به جای ایشان آقای نجفی آمده بودند. که ایشان هم از کارهای من حمایت می کردند ضمن آنکه آقای جعفری نیا به دلیل دوستی با آقای دکتر کمالی برنامه های سیما را رها نکرد.

### **موافقت مدیریت سیما با درخواست ها**

در جلسه ای خواسته ما از صدا و سیما مطرح شد آن ها هم با توجه به امکانات سازمان موافقت کردند که مانند خیلی از کشورهای دیگر قابی در گوشه تصویر باز شود و مترجم زبان اشاره (رابط) برنامه ها را برای ناشنویان ترجمه کند. ما زیرنویس هم خواسته بودیم اما سازمان گفت نیاز به بودجه و اقدامات خاصی دارد که فعلاً نمی تواند انجام دهد. اما همین موافقت هم غنیمت بود. سپس من در نامه ای از طرف دکتر کمالی خواستار همکاری صدا و سیما در استان ها با بهزیستی جهت فعال شدن استان ها در بخش خبرهای استانی برای ناشنویان شدم. البته خیلی طول کشید اما خوشبختانه موافقت شد. در راستای این اقدام چند استان با همکاری بهزیستی و جلسات کارشناسی با حضور بنده و مسئولان صدا و سیما در استان مربوطه بخش خبر با رابط فعال شد. در سال ۷۸ شبکه خبر تأسیس شد یک ماه پس از تأسیس آقای جعفری نیا که با مدیران به ویژه مدیر پخش آقای وفسیان دوست بودند صحبت کرد و قرار شد یک بخش خبری در ساعت ۵ بعد از ظهر با رابط پخش شود. سردبیر این بخش آقای حکیم هاشمی که در کار خود استاد و اعضای تحریریه افراد پر تجربه و با علمی از جمله: آقایان مرشد زاده، خوش سیما و سرداری زاده بودند. این هم لطف خدا بود که از این بزرگواران آموختم. همه هم از دوستان و همکاران آقای جعفری نیا بودند. در این بخش خبری من و خانم غلامی اجرا داشتیم. البته همیشه من خواستار بزرگتر شدن قاب خبر و کم شدن سرعت گوینده برای خواندن خبر بودم آن مسئولانی که در این مورد تصمیم می گرفتند. بیشتر به فکر کار خودشان بودند. اما ما غنیمت می شمردیم و می خواستیم این حق ناشنویان را حفظ کنیم ضمن آنکه خبر ناشنویان یا بعضی از گزارشات کشورهای دیگر را هم که با رابط ناشنویان بود می دیدیم بعضی وقت ها از قاب ما کوچک تر بود. اما همیشه برای رسیدن به اهداف تلاش می کردیم. رفت و آمد ما به سازمان به عهده خودمان بود شبکه خبر نخستین بخشی بود که به ما شیفته دو هزار و پانصد تومان می داد اما آقای دکتر کمالی دستور داده بود ما با آژانس برویم و سازمان بهزیستی پول آن را پرداخت نماید.

کار ما در سیما اهمیت داشت و پخش خبر و برنامه‌ها با زبان اشاره ضمن آنکه فرهنگ ناشنوا را معرفی می‌کرد حداقل آنکه جامعه با فرهنگ ناشنوا آشنا شده بود و هر کسی با زبان اشاره صحبت می‌کرد دیگر خجالت نمی‌کشید سطح آگاهی مردم بالا و بینش آن‌ها از توانمندی ناشنوا تغییر کرده بود خاطریم هست یک روز مادری که بغض در گلویش بود به من زنگ زد و گفت نمی‌دانم چه بگویم خیلی از تو ممنونیم که با این کار به بچه من اعتماد به نفس دادی او گفت همیشه ما سریال‌ها را برایش کم و بیش تعریف می‌کردیم اما امروز من خانه نبودم وقتی آمدم او موضوع سریال را برایم تعریف کرد، تشکر می‌کرد. همچنین خود ناشنوایان عزیز که همیشه قدردانی می‌کردند و همین برای من کافی بود. ضمناً ناشنوایان هم در استان‌ها اگر می‌خواستند. می‌توانستند کلمات را با زبان اشاره از طریق سیما بیاموزند.

### مشکلات و موانع

#### اشاره

کار بزرگی در سیما شروع شده بود، از یک طرف ناشنوایان منتظر بودند تا نتایج عملی و عینی این پروژه را ببینند و شاهد حل مشکلاتشان از طریق حضورشان در سیما بودند؛ از طرف دیگر، پروژه جدید بود و بعضی مدیران نسبت به آن توجیه نبودند یا قبول نداشتند. از طرف دیگر کسانی که مانع تراشی می‌کردند و چوب لای چرخ می‌گذاشتند. همچنین امکانات و نیروهای ما هم اندک بود و کم‌کم تمام وقتم در هر هفته برای برنامه اخبار ناشنوایان و استفاده از رابط می‌گذشت و همه وجودم درگیر امور این پروژه شده بود و خستگی و کثرت کار ضعیفم کرده بود. این بخش را به مشکلات و موانع اختصاص می‌دهم تا بلکه تجربه‌ای برای دیگر کارها باشد.

#### چگونگی اجرای اخبار

حالا فقط در سیما کار می‌کردم ناگفته نماند که بخش خبر ناشنوایان روزهای پنجشنبه ضبط و در روزهای جمعه از شبکه دو پخش می‌شد را آقای بنی هاشمی که پس از آقای جعفری نیا سردبیر آن بود، با اصرار زیاد چند سالی بود به من داده بود. این بخش هم در ابتدای کار، خبرها جمع‌آوری و با دست نوشته می‌شد و دو دبیر خبر داشت که در رادیو کار می‌کردند. آن‌ها اصلاً ناشنوا و نیاز آن‌ها را نمی‌دانستند. با آنان جلسه‌ای گذاشتم و توضیح دادم که چگونه باید خبرها را ببینند اما متأسفانه آن‌ها عادت کرده بودند فقط لید خبرها را برای این بخش آماده می‌کردند. و زمان خبر هم بسیار کم شده بود حتی بعضی اوقات زیر ده دقیقه بسته می‌شد. پس مجبور شدم خبرها را خودم آماده کنم با توجه به اولویت نیاز ناشنوایان و به صورت ساده و در جملات کوتاه که قابل استفاده برای ناشنوایان باشد. ضمن آنکه فرمت خبر حفظ شود. هفته‌ای دو روز به سازمان می‌رفتم خبرهای یک هفته همه شبکه‌ها را بررسی می‌کردم با توجه به اهمیت و اولویت از بین آن‌ها انتخاب کرده پرینت می‌گرفتم و به خانه می‌بردم، چون خبر ما دست نویس بود پس از اقدامات لازم آن‌ها را آماده می‌کردم سپس پنجشنبه هر هفته به استودیوی در بخش فنی برای ضبط می‌رفتیم. گویندگان ناشنوا ما هم آقایان: محمودی و پیروزی بودند. آقای نورمحمدی هم نریشن(۱) می‌خواند یعنی گوینده شنوا بود. ابتدا من سعی کردم برای آقای نورمحمدی همکاری بیاورم چون برای یک نفر مشکل بود آقای سید حسین حسینی را آوردم که یک هفته در میان خبرها را می‌خواند. اما به دلیل

مشغله کاری ایشان در رادیو. دو گوینده دیگر را پی در پی آوردم. به دلایلی که قبلاً گفتم خیلی علاقه نشان ندادند و رفتند. آقای محسن سعیدی یکی از همکاران خوب در پخش را جایگزین ایشان نمودم. با آنکه ایشان مسئول تهیه کنندگان بود اما با علاقه با ما همکاری کرد. کار برای من که دست تنها بودم و تمام پنجشنبه ها و دو روز در هفته درگیر این خبر بودم، بسیار سخت بود.

## تحولات جدید

### یک روز آقای رضایی (۱)

دید خبرها دست نویس است، گفت: چرا تایپی نیست و اصرار کرد که حتماً خبرها را تایپ کن. خدا خیرش بدهد. با تأکید ایشان مجبور شدم خبرها را تایپ کنم که خیلی راحت تر از نوشتن بود به دلایل مختلف. کم کم سیستم صدا و سیما تغییر کرد و دیگر از فیلم بتا کم استفاده نمی شد و ضبط برنامه ها روی پی دی بود. از شبکه دو تماس گرفتند و گفتند خبر را روی پی دی ضبط کنیم و بفرستیم چون از نوار به نوار دیگر تبدیل کردن کیفیت خبر را پایین می آورد در استودیو فنی هم ما خیلی اذیت می شدیم چون در آن روز خبر دیگری هم ضبط می شد. و ما از بخش دیگری به آنجا می رفتیم خیلی از ما استقبال خوبی نمی شد. فقط خانم حدیدی یکی از کارگردانان بسیار خوب بود که با رغبت با ما همکاری می کرد. پیش خانم نکویی یکی از مسئولان دفتر آقای سید مهدی مدیرکل محترم پخش رفتیم و گفتم وقتی می خواهم تا مشکلاتم را به ایشان بگویم. خدا خیرش دهد؛ با ایشان دوستی هم داشتم، پیشنهاد کرد به حاج آقا سید مهدی مدیرکل محترم پخش نامه بنویس؛ من هم نامه نوشتم و مشکلات را مطرح کردم و درخواست نمودم که ما هم مانند بخش های دیگر خبر سیما در واحد خودمان خبر را ضبط کنیم ساعت آزاد استودیو را هم به ایشان پیشنهاد کردم. ایشان هم یکی از مدیران بزرگواری بود که دستور مساعدت و تشکیل جلسه ای با مدیران مربوطه را داد تا درخواست مرا بررسی و اعلام نظر کنند. خوشبختانه در نهایت موافقت شد. البته با تلاشی که کرده بودم حالا تحریریه ما از: آقای محمودی و خانم غلامی و دانش تشکیل شده بود. همه از کسانی بودند که با ناشنوا ارتباط داشتند و کار را می شناختند. دوباره تصمیم گرفتم نیروی جدیدی را به گروه ناشنویان اضافه کنم. ورود به سازمان هم کار ساده ای نبود چون تعدیل نیرو داشتند. زمان خانم صدر دانش هم این مشکل را داشتیم اما چون ایشان در شبکه دو از قبل تصویر داشت و کار تخصصی بود توانستیم ایشان را بیاوریم. دیدم تنها راهی که می توانم نیرو بیاورم. از طریق برنامه شبکه دو «تصویر زندگی» است با آقای سلطانیان تماس گرفتم. و گفتم برایم ادامه کار مشکل است و خواهش کردم خانم حمیرا سیمرخ، درباره او قبلاً با گروه مشورت کرده بودم، به جای من با برنامه همکاری کند. ایشان ابتدا گفت حیف است و باز هم با ما همکاری کن. اما من از ایشان خیلی تشکر کردم و در نهایت لطف کرد و پذیرفت. از این پس برنامه تصویر زندگی را خانم ها غلامی و صدر دانش و سیمرخ اجرا می کردند. تصمیم داشتم کم کم ایشان را به خبر بیاورم. اما متأسفانه نشد. چون مبلغ حق الزحمه ای که پرداخت می شد چندان نبود. من حتی با یکی از همکاران آقا به نام آقای بصیرت که در استان یزد رابط بود، صحبت کردم بیاید و با ما همکاری کند، وقتی دستمزد را پرسید، گفت خیلی کم است و نیامد به

ص: ۴۰

طور کل حق الزحمه ما حتی از گویندگان عادی کمتر بود با آنکه کار تخصصی و مشکل بود. به طوری که در جهان کار مترجمین زبان اشاره جزء مشاغل سخت شمرده شده و حقوق خاصی برای این شغل در نظر گرفته می شود. اما کسانی که با ما همکاری می کردند بیشتر افراد علاقه مند بودند و با عشق کار می کردند.

حذف رابط: از طرفی شبکه ۵ هم چند مدیر عوض کرد تا به آقای رجبی معمار رسید. ایشان هم مرد خوب و دلسوزی بود. اما جوان ناشنوایی در همسایگی ایشان خواستار زیرنویس در برنامه ها شده بود. مدتی هم بود که من خانم دانش را به جای خودم معرفی کرده بودم. آقای رجبی معمار هم تحت تأثیر این جوان چند پرسشنامه با سؤالات بسیار محدود داده بود تا ایشان از ناشنوایان سؤال کند کدام روش را می خواهند. این کار یک روش غیر علمی بود چون معلوم نیست چه کسانی به این پرسشنامه که سؤالات آن هم تخصصی نبود پاسخ داده بودند. بالاخره ایشان تصمیم گرفت رابط را که طرحی ملی و فقط در کشور ما آغاز شده بود به طوری که آقای محمودی در سفر ژاپن مطرح کرده بود و آنها تعجب کرده و مایل بودند کار را ببینند، حذف کند و به جای آن از زیرنویس استفاده کند. خیلی از ناشنوایان پیش من می آمدند و می گفتند همان رابط بهتر بود. بنابراین خیلی بهتر بود رابط و زیرنویس با هم باشد. زیرنویسی هم که استفاده می شد کار کارشناسی نشده بود. چون همه دیالوگ ها نوشته می شد بدون هیچ تغییری که برای جامعه ناشنوا خیلی قابل استفاده نبود. اما ما گفتیم خوب است و اشکالی ندارد. حتی نامه تشکر هم از این اقدام نوشتیم. فکر کردیم شاید بتوانیم کم کم با جلسات کارشناسی مسئولان مربوطه را متقاعد کنیم و از زیرنویس مخصوص ناشنوایان هم استفاده نماییم. البته به هدف نرسیدیم و پس از مدت کمی این بخش هم حذف شد. یک موضوعی را می خواستم بگویم متأسفانه در سازمان صدا و سیما مدیران با برنامه های ناشنوایان به طور سلیقه ای برخورد می کردند نه اینکه خود را موظف به اجرای بخشی از برنامه ها برای ناشنوایان بدانند. البته بیشتر آنان همکاری می کردند. من هم تا مدیر جدید می آمد وقت می گرفتم و در جلسه ای لزوم برنامه را توضیح می دادم. کم کم رابط در برنامه تصویر زندگی هم قطع شد. اما حالا دیگر با گسترش وسایل ارتباط جمعی برای همه به ویژه مدیران ثابت شده که باید ناشنوایان هم به خصوص در خبر از حضور رابط استفاده کنند چون در همه شبکه های جهانی این اقدام دیده می شود.

تغییرات در سیما: حالا- دیگر سازمان به ویژه معاونت سیما اطلاع رسانی به ناشنوایان را بخشی از وظیفه خود می داند. کم کم فرمت خبر ناشنوایان با حمایت های خوب مدیر محترم پشتیبانی آقای رضایی و جلسه کارشناسی تغییر کرد. و بر این شدیم تا خبر ناشنوایان نیز مانند خبرهای دیگر شبکه دو از تیتراژ هماهنگ با خبرهای دیگر و با تغییرات اساسی مناسب با توانایی های ناشنوایان - حتی خبر به صورت نوشتاری در قاب ویژه تصاویر قرار گیرد. البته این کار مسئولیت ما را خیلی بیشتر کرد چون کنداکتور خبر روی آنتن می رفت پس ما باید پس از پایان کار دوباره خبر را ویرایش کنیم تا هیچ اشتباهی نداشته باشد ضمن آنکه وضعیت نوشته ها را در زمان ضبط دقت کنیم که کلمات خوردگی یا از هم جدا نشود. اما بسیار راضی و خوشحال بودیم چون با کامل ترین روش جهانی (ارتباط کلی) خبر روی آنتن می رفت. خدا را شکر که توانستیم این کار را هم انجام دهیم.

نیروی جدید: ضمناً مدت زیادی بود که در مورد عدم استفاده از نیروهای بازنشسته صحبت می شد. آقایان محمودی و پیروزی هم می گفتند نیاز به نیروی جدید در خبر ناشنوایان برای گویندگی دارند. با آقای رضایی بزرگوار صحبت کردم ایشان پذیرفتند نامه به آقای سید مهدی مدیرکل محترم پخش دادیم تا اجازه دهند فرد جدیدی را بیاوریم. من هم با مشورت و پیشنهاد همکارانم آقایان محمودی و پیروزی آقای کیخسرو رنگرز حق را معرفی کردم. این پروسه با پیگیری های فراوان نزدیک به یک سال طول کشید چون سازمان اجازه نیروی جدید نمی داد. بالاخره به لطف خدا و حمایت مسئولان پخش موفق شدیم. آقای رنگرز را دعوت به همکاری کنیم. ایشان جوانی مسئولیت پذیر، فعال، علاقه مند، با معرفت و اخلاق بود. مدتی روش کار را دید و تمرین کرد؛ تا اینکه خواستیم با فرمت جدید خبر ضبط کنیم که از ایشان استفاده کردیم. در این مدت خانم غلامی به دلیل مشغله خانوادگی خواستار قطع همکاری با ما شد. من خیلی تلاش کردم تا ایشان را منصرف کنم چون مشکل بود تا بتوانیم نیروی مانند ایشان آماده و از همه مهم تر جذب نماییم. بالاخره موفق شدیم ایشان را در شبکه خبر حفظ کنیم اما از خبر اخبار ناشنوایان و ۳۰ و ۲۲ رفتند. می خواستم خانم سیمرخ را جایگزین ایشان کنم وقتی با او صحبت کردم متأسفانه دیدم با توجه به شرایط جدی و حساسیت کار و میزان کم حق الزحمه تمایل ندارد به خبر بیاید. اما خانم فرشته بایقره که در خبر سیمای استان تبریز رابط ناشنوایان فردی علاقه مند به کارش و متواضع بود. و با همکاری و نظر کارشناسی خودم در استان مشغول شده بود ازدواج کرده به تبعیت از همسر به تهران می آمد. دوباره نامه ای به مدیرکل محترم پخش نوشتم و خواستار نیروی جدید شدم ایشان با بزرگواری پذیرفتند اما امور اداری می گفت ما نمی توانیم نیرو بگیریم. پیش کارشناس مربوطه رفتم و با ایشان صحبت کردم و گفتم که باید نیروی جدید بیاوریم. پس از چندی دوباره پیگیری کردم گفت نشد رفتم پیش حاج آقا(۱) و ایشان گفتند دوباره درخواست بنویس. اطاعت کردم دوباره درخواست نوشتم از طرفی هم پیش کارشناس مربوطه رفتم و گفتم من خودم کارمند بودم در چنین مواقعی با توضیحات لزوم این کار را می نوشتم. و گفتم اگر این خانم نیاید خبر ناشنوایان آسیب می بیند. پس از شما هم توقع دارم چنین کنید. البته نظر مثبت حاج آقا مهم بود. پس از نه ماه پیگیری موفق شدیم ایشان را جذب کنیم اما آقای رضایی مدیر محترم پشتیبانی پخش گفتند باید همسر خانم بایقره از شرایط کار مطلع و متعهد شوند که همکاری ایشان با ما ادامه یابد. که پذیرفتند. تا ما این خانم را آماده و به کار بگیریم خانم غلامی در این بخش با ما همکاری می کرد اما بسیار محدود بیشتر مسئولیت این بخش به عهده خانم صدر دانش بود. شبکه دو هم دیگر تصویر زندگی با رابط را قطع کرده بود ولی بخش خبر دیگر بخشی جدا نشدنی از سیستم اطلاع رسانی سازمان شده بود.

### برتری ایران در اطلاع رسانی ناشنوایان

خوشبختانه باید بگویم اخبار برای ناشنوایان کشور ما و در شبکه خبر به رغم همه مشکلات و کج فهمی ها و موانع پیشرفت خوبی داشت و حتی زودتر از شبکه الجزیره برای ناشنوایان فعال شده بود. در صورتی که این شبکه در اطلاع رسانی ادعا داشت. اما ژاپن فعال تر بود. پس از سال ها و تغییرات مختلف حالا ما دو بخش خبری در شبکه خبر داشتیم صبح

ص: ۴۲

و عصر من هم بسیار کم شیفیت داشتم چون می خواستم کم کم کار را به جوان ها واگذار کنم ولی دوستان نمی گذاشتند و می گفتند اگر چه کم اما بیا من هم قبول می کردم.

## تقدیر و تکریم با کارشکنی

### اشاره

در سال ۱۳۸۵ در جشنواره خبر از من به عنوان مجری فعال و درجه یک قدردانی شد که مسبب آن آقای میربهای بزرگوار بود. از ایشان بسیار سپاسگزارم. در آن روز خانم عاطفه درزی خبرنگار شبکه خبر با من مصاحبه کرد من بغض داشتم. او پرسید خوشحالی گفتم خیلی. او نمی دانست چرا اما من نه به دلیل معرفی به عنوان مجری برتر یا جایزه بلکه به خاطر اینکه سازمان ما را بخشی از کار خود دانسته و به آن توجه کرده بود و به این دلیل خوشحال بودم. خدا را شکر. همچنین از طرف مسئول امور زنان معاونت سیاسی خانم شریفی عزیزم و همکاران محترم ایشان هم چندین سال به عنوان سردبیر و فعالیت هایی که داشتم در روز میلاد بزرگ خانم حضرت زهرا (س) و روز زن مورد تقدیر قرار گرفتم تا سال ۱۳۹۱ که همکاران خانم شریفی از من خواستند اقدامات مختلفی را که انجام داده ام با مدرک به دفتر ایشان بدهم اطاعت کردم و بردم در این سال در روز میلاد حضرت زهرا (س) سرور کائنات عزیز پیامبرم - تاج سرم و روز زن به عنوان زن برتر معاونت سیاسی و برگزیده سازمان از من قدردانی شد.

### مخالفت بعضی مدیران

لازم است سربسته یک گزارش درباره وضعیت پخش خبر برای ناشنویان و وضع استفاده از رابط در سیمای ملی ایران بنویسم تا در تاریخ بماند. نسل های بعد فکر نکنند این گونه امور به راحتی اجرا شده است. خواست خانواده ها و جامعه ناشنویان مسئولان در معاونت سازمان بهزیستی را وا داشت تا برنامه زبان اشاره را اجرا کنند. یک مدیرکل در خبر بود که یک روز مرا صدا کرد و گفت من با خبر شما مخالفم چون تصویر شما مانند پارازیت در گوشه تصویر خبری قرار دارد. من هم جواب دادم بخش ما پارازیت نیست بلکه اطلاع رسانی برای قشری است که سیما وظیفه دارد و به آنها آگاهی بدهد. پارازیت آن لوگوی بزرگ خبر است زیرنویس فارسی و زیرنویس انگلیسی که برعکس یکدیگر حرکت می کنند چون فارسی از راست تصویر بود و انگلیسی از چپ تصویر آن ساعت که زمان را نشان می دهد این ها پارازیت هستند ایشان در جواب به من گفتند شما بسیار حاضر جواب هستید. گفتم شما گفتید من هم نظر را گفتم.

ایشان همان سردبیر خبری بود که برای نخستین بار در شبکه چهار ما خبر با رابط را در هفته جهانی اجرا نمودیم آن زمان هم بسیار مخالف بود که موفق نشد. حالا از بد روزگار مدیرکل خبر شبکه خبر شده بود. اما به لطف خدا ما کار را ادامه دادیم.

### همکاری با کارشکنی

اکثر مدیران و همکاران در سیما با بزرگواری و رغبت با ما کار می کردند معدود کسانی هم بودند که مخالفت می کردند و یا با اکراه همکاری می کردند. زمان برنامه را کم می کردند یا ساعت آن را تغییر می دادند و غیره. بعضی مواقع هم امکانات کم بود. ولی ما در هر شرایطی کار می کردیم. و به خواست خدا پیش رفتیم تا به هدف خود اگر چه هنوز کم است اما به بخشی از آن رسیدیم و به جرأت می گویم که در منطقه خودمان یکی از کشورهای پیشرفته در این امور هستیم. یک روز آقای بنی هاشمی و دکتر کمالی از من خواستند در آموزش مدیران منطقه ای



افغانستان که با مساعدت مؤسسه ای سوئدی برگزار می شد، همکاری کنم و به ایشان زبان اشاره و توانبخشی شنیداری آموزش بدهم. چون زبان ما دو کشور فارسی است و فرهنگ نزدیکی داریم بسیاری از اشارات ما برای آنان قابل استفاده است با آنکه فشردگی کار من آن زمان زیاد بود. اما با کمال میل این کار را انجام دادم پایان این دوره ۲۵ اسفند ۸۶ بود.

## کلابه کوچک

گله کوچکی از کسانی دارم که یا فرزند ناشنوا دارند یا خود ناشنوا هستند و برخی از همکاران در حوزه توانبخشی بهزیستی دوباره می گویم:

من با تمام مشکلات کار را در صدا و سیما آغاز کردم بسیار مکاتبه شد. جلسات کارشناسی متعددی گذاشته شد. تا هماهنگ می شد. یک برنامه با رابط برای عزیزان ناشنوا پخش گردد هدف ارتقاء سطح آگاهی جامعه از ناشنوا بود. و بهره مند شدن ناشنوایان از برخی برنامه های خبری، فرهنگی. آموزشی و اطلاع رسانی سریع در ضمن آموزش زبان اشاره در حین بهره مندی از برنامه ها و یکسان سازی اشارات در سراسر کشور در نهایت آموزش زبان و توانبخشی به جامعه ناشنوا آنهایی که از بیرون تماشاگر بودند بسیار از واقعیات دور بودند. تصور می کردند چه در آمدی ما داریم حتی یکبار آقای جعفری نیا به شوخی به من گفتند آخر هر ماه که می روی خانه بگو چند محافظ همراهت بیایند تا این گونی های پول را برایت جابجا کنند. خدا شاهد است در بهزیستی همکارانم به من می گفتند تو با این حقوقی که می گیری و این همه می دوی یا عاشقی یا دیوانه. من هم می گفتم هر دو.

در صدا و سیما هم هیچ کس باور نمی کرد که ما با مبلغ ناچیزی که می گیریم با دل و جان و جدیت کار می کنیم. شب و روز، تعطیل و غیر تعطیل و تماشاگران بیرون از گود می گفتند آقا محمد معروف شده. برای کی من معروف شدم. البته از افرادی که محبت داشتند و از من تقدیر می کردند سپاسگزارم من هدفم ناشنوایان بود هر چه می کردم برای آنها بود آنها هم مرا می شناختند. از کار زیاد وقتی دستم ورم کرد و دیگر کار برایم ممنوع شد و رفته رفته دیگر تصویری نداشتم کی سراغ من را گرفت.

عیبی ندارد. دلخور نیستم. فقط خدا را شاکرم که با پشتوانه و حمایت او با قدرت پیش رفتیم و هر روز برنامه های مختلفی برای ناشنوایان با رابط در گوشه تصویر قابل استفاده می شد. از ابتدا درخواست ما هم زیرنویس بود هم رابط اما با توجه به امکانات سازمان صدا و سیما با افزودن رابط موافقت شد ما هم کار را آغاز کردیم اما همیشه به دنبال زیرنویس هم بودیم.

ولی متأسفانه بعضی ها که خود ناشنوا داشتند یا ناشنوا بودند به جای حمایت از این برنامه از هیچ کوششی برای قطع آن دریغ نکردند چرا، چون می خواستند برنامه در دست خودشان باشد من یا رضا محمودی را کارشناس زبان اشاره نمی دانستند.

ما که از نخستین افراد گروه زبان اشاره در ایران بودیم. من مسئول بخش زبان اشاره بودم. یکی از اعضای تصمیم گیرنده در تصویب اشارات بودم.

به صدا و سیما به مدیران ارشد بهزیستی وقتی جدید می آمدند نامه می نوشتند جلسه می گذاشتند و می گفتند برنامه را قطع کنید تا ما بگوییم برنامه ها چگونه باشد. با ما مشورت کنید ما کارشناس هستیم یکبار نشد نامه ای بنویسند از برنامه تشکر کنند و بگویند این حق ناشنوایان است و باید زیرنویس هم بگذارید.

ما تلاش کردیم رابط را گذاشتیم حالا دست در دست هم تلاش کنیم زیرنویس را برای ناشنوایان بگذاریم نتیجه چه شد تا وقتی من بودم با جدیت و یاری خدا برنامه ها ادامه داشت اما وقتی شخص دیگری را معرفی می کردم پس از چندی برنامه قطع می شد و هیچ کس نبود که اعتراض کند. یک مدت کوتاهی در شبکه پنج زیرنویس آن هم به صورت عادی نه ویژه برای ناشنوایان بود اما چون پشتوانه نداشت حذف شد. در این میان ضرر متوجه چه کسانی شد. جامعه ناشنوایان. خوب حالا هم رابط روی فیلم ها و سرگرمی و تصویر زندگی قطع شده و هم آن زیرنویس ناقص. جنب و جوش کنندگان کجایند تا دوباره برنامه ها را که حق ناشنوایان است بگیرند. خیالشان راحت شد. بارها دیدم چه بهزیستی، چه مراکز غیر دولتی ناشنوایان NGOها چه خود عزیزان ناشنوا نامه نوشتند و خواستار سریال هایی مانند حضرت یوسف، مریم و غیره شدند تا حداقل با رابط پخش شود آیا شد.

از همه ناشنوایانی که خود را متولی ناشنوایان می دانند می خواهم تنگ نظری ها را کنار بگذارند. به خودشان نیندیشند به آن نوزاد ناشنوایی فکر کنند که تازه در خانواده ای شنوا به دنیا آمده هم او و هم خانواده اش هیچ اطلاعی از مسیر پرفراز و نشیب زندگی پیش روی او ندارند. و نیاز به زبان آموزی به ویژه زبان اشاره دارند. راه را برای این عزیزان هموار کنیم. چون عمر می گذرد و هیچ کس ابدی نیست تا مدتی ما هستیم چه بخواهیم و چه نخواهیم باید کار را به دیگری بسپاریم و برویم پس تلاش کنیم تا هستیم دست در دست هم برای حل مشکلات و رسیدن به هدف که همانا ارتباط و استقلال و اعتماد به نفس برای ناشنوایان آینده است تلاش کنیم.

سخن آخر: ای کاش این عزیزان که تمام نیروی خود را صرف مبارزه با کسانی کردند که هدفشان خدمت به عزیزان ناشنوا بود تا زمانی که بودند تلاش می کردند حداقل برای ادامه راهشان جایگزین بیابند گروه توسعه زبان اشاره در دانشگاه علوم توانبخشی بهزیستی قبل از آنکه بازنشسته شوند افراد ناشنوا توانا و علاقه مند و جوان را دعوت به کار می کردند تا روش انتخاب و تصویب اشارات را بیاموزند و در نبود آنان کار را ادامه دهند تا این نهال کوچک آسیب پذیر رفته رفته با حضور جوانان ناشنوا به درختی تنومند تبدیل شود. نتیجه کار چه شده است گروه کارشناسی زبان اشاره یک به یک بازنشسته شدند و دفتر توسعه زبان اشاره تعطیل شد.

مدیران وقت در کانون ناشنوایان هم که خود را متولی آموزش رابط و غیره می دانند، برای توسعه و آموزش زبان اشاره چه کرده اند. آیا می شود یک جوان بی تجربه، بدون آگاهی از روند پیدایش و ایجاد زبان اشاره در ایران بدون پشتوانه علمی و عملی خارج از کشور سکان دار آموزش و توسعه زبان اشاره در ایران باشد.

آیا وقت آن نرسیده به خود آییم. البته باید بگویم کمی دیر شده است. دوباره از ابتدا آغاز کردند بسیار مشکل تر از زمانی است که برنامه ریزی داشته باشیم برای ادامه راه.

من حقیر در بهزیستی خانم غلامی را جایگزین خود کردم. در صدا و سیما خانم صدر دانش را و برای گویندگی آقای رنگرز و خانم ها غلامی، صدر دانش و بایقره را و تحریریه خبر ناشنوایان هم از افراد علاقه مند یا خانواده ناشنوایان جایگزین شده اند. با همه مشکلات و محدودیتی که جذب نیرو در سال های اخیر داشت.

البته به یاری خدای مهربان و پشتیبانی مدیران دلسوز که همراهیم کردند. این کارها انجام شد از آنها سپاسگزارم. باید بگویم متأسفانه هنوز مردمان کشور من باور ندارند که هر کسی دوره اش به پایان می رسد پس اگر می خواهیم کاری که آغاز کردیم ادامه داشته باشد باید به دیگران فرصت و آموزش بدهیم تجربیات خود را منتقل کنیم به جای تنگ نظری و متیت ها با هم همکاری کنیم. و به پیشبرد هدفمان بیندیشیم زیرا فرصت های طلایی ماندگار نیستند باید در زمان خودش از آنها بهره مند شویم تا کارمان، هدفمان، عمرمان و تلاشمان به هدر نرفته نابود نشود، امیدوارم.

### اشاره

دوره اول همکاری ام با سازمان رفاه ناشنوایان در سال ۱۳۵۳ بود که بعداً در سازمان بهزیستی ادغام گردید. مجدداً از سال ۱۳۶۷ به عنوان کارشناس امور ناشنوایان با این سازمان همکاری را آغاز کردم. ولی این همکاری در دوره هر مدیر تحولاتی را به همراه داشت. اکنون به تحولات مهم در ادوار مختلف می پردازم.

### تشکیلات جدید سازمان و همکاری جدید

### اشاره

سازمان بهزیستی، تشکیلات جدیدی را مطرح کرد. در ساختار جدید، ما در گروه آموزش و پژوهش قرار گرفتیم و خانم بهناز نسوادرانی مدیر این بخش شد. ایشان از همکاران قدیمی بود. خانم الهه قاسمی شاد هم با مادرشان خانم طاهره محمد پور در گروه آموزش و پژوهش بودند همه در یک طبقه بودیم و با هم کار می کردیم. کتاب زبان اشاره دیگری آماده چاپ می شد در این کتاب اشارات دست طراحی شده بود.

### جدا شدن از گروه زبان اشاره

دختر دومم به دنیا آمده بود. و همسر من که در نیروی هوایی خدمت می کرد به منطقه جنگی (دزفول) اعزام شده بود. من تنها بودم با دو فرزند کوچک، مسافت طولانی بین خانه و محل کار؛ بچه ها را باید به مهد نزدیک خانه در خیابان نیروی هوایی در ساعت ۷ تحویل می دادم و تا ساعت ۸ به محل کارم در خیابان ولی عصر، بالاتر از ونک، خیابان رشید یاسمی جنب سوانح و سوختگی می رسیدم. بسیار مشکلات زیاد بود؛ تازه وقتی به خانه می رسیدم باید مایحتاج بچه ها و زندگی را خودم تأمین می کردم؛ خیلی چیزها کوپنی شده بود و باید خودم تهیه می کردم. بچه ها اگر مریض می شدند، آنها را به دکتر می بردم و دارو و غیره گاه با زحمت تهیه می کردم. بعضی وقت ها با پخش صدای آژیر، دختر کوچکم را بغل می گرفتم و دختر بزرگم را دستش را می گرفتم و از پله های تاریک به دلیل قطع برق، پایین می آوردم. ما آن زمان در خانه های سازمانی دوشان تپه زندگی می کردیم که پایگاه نظامی بود. روزهای سختی بود، خیلی سخت. گاه دچار میگرن های شدید می شدم، بالاخره تصمیم گرفتم از گروه زبان اشاره جدا شوم و به کلینیک توانبخشی و شنوایی در چهار راه ولی عصر، منتقل شوم. با انتقال موافقت شد اما به شرط آنکه هفته ای دو روز در گروه به کارم ادامه دهم. ناگفته نماند که در این مدت هم روی کتاب فرهنگ زبان اشاره فارسی کار می کردیم. از ابتدا کلمات را بررسی و آقای منصور استخری که استاد زبان فارسی در دانشگاه بود با ما همکاری می کرد تا لغات از نظر معنی و مفهوم و ریشه آن کلمه درست انتخاب شود. خانم بهادری هم به تازگی از امریکا برگشته بود. با خیال راحت انتقالی گرفتم فقط هفته ای دو روز در جلسه نهایی شرکت می کردم. همسر من هم برگشته بود اما زیاد با کار کردنم موافق نبود و من با سه فرزند دو دختر و یک پسر و مشکلات زیاد نتوانستم ادامه دهم؛ از این رو از کارم که قبلاً دوستش داشتم و از همکاران و دوستانم در گروه زبان اشاره جدا شدم و خودم را با خرید کردم. پس از آن در خانه بودم. اما اگر شرایطی پیش می آمد و کمکی می توانستم انجام دهم، دریغ نمی کردم.

یک روز آقای فتوحی از من خواست چند روز در سمیناری که بهزیستی در دانشگاه علوم توانبخشی بهزیستی برگزار می کند، به عنوان رابط یا همان مترجم زبان اشاره همکاری کنم. با کمال میل قبول کردم. بماند که هیچ کس برای این همکاری از من حتی تشکر هم نکرد. خلاصه هر کاری که می توانستم انجام دهم بدون توقعی می پذیرفتم و انجام می دادم.

هشت سال گذشت بچه هایم بزرگ شدند آنها به من پیشنهاد می کردند برگرد به کاری که دوست داشتی الان دیگر ما بزرگ شدیم. ضمن آنکه زندگی روال خودش را طی می کرد و من هم از نظر روحی خسته بودم گاهی به همکاران قدیم سر می زدم بعضی اوقات آقای مدیر زاده از مدیران جدید و همکاران دوران قبل را می دیدم که به من پیشنهاد می کرد برگردم و قراردادی با گروه زبان اشاره کار کنم. البته یکی دو بار به دوست و همکارم گفتم، مایلیم برگردم اما او از صحبت من استقبال نکرد من هم پیش خودم گفتم خوب نمی خواهد و دیگر حرفی نزدم.

تا اینکه یک روز برای دیدن همکاران قدیم به ستاد سازمان بهزیستی کشور رفتم و آقای محمد علینقی از دوستان دوره نه ماهه و هم دانشگاهی و همکار بزرگواریم را دیدم به من گفت نمی خواهی برگردی. گفتم چرا دوست دارم گفت بلند شو بریم پیش آقای رحیم اف مدیرکل دفتر توانبخشی معلولین؛ پیش ایشان رفتیم. آقای رحیم اف من را از قدیم می شناخت گفت با ریاست سازمان صحبت می کنم شما یک درخواست بنویس چون در بخش ناشنوایان هیچ نیرویی نداریم. من گفتم به خانواده ام نگفتم ایشان گفتند تا اقدامات اداری انجام شود شما هم آماده می شوید پذیرفتم و درخواست خود را به ایشان دادم.

یک ماه بعد از طرف ایشان به من زنگ زدند و گفتند فردا با مدارک لازم به دفتر اداره بروم. روز ۱۶ تیر سال ۱۳۶۷ کارم دوباره آغاز شد آن هم به صورت قراردادی با حداقل حقوق یک فرد شرکتی. از آنجا که کار با ناشنوایان را دوست داشتم به مبلغ توجهی نکردم. البته چون چند سال از کار اداری دور بودم کمی برایم مشکل بود، اما تلاش کردم هر چه از گذشته، از سابقه کار یا نامه ای در ارتباط با ناشنوایان وجود داشت که بسیار کم هم بود مطالعه کردم. به لطف خدا گذشته کاری من با افراد بزرگی چون ثمینه باغچه بان و جولیا سمیعی بود خیلی زود آماده شدم با عشق و علاقه کار کردم به استان های مختلف سفر و وضعیت بخش ناشنوایان را بررسی می کردم ناگفته نماند چون قراردادی بودم به من اضافه کار یا حق مأموریت پرداخت نمی شد، برایم هم مهم نبود. یادش به خیر خدا رحمت کند آقای رحیم اف را که به من می گفت کرکره ناشنوایان را تو بالا بردی چون مدت ها تعطیل بود و کسی نداشتیم تا برای ناشنوایان کار کند.

در ستاد بهزیستی جلسات مختلفی برگزار می شد و برای کل استان ها برنامه ریزی و تصمیم گیری می شد من سعی می کردم به نفع ناشنوایان اقدام کنم. در این مدت طرح ملی توانبخشی ناشنوایان تا سال ۱۴۰۰ را نوشتم چند مطلب هم در ارتباط با ناشنوایان در روزنامه ها به نام من چاپ شد.

## سمینار کانون های سراسر کشور

در ۲۳ و ۲۴ خرداد سال ۷۷ به پیشنهاد آقای جعفری نیا سمینار مسئولان کانون های ناشنوایان سراسر کشور در زاهدان برگزار شد و با راهنمایی های ایشان که تجربه ای از سمینار دانمارک داشتند بیانیه ای صادر شد که در آن خواسته ناشنوایان به ویژه از صدا و

سیما درج شده بود در این بیانیه بخش های مختلف از جمله برنامه کودک، برنامه های آموزشی و خبر با زیرنویس و بخش هایی هم با مترجم زبان اشاره خواسته شده بود.

این سندی بود از درخواست ناشنوایان از سازمان های مختلف که یک بخش آن هم صدا و سیما بود.

## اشتغال و مشکلات

### اشاره

من در ۱۶ تیرماه ۱۳۶۷ دوباره مشغول به کار شدم چون قبلاً باز خرید شده بودم قانون اجازه استخدام دوباره به من نمی داد اما با توجه به تجربه و آگاهی هایم در بخش ناشنوایان و کارهایی که قبلاً انجام داده بودم. آقای رحیم اف مدیرکل دفتر معلولان ستاد بهزیستی با تلاش و اعلام نیاز به ریاست محترم وقت سازمان بهزیستی آقای دکتر جزایری مجوز کار مرا گرفته بودند.

### حقوق مالی

اما به صورت قراردادی یک ساله در انتهای قرارداد یک تبصره اضافه شده در صورت مأموریت حق الزحمه ای به اینجانب پرداخت گردد. و خود من به عنوان پیمانکار تلقی شده ام اما از پایان این قرارداد به بعد من به صورت نیروی شرکتی مدتی در تعاونی بهزیستی و مدتی در شرکت نوا افزا که مربوط به معلولان بود حکم گرفتم همیشه قراردادهایم یک ساله بود و هیچ افزایش حقوقی مبنی بر سنوات به من تعلق نمی گرفت ضمن آنکه حق مأموریت هم پرداخت نمی شد. چندین بار آقای جعفری نیا اعتراض کردند و گفتند وقتی نیاز است ایشان به استان ها برای رفع مشکلات بروند باید حق مأموریت بگیرد. مدیرکل کارگزینی قبول نمی کرد یک روز به من گفتند چون شما نیروی شرکتی هستی حتی اجازه نداری به مأموریت بروی اگر هر اتفاقی برایت بیفتد هیچ کس پاسخگوی شما نخواهد بود بنابراین من بدون حق مأموریت و با مسئولیت خودم به استان ها سفر می کردم. (نامه مدیر اینجانب به کارگزینی برای کسر نکردن حقوق نوشته شده که اعلام شده آقامحمد به مأموریت می رود از حقوقش کم نکنید و غیبت محسوب نگردد).

### کار با حداقل حقوق

تمام سال هایی که در بهزیستی کار می کردم همیشه پایه حقوقم حداقل کارگری بود چون قرار دادم یک ساله بود مدرک لیسانس هم محاسبه نمی شد. «جالب اینکه شخصی که چایی می آورد و نظافت میز مرا به عهده داشت حقوقش از من خیلی بیشتر بود» اما من واقعاً حقوق برایم خیلی اهمیت نداشت کارم را دوست داشتم و می دانستم فرصت زیادی برای کار در بخش ناشنوایان ندارم. ناگفته نماند همیشه به لطف خداوند مهربان با توجه به کار و کوششی که می کردم و گزارش هایی که از کارم به مسئولانم می نوشتم مورد توجه و شناخت همه مدیرانم بودم. به طوری که بعضی اوقات آنان به اتاقم زنگ می زدند و در مورد کار با من گفتگو می کردند یا خود به اتاقم می آمدند.

(خدا را شاکرم) در صدا و سیما هم کسی دیگر مرا کارشناس دفتر توانبخشی بهزیستی نمی شناخت. در مورد کارهای مربوط به برنامه ناشنوایان با من به عنوان کارشناس مسئول ناشنوایان مشورت می کردند و تا آنجا که امکان داشت نظر مرا تأمین می کردند. در مدتی که در صدا و سیما بودم هر چند نیروی انسانی می خواستم مدیران کل محترم با من همکاری می کردند و آنان را جذب می کردند.

اما متأسفانه نیروی تخصصی رابط ناشنوایان که آماده برای گویندگی خبر باشد بسیار اندک بود و هست خلاصه اینکه در صدا و سیما هم سال ها بدون حق الزحمه کار کردم. بعد از چند سال بالاخره مدیر محترم تأمین برنامه شبکه ۲ آقای کلانتری در ایام عید یک سکه به عنوان هدیه به ما می دادند که نامه اش را ارسال نمودم. هر روز ۵/۱ ساعت برنامه با رابط ناشنوایان تصویر زندگی از شبکه ۲ پخش می شد. شبکه ۵ هم همین طور چیزی پرداخت نمی کرد تا اینکه بعد از چندین سال صدایم در آمد و گفتم بالاخره ما هم اینجا کار می کنیم باید حق الزحمه ای بگیریم که مسئول مالی شبکه به بهزیستی نامه نوشت و گفت حق الزحمه ایشان را چگونه پرداخت می کنید که مدیرکل دفتر هم در جواب گفت ایشان در وقت خارج از اداری در شبکه شما کار می کند پس حق الزحمه به عهده شماست.

البته از آن زمان به بعد مبلغ خیلی ناچیزی به من پرداخت کردند. هدفم از این پیگیری ها این بود که آنان کار رابطی را بخشی از برنامه های خود بدانند تا دیگران که جای من می آیند جزء کارمندان آنها تلقی شود و در برابرشان مسئولیت داشته باشند.

### مشاورات معاونت توانبخشی و کارگزینی

هر چند سال در بهزیستی که با حداقل حقوق کار کارشناسی، برنامه ریزی، ارائه طرح، خدمات توانبخشی، رفاهی و فرهنگی انجام می دادم نامه می آمد که چون خانم آقامحمد بازرخیدی است دیگر نمی توانیم با او قرارداد بنویسیم. منع قانونی دارد بارها دکتر محمد کمالی معاونت توانبخشی بهزیستی با مدیرکل کارگزینی به خاطر من جر و بحث می کردند و دکتر کمالی می گفت باید راهی پیدا کنید تا آقامحمد بتواند با ما همکاری کند.

### رکود دوره نظم ده

پس از دکتر کمالی هم دکتر مکارم همین طور برخورد می کرد تا رسید معاونت توانبخشی به آقای نظم ده، در دوره ایشان رکود کاری شدیدی در توانبخشی ایجاد شد. به طوری که خودم داوطلب خاتمه کار در بهزیستی شدم. با مدیرکل محترم دفترمان آقای مرادی صحبت کردم و گفتم دیگر نمی خواهم بهزیستی بیایم ایشان از من خواستند صبر کنم. تا اینکه دوباره از آن نامه ها که نمی توانیم با نیروهای بازنشسته و بازرخیدی کار کنیم، برایم آمد. من هم از خدا خواسته به کارم در بهزیستی خاتمه دادم.

رفتم بیمه تا ببینیم برای بازنشستگی چه کار کنم شعبه ۲۱ پارک شهر در خیابان بهشت.

آنجا خانمی که در بیمه بود به من گفت چون پرداختی بیمه ات کمتر از ده سال است هیچ کاری نمی توانی بکنی. ناراحت شدم و گفتم پس پول بیمه ای که پرداخت کردم را بهم بدهید.

گفت نمی توانیم این پول پیش ما می ماند گفتم این که نشد کار نه می گویند چه کار کنم نه پول را برمی گردانید. یک خانمی آنجا مرا صدا زد و گفت برو با یک شرکت یا کارخانه ای صحبت کن بیمه ات را پرداخت کند بعد از مدتی می توانی خودت ادامه دهی.

به لطف خدا زمانی که در بهزیستی بودم یک مرکز معلولان که تولیدی پوشاک داشت و بیست و چند نفر از کارگران ۴۵ نفری آنجا ناشنوا بودند و مدیر این تعاونی از همکاران خوبم در دفتر توانبخشی به نام آقای احتشامی بود چندین بار از من خواسته بود برای حل مشکلات تولیدی به آنجا بروم و گفته های ایشان را برای کارگران ناشنوا با زبان اشاره «رابط» بگویم من هم با کمال میل این کار را انجام می دادم در این لحظه به یاد ایشان افتادم. به آقای احتشامی زنگ زدم و گفتم ماجرا این طور است اگر آنها قبول کنند من حق بیمه ام را از طریق تعاونی ایشان پرداخت کنم. منوط به اینکه هر زمانی که

برای جلسات و مشاوره به رابط نیاز داشتند با آنها همکاری کنم. ایشان گفتند خبر می دهند. خیلی زود به من خبر دادند و گفتند مشکلی نیست. همکاریام موافقت کردند.

آقای احتشامی بزرگوار و خانم هانیک خواه گل و زارعی عزیزم در پایان هر ماه وقتی بیمه ام را پرداخت می کردم در ورقه ای دست نوشته رسید می دادند و مهر تعاونی را زیر آن می زدند، هر وقت هم جلسه ای بود من همکاری می کردم.

تا اینکه متأسفانه با توجه به مشکلات فراوان مالی این شرکت تعاونی تولیدی پوشاک با ۴۵ کارگر که همه آنان معلول بودند از ناشنوا تا نیمه شنوا، جسمی حرکتی، کم توان ذهنی ورشکست شد و تعطیل گردید. حالا پرداخت بیمه من از ده سال بیشتر شده بود از این دوستانم بسیار سپاسگزارم. نمی توانم محبت آنان را جبران کنم. امیدوارم که خداوند یار تک تک شان باشد. حالا دیگر بیمه اختیاری شدم چند ماه را که پرداخت کردم. از صدا و سیما نامه ای برایم آمد از امور اداری که اگر می خواهید با ما ادامه کار بدهید باید بیمه شوید. و اگر نه قطع ارتباط کاری خواهید شد. به امور اداری مراجعه کنید. رفتم آنجا همه همکاران خوبم بودند که مرا می شناختند. گفتم من از خدا می خواهم که شما بیمه ام کنید. گفتند نیمی را از حقوق کم می کنیم نیم دیگر را ما پرداخت می کنیم. من هم سابقه بیمه ام را نشان دادم و گفتم ترجیح می دهم خودم پرداخت کنم و شما نیمی را که باید به من بدهید به حسابم بریزید قبول کردند از ایشان هم ممنونم اوایل مرتب به حسابم ریخته می شد. اما کم کم این وضع به هم خورد و من هم خیلی پیگیری نمی کردم تا اینکه بالاخره در اواخر مردادماه ۹۶ با حداقل حقوق کارگری بازنشسته شدم.

## فعالیت های متنوع

### اشاره

در بهزیستی اسماً کارشناس ناشنوایان در معاونت توانبخشی بودم ولی در عمل آچار فرانسه و در امور مختلف بودم و امور مختلف توسط معاون یا مدیران به من ارجاع می شد. اینجا گزارشی از کارهایی که انجام می دادم ارائه می کنم.

### جلد چهارم زبان اشاره

معاونت توانبخشی نظرم را درباره جلد چهارم کتاب زبان اشاره خواسته بود و من نظر مثبت داده و بر لزوم چاپ آن تأکید کردم، سپس با هماهنگی های دکتر کمالی. من به عنوان کارشناس تخصصی طرح انتخاب شدم. قرار بود هزینه چاپ کتاب را حوزه ما پرداخت کند. هفته ای یک روز به دانشگاه علوم توانبخشی بهزیستی که دفتر توسعه زبان اشاره آنجا بود می رفتم کلمات را گرفته توضیحات اشارات که جلوی آن ها نوشته شده بود را دریافت و نظر ناشنوایان سراسر کشور که توسط گروه زبان اشاره جمع آوری شده بود را می گرفتم و در سازمان یک به یک بررسی می کردم و نظرم را یادداشت می کردم و در جلسه مطرح می کردم ضمناً لغات ضروری که برای آن ها هنوز اشاره ای مشخص نشده بود را بیان می کردم از جمله کلماتی مانند: رهبری، جمهوری، دولت، حکومت و غیره. آقای محمودی هم به دلیل تشکیلات اداری با توجه به مدرک تحصیلی اش از گروه جدا شده بود و در ستاد بهزیستی نه در دفتر ما بلکه در طبقه دیگری به کار مشغول بود. من خوشحال بودم که ایشان پیش ما بودند چون با یک نامه به مدیر محترمشان از همکاری ایشان استفاده می کردیم. اما حیف که از گروه توسعه زبان اشاره جدا شده بودند. آقای



محمودی همکاری بسیار خوبی با من داشت مانند دست راست من بود. ضمناً در این مدت که با من همکاری می کرد ایشان را معرفی کردم تا از طرف معاونت برای آموزش دوره کوتاه مدت به دعوت ژاپن به این کشور برود و با راهنمایی اینجانب از مأموریت خود گزارش کاملی به دفتر روابط بین الملل دادند. ایشان تجربه خوبی از سفر کسب کرد. یک سال بعد هم با مشورت ایشان آقای روزبه قهرمان را معرفی کردم و چون زمان کم بود آقای محمودی خیلی تلاش کردند تا ایشان بتواند به دوره ژاپن برسد. ناگفته نماند که در گروه زبان اشاره آقای موسوی تبحر خاصی در مورد پیشنهاد اشاره برای کلمات جدید داشت. مسئول گروه هم دکتر یونس لطفی بود. همکاری من با همه مشکلات برای کتاب جلد چهارم زبان اشاره ادامه داشت.

### **همکاری برای زیرنویس فیلم های خانگی**

یک روز چند نفر به محل کارم در بهزیستی آمدند و گفتند از «مؤسسه جوانه پویا» هستند و در فیلم های خانگی فعالیت می کنند. خواستار همکاری با من بودند و می گفتند مایل اند فیلم های سینمایی را مانند سریال های شبکه ۵ با رابط ضبط کنند. من قبول کردم به این شرط که زیرنویس ویژه ناشنوایان هم داشته باشد تا هر ناشنوایی که بخواهد فیلم را ببیند بتواند از اشاره یا زیرنویس استفاده کند آن ها پذیرفتند من هم ۵ فیلم را در ابتدا انتخاب کردم سه فیلم ایرانی و دو فیلم خارجی. که یکی از آن ها فیلمی فکاهی که مستر بین در آن بازی کرده بود. ابتدا چند روز کار رابطی آن ها را انجام دادم سپس دیالوگ فیلم را گرفتم و روی همه حرف های فیلم کار کرده - ساده و کوتاه کردم تا در زیر فیلم ها نوشته شود. این کار تمام شد و به فروش رسید. اما به دلایل مختلفی مانند عدم تبلیغات لازم و غیره... کار ادامه نیافت. بعدها بارها یکی از آقایان این مؤسسه خواستار همکاری بودند که من دیگر توان آن کارهای قبل را نداشتم آن ها را با آقای محمودی آشنا کردم تا به جای من با آنان همکاری کنند.

### **ثبت روزهای جهانی معلولان در تقویم ایران**

یک روز با امضاء دکتر کمالی نامه ای به وزارت ارشاد نوشتم و درخواست ثبت روزهای جهانی ناشنوایان - نابینایان و معلولین در تقویم را نمودم. پیگیری کرده به وزارت ارشاد رفتم معاون مالی آن وزارت خانه از آشنایان و دوستان قدیم خانوادگی ام بود. ضمن آنکه پوستر روز جهانی ناشنوایان را داده بودیم تا ارشاد آن را تأیید کند ولی زمان کمی داشتیم از ایشان کمک خواستم چون باید پس از تأیید آن وزارتخانه برای چاپ می بردیم و تعدادی را در سراسر کشور به مراکز می فرستادیم خلاصه ایشان لطف کرد و دستور مساعدت داد در مورد روزهای جهانی هم کارشناس مربوطه به من گفت یک هفته را نمی توانند برای ناشنوایان بپذیرند چون روزهای مناسبی زیادی دارند اما یک روز را می پذیرند من هم روز هشتم که روز خاصی نبود و آخرین روز هفته جهانی ناشنوایان در جهان بود را پیشنهاد کردم. پذیرفته شد و از سال بعد در تقویم روزهای جهانی ناشنوایان ۸ مهر، نابینایان ۲۹ مهر و معلولان ۱۲ آذر ثبت و نوشته می شود.

### **آموزش ناظم مدارس و دیگر عوامل مراکز آموزشی**

همچنین در ستاد هفته ای یک روز در دو ساعت ناظم و چند معلم از یک مدرسه کودکان استثنایی - ناشنوایان را آموزش می دادم. مدیریت این برنامه بر عهده خانم بیدقی بود. کسانی در این برنامه آمدند که به زبان اشاره علاقه مند و به لزوم آموزش با روش ارتباط کلی معتقد بودند. کسانی که آموزش می دیدند موظف بودند در مدرسه خود، کلاس گذاشته و به معلمان آموزش دهند. ضمناً هفته ای دو روز به همکاران علاقه مند در ارتباط با

ناشنوایان در ستاد، هم زبان اشاره آموزش می دادم. اما از آنجا که اجباری نبود خیلی ادامه نیافت. در بهزیستی سعی کردیم کمک هزینه رابطان ناشنوایان برای دانشجویان را بپردازیم. به همین دلیل با خانم محمدی یکی از ناظران دانشگاه شریعتی که در جنوب تهران بود دوست شدم و با ایشان در این امور همکاری می کردم.

### تربیت رابط و آوردن نیروی جدید

پس از مدتی نیاز به رابط در دانشگاه ها زیاد شد. بعضی از دانشجویان ناشنوا از نزدیکان خود کمک می گرفتند برخی از جزوات همکلاسی ها استفاده می کردند بعضی را هم ما رابط معرفی می کردیم که به پیشنهاد آقای محمودی خانم شیدا صدر دانش را معرفی کردم. ایشان را علاقه مند به این کار دیدم چون گزارشی که از کار می داد خیلی خوب بود. تصمیم گرفتم طرح آموزش رابط در کوتاه مدت را بنویسم؛ قبلاً خانم بهادری طرح چهار ساله آموزش رابط برای دانشگاه را نوشته بود؛ چون خیلی لازم بود. طرح نه ماهه و به صورت نمونه در استان تهران را نوشتم به صورت کامل همه موارد دیده شده بود از جمله استادان، هزینه ها و غیره. همچنین می خواستم با کمک یکی از عزیزان ناشنوا به نام خانم حمیرا عبادی که معلم در سازمان کودکان استثنایی بود یک کتاب در قطع کوچک برای خانواده های ناشنوایان بنویسیم. خانم عبادی چگونگی قرار گرفتن زبان در دهان را زمان ادای حروف را بسیار زیبا کشیده بود من هم مطالب مختلف آموزشی مورد نیاز کودک ناشنوا از ابتدای تولد تا دبستان را می نوشتم. همچنین روی ضرب المثل های فارسی که زیاد در مکالمه استفاده می شود مقداری کار کرده بودم که به پیشنهاد خانم محمدپور عزیز قرار بود با همکاری هم مجموعه ای را درست کنیم. که متأسفانه در این زمان آقای دکتر کمالی نتوانست با مدیر جدید سازمان همکاری کند. و از معاونت توانبخشی رفت اما قبل از رفتن به من گفت: اگر روزی بهزیستی نیامدی، صدا و سیما را رها نکن چون خیلی برای ناشنوایان اهمیت دارد. قبل از این هم در روز مادر و زن مرا به عنوان زن نمونه از دفتر معرفی کرده بود و از رئیس جمهور محترم وقت آقای خاتمی سکه گرفتم. قبلاً با درخواست ایشان و پیگیری فراوانی که داشتم موفق شدیم خانم غلامی را به بهزیستی بیاوریم ایشان را به اتاق خودم آوردم تا در کنار من با کارها آشنا شوند. ولی بسیاری از کارها که آن زمان کم کم به پایان می رسید رها شد و در کشوی میز راکد ماند. از جمله کتابی که با خانم عبادی ناشنوا و معلم کودکان استثنایی آماده می کردیم. معاونت جدید آمد و مدیرکل ها همان مدیران قبل بودند. یک روز معاونت توانبخشی جدید آقای دکتر مکارم مرا صدا زد و گفت چند نفری هستند که یک مخالفت هایی با کار شما دارند نظر شما چیست من توضیح دادم و در آخر گفتم اگر با نظر آن ها موافق هستند من مشکلی ندارم از بهزیستی می روم چون حقوق چندانی نمی گیرم دوست دارم برای ناشنوایان کار کنم فقط همین. ایشان به من گفتند ناراحت نشو شما به کارت ادامه بده من هم از شما حمایت می کنم. در سیما شبکه خبر توانستیم دو بخش را بگیریم. کارها زیاد بود ضمن اینکه در شبکه دو سیما ساعت ۳۰ و ۲۲ به پیشنهاد سردبیر آقای حسینی که قبلاً در شبکه خبر بودند و ما را می شناختند از ما دعوت به همکاری کردند. که این خبر هم به بخش ناشنوایان اضافه شد. در ابتدای کار بودیم که پدر خانم غلامی به رحمت خدا رفتند من مجبور بودم با همه کارهای زیاد یک ماه کامل هر شب این بخش را پوشش بدهم ضمن آنکه شبکه خبر بود و شبکه ۵ و ۲ و کار در بهزیستی. به آقای جعفری نیا که حالا از خبر رفته و در جام جم مدیر بودند گفتم یک نیرو بیاوریم گفت معرفی کن با

مشورت آقای محمودی و شناختی که از خانم شیدا صدر دانش داشتم ایشان را معرفی و نزد ایشان بردم. ایشان را پذیرفت. با پخش سیما صحبت کردم مدیران وقت آقای سید مهدی و آقای رضایی با همکاری خانم صدر دانش موافقت کردند. ایشان را هم مانند خانم غلامی مدتی به پخش بردم تا با چگونگی کار آشنا شوند. پس از مدتی ایشان برنامه را اجرا کردند. کم کم من سعی می کردم کارها را به جوان ترها بدهم یک روز با مدیر پخش شبکه ۲ آقای سلطانیان بزرگوار صحبت کردم تازه هم کمرم را جراحی کرده بودم. گفتم که پس از عمل دیسک برایم طولانی نشستن مشکل است و حجم کارها زیاد است اگر اجازه بدهند یک نیروی دیگر بیاوریم. ایشان قبول کردند حالا من و خانم غلامی و صدر دانش اجرای تصویر زندگی را به عهده داشتیم. شبکه دو هم پس از سال ها بالاخره پذیرفت که باید هزینه مجریان را بپردازد اگرچه بسیار ناچیز بود. در بهزیستی هم مدیران جدید تصمیم گرفتند تشکیلات سازمان را تغییر دهند. در این تغییرات من به دفتر دکتر فتحعلی رفتم. یعنی در تغییرات فعلی، فقط نیروها جابجا شدند.

### نشر جلد چهارم

یک روز که از صدا و سیما به محل کارم رفتم دکتر فتحعلی مرا صدا زد و جلد چهارم کتاب زبان اشاره را به من داد. باید متذکر شوم با رفتن دکتر کمالی، دیگر دکتر لطفی جلسه ای با من نگذاشت البته آخرهای کار بود شاید دو جلسه آخر. جالب بود که در کتاب اسم من و چند نفر دیگر که کار کرده بودیم نبود چون فرصت طلبان از آب گل آلودی که تنگ نظران درست کرده بودند به نفع خودشان استفاده کرده بودند از جمله کسی که نامش به عنوان مؤلف در روی جلد نوشته شده بود. ده کلمه زبان اشاره را بلد نبود. حتی از معاونت توانبخشی که بودجه طرح و چاپ کتاب را گرفته بودند نامی برده نشده بود. آقای دکتر فتحعلی که در جریان کار بود به من گفت مهم نیست همین که تو را در سیما می بینند که موفق برایت کافی است. من گفتم که برایم مهم نیست چون به دنبال گرفتن امتیاز از کسی یا جایی نیستم فقط خدا را شکر که با چاپ کتاب قدمی برای رفع نیاز جامعه ناشنوا برداشته شد. برای من فقط رضایت خدا کافی بود. بگذریم بماند که هر چه بر ماست از ماست.

### برنامه برای هفته ناشنوایان

به هفته ناشنوایان نزدیک می شدیم، باید برنامه ریزی برای استان ها می کردیم این کار انجام شد. در تهران هم ستاد بهزیستی برنامه روز جهانی ناشنوایان را برگزار می کرد من هم از آقای رضا محمودی یکی از همکاران گروه زبان اشاره که شخصی بسیار فعال و مسئولیت پذیر و برنامه ریز بود از قبل با او کار کرده بودم و او را خوب می شناختم دعوت به همکاری کردم ایشان قبول کرد و همکاری ها آغاز شد. ضمناً همه ناشنوایان عزیزی که در بخش های مختلف ستاد کار می کردند به نام های معصومه رضایی و مرضیه و کیلی به ویژه کاملیا افضلی برای انجام کارهای این هفته با دل و جان مرا یاری کردند. همچنین خانم شهناز شعبانی عزیزم همکاری خوب داشت. بالاخره هفته ناشنوایان به خوبی برگزار شد.

### برگزاری سمینار سراسری

سپس یک سمینار سراسری از طرف دفترمان در ستاد بهزیستی برای توانبخشی کودکان ناشنوا و خانواده آن ها برگزار کردیم. من هم از گروه زبان اشاره و دوستان و همکاران عزیز قدیمی ام دعوت کردم. تازه هم ریاست سازمان تغییر کرده بود و دکتر محمد کمالی معاونت توانبخشی سازمان را به عهده گرفته بود. ایشان قبلاً هم سابقه معاونت توانبخشی را داشتند. او در این سمینار سخنرانی کرد و گفت این دوره تصمیم دارد برای ناشنوایان بیشتر کار کند. در این

سمینار هم با کار من که هم مترجم برای ناشنوایان (رابط) بودم و هم به عنوان کارشناس سخنرانی کرده و برگزاری سمینار را به عهده داشتم آشنا شدند. پس از مدتی آقای رحیم اف بازنشسته شد و دکتر کمالی به جای ایشان آقای محمداقر جعفری نیا را معرفی کرد. آقای جعفری نیا، گفتار درمان بود و قبلاً که در معاونت سیاسی صدا و سیما به عنوان سردبیر یک بخش خبری کار می کرد، الان مدیرکل دفتر ما شد. یک روز مرا صدا زد و گفت ناشنوایان گروه زبان اشاره را دعوت کن بیایند دفتر آن ها را ببینم. آقای جعفری نیا قبلاً با آنها آشنا و کار کرده بود و همچنین با آنها به خارج از کشور در سمینار جهانی ناشنوایان سفر کرده بود.

### **توانبخشی کودک و خانواده ناشنوا**

همزمان با این کارها در ستاد من طرح تأسیس مراکز توانبخشی کودک ناشنوا و خانواده (اندرزگاه مادر) را نوشتم. نه ماه در خانه روی «چگونگی مراحل مختلف توانبخشی کودک و خانواده ناشنوا» کار کردم. به مهد کودک های عادی می رفتم، می خواستم بدانم یک کودک عادی قبل از مدرسه رفتن چه می آموزد. هدف من از ارائه این طرح اصلاح آموزش و توانبخشی در این مرکز و مراکز مشابه غیر دولتی بود.

خانم یزدان دوست مسئول مهدهای کودک بهزیستی سراسر کشور بود و با بزرگواری تمام مرا راهنمایی می کرد. در همین زمان بود که سمینار مهدهای کودک سراسر کشور در دانشگاه علوم توانبخشی سازمان بهزیستی برگزار شد من هم شرکت کردم و خیلی مطالب یاد گرفتم با تجربیات خودم در بخش ناشنوایان طرح آموزش و توانبخشی کودک ناشنوا و خانواده را نوشتم. وقتی تمام شد، خدا را شکر کردم که این فرصت را به من داد تا بتوانم این طرح را تمام کنم. البته طرح چگونگی تأسیس مراکز توانبخشی کودک و خانواده ناشنوا را نیز نوشتم. یک روز نامه ای از معاونت محترم توانبخشی دریافت کردم که ایشان خواسته بودند نظرم را در مورد لزوم چاپ جلد چهارم کتاب زبان اشاره بگویم. من هم به عنوان کارشناس بدون آنکه چه تلخی ها از دوستان دیده بودم چون هدف من خدمت به جامعه ناشنوا بود که بسیار مظلوم واقع شده بودند نه انتقام از چند نفر که خودشان هم اهمیت و ارزش کار در سیما را می دانستند. نظر موافقم و دلایل کارشناسی را به دکتر کمالی معاونت محترم توانبخشی ارائه نمودم. ایشان هم با چاپ و تأمین مالی هزینه های آن موافقت نمودند.

### اشاره

با توجه به اینکه متولد ۲۰ بهمن ماه ۱۳۳۳ هستم، و حالا دیگر سن ام از پنجاه سالگی گذشته بود. و بر اساس تلقی مردم گذشت از پنجاه سالگی قوای جسمانی تقلیل می رود و جسم در سراسی بی ضعیف شدن قرار می گیرد.

### علل کناره گیری

### اشاره

علل مختلف در کناره گیری من از کادر سازمان بهزیستی مؤثر بود. اکنون به برخی از این عوامل می پردازم.

### تغییر مدیران و رفتن از بهزیستی

با تغییر ریاست جمهوری این مدیران هم تغییر کردند. حالا معاون توانبخشی استان تهران به عنوان معاونت توانبخشی بهزیستی کشور معرفی شد. یکی از همکاران خوب گذشته به نام آقای مرادی، مدیر کل دفتر ما شدند. روزها می گذشت و متأسفانه در بهزیستی کار خاصی انجام نمی شد. من از این وضعیت ناراحت بودم یک روز تصمیم گرفتم بهزیستی را رها کنم پیش آقای مرادی رفتم و نظرم را به ایشان گفتم. محبت داشت و گفت عجله نکن کمی صبر کن درست می شود. چند ماهی گذشت که نامه ای از نیروی انسانی سازمان دریافت کردم که نوشته شده بود دیگر نباید ادارات نیروی شرکتی داشته باشند. پس نمی توانند کار با من را ادامه دهند. خوشحال شدم پیش آقای مرادی رفتم ایشان گفتند بگذار با آقای نظم ده معاونت توانبخشی صحبت کنم ایشان شما را خوب می شناسند. تشکر کردم و گفتم خودتان می دانید که مایل بودم دیگر بهزیستی نیایم. بنابراین همه مدارک کارهای انجام شده و در دست اقدام را در پوشه های مجزا به خانم غلامی سپردم تا در صورت لزوم از آنها استفاده کنند و به آقای محمودی هم یک سری مدارک که برایش قابل استفاده بود از جمله: طرح کوتاه مدت آموزش زبان اشاره (رابط) فیلم ها و سریال های شبکه ۵ را که با اجازه آقای پورمحمدی بزرگوار مدیر محترم شبکه ۵ که روی نوارهای - وی اچ اس با همکاری روابط عمومی سازمان ضبط شده بود را تحویل دادم. از دوستانم در بهزیستی خداحافظی کردم.

### بیماری جسمی

یک روز پس از اجرای خبر دست راستم شدید ورم کرد رفتم دکتر گفت با این ورم حتماً شکسته است پس از عکس برداری و معاینه پزشکی دکتر ارتوپد گفت دچار کشیدگی شدید عضلات شده ای مگر چه کار می کنی که توضیح دادم ایشان گفت حتی اگر دستت خوب شود نباید اشاره کنی. اجرای زبان اشاره در قوانین بین الملل هر ۲۰ دقیقه کار یک ربع استراحت دارد. اما ما به دلیل نیروی کم نه در بهزیستی و نه در سیما هرگز این قانون را رعایت نکردیم بالاخره نامه ممنوعیت کار برایم نوشت. من هم به دوستان و مسئولانم نشان دادم و دیگر اجرا نفرتم. و مسئولیت اجرای برنامه های خیر و هماهنگی با دوستان به عهده خانم صدر دانش از همکاران بسیار خوب و مسئولیت پذیر و با پشتکار قرار دادم. اما سردبیری اخبار ناشنوایان را ادامه دادم تا به امروز که شهریورماه ۱۳۹۵ است عید امسال تصمیم گرفتم دیگر کار نکنم. تحریریه خبر ناشنوایان اعضای خوبی داشت. از جمله خانم نرگس امیری که در تحریریه قران کار می کرد. و به بخش خبری ما علاقه مند بود. من از او

درخواست همکاری نمودم و با کمال میل پذیرفت چون نیاز به نیرو داشتیم اما از آنجا که بخش خبری ما هفته ای یک روز آن هم پنجشنبه ها قبل از تعطیلی جمعه است و برآورد آن هم مبلغ چشمگیری نیست کمتر کسی می پذیرد که در این بخش کار کند ضمن آنکه کار ما از بخش های دیگر بیشتر است چون باید خبرهای یک هفته را بررسی همه گزارشات را مکتوب و سپس خلاصه و ساده کنیم. خوشحال شدم و در نامه ای از حاج آقا خواستم که اجازه بدهند خانم امیری که کارش را خوب بلد بود و بخش ما را دوست داشت و بسیار زحمت کش و با احساس مسئولیت بود با ما همکاری کند. ایشان هم جواب مساعد داد. حالا اعضای تحریریه خبر ناشنوایان عبارت بود از خودم، صدر دانش، امیری، رنگرز، بایقره و آقایان: محمودی و پیروزی. البته آقای پیروزی هم مدت ها قبل به دلیل بازنشسته شدن، همکاری شان با ما قطع شده بود. ورزشی هم آقای داوود حسین نژاد از همکاران تحریریه خبرهای ورزشی بود. پیشنهاد خیر ورزشی در اخبار ما را سال ها پیش ایشان داده بود و آقایان احمد نور محمدی از همکاران قدیمی و بسیار خوب و منظم که بدون دریافت حق الزحمه و با علاقه مندی با ما همکاری می کند و محسن سعیدی در خواندن نریشن با ما همکاری دارد. البته به دلایل کاری تصمیم گرفته شد چهار برنامه را آقای رنگرز با دو گوینده آقا و یک برنامه را خانم صدر دانش و امیری اجرا کنند. دیگر خیالم راحت بود. پس تصمیمم را به آقای نوریان مسئول دفتر آقای وثوقی راد که با تغییرات جدید مدیر کل محترم بخش اخبار سیما شده بودند مطرح کردم؛ ایشان که به من لطف داشتند و ضمناً یکی از نزدیکانشان ناشنوا بود، گفت اگر ممکن است چند ماهی صبر کنم تا وضع بهتر شود چون با تغییر ریاست سازمان صدا و سیما، مدیران کل هم به تازگی تغییر کرده بودند؛ نکند خدایی نکرده به خبر ناشنوایان آسیبی برسد و به من گفت عجله نکن. ضمناً خانم صدر دانش هم با توجه به شرایط جدیدش از من خواهش کرد حداقل تا شهریور صبر کنم من هم قبول کردم.

## زمان بازنشستگی

در مردادماه سال ۱۳۹۵ درخواست بازنشستگی خود را به تأمین اجتماعی دادم چون من خودم را بیمه مشاغل آزاد کرده بودم. پذیرفته شد و اکنون مراحل مختلف آن در حال انجام است. همچنین نامه درخواست پایان کار خودم را به مدیر کل محترم بخش آقای وثوقی راد دادم و خانم صدر دانش را به جای خودم برای سردبیری اخبار ناشنوایان معرفی کردم.

## نوشتن کارنامه و انتقال تجارب

### اشاره

دو هفته پیش هم آقای محمودی به سازمان آمدند با هم کمی درباره کارها و غیره و تصمیم خودم صحبت کردم. ایشان نظرش این است که اگر می توانم بمانم و بعد اصرار کرد تا خلاصه ای از کارهایی که انجام داده ام را بنویسم تا در حافظه تاریخ ثبت شود و به نسل های بعد منتقل گردد. من هم به احترام ایشان و وظیفه ام مطالب فوق را نوشتم. در پایان خدای مهربانم، پناهم، حامی ام، یارم و گیرنده دستم در روزهای سخت را شاکرم که توانستم در زندگی ام حتی اندک به جامعه ناشنوایان که بسیار دوستشان دارم خدمت کنم. امیدوارم ابتدا خدایم و سپس ناشنوایان عزیز از من راضی باشند. در پایان از همه کسانی که مرا در طی مسیر یاری کردند، بسیار سپاسگزارم.

## آشنایی از دفتر فرهنگ معلولین

در آبان ماه ۹۵ مدیر این دفتر، آقای محمد نوری تماس گرفت و گفت گزارشی از زندگی نامه و فعالیت های شما دیده ام و بسیار جذاب و مهم است. تأکید کرد که این

دفتر آمادگی دارد یک جلد کتاب درباره شما تألیف و منتشر کند و یک بزرگداشت هم جهت تکریم و قدردانی از فعالیت ها برگزار کند. من از ایشان تشکر کردم.

پس از مدتی آقای رضا محمودی تماس گرفت و درخواست مدارک و اسناد کرد. گویا دفتر فرهنگ معلولین از آقای محمودی خواستار اسناد و مدارک بنده شده بودند. پس از این متوجه شدم این دفتر در کارش جدی است. هر چه داشتم جمع و جور کردم و به آقای محمودی دادم.

در پایان یادآور می شوم که از تلاش و نیت خیر مدیریت این دفتر سپاسگزارم و آرزو مندم زحمات شما تأثیری ماندگار در توسعه فرهنگی جامعه هدف داشته باشد. (۱)

ص: ۵۸

---

۱- امضاء نویسنده در پایان این مطلب، به تاریخ ۱۵ شهریورماه است. به احتمال زیاد اوایل تابستان به توصیه آقای محمودی شروع کرده و در ۱۵ شهریورماه به اتمام رسانده و تحویل دفتر فرهنگ معلولین داده است.

اهم حوادث عمرم را که طی ۶۴ سال (۳۳ تا ۹۷) زندگی ام را ساخته و شکل داده معرفی می کنم.

۱۳۳۳ تولد

۱۳۳۹ رفتن به کلاس اول دبستان

۱۳۴۵ ثبت اختراع پدرش

۱۳۵۲ اخذ دیپلم

۱۳۵۲ آغاز دوره نه ماهه شنوایی سنجی

۱۳۵۲ به پایان رساندن دوره ماشین نویسی و اخذ گواهی نامه

۱۳۵۲ پذیرش در مدرسه باغچه بان

۱۳۵۳ اشتغال در سازمان رفاه ناشنوایان

۱۳۵۳ ازدواج با محمدرضا نوری تاجر

۱۳۵۳ پایان دوره نه ماهه

۱۳۵۳ قبولی در دانشگاه شهید بهشتی دوره فوق دیپلم شنوایی سنجی یا ادیومتریست

۱۳۵۳ پذیرش در سازمان رفاه ناشنوایان به عنوان کارمند

۱۳۵۳ تشکیل گروه تألیف و تدوین زبان اشاره در ایران و یکی از اعضای آن

۱۳۵۴ پذیرش در دانشگاه ملی ایران در مقطع کارشناسی

۱۳۵۶ ابلاغ تدریس در ساختمان یغما

۱۳۵۷ ابلاغ تدریس در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد

۱۳۵۷ تولد دختر بزرگش عاطفه

۱۳۵۷ درگذشت خانم سمیعی

۱۳۵۷ مسئول گروه زبان اشاره از طرف ثمینه باغچه بان

۱۳۵۹ ابلاغ احمد فتوحی سرپرست سازمان رفاه جهت تدریس

۱۳۵۹ انتشار نخستین کتاب فرهنگ زبان اشاره فارسی



۱۳۵۹ انتشار کتاب مهمان های ناخوانده

۱۳۵۹ درخواست انفصال از اشتغال

۱۳۶۱ اخذ لیسانس در رشته ادیولوژی

۱۳۶۳ انتشار کتاب آشنایی با اشارات ناشنویان

۱۳۶۷ بازگشت بر سرکار در بهزیستی

۱۳۶۷ دریافت گواهی نامه اتمام حرفه خیاطی

۱۳۶۸ انتشار کتاب مجموعه اشارات ناشنویان

۱۳۷۷ رفتن به تلویزیون و آغاز همکاری با این رسانه

ص: ۵۹

- ۱۳۷۷ مصاحبه با روزنامه زن: سکوت و تنهایی
- ۱۳۷۸ مصاحبه با روزنامه ایران: باور کنیم دیگران هم حق دارند.
- ۱۳۷۸ مصاحبه با مجله زنان: گوش ناشنویان
- ۱۳۷۹ گفت و گو با شبکه مرکزی خبر: درخشش مرحوم باغچه بان
- ۱۳۷۹ گفت و گو با یکی از جرائد در شهریورماه: دست هایی برای سخن گفتن
- ۱۳۷۹ مصاحبه با روزنامه جام جم: با زبان بی زبانی
- ۱۳۷۹ میزگرد چرا ما را نمی فهمید
- ۱۳۸۱ پذیرش مدیریت اخبار ناشنویان
- ۱۳۸۱ مصاحبه با روزنامه اطلاعات: بهار هم می گذرد
- ۱۳۸۱ مصاحبه با روزنامه اعتماد: حقیقت واقعی در سکوت نهفته است
- ۱۳۸۳ درخواست استعفا از بهزیستی
- ۱۳۸۳ میزگرد سهم ناشنوا از رسانه ملی
- ۱۳۸۵ قطع همکاری با بهزیستی
- ۱۳۸۶ مصاحبه با ایسنا: نخستین رابط ناشنویان
- ۱۳۸۹ انتشار جلد چهارم کتاب زبان اشاره فارسی
- ۱۳۸۹ فوت مادرش
- ۱۳۹۱ مصاحبه با روزنامه جام جم: اولین رابط ناشنویان در تلویزیون
- ۱۳۹۲ فوت پدرش
- ۱۳۹۳ درخواست کانون ناشنویان ایران از آقامحمد برای همکاری
- ۱۳۹۵ بازنشستگی در سیما



تدوین زندگی نامه برای کسانی که فعالیت های اجتماعی داشته اند یک ضرورت است؛ به ویژه کسانی که در زمینه ها و مسائل معلولیتی و معلولان فعالیت داشته اند ضروری تر به نظر می رسد. تدوین زندگی نامه به معنای جمع آوری مجموعه ای از تجاربی است که طی سال ها و دهه ها در افت و خیزها و در جریان سختی ها، کمبودها و ناملایمات به دست آمده است. هر یک از این تجربه ها می تواند، راهگشا و هدایت گر افراد متعدد در جریان امور گوناگون باشد. به همین دلیل گفته اند، زندگی نامه های افراد هر جامعه، سرمایه های ملی است که ارزش کمتر از معادن ندارد. زیرا شامل دستاوردها و تجربه هایی است که برای هر یک هزینه مادی و مالی فراوان، خرج و مصرف شده است.

از طریق زندگی نامه، این تجارب به نسل های بعد منتقل می گردد و آنان با چشم بازتر می توانند تصمیم بگیرند و حرکت کنند.

فاطمه آقامحمد اکنون ۶۳ بهار از زندگی اش می گذرد، اگر مبدأ شروع فعالیت هایش را سال ۱۳۵۲ بدانیم، بیش از چهل سال مدام در کار و کوشش بوده و اکنون به پختگی و کمال لازم رسیده است. و مرحله مهم تر و مؤثرتر در زندگی اش باید شروع شود. ولی متأسفانه در این مقطع روی افراد مارک و برچسب بازنشسته می چسبانیم و آنان را از همه فعالیت های اجتماعی مرخص می کنیم و به زور افراد را خانه نشین می سازیم. این وضعیت درباره برخی افراد صحیح است و اقدام درست همین تصمیم است. افرادی در دوره اشتغال دارای پست شغلی و مسئولیت مهم نبوده اند، اینان در دوره کاری خود صاحب تجربه هم نشده اند. اما افرادی مثل آقامحمد، اموری را باید از صفر با ابتکار و خلاقیت می ساخته و هر روز و هر هفته کاری آنان، مشحون از تجارب و دستاوردهای قابل توجه است. لاجرم این افراد را در نیمه راه نباید بازنشسته و خانه نشین کرد؛ بلکه اینان می توانند به مدیران بعدی و به نسل آتی مشاوره و آموزش بدهند. اما بازنشسته و خانه نشین کردن آنها به معنای هدر دادن ثروت عظیم کشور. زیرا هر یک از یافته های آنها، مخارج بسیار برای کشور داشته است.

زندگی نامه فاطمه آقامحمد بر اساس اسناد و مدارکی که خودشان زحمت کشیده و ارسال کردند، تدوین شده است. البته در بسیاری از موضوعات، سند وجود نداشت ولی همین اسناد هم مغتنم و مطلوب بوده است. زندگی آقامحمد را می توان به چند دوره مشخص تقسیم کرد. البته این دوره ها هم پوشانی هم دارد.

دوره نخست: دوره ابتدایی تا دیپلم (۴۰ تا ۵۲)؛ دوره دوم: تحصیلات تخصصی (۵۳ تا ۶۱)

دوره سوم: فعالیت آموزشی و پژوهشی در عرصه زبان اشاره (۶۱ تا ۷۷)

دوره چهارم: اشتغال در دو سازمان بهزیستی و صدا و سیما (۷۷ تا ۹۵)

این چهار دوره اصلی ترین ادوار زندگی ایشان است. ملاک و شاخص در این تقسیم بندی ارتباط ایشان با حوزه ناشنوایی و ناشنوایان است. حتماً بر اساس شاخص های دیگر می توان زندگی ایشان را به ادوار دیگر هم تقسیم کرد که مورد نظر ما نیست. فقط دوره نخست زندگی ایشان یعنی از تولد تا اخذ دیپلم مرتبط به ناشنوایان نیست. اما سه دوره دیگر دقیقاً ارتباط دارد.


لازم به ذکر است، هر یک از این سه دوره، شامل چند دوره کوتاه تر یا چند مقطع است. برای مثال دوره تحصیلات شامل تحصیلات ۹ ماهه و تحصیلات دوره کارشناسی است.

## دوره ابتدایی تا دیپلم (۴۰ تا ۵۲)

فاطمه آقامحمد در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۳۳ در خانواده متوسط خوب شهری متولد شد، در ۱۳۴۰ پا به مدرسه گذاشت و دوره ابتدایی را آغاز کرد. و دو دوره ابتدایی و متوسطه را جمعاً ۱۲ سال به پایان رساند و در سال ۱۳۵۲ دیپلم گرفت.

از دوره کودکی و خردسالی و سپس از دوره ابتدایی و متوسطه خانم آقامحمد فقط اطلاعاتی که خودش در فصل اول و زندگی نامه خودنوشت آورده، نکته دیگری نداریم. با اینکه این دوران در سرنوشت هر انسان مؤثر است. بسیار از رخدادها و تصمیم سازی ها در ادوار بعدی مبتنی بر علل و عواملی است که در دوره کودکی و نوجوانی تحقیق داشته است. به عنوان نمونه، معلم دانش آموز در کلاس چهارم ابتدایی به او گفته تو استعداد نویسندگی داری و اگر تلاش کنی موفق خواهی شد. او پس از دیپلم به فکر سخن معلم می افتد و رشته دانشگاهی متناسب با سخن معلمش انتخاب می کند و زندگی خود را مبتنی بر توصیه معلمش ادامه می دهد. اما در مورد خانم آقامحمد نمی دانیم آیا به دلیل راهنمایی و تأکید معلمش در دوره ابتدایی یا دبیرش در دوره متوسطه، رشته ادیولوژی را انتخاب کرده است؟ یا خودش مستقلاً تصمیم گرفته است؟

امیدواریم به کمک خود ایشان این بخش زندگی اش بر پایه رخدادها دوره های بعد زندگانی اش تجزیه و تحلیل گردد.



جمهوری اسلامی ایران

شماره شناسنامه: ۱۳۶۱/۵۱۱۱۱۱۱۱

نام خانوادگی: آقامحمد

نام: فاطمه

تاریخ تولد: ۲۰ بهمن ۱۳۳۳

محل تولد: تهران

ردیف	نام	شماره شناسنامه	محل تولد
۱	احمد	۴۹	تهران
۲	حسین خام	۳۹۹	تهران

تاریخ تنظیم سند: ۲۰ بهمن ۱۳۳۳ سال ۱۳۳۳

محل تنظیم سند: حوزه ۴ - تهران

نام و نام خانوادگی نامور: حسن

خانم آقامحمد پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۲ به سراغ کار و اشتغال می رود. دختران ایرانی اگر گرایش مذهبی داشته و در خانواده سنتی تربیت یافته باشند، پس از دریافت دیپلم، به سراغ شوهر و تشکیل خانواده می روند. اما اگر روحیه و گرایش تجدد داشته باشند به سراغ ادامه تحصیل و دانشگاه و نیز اشتغال می روند. البته قلیلی از دختران هستند که با اینکه روحیه مذهبی دارند اما بین تشکیل خانواده و ادامه تحصیل جمع می کنند و هر دو را انجام می دهند.

بر اساس شواهد و قرائن خانواده خانم آقامحمد مذهبی غیر متعصب بوده اند. ولی مخالفتی با ادامه تحصیل فاطمه نداشتند. اما خودش قبل از اینکه به فکر ادامه تحصیل باشند در فکر اشتغال بوده است به همین دلیل وقتی اطلاعیه مدرسه باغچه بان را می بیند جذب آنجا می شود. این رخداد که از مسائل سرنوشت ساز در زندگی اوست بعداً به تفضیل بیان خواهد شد.

با این همه، اطلاعات ما از ازدواج ایشان، شغل پدرش و اساساً روحیه والدین، گرایش همسر و شغل همسر منحصر به نکاتی است که خودش در فصل اول نوشته است. با اینکه هر شخصیت و هر چهره فرهیخته اگر خودشان اطلاع رسانی به هنگام نداشته باشند، دیگران به تحلیل و حتی شایعه سازی یا بیان تحلیل های غلط می پردازند.

آقامحمد از چهره هایی است که در تاریخ ایران خواهد ماند و لازم است اطلاعات جامع و صحیح درباره اش منتشر گردد تا مانع انتشار تحلیل ها و اخبار غلط و کذب گردد.

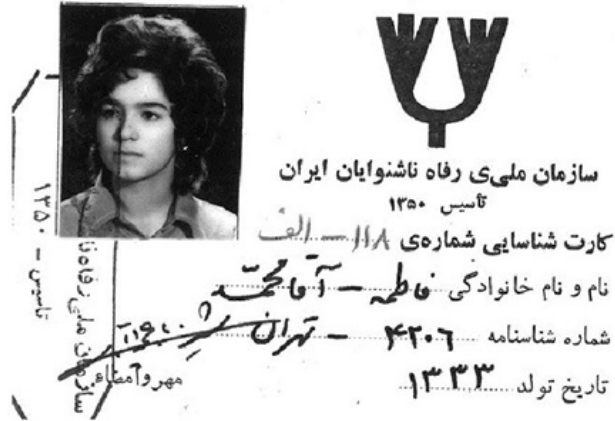
این بخش درباره تحصیلات ایشان در دوره های تکمیلی و در دانشگاه است. او یک دوره نه ماهه درباره ادیومتری (شنوایی سنجی) را به پشتیبانی سازمان رفاه ناشنوایان گذراند. سپس در دانشگاه در رشته ادیولوژی (شنوایی شناسی) به تحصیل پرداخت و تا اخذ مدرک کارشناسی (لیسانس) پیش رفت. او معلوم نیست به چه دلیل، در ادامه این رشته به سراغ شنوایی درمانی نرفته؛ بلکه به پژوهش و تدریس زبان اشاره روی آورد.

اما این دوره از زندگی او از ۵۳ شروع و تا ۶۱ ادامه دارد و جمعاً هشت سال از زندگی ایشان را تشکیل می دهد.

### کارمندی سازمان ملی رفاه ناشنوایان

فاطمه آقامحمد در ۲۰ بهمن ماه ۱۳۳۳ در تهران چشم به جهان گشود و پس از گذراندن دوره ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۵۲ دیپلم گرفت. در همان سال اطلاعیه ای دید که مدرسه باغچه بان، آموزگار می پذیرد. او به مدرسه باغچه بان رفت و ثبت نام کرد و فرم پذیرش را تکمیل نمود. سپس در آزمون و مصاحبه پذیرفته شد. و به این ترتیب کارمند سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران شد. در ادامه کارت شناسایی او در این سازمان با امضای رئیس سازمان رفاه یعنی ثمینه باغچه بان دیده می شود.

آقامحمد در دوره های تایپ (حروف چینی) که در گذشته به نام ماشین نویسی مشهور بود، شرکت کرد و این حرفه را به خوبی فراگرفت. هم دوره ماشین نویسی فارسی و هم ماشین نویسی لاتین را گذراند و گواهی درجه یک در ۱۲ دی ماه ۱۳۵۲ دریافت نمود. عکس گواهی نامه های او ذیلاً آورده می شود.



دوره ماشین نویسی

آقامحمد در دوره های تایپ (حروف چینی) که در گذشته به نام ماشین نویسی مشهور بود، شرکت کرد و این حرفه را به خوبی فراگرفت. هم دوره ماشین نویسی فارسی و هم ماشین نویسی لاتین را گذراند و گواهی درجه یک در ۱۲ دی ماه ۱۳۵۲ دریافت نمود. عکس گواهی نامه های او ذیلاً آورده می شود.



آقامحمد پس از دیدن اطلاعیه مدرسه باغچه بان مبنی بر پذیرش مربی و معلم، به این مدرسه مراجعه کرد. افراد پذیرش شونده به ثمنه باغچه بان مراجعه کردند. او به هنگام مراجعه به خانم ثمنه باغچه بان، ثمنه برایش توضیح داد که افراد پذیرفته شده در دوره نه ماهه شرکت می کنند. این دوره کاملاً علمی است و توسط سازمان رفاه ناشنویان برگزار می شود. و شرکت در این دوره، مدرک تخصصی برای ادامه کار بود. با موفقیت در آن دوره مجوز کار و اشتغال در رشته ادیومتریست (سنجش شنوایی) بود. در آن زمان، ادارات دوره های آموزشی ویژه برای کارکنان خود برگزار می کردند.

او در سی ام خرداد ۱۳۵۳ دوره نه ماهه را به پایان رساند و مدرکش را از سازمان ملی رفاه ناشنویان ایران دریافت کرد.

هنرمتر از گوهر آمد پدید  
 شماره دفتر ..... ۹۴  
 شماره گواهینامه ..... ۹۴  
 تاریخ ..... ۱۳۰۵۲

**همنرکده اژرنک**  
 با امتیاز رسمی از وزارت کار و امور اجتماعی  
 گواهینامه پشین نویسی لاتین و جبر

همنرکده عالی اژرنک گواهی مینماید که خانم **فاطمه آقا محمد** فرزند **احمد** دارای شناسنامه شماره **۴۲۰۱** صادره از **تهران** متولد سال **۱۳۲۳** مطابق برنامه این همنرکده دوره **پوشین نویسی لاتین** را فراگرفته و در آزمونش مربوطه با **معدل** **مستوفی** در **تقریب** **قبول** شده است این گواهینامه بایشان داده میشود تا از فرمای آن استفاده نمایند.

مدیر همنرکده عالی اژرنک  
 امضاء  
 همنرکده اژرنک  
 با امتیاز رسمی از وزارت کار و امور اجتماعی

مدیر امتحانات  
 همنرکده اژرنک  
 وزارت کار و امور اجتماعی  
 هاشمین نویسی فارسی و لاتین

رئیس رشته  
 همنرکده اژرنک  
 همنرکده اژرنک

تهران - اول خیابان فردوسی از میدان سپه مقابل روزنامه کیهان - تلفن ۳۹۱۴۵۸



تلاش، پشتکار و پیشرفت او در این دوره نظر مسئولین سازمان رفاه؛ از جمله ثمینه باغچه بان را جذب کرد و هنوز دوره به اتمام نرسیده بود که خانم باغچه بان از آقامحمد دعوت به همکاری در گروه زبان اشاره کرد. او این دعوت را پذیرفت و مبدأ همکاری او با سازمان رفاه ناشنوایان ایران، سال ۱۳۵۳ است. این سازمان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با ادغام در چند مؤسسه و مرکز دیگر، سازمان بهزیستی تأسیس شد. از این رو می توان گفت خانم آقامحمد از سال ۱۳۵۳ در واقع کارمند بهزیستی شده بود. آقامحمد در این باره نوشته است:

«پس از پایان دوره به پیشنهاد ثمینه خانم قرار بود در گروه زبان اشاره در سازمان کار کنم. این گروه می خواست زبان اشاره طبیعی را با کمک خود ناشنوایان جمع آوری و قانونمند و از محدودیت و پراکندگی خارج کرده و به صورت زبان با قواعد لازم در کتاب ثبت و ضبط شود تا ناشنوایان هم مانند دیگران از گفتاری یکسان و قانونمند در سراسر کشور استفاده کنند.

به دلایل یادگیری سریع اشارات و خوب اشاره کردن، ثمینه اصرار داشت در صورت پایان دوره نه ماهه، من هم در گروهی که قرار بود برای زبان اشاره تشکیل شود فعالیت نمایم. چند روز برای تصمیم گیری وقت خواستم تا جواب بدهم؛ ایشان پذیرفت. به خانه آمدم و از خاله ام که خانمی مذهبی و معتقد بود، خواستم برایم استخاره کند؛ ایشان پس از استخاره گفت: خوب است. فردای آن روز به ثمینه خانم گفتم مایل هستم در گروه زبان اشاره کار کنم. بالاخره روزی ایشان گفت به سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران بروم که در سال ۱۳۵۰ تأسیس شده و ثمینه خانم مدیرعامل آن بود، چون محل کار آنجا بود. در آنجا با خانمی به



## سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران

سازمان ملی رفاه ناشنوایان  
تأسیس ۱۳۵۰

شماره ۱۰۷۵  
تاریخ ۲۵ / ۲ / ۳۰

کوهی می شود که <sup>خانم</sup>فاطمه آقامحمد <sup>آگاهی</sup> داورنده شناسنامه شماره ۴۲۰۶ صادره از تهران  
دوره آموزش ادیومتیک رادردت ۹ با پایان رسانیده و صلاحیت کار  
در رشته فزبور رادار امی باشند.

مدیرعامل سازمان ملی رفاه ناشنوایان  
ثمینه باغچه بان  
سازمان ملی رفاه ناشنوایان  
تأسیس ۱۳۵۰

نام جولیا ان آلیور (سمیعی) (۱) مسئول گروه تشکیل شده، آشنا شدم. قرار شد ایشان به زودی اطلاع دهد که چه زمانی کار را آغاز کنیم. تقریباً در سال ۱۳۵۳ کار شروع شد و هنوز دوره نه ماهه تمام نشده بود مدرکی که از دوره نه ماهه دارم تاریخ آن ۳۰ خرداد ۲۵۳۵، (۳۰ خرداد ۱۳۵۳) ثبت شده است. آن روزها از سال شاهنشاهی باید استفاده می شد. وقتی آنجا رفتم آقای رضاقلی شهیدی، (۲) خانم مریم رستمی، خانم ایران بهادری (۳) و خانم ملک زرگر الهی (از خانواده ناشنویان) در یک اتاق جمع بودند. ثمینه خانم با خانم سمیعی آمدند؛ خانم باغچه بان توضیح داد و قرار شد اشاراتی که ناشنویان برای ارتباط با یکدیگر استفاده می کنند، جمع آوری شود. (۴)

بنابراین خانم آقامحمد از ۵۳ تا ۹۵ اشتغال داشته و در زمینه امور فرهنگی ناشنویان به ویژه زبان اشاره و رابط و مترجم فعالیت داشته است. او در سال ۹۵ رسماً از کارش کناره گیری کرد و تا آن زمان ۴۲ سال تلاش و کوشش در کارنامه اش ثبت است.

آقامحمد در زندگی نامه خودنوشت درباره رفتن به مدرسه باغچه بان و پذیرش نوشته است:

«زمانی که تازه دیپلم گرفته بودم از خدای مهربان خواسته بودم کاری داشته باشم که در خدمت به جامعه باشد. روزی در روزنامه آزمون استخدام برای مدرسه باغچه بان را دیدم تصور کردم برای آموزگاری است، شرکت کردم. سپس قبولی ام اعلام شد؛ و در مصاحبه هم پذیرفته شدم. با دوستانی که موفق شده بودیم به این مرحله برسیم صحبت می کردیم، بیشتر آن ها مثل من فکر می کردند معلم می شوند. اما در جلسه ای با خانم ثمینه باغچه بان، او گفت: شما را برای دوره نه ماهه سنجش شنوایی انتخاب کردیم و در نهایت ادیومتریست خواهید شد.

خانم ثمینه باغچه بان فرزند جبار باغچه بان نخستین و بنیانگذار آموزش ناشنویان در ایران و مدیر مدارس باغچه بان و همچنین مدیرعامل سازمان ملی رفاه ناشنویان ایران بود. برادر شوهر ثمینه، آقای جمشید پرنظر دوره ادیومتری را در آمریکا گذرانده بود. ثمینه خانم با توجه به نیاز ایران و کنترل شنوایی دانش آموزان و بررسی شنوایی افراد عادی تصمیم به برگزاری این دوره گرفت. مهم تر از طریق این رشته امکان پیشگیری فراهم می آمد و از پیشرفت شنوایی جلوگیری می شد. (۵)

از این گزارش آقامحمد چند نکته می توان دریافت. مدرسه باغچه بان با باور به ضوابط و خط مشی علمی و مدرن، در تلاش بوده تا آخرین فناوری ها و شیوه های مدرن و آزموده را از کشورهای پیشرفته اخذ شده و برای بومی سازی آنها برنامه ریزی کند. زیرا مبارزه با انواع معلولیت ها به ویژه ناشنوایی و پیشگیری از علل و عوامل آن و نیز توانبخشی ناشنویان تنها از این طریق امکان پذیر است.

ص: ۶۸

۱- خانمی آمریکایی و همسر آقای سمیعی مدیر عامل بانک ایران و عرب بود. او اولین کسی است که ایده و طرح جمع آوری اشارات را داده است.

۲- یکی از شاگردان استاد بزرگوار جبار باغچه بان.

۳- همکلاسی های دوره ۹ ماهه خانم آقامحمد.

۴- زندگی نامه خودنوشت.

۵- زندگی نامه خودنوشت.

به این دلایل خود آقای باغچه بان آن گونه که در زندگی نامه اش نوشته و نیز مدیران او از جمله دخترش ثمینه تلاش می کردند افرادی را به امریکا و اروپا جهت آموزش اعزام کنند و پس از بازگشت روی اندوخته ها و دستاوردهای آنها برنامه ریزی کنند.

برگزاری دوره ادیومتری در ایران اولین بار در سال ۱۳۵۳ توسط مدرسه باغچه بان و با تلاش های خانم ثمینه باغچه بان و با پشتیبانی سازمان ملی رفاه ناشنوایان برگزار شد.

در این دوره نه ماهه به دانشجویان، همه نیازمندی ها را آموزش می دادند و اطلاعاتی به دانشجویان می دادند که در تعامل با ناشنوایان سودمند و گره گشا و راه گشا باشد؛ از جمله جامعه شناسی، روانشناسی، تعمیر سمعک، آناتومی گوش و آشنایی با بیماری های گوش و زبان اشاره یاد می دادند. اما همه این آموزش ها مبتنی بر چه متونی بود؟ آیا متونی از امریکا و اروپا آورده و ترجمه کرده بودند و آموزش می دادند؟ آیا استادان حق داشتند بر اساس ذهنیت و سلیقه خود جزوه ای نوشته و درس دهند؟

وقتی متون درسی و آموزشی دوره های ادیومتری را ملاحظه می کنیم متوجه می شویم مدیریت این دوره ها از هوش و خلاقیت مطلوبی برخوردار بودند. چون مثلاً در زبان اشاره و یاد دادن نمادهای اشاره از خانمی به نام مریم رستمی دعوت کرده بودند. او پدر و مادری ناشنوا داشت و در طول چندین سال اشاراتی را با آنها به روش تجربی به دست آورده بود. اشاراتی که متکی و مبتنی بر فرهنگ ملی ایرانی و مردم تهران و فرهنگ بومی بود.

خلاصه اینکه مدیریت آموزشی با هوش و تدبیری که داشت، تجارب بومی را مورد توجه قرار می داد ولی از روش ها و دستاوردهای مدرن هم بهره می گرفت ولی همه تجارب مدرن را در قالب بومی فرهنگ خودی می ریخت. انتظار هست کسانی مثل آقامحمد تجارب هر چند کوچک آن دوره را بیشتر ثبت و ضبط کنند و در منظر کارشناسان قرار دهند.

آقامحمد درباره روحیه دانش آموزان و فضای آموزشی می نویسد:

«به مدرسه باغچه بان در میدان کلانتری یوسف آباد (جمال الدین اسدآبادی کنونی) می رفتیم. در آنجا با دانش آموزان ناشنوا آشنا می شدیم. آنها را خیلی دوست داشتم چون همه آن ها خیلی مرتب و با نشاط بودند. بخصوص در زنگ تفریح با هم صحبت می کردند و شاد و شیطون بودند. در مدارس باغچه بان دختر و پسر با هم مختلط بودند» (۱).

ایشان به محیط شاد و با نشاط و شیطون بودن بچه ها اشاره می کند. محیط آموزشی به ویژه مدرسه معلولان باید از غم، بی حوصلگی و از همه انواع ناراحتی ها عاری باشد. شادی موجب رشد گفت و گو بین بچه ها می شود. خنده، خوشحالی، امیدواری به آینده از لوازم ضروری یک محیط آموزشی است. متأسفانه این وضعیت پس از پیروزی انقلاب از محیط آموزشی معلولین حذف شد و تلاش شد محیط هایی خشک، نظامی و شبیه پادگان درست کنیم.

مهم تر اینکه آموزگاران و مربی ها را به عنوان حرفه آموزی به مدرسه می بردند و چگونگی کار با بچه ها و روش ایجاد محیط شاد را به آنها یاد می دادند.

ص: ۶۹

پس از اشتغال در گروه زبان اشاره و همکاری با خانم سمیعی، آقای شهیدی و خانم ها ایران بهادری، ملک زرگر الهی و مریم رستمی به این کار علاقه مند شد و چون دوره نه ماهه را در دانشگاه ملی سازمان رفاه ناشنوایان گذرانده بود، زمینه ادامه تحصیل در آنجا برایش فراهم بود. از این رو در پذیرش آن دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی) در سال ۱۳۵۴ شرکت کرد و در دانشکده پزشکی، رشته ادیولوژی (شنوایی شناسی) پذیرفته شد.

کارت دانشجویی زیر گویای تحصیل او در دانشکده پزشکی، رشته ادیولوژی است:

اما حوادث مربوط به انقلاب اسلامی ایران و بعد از آن تعطیلی دانشگاه ها به دلیل انقلاب فرهنگی، مدت تحصیلات او طولانی شد و بالاخره در سال ۱۳۶۱ مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد.



شماره کارت دانشجویی

کارت تحصیلی موقت  
سال ۵۹ - ۱۳۵۸

نام: ..... نام خانوادگی: .....  
شماره شناسنامه: ..... نام پدر: .....  
رشته تحصیلی: ادیولوژی دوره: روزانه دانشکده: پزشکی  
توضیح: این کارت فقط یک ترم اعتبار خواهد داشت.

امور آموزشی دانشگاه مهر امضاء

این تحصیلات همراه با تجاربی که در گروه های مختلف کاری به ویژه گروه زبان اشاره کسب کرده بود، از او انسانی کارآمد و فعال و خلاق ساخته است.

### مهارت آموزی در حرفه خیاطی

به منظور افزایش مهارت های بانوان و به منظور فعال شدن آنان در خدمات رسانی پشت جبهه جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، آقامحمد در دوره آموزش حرفه خیاطی شرکت کرد و گواهی نامه اش در ۱۶ آبان ماه ۱۳۶۷ دریافت نمود.



شماره ...  
تاریخ ...

دانشگاه شهید بهشتی



جمهوری اسلامی ایران  
ریفک اندوین آرمستکرم اندوین آرمستکرم

دانشنامه پایان تحصیلات دانشکده پزشکی

بموجب اسامنامه دانشگاه شهید بهشتی مصوب هیئت مدیره مورخه ۱۳۶۷/۱۰/۱۶ در کتاب مرکز هنر و مردم با نام دکتر سید صدوسی و نه شمس

چون آنی فاطمه آقامحمد

شماره شناسنامه ۳۲۰۶ شماره از متحکم موند سال ۱۳۳۳

در تاریخ دیماه ۱۳۶۱ دوره تحصیلات دانشگاهی خود را با موفقیت پایان رسانید و لذا این اسامنامه با درجه کارشناسی ریاضیات

در رشته ادبیات فارسی با نامبرده اعلامی شود و توفیق ایشان در تمام این راه را به حق تعالی و کسب فیض حق تعالی در خدمت محققان از درگاه

ریس دانشگاه شهید بهشتی

معاون آموزشی دانشگاه شهید بهشتی



این تحصیلات همراه با تجاربی که در گروه های مختلف کاری به ویژه گروه زبان اشاره کسب کرده بود، از او انسانی کارآمد و فعال و خلاق ساخته است.

### مهارت آموزی در حرفه خیاطی

مرکز آموزش حرفه ای کمیته امداد امام خمینی

واحد خدمات



تاریخ صدور ۱۶/۸/۶۶

گواهی میشود

خانم فاطمه آقامحمد دارنده شناسنامه شماره ۴۲۰۶

صادر تهران دوره خیاطی را با معدل ۳۰ طی

و موفق بدریافت این گواهینامه شده است

مسئول مرکز آموزش حرفه ای کمیته امداد امام خمینی



این دوره بیست ساله مهم ترین دوره در شکل گیری تفکر و باورهای فاطمه آقامحمد است. چند سال از این دوره با دوره قبل هم پوشانی دارد یعنی از یک طرف به تحصیلات تکمیلی می پرداخت و از طرف دیگر به تدریس یا تحقیق مشغول بود. البته خدماتش هم در این دوره قابل توجه است؛ در این مدت توانست تجارب پیشین را از طریق خانم ها ثمینه باغچه بان و جولیا سمیعی و آقایان شهیدی و همکاران ناشنوای دیگر و جمعی از شنوایان دریافت کند و بر دانسته ها و تجارب خود بیفزاید.

مهم ترین اقدامش در این دوره پرداختن به زبان اشاره، شکل دهی به زبان اشاره پارسی و ایرانی، تحکیم شالوده ها و مبانی آن، بسط و گسترش زبان اشاره، تبدیل زبان اشاره ایرانی به عنوان یک دانش با ویژگی های خاص خود بود. از همه مهم تر اینکه با تشکیل گروه زبان اشاره در ایران تحقیقات و پژوهش های مختلف که از سال ۵۳ در سازمان رفاه ناشنوایان آغاز شد و به مدت ۵ سال به طول انجامید پس از پیروزی انقلاب با همه فراز و نشیب های مختلف برای نخستین بار در تاریخ ایران و ناشنوایان کتاب فرهنگ زبان اشاره فارسی با مجموعه ۱۰۰۰ لغت در سال ۱۳۵۹ به چاپ رسید که بنیان و آغاز تحولی بزرگ و نقطه عطفی برای جامعه ناشنوایان گردید. همین کتاب پایه و اساس ادامه کار جهت جمع آوری لغات، روش چگونگی کار و چاپ کتاب های بعدی شد. با این تفاوت که در این کتاب اشارات با عکس و حرکات دست با قلم سفید و سیاه کشیده شده اما کتاب های بعدی اشارات طراحی شده است.

ضمناً کار مهم دیگر در این زمان برای نخستین بار در ایران کتاب قصه مهمان های ناخوانده برای ناشنوایان با طراحی زبان اشاره زیر هر کلمه تهیه و به چاپ رسید.

وقتی به کارنامه آقامحمد در این زمینه نگاه می کنیم، می یابیم در این دوره خاموش و بدون سروصدا، کارهای بسیار انجام داده است.

در واقع تاریخ زبان اشاره ایرانی بدون آقامحمد و البته دیگرانی چون سمیعی، ثمینه باغچه بان، محمودی، موسوی، پیروزی، بهادری و رستمی معنا ندارد و این زبان متکی به تلاش ها و فعالیت های این گروه است.

آقامحمد در این دوره مشخصاً این پروژه ها را تحقق بخشیده و اجرا کرده است:

۱- آموزش زبان اشاره

۲- تدوین و تألیف کتب برای ناشنوایان به زبان اشاره

۳- رقابت علمی و فرهنگی با مخالفین زبان اشاره

۴- انتقال تجارب پیشرفته به داخل و تلاش برای بومی سازی آنها

۵- افزایش گنجینه اشارات

۶- ایجاد بستر هم اندیشی برای ایجاد عقلانیت و مفاهمه جمعی در بین نخبگان ناشنوا

۷- بسترسازی برای مفاهمه عمومی ناشنوایان در سراسر ایران

دهه های هفتاد و هشتاد برای ناشنوایان ایران سخت ترین دوره محسوب می شود. نبرد سخت ولی در سکوت و خاموشی جریان داشت. عده ای مثل آقامحمد هويت جامعه و فرهنگ ناشنوایان را زبان اشاره می دانستند و معتقد بودند با حذف و زدودن زبان اشاره این جامعه با بحران های جانکاه و مهلك دچار خواهد شد و از فرهنگ و جامعه ای که در آن زندگی می کنند عقب خواهند ماند. زیرا همه انسان ها با زبانی که آموخته اند، فکر می کنند، گفتگو می کنند و در نهایت رشد اجتماعی می یابند.

به همین دلیل با تمام ظرفیت و نیرو و امکاناتی که داشتند به دفاع از این جامعه به پا خواسته بودند. هر قشر اجتماعی و هر جامعه هویتش در گرو و رهین عنصر خاصی است. قوام و هویت جامعه ایرانی، زبان پارسی است؛ اگر این زبان از بین برود، در واقع جامعه ایرانی مضمحل خواهد شد. همچنین زبان اشاره رکن و قوام فرهنگ و جامعه ناشنوایان است و به همین دلیل در قرآن کریم و روایات اسلامی، در انجیل و تورات، زبان اشاره معرفی شده است.

زیرا زبان اشاره مفهوم و معنی کلمه را با حرکات دست نشان می دهد. حتی ما که شنوا هستیم اگر جایی باشیم که نتوانیم از صدایمان استفاده کنیم از زبان اشاره کمک می گیریم. و یک مثال برایتان می آورم در سالتی که شلوغ است و کسی را می خواهیم صدا کنیم پیش ما بیاید با اشاره لب و دست می گوییم بیا.

این طبیعی است. علم هم امروز ثابت کرده که در فکر انسان نقطه ای قرار دارد که نزدیک به ثبت و پردازش کلمات است که زبان اشاره هم آن نقطه را فعال می کند پس به ناشنوایان کمک می کند تا ذخایر لغوی خود را افزایش دهند و بر زبان و فرهنگ خویش مسلط گردند. اعتماد به نفس پیدا کنند. با جامعه خود به راحتی ارتباط برقرار کنند و با جامعه شنوا نیز اگر لازم باشد در نهایت با نوشتن ارتباط برقرار نمایند. اما متأسفانه عده ای برای راحتی خودشان به جای یادگیری زبان ناشنوایان آنان را مجبور به یادگیری زبان خود می کنند.

اما عده ای بدون توجه به اهمیت زبان اشاره و پیشینه تاریخی آن به مخالفت با زبان اشاره برخاسته و به بهانه های متعدد درصدد حذف آن از فرهنگ ناشنوایان بودند. در رأس این گروه سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی قرار داشت و قرار دارد. مشکل و پیچیدگی کار در مخالفت آنان با اشاره نبوده است بلکه مخالفان زبان اشاره از یک طرف از جامعه ناشنوایان ترس دارند زیرا می دانند این جامعه، خواستار این زبان بوده و مخالف حذف این یا آن هستند و از طرف دیگر صریح و شفاف به نفی زبان اشاره نمی پردازند بلکه پنهانی و در خفا اقداماتی را انجام می دهند. حتی وقتی در جمع ناشنوایان قرار می گیرند از زبان اشاره دفاع می کنند. این گونه تلاش ها موجب شده که دفاع از زبان اشاره و مخالفت با دشمنان زبان اشاره پیچیده و مشکل شود. زیرا جبهه موافق و مخالف در هم آمیخته و صف بندی ها مشخص نیست. به این دلایل، کسانی مثل آقامحمد وظیفه ای سخت در پیش رو داشتند و باید با درایت و تدبیر و عقلانیت پروژه دفاع از زبان اشاره را به پیش ببرند.

در واقع اهمیت کارنامه آقامحمد در این دوره در همین نکته است و لازم است درس ها و عبرت هایی که در این سه دهه آموخته شد به نسل های بعدی گزارش گردد و نسل های آینده چهره ها را بشناسند و دوست را از نادان و از دشمن بازشناسی نمایند.

اکنون به اقدامات هفت گانه ایشان می پردازم، با توجه به این نکته که خانم آقامحمد به تنهایی نمی توانسته این حجم عظیم از کار را انجام دهد و قطعاً حمایت، همکاری و همیاری و اشتراک مساعی مجموعه افرادی بوده است.

### آموزش زبان اشاره

بر اساس اسناد موجود، آقامحمد یکی از دوره های آموزشی را در تاریخ ۲ اسفندماه ۱۳۵۶ با تدریس زبان اشاره را در ساختمان یغما وابسته به سازمان رفاه ناشنوایان آغاز کرد. ثمینه باغچه بان مدیرعامل سازمان ملی رفاه ناشنوایان در تاریخ ۱ خرداد ۱۳۵۷ دستورالعملی به حسابداری آن سازمان می نویسد: فاطمه آقامحمد از ۲ اسفند ۱۳۵۶، هفته ای دو روز در ساختمان یغما به تدریس زبان اشاره اشتغال داشته و اجازه داده می شود تا خاتمه کلاس مزبور ماهیانه معادل ۱۶ ساعت فوق العاده اضافه کاری به ایشان پرداخت گردد. متن سند این گونه است:

۶۳۰  
۲۰۲۲ / ۳ / ۱

### قیمت حمایت آری سا زسان

چون خانم فاطمه آقامحمد از تاریخ ۲ / ۱۲ / ۳۶ هفته ای دو روز بعد از سرورس آری در ساختمان یغما به تدریس کلاس زبان اشاره اشتغال دارند علیهذا اجازه داده می شود تا خاتمه کلاس مزبور (فعلاً تا پایان سال ۳۷) ماهیانه معادل ۱۶ ساعت فوق العاده می اضافه کاری ایشان پرداخت نمایند ضمناً چون برای رفعت و آمد خود بهیمنما از وسیله شخصی استفاده می نمایند دستور فرمایید تا پایان سال ۳۷ ماهیانه ۲۰۰۰ (دو هزار) ریال به عنوان ایاب و ذهاب به نامبرد پرداخت نمایند.

مدیرعامل سازمان ملی رفاه ناشنوایان

ثمینه باغچه بان

گیرندگان:

- رئیس دفتر زبان اشاره جهت اطلاع.
- خانم فاطمه آقامحمد جهت اطلاع.



این کلاس ها به عنوان ضمن خدمت برای نیروهای شاغل در سازمان رفاه تشکیل می شد. هدف سازمان این بود که نیروهای شاغل و کارمندان و به ویژه کادرهای اداری و آموزشی در مراکز آموزشی با مهارت زبان اشاره آشنا شوند. از این رو کلاس هایی به منظور آشنا نمودن آنان با زبان اشاره تشکیل می شد و آقامحمد تدریس می کرد.

مدیرعامل سازمان یعنی ثمینه باغچه بان در ابلاغیه دیگری به حسابداری سازمان دستور می دهد حقوق اضافه کاری آقامحمد را که از مهرماه ۱۳۵۷ در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد، زبان اشاره تدریس می کرد را پرداخت کنند. این دستورالعمل در ۲۶ اسفند ۵۷ صادر شده است. متن این دستور چنین است:

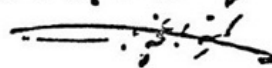
این ابلاغیه حدود یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران صادر شده است.

۲۰۹۸  
۱۲۵۷ / ۱۲ / ۲۶

### حسابداری سازمان

چون خانم فاطمه آقامحمد بموجب گواهی دفتر زبان اشاره در مهرماه ۵۷ برای تدریس زبان اشاره به سواد آموزان آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد مدت ( ۳۵ ) ساعت اضافه کاری نمود مانده علیهذا ۱۱ جازه را در ۵ می شود معادل ۳۵ ساعت فوق العاده اضافه کار طبق مقررات به ایشان پرداخت نمایند .

مدیرعامل سازمان ملی رفاهناشنوایان



ثمینه باغچه بان

گیرنده:

خانم فاطمه آقامحمد جهت اطلاع .

این ابلاغیه حدود یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران صادر شده است.

طی حکم دیگری که در ۲۸ تیرماه ۵۹ صادر شده، سرپرست سازمان رفاه ناشنوایان آقای احمد فتوحی به آقامحمد ابلاغ می کند در آموزشگاه حرفه ای یوسف آباد به کارمندان، مربیان و مددجویان آموزش زبان اشاره یاد بدهد. متن حکم این گونه است:

نکات مندرج در این ابلاغیه عبارت اند از:

۱- ثمینہ باغچه بان در سال ۵۹ تصمیم گرفت خودش اختیاراتاً از سازمان رفاه کنار برود و مدیریت آن را به احمد فتوحی بسپارد. از این رو احمد فتوحی به عنوان سرپرست سازمان امضا کرده است.

۲- سازمان زیر مجموعه وزارت بهداشتی و بهزیستی شده و کلمه ملی از عنوان سازمان حذف گردیده است.

۳- آقامحمد به دلیل تبحر بالایش در زبان اشاره همزمان به مربیان و معلمان و نیز به ناشنوایان و کارمندان زبان اشاره می آموخت و در این ابلاغیه به این نکته اشاره شده است.

## تدوین و نشر کتاب

### اشاره

همان طور که مرحوم جبار باغچه بان با تألیف و نشر کتاب توانست، تحولاتی را در فرهنگ و جامعه ناشنوایی پدید آورد، در این دوره هم، خانم آقامحمد و تعدادی دیگر از نخبگان تلاش کردند با تولید کتاب درباره زبان اشاره، مبانی زبان اشاره را تحکیم نموده و به توسعه آن کمک کنند. بر اساس



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت بهداشت و بنیاد

تاریخ ۱۳۹۹/۴/۲۸

شماره ۹۹۹

پیوست

خانم فاطمه آقا محمد

بموجب این ابلاغ همه هفته روزهای شنبه  
از ساعت ۱۱ الی ۱۴ بعد از ظهر روزهای چهارشنبه  
از ساعت ۱۱ الی ۱۴ بعد از ظهر در آموزشگاه حرفه‌ای  
یوسف آباد به تعلیم زبان اشاره به کارمندان و مربیان  
و مددجویان آن مرکز پرد ازید .

سرپرست سازمان رفاهنا شنوایان

احمد فتوحی

رونوشت :

سرپرست مرکز حرفه‌ای یوسف آباد

اطلاعات منتشره از نوشته های ایشان پنج کتاب منتشر شده و چند کتاب منتشر نشده به نام ایشان است. البته خود ایشان فهرست کاملی از کتب خود عرضه نکرده است.

## کارنامه تألیفات

اکنون به معرفی اجمالی کتاب های آقامحمد می پردازم ولی در فصل نویسنده گی، آثارش به تفصیل معرفی خواهد شد.

۱. کتاب مهمان های ناخوانده: این کتاب با مشخصات زیر منتشر شده است:

مهمان های ناخوانده به زبان اشاره فارسی، تنظیم متن ثمینه باغچه بان؛ نقاشی دبوراسوزان هولم، تنظیم اشاره فاطمه آقامحمد و الهه افضلی و حبیب تهرانی و رضاقلی شهیدی و رضا محمودی و محسن موسوی؛ تایپوگرافی روشنک رضا خانلو، تهران، سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران، ۱۳۵۹، ۳۴ + [۶] ص.

۲. فرهنگ زبان اشاره فارسی: این اثر در سال ۱۳۵۹ با مشخصات زیر منتشر شد:

فرهنگ زبان اشاره فارسی برای ناشنوایان، جلد اول، تألیف و تنظیم فاطمه آقامحمد، الهه افضلی، مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی، رضاقلی شهیدی، محسن لوح موسوی، رضا محمودی، عکس از محمود حاج محمدی، محسن منوچهری، تهران، سازمان رفاه ناشنوایان ایران، ۱۳۵۹. جلد های دیگر این کتاب منتشر نشد.

۳. مجموعه اشارات ناشنوایان: این اثر در سال ۱۳۶۸ با مشخصات زیر منتشر شد:

مجموعه اشارات ناشنوایان، تهیه و تألیف ایران بهادری، مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی زاده، الهه قاسمی شاد، محسن لوح موسوی، رضا محمودی، با همکاری طاهره محمدپور و بهناز نسوادرانی، تهران، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۶۸.

اسم خانم فاطمه آقامحمد در شناسنامه کتاب نیامده ولی در نامه ای میرکیهان مدیرزاده مدیرکل دفتر آموزش و پژوهش بهزیستی خطاب به فاطمه آقامحمد نوشته از زحمات او در تألیف و تهیه این کتاب تشکر و قدردانی کرده و یک نسخه از کتاب را به او تقدیم کرده است. این نامه در فصل ششم همین کتاب آمده است.

۴. آشنایی با اشارات ناشنوایان: این کتاب در سال ۱۳۶۳ با مشخصات زیر منتشر شده است:

آشنایی با اشارات ناشنوایان، تألیف و تنظیم مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی زاده، الهه قاسمی شاد، محسن لوح موسوی، رضا محمودی، با همکاری فاطمه آقامحمد، الهه افضلی، ایران بهادری، طاهره محمدپور، بهناز نسوادرانی، مهوش گلبدن، تهران، سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۶۳.

۵. زبان اشاره فارسی: چهار جلد و تألیف و چاپ این چهار جلد از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹ طول کشیده است. سه جلد اول در دوره ای است که دوباره بازبینی و طراحی و منتشر شده است. آقامحمد در بهزیستی حضور نداشت اما برای جلد چهارم که با مشخصات زیر چاپ شده زحمات فراوان کشید.

زبان اشاره فارسی، تألیف یونس لطفی، محسن لوح موسوی، حبیب تهرانی زاده، مرتضی پیروزی، اکرم حاج علی اکبر، پریسا کرمانی زاده، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۹، ۲۳۴ ص.



### اشاره

خانم آقامحمد در گروه مدرسه باغچه بان رشد کرد و به تجارب و معلوماتش افزوده شد. مدرسه باغچه بان متکی بر چند دهه تجربه بود و بدون ادعاهای آن چنانی، فقط با اتکا بر واقعیت ها و دلسوزی برای رشد و ترقی ناشنوایان تلاش می کرد. آقامحمد شروع کارش در این مدرسه بود و کارش را با ناشنوایان این مدرسه آغاز کرد.

شیوه باغچه بان ارتباط کلی بود. او خودش را محدود به دستورالعمل های کلیشه ای نمی کرد و معتقد بود باید از همه ظرفیت ها و از همه تجربه ها برای رشد ناشنوایان استفاده کرد. همه روش های زبان اشاره، شفاهی، لب خوانی، گفتار، استفاده از سمعک و کاشت حلزون به یک اندازه اهمیت دارد. ولی بستگی به ناشنوا، امکانات و شرایط او دارد. ناشنوایی استعداد بیشتر در زبان اشاره دارد و ناشنوای دیگر در لب خوانی یا اصلاح گفتارش، از این رو متناسب با توانایی ها و داشته های بالفعل و بالقوه ناشنوایان باید تصمیم گیری کرد که کدام شیوه بهتر جواب می دهد.

سازمان صدا و سیما هم از ابتدا همین تفکر را پذیرفت و ارتباط کلی را مورد توجه قرار داد. از این رو در خبر ناشنوایان که از سیما پخش می شد. به همه روش ها اهتمام می شد. یعنی خبر خوانده می شد تا اگر فردی درصدی شنوایی دارد و می تواند صداهایی را بشنود، کلمات یا بخش هایی از اخبار را متوجه شود.

از طرف دیگر از زیرنویس استفاده می شد تا هم زمان با شنوایی، بینایی و قدرت خواندن ناشنوا هم تقویت گردد. سوم کسی که اخبار می گفت با لب خوانی صحیح، بخشی از کلمات و مفاهیم را با لب ها می فهماند و کسی که می دید، اولاً از رخدادهای و وقایع اطلاع می یافت و دوم اینکه قدرت لب خوانی و توجهش به لب ها گسترش می یافت. از طرف دیگر اخبار گو یا گوینده از زبان اشاره هم استفاده می کرد.

پنجم گوینده با اصلاح گفتارش، تلاش می کرد کلماتی را بتواند بیان کند یعنی از شیوه گفتار هم استفاده می کرد.

کل این شیوه در اخبار ناشنوایان در سیما مورد توجه و اهتمام مدیریت این برنامه بود و کسانی مثل آقامحمد سال ها با تکیه بر ارتباط کلی، این برنامه را اداره می کردند. اما وزارت آموزش و پرورش از سال های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران فقط بر شیوه شفاهی، گفتار و لب خوانی تأکید داشت. یعنی به ناشنوایان توصیه می کرد تلاش کنند کلمات و جملات را ادا کنند و سخن بگویند یا حداقل کلمات را از طریق لب و دهان تفهیم کنند. در مقابل، مخاطب ناشنوا با نگاه کردن به لب ها و دهان گوینده، مقاصد و گفته های گوینده را بفهمد و تشخیص دهد.

بسیاری از ناشنوایان در اعتراض به این اصرارها می گفتند، آیا صحیح است به یک نابینا اصرار کنیم با همین چشم های آسیب دیده اش ببیند و تلاش کند اشیاء را تشخیص دهد؟ یا آیا صحیح است به یک فردی که ضایعه نخاعی است و از گردن به پایین فلج است اصرار کنیم تمرین کند و راه برود؟ از او بخواهیم همت کند راه برود و حرکت کند یا پاهای خود را به حرکت درآورد؟

اگر پاسخ به این پرسش‌ها منفی است در مورد ناشنوا هم پاسخ منفی است. اما در طول حدود چهار دهه آموزش و پرورش همچنان بر دیدگاه خود اصرار داشت و کار خانم آقامحمد دشوار بوده است چون در دو جبهه باید تلاش می‌کردند. از یک سو باید زبان اشاره را توسعه و تحکیم می‌دادند و از طرف دیگر مانع اجرای شیوه مخرب طرف مقابل می‌شدند و سوم اینکه با استدلال و منطق طرف مقابل را باید متقاعد می‌کردند که راهش اشتباه است.

اینجانب از سال ۱۳۷۰ درصد بوده تمام اسناد و مدارک مرتبط به زبان اشاره و مواضع شخصیت‌ها و نهادها را جمع‌آوری و در قالب یک جلد کتاب منتشر خواهم کرد تا مردم، نخبگان و آیندگان بدانند چه کسانی و با چه انگیزه‌هایی با اساسی‌ترین دستاورد بشریت برای ناشنوایان مخالفت کردند و موجب عقب‌رفت ناشنوایان و تأخر فرهنگی آنان شدند. لازم است از همت و اهتمام خانم آقامحمد و همفکران و همراهانش تشکر شود. زیرا شرایط بسیار سختی را پشت سر گذاشتند.

اما اینجا به اجمال به رقابت مخالفان و موافقان می‌پردازم؛ البته فقط در چارچوب چند سند مهم تاریخی که از طریق خانم آقامحمد به دستم رسید، این بحث را پی می‌گیرم.

### **مخالفت به روش طومار**

زبان اشاره دارای ریشه‌های کهن تاریخی و دینی است و به راحتی نمی‌توان آن را از جامعه و فرهنگ هدف حذف کرد. به ویژه اینکه هویت جامعه ناشنوایان مبتنی بر آن است. به این دلیل، سال‌ها مبارزه مخالفان زبان اشاره به ویژه وزارت آموزش و پرورش، ثمره نداد و نتوانستند به دستاوردهای مورد نظرشان برسند. وقتی دیدند فشارها از بالا نتیجه نمی‌دهد شروع کردند بدنه آموزش و پرورش و معلمان و مربیان را بسیج کردند. مربی‌هایی که در تابستان ۱۳۶۶ در تهران مشغول دوره ضمن خدمت بودند وادار کردند طوماری را در مخالفت با زبان اشاره و برنامه ریزی سیما امضا کنند. متن طومار این گونه است:

مدیرکل محترم دفتر آموزش کودکان استثنایی

احتراماً عرض می‌رسانیم ما مربیان کلاس‌های آمادگی ناشنوایان سراسر کشور شرکت‌کننده در دوره ضمن خدمت (شهریور ۱۳۶۶) در تهران بدین وسیله مخالفت خود را با برنامه اخبار ناشنوایان که از سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شود اعلام نموده چرا که این برنامه با روش آموزش ناشنوایان در سطح کشور تناقض دارد و خواهان آنیم که سیمای جمهوری اسلامی آموزشگاه دوم این دانش‌آموزان گردد. خواهش ما این است که به مسئولین امر از طرف ما اعلام نمایید. با توجه به اینکه روش تدریس در سطح کشور روش شناسی می‌باشد برنامه‌ای تدوین شود که ادامه‌دهنده آموزش آموزشگاه و در برگیرنده این روش باشد پیشنهاد ما این است که در جلسه‌ای با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران و اساتید فن این برنامه را مورد بررسی قرار داده و آن را با روش شفاهی که به نظر مقرر ثمر تر می‌رسد هماهنگ فرمایید.

این نامه در سه برگ تنظیم شده و به دفتر استثنایی، سازمان بهزیستی، صدا و سیما، جمهوری اسلامی ارسال شده است.

این طور که ۲۴ مری از ۱۹ شهر امضا کرده اند مشتمل بر نکات مهمی است:

۱- می نویسند ما مریبان کلاس های آمادگی ناشنوایان در سراسر کشور مخالفت خود را با برنامه اخبار ناشنوایان که در سیما پخش می شود اعلام می نمایم. چون این برنامه با روش آموزش ناشنوایان در سطح کشور تناقض دارد.

استدلالی که نوشته اند بسیار عجیب است، می گوید چون شیوه اخبار ناشنوایان به روش زبان اشاره است و با شیوه ما که شفاهی و لب خوانی است تضاد دارد پس باید تعطیل شود. از کجا معلوم که روش شما غلط و روش زبان اشاره درست باشد. هر چیز مخالف و متضاد با هر کس بود، دلالت بر غلط بودن آن ندارد. در صدر اسلام، کفار و مشرکین هم همین گونه استدلال می کردند و می گفتند چون روش پیامبر اسلام با ما مخالف است پس غلط است و ما درست هستیم.

۲- این مریبان چند ثانیه فکر نکرده که خبر ناشنوایان در تلویزیون چگونه با روش شفاهی قابل اجرا است؟ چه کشوری تا کنون توانسته اخبار ناشنوایان را به روش شفاهی اطلاع رسانی کند؟

۳- در ادامه دستور می دهند که از کارشناسان و اساتید دعوت شود تا برنامه ای آماده کنند که با روش شفاهی متناسب باشد. این مریبان لازم نبود راه دور بروند و چنین دستوراتی صادر کنند، چند نفر از ناشنوایان را جمع کنند و یک نفر از همین مریبی ها اخبار را به روش شفاهی به عرض آنان برسانند، در پایان نتیجه کارشان را ارزیابی کنند. اگر چنین روشی موفقیت داشت، آن را به همه ایران و حتی جهان توصیه کنند. ولی قطعاً بدانند اخبار و اطلاع رسانی با این شیوه نتیجه بخش نیست.

۴- این مریبان می نویسند روش شفاهی مثر ثمر تر به نظر می رسد.

این مریبان که سرنوشت هزاران ناشنوا در دست آنها است، یک آزمایش کوچک و ساده می توانستند انجام دهند و متوجه شوند کدام شیوه در اخبار ناشنوایان نتیجه بخش تر است. نیاز به استدلال های پیچیده هم نبود. این آزمایش را قبلاً توضیح دادم. اما متأسفانه بدون اینکه راست آزمایی کنند و ثانیه ای به سخن خود فکر کنند، داوری کلان مطرح کرده اند.

متن کامل طومار را عیناً تقدیم می کنیم تا به عنوان یک سند تاریخی مهم از عملکرد آموزش و پرورش در منظر و مرآی مردم قرار بگیرد:



مدیرکل دفتر آموزش کودکان استثنایی

با تقدیم سلام

احتراماً عرض و بر بنام سامریهان گلاسما آمانگونا سونایا براسرگور شرکت کننده در

دوره ضمن خدمت (مهر ۱۳۹۶) در تهران بریزیدیم حالت غمگین با بیابان غمگین استند این کلمات

نیای جمهوری اسلامی ایران و سواد بالا نموده چنانچه این زبان با روش آموزش ما شبیه این در سطح کشور

تفاوت دارد و در فراوانی نام بسیاری جمهوری اسلامی ایران مشاهده نمود این دانش آموزان کرده خواهش ما این

است که به مسئولین امر از طرف ما اطلاع دهید با این روش تدریس در سطح کشور تدریس

دو ماهی بود تدریس شد که ادامه دهنده آموزش آموزش ماهها بود و در کلاس این روش

باشد به پیشنهاد ما این است که در جلسه ای با حضور کارشناسان و صاحب نظران براساس تدریس این روش

را مورد بررسی قرار داده و آن را با روش متعارف که به تفصیل تدریس شده ملاحظه فرمائید

این نامه را در دسترس قرار ندهید و در دفتر استانی و استان بفرستید و همراهمیان جمهوری اسلامی ایران ارسال شود

ردیف	نام راننده انفرادی	شهرستان	محل اقامت	تاریخ	نام و نام خانوادگی	شهرستان	محل اقامت
۱	ممتاز چیلچر	ریز	(م)	۱۲	اکرم ویران	ساوه	محل اقامت
۲	میرزا انصاری احمد	اردبیل	(م)	۱۳	میر تقی حقیقتگر	ریز	محل اقامت
۳	مهدیه مسوکیاری	ساوه	(م)	۱۴	زهرا حسن زاده فرخی	زاهدان	محل اقامت
۴	ناظم علی احمدی	ارومیه	(م)	۱۵	لیلیه ساجدی	ارومیه	محل اقامت
۵	مینا جبارزاده	تبریز	(م)	۱۶	زیب جبار	رضه نقر	محل اقامت
۶	محمدرضا صانعیان	نمازند	(م)	۱۷	نعمت ناصبی	کرمان	محل اقامت
۷	قدیر خداری	اصول	(م)	۱۸	ناظم محمدی	علی	محل اقامت
۸	مهدیه سعیدی	اهواز	(م)	۱۹	زهرا حاجی اکبری	کرمان	محل اقامت
۹	آرزو سادات فرزانة فراد	مشهد	(م)	۲۰	مریم انجم شجاع	کرمان	محل اقامت
۱۰	نیلوفر میرزا	اراک	(م)	۲۱	نعمت زاده	کرمان	محل اقامت
۱۱	غیاثی	تهران	(م)	۲۲	سید تقی زاده	تهران	محل اقامت

## مخالفت وزیر با پخش اخبار ناشنوایان به زبان اشاره

وزیر آموزش و پرورش آقای سید کاظم اکرمی در ۱۱ مهرماه ۶۶ این طومار را برای رئیس صدا و سیما محمد هاشمی می فرستد و درست مشابه همان استدلال هایی که در متن طومار بود، در این نامه هم تکرار شده است. وزیر می نویسد به منظور همسویی با برنامه های آموزشی از پخش اخبار ناشنوایان به روش زبان اشاره خودداری شود. اگر قدمت و تقدم ملاک باشد، برنامه های خبری و اطلاع رسانی برای ناشنوایان به زبان اشاره قدیمی تر است و آموزش و پرورش باید خودش را با برنامه ای که تجربه نشان داده موفق تر است، وفق دهد.

در ادامه می نویسد دفتر آموزش کودکان و دانش آموزان استثنایی آمادگی دارد در پخش برنامه مطلوب همکاری کند. آقای اکرمی اگر فقط چند ثانیه فکر می کرد، چگونه اخبار ناشنوایان به روش شفاهی امکان پذیر است، لازم نبود چنین راه کاری را بیان کند. این نامه به لحاظ تاریخی مهم است و متن آن را می آورم:

### پاسخ صدا و سیما به وزیر

بالاخره صدا و سیما طی نامه ای از وزارت آموزش و پرورش می خواهد تا کارشناسان خود را معرفی کند و در جلسه ای با بحث و مباحثه درباره روش صحیح به نتیجه برسند.

برای راجع به جناب آقای محمد هاشمی

مدیر عامل محترم صدا و سیما، جناب هیئت منصفه ایران

سلام علیکم

احتراماً "با ارسال تصویر طومار مریدان آمادگی ناشنوایان که در زمینه  
برمخالفت با پخش برنامه اخبار ناشنوایان که ساعت ۱۷/۳۰ روزهای -  
جمعه از شبکه دوم پخش میگردد خواهشمند است بمنظور هماهنگی  
و همسویی با برنامه های آموزشی وزارت آموزش و پرورش دستور فرمائید  
از ادامه پخش این برنامه به روش فعلی خودداری فرمایند. بدیهی  
است دفتر آموزش کودکان و دانش آموزان استثنایی وزارت آموزش و پرورش  
آمادگی دارد برای هماهنگی و تداوم پخش برنامه مطلوب همکاران لازم را

بنداید /۰ ر /۷/۹

سید کاظم اکرمی

وزیر آموزش و پرورش

۱۱/۷/۶۶

جلسه با حضور کارشناسان معرفی شده از طرف وزارت آموزش و پرورش، دو تن از طرف سازمان بهزیستی دو تن از طرف برنامه اخبار ناشنوایان و دو تن کارشناس از مدیران صدا و سیما در ۱۲ آبان ۱۳۶۶ برگزار شد. این جلسه پس از دو ساعت بحث و گفت و گو بدون نتیجه پایان یافت.

قرار بود روی روش بحث شود و دو روش ارتباط کلی (پیشنهاد صدا و سیما و بهزیستی) شفاهی - لب خوانی (پیشنهاد آموزش و پرورش) بحث شود. اما نمایندگان آموزش و پرورش وقتی متوجه شدند شیوه پیشنهادی آنان در برنامه خبر ناشنوایان اساساً اجرایی نیست و مقبول جامعه ناشنوایان هم نیست، به جای بحث از شیوه به سراغ محتوا رفتند و محتوای اخبار را مورد نقد قرار دادند. نمایندگان صدا و سیما و بهزیستی این شیوه بحث را صحیح ندانسته و مأموریت خود را صرفاً تعیین روش صحیح می دانستند. صورت جلسه این مذاکرات مهم است و پژوهشگران باید به آن توجه داشته باشند. این صورت جلسه را می آورم:





### ریشه یابی اختلافات موافقین و مخالفین

کارشناسان معتقد به لب خوانی و شیوه شفاهی در وزارت آموزش و پرورش تجمع داشتند. اینان پس از پیروزی انقلاب تا کنون همواره مخالف زبان اشاره و ارتباط کلی اند و بر این باور هستند که باید ناشنوایان همت کنند، کلمات را ادا کنند یا حداقل با لب و دهان شکل واژه ها را نشان دهند. از نظر شنوایی هم معتقدند با کاشت حلزون، شنوایی اصلاح خواهد شد. بنابراین برای اصلاح شنوایی، راه کار، کاشت حلزون و برای اصلاح بیان و گفتار، دو مرحله را پیشنهاد می کنند: ناشنوا با تلاش و همت و تمرین مداوم باید کلمات را بتواند ادا کنند و مثل افراد عادی ولی یک کمی با لکنت و تأخیر.

اما اگر واقعاً نتوانند و به رغم تلاش و تمرین ها از چنین کاری عاجز باشند باید شکل کلمات را نشان دهند یعنی دهان، فک و لب ها به گونه ای حرکت دهند که گویا دارند واقعاً کلمه را بیان می کنند و مشغول ادای کلمه هستند. البته فرق ادای واقعی کلمه با ادای نمایشی کلمه در این است که در ادای واقعی تارهای صوتی به حرکت و ارتعاش در آمده و صدایی شنیده می شود ولی در ادای شکلی و صوری تارهای صوتی صدایی تولید نمی کنند.

این راه کارها چند دهه است در کشورهای مختلف آزموده شده و خلاصه آزمایش ها و تجربه ها این است که به صورت موردی و جزئی مقبول است، یعنی بعضی از ناشنوایان با کاشت حلزون یا با تمرین می توانند گویا و شنوا شوند، هر چند نه کامل و چند درصدی. اما این راه کار را برای همه و در همه شرایط و در همه سنین نمی توان عرضه کرد.

متنی که نکات فوق را بسط و تفصیل داده و موضع بهزیستی و صدا و سیما را تبیین کرده را می آورم.

پس از جلسه ۱۲ آبان ۶۶ کارشناسان سازمان بهزیستی و سازمان صدا و سیما متنی را تدوین و برای آقای ایزدی (مدیرکل محترم پخش اخبار صدا و سیما) ارسال کردند تا نقاط اختلاف روشن شود. این متن به امضای محمدباقر جعفری نیا ارسال شده است:

برادر گرامی جناب آقای ایزدی

سلام علیکم

ص: ۸۷













## اشاره

در رأس مخالفین اقدامات بهزیستی و سیما و هر اقدامی برای ناشنوایان که از زبان اشاره یا روش کلی استفاده شود، آموزشگاه نیمروز قرار دارد. این آموزشگاه در زمان حضور مرحوم باغچه بان هم با ایشان درگیر شد و از اساس زبان اشاره یک روش کلی را قبول ندارد. چند تن از دانش آموزان این آموزشگاه نامه ای به سیما نوشته اند که متن آن این گونه است:

خدمت ریاست محترم سیما جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

نظر به اینکه جدیداً شبکه ۲ سیما روزهای پنجشنبه مبادرت به پخش فیلمی با نام «آوای بی صدا» نموده است و موضوع این فیلم مربوط به مشکل یک کودک ناشنوا می باشد بر آن شدیم تا نکاتی را راجع به این فیلم به استحضار برسانیم.

در این فیلم سعی شده است که کودکان ناشنوا با رفتاری کاملاً غیر عادی و وحشیانه و خلاصه نابهنجار نشان داده شوند و متأسفانه این فیلم بدآموزی فراوان برای جامعه داشته و خواهد داشت.

باید به عرض محترمتان رسانده شود.

در چند مسئله اخیر سعی فراوان شده است که ذهنیت جامعه نسبت به افراد ناشنوا تغییر داده شود. و افراد ناشنوا بتوانند با سایر افراد جامعه نیز به راحتی ارتباط برقرار نمایند و به راحتی در جامعه ای که همه آنها را درک می کنند زندگی نمایند ولی متأسفانه پیامدی که این فیلم خواهد داشت.

اولاً جامعه افراد ناشنوا را افرادی سربار در عین حال ناآرام و مشکل ساز، ناتوان و فاقد هرگونه توانایی خواهد پنداشت دوماً تصور خواهد شد آنها غیر عادی هستند و وحشیانه برخورد می کنند و این باعث ترس و بی اعتمادی نسبت به آنها شده و در نهایت باعث عدم ارتباط می شود و زحمات بی اندازه و بی دریغ ما را در برقراری ارتباط پایمال نموده و ما را با مشکلات فراوان روبرو خواهد نمود. صرف نظر از این مسائل (در قسمتی از این فیلم کارآموز به نکته ای اشاره می کند تحت عنوان اینکه برای کارآموزی (مدرسه) به تیزهوشان مراجعه کرده و با سؤالات زیاد دانش آموزان مواجه شده ولی در مدرسه ناشنوایان با این اتفاق روبرو نشد.

باید به اطلاع رساننده شود افراد ناشنوا فقط با مشکل شنوایی و شاید مشکل تکلم مواجه هستند و ضریب هوشی آنها عادی و در بعضی مواقع نیز آنها از ضریب هوشی بالایی برخوردار هستند.

در پایان باید ذکر کنیم

در رسانه های عمومی باید سعی در شناساندن واقعی توانایی های ناشنوایان باشد و نه معلولیت آنها که احساس ترحم و بی اعتمادی را در افراد جامعه تقویت نماید و همواره باید کوشش شود که تک تک افراد که به نوعی دچار معلولیت هستند جدی گرفته شوند و هر کدام از آنها به عنوان یک عنصر مفید و فعال جامعه در نظر گرفته شوند.

به امید روزی که توانایی های ما را در نظر بگیرید نه معلولیت ما را

گروهی از ناشنویان مجتمع آموزشی نیمروز

ص: ۹۳

بهبودی در واکنش به نامه اصحاب نیمروز، از مدیر روابط عمومی خواسته تا از سریال «آوای بی صدا» تقدیر و تشکر کند.



جمهوری اسلامی ایران  
سازمان بهیشتی کشور



بسم الله

شماره ۸۴۲/۸۳۰۶

تاریخ ۷۸/۸/۱۲

پیوست

جناب آقای زسانی  
مدیرکل محترم روابط عمومی

سلام علیکم

احتراما " ، به استحضار میرساند درسالهای اخیر  
سیمای جمهوری اسلامی بخصوص شبکه ۲ به معلولین  
جامعه توجه خاص نموده است . درحال حاضر با پخش  
سیریل آوای بیصدا نیز در راستای هدف فوق کامبرداشته  
خواهشمند است از مسئولین محترم آن شبکه قدردانسی  
و ضمنا " این دفتر در زمینه همکاریهای کارشناسی اعلام  
آمادگی مینماید / م

ابوالقاسم نجفی

مدیرکل دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین

رونوشت :  
- لیور میعاونت  
- خانم آقا محمد ✓

رقابت و گاه بالاتر از رقابت منازعات دو جریان موافق و مخالف ارتباط کلی (افتراق مهم ارتباط کلی با شیوه شفاهی لب خوانی در زبان اشاره است) لذا می توان گفت موافقان و مخالفان زبان اشاره تا کنون ثمر و نتیجه ای جزء افت تحصیلی و کاهش شاخص های مختلف فرهنگی و اجتماعی در جامعه ناشنوایی نداشته است. سطح دانش و اطلاعات عمومی، سواد داشتن، تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتن، کتاب و تألیف و نشر کتاب، تولید نشریه در مرکز و در شهرها، تولید مقاله، فعالیت های هنری و تولید آثار هنری قابل توجه، هفت شاخصی است که در همه آنها ناشنوایان افت داشته اند. الآن وقت آن نیست تا اسناد و مدارک این افت را نشان دهیم، در نوشته دیگر مطرح خواهم کرد.

لازم بود این اختلاف با وساطت و پا درمیانی رهبران جامعه به سرانجام می رسید یا حداقل نخبگان جامعه دو گروه را جمع کرده و با ایجاد هم اندیشی بین آنان راه را برای مصالحه و همزیستی مسالمت آمیز می گشودند، یا تشکل های ناشنوایان تلاش می کردند و با طرح مباحث آزاد، راه گفتگو و همکاری و تعاون را باز می کردند.

متأسفانه در برخی دوره ها با امنیتی کردن این اختلافات، تنش ها را عمیق تر کرده و نشست ها را ریشه دارتر نمودند. یا گاه گفته شد زبان اشاره سر در آخور استعمار دارد و از غرب آمده و سوغات غرب است. با اینکه زبان اشاره در قرآن و گفته های معصومین علیهم السلام آمده است.

بالاخره بخشی از کارنامه خانم آقامحمد این بوده که اختلافات بین دو گروه را به میدان بحث و گفتگو آورده و از تشدید جدال ها یا تبدیل منازعات به اختلافات سیاسی و امنیتی بکاهد. نقش آقامحمد در این زمینه مهم و قابل مطالعه است و نیاز است چند تحلیل جدی درباره آن نوشته شود.

### **انتقال تجارب پیشرفته**

خانم آقامحمد در زندگی نامه خودنوشت خود، اشاره هایی به روابط و تعاملات فعال بین ایران و کشورهای پیشرفته در زمینه زبان اشاره و فنون رشد ناشنوایان کرده است. این داد و ستدها و تعاملات بخش مهمی از تاریخ ناشنوایان ایران و به ویژه زبان اشاره فارسی است که متأسفانه تدوین نشده است. اگر خانم آقامحمد امکان و فرصت داشت و تمامی اطلاعات خود را به صورت یک کتاب عرضه می کرد بسیار راهگشا بود. ثمینه باغچه بان مدیریت امور را به دست گرفت، تعاملات را گسترش داد، هیئت های بسیاری به ژاپن و کشورهای اروپایی رفتند و سوغات های خوبی از تجربه و پیشرفت با خود آوردند، همایش ها و نشست های متعدد در تهران و برخی شهرهای دیگر ایران برگزار شد و متخصصان و کارشناسانی از خارج آمدند و با بیان درباره مسائل جدید، راه رشد و ترقی را هموارتر کردند.

به عنوان نمونه همایش فدراسیون جهانی ناشنوایان در سال ۶۹ در دانمارک برگزار شد، نمایندگان ایران هم حضور داشتند. پس از بازگشت، گزارش آنان توسط جعفری نیا تدوین نهایی شد و در سیما پخش گردید. هم اکنون این متن را به عنوان یک نمونه موفق از انتقال تجارب از جهان مدرن و پیشرفته به ایران عیناً می آورم:











این سند تاریخی گویای راه کارهای مهمی برای انتقال تجارب و دستاوردها در زمینه زبان اشاره و استفاده این زبان در تلویزیون برای ارتقای سطح دانش و مهارت های ناشنویان است.

ص: ۱۰۰

گسترش زبان و فرهنگ ناشنوایان تا حدّ زیاد متکی به اشارات است. هر مقدار اشاره ها زیادتیر شود، در همه شئون فرهنگی و ادبیاتی ناشنوایان تأثیر خواهد گذاشت.

کارنامه خانم آقامحمد در این زمینه مهم و قابل مطالعه است.

شیوه واژه سازی آقامحمد متخذ از مدرسه باغچه بان و استقرایی یا از پایین به بالا- بوده است. برخلاف جریان هایی که امروزه می بینم برعکس از بالا به پایین است. یعنی تعدادی می نشینند و اشاراتی را وضع می کنند و از ناشنوایان می خواهند این ها را عمل کنند و گاه در توجیه آنها استدلال ها و توجیهاتی هم بیان می کنند. اما شیوه مدرسه باغچه بان و آقامحمد این گونه بود که به سراغ ناشنوایان می رفتند و اشارات آنها را می دیدند و با عکس گرفتن و نقاشی کردن آنها را ثبت می کردند. خانم آقامحمد به تفصیل، روش جمع آوری اشارات و ثبت و ضبط آنها را یادآوری کرده است.

امید است دولت و وزرا و مدیران فرهنگ دولت این میراث گران بها که با تلاش فراوان فراهم آمده است، به غفلت نسپارند و با تصویب بودجه و ایجاد بانک اشارات به توسعه آنها کمک کنند.

### مکتوب سازی اشارات

یکی از روش های مهم افزایش گنجینه اشارات، مکتوب ساختن اشارات است. چون ترقی و توسعه و پیشرفت مرهون زبان نوشتاری و مکتوب است. هر جامعه ای چه کوچک یا بزرگ در مرحله ارتباطات شفاهی در جا بزند و بماند، نمی تواند به توسعه و مدنیت و تمدن دست یابد. این مسئله در مورد جوامعی مثل ناشنوایان هم صادق است. یکی از اقدامات مرحوم باغچه بان و ثمینه و شاگردانش مثل آقامحمد تبدیل ادبیات شفاهی ناشنوایان به ادبیات کتبی بوده است.

ادبیات و فرهنگ تا کتبی نشود نمی تواند، آموزش پذیر باشد. اما وقتی اشارات مکتوب گردید، جزواتی به مدیریت خانم سمیعی و همکاری آقامحمد و دیگران برای آموزش تهیه گردید. در واقع اینها اولین متون درسی زبان اشاره بودند.

خانم آقامحمد در زندگی نامه خود نوشت خود می نویسد:

«همزمان با ضبط و ثبت اشارات، من و خانم بهادری به مراکز و مدارس باغچه بان می رفتیم و اشارات را به آموزگاران و کسانی که در ارتباط با ناشنوایان بودند آموزش می دادیم. همچنین از استان ها دعوت شد در مدت کوتاهی دو نفر از علاقه مندان به زبان اشاره را برای آموزش به تهران بفرستند. آن موقع ۱۴ استان داشتیم و ۲۸ نفر به تهران آمدند و دوره مقدماتی زبان اشاره را یاد گرفتند» (۱).

با مکتوب شدن اشارات ایجاد مفاهیم عمومی را امکان پذیر شده بود. تا وقتی مردم یک جامعه روی مفاهیم توافق نداشته باشند و هر کس برای بیان مقاصد خود از واژگان خاصی استفاده کند، جامعه پذیری زبان و توافق جامعه روی عناصر ادبیات از بین می رود. در نتیجه معلم مشغول حرف زدن پیرامون مثلاً آب و هواست ولی دانش آموزان چیزی از حرف های او نمی فهمند؛ زن و شوهر، بچه و

۱- زندگی نامه خودنوشت.

والدین و تمامی آحاد جامعه زبان یکدیگر را نمی فهمند و تفهیم و تفهم شکل نگرفته و درک مشترک نخواهند داشت. اما وقتی متن پدید بیاید و جامعه روی یک متن توافق داشته باشند، آن متن مبنای تفاهم و مفاهمه عمومی و پیوند دهنده همه مردم به یکدیگر است. لذا آقامحمد در مرحله سوم از زندگی اش در مکتوب سازی زبان اشاره کمک و همکاری کرد.

## عقلانیت جمعی و مفاهمه عمومی

### اشاره

یکی از فعالیت های آقامحمد در دوره سوم، تلاش برای پیوند دادن و مرتبط سازی نخبگان ناشنوا یا نخبگان شنوا ولی فعال در عرصه ناشنوایی با پروژه های ناشنوایی و زبان اشاره از یک طرف و نیز گسترش مفاهمه عمومی در بین جامعه ناشنوایان بود. تلاش برای برگزاری همایش ها و نشست ها در شهرهای مختلف و برگزاری جلسات هم اندیشی بین آنها بود.

تصویب رشته ادیولوژی با تلاش های ثمینه انجام شد ولی تحقق آن توسط خانم آقامحمد و امثال او بود. این اقدامات هم موجب گسترش و تعمیق عقلانیت جمعی شده است.

مجموعه اقداماتی که عقلانیت جمعی را در جامعه ناشنوایان گسترش می داد در زندگی نامه خودنوشت خانم آقامحمد توضیح داده شده است. سرجمع مشارکت نخبگان و تعاون و هم اندیشی و تعامل مثبت آنان نکته ای است که در دهه های اخیر کمتر سراغ داریم ولی بین سال های ۴۰ تا ۵۵ به اوج رسیده بود.

### مفاهمه عمومی در ناشنوایان ایران

ناشنوایان فاقد دو حس مهم ارتباطی است، از این رو بین ناشنوایان پیوند و چسب وجود ندارد تا آنان را به هم ربط دهد، حرف یکدیگر را بفهمند و مقاصد یکدیگر را متوجه شوند. یکی از اقدامات خوب باغچه بان و نسل باقیمانده از ایشان، افزایش پیوندها بین آحاد ناشنوا بود. خانم آقامحمد هم در این راستا بسیار کوشیده است و بخش مهمی از کارنامه او تلاش های او در راستای تحقق این هدف یعنی یکسان سازی اشارات در بین جامعه ناشنوایان سراسر کشور بود.

خواندن کتاب داستان مثل داستان مهمانان ناخوانده در گسترش تفاهم عمومی بسیار مؤثر بود. خانم آقامحمد با درایت خاص در تألیف این آثار همکاری کرد. و متن آنها به گونه ای تألیف شده است که حس تفاهم را به خوبی القا می کند.

لازم به ذکر است مفاهمه عمومی اساس و علت اصلی هر نوع پیشرفت و ترقی و کارآمدی است. افراد یک جامعه کوچک یا بزرگ با یکدیگر توافق نداشته باشند و دائماً به منازعه و مشاجره پردازند، تمامی نیروها و توانایی ها و ظرفیت های آنان به مشاجرات خواهد گذشت. اما جامعه ای که با یکدیگر همدلی و همکاری داشته باشند، هم زبانی، هم اندیشی در بین آنان بالا خواهد رفت و بالاخره به هم افزایی اجتماعی منجر خواهد شد.

یکی از روش های آقامحمد برای افزایش مفاهمه، همکاری با سازمان ها و مراکز ناشنوایان بود. او با دبستان ها و مراکز غیر دولتی از جمله انجمن خانواده ناشنوایان و کانون ناشنوایان ایران که از قدیمی ترین مراکز ناشنوایی ایران است همکاری صمیمانه داشته است.



تاریخ : ۹۳/۰۷/۲۶  
شماره : ۳۹۰ / ۹۳/ک  
پیوست : .. صیوبات

## کانون ناشنویان ایران

شماره ثبت : ۳۸۶  
Iranian National Center of the Deaf  
Founded 1960  
عضو اصلی فدراسیون جهانی ناشنویان (W.F.D)



((دعوت همکاری))

سرکار خانم فاطمه آقا محمد

کارشناس محترم ناشنویان

با سلام و احترام

کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره و رابطین با همکاری کانون ناشنویان ایران از جنابعالی صاحب نظر، در زمینه فراهم سازی زبان اشاره و رابطین دعوت به همکاری مینماید.

لذا از جنابعالی که علاقمند به همکاری میباشید تقاضا میشود در روزهای پنجشنبه و جمعه مورخ ۱ و ۲ آبان ماه سال جاری رأس ساعت ۱۰ صبح در کانون ناشنویان ایران حضور داشته باشید.

امید است که با این همکاری به موفقیت های روز افزون نائل آییم.

باتشکر

فریدون خلیلی  
رئیس کانون ناشنویان ایران



11 Moje Street , Darye Boulevard , Paknejad Boulevard , Sanat Squar  
Shahrak-e Gharb , Tehran , 1466976811, Iran

Tel : (+9821) 88561222

Fax: (+9821) 88561221  
وب سایت: www.incd.ir

شماره : ۰۲۱-۸۸۵۶۱۲۲۱  
رایانامه: info@incd.ir

تلفن : ۰۲۱-۸۸۵۶۱۲۲۲

وقتی کارنامه و فعالیت های آقامحمد را در دوره سوم زندگی اش بررسی می کنیم، می بینیم کارهایش ذیل هفت سرفصل بوده است. محور این هفت سرفصل زبان و ادبیات ناشنویان و به ویژه زبان اشاره است. هر یک از این هفت سرفصل تأثیر ژرف و زیربنایی در فرهنگ و جامعه ناشنوایی ایران بر جای نهاده است. اینها عبارت اند از: تدوین و نشر کتاب، سامان دهی بر رقابت بین موافقین و مخالفان زبان اشاره؛ انتقال و بومی سازی تجارب؛ توسعه گنجینه اشارات، مکتوب سازی زبان ناشنوایی فارسی؛ گسترش عقلانیت جمعی بین نخبگان؛ توسعه مفاهیم عمومی بین ناشنویان.

دانشجویان موضوعات پژوهش و پایان نامه را می توانند در همین موارد انتخاب کنند، نویسندگان و پژوهشگران درباره همین مباحث به تحقیق و تألیف پردازند و به این شیوه ها زبان و فرهنگ ناشنوایی ایران را متحول سازند.

### اشاره

فاطمه آقامحمد پس از اخذ دیپلم به سراغ شغل معلمی در مدرسه باغچه بان رفت ولی سر از سازمان ملی رفاه ناشنوایان در آورد و در آنجا به تدریس زبان اشاره و پس از آن به همکاری با گروه زبان اشاره و تحقیق و تألیف پرداخت و پس از ادغام سازمان رفاه در سازمان بهزیستی در بهزیستی به عنوان کارشناس امور ناشنوایان شاغل شد. بیست سال بعد به سازمان صدا و سیما پیوست، ولی در راستای کار و تخصصش یعنی زبان اشاره. بنابراین ایشان از آغاز اشتغال تا بازنشستگی همواره یک مسیر را طی کرد و در راستای تحصیلات و تجربه و دانشی که آموخته بود فعالیت کرد. به عبارت دیگر شرایط و اقتضائات زمانه موجب نشد تا از شاخه ای به شاخه ای برود و شغل عوض کند بلکه یک خط و یک محور را همواره منظور نمود و فعالیت هایش را پیرامون آن سامان داد. یعنی از سال ۵۷ تاکنون و طی چهل سال محور و کانون فعالیت هایش چه در تحصیلات دانشگاه یا تحصیلات کارگاهی و تکمیلی یا در بهزیستی و یا در تلویزیون، زبان اشاره بوده است. اما این به این معنا نیست که او طی چهل سال در جا زده و کارهایش تکراری بوده بلکه به زبان اشاره عمق بخشید و ابعاد آن را در زمینه های جدید و ابتکاری توسعه داد. از این رو کارش همواره با نوآوری و ابداع و ابتکار عجین بوده است.

در اینجا به عنوان مبحثی از فصل دوم گزارش مختصری از اشتغالات آقامحمد در دو سازمان را گزارش می نمایم؛ ولی در فصل سوم و چهارم به تفصیل و همراه با اسناد و مدارک بیشتر به شرح و بسط فعالیت هایش می پردازم.

### فعالیت های بهزیستی

### اشاره

فاطمه آقامحمد از سال ۵۳ کار در حیطه ناشنوایان را با گذراندن دوره های آموزشی و تشکیل گروه زبان اشاره در سازمان ملی رفاه ناشنوایان آغاز کرد و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ادغام سازمان رفاه در سازمان بهزیستی هم فعالیت خود را ادامه داد. اما در سال ۱۳۶۴ بر اثر کثرت کارهای خانه داری و به دلیل حضور شوهرش در مناطق جنگی باید تنه بچه ها را اداره می کرده و به امور خانه می رسیده، از کارش کناره گیری می کند ولی مجدداً در سال ۱۳۷۶ به کارش بازگشت و به عنوان کارشناس ناشنوایان در معاونت توانبخشی بهزیستی شروع به فعالیت کرد. در سال ۱۳۷۷ که در بهزیستی مرکز فعالیت داشت همزمان مأمور در سیما شد. ابتدا به عنوان رابط در شبکه ۵ سیما در سریال ها و در همان هفته ناشنوایان در شبکه ۴ سیما و در خبر، کار را آغاز نمود. اما کماکان به عنوان کارشناس ویژه ناشنوایان در حوزه توانبخشی بهزیستی مشغول به کار بود.

این دوره از فعالیت های آقامحمد با دوره تدریس و پژوهش هم پوشانی دارد، یعنی او هم به عنوان کارمند بهزیستی فعالیت داشت و هم به عنوان آموزگار و پژوهشگر، پروژه هایی را اجرا می کرد. چگونگی استخدام و قرارداد اشتغال به کار آقامحمد در فصل سوم بررسی خواهد شد؛ ولی اینجا فقط گزارش کلی از فعالیت هایش در بهزیستی معرفی می گردد.

آقامحمد در دوره جدید اشتغالش در بهزیستی، هر چند به عنوان کارشناس امور ناشنوایان استخدام قراردادی شده بود اما بسیاری از امور مختلف ناشنوایان در معاونت توانبخشی و معاونت های دیگر به او ارجاع می شد. اکنون به اهم این فعالیت ها اشاره می شود:

- مأموریت به استان ها و شهرها جهت رسیدگی و نظارت یا آموزش و ارتقای سطح دانش و مهارت افزایی

- تولید فیلم زیرنویس دار برای استفاده ناشنوایان

- ترویج و گسترش آموزش قرآن و دیگر تعالیم اسلامی با زبان اشاره

- گسترش زبان اشاره در بخش کودکان و تولید برنامه هایی برای آنان

- برگزاری مراسم در روزهای ویژه ناشنوایان و معلولان

- کارشناسی موضوعات مختلف وارد شده در بخش های بهزیستی

در واقع سطح دانش و تجربه آقامحمد محدود به زبان اشاره نبود بلکه گستره وسیعی داشت، از این رو نیروی کارآمد و خلاق برای سازمان بهزیستی محسوب می شد و می توانست در شرایط دشوار، راهکارهای راهگشا عرضه کند و عصای دست مدیران و راهنمای آنان باشد.

اسناد و مدارک این فعالیت ها در فصل های سوم و چهارم آورده می شود و این دو فصل گزارش جامع فعالیت ها به شیوه مستند می باشد.

### اقدام جامع

آقامحمد در ۲۹ فروردین ۱۳۸۰ طرحی جهت اصلاح امور ناشنوایان به معاونت توانبخشی بهزیستی دکتر کمالی ارائه کرده است تا آقای دکتر کمالی در شبکه ۵ سیما در برنامه به خانه برمی گردیم با محوریت آنها گفتگو کنند. در این طرح ادوار زندگی ناشنوایان از کودکی تا پیری و نیازها و اقتضائات هر دوره را بررسی کرده است. این طرح به صورت دست نویس در بین اسناد ایشان موجود است و اینجا آن را تایپ شده می آوریم:

احتراماً حسب دستور حضرتعالی مواردی چند در خصوص شناسایی و آموزش خانواده های ناشنوایان جهت برنامه «به خانه برمی گردیم» خدمتتان ایفاد می گردد.

بحث جلسه قبل «اهمیت زمان تشخیص ناشنوایی» هر چه این زمان سریع تر باشد نتیجه اقدامات توانبخشی مفیدتر خواهد شد که مواردی چند جهت تشخیص ناشنوایی در کودکان ذکر گردید.

کودک نیمه شنوا و ناشنوا بدون آموزش توان بخشی در ایجاد ارتباط دچار مشکل می باشد.

بنابراین برای انتخاب روش مناسب برای آموزش زبان و تکلم، زمان ابتلا به ناشنوایی اهمیت خاصی دارد که آن را به سه مرحله تقسیم می نمایند و هر کدام به دلایل خاصی ایجاد می گردد:

۱- ناشنوایی قبل از تولد (ناشنوایی مادرزادی)

۲- ناشنوایی هنگام تولد

۳- ناشنوایی بعد از تولد

که این مورد خود شامل سه گروه می باشند.

الف. ناشنوایی قبل از یادگیری زبان

ب. ناشنوایی بعد از یادگیری زبان

ص: ۱۰۶

ج. ناشنوایی در سنین بالا

که نیاز توانبخشی هر گروه متفاوت است.

نکاتی که به طور کلی باید برای همه کودکان با مشکلات شنوایی مدنظر خانواده باشد عبارتند از:

- صحبت کردن والدین به خصوص مادر در زمان شیر دادن به فرزند، این تصور غلط است که چون او نمی شنود پس چه فایده که با او صحبت کنیم.

- کودک ناشنوا بسیار دقیق نگاه می کند بنابراین وقتی با او صحبت می کنید.

- کلمات را شمرده بگویید

- در چشمانش نگاه کنید

- صورت شما در نور باشد

- نور مستقیم در چشم کودک نتابد

- با او بازی کنید

- اشیاء اطراف را به او نشان بدهید و اسم آنها را بگویید

- زمان صحبت کردن با صدای نسبتاً بلند « کمی بلندتر» صحبت کنید

توجه داشته باشید کودک ناشنوا زمان بیشتری را لازم دارد که مادر در کنارش باشد. همین باعث متکی شدن فرزند به مادر می گردد و هم حس حسادت فرزندان دیگر را تحریک می کند. برای پیشگیری از چنین وضعی

- ابتدا به فرزندان دیگر مشکل کودک ناشنوایتان را توضیح بدهید

- به آنها نیز در ارتباط با او مسئولیت بدهید

- بعضی از کارهای توان بخشی را با همکاری و کمک گرفتن از فرزندان دیگر انجام بدهید

تا وابستگی او به مادر کمتر شود و با دیگران نیز ارتباط پیدا کند این امر باعث اعتماد به نفس او خواهد شد و از گوشه نشینی او جلوگیری خواهد نمود.

- او را تشویق کنید تا با کودکان دیگر بازی کند

- او را با خود به میهمانی و گردش ببرید

- مانند فرزندان دیگر با او رفتار کنید

- امتیاز بی جا به او ندهید

- تربیت او با فرزندان دیگر تفاوتی ندارد. فقط نیازمند وقت بیشتری برای آموزش است

- کارهای خوب او را تشویق کنید

- در کار توان بخشی با او صبور باشید

- در کار خود پشتکار داشته باشید و اطمینان داشته باشید تا نتیجه دلخواه را به دست آورید.

روزی می آید که به فرزند ناشنوای خود افتخار کنید.

بیست نکته فوق مبنای آموزش مریبان و خانواده های ناشنوایان است. آقامحمد بر اساس این یافته ها و تجارب دوره های آموزشی به گروه های مختلف را پی ریزی می نموده است.

ص: ۱۰۷

## اشاره

آقامحمد کارمند بهزیستی بود اما در سال ۱۳۷۷ به سیمای جمهوری اسلامی ایران راه یافت و به عنوان کارشناس و نماینده حوزه توانبخشی و رابط ناشنوایان در برنامه های سیما و خبر و بعدها به عنوان سردبیر اخبار ناشنوایان مشغول به کار شد. این همکاری تا سال ۱۳۹۵ ادامه یافت. طی هجده سال کار در سیما توانست اقدامات بسیار انجام دهد و تحولاتی ایجاد نماید. البته بدون همکاری تیمی تحولی امکان پذیر نبود. از این رو باید از کسانی مانند مدیران وقت بهزیستی: محمد کمالی، جعفری نیا و مدیران وقت صدا و سیما: علی لاریجانی، آقای مفید مدیر شبکه ۵ و آقای کلاتری مدیر شبکه ۲ و رضا محمودی و جمع دیگر ناشنوایان یاد کرد.

گروه دست اندرکار خبر ناشنوایان علاوه بر مشکلات متعدد مثل کمی دستمزدها، دائم با مخالفت برخی مدیران یا چهره های صاحب نفوذ مواجه بودند. ولی عشق به پیشرفت ناشنوایان و توسعه دانش و آگاهی های آنان با اطلاع رسانی، آنان را ناامید و دلسرد نمی کرد.

## خواست عمومی برای مناسب سازی تلویزیون برای ناشنوایان

از طرف دیگر ناشنوایان، خانواده آنان و از طرف دیگر ریاست جمهوری و سازمان بهزیستی مدام خواستار برابری همه اقشار در دریافت اطلاعات و اخبار و نیز مساوات در استفاده همگان از فرصت هایی مثل فیلم و سریال و برنامه های سیمای جمهوری اسلامی می شدند. این فشار مدیران سیما را او می داشت تا هر چه زودتر موانع و کمبودهای مربوط به فناوری را مرتفع کنند و زمینه های لازم را برای استفاده ناشنوایان از اخبار و دیگر تولیدات سیما فراهم آورند.

در ۹ خردادماه ۱۳۷۷ دفتر ریاست جمهوری نامه ای، به خواست جمعی از خانواده ناشنوایان به صدا و سیما ارسال کرد و خواستار توجه بیشتر به خواست ناشنوایان برای استفاده آنان مثل دیگر مردم عادی از تولیدات سیما شد. پیرو آن مدیریت صدا و سیما از کارشناسان و مدیران ارشد خود خواست تا در جلسه ای به بررسی این موضوع بپردازند و امکانات ایجاد شرایط عادلانه و مساوی برای ناشنوایان را فراهم آورند. (۱)

خلاصه اینکه آقامحمد و همکارانش در داخل سیما مشغول پیشبرد برنامه و به روزرسانی تولیدات و اجراهای متناسب نیازهای ناشنوایان بودند. از طرف دیگر دولت اصلاحات به ریاست سید محمد خاتمی و وزرای فرهنگی اش با فشارهای دائمی از بیرون، راه تحولات گشوده می شد. و خبرهای نویدبخش می رسید.

## فیلم و سریال همراه با رابط

از سال ۷۷ با سریال روزگار جوانی در شبکه ۵ سیما بعد از هفته جهانی ناشنوایان و به طور مستمر سریال ها دیگر با رابط ناشنوایان پخش می شد. بری انجام آن لازم به اقداماتی بود که می بایست از طرف مدیر محترم فنی پخش انجام شود. این برنامه ها موجب

ص: ۱۰۸



خوشحالی در جامعه ناشنویان می شد. این تلاش ها توسط آقامحمد هدایت و تدبیر می شد. بعضی اسناد که گویای ابعاد این فعالیت است، می آورم.

به تاریخ ۲۶ مهرماه ۱۳۷۹ مدیریت پخش دستورالعملی به مدیر فنی پخش مهندس مشایخی ابلاغ می کند و خواستار پخش سریال سواران کوچک، داستان یک شهر و فیلم سینمایی روز جمعه با رابط شده است. متن ابلاغیه این گونه است:

سازمان بهزیستی در نامه زیر خواستار پخش خبر همراه با رابط شد. با توجه به ارتباط خانم آقامحمد با بهزیستی، این پیشنهاد با توصیه آقامحمد انجام یافت و نامه برای خانم آقامحمد هم (جهت اقدام) ارسال شد.

**مدیر محترم فنی پخش**

**جناب آقای مهندس مشایخی**

**با سلام و تحیات:**

به استحضار میرساند ، طبق روال قبلی، رابط  
ناشنویان برای تکرار سریال سواران کوچک  
( ساعت ۲۳ ) روزهای سه شنبه و تکرار سریال  
داستان یک شهر ( ساعت ۲۳ ) روزهای چهارشنبه  
و تکرار فیلم سینمایی در روزهای جمعه آخر هر ماه  
( ساعت ۱۳ ) می باشد.

مراتب جهت اطلاع و دستور اقدام مقتضی

تقدیم می گردد.

باتشکر

ذیل این نامه و در آخر آن، دریافت کنندگان رونوشت مشخص شده اند. از جمله اسم خانم آقامحمد هست. در واقع حیدرنژاد در نامه مزبور از آقای زابلی زاده اجرای مجدد خبر ناشنویان را درخواست کرده است. اما پیشینه اخبار ناشنویان در سیمای ایران قابل توجه است. فعالیت شبکه خبر در اواخر آذرماه ۱۳۷۸ آغاز شد. دو ماه بعد یعنی در بهمن ماه ۷۸ قرار دادن رابط در پایین و در گوشه تصویر در شبکه خبر راه اندازی شد. این به خاطر تلاش ها و پیگیری های جعفری نیا، وفسیان و بیابانی بود. بعداً هم چند بار قطع شد که با تلاش های مدیران دلسوز مجدداً راه اندازی گردید.

سند بعد گویای این است که با این درخواست موافقت گردید و پخش خبر دوباره در شبکه خبر برای ناشنویان هم راه اندازی شد.



جمهوری اسلامی ایران  
سازمان بهر سیرتی کشور

بسمه تعالی

شماره ۸۴۰/۱۰۲۱  
تاریخ ۸۴/۳/۱۶  
پست

جناب آقای زابلی زاده  
مدیر محترم شبکه خبر

سلام علیکم،

احتراماً پیرو نامه شماره ۸۴۰/۲۲۳ مورخ ۸۴/۱/۳۱ در خصوص ایجاد فرصتهای برابر و بهره مندی همه اقشار جامعه از رسانه ملی از جمله ناشنویان و برقراری مجدد خبر ساعت ۱۶ به همراه رابط ناشنویان که نیاز مبرم این قشر محروم از جامعه می باشد. خواهشمند است دستور فرمایند از نتایج حاصله این معاونت را مطلع فرمایند. از مساعدت جنابعالی

سپاسگزاریم. ۸۴/۳/۹/خ

دکتر مسعود حیدرنژاد  
سرپرست معاونت امور توانبخشی

سید محمود و فسیان با دست خط خود در بالای این نامه خطاب به خانم آقامحمد چنین نوشته است: جهت اطلاع و اقدام لازم.

### تولید فیلم خانگی

از طرف دیگر شرکت جوانه پویا که در تولید و ترجمه فیلم های خانگی فعالیت می کرد، با دیدن سریال هایی که در سیما پخش می شد و رابط در گوشه داشت به بهزیستی مراجعه و با آقامحمد مشورت کرد. این شرکت متقاعد شد فیلم های روی DVD برای ناشنوایان تولید کند. سپس از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز گرفت. (۱) راهنمایی جهت استفاده از فیلم ها در ابتدای نمایش فیلم نوشته شده است:

تأثیر فیلم در خواندن و نوشتن و در نهایت در سطح فرهنگ ناشنوایان بسیار زیاد است. اینجا اطلاعاتی درباره فیلم های تهیه شده با زیرنویس داده می شود. مجموعه فیلم هایی که با توجه به نیاز جامعه ناشنوایان و کم شنوایان ساخته شده، شما می توانید یکی از این روش ها را استفاده کنید:

- رابط ناشنوایان و کم شنوایان

- زیرنویس فارسی ویژه ناشنوایان و کم شنوایان

- زیرنویس انگلیسی ویژه ناشنوایان و کم شنوایان.

سرکار خانم آقامحمد

ناظران محترم بخش شبکه خبر

سلام، جهت اطلاع و اقدام لازم

سلام علیکم

با تشکر و فسیان

با توجه به دستور مدیریت محترم شبکه از تاریخ ۸/۴/۷

۸۴/۰۴/۰۸ اخبار ساعت ۹ بامداد و ۱۶ با رابط ناشنوایان پخش

خواهد شد. ناظران محترم بخش و کارگردانان محترم در این

خصوص همکاری لازم را بعمل آورند.

با تشکر

سید محمود و فسیان

مدیر بخش شبکه خبر

---

۱- . اطلاعات درباره جوانب دیگر تولید فیلم برای ناشنویان در صفحات ۱۹۵ به بعد و ۲۶۶-۲۶۷ آمده است.

- ساختن فیلم همراه با رابط ناشنویان و کم شنویان.

\* رابط ناشنویان و کم شنویان

کم شنویان و ناشنویان عزیز در هر سن و هر سطحی که باشند می توانند از فیلم بهره مند شوند و از آنجا که در این روش از زبان اشاره، صدا، حرکات لب استفاده می شود و با توجه به اینکه زبان اشاره، زبان مادری هر ناشنوایی است. که به آسانی قابل درک است و باعث درک و فهم آسان کلمات: متضاد، متشابه، کلماتی که مشابه نوشته می شوند ولی معنای متفاوت دارند و با کلماتی که متفاوت نوشته می شوند اما معنی یکسانی دارند و لغات انتزاعی، که همه این موارد در نهایت ذخایر لغوی را با درک صحیح کلمات افزایش می دهد در آموزش زبان فارسی به ناشنویان و کم شنویان عزیز بسیار اهمیت دارد. همچنین در این روش تغییرات حالات صورت همراه با اشاره که بار عاطفی کلمات، اعم از شادی، غم، عصبانیت و غیره را به بیننده منتقل می کند که موجب ارتباط بیشتر بیننده با موضوع فیلم می شود.

\* زیرنویس فارسی ویژه ناشنویان و کم شنویان

در زیرنویس سعی شده است تا آنجا که امکان دارد، لطمه ای به اصل موضوع فیلم وارد نشود و با توجه به نیاز جامعه ناشنوا، کم شنوا کلمات ساده و جملات کوتاه و به صورت کامل نوشته شود تا ناشنویان و کم شنویان عزیزی که قادر به خواندن و نوشتن هستند. بهره مندی از این روش تسلط خود را در این موارد بیشتر کنند.

\* زیرنویس انگلیسی

در زیرنویس انگلیسی دقیقاً همان جملات فارسی ساده و کوتاه شده به زبان انگلیسی ترجمه شده است که ناشنویان، کم شنویان عزیز برای فراگیری زبان انگلیسی نیز می توانند از این روش استفاده کنند.

اینک مؤسسه جوانه وظیفه خود می داند از مساعدت بی دریغ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قدردانی کند زیرا این کار موجب ارتقاء سطح آگاهی جامعه و ناشنویان، کم شنویان، و همچنین ایجاد فرصت های برابر از امکانات تصویری کشور می شود که بهره مندی آن برای ناشنویان عزیز اولویت و اهمیت خاصی دارد.

### **پذیرش مدیریت اخبار ناشنویان**

آقامحمد در سال ۷۷ مسئولیت بخش اخبار ناشنویان را از آقای جعفری نیا که مدیر اتاق خبر در بخش اخبار سیما بودند را به عهده گرفت. ابتدا خبر ناشنویان بسیار به هم ریخته بود و فقط بین ۷ تا ۱۰ دقیقه روزهای جمعه پخش می شد که آقامحمد با اعتراض به وضعیت آن به آقای جعفری نیا، ایشان می گوید: که خود آقامحمد این بخش را به عهده بگیرد. او می پذیرد؛ اما متأسفانه به دلیل عدم شناخت جامعه هدف به کار دو دبیر خبر که از رادیو همکاری می کردند خاتمه داد.

بنابراین مجبور شد خودش هم کار دبیری و هم سر دبیری را یک تنه انجام دهد. پس از دو سال آقای جعفری نیا به جام جم رفت. و این بخش به عهده آقای بنی هاشمی گذاشته شد. آقامحمد هم بر اثر مشکلات زیاد و عدم هماهنگی های لازم در کار از آقای سید مهدی مدیرکل محترم پخش اخبار در جلسه ای عذرخواهی کرده به کارش در اخبار ناشنویان خاتمه می دهد.

اما پس از چند ماهی آقای بنی هاشمی از پخش اخبار سیما رفت و با اصرار زیاد از آقامحمد می خواهد که سردبیری بخش خبر ناشنویان را قبول کند. آقامحمد هم برای جلوگیری از قطع این خبر قبول می کند.

در سال ۸۰ مجدداً سردبیر خبر ناشنویان می شود. سپس بعد از یکسال گزارشی از فعالیت های خود در تحول بخش خبری ناشنویان از جمله تشکیل تحریریه با افراد مختلف در بخش خبر می شود که در گزارش به صورت مبسوط آورده شده است.

او در نامه ای به مدیرکل پخش خبر سیمای جمهوری اسلامی شرایط و وضعیت امکانات برای ناشنویان را توضیح می دهد. این نامه گویای نکات فراوان است؛ به همین دلیل متن آن را می آورم:

تلاش های گروه کارشناسان ناشنویان در شرایطی است که سازمان صدا و سیما، حقوقی برای آنان قائل نبود و آقامحمد در زندگی نامه خودنوشت خود به این مسئله اشاره کرده و می نویسد:

شبکه دو مدت ها پولی به ما نمی داد. اما آقای دکتر کمالی (معاون توانبخشی در بهزیستی) هر سه ماه یا شش ماه یک مبلغی را به صورت چک به من و خانم غلامی به عنوان پاداش می داد. مبلغ زیادی نبود اما ما را خوشحال می کرد چون می دیدیم مسئولان قدر زحمت های ما را می دانند. اما بعدها شبکه دو نزدیک عید به هر نفر ما یک سکه می دادند. (۱)

نامه بعدی آقامحمد دارای لحن اعتراضی بیشتر است. لازم به ذکر است خبر ناشنویان از سال ۱۳۶۶ در سیما شروع شده بود، آقامحمد از سال ۱۳۷۷ به تیم اخبار ناشنویان ملحق می شود ولی مشکلات بسیار داشته است که در نامه بعداً توضیح می دهد. تا اینکه در سال ۱۳۸۰ نزد آقای جعفری نیا رفته و گلایه می کند و جعفری نیا از آقامحمد می خواهد مدیریت اخبار ناشنویان را به دست گیرد. آقامحمد پس از به دست گرفتن مدیریت پس از یک سال کار، نامه ذیل را خطاب به آقای سید مهدی مدیرکل محترم پخش اخبار سیما در تاریخ ۱۶ بهمن ماه ۱۳۸۱ نوشت و گزارشی از اقدامات انجام شده می دهد.

ص: ۱۱۳







به دلیل اهمیت، حروف چینی نامه آقامحمد را می آورم. پژوهشگرانی که درصدد مطالعه مشکلات اخبار ناشنویان در تلویزیون ایران هستند، این نامه اطلاعات سودمندی به آنان می دهد.

جناب حاج آقا سید مهدی

مدیرکل محترم پخش خبر سیمای جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

احتراماً ضمن تبریک به مناسبت ایام مبارک دهه فجر

بر خود لازم می دانم از مساعدت های جنابعالی و همکاران محترمتان به خصوص جناب آقای بخشی برای تهیه و پخش اخبار ناشنویان سپاسگزاری کنم مستحضری اخبار ناشنویان افزون بر ۱۰ سال است که جمعه های هر هفته ساعت ۱۵ از شبکه ۲ سیما پخش می شود. این بخش خبری در این مدت نسبتاً طولانی به لحاظ بی مهری و کم توجهی از نظر کیفی پیشرفت که نکرده بود حتی از مدت زمان آن رفته رفته کاسته و به مدت ضبط ده دقیقه ای رسید تا اینکه اینجانب به عنوان خدمتگزاری کوچک اعتراض خود را به آقای جعفری نیا متولی بخش ناشنویان اعلام کردم ایشان هم فرمودند شما مسئولیت آن را می پذیرید بسم الله بگوئید.

از اردیبهشت ماه سال ۸۱ این بخش خبری را به عهده گرفتم از همان روز اول در تمام امر با مشکلات زیادی روبرو شدم. از جمله

- انتخاب خبرها

ص: ۱۱۶

- ویرایش خبرها با توجه به مسائل کارشناسی در امور ناشنوایان

- انتخاب تصاویر مرتبط با خبرها

- نظارت بر کاربرد اشارات به لحاظ درک از کلمات برای گوینده ناشنوا

- یکنواختی در اجرا

- بک آبی و بی محتوا و بی پیام

- آرم شروع که برای برنامه کارتون مناسب تر است تا یک برنامه سیاسی

- و در نهایت استودیو ضبط

الف: زمان اختصاص داده شده

ب: ضبط یکنواخت

- متأسفانه ساعت پخش این خبر که می باید رأس ساعت ۳ شروع شود بعضاً با ده دقیقه تأخیر پخش می شود.

که با یاری خداوند متعال و عنایت مسئولان محترم و دلسوز توانستیم تا حدودی مشکلات را برطرف کنیم.

به استحضار می رسانم از مدت اختصاص داده شده به این برنامه که با عنایت و حمایت جنابعالی به صورت ۲۰ دقیقه در هر هفته تثبیت شد. مجموعه ای از اهم خبرهای داخلی و خارجی. خبرهای علمی و فرهنگی و در پایان ۲ دقیقه خبرهای ورزشی با اولویت خبرهای ورزشی جانبازان و معلولان. ناشنوایان و جالب ترین خبر ورزشی داخلی یا خارجی تهیه و ضبط می شود.

با اهتمام به روند گذشته این بخش خبری و اضافه شدن و تنوع خبرها در حال حاضر افرادی بیشتر این جانب را یاری می نمایند که خود را موظف می دانم اسامی آنان را به جنابعالی اعلام تا به صلاحدید مورد تشویق قرار گیرند تا خدایی نکرده انگیزه همکاری در آنان ضعیف نشود. بسیار سپاسگزارم آقای نور محمدی گوینده شنوا که به لحاظ داشتن پست مدیر امور عمومی در شبکه خبر دستمزدی دریافت نمی کند.

آقای حسینی نژاد در بخش ورزشی

آقای صالحی مسئول محترم تدوین

مسئول محترم گرافیک

در پایان با توجه به ایام مبارک دهه فجر و پیرو جلسه با جنابعالی که موافقت فرمودید برای این بخش خبری آرم شایسته ای انتخاب شود و با عنایت جناب آقای بخشی مدیر محترم با آقای مهدی محمدی در خصوص چگونگی آرم جلساتی برگزار کردیم که ایشان قول دادند ان شاءالله در این دهه آن را آماده نمایند و پس از تأیید جنابعالی به عنوان هدیه ای به ناشنوایان در این ایام از آرم جدید بهره مند شویم. این گزارشی بود از اقدامات انجام شده در این مدت، امیدواریم توانسته باشم در پیشگاه خداوند یکتا و مسئولان محترم و جامعه ناشنوایان وظیفه ای را که به عهده گرفته ام به انجام برسانم. ان شاءالله



ناگفته نماند، خیلی اوقات گفته می شد چون در بخش های دیگر از جمله ساعت ۳۰/۲۲ در سیما و دو بخش خبر در شبکه خبر با رابط ناشنویان پخش می شود دیگر لازم نیست این بخش خبری که به صورت هفتگی تهیه می شود پخش گردد. اینجانب با توضیحات کارشناسی و اهمیت بخش اخبار ناشنویان که گوینده خود آن از ناشنویان است آنان را متقاعد می کردم که باید این بخش در سیما حفظ شود.

نامه زیر هم گویای وضعیت پرداخت حقوق به آقامحمد است:

این نامه نشان می دهد آقامحمد تمام وقت در سیما شبکه تهران مشغول به فعالیت بوده ولی حقوق او پرداخت نمی شده و در پرداخت مشکلاتی بوده است. خود آقامحمد نوشته، سال ها رایگان برای شبکه ۵ کار می کردم و روزی به فکر افتادم درخواست حقوق کنم. فکر کردم کسانی که پس از من خواهند آمد حق و حقوقی از آنان ضایع شود و به کارگیری افراد در بخش ناشنویان قانونمند شود و سیما خود را در برابر آنان موظف بداند. اما وقتی از شبکه ۵ درخواست کردم در جواب گفتند: بهزیستی باید پردازد. بهزیستی هم در پاسخ نامه آقای وزیر نوشت، آقامحمد جمعه ها و شب ها برای شبکه ۵ کار می کند و این ساعات، وقت خودش است و ما موظف به پرداخت نیستیم. متن نامه این گونه است:

۱۳۸۲  
۹۹۲۲/۱۳۱۴

تهران



جناب آقای نجفی

مدیر کل محترم امور رفاهی سازمان بهزیستی

باسلام

با توجه به حضور سرکار خانم فاطمه آقامحمد در تعدادی از برنامه های این شبکه ، مستدعی است دستور فرمائید در خصوص پرداخت حقوق ، مزایا و بهره وری نامبرده اعلام نظر فرمایند .

محسن وزیری  
مدیر امور عمومی شبکه تهران

در سال ۱۳۷۷ همزمان در هفته ناشنویان در بخش خبر شبکه چهار با هماهنگی آقای جعفری نیا هر شب اخبار این شبکه را با مترجم ناشنویان یا همان رابط اجرا می کرد. ناگفته نماند که سردبیر این بخش بسیار با این کار مخالف بود. اما نتوانسته بود جلوی آن را بگیرد. سپس از شبکه دو درخواست برنامه کردند که آقای مشیری با موافقت درخواست آنها را به مدیر تأمین برنامه آقای کلانتری داد. در جلسه ای با ایشان و آقای جعفری نیا تصمیم گرفتند برنامه تصویر زندگی که یک برنامه کامل از آموزشی - فرهنگی و تفریحی و هم مورد درخواست ناشنویان بود را انتخاب و قرار شد هر روز صبح این برنامه را با رابط ناشنویان پخش شود. لازم به تذکر است که گرفتن برنامه ها به راحتی نبود جلسات کارشناسی می گذاشتند وقتی مسئولان مربوطه توجیه می شدند این کار انجام می شد ضمن آنکه صدا و سیما حاضر نبود هزینه ای برای این کار بپردازد. آنها تصور می کردند این خدمات را بهزیستی باید به عهده بگیرد چون مسئولیت معلولان را به عهده دارد. اما در جلساتی که آقای محمد با مسئولان مربوطه می گذاشت، او و آقای جعفری نیا آنها را توجیه می کردند و می گفتند هر سازمانی با توجه به رسالتی که دارد در برابر جامعه موظف است خدمات بدهد به طوری که آموزش و پرورش خدمات آموزشی، بهداشت و درمان خدمات درمانی و صدا و سیما، اطلاع رسانی و آگاهی به جامعه و همچنین ناشنویان را به عهده دارد. در سازمان های بین المللی اطلاع رسانی از طریق سیما برای ناشنویان

## جناب آقای محسن وزیری مدیر محترم امور عمومی شبکه تهران

سلام علیکم

احتراماً، عطف به نامه شماره ۹۹۶۲/۱۳۱۴ مورخ ۸۲/۸/۲۹ در خصوص سرکار خانم فاطمه آقای محمد کارشناس امور ناشنویان ایندفتر باستحضار می رساند نامبرده قبلاً کارمند رسمی این سازمان بوده که به دلیل مسئولیتی که جهت نگهداری فرزندانش داشته خود را باز خرید نموده و بنابر نیاز این سازمان به خدمات نامبرده مجدداً دعوت بکار شده و بصورت قراردادی با این سازمان همکاری می نماید از آنجا که خدمات نامبرده در آن شبکه در ساعات خارج از وقت اداری است و ایشان هیچ گونه حق الزحمه ای در این خصوص از این سازمان دریافت نمی کند، خواهشمند است دستور فرمائید پرداخت حقوق، مزایا و بهره وری نامبرده طبق مقررات آن شبکه اقدام گردد. ضمناً از مسئولان محترم شبکه ۵ که بخشی از برنامه ها را برای قشر محروم ناشنوا قابل استفاده نموده اند سپاسگزاریم. /۱۳۷۹

ابوالقاسم نجفی

مدیرکل دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی



اولویت داشته و تأکید شده است. با این وصف استدلال آقامحمد و جعفری نیا این بود که نیروی تخصصی را بهزیستی تأمین می کند. به همین دلیل در ۵ سال نخست، شبکه ۵ هیچ مبلغی بابت کار به آقامحمد نداد. با آنکه کار رفته رفته گسترش می یافت و فیلم سینمایی روزهای جمعه در هفته بهزیستی یک هفته کامل در هفته دفاع مقدس فیلم های سینمایی با رابط پخش می شد چون کار جدیدی بود خیلی ها دوست داشتند در برنامه ها از رابط استفاده کنند ضمن آنکه پولی هم پرداخت نمی کردند. از طرفی آقای دکتر کمالی، آقای جعفری نیا و آقامحمد با روزنامه های مختلف مصاحبه می کردند و درباره لزوم و حق ناشنوایان از بهره مندی سیما می گفتند. هدفمان این بود که تا مسئولین توجیه شوند و قبول کنند که ناشنوایان هم حق دارند از برنامه های سیما استفاده کنند. یک روز آقامحمد به پیشنهاد آقای دکتر کمالی با تهیه کننده برنامه «به خانه برمی گردیم» صحبت و ایشان را متقاعد کرد که خوب است به خانواده ها در مورد موضوعات مختلف مربوط به ناشنوایان اطلاع رسانی شود. ایشان پذیرفت و افزون بر یک سال، هفته ای یک بار با حضور آقای دکتر کمالی به عنوان کارشناس مهمان و آقامحمد مترجم زبان اشاره در برنامه شرکت می کردند. حتی مدتی آقامحمد چند کلمه زبان اشاره در برنامه «به خانه برمی گردیم» آموزش داد. او با پیگیری در برنامه های مختلف، ناشنوایان را به عنوان مهمان می برد تا بینندگان با موفقیت آنها آشنا شوند. از جمله آقای محمد محمدی دعوی سرایی که هنرمند قالیباف بود و قالی دو رویه از تمدن های مختلف را بافته بود او را به برنامه «شب به خیر تهران» برد و ایشان کارش را معرفی کرد سپس این قالی را به ریاست جمهور وقت با هماهنگی بهزیستی هدیه داد که قرار شد با حضور خودش در فرانسه این فرش دو رویه را به سازمان ملل یونسکو هدیه کند. که این کار انجام شد. آقامحمد (او) یا در روزهای مناسبتی ناشنوایان را به سیما می برد تا مردم از توانایی های آنان مطلع شوند خود آقامحمد هم در برنامه های مختلف با هدف اطلاع رسانی و آگاهی مردم شرکت می کرد.

ناگفته نماند که عده ای ناآگاهانه و عده ای به دلیل منیت ها و انحصار طلبی ها خیلی تلاش کردند تا جلوی پخش برنامه ها را بگیرند حتی کسانی که روزی بهترین دوستان و همکاران آقامحمد بودند کسانی که می دانستند این برنامه ها چقدر برای ناشنوایان اهمیت دارد. اما از آنجا که هدف آقامحمد خدمت به جامعه ناشنوایان بود و با عشق کار می کرد و فقط توکلش به خدای مهربان بود. با یاری خدای توانا و حمایت مسئولان چه در بهزیستی چه در صدا و سیما و همچنین همکاری خوب همکارش آقای محمودی و حمایت خیلی از خانواده های ناشنوایان این برنامه ها ادامه یافت. (۱)

## سرفصل های کاری

آقامحمد در دوره کاری و اشتغالش در سیما، کارهای بسیاری را انجام داد. او مثل کارمندهایی نبود که کار مفیدشان در روز چند دقیقه و در ماه چند ساعت است. او با دل و جان تلاش می کرد. در مجموع توانست این سرفصل ها را محقق سازد:

- ایجاد همکاری و هماهنگی بین صدا و سیما و بهزیستی

- تأسیس مرکز توانبخشی ناشنوایان

- همکاری منطقه ای

ص: ۱۲۰

- پاسخ به نیازهای واقعی ناشنوایان

- خواست عمومی

- دیدگاه مدیران و مسئولان

- فعالیت های خانم آقامحمد

### **ایجاد همکاری بین سیما و بهزیستی**

خانم آقامحمد در دو سازمان مهم اشتغال داشت ابتدا در بهزیستی فعالیت داشت و از سال ۱۳۷۷ به سازمان صدا و سیما رفت. با هر دو سازمان آشنایی کامل داشت. هر دو سازمان هم نسبت به معلولان و ناشنوایان وظایفی بر عهده داشتند و باید اقداماتی انجام می دادند.

آقامحمد در بهزیستی در بخش پژوهشی و انجام امور علمی و فرهنگی مشغول بود. از این رو به راه کارها و نظرات دقیق و کارآمد رسیده بود. از این رو با انبان و گنجینه ای پر از اطلاعات به صدا و سیما رفت و دستش پر بود و توانست بین این دو سازمان در مسائل ناشنوایان هماهنگی ایجاد کند.

هماهنگی بین این دو سازمان در این سال ها مطلوب بود؛ حتی گاه رئیس سازمان بهزیستی به تشکر از فعالیت های صدا و سیما در کارهای مرتبط به معلولان و ناشنوایان پرداخته است. آقای غلامرضا انصاری رئیس وقت بهزیستی در نامه ای به آقای لاریجانی رئیس صدا و سیما چنین نوشته است:

هفته جهانی ناشنوایان در سال جاری فرصتی را فراهم آورد تا در یک همکاری مشترک با شبکه پنجم (تهران) سیما، شاهد به بار نشستن یکی از آرزوهای دیرینه ناشنوایان عزیز باشیم استفاده از تصویر رابط ناشنوایان جهت ترجمه صحبت های مجریان برنامه های تلویزیونی موجی از شادی و شمع در بین ناشنوایان تهرانی و خانواده های آنان فراهم نمود.

متن کامل رئیس بهزیستی به رئیس سازمان صدا و سیما در تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۳۷۷ خطاب به لاریجانی چنین است:

ص: ۱۲۱

نیز محمد کمالی معاون توانبخشی بهزیستی خطاب به آقای مشیری مدیر شبکه دو در ۷ آذرماه ۱۳۷۷ چنین نوشته است. در متن این نامه به همکاری و وساطت خانم آقامحمد اشاره شده است.

جناب آقای دکتر لاریجانی  
ریاست محترم سازمان صدا و سیما

سلام علیکم

استحضار دارید تأمین فرصتهای مساوی برای افراد دارای ناتوانی و معلولیت در استفاده از امکانات جامعه یکی از اصلیترین اهداف برنامههای توانبخشی در جوامع امروزی است. دسترسی معلولین به فرصتها و امکانات موجود در جامعه جز از طریق همکاری بین بخشی و به فعل در آمدن ظرفیتهای بالقوه موجود در نهادهای ملی جامعه امکان پذیر نخواهد بود.

هفته جهانی ناشنوایان در سال جاری فرصتی را فراهم آورد تا در یک همکاری مشترک با شبکه پنجم (تهران) سیما، شاهد بیان نشستن یکی از آرزوهای دیرینه ناشنوایان عزیز باشیم استفاده از تصویر رابط ناشنوایان جهت ترجمه صحبتهای مجریان برنامههای تلویزیونی موجی از شادی و شمع در بین ناشنوایان تهرانی و خانوادههای آنان فراهم نمود. تماسهای خانوادهها و افراد ناشنوا با همکاران ما در سازمان بهزیستی، بر درخواست آنان جهت تداوم و گسترش ابعاد موضوع به شبکههای دیگر عنایت دارد.

در این جا لازم می دانم ضمن ابلاغ مراتب تقدیر و تشکر از این اقدام ارزنده، آمادگی حوزه معاونت امور توانبخشی سازمان را جهت همکاری برای تداوم این عمل خیرخواهانه اعلام نمایم. امید است با تلاش دو جانبه در زمینه دسترسی ناشنوایان به ارتباطات موجود در جامعه گامهای مؤثری برداشته شود.

دکتر غلامرضا انصاری  
رئیس سازمان بهزیستی کشور



آقای محمد کمالی معاون معاونت محترم امور توانبخشی بهزیستی کشور در نامه ای به تاریخ ۲۰ دی ماه ۱۳۷۷ به معاونت سیما از اقدامات سیما به ناشنوایان تشکر کرده و طرحی جهت گسترش هماهنگی و همکاری بین دو سازمان را عرضه می دارد. اصل این طرح رؤیت نشد ولی خبرش هم مهم است.

باید متذکر شوم تمام نامه های مرتبط با جامعه ناشنوایان به سازمان های مختلف و به ویژه صدا و سیما را آقای محمد تهیه می کرد و آقای دکتر کمالی تأیید و امضا می نمود.

جناب آقای مشیری

مدیر محترم شبکه دو صدا و سیما جمهوری اسلامی

سلام علیکم

احتراما " ، باتوجه به نامه شماره ۱۴۱۰۳/۱۱ مورخ ۷۷/۳/۹ رئیس محترم دفتر ریاست جمهوری مبنی بر مساعدت بادرخواست جمعی از عزیزان ناشنوا برای برنامه های صدا و سیما و صورت جلسه مورخ ۷۷/۴/۷ موافقت جمعی از مسئولان محترم صدا و سیما بمنظور اجرای برنامه ویژه برای ناشنوایان ( تصویرسوابق پیوست میباشد ) و جلسه حضوری با جناب آقای کلانتری مدیریت محترم تامین برنامه شبکه دو و اعلام همکاری و مساعدت ایشان و کارشناس امور ناشنوایان معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی باعنایست به خواسته جمع کثیری از خانواده های ناشنوایان درخصوص پخش برنامه تصویر زندگی با رابط ناشنوایان ، خواهشمند است دستورفرمائید اقدامات لازم معمول گردد .

ضمنا " خانم فاطمه آقامحمد جهت هرگونه همکاری در زمینه فوق معرفی میگردد .

م/

محمد کمالی  
معاون امور توانبخشی

آقای محمد کمالی بیش از دیگر مدیران بهزیستی در زمینه هماهنگی با صدا و سیما فعالیت و کارشناس حوزه خود آقای محمد را حمایت نموده است. زیرا باور داشته که معلولان و به ویژه ناشنوایان لازم است از ظرفیت های ارتباطاتی صدا و سیما برای رشد و ارتقای خود استفاده کنند و سیما می تواند ناشنوایان را در همه زمینه ها یاری رساند. لذا به پیشنهاد آقای محمد در نامه ای به امضاء آقای کمالی به معاون سیما می نویسد: فعالیت ها و تجربه های موفق شبکه ۵ لازم است به شبکه های دیگر از جمله شبکه دوم هم گسترش یابد. ناشنوایان هرچه بیشتر از ارتباطات و توانمندی های آن بهره مند شوند، رشد و ارتقای فرهنگی و اجتماعی بیشتری نصیبشان خواهد شد.

جناب آقای مهاجرانی  
معاونت محترم سیمای جمهوری اسلامی

سلام علیکم

احتراماً، ضمن تشکر و قدردانی از توجه خاص مسئولین محترم سیمای جمهوری اسلامی به قشر محروم ناشنوا و با عنایت به نیاز میزبان آنها به استفاده درصدی از برنامه های سیما که در حال حاضر با مساعدت و همکاری مسئولین دست اندرکاران محترم شبکه های ۲ و ۵ این امر تحقق یافته است به پیوست طرح پیشنهادی جهت استحضار و هرگونه اقدام لازم ایفاد می گردد.

محمد کمالی  
معاون امور توانبخشی

سازمان بهزیستی یک کارشناس یعنی خانم آقامحمد و محمدباقر جعفری نیا(۱) را برای برنامه های تلویزیونی تعیین کرده است. این دو نفر زیر پوشش معاونت توانبخشی بهزیستی فعالیت می کنند.

در شهریور ۷۹ این دو نفر نزد رئیس سازمان بهزیستی انصاری دفتر و گزارش مهمی از وضعیت فعالیت های سیما برای ناشنوایان عرضه کردند. همین گزارش را مکتوب هم عرضه کرده اند که ذیلاً می آورم:

ص: ۱۲۵

---

۱- . مدیر کل محترم دفتر امور معلولین در بهزیستی و سردبیر یک بخش خبری در دفتر پخش اخبار سیما و کارمند رسمی صدا و سیما بوده و ایشان دوستی قبلی با دکتر کمالی داشته است. اما پس از مدت کوتاهی از بهزیستی رفتند اما کار ناشنوایان در سیما را حمایت می کرد.









این سند بسیار مهم است چون شامل نکات کلیدی زیر است:

۱- خانم آقامحمد کارشناس ارشد مسائل ناشنوایان در معاونت توانبخشی، نقش بسزایی در موفقیت برنامه ها داشته است.

۲- اقدامات و فعالیت ها ضرورتاً باید در چارچوب یک برنامه مدرن دراز مدت و میان مدت عملیاتی گردد.

خلاصه اینکه سیما و بهزیستی با وجود خانم آقامحمد در امور ناشنوایان هماهنگی و همکاری مطلوبی داشتند و در این دوره مطلوب ده ها پروژه برای ناشنوایان اجرا شد. اما به دلیل تعارض هر دو سازمان، آموزش و پرورش، وضعیت آموزشی ناشنوایان آشفته و نابسامان بوده و هنوز هم هست.

### **تأسیس مرکز تربیت و تأمین رابطین ناشنوایان**

خانم آقامحمد بهمن ماه ۱۳۸۰ طرحی را به سازمان بهزیستی ارائه داد و خواستار حمایت بهزیستی از تأسیس و راه اندازی مرکز تربیت و تأمین رابطین ناشنوایان شد. در آن زمان آقامحمد در سیما مسئولیت خبر ناشنوایان را بر عهده داشت و به وضوح می دید در زمینه رابط و مترجم کمبودهای جدی در جامعه و در صدا و سیما هست.

هیئت مؤسس این مؤسسه عبارت بودند از: فاطمه آقامحمد، رضا محمودی، عاطفه نوری تاجر و عطیه نوری تاجر. و طرح نامه آن را ذیلاً می آورم تا به ابعاد آن مطلع شوید:

ص: ۱۳۰



درخواست موافقت اصولی تاسیس مراکز غیردولتی  
موضوع ماده ۲۶ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت  
مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مجلس شورای اسلامی

اداره کل بهزیستی استان

احتراماً، اینجانب با مشخصات ذیل:  
نام و نام خانوادگی: **ماطمه کامر** فرزند **احمد** به شماره  
شناسنامه **۳۰۷۰۰۰۰۰۰۰۰** صادره از **تهران** متولد سال **۱۳۷۰**.....

وضعیت تاهل:  مجرد  متاهل  
نوع مدرک تحصیلی: **لیسانس روانشناسی** سال اخذ مدرک تحصیلی **۱۳۹۱**.....  
رشته تحصیلی: **روانشناسی** ساکن شهرستان: **تهران** به  
آدرس: **تهران، شهرک مهرآباد، خیابان مهرآباد، کوچه ۱۲۴، پلاک ۷۰**.....  
تلفن: **۰۲۱۷۴۹۰۰۰۰۰** با سابقه کار: ..... در زمینه فعالیت مورد تقاضا متقاضی  
صدر موافقت اصولی جهت تاسیس **مراکز تربیتی و آموزشی** (تربیتی و آموزشی) در  
شهرستان **تهران** و مراکز آموزشی در شهرستان **تهران** می باشم.  
خواهشمند است دستور فرمائید اقدام مقتضی معمول گردد.

تاریخ  
محل امضاء متقاضی

اساسنامه موسسات خیریه و غیرانتفاعی موضوع بند ۱۳ ماده ۲۶  
قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷

فصل اول - کلیات و اهداف

ماده (۱) نام موسسه موسسه خیریه و غیرانتفاعی ..... است و در این اساسنامه  
بالحاظ رعایت اختصار مرکز نامیده میشود.  
ماده (۲) نوع فعالیت: کلیه فعالیتهای موسسه غیرسیاسی و غیرانتفاعی می باشد.  
ماده (۳) محل: مرکز اصلی **تهران** در **شهرک مهرآباد** در **شهر تهران** در **مهرآباد** در **شهر تهران**  
واقع است و در صورت نیاز می تواند بعد از کسب موافقت سازمان بهزیستی در سایر نقاط  
داخل کشور شعبه، نمایندگی یا دفتر دایر نماید.  
ماده (۴) تابعیت: ..... تابعیت جمهوری اسلامی ایران را دارد و کلیه  
اعضای آن التزام خود را به قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام می دارند.  
ماده (۵) مدت فعالیت: **نامحدود** از تاریخ تاسیس برای مدت نامحدود تشکیل  
میگردد.  
ماده (۶) دارایی اولیه موسسه اعم از منقول و غیر منقول مبلغ **۱۰۰۰۰۰۰۰۰** ریال  
می باشد که توسط **ماطمه کامر** تماماً پرداخت شده و در اختیار موسسه قرار گرفته است.  
ماده (۷) هیات موسس عبارتند از آقایان:

خانم ها: **ماطمه کامر** - **عاطفه فری نام** - **علیه لری کامر**  
**کمال** - **رضا موری**

با درخواست آقامحمد موافقت شد؛ اما برخی شایعه‌ها مبنی بر مال‌اندوزی آقامحمد، موجب دلسردی و یأس او شد و در نتیجه ادامه کار را رها کرد. توضیح اینکه، رابطین برای کمک به ناشنوایان به دانشگاه می‌رفتند ولی حق الزحمه آنها توسط بهزیستی پرداخت نمی‌شد. اما وقتی آقامحمد به خانواده رابط‌ها واقعتاً را می‌گفت، آنها با بدبینی فکر می‌کردند آقامحمد پول رابط‌ها را برای خودش برداشته است. متأسفانه یک تجربه منفی در جامعه ناشنوایی هست که به افراد شنوا دیراعتماد می‌کند و فکر می‌کنند همه کارها را باید خودشان انجام دهند. همین روحیه موجب شده افراد به کمک آنها نروند و مشارکت مدنی در مورد آنها کم شود.

### همکاری منطقه‌ای

کشورهای افغانستان، عراق، تاجیکستان و تمامی همسایگان ایران دارای جمعیت قابل توجه از معلولین و ناشنوایان بودند. ایران در زمینه آموزش و پرورش و اقدامات توانبخشی معلولان و ناشنوایان از همه آنها جلوتر بوده است. از این رو آقامحمد دعوت شد تا تجارب و اقدامات مرتبط به گفتاردرمانی و تربیت شنوایی و به ویژه زبان اشاره موجود در ایران را به کشورهای درخواست‌کننده انتقال دهد. از این رو دوره آموزش فشرده به نام «آشنایی با گفتاردرمانی» برای کارمندان در کشور افغانستان با همکاری مؤسسه سوئدی برای افغانستان برگزار شد.

مؤسسه خرد روشنگر در نامه‌ای به فاطمه آقامحمد او را برای تدریس و انتقال تجارب دعوت کرد.




شماره: ۱۱۸۸  
تاریخ: ۲۵/۱۲/۸۶  
پیوست: —

بسمه تعالی

**سرکار خانم فاطمه آقا محمد**

با سلام و تحیت

دوره آموزش فشرده " آشنائی با گفتار درمانی " که برای همکاری از کشور افغانستان و با مساعدت " موسسه سوئدی برای افغانستان " برگزار شد، فرصتی بود تا از تجارب و دانش شما در تدریس برای ایشان بهره مند شویم. بدینوسیله ضمن تقدیر و تشکر از حضرتعالی ، آرزو میکنیم بار دیگر بتوانیم از همکاری شما در دوره های آتی استفاده نماییم.

با تشکر  
  
**دکتر اصغر دادخواه**  
مدیر عامل



**Speech – Language Pathology Intensive Course**

**Certificate of Participation**

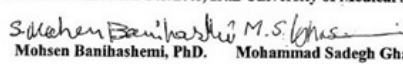
THIS IS TO CERTIFY THAT

**Mrs. Fatemeh Agha Mohammad**

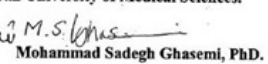
Has instructed 12 hours in the course  
30 January to 30 February 2008 conducted at the Kherad Roshangar Research and Training Institute,  
In co-operation with the School of Rehabilitation Sciences, Iran University of Medical Sciences.

  
Asghar Dadkhah, PhD.

General Director  
Kherad Institute

  
Mohsen Banihashemi, PhD.

Manager  
Training department

  
Mohammad Sadegh Ghasemi, PhD.

Dean  
School of Rehabilitation Science

اکثر مدیران و همکاران در سیما با بزرگواری و رغبت با ما کار می کردند معدود کسانی هم بودند که مخالفت می کردند و یا با اکراه همکاری می کردند. زمان برنامه را کم می کردند یا ساعت آن را تغییر می دادند و غیره ... بعضی مواقع هم امکانات کم بود. ولی ما در هر شرایطی کار می کردیم. و به خواست خدا پیش رفتیم تا به هدف خود اگرچه هنوز کم است اما به بخشی از آن برسیم و به جرأت می گوئیم که در منطقه خودمان یکی از کشورهای پیشرفته در این امور هستیم. یک روز آقای بنی هاشمی و دکتر کمالی از من خواستند در آموزش مدیران منطقه ای افغانستان با مساعدت مؤسسه ای سوئدی برگزار می شد، همکاری کنم و به ایشان زبان اشاره و توانبخشی شنیداری آموزش بدهم. چون زبان ما دو کشور فارسی است و فرهنگ نزدیکی داریم بسیاری از اشارات ما برای آنان قابل استفاده است با آنکه فشردگی کار من آن زمان زیاد بود. اما با کمال میل این کار را انجام دادم پایان این دوره ۲۵ اسفند ۸۶ بود. خوشبختانه باید بگویم اخبار برای ناشنوایان کشور ما در شبکه خبر حتی زودتر از شبکه الجزیره برای ناشنوایان فعال شده بود. در صورتی که این شبکه در اطلاع رسانی ادعای زیادی داشت. اما ژاپن فعال تر از ما هست. پس از سال ها و تغییرات مختلف حالا ما دو بخش خبری در شبکه خبر داشتیم صبح و عصر من هم بسیار کم شیفتم چون می خواستم کم کم کار را به جوان ها واگذار کنم. (۱)

آقامحمد در نامه ای به دکتر کمالی معاون توانبخشی بهزیستی درباره پیشرفت های ایران نوشته است:

همان گونه که مستحضربید در هفته جهانی ناشنوایان برای اولین بار در جمهوری اسلامی ایران برنامه های سیمای شبکه ۵ در روز جمعه ۳/۷/۷۷ مصادف با روز ناشنوایان در ایران و اخبار ساعت ۲۰ شبکه ۴ در هفته جهانی با رابط ناشنوایان برای این عزیزان پخش گردید.

جنابعالی کاملاً اشراف دارید که در جهان سال هاست برنامه اخبار با رابط برای ناشنوایان پخش می شود که در کشورهای همسایه نیز قدمت دیرینه دارد. اما برای اولین بار در جهان است که سریال و مسابقه با رابط برای ناشنوایان پخش می گردد و کشور عزیز ما ایران بنیانگذار چنین روشی در جهان می باشد.

ص: ۱۳۴

با بررسی و تحقیقی که از عزیزان ناشنوا به دست آمده همه آنها از اجرای این برنامه بسیار خرسند و همچنین اظهار می دارند برایشان کاملاً قابل درک و استفاده می باشد و دقیقاً در جریان سریال و مسابقه قرار می گیرند.

در تأیید مطالب فوق روز تولد حضرت زهرا که مصادف با روز مادر در ایران بود خانواده های ناشنویان آن را بهانه مناسبی جهت تماس و تبریک با ما دانستند در تماس ها همه اولیاء از مسئولین محترمی که عامل اجرای این برنامه بوده اند قدردانی و دعاگوی همه دست اندرکاران بودند. مادری خداوند را قسم می داد همان طور که با اجرای برنامه روزهای جمعه شبکه ۵ شادی را به خانه آنها برده ایم و دو فرزند ناشنوايش را خوشحال و امیدوارم نموده ایم. ان شاءالله خداوند همه دست اندرکاران این برنامه ها را شاد و تندرست بدارد.

آقامحمد ۲۴ مهرماه ۱۳۷۷(۱)

آقای کمالی در گزارشی که برای اداره روابط عمومی وزارت امور خارجه ارسال کرده درباره پیشرفت های ایران در زمینه امور ناشنوایی به تفصیل توضیح داده است. این گزارش را خانم آقامحمد تهیه کرده است. متن گزارش آقای کمالی این گونه است:

ص: ۱۳۵

---

۱- این نامه به دست نویس خانم آقامحمد موجود است.





توضیح درباره این گزارش اینکه، روی برگه های سازمان بهزیستی نوشته شده ولی تاریخ ندارد. ولی در آخر آن امضای دست نویس آقامحمد به تاریخ ۳/۱۰/۷۷ آمده است.

### **پاسخ به نیاز واقعی ناشنوایان**

رئیس اداره کل بهزیستی سیستان و بلوچستان نامه ای به معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی در دی ماه ۱۳۷۷ نوشته و متذکر شده اجرای برنامه های سیما برای ناشنوایان به زبان اشاره و همراه رابط موجی از رضایت و شغف را به وجود آورده است. در آخر می نویسد: «امید است این اقدام خداپسندانه و انسان دوستانه استمرار یابد».

وقتی برنامه ای به زبان اشاره برای ناشنوایان اجرا می شود از آخرین نقطه مرزی و فقیرترین اقشار تا مردم مرکز، احساس رضایت نموده و واکنش مثبت نشان می دهند، نشان دهنده نیاز ذاتی و درونی آنها است و لازم است مسئولین ارشد نظام جمهوری اسلامی به ویژه آموزش و پرورش نسبت به روش ها و برنامه های گذشته خود تجدید نظر کند.

ص: ۱۳۸



در یک جلسه در سال ۹۵ مدیرکل اداره استثنایی استان قم در جمع حدود یکصد ناشنوا و خانواده هایشان و تشکل هایشان شروع به سخنرانی کرد. او گفت ناشنوایان باید با تلاش و کوشش رشد فرهنگی و اجتماعی پیدا کنند کودکان ناشنوا را لازم است در برنامه کاشت حلزون شرکت داد و از این طریق شنوایی آنها اصلاح خواهد شد. نیز گفت آنان باید به مدارس عادی بروند تا روابط اجتماعی آنها اصلاح شود، زبان اشاره را کنار بگذارند و تلاش کنند به روش شفاهی و لب خوانی گفتار خود را تقویت کنند.

ناگهان سالن به لرزه در آمد و همه ناشنوایان و خانواده ها با داد و فریاد اعلام عدم رضایت نمودند و حرف های این مدیرکل را درست ندانستند.

همه اینها نشانگر این است که جامعه آگاه است و برای آینده خود تصمیم گرفته اند تن به خطاهای گذشته نمی دهند. و خلاصه مدیریت ها باید خودشان را با مردم هماهنگ کنند و فاصله خود را کم نمایند.

اما متن نامه آقای زوار زاده از سیستان و بلوچستان زیبا در تاریخ ۲۳ دی ماه ۱۳۷۷ است:

معاونت در بهزیستی این نامه را به خانم آقامحمد ارجاع کرده است.

همچنین گزارش هایی در روزنامه های اطلاعات و کیهان منتشر شده که مهم است. این دو گزارش نشانگر خواست عمومی ناشنوایان است.

تصویر

معاونت محترم امور توانبخشی بهزیستی کشور

سلام علیکم

با احترام با عنایت به اقدام اخیر آن معاونت محترم در خصوص تهیه بعضی از برنامه های سیمای جمهوری اسلامی ایران همراه با زبان اشاره که شدیداً مورد نیاز این قشر میباشد بدینوسیله مراتب سپاس و قدردانی این سازمان و کلیه ناشنوایانی که مرتب مراجعه و ابراز خوشحالی و خرسندی می نمایند به حضور حضرتعالی ابراز میدارد. امید است این اقدام خیریتما نه تنها انسان دوستانه همچنان استمرار یابد.

غلامرضا زوارزاده

مدیرکل سازمان بهزیستی استان سیستان و بلوچستان

سرکار خانم  
توفیق لودج  
۱۳۷۷  
۱۱/۱۱



## اطلاعات

دوشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۷۷ - شوال ۱۴۱۹  
 اول فوریه ۱۹۹۹ - شماره ۲۱۵۵۰

همایش شورای مشارکتهای مردمی با بهزیستی در سراوان برگزار شد  
 زاهدان - خبرنگار اطلاعات: همایش شورای مشارکتهای مردمی با بهزیستی سراوان در سالن اجتماعات فرمانداری این شهرستان برگزار شد. آقای زولزاده مدیر کل سازمان بهزیستی سیستان و بلوچستان هدف از برگزاری این همایش را توسعه خدمات بهزیستی در بخشهای آموزش و پرورش؛ پیش دبستانی کودکان روستایی، پیشگیری و کاهش آسیبهای اجتماعی و ساماندهی زندگی محرومین از طریق مشارکت همگانی عنوان کرد و گفت: مشارکت اقتضای دو سویه بین مسئولان و مردم است. اعتماد فی مابین باعث افزایش آن می شود. وی افزود: مشارکت در سازمان بهزیستی شامل کمکهای فکری، فرهنگی، معنوی، بدی و اقتصادی مردم می شود. در این همایش همچنین حجت الاسلام محمدیان نماینده دفتر مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سراوان گفت: سالمسازی جامعه و کاهش بلیه اعتیاد بین جوانان بستگی به مشارکت و یاری مردم با سازمان بهزیستی دارد. وی اضافه کرد: مادر زمینه مسایل اجتماعی از سازمان بهزیستی توقع کلان نگری و ارائه شاخص های کاری داریم و بررسیهای کارشناسان بهزیستی در زمینه حلل اعتیاد و اعلام تعداد مبتلایان به مواد مخدر مشارکت لرگانها و نهادهای دولتی و مردمی را در پی خواهد داشت. در ادامه این همایش آقای آژنده فرماندو شهرستان سراوان گفت: فرهنگ مشارکت و انجام امور خیریه ریشه در تاریخ، آداب و سنن مردم منطقه دارد و شفاف عمل کردن در برنامه مشارکتهای، جلب و جذب کمکهای مردمی را تسهیل می کند. در خاتمه فرماندو سراوان ایجاد زمینه های شغلی و راه اندازی مرکز معتادین خود معرف در شهرستان سراوان را با کمک مردم ضروری دانست.

## کیهان

صفحه ۲

دوشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۷۷  
 ۱۵ شوال ۱۴۱۹ - شماره ۱۶۴۳۵

• ما تعدادی از مادران بچه های ناشنوا هستیم تلویزیون اخیرا در یک اقدام خوب و شایسته بعضی از برنامه ها را به صورت اشاره ای نیز نمایش می دهد و به همین خاطر باعث خرسندی و استفاده بخش قابل توجهی از هموطنان که با مشکل ناشنوایی مواجه می باشند شده است اما متأسفانه عده ای بدون توجه به حقوق سایر شهروندان در استفاده از برنامه های تلویزیونی به مسئولان دیربظ فشار می آورند که این برنامه نمایش اشاره ای را حذف کنند در حالی که حذف این نمایش اشاره ای تضییع حقوق عزیزان ناشنولست چون واقعا ایشان از نظر کسب اطلاعات عمومی و اخبار و آگاهیهای سیاسی و اجتماعی محروم هستند.

دیونیمی



خانم آقامحمد در نامه ای به آقای عربان معاون دفتر توانبخشی سازمان بهزیستی نوشته و نکات مهمی را یادآور شده است. درباره تأثیر زبان اشاره می نویسد:

«جامعه نسبت به خواست های ناشنوایان آگاه می شود؛ بچه های ناشنوا رشد زبانی پیدا می کنند و در سراسر کشور ناشنوایان به تفاهم و زبان یکسان می رسند. ایشان راه کارهایی عرضه کرده و محتوای نامه اش خواندنی است»:

ص: ۱۴۱

پس از پیگیری های آقای آقامحمد، سیما موافقت کرد و قرار شد همکاری دو جانبه بین بهزیستی و صدا و سیما اجرایی شود. معاونت امور استان ها در صدا و سیما که توسط آقای ضرغامی اداره می شد به همه شهرها و استان ها اعلام کرد تا خبر ناشنوایان را راه اندازی کنند. آقای آقامحمد هم نامه ای از طرف و امضاء معاونت توانبخشی برای استان ها فرستاد تا در صورت همکاری سیما، تأمین نیروی تخصصی برای اجرای برنامه های ناشنوایان در سیماهای استانی را بر عهده گیرند. گزارش این اقدام در نامه زیر منعکس شده است:

ص: ۱۴۲

سپس استان گیلان نخستین استانی بود که با توجه به پیگیری های مرکز، پیگیر موضوع شد. آقای حسین نحوی نژاد معاون توانبخشی کنونی سازمان بهزیستی و معاون وقت توانبخشی اداره کل بهزیستی استان گیلان در برنامه اخبار ناشنوایان، مواضع ناشنوایان در این استان را بیان کرده و به آسیب شناسی و راه کارهای توسعه درست و مقبول جامعه ناشنوایان در گیلان پرداخت. در واقع استان گیلان اولین مرکزی بود که اعلام درخواست کرد.

نامه زیر گویای مواضع معقول و عالمانه و کارشناسانه آقای نحوی نژاد است. نیز این نامه نشان می دهد همه مناطق ایران یک صدا خواستار یک مطلب و یک طرح در اصلاح امور ناشنوایان می باشند.

تصویر

**برادر گرامی جناب آقای دکتر مکارم**

**معاونت محترم امور توانبخشی بهزیستی کشور**

سلام علیکم

احتراماً، عطف به نامه ۸۴۰/۵۴۵۱ مورخ ۸۱/۸/۵ و مصوبه بند ۶۵۵مین جلسه کمیته برنامه ریزی

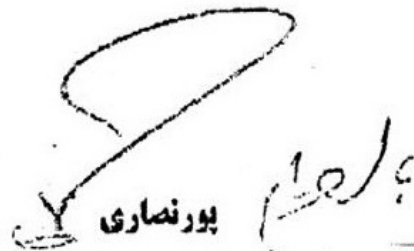
حوزه معاونت امور مجلسی و استانیها (۸۱/۹/۱۱) درخصوص بخش خبر با دو مجری (وابط ناشنوایان)

بشرح نامه پیوست به تمامی مراکز صدا و سیما و استانیها ابلاغ شده است.

لطفاً دستور فرمائید، ادارات کل بهزیستی استانیها نسبت به آموزش و معرفی رابط خبری به مراکز

صدا و سیما و نیز پرداخت حق الزحمه رابطین اقدام لازم را معمول نموده و از نتیجه اقدامات حاصله،

این حوزه را مطلع فرمائید.



پور نصاری  
مشاور معاونت امور مجلس و استانیها  
و مدیر امور اطلاعات و برنامه ریزی

۸۱/۱۱/۲۶  
شماره:

جمهوری اسلامی ایران  
سازمان بهزیستی کشور  
بهزیستی استان گیلان

گیلان

تاریخ ۷۷/۷/۲۰  
شماره ۲۴۸۳/۳۴۵۴  
پوست

**معاونت محترم توانبخشی سازمان بهزیستی کشور**

\*\*\*\*\*

**سلام علیکم،**

با احترام، نظریه آغاز بخش برنامه های میمای استانی مرکز گیلان "شپکه یاران" و علامندی و پیگیری قابل توجه مدیریت صدا و میمای استان مبنی بر بخش خبر به زبان اشاره برای ناشنوایان استان، بهزیستی گیلان در راستای انجام وظایف جاری و تحقق اهداف کلی امور توانبخشی بهزیستی بمنظور شناساندن توانمندی های معلولین و تغییر نگرش و آگاهسازی جامعه از تواناییهای آنان و نیز ارتقاء بینش اجتماعی و افزایش معلومات و آگاهی توانخواهان پروژه ناشنوایان نسبت به مسایل جامعه، با همکاری صدا و سیما به مدت بیش از دو ماه است که مبادرت به اجرای برنامه خبر به زبان اشاره نموده است که چگونگی روند برنامه ریزی و اجرای برنامه بشرح ذیل بااستحضار می رسد:

۱- پس از مذاکرات حضوری و هماهنگی بین دو سازمان و درخواست کتبی صدا و میمای مرکز گیلان مبنی بر اعزام دو کارشناس بهزیستی به صدا و سیما جهت اجرای برنامه، جلسه ای در تاریخ ۷۷/۷/۲۰ با حضور مدیر امور اطلاعات و اخبار صدا و میمای مرکز گیلان و یک نفر از کارشناسان واحد خبر سازمان مذکور و معاون اداری و مسالی و معاون امور توانبخشی و کارشناس امور ناشنوایان بهزیستی استان در محل کار مدیرکل بهزیستی گیلان تشکیل گردید.

در این جلسه علاوه بر بررسی مفاد نامه صدا و سیما و امکانات پرسنلی و تجهیزاتی دو سازمان در این رابطه، حول سه محور: چگونگی اجرا (اجرای زنده و همزمان یا بخش خبر - اجرای تولیدی مستقل ویژه ناشنوایان) - زمان اجرا (بصورت زنده و هر روزه، بصورت زنده و یک روز در میان - بصورت تولیدی هر روزه و هفته ای یکبار) - مجریان (ناشنوایان ماهر و وارد به زبان اشاره یا همکاری کارشناس ناشنوایان - مربیان یا همکاری کارشناس مربوطه - توسط کارشناس و رابط ناشنوا) بحث و گفتگو گردید و در نهایت مقرر گردید:







وقتی اکثریت و در مواردی همه آحاد جامعه ناشنویان فیلم با زیرنویس، رابط، پخش خبر ناشنویان با رابط و زبان اشاره می خواهند. مسئولین باید تمکین کنند و سخن آنان را اطاعت کنند. به ویژه در جامعه ناشنویان کسانی مثل سید رضاقلی شهیدی، رضا محمودی و محسن لوح موسوی و ده ها شخصیت فرهیخته حضور دارند که چند دهه از عمرشان را در این موضوعات مصروف کرده و تجربه به آنها می گوید اجرای این برنامه ها لازم و ضروری برای ناشنویان است.

ناشنویان خواسته ها و نیازهای خود را در به وسیله نامه یا طومار یا مصاحبه بارها اعلام کرده اند. اکنون به برخی از این اعلام ها می پردازیم.

### طومار جمعی از ناشنویان

تعدادی از ناشنویان از سیما درخواست پخش سه برنامه دیگر با رابط ناشنویان نمودند. زیرا در این زمان تصویر زندگی از شبکه ۲ با رابط پخش می شد. اما سه برنامه فوق بدون رابط بود. پس از اجرای این برنامه ها آنان از سیما جهت پخش سه برنامه سیمای خانواده از شبکه یک، به خانه بر می گردیم از شبکه تهران و برنامه های آموزشی از شبکه آموزش اعلام تشکر کرد. و این برنامه ها را مهم در سرنوشت ناشنویان دانسته اند. متن این نامه این گونه است:



کانون ناشنوایان ایران واحد خراسان طوماری با ۹۳ امضاء به شرح زیر به صدا و سیما مرکز ارسال کرد. و از برنامه های سودمند برای ناشنوایان تشکر کرده اند.

امضاء ها و اسامی افراد در چند صفحه به پیوست این صفحه آمده است.

تصویر



بسمه تعالی

ریاست محترم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (مرکز تهران)

ضمن تشکر و قدردانی از اقدام ارزشمند جنابعالی و همکاران محترمتان به اشتغال کانون ناشنوایان خراسان، با عنایت به جلسه مورخ ۷۷/۴/۷، در خصوص برگزاری برنامه‌ها برای سیمای صدا و سیما، در عین حال بند ۲ صورت جلسه فوق‌الذکر استفاده از رابط در بعضی از برنامه‌ها را تأکید نموده‌اند. مستدعی است دستور فرمائید بخشهای بیشتری از برنامه‌های صدا و سیما را با رابط که دسترسی ناشنوایان را به روش ارتباط کلی که روشی است جامع، جهت ایجاد ارتباط سهولت‌بخش می‌نمایند. تمام اقشار ناشنوا از کودکان، با سوادان و بیسوادان را تحت پوشش قرار می‌دهد و همچنین این روش از نظر تخمینی نسبت به زیر نویس مزیت‌های بیشتری دارد و برای سیمای نیز قابل حصول است، مچیز بفرمایند. گفتنی است ناشنوایان عضو این کانون اقدام خدا پر ندانه شما را در ارائه سرویس حمایتی، توان بخشی که تدوینی است در راستای تأمین فرصت‌های مساوی در مقوله استفاده از امکانات سیمای، فراموش نخواهند کرد. ا/ج

با کمال احترام  
رئیس کانون ناشنوایان خراسان  
محمد سید محمدی  
۲۸۶

امضاءها و اسامی افراد در چند صفحه به پیوست این صفحه آمده است.

کانون های ناشنویان سراسر کشور در زاهدان همایش سالانه خود را در خرداد ۱۳۷۷ برگزار کرد در پایان قطعهنامه ای خوانده شد. متن این قطعهنامه را می آوریم:

تصویر



شماره ۱۰۳۲۳  
تاریخ ۰۷۷-۳-۲۷

هوالسمع  
کانون ناشنویان ایران  
سرپرستی سیستان و بلوچستان  
شماره ثبت ۴۸۶  
Iranian National Center  
for the Deaf  
Founded 1993



شماره ۱۳۷۰

حضور محترم *محمدحسین محمدی*

سلام علیکم

احتراما، در پی برگزاری اولین گردهمایی مسئولان کانونهای ناشنویان سراسر کشور که در مورخه ۲۳ و ۲۴/۳/۷۷ در شهرستان زاهدان با حضور تعداد کثیری از دعوت شوندگان و ناشنویان استان سیستان و بلوچستان و مدیرکل محترم دفتر توانبخشی بهزیستی کشور - ریاست کانون ناشنویان کشور برگزار گردید در پایان قطعهنامه ای در ۲۰ بند صادر و به تصویب رسید که جهت اطلاع و دستورات لازم ارسال میگردد.۰۰٪

امیرحسین محمدی  
رئیس کانون ناشنویان استان سیستان و بلوچستان  
شماره ۱۳۷۲  
تاریخ ۰۷۷-۳-۲۷



### بناام خدا

اولین گردهمایی مسئولان کانونهای ناشنوایان کشور در روزهای ۲۳ و ۲۴ خرداد ماه ۱۳۷۷ شمسی در سالن آلفی تئاتر دانشکده دندانپزشکی در شهرستان زاهدان به میزبانی کانون ناشنوایان استان سیستان و بلوچستان با حضور نماینده محترم ولی فقیه در امور اهل سنت جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج آقا حسینی، مسئولان محترم کانونهای ناشنوایان ایران و جمعی از ناشنوایان و خانواده آنان و مسئولان محترم سازمان بهزیستی کشور و سازمان بهزیستی استان سیستان و بلوچستان و استانداری، آموزش و پرورش استثنایی و دیگر مسئولان تشکیل گردید.

مسائلی که در این نشست مطرح و بررسی شد:

- ۱- ارائه مشکلات کانون ناشنوایان هر استان (فرهنگی، اجتماعی، ورزشی)
  - ۲- پیشنهادات در جهت رفع مشکلات و بهبود وضعیت کانون
  - ۳- ارائه عملکرد هیئتهای مدیره هر استان
  - ۴- ارائه چگونگی جلب مشارکتهای مردمی و هزینه آن در کانون
- در پایان این گردهمایی قطعنامه ای به شرح ذیل با اکثریت آرا، تصویب و اعلام گردید.
- ۱- افزایش کمک سالانه سازمان بهزیستی کشور به کانون ناشنوایان ایران، مراکز استانها و شهرستانها
  - ۲- پی گیری دریافت محل دائمی کانون در سراسر کشور
  - ۳- کوشش برای تأسیس کانون ناشنوایان در تمام مراکز استانهای ایران (۲۵ استان)
  - ۴- برقراری تسهیلات قانونی و لازم برای مأموریت دادن به شاغلین دولتی که رد هیئت مدیره انتخاب شده اند و همچنین افرادی که قصد همکاری مستمر با کانون ناشنوایان دارند و اینکه فعالیت در کانون بر دیگر امور ارجح باشد.
  - ۵- لزوم اجازه حضور دائمی نماینده کانون ناشنوایان در جلسات تخصصی و تصمیم گیری سازمان آموزش و پرورش استثنایی در بهزیستی کشور و سازمانهای دیگر در حیطه آموزش و توان بخشی و امور ناشنوایان با معرفی نامه کتبی از مراکز کانونها.
  - ۶- تأمین شرایط و تسهیلات لازم برای ناشنوایانی که قصد تحصیلات عالی و دانشگاهی را دارند.
  - ۷- افزایش سهمیه قبولی ناشنوایان در دانشگاهها اعم از دولتی و آزاد.
  - ۸- آشنا کردن جامعه با ناشنوایی و ناشنوایان از طریق رسانه های گروهی.
  - ۹- با تشکر و قدردانی از همکاریهای قبلی صدا و سیما با معلولین بخصوص ناشنوایان و بدلیل اهمیت فراوان سیما در ارتقاء سطح کمی و کیفی اطلاعات و دانش ناشنوایان درخواست می گردد:

منیره خاقانی از اولیای ناشنویان همراه با جمعی از ناشنویان نامه ای به رئیس صدا و سیما، آقای لاریجانی نوشته و آن را امضاء کرده و از تلاش هایش برای ناشنویان تشکر نموده اند.

تصویر



ایمن گرد هائی مؤسسان کانونهای ناشنویان کشور



۲۳ ر ۲۴ خرداد ماه ۷۷ - تهران

- الف) تا سال ۱۳۸۰ بخشهای خبری شبکه سراسری سیما به همراه گوینده رابط ویژه ناشنویان باشد .  
 ب) تا سال ۱۳۸۰ حداقل ۲۰٪ از برنامه کودک شبکه سراسری سیما به همراه گوینده رابط ویژه ناشنویان باشد .  
 ج) تا سال ۱۳۸۰ حداقل ۲۰٪ از برنامه های سرگرمی و فیلمهای آموزشی ، سینمایی شبکه سراسری سیما با زیر نویس فارسی ارائه شود .
- ۱۰- اختصاص بخش بیشتری از سهمیه استخدامی سه درصد معلولین به گروه ناشنویان .
  - ۱۱- همکاری بیشتر سازمانها ، نهادها ، وزارت خانه ها و شرکتهای دولتی و خصوصی برای اجرای دقیق تر قانون سه درصد استخدامی معلولین .
  - ۱۲- آموزش زبان اشاره جهت تکمیل نمودن روش ارتباط کلی به ناشنویان و شنوایان جهت ارتباط صحیح بین جامعه ناشنویان و شنوایان از طریق سازمانهای عمومی .
  - ۱۳- شناساندن زبان اشاره ناشنویان به عنوان زبان رسمی آنها و پذیرش آن از سوی نهادها ، ارگانها و سازمانها برای مراوده بین ناشنویان و شنوایان .
  - ۱۴- تربیت و تأمین تسهیلات رابط و خدمات مشاوره و ترجمی برای ناشنویان در مؤسسات خدمات عمومی با تأمین بودجه آن از طرف تمام ارگانهای دولتی .
  - ۱۵- تخفیف ویژه هزینه استفاده از وسایل ایاب و ذهاب زمینی ، هوایی و دریایی ( اتوبوس - راه آهن - هواپیما- کشتی و ..... ) برای تمام سفرهای داخلی و خارجی ناشنویان با معرفی نامه کتبی از مراکز کانونها .
  - ۱۶- واگذاری غرفه های تولیدی و فروش تولیدات از طریق وزارت کار و یا سازمانهای دیگر بطور رایگان و یا با تخفیف ویژه به ناشنویان واجد شرایط .
  - ۱۷- توسعه و تسهیل استفاده متقاضیان ناشنوا از امکانات و وسایل توان بخشی سازمانهای مربوطه با معرفی نامه کتبی از کانونها اعم از سمک ، وسایل اخباری و حرکتی ، دستگاه فاکس ، تلفن ویژه ناشنویان و غیره .
  - ۱۸- استفاده هر بیشتر از تبصره ۱۳ از اعتبارات سازمان بهزیستی جهت ایجاد شرکتهای تعاونی مصرفی و یا چند منظوره و غیره تحت پوشش مراکز کانونها .
  - ۱۹- اختصاص دادن سهمیه ای از بودجه اوقات فراغت وسیله استاندارها و سازمانهای مربوطه به کانون در مواقع لزوم .
  - ۲۰- تصویب یک قانون حمایتی از ناشنویان و سایر معلولین با همکاری تمام معلولین .

والسلام

- |  |  |
|--|--|
| ۱- کانون ناشنویان کشور هادی معیری                    | ۵- کانون ناشنویان استان گیلان عبدالرضا رحیمی صوفی                      |
| ۲- کانون ناشنویان سیستان و بلوچستان امیرحمزه شعلی بر | ۶- کانون ناشنویان استان فارس اسدالله امینی                             |
| ۳- کانون ناشنویان خراسان مهندس محمد سعیدی            | ۷- کانون ناشنویان استان کردستان صابر قیصری                             |
| ۴- کانون ناشنویان اصفهان کمال سهیلی                  | ۸- کارشناسان ناشنویان سازمان بهزیستی کشور<br>محسن لوح موسوی رضا محمودی |

جمعی از ناشنویان: منیره خاقانی از اولیای ناشنویان همراه با جمعی از ناشنویان نامه ای به رئیس صدا و سیما، آقای لاریجانی نوشته و آن را امضاء کرده و از تلاش هایش برای ناشنویان تشکر نموده اند.



تاریخ: ۷۷/۸/۱۱

به نام آنکس که همه انسانها را عضو یکدیگر قرار داد

جناب آقای دکتر لاریجانی

ریاست محترم سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ضمن عرض سلام و آرزوی موفقیت روز افزون برای شما

بدینوسیله از جنابعالی که با بخش برنامه برای ناشنوایان، آنان را هرچه بیشتر امیدوار نموده‌اید صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم و انتظار داریم که برنامه‌ای را بطور رسمی برای ناشنوایان ثبت و یا سهمیه‌ای از زمانبندی برنامه‌های سیما را به این مهم اختصاص دهید. امیدواریم که همواره سربلند و قرین توفیقات الهی باشید.

منیره خاقانی

اعضاء ناشنوایان

Handwritten signatures of members of the deaf community, including names like محمد احمدی, فرزاد ارباب, and others. The signatures are arranged in several rows, some with names written below them.

کانون ناشنویان ایران واحد سیستان و بلوچستان، متن نامه همراه با امضاءها برای ریاست صدا و سیما ارسال کرده است. متن نامه این گونه است. اما برای کاهش جا امضاء را نمی آوریم:

تصویر



شماره: ۱۳/۱۲/۴۸۶

تاریخ: ۱۳۸۵/۱/۲۷

هوالمسیع  
کانون ناشنویان ایران  
سرپرستی سیستان و بلوچستان

شماره ثبت ۴۸۶

Iranian National Center  
for the Deaf  
Founded 1993

عضو رسمی فدراسیون جهانی ناشنویان (W.F.D.)



بنیان ۱۳۷۰

ریاست محترم سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

احتراما " به پیوست ۶ برگ نام و نام خانوادگی و اثر امضاء تعداد ۲۴۱ نفر از ناشنویان شهرستان زاهدان به نمایندگی از طرف ۷۰۰ نفر از ناشنویان استان سیستان و بلوچستان دال بر درخواست زیرنویسی فیلمهای سینمایی و علمی و خانوادگی و پخش فیلم به همراه تصویر رابط ناشنویان جهت ناشنویان ارسال میگردد. لذا با عنایت به اینکه قشر ناشنوا که در صلز یادی از جمعیت کشور نیز در صلز یادی از بینندگان سیما را تشکیل میدهند خواهشمند است دستور فرمایید در این رابطه در یکی از شبکه های سراسری که در تمام کشور قابل دریافت باشد اقدام لازم معمول دارند و از نتیجه این کانون را مطلع سازند %

با احترام

امیر حمزه شعلی بر

رئیس کانون ناشنویان سیستان و بلوچستان

رونوشت : مدیرکل محترم توانبخشی و امور اجتماعی معلولین کشور جهت استحضار  
کارشناس محترم ناشنویان بهزیستی کشور جهت استحضار و پیگیری خام امضا  
کانون ناشنویان ایران جهت استحضار  
کارشناس محترم ناشنویان بهزیستی سیستان و بلوچستان جهت استحضار



زاهدان : پست تصفیه خانه آب بلوار جانبازان ، کانون ناشنویان - تلفن : ۴۴۸۰۶۷

شهناز شعبانی در نامه ای خواسته ها و نیز تشکر خود جهت انجام برخی برنامه ها برای ناشنوایان را اعلام نموده است.

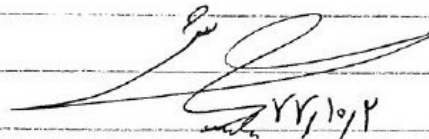
ص: ۱۵۵

آقای انصاری رئیس سازمان بهزیستی از ریاست سازمان صدا و سیما تشکر کرده که برنامه های مهمی در هفته ناشنوایان به ویژه در شبکه پنج پخش شده است.

تصویر

ما را به سیرت و تقویت شخصیت بسیار نزدیکتر می سازید  
لذا تقاضای مجدد مراجعت کمک به هم نوجوان خود قبول بنمایند  
درخواست باز هم از شما مسئولین و مجریان این برنامه ها خجاست  
تشکر دارم و استدعای درخواست عاجزان دارم حتماً به ادا  
آن اقدام فرمائید.  
امید دارم همواره سیر زود روغن با سید

از طرف خانم سیمنا ز سبغانی

  
۲۲/۱۰/۲۰

در بسیاری از نامه نگاری های مزبور نام آقامحمد آمده و امور به ایشان ارجاع شده یا از ایشان تشکر گردیده است. در نامه دیگری، رئیس کانون ناشنویان بلوچستان از خانم آقامحمد تشکر ویژه هم نموده است.

تصویر

شماره ۵۳۳۳-۸۰۰-۹

تاریخ ۲۲-۹-۷۷

پیوست

بسم الله



جناب آقای لاریجانی  
ریاست محترم سازمان صدا و سیما

سلام علیکم

احتراماً، اقدام پسندیده و پیشگامی شبکه ۵ سیما در هفته جهانی ناشنویان سال جاری بعنوان نقطه عطفی بر صفحه تاریخ سیمای جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسید و در عصر ارتباطات سمبل حرکت نوینی جهت تأمین ایجاد فرصتهای مساوی در استفاده از امکانات جامعه برای ناشنویان عزیز گردید. موفقیت و نیک فرجامی این ابتکار عمل مدیون ریاست محترم جمهوری و توجه خاص و عنایت جنابعالی و همکاران محترمتان به جامعه ناشنویان کشور بوده و همواره در خاطرها ثبت و جاویدان خواهد ماند. ناشنویان و خانواده‌هایشان هیچگاه چنین فرصتی را که جنابعالی برایشان فراهم آورده‌اید تا از برنامه‌های سیما مانند دیگر اقشار جامعه بهره‌مند شوند از یاد نخواهند برد ضمن تقدیر از این اقدام بشر دوستانه و درخواست جهت هدایت بیشتر برای هدفمندتر شدن این حرکت تصویر نمونه‌هایی از نوشته عزیزان ناشنوا و درخواست جمع کثیری از محرومترین استان‌ها در راستای گسترش این برنامه به شبکه‌های دیگر سیما و بهره‌مندی آنان ایفاد می‌گردد.

دکتر غلامرضا انصاری  
رئیس سازمان بصریستی کشور

سال ۱۳۷۷ در تاریخ ناشنوایان ایران، یک نقطه عطف مهم و مؤثر است. دولت جدید روی کار آمده و عزم عمومی در اصلاح امور جامعه سراسر کشور را فراگرفته است. خانم منیژه خاقانی از اولیاء ناشنوایان، نامه فوق را خطاب به آقامحمد نوشت. او همراه با جمعی از نخبگان ایرانی از رئیس جمهور تشکر کرده اند که توجه و اهتمام به معلولان و ناشنوایان نموده است.

تصویر



هو السميع  
کانون ناشنوایان ایران  
سرپرستی سیستان و بلوچستان



شماره: No ۱۰۵۴/۱۰ کسز

شماره ثبت ۴۸۶

تاریخ: ۷/۱۱/۷۷

Iranian National Center  
for the Deaf  
Founded 1993

بنیان ۱۳۷۰

عضو رسمی فدراسیون جهانی ناشنوایان (W.F.D.)

سرکار خاتم آقامحمد - کارشناس محترم ناشنوایان بهزیستی کشور

سلام علیکم

اجتراما! بدین وسیله مراتب تشکر و سپاس و قدردانی قشر ناشنوای

استان سیستان و بلوچستان را بدلیل زحمات و تلاشهای بی شائبه شما در جهت

پیشبرد سطح فرهنگی ناشنوایان که برای اولین بار در کشور آن هم بصورت رابط

ناشنوایان در برنامه های سیمای جمهوری اسلامی ایران انجام داده و به این ترتیب

موجب شادی ناشنوایان و خانواده ههای آنان گشته اید را اعلام نموده و از خداوند

متعال آرزوی سلامتی بهروزی و موفقیت در جهت رفاه ناشنوایان را برای شما

آرزو مندیم. %

با احترام: امیر حمزه شعلی

رئیس کانون ناشنوایان استان سیستان و بلوچستان



نیز جمعی از مسئولین اجتماعی و فرهنگی در نامه ای به آیت الله خامنه ای درباره وضع ناشنویان ایران را توضیح داد و نکات سودمندی آمده است.

ص: ۱۵۹

## بسمه تعالی

تاریخ: ۷۷/۸/۲۱

حضرت آیت الله خامنه‌ای

رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران

با عرض سلام،

ضمن آرزوی سلامتی و طول عمر با عزت برای رهبر عالیقدرمان.

اینجانب منیره خاقانی مادر و مددکار ناشنوایان، آوای دنیای سکوت ناشنوایان را به اطلاع حضرت عالی می‌رسانم.

چندی پیش در هفته جوانان هنگامی که جنابعالی گروهی از اقشار مختلف نسل جوان معلولین جسمی، نابینایان و دیگر جوانان را به گرمی و محبت به حضور پذیرفتید و مشروح این ملاقات پر شور در رسانه‌های گروهی منعکس شده قشر ناشنوایان با اشتیاق منتظر بودند تا شاید ناشنوایی نیز در میان این جوانان باشد. ولی افسوس که نه تنها فردی از ناشنوایان در میان این جوانان نبود بلکه مسئولان برگزار کننده نام یا نشانی از آنها نیز نیاورده بودند. اکنون ناشنوایان از مسئولان برگزار کننده این ملاقات به خاطر عدم حضورشان در این دیدار گلایه دارند. آنها می‌گویند ما قشر ناشنوا نزدیک به یک میلیون نفر جمعیت هستیم مگر این جمعیت جزء ملت ایران نیستند، ما ناشنوایان از مسئولان این سوال را داریم که اگر فردی از خانواده شما صدای اذان صبح را نشنید او را در خواب رها می‌کنید تا نماز نخواند و وظیفه روزانه‌ایش را انجام ندهد.

متأسفانه دید کلی جامعه ما نسبت به پدیده ناشنوایی همچنان مانند گذشته، سنتی و اصلاح نشدنی باقی مانده است و آگاهی عموم مردم در مورد فرهنگ ناشنوایی بحدی ضعیف است که در مواردی حتی طبقه روشنفکر نیز درک صحیحی از ساده‌ترین مسائل یک فرد ناشنوا را ندارند. در صورتیکه ما ناشنوایان با تمرکز که در عالم سکوت داریم در انجام کارهای مختلف بسیار دقیق و خلاق هستیم. اگر شنوایی نداریم تواناییهای دیگری داریم چنین نیست که اگر رهبر معظم انقلاب اسلامی یا رئیس جمهور محترم و یا سایر مسئولان کشور ما ناشنوایان را مورد لطف خویش قرار دهند محبت آنها را درک ننموده و ارج ننهیم.

حال ما قشر محروم ناشنوا از محضر رهبر عالیقدرمان تقاضایی داریم آن اینست که این قشر محروم و کم توقع را مورد لطف قرار داده و دقایقی از اوقات گرانبهای خویش را به ناشنوایان اختصاص دهید تا ضمن فیض بردن از برکت حضور مبارکتان گوشه‌های از خواسته‌های به حق ولی مسکوت خویش را به پیشگاه مبارک آن پدر گرامی و محروم نواز عرض نمایند.

امید که حضرت حق به برکت توجه نوع دوستانه به این قشر معصوم اجر منوی بجا و شایسته عنایتان

بفرماید.

امضاء ناشنوایان

با سپاس بی‌کران

Handwritten signatures of the deaf community members, including names like 'ما سید علی', 'حیدر نوری', and others, along with the text 'با سپاس بی‌کران' and 'امضاء ناشنوایان'.



در پایان این قسمت یادداشت خانم منیره خاقانی را می آورم که گویای دیدگاه عمومی مردم در آن دوره است:

ص: ۱۶۱

آقامحمد تنها نماینده حوزه توانبخشی در سیما بود و نقش اساسی و گسترده در مدیریت امور ناشنوایان در سیما بر عهده داشت. البته فقط و انحصاراً به ناشنوایان محدود نمی شد بلکه کار در شرایط خاص مثل روز جهانی معلولین برای معلولین هم فعالیت می کرد. بعد از چند سال آقامحمد عضو خانواده صدا و سیما شده بود و مدیران او را به عنوان کارشناس ناشنوایان می شناختند و درباره امور ناشنوایان با او مشورت می کردند و به نظرش اهمیت می دادند. بخشی از نامه نگاری هایی که این نقش خانم آقامحمد را نشان می دهد می آورم:

ص: ۱۶۲

سرکار خانم آقا محمد  
کارشناس محترم معاونت توانبخشی

سلام علیکم

احتراما " مراتب تقدیر و سپاس خود را نسبت به زحمات  
و تلاش هایی که در جهت توانبخشی ناشنوایان عزیز در "سیمای  
جمهوری اسلامی ایران " مبذول می فرمائید تقدیم  
می نمایم .

امیدوارم همواره در راه رسالتی که بر عهده دارید موفق  
و پایدار باشید ./ق

علیرضا امیرپور  
مشاور فرهنگی و مطبوعاتی

۷۸/۵/۴

توضیح اینکه در زمان ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، همه سالمندان تحت پوشش سازمان بهزیستی و سازمان های بازنشستگی و مورد حمایت بهزیستی به عنوان مهمان به مشهد و زیارت امام هشتم امام علی بن موسی الرضا(ع) دعوت شدند. اینان با هواپیما، سه روز در هتلی به نام شیراز با همه امکانات و پذیرایی مطلوب در گروه ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفره اعزام شدند. آقا محمد مسئول یک گروه ۲۵۰ نفره است و نامه فوق تشکر کانون بازنشستگان نیروهای مسلح است.

تصویر

## کانون بازنشستگان نیروهای مسلح

ریاست محترم سازمان بهزیستی کشور (معاونت توانبخشی)

سرکار خانم فاطمه آقا محمد

سرپرست گروه ۲۵۰ نفره (گروه هفتم)

باعرض سلام و احترام:

به پاس خدمات ارزشمند سرکار در مورد اعزام ۲۵۰ نفر پرسنل بازنشسته سالمند کانون بازنشستگان نیروهای مسلح که بنحو مطلوب چه از نظر تسهیلات رفاهی، ایاب و ذهاب، جا و مکان و همچنین پذیرائی از پرسنل اعزامی، اینجانب از طرف خود و هیئت مدیره از سرکار تشکر و قدردانی مگردانم و از نگاه حق سلامتی و طول عمر و خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی و موفقیت روزافزون سرکار را مسئلت مینمایم. ص

رئیس کانون بازنشستگان نیروهای مسلح

سرتیپ ۲ علی کبریا



پنج نامه یا گزارش جلساتی که آقامحمد با مدیران برگزار کرده به دستخط خانم آقامحمد در اختیار داریم که گویای تلاش ها و مواضع کارشناسی ایشان برای متقاعد کردن مدیران یا مسئولان صدا و سیما است تا بتواند با رابط ناشنوایان بخشی از برنامه ها را برای ناشنوایان قابل استفاده نماید. سپس با جلسه ای که با جناب آقای اسدالله اعلائی در شبکه اول داشتیم و ایشان موافقت کردند برنامه کودک با رابط پخش شود از مدیر ما که آن زمان آقای جعفری نیا بود خواستند یک نفر را معرفی کند که ایشان هم مرا معرفی کرد.

دیدگاه ها و مواضع ایشان است. این نامه ها را به ترتیب تاریخی می آورم و درباره هر یک توضیحی می نویسم.

۳/۹/۷۷

تصویر

## جناب آقای اسدالله اعلائی مدیر محترم گروه کودک و نوجوان شبکه اول

سلام علیکم

احتراما "عطفیه" نامه شماره ۶۷۸ ف ۹۹/۲۷ مورخ  
۷۷/۹/۲ در راستای استفاده بیشتر ناشنوایان از برنامه  
کودک و نوجوان موارد پیشنهاد شده خانم فاطمه...  
آقامحمد کارشناس ناشنوایان این دفتر را معرفی مینماید.

محمد باقر جعفری نیا  
مدیر کل دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین

۷۷/۹/۳



به پیشنهاد آقای کلانتری مدیر تأمین برنامه شبکه ۲ سیما، قرار شد نظرات خانواده های ناشنویان در مورد برنامه های انجام یافته، گرفته شود و تداوم برنامه های ناشنوایی مبتنی بر این نظرات باشد. نظرات خانواده ها ضبط و در برنامه تصویر زندگی پخش می شد. نکته مهم این بود که خانواده ها و ناشنویان با دیدن اینکه آنان به حساب آمده و به نظریات آنها اهمیت داده شد بسیار خوشحال و مسرور بودند. این نامه گزارشی از این امور است.

ص: ۱۶۷









در این فصل، زندگانی پر بار خانم آقامحمد در چهار دوره گزارش شد. تلاش کردیم تمام گزارش ها مستند باشد. در تهیه این اسناد خانم آقامحمد همت داشتند و تلاش کردند تا جایی که امکان داشت ذیل هر گزارش چند سند آورده شود. البته دربارۀ دوره نخست زندگانی ایشان، دستمان پر بار نبود، اما مهم ترین فعالیت نامبرده که بسیار حائز اهمیت است پژوهش و تدوین و تألیف و قبول مسئولیت جهت چاپ نخستین کتاب فرهنگ لغات زبان اشاره بود که به لطف و یاری خداوند برای اولین بار در ایران به چاپ رسید و پایه تحقیقات بعدی قرار گرفت. امید است خانم آقامحمد اسناد جدیدی پیدا کنند.

اما نکته مهم این است که پس از یک دوره کاری مثلاً سی ساله، خود افراد باید کمک کنند تا تجارب آنان تدوین و به روش علمی آماده بهره برداری و انتقال گردد. در آلمان به کارمندان در سال نخست شروع کارشان یاد می دهند چگونه اسناد و مدارک مرتبط به کارشان را جمع آوری و بایگانی و چگونه پس از هر دوره مثلاً یک ساله گزارش کارشان را مکتوب و عرضه کنند. به این روش وقتی کارمند به مرحله شصت سالگی و بازنشستگی می رسد در واقع دارایی های معنوی خود را ثبت شده در اختیار دارد. این شیوه در ژاپن و حتی مالزی هم اجرا می شود. ولی در ایران کارمندان عادت به ثبت و ضبط؛ نیز تجزیه و تحلیل و گزارش نگاری از کار خود را ندارند. نتیجه اینکه وقتی به مرحله بازنشستگی می رسند هیچ شناختی از خودشان ندارند. یعنی شخصیت یک کارمند برای خودش، بیگانه است و هر فرد نسبت به تجارب خودش ناآگاه ترین است.

بالاخره بر اساس بررسی هایی که در عرصه فرهنگ و جامعه هدف معلولین داشتیم، تصمیم گرفتیم افراد فعال در عرصه های مختلف معلولین را زندگی نامه نگاری کنیم تا بتوانیم با بازشناسی آنان، زمینه فعال سازی آنان در مرحله دوم از حیاتشان فراهم آید.

ص: ۱۷۲



بخشی از فصل اول و بخشی از فصل دوم درباره فعالیت های آقامحمد است. اما هر یک از آن فصل ها از منظری به تلاش های آقامحمد در بهزیستی پرداخته است. در فصل اول، خاطرات و گزارش هایی به قلم خود آقامحمد آمده و در فصل دوم به اجمال گزارشی درباره فعالیت هایش در دوره بهزیستی آمده است. اما اینجا تلاش هست سیر فعالیت ها و پروژه هایی که در بهزیستی اجرا کرده معرفی شود. آقامحمد در بهزیستی در پست کارشناس امور ناشنوایان خدمت می کرد، به همین دلیل اسم این فصل را کارشناسی امور ناشنوایان گذاشته ام.

اما در این فصل ابتدا به گزینش و استخدام به کار آقامحمد و سپس کناره گیری او از کارش می پردازد. هدف این است که نشان دهم سازمان بهزیستی، تا چه اندازه به رعایت حق و حقوق افرادی که با دل و جان به یاری اش می شتابند، می پردازد.

در ادامه اهم فعالیت های آقامحمد در سال هایی که در سازمان بهزیستی اشتغال داشته، گزارش و معرفی می شود.

فاطمه آقامحمد در سال ۱۳۵۳ همکاری اش را با سازمان رفاه ملی ناشنوایان در دو بخش تهیه و تدوین و جمع آوری و ثبت اشارات و سپس تدریس و پژوهش زبان اشاره آغاز کرد. بر اثر کثرت کارهای منزل و مأموریت همسرش در مناطق جنگی مجبور شد درخواست انفصال از خدمت از سازمان بهزیستی کند. در سال ۱۳۶۴ باز خرید شد. مجدداً در سال ۱۳۶۷ به درخواست معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی به عنوان کارشناس امور ناشنوایان به سر کار بازگشت.

او در سال ۱۳۸۵ پس از ۲۸ سال فعالیت، تلاش و همکاری از سازمان بهزیستی جدا شده و همکاری اش با این سازمان قطع شد. اما در سیما همچنان فعالیت داشت، تا اینکه در سال ۱۳۹۵ از سازمان تأمین اجتماعی بازنشسته شد. از سال ۵۳ تا ۹۵ یعنی ۴۲ سال و با کم کردن چند سال سی و چهار سال مشغول خدمت بوده است. البته در طول چند سال ۶۴ تا ۷۶ هر درخواستی از طرف سازمان به او ارجاع می شد، انجام می داد. این نکته را خودش در زندگی نامه خودنوشت آورده است.

### نگاهی به برخی اسناد

اکنون نگاهی به برخی اسناد می اندازیم تا نشان دهیم استخدام آقامحمد در بهزیستی چگونه بوده و در پایان چگونه بازنشسته شده است.

در مورد استخدام آقامحمد در سازمان رفاه ناشنوایان چند سند در فصل دوم آوردم ولی در مورد استخدامش در بهزیستی فقط قراردادی مربوط به سال ۱۳۷۶ به شرح زیر داریم. این قرارداد به نام قرارداد پیمانکاری در ۱۹ مرداد ۱۳۷۶ منعقد شده و تا ۲۹ اسفندماه ۷۶ اعتبار دارد. این نخستین قرارداد در آغاز مرحله دوم همکاری با سازمان بهزیستی است که متن آن را در ادامه می آورم.

چند نکته در این قرارداد هست:

۱- یک طرف این قرارداد دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین و طرف دیگر آن فاطمه آقامحمد است.

تصویر

قرارداد بیمانکاری

شماره: ۸۴۰۱۰۳۵۲ / تاریخ: ۱۳۹۷/۰۵/۱۹

این قرارداد با توجه به بند ۵ ماده ۲۹ قانون محاسبات عمومی کشور ما بین : سازمان بهزیستی کشور و خانم فاطمه آقامحمد با مشخصات زیر ؛ نام پدر : احمد شماره شناسنامه : ۲۲۰۶ محل : تهران تاریخ تولد : ۱۳۳۲ مدرک تحصیلی : لیسانس به نشانی : با شرایط زیر منعقد گردیده است.

۱- موضوع قرار داد

انجام امور کارشناسی در توانبخشی و امور اجتماعی معلولین دفتر

۲- متعهد طرف قرار داد

خانم فاطمه آقامحمد متعهد میگردد که به تنهایی امور مندرج در بند یک (موضوع قرارداد) را انجام دهد و از واگذاری تمام و یا قسمتی از کار به دیگران خود داری نماید.

مدت قرار داد از تاریخ : ۷۶/۲/۱۶ لغایت : ۷۶/۱۲/۲۹

چنانچه طرف قرارداد (خانم فاطمه آقامحمد) از عهده انجام وظایف محوله بر نیاید، سازمان بهزیستی کشور میتواند این قرار داد را بطور یکجانبه فسخ نموده و فقط از بابت قسمتی از کارهای انجام شده که مورد تایید قرار گرفته باشد دستمزد پرداخت نماید.

کسور ات قانونی متعلق به دستمزد بعهده طرف قرارداد بوده و اداره کل امور مالی بهزیستی هنگام پرداخت

( آن را کسر نموده و به حسابهای مربوطه واریز خواهد نمود.

پرداخت قسط آخر منوط به ارائه مفصلا حساب از سازمان تامین اجتماعی و ارائه آن به اداره کل امور مالی می باشد.

طرف قرار داد متعهد میگردد کارمند دولت و نهاد های انقلابی نبوده و از هیچ مبدوق دولتی حقوق دریافت نمی نماید.

۳- متعهد

بهزیستی کشور متعهد است در قبال انجام خدمت قابل قبول و اخذ گواهی انجام کار از واحد مربوطه حداکثر بيشترای ( ۱۵۶ ) ساعت کار در ماه به ازاء هر ساعت ( ۳۰۷۷ ) ریال جمعا " صد و پنجاه و پنج ( ۴۸۰۰۱۲ ) ریال در طول قرارداد بطور ماهیانه و از محل اعتبارات مربوطه به طرف قرارداد پرداخت نماید.

سرویس قرار داد هیچگونه تسعیدی از جمله استخدام برای سازمان بهزیستی ایجاد نخواهد نمود.

۴- این قرارداد که در شش نسخه تنظیم و باسما، طرفین قرارداد رسیده است حکم واحد را دارد.

در صورت انجام بااموریت با ارائه حکم بااموریت و گواهی انجام کار مربوطه طبق ضوابط دولتی محاسبه و پرداخت می گردد.

نام و نام خانوادگی طرف قرار داد : عبدالرحمن وچرندی

امضاء و تاریخ : فاطمه آقامحمد

معاون اداری و مالی



۲- آقامحمد هر ماه حداکثر، ۱۵۶ ساعت می تواند کار کند و هر ساعت ۳۰۷۷ ریال و جمعاً ۴۸۰۰۱۲ یال دریافت می کرد.

۳- این قرارداد سازمان بهزیستی را متعهد به استخدام ایشان نمی کند.

۴- تا این تاریخ، آقامحمد حدود بیست سال سابقه همکاری داشته است ولی به رغم همه این سوابق مجبور بود با حداقل حق و حقوق کار کند.

به دلیل فعالیت مستمر آقامحمد و تلاش های دلسوزانه او و اعلام رضایت معاونت توانبخشی از کارش، سه ماه یعنی دی و بهمن و اسفند ۱۳۷۶، هر ساعت شصت و چهار تومان و دو ریال به حقوقش افزوده شد و از ۳۰۷۷ ریال به ۳۷۱۹ ریال افزایش یافت.

حدود هفت ماه بعد به دلیل رضایت از کار آقامحمد، معاون اداری و مالی سازمان بهزیستی حقوق ماهانه او را افزایش می دهد:

در سال بعد یعنی ۱۳۷۷ قراردادی به اسم کار معین با آقامحمد امضا می شود که شرایط آن برای او بدتر شد و حقوق ماهانه اش از ۵۸ هزار تومان به ۳۷ هزار تومان تقلیل یافت. شرایطی مثل استخدام

تصویر

شماره ۲۷۲۹۴  
تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۶  
پیوست

بسته



خانم فاطمه آقامحمد کارشناس قراردادی دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین

باتوجه به اعلام رضایت معاونت محترم توانبخشی  
از نحوه مطلوب انجام وظایف جناب عالی، بموجب این ابلاغ از تاریخ  
۷۶/۱۰/۱ لغایت ۷۶/۱۲/۲۹ بند ۳ قرارداد شماره ۱۰۳۵۲ / ۸۶۰ /  
مورخ ۷۶/۵/۱۹ صادره در باره شما از قرار ساعتی / ۳۰۷۷ ریال به  
ساعتی / ۳۷۱۹ ریال (جمعاً به مبلغ / ۵۸۰۱۶۴ ریال )  
افزایش می یابد. بدیهی است در صورت ادامه همین وضعیت و رضایت  
مدیریت مربوطه در سال آتی نیز این افزایش مدنظر قرار خواهد گرفت.

دکتر مجید جلیل زاده خرتی  
معاون اداری و مالی

شدن مثل قرارداد قبل است اما در این قرارداد حق مأموریت برداشته شده است. متن این قرارداد به شرح زیر است:

ص: ۱۷۸

## ماده پنج - ساعت کار

مدت کار طبق قانون کار ۴۴ ساعت در هفته و زمان کار از سوی سرپرست واحد محل خدمت تعیین میشود. در صورت ارجاع کار اضافی فوق العاده آن برابر مقررات پرداخت خواهد شد.

## ماده شش - دستمزد

دستمزد ماهانه بر اساس توافق اولیه و مطابق با مقررات و ضوابط وزارت کار و امور اجتماعی و مصوبات شورای عالی کار به شرح زیر:

۱- حقوق ماهانه	ریال	۳۰۱۰۳۰	۲- حق اولاد	ریال	۶۰۳۰۰
۳- حق مسکن و خواروبار	ریال	۱۲۸۰۰	۴- سایر مزایا	ریال	
جمعاً به مبلغ	ریال	۳۷۴۶۳۰			

پس از کسر کسورات قانونی پرداخت میشود.

## ماده هفت - تعطیلات و مرخصی ها

طرف قرارداد مشمول تعطیل روزهای جمعه و سایر تعطیلات رسمی ، استفاده از مرخصی استحقاقی سالانه (باتوافق کارفرما) و استفاده از مرخصی استعلاجی طبق ضوابط و مقررات قانون کار است .

## ماده هشت - غیبت و سایر موارد

۱- این قرارداد برای کارفرما در بکارگیری دائم طرف قرارداد تعهد ایجاد نمیکند و در صورت تمدید قرارداد پیمانکاری و توافق طرفین مجدداً " قرارداد کار منعقد خواهد شد .

۲- غیبت غیرموجه بیش از سه روز متوالی و یک هفته متناوب در طول مدت قرارداد، ترک کار محسوب می شود و در صورت غیبت ، تاخیر و تعجیل برابر ضوابط حضور و غیاب و جدول تخلفات و جرایم مربوطه عمل خواهد شد .

۳- طرف قرارداد در صورت تمایل به قطع رابطه کاری طبق ماده ۲۱ قانون کار باید مراتب را حداقل یک ماه قبل از طریق استعفای کتبی به کارفرما اطلاع دهد، در غیر این صورت قطع رابطه بمنزله ترک کار است .

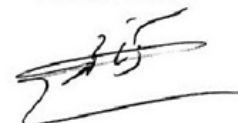
۴- هرگونه بیمه، مالیات و متعلقات که به طرفین این قرارداد تعلق بگیرد بموقع به موسسات ذیربط پرداخت میگردد .

۵- پرداخت مزایای قانونی از قبیل بن کارگری ، پاداش سالانه ، حق سنوات و ... در پایان قرارداد و یا از تاریخ فسخ آن و سایر موارد پیش بینی نشده در این قرارداد مطابق با مقررات قانون کار خواهد بود .

این قرارداد در ۴ نسخه و ۷ ماده و بندهای مربوطه تنظیم گردیده و هر نسخه حکم واحد دارد .

امضای طرف قرارداد

فاطمه آقا محمد



امضای کارفرما

مدیر عامل شرکت تعاونی مصرف سازمان بهزیستی کشور



شرایط سخت کاری در بهزیستی یا به هر دلیل دیگر، آقامحمد در سال ۱۳۷۸ به عنوان مجری اخبار ناشنوایان به شبکه دو سیما رفت و در آنجا مشغول به کار شد. علیرضا گلباز مدیر امور عمومی شبکه دو سیما در نامه ای این گونه او را در تاریخ ۳ آبان ماه ۱۳۷۸ به حراست سازمان صدا و سیما معرفی می کند. جهت کار در سیما به ویژه داشتن چهره، معاونت سیاسی در سیما می باید، گزینش سازمان فرد مزبور را تأیید کند در غیر این صورت نمی تواند تصویر داشته باشد. به همین دلیل در شبکه خبر آقامحمد به گزینش معرفی می شود و جواب آن مثبت و اجازه فعالیت در شبکه خبر داده می شود.

در این نامه قید شده که آقامحمد کارمند قراردادی سازمان بهزیستی است و از ۲۱ مهرماه ۷۸ به سیما معرفی شده است. در دوره ای که آقامحمد در سیما مشغول به کار بود، اوامر و خواسته های بهزیستی را هم در سیما اجرا می کرد و با معاونت توانبخشی بهزیستی مرتبط و هماهنگ بود. فقط از بهزیستی حقوق می گرفت و از سیما حقوق دریافت نمی کرد.

نامه ای توسط مدیر امور تأمین نیروی انسانی در سازمان صدا و سیما به شرح زیر در تأیید او صادر شد:

تصویر

به : اداره کل حراست

از : امور عمومی شبکه دو سیما

سلام علیکم

پیرونامه شماره ۴۹۵۵-۹۹۲۲ مورخ ۷۸/۷/۲۱ بدینوسیله به استحضار میرساند خانم فاطمه آقا محمد کارمند قراردادی سازمان بهزیستی می باشند (از طریق اداره مربوطه گزینش انجام شده است) که بعنوان مجری ناشنوایان به این شبکه معرفی شده اند. /ر

مدیر امور عمومی شبکه دو سیما  
علیرضا گلباز گمانیان

این نامه گویای اینست که آقامحمد در عالی ترین نهاد گزینش صدا و سیما، پذیرش شده و مجوز کارش صادر شده است.

اما در سال ۱۳۸۳ مدیرکل نیروی انسانی سازمان بهزیستی کشور به معاونت توانبخشی نوشت که همکاری فاطمه آقامحمد تا ۱ مردادماه ۸۳ است و پس از این تاریخ ایشان کارمند بهزیستی نمی باشد.

تصویر

از: امور تامین نیروی انسانی

به: امور اداری حوزه معاونت سیاسی

بدینوسیله باگاهی می‌رساند هسته مرکزی گزینش طی نامه شماره  
۹۲۵۸-۲۳۷۱ مورخ ۷۹/۹/۱۶ با اشتغال خانم فاطمه آقامحمد با عنوان  
شغلی مجری ناشنوایان بصورت حق الزحمه‌ای در آن حوزه موافقت نموده  
است. /ت

مدیر امور تامین نیروی انسانی

حسین قدسی

ص: ۱۸۱

در این نامه نکات مهمی آمده که لازم است اهم آنها برجسته شود:

۱- قاسم خسروی در ۳۰ تیرماه ۸۳ به آقای مکارم معاون امور توانبخشی می نویسد که نظر به مشکلات پیش آمده در ارتباط با به کارگیری نیروهای بازخرید شده و بازنشسته و دستور معاونت پشتیبانی و امور مجلس در زمینه لزوم خاتمه همکاری این نیروها، همکاری فاطمه آقامحمد از ۱/۵/۸۳ پایان یافته تلقی می گردد.

۲- آقای مکارم با خط خودش پاسخی نوشته که نکات مهم آن چنین است:

- نیاز شدید به آقامحمد به دلیل اینکه تنها نیروی فنی زبان اشاره در معاونت است.

- به عنوان نماینده بهزیستی در برنامه ها تلویزیون شرکت می کند و باید بماند و الا دچار مشکل جدی با عواقب غیر قابل پیش بینی می گردد.

- با حقوق حداقل با ليسانس شنوایی سنجی و تجربه زیاد در امور زبان اشاره کار می کند و حذف نامبرده به هیچ وجه به صلاح نمی باشد.

ویژگی های مزبور را معاون سازمان بهزیستی برای آقامحمد نوشته است و هیچ ضعفی از او معرفی نکرده بلکه او را فردی کارآمد و با چند ویژگی دیگر مثبت معرفی می کند.

تصویر



سازمان مدیریت کشور

دستورالعمل شماره ۸۳/۵/۱ مورخ ۱۳۵۱/۵/۱  
تاریخ ۱۳۵۱/۴/۳۰

جناب آقای مکارم عمری اصل  
معاون محترم امور توانبخشی

با احترام و تقدیر از همکاری و مساعدت شما در خصوص  
مشکلات پیش آمده در ارتباط با جکارگیری نیروهای بازخرید

شده و بازنشسته توسط شرکت تعاونی نواافزا، نظر به دستور معاونت  
محترم پشتیبانی و امور مجلس در زمینه لزوم خاتمه همکاری این نیروها با  
شرکت طرف قرارداد، خواهشمند است به خانم فاطمه آقا محمد اعلام

فرمایند از تاریخ ۸۳/۵/۱ همکاری ایشان با سازمان پایان یافته تلقی  
میگردد.

قاسم خسروی  
مدیر کل نیروی انسانی

۸۳/۴/۳۰

گویا همین نامه مؤثر واقع شد و آقامحمد در معاونت می ماند.

اما مجدداً در ۲۱ شهریور ۱۳۸۵ مدیرکل نیروی انسانی، قاسم خسروی نامه ای به آقای نظم ده معاون توانبخشی نوشت و خواستار خاتمه دادن به همکاری آقامحمد شد.

از این رو همکاری آقامحمد در سال ۱۳۸۵ با سازمان بهزیستی قطع می گردد. البته بدون هیچ تقدیری و بدون تشکر از خدمات و زحمات.

کسانی مثل فاطمه آقامحمد که در دستگاه های مختلف بسیاراند و عمری را با دلسوزی و نجابت و با دست پاکی خدمت کرده اند و تمام سرمایه خود را به پای پیشرفت و ترقی میهن خود ریخته اند، هیچ چشم داشتی به تقدیر و تشکر مدیران ارشد ندارند. حتماً تاریخ کارنامه خدماتی این افراد را به نکویی بر تارک زیبایش متجلی خواهد نمود.

تصویر

## جناب آقای نظم ده معاون محترم توانبخشی

سلام علیکم

با توجه به اینکه کلیه نیروهای غیر رسمی شاغل در سازمان می بایست از تاریخ ۸۵/۷/۱ با اختصاص پست سازمانی بلا تصدی متناسب با مدرک تحصیلی و رعایت بخشنامه ها و تصویبنامه های سالجاری هیات محترم دولت ساماندهی و تعیین تکلیف گردند. لذا در جهت تحقق موضوع فوق اشاره کارکنان بازنشسته و بازخرید شده که بصورت غیر رسمی (شرکتی) مشغول خدمت گردیده اند مشمول مصوبات پیشگفت نخواهند شد و لزوماً می بایست بخدمت آنان خاتمه داده شود، لذا خواهشمند است به سرکار خانم فاطمه آقا محمد ابلاغ گردد که همکاری ایشان تا پایان شهریور ماه سالجاری با سازمان ادامه خواهد داشت و از تاریخ ۸۵/۷/۱ رابطه کاری ایشان با سازمان قطع خواهد گردید. /ج

قاسم خسروی  
مدیرکل نیروی انسانی



آموختن قرآن کریم برای ناشنوایان، شیوه ای برای اصلاح گفتارشان و راهی برای افزایش توانایی آنان در زمینه زبان اشاره و لب خوانی و گفتار و به ویژه افزایش روحیه و شادابی ناشنوایان است. به همین دلیل در بسیاری از کشورهای اسلامی برنامه های متنوع قرآنی برای ناشنوایان اجرا کرده اند. برای مثال، اردن، قطر، ترکیه، مالزی و اندونزی هر سال چند نوبت مسابقه قرآن برای ناشنوایان در زمینه حفظ قرائت، تفسیر و مفاهیم برگزار کرده و نتایج مثبت فراوان دریافت نموده اند.

خانم آقامحمد از سال ۱۳۷۶ ملتفت به این موضوع شد و درباره روش بهره گیری و استفاده از قرآن کریم در افزایش توانایی های ذهنی و گفتاری ناشنوایان به مطالعه پرداخت. البته او تنها نبود و عده ای دیگر از همکارانش در بهزیستی و در سیما با او توافق و همراهی داشتند.

این مبحث تلاشی است برای جمع آوری تجارب انجام یافته در این زمینه؛ البته ثبت کارنامه آقامحمد هم هست.

### گزارش فعالیت ها

آقامحمد در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۸۲ گزارشی خطاب به «مدیرکل دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی» آقای نجفی می فرستد و فعالیت های خودش درباره قرآن و ناشنوایان را گزارش نموده است. این گزارش به دستخط و امضای آقامحمد موجود است. این متن را عیناً می آورم:

حسب الدستور جنابعالی در خصوص آموزش قرآن از طریق سیما و بعضی از مجامع حوزوی در استان قم جهت بررسی اقدامات زیر انجام شد.

در روز چهارشنبه ۱۸/۳/۸۲ با مسئول پخش برنامه آموزش قرآن از شبکه ۲ در سیما مذاکراتی را در خصوص برنامه فوق انجام دادیم که نهایتاً مشخص گردید این گروه که در تهران می باشند فقط روی ۳/۱ از آیات جزء ۳۰ قرآن به صورت اشاره کار کرده اند که حتی تمام موارد را نتوانسته اند اشاره کنند که در میان معلم می گوید و حالا چند نقطه و به دلیل علمی نبودن و کامل نبودن به لحاظ آموزش کل قرآن مقرر شد برنامه ادامه نیابد.

سپس در روز شنبه ۲۴/۳/۸۲ به قم اعزام شدم ابتدا در بهزیستی جلسه ای با حاج آقا سید محمدی مدیرکل محترم استان تشکیل دادیم و به ایشان گفتم که جامعه القرآن در قم از اینجانب دعوت نموده تا در خصوص اشارات بر آموزش قرآن جلسه ای داشته باشیم ایشان هم فرمودند بسیار خوب است زیرا دبیرخانه ای را با مسئولیت ایشان و چند تن دیگر جهت آموزش قرآن با زبان اشاره تأسیس نموده اند که مسئول دبیرخانه آقای مهدوی می باشند که اخیراً از سه استان مرکزی، لرستان، خوزستان بازدید کرده اند ایشان فرمودند اگر موافق باشم آنها نیز اینجانب را همراهی کنند تا ببینند چه اقداماتی جامعه القرآن انجام داده اند آیا می شود با آنان نیز همکاری کرد یا خیر سپس اینجانب و آقای مهدوی و آقای مقیسه در جامعه القرآن با حاج آقا طباطبایی پدر دکتر طباطبایی جلسه تشکیل دادیم. که مشخص گردید آقای طباطبایی هیچ گونه تحقیق یا بررسی در مورد زبان اشاره نموده و

فقط راهی بوده که خود برای آموزش فرزندش استفاده نموده و آن را به عنوان روشی نوین ثبت کرده است نامبرده بسیار محدود کار کرده و حتی اشارات ابداعی خود را ثبت نکرده است به صورت حضوری آموزش می دهد و معلمین کتاب خاصی در این زمینه ندارند ضمناً بسیار محدود است و فقط برای مدت ۵ ماه از اشاره استفاده می کند ایشان اظهار می داشت اشارات شما ناقص است و جملات معلوم و مجهول و افعال و زمان و مسائل مختلف را ندارد که در پایان به ایشان گفتم زبان اشاره ما زبان اشاره فارسی است و برای آموزش و درک زبان فارسی کامل است آنچه ایشان می گفتند نقص تلقی نمی شود ویژگی زبان عربی است که می توان با بهره مندی از زبان اشاره فارسی آنها را نیز آموزش داد. در نهایت ایشان از ما خواستار جلوگیری از آموزش در شبکه ۲ سیما بودند و می گفتند نباید اجازه بدهید هر کسی هر اشاره ای که دلش می خواهد اشاعه دهد «البته این مورد شامل ایشان نیز می شود» مطلب دیگر که اصلاً حاضر نبودند از اشارات ما استفاده کند سپس به بهزیستی آمدیم و در جلسه ویژه معاونان نتیجه جلسه را به آقای محمدی ارائه نمودیم و دلایل خود را ذکر کردم ایشان هم با استقبال از پیشنهادات اینجانب مقرر گردید تا ان شاء الله با دبیرخانه قرآنی همکاری تنگاتنگی داشته باشیم و به صورت فراگیر و علمی کار را پیگیری کنیم اینجانب نیز اعلام آمادگی نمودم. مطالب فوق جهت استحضار جنابعالی ایفاد می گردد.

نکات مهمی که در این گزارش هست عبارت اند از:

۱- آقامحمد تلاش کرده به آخرین شیوه های آموزشی قرآن دست یابد و سپس آنها را با زبان اشاره ترکیب و شیوه جدید برای ناشنویان به وجود آورد. از این رو به سراغ مراکز آموزش قرآن در قم رفته و تلاش می کند از تجارب آنها استفاده کند.

۲- گروه آموزش قرآن در شبکه ۲ را معرفی می کند که آیات قرآن را به زبان اشاره تبدیل و برگردان کرده اند و گزارش می دهد که کارشان ناقص است و نتوانسته اند اشارات جامع پیدا کنند.

۳- در ادامه به ملاقاتش با حجت الاسلام سید مهدی سید محمدی مدیرکل بهزیستی استان قم اشاره می کند. سید محمدی به او می گوید دبیرخانه ای ایجاد کرده ایم و قرآن را با زبان اشاره آموزش می دهد. مسئول این دبیرخانه آقای مهدوی است.

تعجب انگیز اینکه هیچ خبری از این دبیرخانه و اقدامات آن یافت نشد و با جستجوی فراوان خبری و نکته ای و کارنامه ای پیدا نکردیم. گویا این دبیرخانه مثل دیگر امور مدیران دولتی طرحی بوده که فی البداهه و بدون کارشناسی مطرح و پس از مدتی به فراموشی سپرده اند.

۴- سپس آقامحمد می نویسد من و آقایان مهدوی و مقیسه به دارالقرآن آقای طباطبایی رفتیم و با پدر قاری و حافظ معروف قرآن آقای طباطبایی صحبت کردیم. ایشان هیچ اقدام و حتی مطالعه ای در زمینه زبان اشاره نداشت.

اما ایشان با استفاده از اشاره به افراد قرآن یاد می دهد، به این معنا است که علائمی از خودش ابداع کرده و با نشان دادن آنها، افراد متوجه می شوند که باید فلان کار را انجام دهند. اما این علائم را هم ثبت نکرده بود.

۵- آقای طباطبایی در مورد آموزش با اشارات متداول در بین ناشنویان انتقاد داشت و کار سیما و شبکه دو را ناقص می دانست که آقامحمد به او توضیح می دهد.

۶- مطلب آخر که در این گزارش آمده این است که جلسه ای در بهزیستی قم تشکیل می گردد و قرار می شود ارتباط تنگاتنگی بین سیما و دبیرخانه قرآنی در بهزیستی قم برقرار شود و آموزش با اشاره در شبکه دو پیگیری گردد.

اما پس از این جلسه و اقدامات اندکی که خود آقامحمد پس از این پیگیری کرده، فعالیت دیگری درباره دبیرخانه قرآنی و آموزش قرآن به ناشنویان با زبان اشاره یافت نشد. کار در همین مرحله متوقف گردید.

### روش اشاره طباطبایی

پس از گذشت حدود دو دهه از سر و صدایی که اشارات آقای طباطبایی به راه انداخته بود و با مرور کارنامه این پروژه می توان درست تر قضاوت کرد. کسانی مثل آقامحمد با پشتکار و دلسوزی و بدون داشتن نیت سودجویانه پروژه ای را مطرح و به پیش می بردند. در مورد آموزش قرآن ناشنویان هم نظر خیر داشت. از این رو بدون تبلیغات و بدون سر و صدا کاری را شروع و تا رسیدن به نتیجه ادامه می داد.

در سال های ۷۵ و ۷۶ مصاحبه هایی با رسانه ها، روزنامه ها، صدا و سیما، مجلات درباره فراگیری قرآن با اشاره انجام و منتشر می شد و در این زمینه سر و صدا بسیار بود. یک دهه نگذشت همه این سروصداها خاموش شد.

اصل قضیه این بود که نوجوانی خردسال به نام سید محمدحسین طباطبایی قرآن را حفظ کرده بود و پدرش در چند مصاحبه مثلاً مصاحبه با روزنامه ایران در ۹/۲/۷۶، مصاحبه با روزنامه قدس در ۲/۲/۷۶ با عنوان «اهمیت اشاره برای نوزادان» مطرح می کرد که فرزند خردسالش را با استفاده از روش اشاره ناشنویان قرآن یاد داده ام.

اصل این فکر خوب بوده و هست ولی نیاز به مطالعه، کارشناسی و برنامه ریزی دارد و یک باره و بدون مقدمات نمی توان ادعای مهمی را مطرح کرد. البته با مطرح شدن این ایده یعنی آموزش علوم و به ویژه قرآن با اشارات، بسیاری را جو گرفت و در این باره مقاله و مطلب نوشتند. اما خانم آقامحمد در صحبت با آقای طباطبایی متوجه شد، حرف ها و اساساً طرح ایشان بسیار خام است.

یکی از افرادی که با مطالعه مصاحبه های آقای طباطبایی تحت تأثیر قرار گرفت، روزبه قهرمان، ناشنوی معروف است که اکنون مقیم کشور کانادا و گویا استاد دانشگاه در کانادا در زمینه زبان اشاره است. او در این باره نوشته است:

مطالب درج شده در دو روزنامه تأثیری روی من گذاشت که در عین ناامیدی، به فردای بهتر برای ناشنوایان امیدوار شوم و شاید مسئولیتی که تحصیل، سرنوشت و آینده ما در دست آنها است، توجه و عنایتی به این دو مطلب روزنامه و مطالبی شبیه اینها بنمایند و زبان اشاره را چیزی مخمل زبان آموزشی و گفتار ناشنوا نداند.

وقتی تجربیات شخصی افراد و متخصصان و محققان نشانگر این است که اشارات به فهم و درک بیشتر کمک می کند، چرا در آموزش ناشنوایان نباید از اشاره استفاده شود؟

آیا درست است برای یک کودک سالم ایرانی که حیثاً تا اندازه ای با زبان دیگری غیر از زبان مادری اش آشنایی دارد، دروس تاریخ، جغرافی و حتی ادبیات فارسی را به زبانی غیر از زبان مادری اش تدریس کنند؟ آیا کودک راحت تر است درس به زبان مادری اش بفهمد یا زبان دوم او؟

برای ما لب خوانی و گفتار خوانی زبان رایج مملکت (فارسی) به منزله زبان دوم است. چون از بدو تولد، زبان ما اشاره بوده و چشم ها را جای گوش گذاشته ایم و دست ها را جای دهان و به این وسیله ارتباط برقرار کرده ایم.

پدري با اشارات خود ساخته باعث می شود که فرزند خردسالش راحت تر و سریع تر قرآن را حفظ کند و مفاهیم آن را به خاطر بسپارد و دو خانم روان پزشک با دقت در رفتار نوزادان خود و با استفاده از اشاره به نتایج قابل توجهی در زمینه رشد ذهنی و فراگیری آنان پی می برند و کتابی تحت عنوان «اشارات نوزاد» به چاپ می رسانند و یادآور می شوند که نوزادان در مرحله قبل از سخن گفتن از زبانی مبنی بر علائم و اشارات استفاده می کنند که توجه به آن نه تنها موجب تسریع و تعمق رشد ذهنی کودک می شود بلکه به ایجاد ارتباط عاطفی قوی تر میان والدین و فرزندشان منجر می شود.

با توجه به این دو مثال این مسئله پیش می آید که به چه دلیل وقتی یک کودک شنوا به مدد اشارات می تواند سریع تر به مفاهیم کلام دست یابد، چرا در آموزش ناشنوایان کودک ناشنوا را به بهانه این که گفتار داشته باشد، از اشاره منع می کنند؟

باید خاطر نشان کرد این یک آرزوی دست نیافتنی و خیال انگیز برای کسانی است که برای آموزش ناشنوایان برنامه ریزی می کنند بدون اینکه فکر کنند نظر خوانی از خود آنها راهگشای خیلی از مشکلات آموزش آنان خواهد بود.

هزاران نمونه قابل ارائه وجود دارد که می بینیم ناشنوایان مادرزاد با روش شفاهی «بدون اشاره» آموزش دیده ولی به هیچ وجه نتوانسته به گفتاری دست یابد که غیر از خانواده اش افراد دیگر هم حرف او را بفهمند. کودک ناشنوا اول باید مفاهیم را درک کند، آن را در مغزش جای دهد و بعد آن را با تلاش زیاد و کمک معلمش به گفتاری نه چندان قابل فهم تبدیل کند همان طور که حجت الاسلام حاج «سید محمد مهدی طباطبایی» پدر سید محمدحسین طباطبایی با هر اشاره یک مفهوم و مطلب از قرآن را به مغز او منتقل کرده اند که در موقع لزوم با نشان دادن همان اشاره بلافاصله کودک

مفهوم ضبط شده در مغزش را به گفتار تبدیل می کند و آیه ای از قرآن را می خواند که جوابگوی آن اشاره است.

حجت السلام حاج سید محمد مهدی طباطبایی پدر سید محمد حسین طباطبایی در مصاحبه شان با روزنامه ایران گفته اند: «این کار ساده ای است که برای خیلی ها عجیب به نظر می آید در صورتی که چیز شاقی نیست و اصل این روش، همان طرز تکلم و اشاره برای ناشنویان است.» (۱)

پس از گذشت بیش از دو دهه و پس از گذشت حدود چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز برای ناشنویان مسابقه قرآن برگزار نشده، هنوز تفسیر و کتاب آموزشی قرآن به اشاره نداریم، هنوز کلاس آموزش قرآن یا آموزش تفسیر قرآن به اشاره نداریم. نیز کلاس های حفظ قرآن در مؤسسه آقای طباطبایی هنوز شیوه خود را مکتوب و منتشر نکرده تا در دسترس همگان باشد و در این مؤسسه «کلاس های حفظ قرآن با اشاره» از رونق افتاده است.

### آموزش قرآن بزرگسالان

سازمان بهزیستی و معاونت توانبخشی در سال های بین ۷۶ تا ۱۳۹۰ بر اهمیت و تأثیر قرآن کریم در فراگیری زبان اشاره پی برد. این مسئله به دلیل مطالعات فاطمه آقامحمد و چند تن از دیگر کارشناسان زبان اشاره بود. پس از یافتن این نکته و تجربه اندوزی در این باره، بهزیستی اقداماتی را آغاز کرد. اکنون گزارشی از تلاش های آقامحمد در این زمینه ارائه می شود. آقامحمد به دلیل تربیت مذهبی و فراگیری قرآن در کودکی و نوجوانی نزد مادر بزرگش زمینه اجرای چنین پروژه و به ثمر رساندن آن را داشت.

آموختن قرآن برای همه مسلمانان لازم است ولی ناشنویان چگونه قرآن را یاد بگیرند. اگر نمی توانند قرائت کنند حداقل آیات و کلمات را یاد بگیرند و در دل و یا با لب خوانی زمزمه کنند. اما چگونگی یاد گرفتن آیات و کلمات، روشی دشوار است.

با حمایت آقای نجفی مدیر کل محترم دفتر امور معلولین در حوزه توانبخشی تصمیم گرفتند به ناشنویان بزرگسال قرآن بیاموزند. برای رسیدن به این هدف آقامحمد در تاریخ ۱۱ و ۱۲/۳/۷۷ به همدان سفر کرده در آنجا با دوست و همکارش که تجربه ای در این زمینه داشت خانم اقدس علی دوست موضوع را بررسی و در کلاس سوادآموزان شرکت و نکات مختلف را بررسی نمود. سپس آقامحمد طرحی آماده کرد تا با کمک نهضت سوادآموزی آن را اجرا کنند. اصل طرح نوشته شده در ۱۲ خرداد ماه ۱۳۷۷ به معاونت توانبخشی عرضه شد و معاونت آن را به خانم آقامحمد جهت کارشناسی و اجرا سپرد.

این طرح این گونه است:

ص: ۱۸۸

جهت بررسی آموزش قرائت قرآن کریم و رفع مشکلات موجود در کلاس های سوادآموزی در مرحله تکمیلی سوادآموزان ناشنوا با آقای پورمحمدیان مسئول امور آموزش نهضت سوادآموزی و خانم مرزوقی از دفتر برنامه ریزی آموزش نهضت سوادآموزی و کارشناس این دفتر به استان همدان اعزام و در همدان مرکز ناشنوایان شهید باهنر که مسئول آن خانم علیدوست می باشند با معلم سوادآموزی و گفتار درمان جلسه ای ترتیب داده پس از بحث بسیار قرار بر این شد که زمان حضور سوادآموزان در کلاس درس مسائل به طور عینی بررسی گردد. روز بعد گروه اعزامی در کلاس حضور پیدا کرده پس از توضیحات مفصل و سؤالات مختلف از مربی و سوادآموزان در خصوص حروف حلقی و غیره چه در زبان فارسی و چه در زبان عربی انجام شد بنابراین آنها متوجه مشکل مطرح شده گشتند. نتیجتاً پیشنهاد شد از آنجا که قرآن کتاب آسمانی است و باید سرلوحه زندگی باشد. سازمان بهزیستی با همکاری نهضت سوادآموزی و با توجه به توانایی آموزش در ناشنوایان آیه های ساده را که در قرآن وجود دارد با کلماتی ساده در قالب فرهنگ یا مبانی قرآنی تهیه تا در اختیار سوادآموزان ناشنوا قرار گرفته و جایگزین آموزش قرآن و قرائت آن گردد و پیام های کتاب آسمانی بدین طریق به عزیزان ناشنوا منتقل گردد تا سرمشق زندگی آنها شود.

در ضمن خانم علیدوست فرمودند تعداد ۳۰ نفر سوادآموز در سال هزینه ای معادل ۵۰۰ هزار تومان در بردارد و چنانچه دوره تکمیلی برای آنها گذاشته نشود و این آموزش استمرار پیدا نکند و فقط در مرحله مقدماتی باشد. پس از مدتی آنها آموزش گرفته شده را فراموش خواهند کرد بنابراین هزینه های مصرف شده به هدر خواهد رفت. برای اینکه از این مسئله جلوگیری شود باید حتماً پس از دوره مقدماتی، دوره تکمیلی آموزش داده شود. در ضمن مقرراتی در نهضت سوادآموزی اجرا می شود که آن را نمی توان بدون کم و کاست در خصوص ناشنوایان عمل کرد. مثلاً در مورد غیبت سوادآموزان چون آموزش برای آنها مشکل است زود خسته می شوند و امکان حاضر نشدن به طور مرتب در کلاس وجود دارد. وقتی راهنمای تعلیماتی نهضت سوادآموزی جهت بازدید مراجعه می کند این امر را به عنوان امتیاز منفی برای معلم منظور می دارند که انتظار می رود با توجه به مسائل حاشیه ای ناشنوایان در این مورد برخورد سهل تری صورت پذیرد. تا رفته رفته سوادآموز ناشنوا به درس علاقه مند شوند و به طور مرتب در کلاس حاضر گردند. از طرف کارشناس این دفتر پیشنهاد شد جهت تشویق معلم سوادآموزی ناشنوا در پایان دوره از طرف نهضت سوادآموزی به دلیل سختی کار مبلغی پرداخت گردد (با توجه به این امر که مربی از سازمان حقوق دریافت می کند)

سپس آقای محمد در نامه ای به نهضت سوادآموزی درخواست جلسه کرد تا در مورد آموزش قرآن و مسائل مختلف سوادآموزی و رفع مشکلات گفتگو کند؛ دفتر سوادآموزی پذیرفت. آقای نجفی و آقای محمد در جلسه ای با دو کارشناس محترم آقای پورمحمدیان مسئول امور آموزش نهضت سوادآموزی و خانم فروغی از دفتر برنامه ریزی آموزش نهضت سوادآموزی جلسه ای برقرار شد و خوشبختانه نهضت سوادآموزی متقاعد شدند و قرار بر این شد که به مسئولین ذیربط پیشنهاد سازمان

بهبودی را با نظر موافق جهت تصمیم‌گیری اعلام نمایند و از نتیجه امر ما را مطلع سازند. در ضمن از طرف نهضت سوادآموزی آمار شرکت کنندگان دوره سوادآموزی مقدماتی را از سال ۶۸ به بعد که توافق اولیه بین دو سازمان می‌باشد را از سراسر کشور خواستار شدند. جهت بررسی موفقیت آمیز بودن توافقنامه قبلی. همچنین آقای پورمحمدیان گفتند به زودی جلسه‌ای با آقای دکتر بهشتی جهت ابداع روشی نوین برای آموزش نماز و قرآن به کل ناشنوایان تشکیل خواهد شد که تاریخ آن از طرف نهضت سوادآموزی اعلام خواهد شد.

### توافق نامه و همکاری

پس از ارائه طرح مزبور به نهضت سوادآموزی و تداوم مذاکرات بین سازمان بهزیستی و نهضت سوادآموزی، متنی به قلم خانم آقامحمد با عنوان توافق نامه همکاری سازمان بهزیستی کشور با نهضت سوادآموزی آماده شد و به امضای رؤسای هر دو سازمان یعنی محسن قرائتی و محمدرضا راه چمنی رسید. متن آن این گونه است:

در راستای همکاری‌های بین بخشی و استفاده از امکانات موجود سازمان‌ها در ارتباطی متقابل و دستیابی به اهداف مشترک و ارتقاء سطح آگاهی و سواد به معلولان و ارائه خدمات بهتر توافقات زیر بین دو ارگان حاصل گردید.

- آموزش سواد به معلولان بزرگسال که به نحوی موفق به گذراندن دوره‌های تحصیلی عادی نشده‌اند به عهده حوزه توان بخشی سازمان بهزیستی کشور و نهضت سوادآموزی می‌باشد.

- تأمین نیروی انسانی «آموزشیاران» به لحاظ نیاز خاص عزیزان معلول و تأمین محل برگزاری کلاس به عهده سازمان بهزیستی است.

- تهیه و تأمین کتاب‌ها، ابزار و ادوات لازم جهت آموزش به معلولان ناشنوا به عهده نهضت سوادآموزی است.

- پرداخت حق الزحمه آموزشیاران معرفی شده از سوی بهزیستی به عهده نهضت سوادآموزی است.

«به لحاظ صعوبت کار به خصوص در این مرحله میزان حق الزحمه نسبت به عادی یک + یک سوم می‌باشد»

- کلیه دوره‌های آموزشی اعم از مقدماتی، تکمیلی، پایانی هر کدام به مدت دو سال و در هفته به صورت یک روز در میان می‌باشد.

- جلسات امتحان با حضور نماینده حوزه توان بخشی یا آموزشیار معرفی شده و نماینده نهضت سوادآموزی انجام شود.

- امتحان دروس قرآن و انشاء به لحاظ محدودیت‌های اختلالات شنوایی توسط نماینده حوزه توان بخشی یا آموزشیار همان کلاس انجام شود.

- جهت ایجاد مهارت بیشتر در زندگی بعضی از کتاب های آموزشی با همکاری در ارگان به صورت فراگیر «نوشته و زبان اشاره» تهیه و چاپ گردد.

«اولویت در کتاب های بهداشتی، مذهبی، فرهنگی می باشد و نظارت بر اشارات و طراحی اشارات به عهده حوزه توان بخشی، چاپ به عهده نهضت سوادآموزی» است

- برای ارتقاء سطح آگاهی جامعه نسبت به معلولیت در راستای پیشگیری و برخورد صحیح با آن مطالبی علمی، آموزشی متناسب با جامعه هدف با همکاری دو ارگان در کتاب ها درج و چاپ گردد.

متن دست نویس این توافق نامه را در اختیار داریم ولی اینکه آیا به امضای آقایان قرائتی و راه چمنی رسید یا نه؟ خبر نداریم.

متأسفانه اجرای این طرح به تأخیر افتاد چون پیشنهادی از طرف نهضت سوادآموزی دریافت نشد، اجرایی نگردید.

ص: ۱۹۱



اشاره

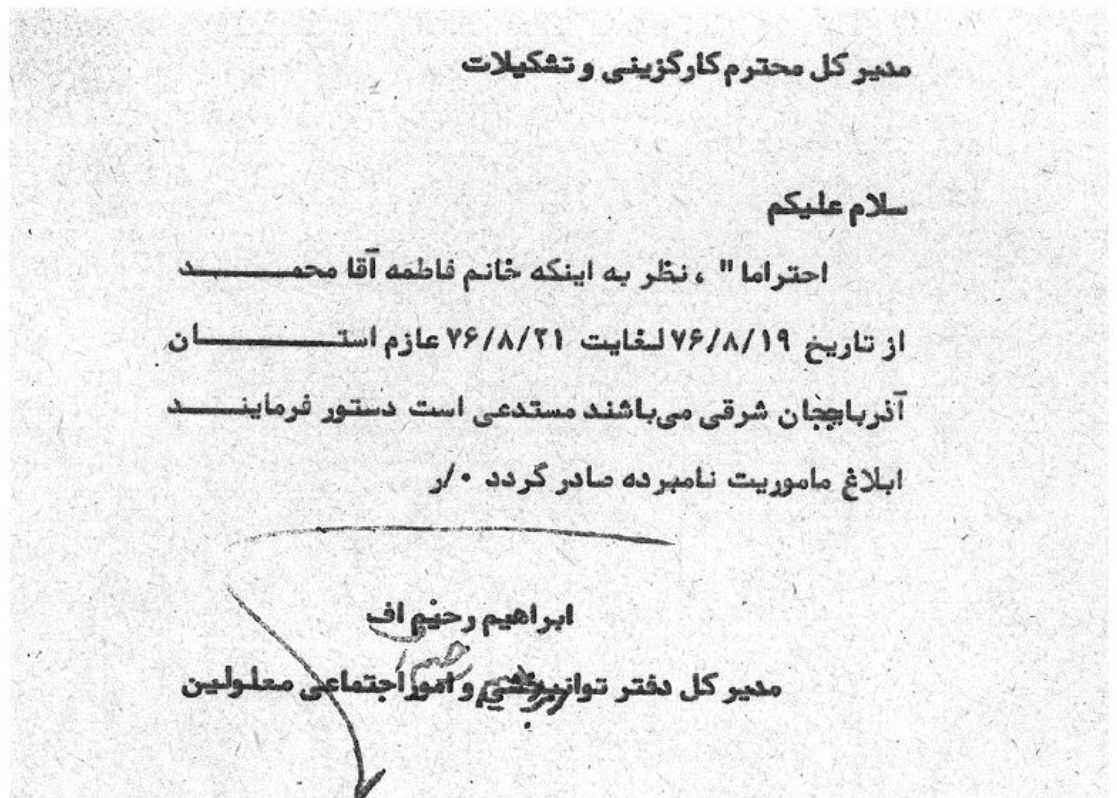
یکی از فعالیت های آقامحمد مسافرت به شهرها و استان ها به منظور نظارت بر طرح ها و پروژه های معاونت توانبخشی، یا توجیه و آموزش کارمندان و نیروهای شاغل در ادارات بهزیستی و دیگر اهداف خاص و موردی بوده است. اکنون به برخی اسناد که نشانگر مسافرت های ایشان است اشاره می کنم.

مسافرت به شهرها

اولین سندی که در اختیار دارم، مسافرت آقامحمد به استان آذربایجان شرقی است. ابراهیم رحیم اف مدیرکل دفتر توانبخشی معلولین به مدیرکل کارگزینی و تشکیلات در تاریخ ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۶ این نامه را نوشته است:

یک ماه بعد به خراسان سفر می کند. مدیرکل کارگزینی قاسم خسروی در تاریخ ۲۳ آذرماه ۷۶ این نامه را نوشته است:

تصویر



محمدباقر جعفری نیا مدیرکل دفتر توانبخشی معلولین در ۱۰ خرداد ۱۳۷۷ او را به همدان می فرستد تا به بررسی سوادآموزی ناشنوایان استان همدان بپردازد.

در برگ مأموریت او، موضوع مأموریتش را بررسی سوادآموزی ناشنوایان استان همدان قید کرده است. البته کلمه آموزشی غلط و آموزشی درست است.

محمدباقر جعفری نیا در تاریخ ۶ تیرماه ۱۳۷۷ به معاونت توانبخشی سفرهای آقامحمد به همدان، خراسان و سیستان و بلوچستان را تأیید کرده و درخواست حقوق مأموریت او شده است.

تصویر

خانم فاطمه آقامحمد

با توجه بنامه شماره ۸۴۲/۸۵۲۵ مورخ ۷۶/۹/۱۱ دفتر توانبخشی واموراجتماعی معلولین بموجب این ابلاغ بشما مأموریت داده میشود از تاریخ ۷۶/۹/۱۶ لغایت ۷۶/۹/۲۲ جهت انجام امور محوله با هواپیما به استان خراسان عزیمت نمائید. بدیهی است فوق العاده مأموریت شما پس از ارائه گزارش انجام مأموریت و تأیید مدیریت مربوطه از محل اعتبار ستاد مرکزی قابل پرداخت خواهد بود. /ج

قاسم خسروی  
مدیرکل کارگزینی و تشکیلات

محمدباقر جعفری نیا مدیرکل دفتر توانبخشی معلولین در ۱۰ خرداد ۱۳۷۷ او را به همدان می فرستد تا به بررسی سوادآموزی ناشنوایان استان همدان بپردازد.

مدیرکل محترم کارگزینی و تشکیلات

سلام علیکم

احتراما " ، در نظر است خانم فاطمه آقا محمد کارشناسی ناشنوایان همکار این دفتر از مورخ ۷۷/۳/۱۱ لغایت ۷۷/۳/۱۲ به استان همدان اعزام شوند. خواهشمند است دستور فرمائید اقدام لازم مبذول گردد. /م

محمد باقر جعفری نیا

مدیرکل دفتر توانبخشی واموراجتماعی معلولین

ابوالقاسم نجفی مدیرکل توانبخشی معلولین او را از ۱۵ اسفند تا ۱۹ اسفند ۱۳۷۷ به خوزستان فرستاد.

تصویر

جناب آقای نکتور کدالی  
معاونت محترم امور توانبخشی

سلام علیکم  
احتراماً ، نظر به اینکه خانم فاطمه آقامحمد کارشناس ناشنویان در دفتر  
توانبخشی رامهرآباد اجتماعی معلولین در خرداد ماه سال جاری انجام وظیفه نموده ،  
ثمناً از تاریخ ۷۷/۳/۱۱ و ۷۷/۳/۱۲ بمدت دوازده روز به استان همدان ، فر تاریخ  
۷۷/۳/۲ تا ۷۷/۳/۴ به مدت سه روز به استان خراسان و از تاریخ ۷۷/۳/۲۲ تا  
۷۷/۳/۲۴ به مدت سه روز به استان سیستان و بلوچستان به مأموریت رفتند  
است ، خواهشمند است دستور فرمائید اقدام لازم از طریق کارگزینی مبذول گردد .  
ثمنناً هرگونه فحیت در ماه بعد اعلام خواهد شد . م

محمد باقر خورشیدی  
مدیرکل دفتر توانبخشی رامهرآباد اجتماعی معلولین

ابوالقاسم نجفی مدیرکل توانبخشی معلولین او را از ۱۵ اسفند تا ۱۹ اسفند ۱۳۷۷ به خوزستان فرستاد.

جناب آقای خورشیدی  
مدیرکل دفتر امور توانبخشی  
سلام علیکم

احتراماً ، با توجه به بازگشت آقایان خورشیدی و خورشیدی  
از استان سیستان و بلوچستان خواهشمند است دستور فرمائید فحیت  
ایشان فحیت خانم فاطمه آقامحمد کارشناس ناشنویان این  
دفتر به استان فرستادن از تاریخ ۱۵ اسفند ۷۷ فحیت  
۱۹، ۱۴، ۷۷ فحیت ۵ روز فحیت فحیت فحیت فحیت فحیت  
لدم محفل روز فحیت فحیت فحیت فحیت فحیت فحیت  
در این خصوص  
مدیرکل دفتر امور توانبخشی  
ابوالقاسم نجفی

مجدداً ابوالقاسم نجفی او را طی نامه ای در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۷۹ به استان مازندران مأموریت داد.

موارد مزبور برخی از مأموریت های آقامحمد به استان ها و شهرهای مختلف بوده که به منظور انتقال تجارب و گسترش دستاوردهای ملی با آموزش نیروها اعزام می شده است.

البته تقریباً به همه استان های کشور از جمله کرمان، بوشهر، تبریز، ارومیه و غیره مأموریت داشته است.

تصویر

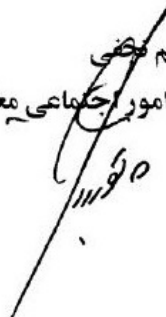
جناب آقای خسروی  
مدیرکل محترم کارگزینی و تشکیلات

سلام علیکم

احتراماً، خانم فاطمه آقامحمد کارشناس ناشنویان از  
مورخ ۷۸/۴/۱۹ لغایت ۷۸/۴/۲۲ بمدت ۴ روز به استان مازندران  
«بابلسر» اعزام می شوند.

خواهشمند است دستور فرمائید اقدامات لازم معمول گردد.

ابوالقاسم نجفی  
مدیرکل دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین



ناشنوایان چون از طریق تصاویر مفاهیم را دریافت یا انتقال می دهند، از این رو فیلم در ذهنیت و فرهنگ آنان بسیار مؤثر است. به همین دلیل آقامحمد تصمیم گرفت، فیلم های پخش شده در سیمای جمهوری اسلامی که دارای رابط یا زیرنویس اند، آماده سازی و پخش کند. برای تحقق این منظور نامه ای به معاون توانبخشی محمد کمالی در ۳ خردادماه ۱۳۷۸ می نویسد که دست نویس آن موجود است و مشتمل بر نکات مهمی است:

به استحضار می رساند در مورخ ۲۹/۲/۷۸ با حضور جناب آقای نجفی مدیرکل دفتر توانبخشی و امور اجتماعی و جناب آقای میهن دوست «دستیار تهیه کننده برنامه عیدانه» و اینجانب جلسه ای در خصوص تهیه فیلمی مستند بر اساس مسائل عاطفی و روحی یک خانواده ناشنوا و به نمایش گذاشتن توانمندی های آن فرد و وجود اعتماد به نفس ویژه آن جهت تغییر نگرش منفی در جامعه تهیه شود که قبلاً کیس مورد نظر را ایشان دیده اند «آقای اردوان گیتی و خانواده ایشان می باشند»

با این هدف که این فیلم را به جشنواره رشد ارائه نمایند که در پاییز برگزار می گردد.

جناب آقای نجفی ضمن اعلام همکاری با ایشان فرمودند حتماً در تهیه فیلم به دیدگاه های جهانی توجه شود زیرا امکان اینکه در غیر از ایران مطرح گردد وجود دارد. ضمناً زمان حتماً در این خصوص کارهای هنری عروسکی - پانتومیم و مسائل دیگر با ما همکاری نمایند. در همین روز ساعت ۱۵ شروع اولین جلسه کارشناسی خواهد بود مطالب فوق جهت استحضار و راهنمایی لازم ایفاد می گردد.

همان طور که در متن نامه آمده، آقامحمد درصدد بود فیلم هایی تهیه کند که:

۱- توانمندی های ناشنوایان را نشان دهد

۲- اعتماد به نفس آنان را بالا ببرد

۳- موجب تغییر نگرش منفی در جامعه شود

۴- از خود ناشنوایان در تولید فیلم استفاده شود

۵- به دیدگاه های جهانی توجه شود

۶- به مسائل هنری توجه شود

اما متأسفانه آقای خسرو گیتی پدرزرگ اردوان با اجرای آن مخالفت کردند و کار انجام نشد.

سپس آقامحمد تصمیم گرفت، سریال ها و فیلم های که از سیمای شبکه تهران (۵) با رابط پخش می شد را پس از اقدامات لازم روی DVD در آن زمان ضبط کند و به مراکز استان ها فرستاد تا ناشنوایان سراسر کشور از آن استفاده کنند. بنابراین در تاریخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۸۰ هدف خود را دنبال تا بتواند مجوز ضبط و پخش فیلم ها را بگیرد. (۱)

ص: ۱۹۶

با بررسی های انجام شده مشخص شد این اقدام نیازمند موافقت مدیران محترم سیمای جمهوری به عنوان مجوز پخش می باشد با آقای جعفری نیا صحبت کردم و ایشان فرمودند با آقای نورالدین موسی مدیر محترم تولید و مشاور مدیر شبکه ۵ که از دوستانشان می باشند موضوع را مطرح نمایم.

در مورخ ۲۱/۱۲/۸۰ جلسه ای را در شبکه با ایشان داشتم که برایشان توضیح دادم ایشان فرمودند برای اینکه موضوع رسمیت داشته باشد شما نامه ای از بهزیستی برای مدیر محترم شبکه بنویسید سپس نامه را به ایشان بدهم و آقای نورالدین موسی شفاهاً برای مدیر محترم شبکه توضیح خواهند داد. که اینجانب با اجازه جنابعالی نامه را تهیه نمودم تا در صورت موافقت اقدام لازم معمول گردد.

نکات مندرج در این نامه عبارت اند از:

۱- طی دو سال تهیه سی فیلم همراه با رابط ناشنوایان تهیه شده.

۲- این فیلم ها برای پخش در سراسر ایران مناسب است.

۳- این فیلم ها موجب افزایش توانایی ها و زمینه ساز توانبخشی ناشنوایان خواهد شد.

پیرو اقدامات مزبور آقای محمد معاون توانبخشی درخواست زیر را به مدیر شبکه ۵ سیما در تاریخ ۲۵ اسفندماه ۱۳۸۰ ارائه کرده است:

بر اساس سه سند زیر فیلم ها آماده و مجوز آنها گرفته و به استان ها ارسال شده است:

تصویر

**جناب آقای پور محمدی**

**مدیر محترم شبکه ۵ سیمای جمهوری اسلامی ایران**

سلام علیکم؛

احتراماً، با آرزوی توفیق روزافزون جنابعالی و همکاران محترمتان برای برگزاری شایسته ایام سوگواری سالار شهیدان حسین بن علی و یارانش و با تشکر و قدردانی از حمایت و مساعدتی که برای قابل استفاده نمودن بخشی از برنامه های آن شبکه توسط رابط ناشنوایان برای معلولین عزیز ناشنوا که از محرومترین قشر جامعه هستند فراهم نمودید.

حوزه معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی در نظر دارد فیلمهای پخش شده با رابط را ضبط و در اختیار کارشناسان و خانواده ناشنوایان جهت بهره مندی آنان قرار دهد که مستلزم موافقت جنابعالی در این خصوص می باشد. پیشاپیش از اعلام نظری که می فرمائید سپاسگزاریم.

**دکتر محمد کمالی**

**معاون امور توانبخشی**



با این اقدام افزون بر یکصد فیلم که با رابط از شبکه تهران (۵) پخش شده بود روی DVD ضبط گردید. که در اتمام کار آقای محمد در بهزیستی فیلم ها را به آقای محمودی تحویل داد تا ایشان که در انجمن خانواده ناشنوایان فعالیت داشته در اختیار ناشنوایان قرار دهد.

تصویر



**جناب آقای میرزاخانی**  
**مدیر محترم روابط عمومی سازمان بهزیستی**

سلام علیکم؛

احتراماً، پیرو جلسه سرکار خانم آقامحمد کارشناس ایندفتر با جناب آقای پیرنیا در مورخ ۸۱/۵/۱۶ در خصوص تکثیر فیلمهای سینمایی همراه با رابط که از طریق صدا و سیما پخش گردیده است و مجوز تکثیر آن فقط برای سازمان گرفته شده است تا جهت بهره‌مندی کارشناسان و خانواده‌های ناشنوایان قرار گیرد، یک نمونه ایفاد میگردد. خواهشمند است دستور فرمائید برای ارسال به استانها به تعداد هر فیلم حداقل ۳۳ عدد تکثیر شود در حال حاضر ۳۰ فیلم آماده می‌باشد.

**دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی**

شماره ۸۴۴۳۴۱  
ر.م.م

تاریخ ۸۱/۵/۲۳

**جناب آقای کاشانی**  
**اداره محترم نیروی انسانی و خدمات پشتیبانی**

سلام علیکم

احتراماً، در نظر است تعداد ۱۰۰۰ عدد فیلم ویدئویی V.H.S سونی با همکاری روابط عمومی، سازمان فیلمهای سینمایی با رابط را برای استانها تکثیر نمایم. خواهشمند است دستور فرمایند جهت خرید فیلمهای مذکور اقدام لازم معمول گردد. /ز.ف.و

**ابوالقاسم نجفی**

مدیر کل دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی

شماره ۸۴۴۶۷۷۱

تاریخ ۸۱/۹/۱۳

آقامحمد می گوید: روزی در بهزیستی دو نفر از شرکت جوانه پویا آمدند و گفتند می خواهند در فیلم های سینمایی که تولید می کنند، از رابط استفاده کنند تا ناشنوایان بتوانند از دیدن آنها لذت ببرند. به آنها می گوید: اگر فیلم ها با زیرنویس ویژه ناشنوایان و رابط تهیه شود همکاری می کند. آنها پذیرفتند و ۵ فیلم را انتخاب کردند؛ ۲ فکاهی و ۳ فیلم خانوادگی. سپس آقامحمد به عنوان رابط فیلم ها را آماده کرد بعد از آن همه دیالوگ های استفاده شده در فیلم را جهت جامعه هدف ساده و کوتاه کرد. شرکت هم در فیلم ها به صورت زیرنویس از آنها استفاده کرد. ۵ فیلم آماده شد. در ابتدای فیلم متنی که آقامحمد برای راهنمایی عموم نوشت، قرار گرفت. نامه زیر جهت جلب مشارکت آن شرکت و توضیح جوانب پروژه نوشته شد.

نامه فوق توسط آقامحمد برای جلب مشارکت مدیران بهزیستی و مسئولین تشکل‌ها آماده و توسط مدیر شرکت جوانه پویا برای همه مدیران و مسئولین مرتبط به ناشنویان ارسال شد.

این اقدام به عنوان آغاز تولید فیلم برای ناشنویان توسط یک شرکت خصوصی بود. البته به دلیل عدم پیگیری مدیران، آن گونه که شایسته بود تداوم نیافت.

در سال ۱۳۹۶ نویسنده این کتاب (محمد نوری) از خانم آقامحمد در مورد اهمیت این فیلم‌ها و تأثیر آنها در جامعه ناشنویان توضیح خواست و ایشان متن زیر را نوشت و فرستاد:

ص: ۲۰۰

جناب آقای نوری بزرگوار، فیلم DVD های ضمیمه بسیار مهم هستند زیرا برای نخستین بار در جهان فیلم و سرگرمی با رابط برای جامعه ناشنوا تهیه شده و در ایران برای نخستین بار با رابط و زیرنویس ویژه ناشنوایان و همچنین با انگلیسی تهیه شده که ناشنوا خود می تواند با آپشن های موجود در DVD هر کدام را که راحت تر است انتخاب کرده و فیلم را ببیند این کار ملی است که بسیار پر ارزش و مهم است. اما متأسفانه در کشور ما نه اطلاع رسانی جهانی می شود که به نام کشور ما این اقدام ثبت شود مانند تشکیل گروه سرود ناشنوایان که برای نخستین بار در ایران و جهان از استان خوزستان و همدان آغاز شد. و نه حمایت می شود در صورتی که در مدارکی که ارائه شده شما می بینید یک فیلم سینمایی را برای نابینایان قابل استفاده کردند به نام خودشان از طریق سازمان های جهانی ثبت کردند در مدارک ارائه شده موجود است.

بالاخره با تلاش های آقای محمد ناشنوایان توانستند به فیلم هایی دسترسی پیدا کنند تا از این طریق بر تجارب و دانش و مهارت های خود بیفزایند. (۱)

ص: ۲۰۱

---

۱- درباره برخی ابعاد تولید فیلم ناشنوایان در صفحات ۱۱۱ تا ۱۱۲ و ۲۶۶ تا ۲۶۷ آمده است.

در هر جامعه ای آموزش کودکان سرلوحه هر اقدام فرهنگی است و تأکید کارشناسان بر آموزش و تربیت و رشد زبانی در کودکان بسیار پر ارزش است. آقای محمد سعی کرده با جلسه ای که در سیمای شبکه اول، مدیر محترم برنامه های کودک و نوجوان را متقاعد کند که در برخی از برنامه های سرگرمی و کارتتون در پخش از رابط ناشنوایان جهت بهره مندی کودکان ناشنوا استفاده شود. آقای اعلانی موافقت کرد تا اقدامات لازم انجام شود. بنابراین به دلیل اهمیت اقدامات تربیتی و فرهنگی برای کودکان و نوجوانان همواره درصدد بود برای آنان کارهایی را انجام دهد. در ۲ آذرماه ۱۳۷۷ مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه اول در نامه ای به مدیرکل دفتر توانبخشی آقای جعفری نیا از او درخواست می کند برای استفاده ناشنوایان از برنامه کودک و نوجوانان فردی را معرفی کند تا برنامه اجرا کند. و مدیرکل بهزیستی خانم آقای محمد را معرفی می نماید.

تصویر

**مدیر کل محترم دفتر توانبخشی و امور اجتماعی**  
**جناب آقای جعفری نیا**

پیرو مذاکرات حضوری مقرر شد برای استفاده بیشتر ناشنوایان از برنامه های کودک و نوجوان اقدامات زیر انجام شود خواهشمند است نماینده آن اداره برای هماهنگی با این گروه معرفی گردد.

- ۱- حضور یک مجری برای ناشنوایان در کنار مجری برنامه های روز جمعه .
- ۲- ضبط برنامه خبر ناشنوایان برای پخش روزهای جمعه در برنامه کودک و نوجوان .
- ۳- برنامه ریزی برای استفاده از رابط و یا زیر نویس برای بعضی از برنامه های نمایشی .

**مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه اول**

اسداله اعلانی  
۱۳۷۷/۹/۱۲

همچنین آقای محمد در تاریخ ۲۸ خردادماه ۱۳۷۸ گزارشی درباره برنامه کودک و نوجوان و یک برنامه که برای کودکان پخش می شود نوشت و برای مدیرکل دفتر امور معلولین ارسال کرد. متن این گزارش این گونه است:

جمعه شب مورخ ۲۸/۳/۷۸ با خبر شدم برنامه ای به طور زنده در تابستان با عنوان (برگ سبز) یا (یک فصل تازه) بیشتر در زمینه کارهای هنری کودکان و نوجوانان از اول تیرماه اجرا خواهد شد که اینجانب با خانم جاهد کارگردان هنری آن صحبت کردم و گفتم که از بچه های ما نیز در برنامه هایشان استفاده نمایند و توضیح کامل در خصوص توانمندی این عزیزان در هنر صحبت کردم ایشان مرا به آقای کاظمی که هماهنگ کننده برنامه هایشان بودند معرفی نمودند و قول دادند که حتماً برنامه ای را برای بهزیستی اختصاص خواهند داد تا بچه های ما نیز در برنامه بتوانند توانمندی های خود را به نمایش بگذارند من هم گفتم چنانچه مایل باشند از گروه های دیگر معلولین نیز می توانیم در برنامه شرکت دهیم که بسیار خوشحال شدند و تلفن های تماس بنده را گرفته من هم گفتم ما در حوزه معاونت توانبخشی آمادگی همکاری با آنها را داریم مطالب جهت استحضار ایفاد می گردد.

تصویر

**جناب آقای اسدله ۰۰ اعلامی**

**مدیر محترم گروه کودک و نوجوان شبکه اول**

**سلام علیکم**

احتراماً "عطفیه نامه شماره ۶۷۸ - ۹۹/۲۷ مسسورخ  
۲۷/۹/۲ در راستای استفاده بیشتر ناشنوایان از برنامه  
کودک و نوجوان و موارد پیشنهاد شده خانم ناطق مستقیم  
آقای محمد کارشناس ناشنوایان این دفتر را معرفی مینمایم"

**محمد باقر جعفری نیا**

**مدیرکل دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین**

شماره ۸۲۶۸۹۳۸

تاریخ ۷۷/۹/۳

یکی از سازمان های بین الملل فعال در زمینه کودکان یونیسف است. این سازمان پیش از پیروزی انقلاب کمک هایی به پروژه های کودکان و نوجوانان در ایران داشت. اما به دلیل فقدان ارتباط صحیح در دهه های اخیر، از امکانات این سازمان در ایران استفاده نشد. خانم آقامحمد مأموریت پیدا کرد با یونیسف مذاکره کند. از این رو مدیرکل دفتر توانبخشی او را جهت معرفی به یونیسف در تاریخ ۲۵ آبان ماه ۱۳۷۷ معرفی کرد:

آقامحمد پس از مذاکره با یونیسف گزارشی نوشت و در ۲۵ آذرماه ۱۳۷۷ برای دفتر توانبخشی ارسال کرد:

حسب الدستور حضرتعالی روز چهارشنبه ۲۲/۹/۷۹ در یونیسف با سرکار خانم فیوضات در خصوص همکاری بهزیستی با آن سازمان برای چاپ کتاب های قصه کودکان کتاب قصه جلسه ای برگزار نمودیم که موارد طرح را برای ایشان توضیح دادم چندین سؤال ایشان داشتند که پاسخ دادم و در نهایت هدف از طرح آماده شده را برایشان گفتم کارها فقط به این یک جلد تمام نخواهد شد و ادامه دارد احتمالاً ۱۲ جلد کتاب داستان خواهد شد ایشان گفتند با هدفی که شما گفتید من تعجب کردم که یک قصه کوتاه پاسخگو باشد حالا هدف با ادامه داشتن کار توجیه می شود پرسیدند چند جلد پیش بینی کرده ایم که لازم باشد من گفتم ۳۰۰۰ جلد به انضمام

تصویر

**جناب آقای خسروی**  
**مدیرکل محترم کارگزینی و تشکیلات**

**سلام علیکم**

احتراماً " ، به استحضار میرساند خانم فاطمه آقامحمد کارشناس ناشنوایان در روزهای ۲۷ و ۲۸ آبانماه جهت همکاری با یونیسف ( مشارکت کودکان و نوجوانان ) از ساعت ۷/۲۰ الی ۱۹ معرفی میگردند .  
خواهشمند است دستورفرمائید اقدامات لازم معمول گردد .

م/

محمد باقر جعفری نیا  
مدیرکل دفتر توانبخشی و امور اجتماعی



شماره ۸۴۵/۸۴۲  
تاریخ ۸/۲۵

۳۰۰۰ حلقه ویدئویی. همچنین قرار شد شعر قصه هم در پایان کتاب چاپ گردد. ایشان ضمن قول مساعد و اینکه این مسئله را در سال ۲۰۰۱ در برنامه های خود خواهند دید خواهش کردند خدمت حضرتعالی بگویم اگرچه سازمان بهزیستی مسئولیت نیروی کارشناسی خود را در این کار مشترک با ما قبول می کند که نمی توان برای آن مبلغی اعلام کرد مع ذلک چنانچه بهزیستی حتی مبلغ ناچیزی را به صورت مشارکت در این کار اعلام نماید «درصدی باشد» برای من قابل توجه تر خواهد بود. ضمناً ایشان گفتند گروه هایی هستند که برای کودکان زیر ۶ سال فعالیت می نمایند و قصه می گویند پیشنهاد نمودند با آنها نیز جلسه داشته باشیم و برای بهتر شدن ارائه کار مشورت نمایم بنده پذیرفتم اما خواهش کردم که بخش اول که تا این مرحله کار انجام گرفته است اجازه بدهند جلو برود چنانچه مقدور بود در این قصه لحاظ شود در غیر این صورت در کتاب های بعدی می توان از نظرات آنها نیز استفاده نمود. (البته ایشان آقای یوسفی را معرفی نمودند که مسئول بخشی از داستان های کودکان زیر ۶ سال بودند بنده با ایشان کاملاً آشنا هستم در سمینار قبلی مشترک ما با یونیسف بنده با ایشان قطعنامه پایانی را تهیه و جمع بندی نمودیم) در پایان جلسه قرار شد خانم فیوضات با خانم شیرین صحبت کنند و هزینه ما را برآورد نمایند و تا پایان آذرماه پاسخ بدهند بنده هم به ایشان گفتم نظر آقای دکتر کمالی این است که هزینه چاپ کتاب و فیلم را یونیسف بپذیرد اما نهایتاً تصمیم قطعی با ایشان است. مطالب جهت استحضار و اعلام نظر حضرتعالی در خصوص چه میزانی از هزینه ها را بهزیستی می پذیرد ایفاد می گردد. متأسفانه یونیسف با برخورد سیاسی از همکاری با ما طفره رفتند.

یکی از مشکلات نهادهای دولتی، ناتوانی آنها در استفاده از امکانات موجود در سازمان های بین المللی است: بدون این امکانات هم نمی توان مشکلات معلولان را اصلاح نمود و حلّ معضلات منوط به دسترسی به فرصت ها و امکانات بین المللی است. در این گزارش به خوبی پیدا است که آقامحمد در تلاش است این گره را بگشاید و نظر مسئولین نهادهای بین المللی را جلب کند.



## برگزاری مراسم

یکی از فعالیت های آقامحمد برنامه ریزی و برگزاری مراسم در روزهای ملی یا بین المللی معلولین است. چون آقامحمد با سیمای جمهوری اسلامی همکاری می کند از او در مراسم گروه های دیگر نیز دعوت می شود به ویژه ۱۲ آذر روز جهانی معلولین. که از سال ۷۶ تا زمانی که در بهزیستی بود همه ساله هفته جهانی ناشنوایان مراسم ویژه ای برگزار می شد که مسئولیت برنامه ریزی و برگزاری آن با آقامحمد بود.

مهم ترین این روزها، ۱۲ آذر روز جهانی معلولین است. در سند زیر معاون امور توان بخشی از آقامحمد دعوت می کند تا در جلسه ای به همین منظور شرکت کند:

عبدالحسین عربان معاون دفتر خدمات رفاهی توان بخشی در نامه ای به مدیر شبکه ۲ خانم آقامحمد را برای هماهنگی های برگزاری هفته جهانی ناشنوایان و روز نابینایان معرفی کرد.

تصویر

سرکار خانم  
جناب آقای

سلام علیکم

بمنظور بزرگداشت روز جهانی معلولین ( ۱۲ آذر ماه )  
و اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه دومین جلسه در ساعت  
۱۵ روز یکشنبه ۷۶/۸/۴ در دفتر اینجانب تشکیل میگردد.  
از حضور جنابعالی تقاضا میگردد در جلسه یاد شده شرکت  
فرمائید ۰/م

مید مجید میرخانی  
معاون امور توانبخشی

شماره ۸۴۰۶۸۴۸  
تاریخ ۷۶/۷/۲۷

آقامحمد پس از بررسی و مطالعه برنامه ریزی کرده و آن برنامه را به استحضار مدیران می رساند. در آذرماه ۱۳۷۹ گزارش او به محمد کمالی معاون توانبخشی در مورد روز جهانی معلولین این گونه است:

به استحضار می رساند در خصوص برنامه های سیما در ایام روز جهانی معلولین روز جمعه ۱۱/۹ در برنامه روی خط که تهیه کننده آن آقا سید رضی می باشند. حضرتعالی و آقای پورآذر و بنده می باید ساعت ۳۰/۳ در شبکه ۵ جام جم باشیم.

در خصوص برنامه به خانه برمی گردیم ضمن هماهنگی های انجام شده با آقای سپهری احتمالاً ساعت ۳۰/۳ روز شنبه ۱۲/۹ حضرتعالی خانم قمی، جسمی حرکتی. آقای اردشیر ایرانخواه، نابینا و خانم شعبانی، ناشنوا و بنده در شبکه ۵ جام جم.

تصویر

**جناب آقای طاهائی**

**مدیر محترم گروه اجتماعی شبکه ۲ سیما**

سلام علیکم؛

احتراماً، ضمن تشکر از مساعدت جنابعالی در هفته جهانی ناشتوایان به استحضار میرساند روز ۲۳ مهرماه مصادف با روز جهانی نابینایان، جهت ارتقاء اطلاع رسانی از مسائل اجتماعی و فرهنگی این عزیزان، جناب آقای دکتر کمالی معاونت محترم امور توانبخشی سازمان بهزیستی در راستای اهداف فوق جهت حضور در برنامه تصویر زندگی اعلام آمادگی فرموده اند. خواهشمند است دستور فرمایند اقدام لازم معمول گردد. پیشاپیش از عنایت جنابعالی سپاسگزاریم.

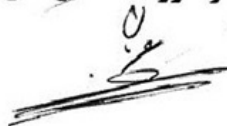
ضمناً سرکار خانم آقامحمد بعنوان نماینده این معاونت جهت هماهنگیهای لازم معرفی می شود.

شماره تماس: ۶۷۰۷۰۹۰

فاکس: ۶۷۰۱۵۵۳ - ۶۷۱۴۹۰۵

عبدالحسین عربان

معاون دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی



شماره ۸۴۴,۵۷۰۰

تاریخ ۱۳/۷/۱۳۸۰

به ندرت اتفاق می افتد، یک کارمند با دو دستگاه اداری آشنا باشد و ارتباط او با مدیران آن دو دستگاه به اندازه ای باشد که به راحتی بتواند بین آنها تفاهم و توافق و هماهنگی ایجاد نماید. در یک مقطع از تاریخ این اتفاق به وقوع پیوست و آقامحمد که سال ها در بهزیستی بود و با امور مختلف این سازمان آشنایی داشت به سیما منتقل شد و در آنجا هم توانست موفق باشد و بین مدیران دو سازمان توافق ایجاد نماید.

جناب آقای دکتر لاریجانی

ریاست محترم سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

مستحضرید، سازمان بهزیستی کشور از بدو تشکیل خود، تلاش نموده است تا خدمات توانبخشی مورد نیاز عزیزان معلول را به نحو شایسته ای ارائه نماید، در این مسیر معاونت امور توانبخشی سازمان تلاش نموده است تا همکاری و مساعدت نهادهای مختلف را جلب و به گونه ای که این همکاری بین بخشی بتواند پاسخگوی نیازهای معلولین باشد، حرکت نماید. هدف نهایی از همه این اقدامات آن است تا جامعه امکانات خود را به سمت و سوی هدایت کند که معلولین نیز بتوانند، همانند سایر افراد از موهبت و امکانات جامعه اسلامی بهره مند شوند.

ناشنوایان جامعه ما از جمله اقشاری هستند که متأسفانه تاکنون سهم اندکی از امکانات جامعه را برخوردار شده اند و در بسیاری از موارد حتی نسبت به برخی از معلولین دیگر بیشتر بازمانده اند. طرح ارائه شده در هفته جهانی ناشنوایان در سال ۷۷ که با پشتیبانی حضرتعالی در شبکه تهران ادامه یافت و توانست به شبکه دوم نیز انتقال یابد، از جمله اقدامات ارزشمند سیما جمهوری اسلامی ایران در ایجاد فرصت های مساوی برای افراد معلول در جامعه است که بدیهی است حمایت ارزنده حضرتعالی نقش مهمی در این مسیر داشته است. نامه ها و بیان حضوری ناشنوایان و خانواده های گرامی ایشان در تقدیر و تشکر از این اقدام، فراوان و وصف ناپذیر است. علاوه بر اینکه ناشنوایان و خانواده های آن از این اقدام بهره مند گردید. به طوری که ناشنوایان معتقدند به دنیای ارتباطات توانسته اند قدم بگذارند، سود بیشتر آن، در ارتقاء آگاهی فراهم کردن زمینه های تغییر نگرش مردم نسبت به ناشنوایان بوده است.

این نامه را محمد کمالی معاون توانبخشی در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۸ به رئیس سازمان صدا و سیما نوشته است.

مجدداً در ۷ تیرماه ۱۳۷۸ نامه دیگر به رئیس صدا و سیما نوشت و راه کار برای مناسب سازی سیما جهت استفاده ناشنوایان ارائه نمود.

معاون توانبخشی چهار سرفصل پیشنهاد داده که انجام آنها تأثیر ژرف و گسترده در زندگی ناشنوایان ایجاد می‌کند. تجارب حداقل دو دهه کارشناسان در این نامه به اجمال آمده است:

جناب آقای دکتر لاریجانی

ریاست محترم سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ضمن تشکر و قدردانی از اقدام ارزشمند حضرتعالی و همکاران محترمان در هفته جهانی ناشنوایان سال ۷۷ که فرصت استفاده بخشی از برنامه های سیما را برای جامعه محروم ناشنوا فراهم آورد، از نظر ما این امر مهم نه تنها نقطه عطفی در کارنامه سیما جمهوری اسلامی در عصر ارتباطات به ثبت رسانید بلکه به جرأت می‌توان مهمترین تأثیر آن را در تغییر نگرش منفی جامعه نسبت به این عزیزان محسوب کرد. همان گونه که مستحضرید حوزه معاونت امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور از تاریخ فوق با علاقه مندی افتخار همکاری با آن سازمان را داشته و در تلاش است تا با عنایت جنابعالی ضمن مصوب نمودن بخشی از برنامه های سیما که قابل استفاده برای ناشنوایان باشد آنها را نیز با استانداردهای جهانی گزینش و منطبق نماید.

در اینجا اجمالی از طرح تهیه شده توسط کارشناسان سازمان بهزیستی و سیما جمهوری اسلامی ایران که به دلیل اهمیت کاربردی می‌تواند در زمینه برنامه ریزی و تصمیم گیری های لازم کمک مؤثری باشد ارائه می‌گردد.

۱- تعیین شبکه ای مسئول برای این موضوع: «شبکه ۲ می‌تواند عهده دار این مسئولیت باشد به دلیل میزان تحت پوشش قرار دادن سراسر کشور و تجربه کسب کرده در این زمینه»

۲- اختصاص دفتری در زیر مجموعه معاونت محترم سیما برای سیاستگذاری و برنامه ریزی و گزینش درصدهایی از برنامه های شبکه های مختلف مورد نیاز جامعه ناشنوایان.

۳- گزینش بخشی از برنامه های موجود سیما و پخش آن به همراه رابط «گوینده یا مترجم زبان اشاره» با ایجاد دریچه ای در گوشه تصویر جهت قابل استفاده نمودن برای ناشنوایان که عبارتند از:

الف: بخشی از برنامه های کودکان

ب: بخشی از سرگرمی ها «فیلم سینمایی، سریال ها، مسابقات»

ج: بخشی از برنامه های اطلاع رسانی «اخبار سراسری»

۴- تلاش جهت تهیه تجهیزات لازم برای پخش بخشی از برنامه ها با زیرنویس فارسی

مستدعی است دستور فرمایند جهت نهادهایه کردن برنامه های ناشنوایان اقدام شایسته مبذول فرمایند.

ص: ۲۰۹

چنین نامه هایی بدون مطالعات و تجارب و کارشناسی آقامحمد ممکن نبود. در متن نامه هم آمده که نکات مندرج در این نامه اجمالی از طرح تهیه شده توسط کارشناسان سازمان بهزیستی و سیمای جمهوری اسلامی است.

در نامه دیگری غلامرضا انصاری رئیس سازمان بهزیستی به علی لاریجانی رئیس صدا و سیما چنین نوشته است. این نامه در ۱۲ مهرماه ۱۳۷۷ و بعد از اجرای چند پروژه تدوین و ارسال شد. بخشی از این نامه چنین است:

تأمین فرصت های مساوی برای افراد دارای ناتوانی و معلولیت در استفاده از امکانات جامعه یکی از اصلی ترین اهداف برنامه های توانبخشی در جوامع امروزی است. دسترسی معلولین به فرصت ها و امکانات موجود در جامعه جز از طریق همکاری بین بخشی و به فعل در آمدن ظرفیت های بالقوه موجود در نهادهای ملی جامعه امکان پذیر نخواهد بود.

هفته جهانی ناشنوایان در سال جاری فرصتی را فراهم آورد تا در یک همکاری مشترک با شبکه پنجم (تهران) سیما، شاهد به بار نشستن یکی از آرزوهای دیرینه ناشنوایان عزیز باشیم استفاده از تصویر رابط ناشنوایان جهت ترجمه صحبت های مجریان برنامه های تلویزیونی موجی از شادی و شمع در بین ناشنوایان تهرانی و خانواده های آنان فراهم نمود. تماس های خانواده ها و افراد ناشنوا با همکاران ما در سازمان بهزیستی، بر درخواست آنان جهت تداوم و گسترش ابعاد موضوع به شبکه های دیگر عنایت دارد.

همه این مکتوبات گویای تلاش های بسیاری است که انجام یافته، هماهنگی هایی است که بین مسئولین دو سازمان به وجود آمده و منازعات را کنار گذاشته و با بحث و گفت و گو به راه کارهای مؤثر رسیده و با همدلی و همفکری به اجرای این راه کارها پرداخته اند. ایجاد چنین هماهنگی هایی نیاز به تدبیر و صرف وقت بسیار دارد و درایت بسیار داشت و تنها از آقامحمد و همکاران صدیقشان امکان پذیر بود.

## توان افزایی

برخی افراد در محیط کارشان به تضعیف همکاران، پایین آوردن کارآیی و خلاصه از بین بردن امکانات و ظرفیت ها می پردازند ولی برخی افراد با درایت به افزایش روحیه همکاران، مهارت افزایی و بالا بردن کارآیی می پردازند و با حداقل امکانات بهترین تولیدات را ابداع می نمایند. ولی کسانی مثل آقامحمد نقش تپ دوم را ایفا کرده اند و همواره تلاش کرده اند، توان افزا باشند. اگر بخواهیم تمام خدمات او را در یک جمله خلاصه کنیم می توانیم بگوییم او همه عمرش به توان افزایی و توانبخشی ناشنوایان مشغول بوده است. این نقش او در سند زیر معرفی شده است.

در این نامه سید باقر مداح معاون پژوهشی از میرخانی معاون توانبخشی درخواست می کند که خانم آقامحمد در جلسه کارشناسان ناشنوایان به منظور ایجاد هماهنگی در فعالیت های توانبخشی ناشنوایان، آموزشی و پژوهشی آنان شرکت کنند.

آقامحمد ۱۲ بهمن ۱۳۷۹ رئوس دستورالعمل ها و سرفصل هایی که موجب توان افزایی ناشنوایان می شود را نوشته و برای معاون توانبخشی دکتر کمالی ارسال کرده است. این متن به شرح زیر است:

- هر زوج جوانی قبل از ازدواج مشاوره ژنتیکی داشته باشد به خصوص افرادی که دارای معلولیت در افراد درجه ۱ خانواده می باشند و یا اینکه ازدواج فامیلی انجام می شود مانند دخترخاله، پسرخاله و غیره

تصویر

جناب آقای دکتر میرخانی

معاونت محترم امور توان بخشی

احتراما به استحضار می رساند، دوبین جلسه کارشناسان ناشنوایان به منظور ایجاد هماهنگی در فعالیت های آموزشی، پژوهشی - کلینیکسی و توانبخشی ناشنوایان در تاریخ ۲۶/۹/۳ رأس ساعت ۸/۵ صبح در اطاق کنفرانس دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی برگزار می گردد، خواهشمند است دستور فرمائید. خانم آقامحمد کارشناس ناشنوایان آن دفتر در این جلسه حضور بهم رسانند.

سیادات مهد باقر مداح  
معاون پژوهشی

شماره ۸۰۱/۴/۵۹۴۱  
تاریخ ۷۶/۹/۳

- قبل از حاملگی بررسی وضعیت سلامت مادر از نظر سابقه بیماری خاص مانند کم خونی، تیروئید همچنین بیماری های مانند سرخجه که با واکسیناسیون قبل از بارداری مصونیت می یابند.
- محل و زمان تولد کودک با برنامه ریزی باشد، آلودگی محل تولد، مسائل مربوط به زمان تولد، مسائل مربوط به بعد از تولد
- بررسی هر چه سریع تر شنوایی، بینایی و غیره در نوزاد
- (وجود یک فرزند معلول در خانواده) به مسائل ذیل توجه شود.
- حفظ آرامش روانی
- پذیرش معلولیت فرزند توسط خانواده
- جلوگیری از احساس گناه در اولیا
- تماس سریع با مراکز توانبخشی بهزیستی «نزدیکترین مرکز به محل سکونت»
- اطمینان به راهکارهای پیشنهادی کارشناسان و به کار بستن آنها
- پشتکار و صبوری در کار توان بخشی
- آشنایی و شناخت کامل خانواده از ویژگی های آن معلولیت
- برخورد صحیح خانواده با کودک معلول در مقابل مشکلات او
- توجه فرزندان دیگر به دلیل نیاز توجه بیشتر و صرف وقت بیشتر نسبت به کودک معلول
- مسئولیت دادن فرزندان دیگر نسبت به فرزند معلول و یاری کردن او جهت استقلال

## مناسب سازی

یکی از فعالیت های آقامحمد در بهزیستی تلاش برای مناسب سازی محیط عمومی و معابر و اماکن برای معلولین و ناشنوایان بود. در سند زیر به نقش او در این زمینه اشاره شده است:

به منظور گسترش مناسب سازی معاونت توانبخشی شورای عالی داشته که یکی از اعضای آن آقامحمد بوده است. سند زیر صورت جلسه یکی از جلسات این شورا است:

صورت جلسه

صورت جلسه مورخ ۲۹/۸/۸۰ در مورد تهیه محورهای اساسی برنامه مناسب سازی اماکن عمومی به منظور اجرای ماده ۱۱، آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۹۳ قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی

«ماده ۱۱ تصویب نامه شماره ۶۹۰۰/۵/ت مورخ ۱۰/۱۲/۷۹» هیئت وزیران

«صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است نسبت به تولید و پخش برنامه های تبلیغی برای ارتقاء آگاهی عمومی در زمینه مناسب سازی اماکن عمومی برای افراد معلول اقدام نماید.»

اعضای جلسه:

آقایان

جناب آقای دکتر کمالی معاون امور توانبخشی

جناب آقای محرابیان مشاور روابط عمومی صدا و سیما

جناب آقای مهندس نورانی کارشناس دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت مسکن

تصویر



جناب آقای مجتبی اعلائی  
مدیر کل محترم روابط عمومی - زره - استانداری خراسان رضوی

سلام علیکم؛

احتراماً، پیرو جلسه حضوری کارشناس ایندفتر خانم آقامحمد با جناب آقای محرابیان مورخ ۸۰/۸/۵ در راستای تحقق اهداف نامه شماره ۱۸۳۰/۴۶۶۲/۱۱۰۰ مورخ ۸۰/۷/۲۵ در سیما، به استحضار میرساند روز سه شنبه ۸۰/۸/۲۹ ساعت ۹ صبح جلسه‌ای که با همکاری کارشناسان و صاحب نظران امر مناسب سازی اماکن عمومی در ایندفتر تشکیل می‌گردد. خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایند تا نماینده جنابعالی در این جلسه حضور بهم رسانند.

عبدالحسین عربان  
معاون دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی

شماره ۸۴۴,۷۱۵۶

تاریخ ۸۰/۸/۲۴

جناب آقای سخنگویی مشاور معاونت توانبخشی

جناب آقای عربان معاون دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی

جناب آقای دکتر ارجمند معاون دفتر امور برنامه ریزی توانبخشی

جناب آقای یوسفی کارشناس توانبخشی

جناب آقای الوند کارشناس ارشد توانبخشی مبتنی بر جامعه

جناب آقای سلامی کارشناس توانبخشی امور بهزیستی

خانم ها

سرکار خانم مهندس رستمی رئیس گروه معماری دفتر امور مهندسی و ساختمان

سرکار خانم طلوعی کارشناس امور بهزیستی (دبیر جلسه)

سرکار خانم آقامحمد کارشناس توانبخشی

پیرو دعوت دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی جلسه در تاریخ ۲۹/۸/۸۰ رأس ساعت ۹ صبح در دفتر معاونت محترم امور توانبخشی تشکیل گردید.

در این جلسه ابتدا جناب آقای دکتر کمالی بحث کلی را پیرامون تاریخچه ای از موضوع «مناسب سازی در جهان و ایران» آغاز نمودند:

بعد از جنگ جهانی دوم مناسب سازی در سطح جهان مطرح شده است و در ایران پس از جنگ تحمیلی موضوع توسط برخی از مسئولین مورد توجه جدی قرار گرفته است و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری در سال ۶۸ تدوین گردید. در حال حاضر در اکثر استان ها و در تهران در مناطق ۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ توسط شهرداری اقدامات اجرایی در حال انجام می باشد. موضوع مهم در امر مناسب سازی کمبود آگاهی مردم از توانمندی افراد دارای معلولیت و نگرش منفی نسبت به این گروه است. با توجه به اهمیت و اثر بخشی نقش صدا و سیما در فرهنگ سازی به ویژه برنامه های اجتماعی تأکید بر روی ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۹۳ قانون سوم توسعه در راستای «تساوی فرصت ها» است. مسئله مناسب سازی یک مسئله ملی از میان مسائل ملی کشور است که فقط سازمان بهزیستی را هم درگیر نمی کند.

آقای مهندس نورانی: از پیگیری مسائل مربوط به پدیده معلولیت و مناسب سازی توسط سازمان بهزیستی قدردانی نمودند. مسئله مناسب سازی در دو بخش فنی و اجتماعی مطرح است و بیشترین مشکل در بخش اجتماعی وجود دارد، مسائل فنی و معماری خیلی پیچیده نیست این موضوع به اراده و عزم جمعی نیاز دارد.

خانم مهندس رستمی: مسئله مناسب سازی مبنای حقوقی دارد و باید موضوع حقوق انسانی افراد دارای معلولیت مورد توجه قرار گیرد و توجه به ابعاد فرهنگی و اجتماعی در این زمینه حائز اهمیت است.

آقای محرابیان: پس از دریافت نامه در مورد ماده ۱۱، از واحدهای اطلاعات و برنامه ریزی مراکز استان ها درخواست شده در صورتی که اطلاعاتی در این زمینه وجود دارد اعلام شود که با بی اطلاعی در واحد اطلاعات و پاسخ های غیر روشن از مراکز صدا و سیما در استان ها مواجه شده اند. ایشان تأکید می کردند صدا و سیما یکی از دستگاه های موظف در آیین نامه است و سایر ادارات هم وظایفی دارند که باید به صدا و سیما گزارش دهند. البته می توان از برنامه هایی که نیاز به بودجه خاص ندارند استفاده نمود از جمله برنامه صبح و عصر صدا و سیما، به خانه برمی گردیم. در برنامه معارف می توان از ارزش ها و شأن حقوق و مقام انسانی سخن گفت.

آقای دکتر کمالی: آمادگی کارشناسان حوزه را برای تدوین محورهای اساسی و تخصصی برنامه ها اعلام نموده و اظهار داشتند کار اساسی ما بر تغییر نگرش جامعه متمرکز است و می توان گفت در حال حاضر نگرش ترحمی کم رنگ تر شده است.

آقای مهندس نورانی: تأیید نمودند صدا و سیما موتور محرکه است و با فعالیت جدی خود باعث حساس نمودن دستگاه ها و مسئولین نسبت به موضوع خواهد شد.

پس از گفتگو و بحث های انجام شده شرکت کنندگان تشکیل کمیته ای با حضور مدیران اجتماعی صدا و سیما و کارشناسان توانبخشی را ضروری دانستند. آقای دکتر کمالی آمادگی کامل کارشناسان حوزه را در این کمیته اعلام نمودند.

در پایان مقرر گردید جناب آقای محرابیان نسبت به تشکیل جلسه ای با شرکت مدیران گروه های اجتماعی صدا و سیما، معاونت امور توانبخشی سازمان و افراد متخصص با محوریت تشکیل کمیته مناسب سازی و تساوی فرصت ها اقدام نمایند.





در فصل اول، مبحثی با عنوان همکاری با سازمان رادیو و تلویزیون مطرح شد و به عنوان بخشی از زندگی نامه خودنوشت آقامحمد درج گردید. فصل دوم به اشتغال آقامحمد در سیما و فعالیت های او در این رسانه گزارش شد و اکنون در این فصل، نقش و کارکرد تلویزیون برای ناشنوایان و روش مناسب سازی آن برای استفاده ناشنوایان و تاریخ تحولات استفاده از آن بررسی خواهد شد.

خانم فاطمه آقامحمد در زبان اشاره تبحر داشت؛ از این رو می توانست به خوبی با ناشنوایان ارتباط برقرار کند و از طریق این رسانه اطلاع رسانی کند و نیز اطلاعات، تجارب و مهارت های ناشنوایان را با استفاده از این رسانه افزایش دهد.

برای اینکه بدانیم ایشان چگونه و به چه روشی از سیما استفاده می کرد، نخست لازم است خود این رسانه و ابعاد آن را بشناسیم. آقامحمد هم قبل از هر چیز تلاش کرد تلویزیون و ابعاد فنی آن را بشناسد و روش استفاده از آن را بیاموزد.

اگر ناشنوایان و افراد دارای دیگر معلولیت ها به شیوه علمی رسانه ملی را بشناسند و راه های استفاده از آن را بدانند، هم در اشتغال و درآمد آنان مؤثر است و هم می توانند خدمت سودمند برای هم وطنان خود داشته باشند.

متأسفانه متصدیان امور معلولین آن قدر که در زمینه های دیگر آموزش داشته، کلاس و کارگاه برپا کرده اند درباره موضوع رسانه و معلولین کاری نکرده اند. در همه شهرها هر سال کلاس ها و کارگاه های بسیار درباره معرق و آموزش معرق گذاشته اند ولی حتی یک جلسه درباره شیوه گزارش نویسی در صدا و سیما یا روش استفاده از برنامه های این رسانه برای معلولین یا چگونگی اجرای زیرنویس یا اجرای زبان اشاره هیچ آموزش و اطلاعی به معلولان داده نشده است. با اینکه اهمیت اشتغال در رسانه های اطلاع رسان و خبرگزاری ها که باعث بهره کل جامعه می شود چندین برابر نسبت به مشاغلی مثل معرق بیشتر است. در صورتی که معرق بهره شخصی دارد.

به هر حال این فصل اطلاعات کلی درباره تاریخ پیدایش و تحولات سیما و نیز شیوه اجرایی آن و روش کار معلولین با آن عرضه می کند.

تلویزیون از اختراعات بشر در سده بیستم میلادی بود که موجب تحولات ژرف در زندگی انسان شد. به همین دلیل به سرعت در کشورهای مختلف گسترش یافت و جوامع و اقشار گوناگون سعی کردند آن را در جهت اهداف خود به کار گیرند. اما به نظر می رسد تأثیر آن در زندگی ناشنوایان بیشتر بوده است و توانسته جایگزین گفتار آنان شود. همان طور که سامانه های صوتی مثل رادیو توانست جای بینایی در نابینایان را پر کند و این کمبود را جبران نماید.

### اختراع و شروع به کار

رشته اکتشافاتی که منجر به تلویزیون کنونی گردید با کشف عنصر سلنیوم در ۱۸۱۷م توسط برزلیوس آغاز شد. (۱) اما بیش از یکصد سال طول کشید که تجارب و اختراعات جدید دست به دست هم دهند تا تلویزیون کنونی عرضه گردد. بالاخره بعد از تلاش های بسیار در ۱۹۲۸م شخصی به نام زووریکین نوعی از تلویزیون الکترونیکی را به ثبت رساند. این وسیله هنوز قابلیت استفاده عمومی نداشت و طی چند دهه وسایل آن کامل تر گردید تا اینکه در ۱۹۴۵م تلویزیون قابل استفاده مردم به بازار آمد و مردم توانستند آن را به عنوان یک کالا از بازار تهیه کنند و در خانه به تماشای آن بنشینند. این وسیله به سرعت فراگیر شد و گفته می شود ظرف ۵ سال، پنج میلیون گیرنده تلویزیون در کشورهای مختلف نصب گردید. (۲)

### چگونگی عملکرد تلویزیون برای ناشنوایان

از ۱۹۴۵ که تلویزیون به بازار آمد و به تدریج بین مردم رواج یافت، ناشنوایان هم به عنوان عضوی از خانواده و بخشی از مردم، در کنار مردم به تماشا می پرداختند. البته استفاده از تلویزیون تا سال ۱۹۷۰ مخصوص قشرهای خاص از جوامع مثل اعیان و اشراف بود و هنوز عمومی نشده بود. اما از سال ۱۹۷۰ با تکمیل آنتن ها و گیرنده ها و آوردن آنها به بازار، عموم مردم از هر طبقه و گروه و شغل می توانستند این وسیله را تهیه و به تماشای آن پردازند.

ناشنوایان می توانستند تصاویر را ببینند ولی بخشی از پیام صدا است و ناشنوایان نمی توانستند صدا را بشنوند. نیز نمی توانستند در مورد ابهامات و نکاتی که پرسش دارند، پرسند و پاسخ دریافت کنند. از این رو بخش هایی از پیام های سیما برای آنان نامفهوم می ماند.

تلویزیون (سیما) پیام هایی که عرضه می کند ترکیبی از تصویر و صدا است. ناشنوایان بخش تصویر را دریافت می کنند اما در بُعد صدا لازم بود جبران شود و صدا تبدیل به نوع دیگری از دیدار گردد تا برای ناشنوا قابل فهم گردد.

ص: ۲۱۹

۱- . دائرة المعارف فارسی، ج ۱، ص ۶۶۷.

۲- . همان.

نابینایان در دیدن بُعد بینایی پیام مشکل دارند، از این رو بینایی را تبدیل به لمس یا شنیداری می کنند و نابینا به جای دیدن کلمه یا تصویر، آن را لمس می کند یا گزارشی درباره آن می شنود و با این شیوه، دریافتش از پیام تکمیل می گردد.

در مورد ناشنوایان هم با تدبیر و اختراعی لازم بود بخش شنیداری پیام تبدیل به تصویری و بینایی شود و ناشنوا با دیدن آن، دریافتش از پیام کامل گردد. کلام و صوت به سه شیوه تبدیل به تصویر قابل دیدن می شود:

۱. لفظ ← نگارش و کتبی شدن ← دیدن کلمه نوشته شده

مثال: گفتن کتاب ← نوشتن کتاب ← دیدن کلمه کتاب بر روی صفحه

۲. تبدیل مفهوم به اشاره ← اجرای اشاره با دست و سر ← دیدن اشاره اجرا شده

مثال: تبدیل مفهوم کتاب به علامت اشاره در ذهن ← اجرای اشاره کتاب ← دیدن کتاب اشاره شده

۳. عکس برداری از اشیاء ← چاپ عکس روی صفحه ← دیدن عکس

مثال: عکس گرفتن از یک کتاب ← چاپ عکس روی کاغذ ← دیدن تصویر کتاب

تلویزیون هر سه روش را می تواند استفاده کند و پیام هایی که ناشنوایان نمی توانند بشنوند، به آنها نشان دهد.

این فرایند مبتنی بر این نکته است که هر چیز مثل کتاب چند گونه یا لایه وجودی دارد.

۱. خارجی: کتابی که در قفسه کتابخانه می گذارند و مجموعه اوراق کاغذی با یک جلد و شامل نوشته ها است.

۲. لفظی: کت ا ب که به وسیله تارهای صوتی و از طریق دهان بیان می شود یا ضبط شده و توسط سامانه هایی مثل رادیو یا MP۳ بیان می شود.

۳. کتبی: کت ا ب که با خودکار و مداد روی سطحی مثل کاغذ نوشته می شود.

۴. ذهنی: تصویر از کتابی که در خارج هست و نیز تصویری از کلمه کتاب

۵. الکترونیکی: کلمه کتاب یا عکس کتاب که در تلویزیون یا در کامپیوتر هست

۶. نمادی: علامتی که در زبان اشاره دلالت به چیزی به نام کتاب دارد.

همه وضع های لفظی، کتبی، ذهنی، الکترونیکی و نمادی به واقعیتی به نام خارج ارجاع دارد. به عبارت دیگر انسان ها با هم به توافق رسیده اند که حروف کت ا ب و کلمه کتاب نشانگر و دالّ بر واقعیتی است که همان مجموعه صفحات کاغذی و جلد و شامل نوشته ها است. این واقعیت را مدلول و همه پنج نوع لفظی و ... را دالّ می نامند که با قرارداد و توافق انسان ها ایجاد می شود. حتی جامعه ناشنوایی یا نخبگان اعم از ناشنوا و شنوا (البته در عرف ضوابط خاصی دارد که فعلاً به آن نمی پردازم) نماد و علامت خاصی را مثل حالت دست ها با همراهی حرکات بدن و صورت برای کتاب در نظر می گیرند و روی آن به توافق می رسند. از این زمان به بعد همه افرادی که با هم توافق بسته اند، هر وقت این نماد را به کار بردند، دلالت بر کتاب می نماید.





متصدیان تلویزیون به این نتیجه رسیدند، با تمهیداتی می توانند تلویزیون را برای ناشنویان هم قابل استفاده کنند. اما چگونه؟

بخشی از پیام که لفظ و گفتار است و نمی شوند به دو روش تبدیل به بینایی کنند:

۱- الفاظ توسط مترجم یا رابط تبدیل به نمادهای زبان اشاره شود.

۲- الفاظ را زیرنویس کردن، به طوری که قابل مشاهده باشد.

اما در تلویزیون فرایند دیگری هم لازم است اجرا شود و کار را کمی پیچیده می کند و آن تبدیل مکتوبات به مجموعه هایی است که در تلویزیون قابل مشاهده باشد.

نوشته هایی که در تلویزیون می بینیم، ماده اش مرکب خودکار نیست بلکه از جنس الکتروسیته و الکترون است. به عبارت دیگر کارشناس مربوط نخست گفتار X را روی کاغذ با خودکار می نویسد (مکتوب) سپس تجهیزاتی آن مکتوب را تبدیل به نوشته تلویزیونی می نماید.

این فرایند کاملاً فنی و مدرن و نیاز به تجربه و دانش جدید دارد. از این رو کسانی مثل خانم آقامحمد که مسئولیت اجرای برنامه برای ناشنویان را در تلویزیون دارند، به مساعدت کارشناسان خبره نیاز دارند تا بتوانند این فرایند را به خوبی اجرا کنند. یعنی مثلاً مفهوم کتاب که خانم آقامحمد به صورت نماد اشاره، نشان می دهد، به صورت الکترونیکی روی صفحه تلویزیون توسط کارشناسان تلویزیون نشان داده می شود.

### سهم ناشنویان از تلویزیون

سهم ناشنویان از تلویزیون (۱)

رسانه های جمعی به خوبی توانسته اند جای خالی ناآگاهی را - که یکی از مسائل گریبان گیر نسل کهن بود - پر کنند. جوامع بشری نیز با استفاده از این امکانات در عصر اطلاعات موفق به بالا بردن آگاهی خود از دنیای پیرامون شدند. بسیاری از مردم با دیدن تلویزیون و شنیدن رادیو خود را در معرض آگاهی از محیط اطراف قرار می دهند و با این کار وجود خود را در جامعه تثبیت و جایگاه خود را در اجتماع پیدا می کنند.

ناشنویان نیز جزو افراد یک جامعه هستند که با توجه به نقص و مشکل شنوایی خود مجبورند تلاش بیشتری برای ورود به جامعه و تبدیل شدن به عنصری مفید بکنند و از آنجا که ورود به جامعه نیازمند بهره بردن از اطلاعات رخدادهای و اتفاقات و امکانات رفاهی مانند برنامه های سرگرم کننده و آگاهی دهنده است، این قشر از افراد جامعه خواه ناخواه از یکی از اصلی ترین امکاناتی که برای دیگر مردم در یک جامعه فراهم است محروم اند. استفاده از تلویزیون و رادیو به عنوان اصلی ترین و فراگیرترین وسایل ارتباط جمعی از جمله این امکانات است. از آنجا که رادیو اصولاً بر پایه حس شنوایی اختراع شده، این رسانه عملاً برای ناشنویان بدون استفاده است. با این حساب، تلویزیون تنها وسیله ای است که می تواند حس دیداری و با استفاده از باقی مانده شنوایی برای آنها کارکرد مثبتی ایفا کند.

اما ناگفته پیداست اگر ناشنویان نتوانند با شخصیت های اصلی سریال ها یا گویندگان اخبار و محتوای چیزی که می گویند ارتباط برقرار کنند، برنامه های تلویزیون برای آنها بی معنی و این موضوع

ص: ۲۲۱

در نهایت باعث دلزدگی آنها از این رسانه می شود. این موضوع وقتی اهمیت پیدا می کند که بدانیم تلویزیون نقش مهمی در زندگی افراد دارد و با اهمیت ندادن به ناشنوایان در استفاده از تلویزیون، عملاً این افراد را از گردونه چرخ بزرگ جامعه حذف می کنیم، اما تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در دهه ۷۰ به خواست خانواده های ناشنوایان و کارشناسان ناشنوایی توجه کرد و در برنامه های خود امکانی را ایجاد کرد تا این برنامه ها برای ناشنوایان نیز قابل استفاده شود.

در سال ۶۲ بخش تازه نفسی به نام اخبار ویژه ناشنوایان در شبکه دو سیما راه اندازی شد و چند گوینده ناشنوا از جمله آقایان رضا محمودی، محسن لوح موسوی و مرتضی پیروزی اجرای این بخش را به عهده گرفتند. غیر از خبرگویی ناشنوایان، به تدریج، رابط ها (مترجم ها) هم در تلویزیون جایگاهی پیدا کردند. اینان افراد شنوا بودند که خبر را با اشاره می فهماندند. بخش خبری در برخی مواقع تبدیل به باکس کوچکی شد که در گوشه سمت چپ تلویزیون، رابطان خبری را نشان می داد که رابط ها اخبار را برای ناشنوایان با زبان اشاره ترجمه می کردند. این گونه بود که اخبار ناشنوایان به عنوان بخش ثابت برخی از بخش های خبری در شبکه های مختلف تلویزیونی تبدیل شد.

شبکه تهران در زمان پخش سریال «روزگار جوانی» مخاطبان ناشنوا را هم در نظر گرفت و در زمان پخش این سریال، یک رابط، دیالوگ های این سریال را برای ناشنوایان معنا می کرد. این روش در چند سریال و در سال های بعد ادامه یافت، اما به دلیل عدم شناخت و آگاهی نیازهای ناشنوایان توسط مدیران وقت به مرور ادامه نیافت.

### ورود ناشنوایان به جامعه

رضا محمودی جزو اولین کسانی بود که به عنوان گوینده خبر برای ناشنوایان در بخش های مختلف مربوط به آنان در تلویزیون مشغول به کار شد. او ناشنوا و محقق و مدرس زبان اشاره ناشنوایان نیز است. محمودی اکنون در مرکز غیردولتی انجمن خانواده ناشنوایان ایران در زمینه آموزش زبان اشاره و توانبخشی ناشنوایان فعالیت می کند. فاطمه آقامحمد، سردبیر بخش خبر ناشنوایان و کارشناس این بخش بود.

محمودی درباره چگونگی شکل گیری اخبار ناشنوایان به «جام جم» گفت: فاطمه آقامحمد به عنوان کارشناس و رابط ناشنوایان و همچنین سردبیر این بخش خبری مهم ترین خبرهای هفته را جمع آوری می کند، سپس اخبار را خلاصه و با توجه به نیاز ناشنوایان، به زبان اشاره برگردان کرده و برای ناشنوا، خبرگویی اجرا و ضبط می شود و در وقت تعیین شده پخش می شود.

این بخش خبری برای بینندگان از جذابیت بالایی برخوردار است، این بخش همه گیر و هم برای شنواها و هم ناشنوایان قابل استفاده است و کارکرد بسیار مثبتی دارد. همچنین اگر به دلیلی یک ناشنوا نتواند از سایر منابع خبری هفته استفاده کند در این بخش مهم ترین خبرهای یک هفته را می بیند.

افرادی که اجرای بخش های خبری برای ناشنوایان را به عهده می گیرند نیاز به آموزش دارند و آموزش این افراد به عهده حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی و مراکز غیردولتی ویژه آموزش ناشنوایان است. انجمن خانواده ناشنوایان ایران نیز در این امر نقش مهمی ایفا می کند.

محمودی درباره ضرورت وجود بخش خبری مربوط به ناشنویان می گوید: در تمام دنیا افراد یک جامعه در کنار هم می توانند به رشد و اعتلای یک جامعه کمک کنند. پس این تکلیف به عهده مسئولان مملکتی است که با حداقل هزینه های مادی و انسانی زمینه ورود فعالانه همه اقشار جامعه از جمله ناشنویان را به اجتماع فراهم کنند. خوشبختانه با ایجاد بخش های مربوط به رابط ناشنویان در برنامه های مختلف تلویزیونی این امکان برای این قشر از جامعه پیدا شد که در کنار سایر شهروندان از برنامه های تلویزیون استفاده کنند. همچنین ترجمه اخبار مربوط به حوزه های اقتصادی، سیاسی، ورزشی و... قدم مثبتی در زمینه اعتلای آگاهی عمومی ناشنویان است. چراکه یک ناشنوا می تواند با دیدن یک بخش خبری، بخشی از نیازهای خود در حوزه های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را برطرف کند.

در بخش خبری ناشنویان، همه افراد از جمله ناشنوا و شنوا با هم همکاری می کنند و بیشتر کسانی که گوینده این بخش هستند، دارای کمبود شنوایی یا افت شنوایی هستند.

### تداخل زیرنویس سریال ها با زیرنویس های تبلیغاتی

از آنجا که اتحادیه رادیو و تلویزیون های آسیا و اقیانوسیه (ABU) و همچنین اتحادیه رادیو و تلویزیون های اروپا (EBU) بر استفاده از رابط ناشنویان و زیرنویس در تلویزیون های دولتی تأکید دارند، توجه به این بخش از برنامه های تلویزیون و نهادهای نهادینه کردن آن اهمیت بالایی دارد. در حال حاضر نیز اکثر شبکه های تلویزیونی دنیا برای برخی بخش های خبری از رابط ناشنویان استفاده می کنند، کشور ایران نیز در بین کشورهای همسایه در این زمینه پیشتاز است.

شبکه تهران نیز از جمله شبکه هایی است که برای اولین بار به این قشر از بینندگان تلویزیون توجه ویژه ای کرد. این شبکه در مقطعی، دیالوگ های تمام آثار نمایشی خود را به صورت زیرنویس برای بینندگان ناشنوا ترجمه می کرد.

علیرضا نیک اندیش، مدیر تأمین شبکه تهران در رابطه با این موضوع گفت: زمانی مسئولان بهیستی با جلسه ای که با مدیران شبکه داشتند درخواست کردند آثار نمایشی این شبکه نیز به صورتی برای ناشنویان قابل استفاده شود. ما هم دیالوگ های سریال ها را در زمان تکرار آنها به صورت زیرنویس پخش می کردیم. این موضوع بسیار مورد استقبال قرار گرفت. بسیاری از مدیران بهیستی معتقد بودند زیرنویس ها غیر از دیدنی تر کردن سریال ها برای بینندگان ناشنوا، به رشد فرهنگ مکتوب آنها نیز کمک می کند.

وی در مورد اینکه چرا این زیرنویس ها در حال حاضر برای آثار نمایشی وجود ندارد، گفت: این روش ادامه داشت، اما در مواقعی زیرنویس های سریال ها با تبلیغات و اطلاع رسانی هایی که به صورت زیرنویس به نمایش درمی آمد، تداخل پیدا می کرد و این موضوع باعث به هم ریختگی ظاهری قاب تصویر می شد. به همین دلیل از شش ماه پیش زیرنویس سریال ها و فیلم های نمایشی را متوقف کردیم، اما اگر این مشکلات رفع شود و سازمان بهیستی ضرورت و لزوم ایجاد چنین بخشی را با مدیران مطرح کند حتماً این موضوع را دوباره مورد توجه قرار می دهیم.

کارشناسان رسانه و روانشناسان جامعه، بر قدرت و تأثیر بیشتر تلویزیون در مقایسه با سایر رسانه ها تأکید می ورزند و در برخی موارد، از تلویزیون، به عنوان پر قدرت ترین رسانه نام می برند. تلویزیون از وقتی وارد زندگی معلولان شد یعنی از ۱۹۵۰ به بعد، اولاً خانواده ها به سرعت آن را پذیرفتند دوم اینکه همه شئون و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد.

با صرف نظر از اینکه عده ای به ویژه مذهبیبون مسیحی یا مسلمان یا یهودی، بر تأثیر مخرب تلویزیون اقرار و اذعان دارند، اما اکثر کارشناسان تعلیم و تربیت و جامعه شناس بر نقش سازنده تلویزیون بر معلولان به مراتب بیش از افراد سالم است، این رسانه باید افزون بر پاسخگویی خواسته های فکری و فرهنگی افراد سالم جامعه، توجه خاصی نسبت به قشر معلول داشته باشد. تا ضمن آگاهی دادن و آشنا کردن جامعه، با توانایی های معلولان، باعث ایجاد اعتماد به نفس و جلوگیری از انزوا و احساس سرباری و پوچی در وجود آنان شود. رشد و ترقی آنان را تسریع کند جامعه پذیری و رشد مدنیت و مفاهیم آنان را سرعت دهد.

با توجه به اینکه هر گروه از معلولان، دارای نیازمندی های خاص و احتمالاً متفاوت با هم هستند، لازم است نقش سازنده تلویزیون در دنیای ناشنوایان را از منظرهای مختلف ارزیابی کنیم.

در دنیای امروز، کودکان ناشنوا، در مقایسه با گذشته، با مشکلات بیشتری روبه رو هستند. این مسئله، هنگامی حادث می شود که نتوانند ارتباط میان کلام، موسیقی و تصویر را دریابند؛ زیرا قادر به یادگیری زبان و استفاده از فناوری نخواهند بود و مسلماً، با مشکلاتی که دارند، به فردی با فرهنگ اجتماعی ضعیف مبدل می شوند و از قافله ترقی و تمدن عقب می مانند.

خوشبختانه، برای پاسخ به نیازهای بینندگان ناشنوا، در کشورهای پیشرفته، فعالیت های گسترده ای صورت گرفته و نتیجه تجربیات و تحقیقات آنان نشان داده است که ناشنوایان، می خواهند غیر از تصویر، کلام برنامه های تلویزیونی را هم بفهمند. این مشکل، با گذاشتن زیرنویس و استفاده از رابط ناشنوایان (در گوشه صفحه تلویزیون) حل خواهد شد. از سوی دیگر، ناشنوایان مایل اند برنامه مخصوص به خود داشته باشند.

یرکر آندرسون<sup>(۱)</sup> رئیس پیشین فدراسیون جهانی ناشنوایان که خود نیز ناشنواست، در کنفرانس آموزش ناشنوایان دو زبانه در ۱۹۹۳ در سوئد، در این باره می گوید: «به علت بالا رفتن سطح آگاهی و تغییر نگرش عمومی جامعه نسبت به توانایی های ذهنی و جسمی ناشنوایان، امروزه همه ترجیح می دهند ناشنوایان به عنوان یک گروه اقلیت زبانی نامیده شوند، نه گروهی از معلولان»<sup>(۲)</sup>.

این ذهنیت که ناشنوایان را معلول نامیم بلکه آنان مثل قوم لر یا جامعه ترک زبان یا مردم فارس زبان یک جامعه با زبان خاص یعنی زبان اشاره اند و چون بخشی از کل کشورند، از این رو اقلیت اند.

بنابراین، برنامه های تلویزیونی درباره ناشنوایان، باید منطبق با زبان اشاره و فرهنگ آنان باشد و اخبار و مسائلی که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به آنها مربوط می شود، باید به صورت جداگانه تهیه شود.

اکنون، در بیشتر کشورهای اروپایی، مثل انگلستان، فرانسه، سوئد، فنلاند و دانمارک، برای حمایت هر چه بیشتر و بهتر از تولید برنامه های تلویزیونی ویژه ناشنوایان، استفاده از زبان اشاره، به عنوان زبان مادری ناشنوایان، در پارلمان به تصویب رسیده است.

اتحادیه اروپایی، با توجه به اهمیت و نقش تلویزیون در آگاه سازی قشر ناشنوا، هر دو سال یک بار سمیناری درباره های تلویزیونی ناشنوایان در یکی از کشورهای عضو برگزار می کند.

هدف از برگزاری این گونه سمینارها، دستیابی به نظریات نو، همکاری در توسعه، گسترش و تبادل برنامه ها و توافق در توسعه آرشو برنامه های ناشنوایان اروپایی، برای استفاده کشورهای عضو است.

تاکنون که حدود شانزده سال از زمان برگزاری اولین سمینار در سوئد (۱۹۸۹) می گذرد، نتایج مفید و پیشرفت های چشمگیری در رابطه با پاسخ به نیازهای بینندگان ناشنوا به دست آمده است.

### برنامه سازی مناسب

در آغاز کار با ناشنوایان، باید تفاوت مهم میان شنیدن و نشنیدن را درک کرد و به عمق آن پی برد. همان گونه که میان شنوایان و ناشنوایان فاصله وجود دارد، میان ناشنوایان مادرزادی و ناشنوایان عارضی نیز فاصله و تفاوت هست. به همین دلیل، تهیه یک برنامه تلویزیونی که برای هر سه گروه جالب و قابل توجه باشد، به هنر، حوصله و مهارت بسیاری نیازمند است.

بی شک، هر چه آشنایی کودک ناشنوا با قواعد و هنجارهای جامعه کمتر باشد، اهمیت آموزش و مرجعیت تلویزیون برای او بیشتر خواهد شد. ساعات تماشای تلویزیون برای کودکان و نوجوانان ناشنوا نیز بسیار مهم است؛ به ویژه اگر ناشنوا در ارتباطات اجتماعی و خانوادگی، با کمبود روبرو باشد. در این صورت او ناچار است کلیه اطلاعات و خواسته ها و آشنایی هایی را که باید از طریق همسالان و بزرگسالان در جامعه کسب کند، از تلویزیون به دست آورد.

در کشورهای پیشرفته، انتقال مطالب به ناشنوایان از طریق تلویزیون، به چهار روش صورت می گیرد: قصه گویی؛ ایفای نقش؛ بحث و مصاحبه؛ طرح و گرافیک.

برای اینکه کودکان ناشنوا همچون همسالان شنوای خود، فرصت یادگیری داشته باشند، داستان ها به زبان اشاره بازگو می شود. کودکان ناشنوا، چون از شنیدن محروم هستند، به یاری چهار حس دیگر، قطعات واقعیت را کنار هم می گذارند تا مجموعه ای راستین برای خود بسازند و از دنیا، مفهوم دیگری خلق کنند.

کارتون و پانتومیم، برای کودکان ناشنوا اهمیت بسیار دارد؛ زیرا از این طریق می توان پیام های آموزشی را به سرعت به آنان منتقل کرد.

به گفته سوکراک فورد، مشاور ناشنوایان در قاره اروپا و تهیه کننده برنامه های تلویزیونی کودکان ناشنوا در شبکه خبری بی.بی.سی، یکی از مهم ترین نکته ها در برنامه های کودکان ناشنوا، آموزش زبان اشاره به آنهاست؛ زیرا حدود نود درصد کودکان ناشنوا از والدین شنوا به دنیا می آیند که زبان اشاره را نمی دانند. در این صورت، آنها در کجا و چگونه باید اشارات استاندارد شده را بیاموزند. از طرفی، خواهر و برادر کودک ناشنوا نیز باید اشارات را فراگیرند تا بتوانند با او ارتباط برقرار کنند. توجه ویژه به روحیه کودک ناشنوا که به محض خروج از مدرسه تا روز بعد ارتباطش با اطرافیان قطع می شود، بسیار ضروری است.

مزیت و حُسن دیگر کار این است که کودکان شنوا از طریق برنامه آموزش زبان اشاره با زندگی و ویژگی های کودکان ناشنوا آشنا می شوند و ضمن تمایل به آنان، حس نوع دوستی در وجودشان تشدید می شود و این، چیزی است که جامعه ما به آن نیاز بسیار دارد.

در سمینار تلویزیونی اتحادیه اروپایی در دانمارک (۱۹۹۱) تأکید شده است که برنامه های

تلویزیونی ناشنوایان، تنها زمانی برای آنان قابل استفاده خواهد بود که خود آنها تهیه آن را بر عهده داشته باشند. به همین دلیل، تمام مراکز تلویزیونی کشورهای اروپایی موظف شده اند اقدامات لازم را برای تهیه، استفاده و بهره گیری کامل ناشنوایان از کلاس های آموزشی، با کیفیتی مشابه کلاس های شنوایان انجام دهند و آنان را برای تهیه و تولید برنامه های تلویزیونی ویژه ناشنوایان، استخدام کنند.

ناشنوایان علاقه دارند امور مربوط به جامعه خودشان، در دست خودشان باشد و دخالت دیگران را نمی پسندند. بعضی افراط در این گرایش را موجب عقب ماندگی اجتماعی آنان می دانند. زیرا امور اجتماعی فقط با اشتراک ساعی و همکاری همه اقشار امکان پذیر است و اجرای اجتماعی توسط یک گروه مثل ناشنوایان محال است.

هدفم از آوردن مطالب فوق این است که مترجم یا رابطی موفق است که به ماهیت و کارکردهای تلویزیون در زندگی ناشنوایان آگاهی داشته باشد. خانم آقامحمد چنین ویژگی داشت و علاوه بر اینکه تلویزیون را می شناخت برنامه ها را هم خوب می شناخت.

## اطلاع از برنامه ها

برنامه های تلویزیون امروزه بسیار متنوع است و مترجمان باید اطلاعات تقریباً نسبی از این برنامه ها داشته باشند.

امروزه سعی می شود آنچه را که به زندگی ناشنوا مربوط می شود و آنچه را که ناشنوایان به آن علاقه مند هستند، تهیه کنند و از تلویزیون نشان دهند؛ مسائلی مثل: وضعیت بازار کار برای ناشنوایان، وضعیت زنان ناشنوا، داستان زندگی یک ناشنوای پیر، آشنایی با یک ناشنوای موفق، بررسی مشکلات ناشنوایان در زندگی شخصی و جامعه، آموزش به والدین ناشنوا برای تربیت فرزندان خود، نمایش فعالیت های انجمن های ناشنوایان و صدها موضوع جالب دیگر.

تأثیر تلویزیون، به علت اینکه ناشنوایان بسیاری را زیر پوشش قرار می دهد و برنامه های آن استمرار دارد، مفید شناخته می شود. تنها مشکلی که در تلویزیون وجود دارد، این است که موضوعات خاصی چون انحرافات اجتماعی و یا مشکلات مربوط به ازدواج و غیره وجود دارد که درباره آنها باید برای ناشنوایان فیلم های آموزشی تهیه شود، اما این فیلم ها از طریق تلویزیون قابل پخش نیست.

برنامه های تلویزیونی باعث می شود کودکان ناشنوا، در سنین پایین، اطلاعات بسیاری کسب کنند. تلویزیون، با اجرای روش های صحیح و مناسب آموزش غیرمستقیم ضمن فیلم ها، می تواند باعث آگاهی فراوان شود.

اعتماد به نفس بالا و جرئت اظهار نظر در وجود کودک ناشنوا که ناشی از استفاده صحیح از روش های درست آموزشی است، به جایی می رسد که کودک دو ساله ناشنوا به مادر شنوای خود که

مشغول گفتن داستان بچه خرس ها برای اوست، اعتراض می کند و از اشارات دست و پا شکسته و ناقص او ایراد می گیرد.

برای پیشبرد و اصلاح برنامه های تلویزیونی، پیشنهاد می شود جلسات مشترکی بین نمایندگان ناشنوا، مراکز غیردولتی و مردمی، والدین صاحب نظر، مسئولان سازمان های بهزیستی، آموزش و پرورش استثنایی و صدا و سیما تشکیل شود که در این جلسات موضوعاتی مطرح شود، از جمله: برنامه ریزی و تدوین اهداف اصلی برنامه های تلویزیونی خاص ناشنوایان، ایجاد و گسترش فرصت های آموزشی و استخدامی برای ناشنوایان تحصیل کرده و رابطان ناشنوایان در سازمان صدا و سیما، تلاش در تغییر فرم برنامه کنونی تلویزیونی تا از حالت خبری صرف بیرون آید و به مرکز آموزشی و اطلاع رسانی ویژه ناشنوایان تبدیل شود، استفاده از آخرین پدیده های فناوری در جهت تهیه زیرنویس برای حداقل یک درصد از برنامه های ضروری تلویزیون در راستای پاسخ به نیاز بینندگان ناشنوا، اهمیت دادن به سلامت روحی ناشنوایان و سعی در کاهش فشار اجتماعی وارده بر آنان و پر کردن ساعات فراغت از طریق پخش برنامه های آموزنده، ایجاد همکاری تنگاتنگ با اولیای کودکان ناشنوا و کارشناسان و پزشکان در میزگرد تلویزیونی برای پاسخ به پرسش های تلفنی بینندگان، تلاش در ایجاد شرکت تولیدی فیلم های ویدیویی ویژه ناشنوایان با استفاده از سیاست حمایت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در ایجاد مؤسسه رسانه های تصویری و گسترش و توسعه ویدیو کلپ ها در سراسر کشور، جلب نظر دانشجویان دانشکده صدا و سیما و نیز رشته سینمای دانشگاه های هنر در جهت تهیه فیلم های مربوط به ناشنوایان برای حمایت معنوی آنان، توجه هر چه بیشتر به کودکان ناشنوا در قالب قصه خوانی و معرفی کتاب های مفید و نمایش فیلم های مستند آموزشی ویژه آنان، تلاش برای برقراری ارتباط با مراکز آرشيو برنامه های تلویزیونی ناشنوایان کشورهای پیشرفته و استفاده مفید و صحیح از تجربیات آنان و همکاری با مراکز آموزشی ناشنوایان کشورهای اسلامی در جهت تهیه فیلم های مذهبی و تشریح اطلاعات دینی برای ناشنوایان.<sup>(۱)</sup>

خانم آقامحمد معتقد است لازم است در سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، دفتری به نام دفتر ناشنوایان تأسیس شود. این دفتر کارشناسان شنوا و ناشنوا تجمع داشته و با مطالعه و هم اندیشی به برنامه ریزی پردازند و همه برنامه ها زیر نظر این دفتر تدبیر و برنامه ریزی گردد.

### زیرنویس یا برنوش

در چند دهه اخیر استفاده از توضیحات یا برگردان سخنان مندرج در برنامه های تلویزیونی در کشورهای پیشرفته رو به افزایش بوده است. زیرا ناشنوایان برای درک محتوای فیلم ها و برنامه های رسانه های تصویری به وسیله گوش و شنوایی، باید با خواندن زیرنویس ها به محتوای برنامه ها پی ببرند. دولت ها هم این ضرورت را درک کرده اند و با اعطای تسهیلات و کمک مالی به رسانه ها درصدد تعمیم این طرح برآمده اند. در امریکا، به مدیران فیلم های آموزشی و نوارهای ویدئویی که برنوش دارند وام رایگان پرداخت می شود. طرح پرداخت وام در ۱۹۵۸ تصویب شد و بودجه آن، از سوی وزارت

ص: ۲۲۷

۱- تلویزیون نوشته روزبه قهرمان، دانشنامه ناشنوایان، به کوشش محمد نوری، تهران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۱۷-۴۲۱.



آموزش و پرورش امریکا، در جهت ارتقای سطح آموزش و رفاه ناشنوایان از طریق رسانه‌ها تأمین گردید. این وزارتخانه، هزینه چندین برنامه تلویزیونی دارای برونوشت را که در برنامه‌های پخش اخبار از شبکه‌های ای بی سی، ان بی سی و سی بی اس استفاده می‌شود تأمین می‌کند. یک شرکت خصوصی برونوشت سازی این رسانه‌ها را بر عهده گرفت. این شرکت را اتحادیه دانشجویان هارتفورد و مجمع مدرسان ناشنوایان آمریکایی با هدف برونوشت سازی فیلم‌های ناشنوایان تأسیس کرد؛ اما به دلیل اینکه حجم این کار برای این شرکت کوچک، بسیار زیاد بود، کنگره امریکا، قانون عمومی ۹۰۷-۸۵ را تصویب کرد. به موجب این قانون، شرح نویسی برنامه‌های ناشنوایان که اکنون به برنامه برونوشت رسانه‌ها معروف است، یکی از خدمات دولتی محسوب شود.

کلیه برنامه‌های ویدئویی دارای برونوشت، رایگان است و خریداران برای مشاهده برونوشتها فقط به یک دستگاه رمزگشا نیاز دارند. امروزه، بیش از چهار هزار حلقه فیلم برونوشت دار در کتابخانه ناشنوایان موجود است و بیش از سیصد عنوان در سال، به این مجموعه افزوده می‌شود. این فیلم‌ها، شامل موضوعات جذاب عمومی و آموزشی است. فیلم‌های آموزشی در نوارهای ویدئویی است و شامل مواد درسی از مقطع‌های پیش دبستانی تا دانشگاهی می‌شود. نوارهای ویدئویی مورد علاقه ناشنوایان، شامل فیلم‌های کلاسیک، رمان، سرگرمی و تفریحات است.

ناشنوایان، والدین و معلمان آنان با ارسال یک درخواست از طریق پست یا شبکه اینترنت یا روش‌های دیگر می‌توانند این نوارها را به صورت امانی دریافت نمایند. یا با کمک پست الکترونیکی و شبکه اینترنت رایگان، آنها را سفارش خرید دهند. از این رو نهادهای دولتی در بسیاری از کشورهای موظف به توسعه برونوشت شده‌اند تا ناشنوایان به آسانی بتوانند با استفاده از این امکانات، دانش و مهارت‌های خود را افزایش دهند. (۱)

البته با توجه به زمان کم، برای خواندن هر خط از زیرنویس و نیز محدود بودن گنجینه لغوی ناشنوایان، برای آنان دشوار است که به سهولت از زیرنویس برنامه‌های تلویزیونی استفاده کنند. بنابراین، محدود کردن مکالمات برای ناشنوایان که نیازمند توضیحات بیشتری هستند، مشکلاتی را به دنبال می‌آورد.

تجربه نشان می‌دهد که بیشتر بینندگان ناشنوا، در تشخیص اینکه این جمله مربوط به کدام شخص و یا گوینده در تلویزیون است، دچار اشتباه می‌شوند. در دهه اخیر سعی شده است با ایجاد رنگ‌های متفاوت برای نشان دادن گفتار افراد متفاوت، کار را برای ناشنوایان آسان‌تر کنند. همچنین در زمانی که موسیقی از تلویزیون پخش می‌شود، زیرنویس به رنگ بنفش درمی‌آید تا ناشنوایان بدانند که گفت و گوی دو جانبه وجود ندارد.

ص: ۲۲۸

به طور کلی، زیرنویس برای نیمه شنوایان و کسانی که پس از زبان آموزی ناشنوا شده اند، سودمند است، نه برای ناشنوایان مادرزادی.

بنابراین، برای حل مشکل آن دسته از ناشنوایانی که نمی توانند زیرنویس را با سرعت بخوانند و موضوع را از زیرنویس دریابند، برنامه جالبی با عنوان «بررسی روزنامه ها» تهیه شده است تا واژه های مشکل، برای ناشنوایان، تفسیر و معنا گردد. (۱)

نکته مهم این است که تهیه زیرنویس برای برنامه های تلویزیونی و فیلم ها از اشتغالات پر درآمد است. اما متأسفانه به دلیل عدم تبحر خود ناشنوایان سهم آنان از این بازار اندک است. خود آنان می توانند تدبیری اندیشیده و در این بازار فعال شوند.

### استفاده از رابط

یکی از جنبه های مهم تلویزیون برای ناشنوایان، برگردان برنامه ها، فیلم ها، سریال ها و گزارش ها و اخبار به زبان اشاره است. در ایران هنوز در مورد نام کسی که پیام صوتی را به علائم و نمادهای اشاره بر می گرداند، توافق نیست. عده ای او را رابط می دانند و دیگران به شدت مخالف نام رابط هستند و می گویند نام چنین فردی مترجم است. این فرد باید توانایی ها و مهارت های متعدد داشته باشد تا بتواند در کارش موفقیت داشته باشد. غیر از آن حقوق، شأن و جایگاه اجتماعی، ارتباط با سازمان بهزیستی و سازمان صدا و سیما قابل بحث است.

رابط ناشنوایان، کسی است که افزون بر تسلط به زبان رایج در جامعه (زبان محاوره ای)، به زبان اشاره، فرهنگ جامعه ناشنوایان، تبحر لازم بر دستور زبان فارسی، توانایی خلاصه کردن جملات در زمان ترجمه، تسلط کافی داشته باشد و بتواند مطالب و موضوعات مختلف را کلمه به کلمه همزمان به زبان اشاره و یا عکس آن ترجمه کند.

فدراسیون جهانی ناشنوایان (۲)، امروزه از برنامه های زیر در کشورهای عضو این سازمان حمایت می کند: برگزاری دوره های تربیت رابط ناشنوایان، ارزیابی مهارت رابطان زبان اشاره، ایجاد شرایط قابل قبول کاری برای رابطان زبان اشاره، تنظیم قوانین کار در خصوص کنترل رابطان زبان اشاره و چگونگی پرداخت حق الزحمه آنها.

در دوره تربیت رابط ناشنوایان که حداقل دو سال است، اهمیت فراگیری زبان اشاره، کمتر از فراگیری زبان انگلیسی در رشته مترجمی زبان انگلیسی نیست.

از ۱۹۸۷ که کنگره فدراسیون جهانی ناشنوایان در فنلاند برگزار شد تا ۱۹۹۱ که تحقیق بنیادی درباره وضعیت زبان اشاره در جهان انجام گرفت، ارائه خدمات رابطی، رشد چشمگیری یافت و در بسیاری از کشورها به صورت قانون درآمد، اجرای آن اجباری شده است. اما هنوز کشورهای بسیاری،

ص: ۲۲۹

۱- همان، ص ۴۱۹-۴۲۰.

۲- (World Federation of the Deaf (WFD

از جمله ایران، هستند که ناشنویان برای رسیدن به مهم ترین و آسان ترین روش دستیابی به اطلاعات درباره خود، یعنی خدمات رابطی و استفاده از آن در تلویزیون، باید راهی بس طولانی بیمایند.

استفاده از زبان اشاره از طریق تفسیر یا نمایش مستقیم، وسیله دیگری بود که باعث شد برنامه های تلویزیونی، به ویژه برنامه های خبر محلی، برای ناشنویان قابل فهم باشد. تفسیر برنامه های خبری درسی، در ۱۹۵۹ آغاز شد و در آن زمان، جان توبرگن (۱)، که به دلیل عدم اعلان خطر برای ناشنویان در مواقع اضطراری، نگران بود، ابتدا تلویزیون زینت (۲) و بعد، ان. بی. سی. را متقاعد کرد که یک اخبار پنج دقیقه ای به زبان اشاره، راه اندازی کنند. این روال تا دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت و این قبیل برنامه ها، به طور گسترده تری پذیرفته شد. یک عامل محرک در این پذیرش، اخبار اشاره ای چهار از تلویزیون کی. آر. ا. ان. (۳) در سانفرانسیسکو بود. در این روش، اخبار به صورت مستقیم به وسیله دو گوینده خبر با نام های جین نورمن (۴) و پیتر وولف (۵) و با کمک گویندگان پشت دوربین، گفته می شد. هر صبح، برنامه ای پنج دقیقه ای پخش می شد که شامل خلاصه ای از خبرهای تازه، همراه موضوعات خاص مورد علاقه ناشنویان بود. این برنامه، به عنوان نخستین برنامه خبری که به طور مستقیم و با استفاده از زبان اشاره آمریکایی، به جای تفسیر خبر پخش می شد، جایزه امی (۶) را از آن خود کرد و باعث شد که چند تن از ناشنویان، برنامه های خبری خود را راه اندازی کنند. در لس آنجلس، گرگ بروکس (۷) با استفاده از شیوه ای مشابه، اخبار جامعه ناشنویان را در کابل تتا راه اندازی کرد و برنامه او نیز برنده جایزه می شد. در واشنگتن نیز، سینتیا سالتزمن (۸) برنامه خبری صبحگاهی را رسماً آغاز کرد و تیم مدینا (۹) نیز اخبار ارتباط کلی را افتتاح کرد. برنامه مدینا عجیب بود، زیرا در این برنامه، او هم صحبت می کرد و هم از زبان اشاره بهره می برد و همچنین، نمایش های گرافیکی و بصری را به طور مستقیم، به شیوه کلی اضافه کرد.

هنری استاک (۱۰)

نیز در پرتلند (۱۱)،

واقع در اورگان (۱۲)، برنامه خبری پنج دقیقه ای اجرا کرد. واکنش عمومی نسبت به تلاش های پیشگامانه این گویندگان اخبار ناشنویان در برنامه های تفسیر شده، در سراسر کشور افزایش یافت تا اینکه در ۱۹۷۷ نتایج یک تحقیق نشان داد که در مجموع، ۴۳ برنامه خبری در روزهای هفته به صورت تفسیر شده یا عادی پخش می شوند. به هر حال، با از بین رفتن تازگی این خبرها و افزایش اعتماد نسبت به خبرهای زیرنویس شده، تمام گویندگان اخبار ناشنویان، از برنامه حذف شدند و بسیاری از آنها، بخش های خبری را تفسیر می کردند. برنامه های

ص: ۲۳۰

۱. John Tubergen .

۲. Zenith .

۳. KRON-TV .

۴. Jane Norman .

۵. Peter Wolf .

۶. Emy Eward .

۷. Gregg Brooks .

۸. Cynthia Saltzman .

۹. Tim Medina .

۱۰. Henry Stack .

۱۱. Portland .



غیر خبری نیز با استفاده از رابطان زبان اشاره، آزمایش شدند و مشخص شد که برنامه های زیرنویس شده، محبوب تر و مقبول ترند. نمایش «مراقب کودک باش، من هم همین طور»، که برنامه ای تلویزیونی مربوط به فعالیت های کودکان بود، مورین کالینز (۱)، دانش آموز شانزده ساله ناشنوایی را نشان می داد که به عنوان رابط در گوشه ای از صفحه تلویزیون قرار داشت. برنامه های مذهبی مثل «چراغی بر سر راه من»، و «نمای نزدیک کریستوفر»، که برنامه ای گفت و شنودی و با گرایش های مسیحی بود، رابطان زبان اشاره را در گوشه ای از صفحه قرار دادند، را نشان می دهد. تفسیر یک برنامه، از زیرنویس کردن آن، کم هزینه تر است؛ اما برنامه های زیرنویس شده، برای گروه بزرگ تری از افراد، که زبان نوشتاری را کاملاً آموخته اند و کمبود یا کاهش شنوایی دارند قابل استفاده است. یا شنوا بوده ولی بر اثر حوادث مختلف شنوایی خود را از دست داده و یا برخی از آنها که هیچ گونه آشنایی با زبان اشاره ندارند، قابل فهم است.

ص: ۲۳۱

اصلی ترین ویژگی انسان ارتباطش با همنوعان است. انسان از دیگر جانداران به دلیل داشتن توانایی گفت و شنود متمایز و متفاوت است. انسان ها با یکدیگر سخن می گویند و مفاهیمی را می گویند و مفاهیمی را می شنود و از این طریق هم اندیشی بین انسان ها شکل می گیرد. تمامی پیشرفت ها، تمدن سازی ها، تحولات در جوامع انسانی مبتنی بر همین ویژگی است. اما ناشنویان چون فاقد دستگاه شنوایی و گفتار هستند از این رو توانایی انتقال پیام خود به دیگران را ندارند و از طرف دیگر پیام های دیگران را هم نمی توانند دریافت کنند. اما بشر بیکار ننشست و تلاش کرد این ضعف را جبران کند. از این رو سامانه هایی اختراع کرد که ارسال و دریافت پیام ها را برای ناشنویان آسان گرداند. یکی از این سامانه ها، تلویزیون است.

### زبان و گفتار

ارتباط کلامی از احتیاجات اصلی انسان است و برای انتقال و تبادل تجربه، امرار معاش، تفکر و خلاصه در همه ابعاد زندگی اجتماعی نیاز به گفت و شنود دارد. چون هر انسان با افراد اجتماع مشترک است و از طریق ارتباط **Communication** یکدیگر در بخش های جامعه اشتراک برقرار می کنند. ارتباط دارای دو طرف، متکلم و مخاطب (پیام دهنده و پیام گیر) است و (ارتباط نیز) به بستری احتیاج دارد تا متکلم و مخاطب، دو نفر، دو عضو، دو مجموعه و دو جامعه و... خود را برای یکدیگر بیان کنند، بدیهی است ارتباط هم به وسیله ای، راهی و بستری احتیاج دارد تا طرفین به وسیله این سیستم ارتباطی، مفاهیم ذهنی خود را در قالبی قراردادی به هم ارائه کنند، که عناصر سیستم ارتباطی نیز بایستی دارای مفهوم مشترک برای طرفین باشد تا هدف ارتباط تحقق یابد.

سیستم ارتباط را در کل، زبان (**Language**) گویند و اعم از زبان درکی - زبان بیانی - زبان شفاهی - زبان اشاره و ارتباط از طریق حالات صورت (اخم کردن و غیره) است و بشر از طریق زبان (**Language**) با اجتماع و محیط و عناصر موجود در آنها ارتباط برقرار می کند.

یکی از تقسیمات زبان (**Language**)، زبان بیانی (**Expressive Language**) است که به عبارتی به آن گفتار هم می گویند (گفتار **Speech**)، لازم به تأکید است زبان بیانی شامل گفتار موسیقایی یا آهنگین و حالات صورت می شود که یکی از شاخه های آن گفتار است که قسمت اعظم و اصلی زبان بیانی نیز به دست می آید.

و گفتار (**Speech**) عبارت از استفاده از علائمی قراردادی به صورت شفاهی برای ایجاد ارتباط با القاء مفهومی است.

از طرف دیگر اثبات شده که حافظه هر یک از حواس (شنوایی، بینایی، لامسه، چشایی و...) در یادگیری دخالت کامل و کلیدی داشته و دارد و لزوم استفاده از کلیه امکانات در آموزش و تحت بمباران همه جانبه قرار دادن در هنگام آموزش به معنی استفاده از تمام توانایی های انسان در آموزش و استفاده از کلیه حواس در ارتباط با هم، بیش از پیش مورد توجه و عنایت قرار گرفته و اثبات شد که در ارتباط به روش کلی در ناشنویان نیز اصل بر همین مطلب است و در اخبار ناشنویان هم همین روش مورد استفاده است.

که آقامحمد هم بر آن تأکید و اصرار دارد روش ارتباط کلی یعنی در اختیار گذاشتن تمام امکانات آموزشی و ارتباطی، تا ناشنوا با توجه به توانایی اش از آن برای ایجاد ارتباط بهره برد.

### روش متداول در آموزش و پرورش

اما در چند دهه اخیر در آموزش و پرورش ایران به روش لب خوانی تأکید و اصرار دارند که به دلیل اینکه در فرایند ارتباط آدمی نمی تواند مؤثر باشد، علمی نیست.

در کشور ما در رابطه با ناشنوایان دو ارگان مسئولیت دارند:

وزارت آموزش و پرورش که مسئولیت آموزش ناشنوایان را به عهده دارد و سازمان بهزیستی که مسئولیت حمایت و توانبخشی ناشنوایان را به عهده دارد.

مرحوم باغچه بان در ایران بنیان گذار مدارس مخصوص ناشنوایان بود که پس از وی نیز از طریق دختر وی همان کار دنبال شد و به تدریج کارشناسان مختلف آموزش ناشنوایان در این مدارس به طور تجربی و بعضاً آکادمیک پرورش یافته و به کار گرفته شدند. ولی شیوه آموزش ناشنوایان هیچ گاه در کشور ما مورد بررسی و مذاقه لازم قرار نگرفت و مبحث روش آموزش و یا گزینش روش ارتباط همانند بسیاری کشورهای دیگر در هاله ای از ابهام باقی ماند و در این ابهام و نابسامانی فقط ناشنوایان متضرر شدند.

پس از پیروزی انقلاب، آموزش ناشنوایان بر عهده وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت. این وزارت خانه معلوم نیست به چه دلیل شیوه متداول در جهان را کنار گذاشت و روش ارتباط شفاهی را برگزیده و در مجتمع های آموزشی ناشنوایان، دانش آموزان را مجبور به عدم استفاده از دست برای ایجاد ارتباط نمود و اصل را بر تقویت قدرت لب خوانی ناشنوایان قرار داده و بر آن پا می فشرد که این تفکر به تدریج حتی از سوی سردمداران این تفکر در ایران مورد انتقاد جدی قرار گرفت ولی در نهایت به دلیل عدم رسیدگی ارگان علمی و مطلع، روش سابق ادامه پیدا کرد. و هنوز هم وضع به همان منوال است ولی باید توجه داشت که کودکان و دانش آموزان پس از خروج از دبستان در محیط غیر آموزشی با دوستان و خانواده های خود از روش اشاره استفاده می کردند و یا اتمام دوران تحصیل، به دلیل عدم کارایی روش ارتباط شفاهی و اشکالات عدیده آن و به طور طبیعی به روش اشاره یا ایجاد ارتباط به روش کلی روی می آورند و روش شفاهی یا به عبارتی لب خوانی را غیر قابل استفاده تشخیص می دهند.

### اختلاف سازمان بهزیستی و آموزش و پرورش

سازمان بهزیستی خدمات حمایتی به ناشنوایان می دهد. مبنای کارش در ناشنوایان، ایجاد و افزایش ارتباط بر اساس "روش ارتباط کلی" است. از این رو در مقابل آموزش و پرورش قرار گرفته و بین این دو تنش هایی بوده است. و به دلیل عدم حکمیت یک ناظر آگاه و مطلع و عالم، ستیز و کارزار بین آنان همواره وجود داشته است. "روش ارتباط کلی" به این معنا است که برای گسترش ارتباط ناشنوایان، لازم است از همه امکانات همچون لب خوانی، زبان اشاره و الفبای اشاره باغچه بان و از باقیمانده شنوایی «صدا» استفاده شود. یعنی بسته به فرد و شرایط محیطی و اجتماعی، تصمیم می گیریم از چه روشی استفاده کند.

در سال های گذشته سازمان بهزیستی با تقاضای یک برنامه خبری (مخصوص ناشنوایان) از صدا و سیما و در چهار چوب اهداف خود یعنی ارائه سرویس های حمایتی، توانبخشی اقدام مناسبی انجام داده و صدا و سیما نیز این درخواست را پذیرفت و به رغم کمبودها، اقدام به تهیه و بخش برنامه خبری به صورت هفتگی نمود؛ البته با همکاری خود سازمان بهزیستی.

دفتر آموزش کودکان و دانش آموزان استثنایی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، طی دو نوبت، اول، طی نامه ای برای سازمان بهزیستی در ۱۰ دی ماه ۶۴ و بار دوم طی نامه ای خطاب به مدیرعامل صدا و سیما با امضاء وزیر محترم آموزش و پرورش در ۱۱ مهرماه ۶۶ فعالیت هایی برای تعطیلی اخبار ناشنوایان نمود.

استناد آموزش و پرورش این مطلب است که خبر ناشنوایان بر اساس روش ارتباط کلی است ولی روش آموزش و پرورش مبتنی بر ارتباط شفاهی است. از طرف دیگر مسئولیت آموزش ناشنوایان در کشور بر عهده آموزش و پرورش است. و شیوه جاری در خبر ناشنوایان با آموزش ناشنوایان مغایرت دارد.

بهزیستی از دو طریق به آموزش و پرورش پاسخ گفت:

۱- دعوت از کارشناسان آموزش و پرورش جهت بحث پیرامون درخواست آنها. و بررسی ادله و مستندات آنها.

۲- با استناد بر اینکه، این برنامه یک برنامه حمایتی، توانبخشی نه آموزشی است از این رو در قلمرو بهزیستی نه آموزش و پرورش است. و خللی به آموزش و امور آموزش و پرورش وارد نمی کند.

جلسه کارشناسان در آبان ۶۶ تشکیل شد و کارشناسان به قوت نظریه و روش صدا و سیما و ضعف نظرات آموزش و پرورش پی بردند. همان گونه که در صورت جلسه آمده علیرغم تذکر مکرر به کارشناسان آموزش و پرورش به منظور بحث پیرامون روش و ارائه دلیل برای اثبات نظریه آموزش و پرورش و یا رد نظریه و روش ارتباط در برنامه خبر ناشنوایان، ولی آنها در رابطه با محتوی برنامه و مسائل خارج از موضوع بحث و صحبت می کردند. بالاخره جلسه کارشناسان نتیجه نداد چون معلوم شد آموزش و پرورش بر اساس روش علمی کار نمی کند و اساساً در زمینه شیوه صحیح ارتباط ناشنوایان اقدام کارشناسی نداشته اند. از طرف دیگر اخبار و اطلاع رسانی برای هر قشر از جامعه یک مقوله تخصصی است و دارای پیچیدگی ها و ظرافت های خاص خودش است. این تخصص را کارشناسان صدا و سیما می دانند. از این رو اخبار ناشنوایان چون تخصصی است و آموزش و پرورش در این زمینه تخصص ندارند، حق اظهار نظر هم ندارند.

### شیوه های اجرایی در سیما

کارشناسان سیما و بهزیستی با مطالعات پیگیری بین سال های ۶۶ تا ۱۳۸۰ به این نتیجه رسیدند که می توانند سیما را برای استفاده ناشنوایان مناسب سازی کنند. مناسب سازی در سه زمینه تحقق یافت:



۱- زیرنویس (subtittling) برای فیلم‌ها و برنامه‌ها، برنامه‌ریزی برای ایجاد امکانات در این مرکز و توسعه آن در مراکز تلویزیونی ضروری است. یعنی افزودن امکانات و تربیت افراد و به خدمت گرفتن آنها لازم است.

۲- استفاده از زبان اشاره (sign language) در برنامه‌ها. این روش که اصطلاحاً رابط ناشنویان می‌نامند.

۳- برنامه‌سازی مستقل برای کودکان ناشنوا. به دلیل نیاز کودکان به برنامه‌های تربیتی و مهارت‌افزایی لازم است، برنامه‌های مستقل برای آنان ساخته شود.

زیرنویس در تلویزیون بسیاری از کشورها متداول است و در کنار آن ناشنویان نیز بهره‌مند می‌شوند ولی در ایران به دلیل پیشرفت دوبلاژ و کیفیت بسیار مطلوب برگردان متن فیلم‌های خارجی عمدتاً نیاز به زیرنویس در سیمای جمهوری اسلامی ایران احساس نشده و به تبع آن این بخش با همه اهمیت آن نه تنها در سازمان به کار گرفته نشده، بلکه به دلیل نیاز این روش به نیروی انسانی تخصصی تا حدودی زیر صفر است که امید است سازمان در جهت رفع این کمبود نیز اقدام کند. چرا که این روش (زیرنویس) (subtittling) در جهان دچار توسعه زیادی شده و خلاصه نویسی و روش‌های آن TELE TEXTE تلی تکس همچنین روش‌های به کارگیری زیرنویس از جمله مشتقات آن است.

از چه زمانی استفاده تلویزیون برای ناشنویان در ایران مطرح شد؟ و چه تحولاتی تاکنون داشته است؟ بر اساس اسناد موجود اولین خبر ناشنویان در سال ۱۳۶۲ به درخواست رئیس بهزیستی دکتر یاریگر روش و موافقت رئیس صدا و سیما محمد هاشمی در سیما راه اندازی شد. از ۶۲ به بعد هر جمعه ۱۵ دقیقه پخش شده که جوابگوی نیازهای آنان نیست. اما مهم ترین تحول اعزام هیئت ایرانی به اجلاس فدراسیون جهانی ناشنویان در سال ۱۳۶۹ به دانمارک و آشنایی این هیئت با دستاوردهای دیگر کشورها و عرصه مناسب سازی رسانه ملی برای ناشنویان بود. رخدادهای دیگر در پیشرفت سیمای ایران و مناسب سازی آن برای ناشنویان بوده که در اینجا، مهم ترین آنها گزارش می شود.

### گزارش نشست فدراسیون جهانی ناشنویان

این نشست در سال ۱۳۶۹ در دانمارک بر پا شد و موضوع آن استفاده ناشنویان از تلویزیون و چگونگی آماده سازی این رسانه برای ناشنویان بود.

این نشست با نام ناشنویان و تلویزیون (DEAFPEOPLE AND BROADCASTING) یا تلویزیون بدون مرز (TELEVISION WITHOUT FRONTIERS) در دانمارک توسط کمیته اروپایی فدراسیون جهانی ناشنویان (به اختصار E.C.R.S: European community Regional Secretariat of the federation of the deaf) برگزار شد. هیئت ایرانی با ترکیبی از یک نفر از صدا و سیما و ۴ نفر از سازمان بهزیستی کشور ضمن حضور در این سمینار به معرفی توانایی های موجود در ایران پرداختند؛ علاوه بر آن تجارب ذی قیمتی نیز کسب کردند. امید می رود با همکاری مسئولین این تجارب در جهت کمک به ناشنویان به کار گرفته شود.

اهداف این نشست عبارت بود:

- ۱- بحث و بررسی درباره برنامه سازی برای ناشنویان و انتقال دستاوردها در این زمینه
- ۲- قابل استفاده نمودن برنامه های تلویزیونی برای ناشنویان از طریق زیرنویس کردن برنامه های تلویزیونی (subtittling)
- ۳- استفاده از گوینده زبان اشاره (sicon language) در کنار تصویر اصلی در برنامه های تلویزیونی
- ۴- برنامه سازی برای کودکان ناشنوا
- ۵- بررسی روش های مختلف زیرنویس (subtittling) و استفاده از TELETEXTE
- ۶- رشد درکی و ارتباطی ناشنویان به خصوص کودکان ناشنوا با استفاده از برنامه های تلویزیونی، به خصوص داستان و تئاتر
- ۷- گسترش همکاری انجمن های ناشنویان کشورهای شرکت کننده و مراکز تولید برنامه برای ناشنویان

روش های رسیدن به اهداف فوق در چند جلسه بررسی شد. این بررسی ها و گفت ها درباره مسائل و سرفصل های زیر بود:

۱- الزام استفاده از زبان اشاره در حداقل یک درصد از تولیدات برنامه های تلویزیونی

ص: ۲۳۶

۲- به کارگیری و جلب مشارکت بیشتر ناشنویان در تهیه برنامه برای خودشان در همه سطوح (نویسندگی، تهیه کنندگی، بازیگری، مدیریت و...)

۳- ضرورت استفاده از زیرنویس (subtittling) در حداقل ده درصد برنامه های تهیه شده در تلویزیون ها تا سال ۲۰۰۰

۴- بررسی روش های مختلف خلاصه نویسی (CLOSED) برای زیرنویس فیلم ها و کم خرج تر و قابل حصول تر کردن استفاده از زیرنویس همچنین سعی در زیرنویس کردن همزمان یا زنده برنامه ها

۵- استفاده بیشتر از تلویزیون به عنوان وسیله مؤثر در رشد فرایند تعلیم و تربیت و رشد اجتماعی ناشنویان خردسال و کودک

۶- الزام تهیه یک برنامه تلویزیونی در هفته برای کودکان ناشنوا که در آن از زبان اشاره طبیعی یا مادرزادی (Indigenous sign language) استفاده شود.

۷- همکاری کشورها برای تحقیق و بررسی در مورد مؤثرترین راه برای استفاده از زبان اشاره در برنامه های تلویزیونی کودکان

۸- همکاری کشورها در جهت یافتن معیار و ضوابط استاندارد برای زیرنویس از نظر محل قرار گرفتن نوشته و اندازه آن (به دلیل نقشی که می تواند در به هم زدن تمرکز ناشنوا (بیننده) و یا معطوف کردن توجه او داشته باشد.

۹- نقش رابط (interpreter) در برنامه ها و اجتماعات ناشنویان و ضرورت جدی توجه به تربیت رابط و مراکز تربیت رابط

این سمینار از نظر تبادل اطلاعات و نظرات کارشناسان و دستیابی به دیدگاه های به روز درباره جایگاه تلویزیون در تعلیم و تربیت ناشنویان، نیازها و امکانات و تجهیزات در استفاده از تلویزیون بسیار مفید بود و شرکت کنندگان راضی بودند.

### وضعیت کشورهای اروپایی

کشورهای مختلف جهان با تهیه برنامه های تلویزیونی برای ناشنویان درصدد مهارت افزایی و توان افزایی ناشنویان هستند تا این جمعیت را تبدیل به افراد کارآمد و فعال در جامعه نمایند. برای تهیه این برنامه ها، تلویزیون بهترین وسیله برای توسعه آگاهی های این قشر از افراد جامعه و انتقال تجارب به آنها است. اینها نوعی خدمات حمایتی - آموزشی برای ناشنویان است. کشورهای مختلف جهان با برخورداری از درجات مختلف توسعه اقتصادی و فرهنگی، خدمات متفاوتی از این نوع به ناشنویان خود ارائه می کنند. در ایران قبلاً برنامه ای برای کودکان ناشنوا به شکل جُنگک تهیه می شد و اکنون یک برنامه هفتگی خبری تنها برنامه تلویزیونی در کشور برای ناشنویان است. اما کشورهای اروپایی علاوه بر تهیه برنامه های خبری هفتگی، برنامه های متنوع با استفاده از زبان اشاره (sign language) هم دارند؛ مثل تئاتر، آموزش، داستان، گفت و گو همچنین با زیرنویس کردن (subtittling) تعدادی از برنامه ها خدمات دیگری به ناشنویان می دهند. نتیجه این برنامه ها، گسترش مشارکت اجتماعی معلولین و عادی کردن آنان از نظر رشد و توسعه (development) آگاهی ها و در نهایت حمایت مناسب از این قشر است. برخی از کشورها از جمله دانمارک، علاوه بر این اقدامات، اقدام به تأسیس یک مرکز ویدیویی به منظور برنامه سازی برای ناشنویان کرده و برنامه های آموزشی، فرهنگی، تربیتی، تفریحی و غیره برای سنین مختلف ناشنوا را روی CD یا MP۳ یا

کاست، تکثیر و برای اعضاء جامعه ناشنویان دانمارک می فرستد. نیز ناشنویان دانمارک هر نیازی داشته باشند به این مرکز اعلام می کنند و این مرکز رایگان در اختیارشان قرار می دهد. مثلاً فیلمی یا برنامه آموزشی یا کاست تفریحی می خواهند، با ارسال درخواست خود، نیازشان تأمین می گردد.

دانمارک با جمعیت ۵ میلیون نفری و درآمد سرانه بسیار بالا از جمله کشورهای ممتاز در ارائه سرویس تأمین اجتماعی به مردم خود است و در جهت حمایت جامعه ناشنوی خود نیز جداً گوی سبقت رفته و در اروپا مثال زدنی است. اکثر کشورهای اروپایی از نظر امکانات و روش تولید برنامه به دانمارک غبطه می خورند. هر چند مقایسه خود با دانمارک فی نفسه صحیح و منطقی نیست ولی در برنامه ریزی و استفاده از تجارب باید گفت که لازم و ضروری است، روش ها آنجا به عنوان الگو اخذ و در دیگر کشورها اجرا شود. به ویژه برای کودکان و خردسالانی که هنوز در خانه اند، اقدامات خوبی انجام داده و از این زمان به عنوان دوره طلایی برای رشد و پیشرفت آنان استفاده کرده است. یعنی کودکان ناشنوا در خانه از طریق برنامه های تلویزیونی تربیت شده و آماده می شوند تا به جامعه وارد شوند.

### تأثیر در ایران

این نشست نقطه عطفی در تاریخ سیما در ایران بود و تأثیر بسیاری گذاشت. گروه اعزامی گزارش های سودمندی تهیه کرده بودند و دستاوردهای دیگر کشورها و پیشرفت ها را به داخل انتقال دادند.

خدمات عرضه شده برای ناشنویان رایگان است. ممکن است بعضی نسبت به هزینه های این اقدامات اشکال داشته باشند، اما اگر تأثیر این اقدامات در پیشگیری و نیز در افزایش مهارت و در نتیجه گسترش مشارکت اجتماعی افراد، در نظر گرفته شود، هزینه هایی که دولت برای پروژه های رایگان انجام می دهد بسیار کمتر است از هزینه هایی که برای حمایت از ناشنویان انجام می دهد.

در این نشست سه نفر از سازمان بهزیستی، یک نفر از صدا و سیما حضور داشتند و تماماً از افراد خبره و با تجربه در امور ناشنویان ایران بودند. آنان توانستند ایران را به خوبی معرفی کنند و از تجارب بیان شده در نشست درس آموزی نمایند.

### چگونگی اجرای برنامه های ویژه ناشنویان

#### اشاره

پس از چند سال تولید برنامه برای ناشنویان در سیمای ایران، در سال ۱۳۷۷ طرحی توسط محمدباقر جعفری نیا و فاطمه آقامحمد به منظور سامان دهی به اجرای برنامه های ناشنویان تدوین و به معاونت توانبخشی عرضه شد. این طرح در سامان دهی به وضعیت موجود مؤثر بود و یکی از عوامل در تاریخ تحولات سیمای ناشنویان ایران است.

#### مشکلات

از آنجا که در ایران هیچ گاه به شکل علمی معلولیت ها در سرشماری ها لحاظ نشده اند، لذا آمار دقیقی از جمعیت ناشنویان و نیمه شنویان در کشور وجود ندارد و به دلیل تهیه آمار سال ۱۳۷۵ به شکل خانواری، متأسفانه امکان دستیابی به آمار مربوط به شمار معلولین کشور از یک سو و تفکیک آنها از جمله ناشنویان و نیمه شنویان از سوی دیگر ممکن نیست.

ولی آنچه در تخمین می توان اعلام کرد شمار ناشنویان کشور باید در حدود یکصد و پنجاه هزار نفر و نیمه شنویان در حدود دو برابر این تعداد است و جمعیت نیازمند خدمات رسانی در این مقوله "ناشنویان و نیمه شنویان" در حدود چهارصد هزار تا چهارصد و پنجاه هزار نفر می باشد. از آنجا که



معلولیت شنوایی پنهان است تعداد افراد با اختلالات شنوایی بیشتر از آمار ارائه شده و به صورت تقریبی است.

گفتنی است از آنجا که نیمه شنوایان نیز در فرکانس های شنوایی و درک کلمات شنیده شده دچار مشکل هستند، لذا در ارائه خدمات توانبخشی **rehabilitation services** به شکل عام تفاوتی بین ناشنوایان و نیمه شنوایان وجود ندارد.

تفاوتی که در ارائه خدمات وجود دارد، مقدار کمکی است که به خصوص در سطوح آموزش ابتدایی و پایه باید به شکل فراگیر صورت گیرد:

در همین راستا یعنی خدمات رسانی به ناشنوایان و نیمه شنوایان و به خصوص در سطح بین المللی این امر کاملاً پذیرفته شده و مورد عنایت است که رسانه تلویزیون (سیما) برای این گروه، رسانه کاملاً ویژه است و ضرورت دارد از طریق سیما در بسط و گسترش اطلاع رسانی اقدامات ویژه انجام داد و باید حداقل درصدی از برنامه های تلویزیون های کشورهای مختلف به طریقی ارائه شود که قابل استفاده برای ناشنوایان و نیمه شنوایان نیز باشد.

این مسئله یعنی ملزم شدن تلویزیون های کشورهای مختلف به ارائه این خدمات، در اجلاس های اتحادیه رادیو تلویزیون های اروپا **E.B.U** و اجلاس های اتحادیه رادیو تلویزیون های آسیایی **A.B.U** لحاظ شده و مورد تأکید قرار گرفته است.

## دو روش

مجهز شدن برنامه ارائه شده از طریق تلویزیون به دو شکل ممکن است (همچنان که تلویزیون های کشورهای مختلف نیز از این دو طریق اقدام می نمایند)

الف= ارائه برنامه به همراه رابط (گوینده زبان اشاره)

ب= ارائه برنامه به همراه زیرنویس (**subtittling**)

ارائه برنامه به همراه رابط، مبنایی تر و فراگیرتر و کم هزینه تر است. به این معنی که از این روش، با کودکان، نوجوانان، سالخوردهگان و یا کم سوادان و بی سوادان، ناشنوا و کم شنوا همه می توانند از آن استفاده کنند در حالی که زیرنویس پرهزینه تر است و برای استفاده از آن علاوه بر لزوم داشتن سواد باید سواد خواندن و درک مطلب ناشنوا در حد مطلوبی باشد اگرچه در کل زیرنویس مناسب تر خواهد بود.

در شمارش امتیازات ارائه برنامه از طریق رابط، باید به نکته بسیار مهم و تخصصی دیگر اشاره کرد و آن اینکه در این روش به نوعی بسیار فراگیر و جالب و کارآمد، فرهنگ شفاهی و کلامی رایج در گفتار مردم نیز به ناشنوا و کم شنوا منتقل می شود و به مرور با مسلط شدن ناشنوا به خصوصیات فرهنگ شفاهی و کلامی جامعه، قدرت لب خوانی ناشنوا نیز به شدت تقویت می شود.

## شبکه مسئول

از آنجا که در تلویزیون های کشورها ارائه تمامی برنامه ها با استفاده از رابط و یا زیرنویس برای ناشنوایان ممکن نیست در کشورهای مختلف در گزینش شبکه مسئول برای ارائه این خدمات، سعی می شود شبکه های سراسری و دیگری یک بخش خبری مشروح در شبکه های سراسری.

در شبکه های سراسری دو بخش اهمیت ویژه خواهد داشت.

الف: درصدی از برنامه کودک شبکه سراسری

ص: ۲۳۹



ب: یک بخش خبر مشروح در شبکه سراسری

ولی آنچه در عمل امکان پذیر می نماید و بسیار مفید خواهد بود، شناسایی یک شبکه خاص برای احاله مسئولیت است که در این راستا پیشنهاد کارشناسان سازمان بهزیستی، شبکه دوم سیما از بین شبکه های مختلف سیما است. زیرا این شبکه فراگیر است و ضمناً حساسیت کمتری نسبت به شبکه اول دارد.

اگر چه باز ضرورت تجهیز کردن درصدی از برنامه های کودک شبکه سراسری به زیرنویس و رابط، یادآوری و تأکید می شود.

حال مسئولیت سیاست گذاری و انتخاب برنامه هایی که از اولویت برخوردار است را چنین باید برشمرد

۱- برنامه کودک

۲- برنامه های اطلاع رسانی (خانواده و...)

۳- سرگرمی ها و فیلم های سینمایی و سریال ها

۴- حداقل یک بخش خبری مشروح

۵- پخش برنامه نماز جمعه با رابط

### پیشهادات

در سیمای جمهوری اسلامی ایران، به دلیل امکانات موجود، پیشنهادهای ذیل به راحتی قابل دست یابی است.

الف: گزینش شبکه دوم سیما به عنوان شبکه مسئول

ب: اولویت تجهیز کردن پخش سیما به رابط

بدین معنی که برنامه ها به شکل عادی تهیه شده و فقط گوینده رابط به شکل "مدالیوم" در پخش و به شکل زنده روی تصویر باز شود که این روش قابل حصول ترین راه در کوتاه مدت خواهد بود چرا که دست اندازی به جریان تولید برنامه و به عبارت دیگر تزریق گوینده رابط به برنامه در مرحله تولید عملاً هزینه های تولید را به شدت افزایش داده و در بسیاری از موارد همچون سکان های متحرک امکان پذیر نیست.

ج: تلاش برای پخش برخی از برنامه های سرگرمی به همراه زیرنویس، البته به تدریج

تذکر مهم: مسلماً زیرنویسی که برای ناشنویان استفاده می شود با زیرنویس عادی که هم اینک در برخی فیلم ها رایج است، متفاوت است و زیرنویس برای ناشنویان باید با رعایت مخاطب و با همکاری کارشناسان مربوطه انجام شود. به خصوص که مرحله ترجمه کلام و خلاصه کردن مهم است.

د: الزام یکی از بخش های خبر مشروح در یکی از شبکه ها به استفاده از گوینده رابط.

پیشنهاد کارشناسان سازمان بهزیستی و خبر صدا و سیما بر این است که در شبکه های یک و دو، به دلیل تنش موجود و حساسیت اضافی در استودیو و اطاق فرمان انجام این امر در حال حاضر ممکن نیست و مسلماً ارائه موفق کار را تحت تأثیر قرار خواهد داد.



خبر شبکه سوم نیز تنها خبر ورزشی است و شبکه پنجم نیز اولاً پوشش محدود تهرانی دارد و در درجه دوم خبر این شبکه به نوعی به وقایع تهران عنایت بیشتری دارد.

لذا در نهایت باید خبر شبکه چهار سیما (ساعت ۲۰) را مناسب ترین بخش عنوان کرد.

## گزارش آقامحمد و پیشرفت ها

به تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۷۷ آقامحمد گزارشی درباره اجرای برنامه برای ناشنوایان خطاب به معاون توانبخشی دکتر کمالی می نویسد:

همان گونه که مستحضربید در هفته جهانی ناشنوایان برای اولین بار در جمهوری اسلامی ایران برنامه های سیمای شبکه ۵ در روز جمعه ۳/۷/۷۷ مصادف با روز ناشنوایان در ایران و اخبار ساعت ۲۰ شبکه ۴ در هفته جهانی با رابط ناشنوایان برای این عزیزان پخش گردید.

جنابعالی کاملاً اشراف دارید که در جهان سال هاست برنامه اخبار با رابط برای ناشنوایان پخش می شود که در کشورهای همسایه نیز قدمت دیرینه دارد. اما برای اولین بار در جهان است که سریال و مسابقه با رابط برای ناشنوایان پخش می گردد و کشور عزیز ما ایران بنیان گذار چنین روشی در جهان می باشد.

با بررسی ها و تحقیقی که از عزیزان ناشنوا به دست آمده همه آنها از اجرای این برنامه بسیار خرسند و همچنین اظهار می دارند برایشان کاملاً قابل درک و استفاده می باشد و دقیقاً در جریان سریال و مسابقه قرار می گیرند.

معاون در کنار گزارش او نوشته است: آنچه رخ داد حاصل زحمات همه دست اندرکاران بوده ولی شما بار اصلی را بر دوش کشیده بوده اید.

نیز کمالی معاون توانبخشی در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۸ به رئیس صدا و سیما (علی لاریجانی) نامه ای تشکر آمیز در مورد پخش برنامه ناشنوایان در سال ۱۳۷۷ نوشت که در بخشی از آن آمده است:

ناشنوایان جامعه ما از جمله اقشاری هستند که متأسفانه تاکنون سهم اندکی از امکانات جامعه را برخوردار شده اند و در بسیاری از موارد حتی نسبت به برخی از معلولین دیگر بیشتر بازمانده اند. طرح ارائه شده در هفته جهانی ناشنوایان در سال ۷۷ که با پشتیبانی حضرتعالی در شبکه تهران ادامه یافت و توانست به شبکه دوم نیز انتقال یابد. از جمله اقدامات ارزشمند سیمای جمهوری اسلامی ایران در ایجاد فرصت های مساوی برای افراد معلول در جامعه است که بدیهی است حمایت ارزنده حضرتعالی نقش مهمی در این مسیر داشته است. نامه ها و بیان حضوری ناشنوایان و خانواده های گرامی ایشان در تقدیر و تشکر از این اقدام، فراوان و وصف ناپذیر است. علاوه بر اینکه ناشنوایان و خانواده های آن از این اقدام بهره مند گردید، به

طوری که ناشنویان معتقدند به دنیای ارتباطات توانسته اند قدم بگذارند. سود بیشتر آن، در ارتقاء آگاهی فراهم کردن زمینه های تغییر نگرش مردم نسبت به ناشنویان بوده است.

## مناسب سازی اماکن

یکی از پیشرفت های دیگر در سیما، اهتمام به مناسب سازی اماکن بوده است. این موضوع از سال ۱۳۷۹ در سیما مطرح شد. زیرا در آن زمان هیئت دولت مصوبه ای دال بر ضرورت مناسب سازی اماکن عمومی و معابر در همه شهرها تصویب کرده بود و از همه از جمله سیما خواسته شده بود با جدیت مناسب سازی را به شکل یک فرهنگ در عموم اقشار مردم مطرح و فرهنگ سازی کنند. زیرا فقط با مناسب سازی است که معلولان می توانند در جامعه حضور و مشارکت پیدا کنند و همچنین با توجه به سالمند شدن جامعه عادی در آینده نزدیک، توجه به مناسب سازی اهمیت خاصی پیدا می کند.

محمد کمالی معاون توان بخشی در ۳ مهرماه ۱۳۸۰ در نامه ای به علی لاریجانی رئیس صدا و سیما خواستار پخش برنامه های تبلیغی و آگاهی بخش در زمینه مناسب سازی شد. در بخشی از این نامه آمده است:

حوزه معاونت امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور با علاقه مندی افتخار همکاری با آن سازمان را داشته و در راستای این همکاری و با عنایت به تصویب نامه هیئت وزیران با شماره ۵۶۹۰۰/ت/۲۳۹۴۲- مورخ ۱۰/۱۲/۷۹ (آیین نامه پیوست) که در ماده ۱۱ آن صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف به تولید و پخش برنامه های تبلیغی برای ارتقای آگاهی عمومی در زمینه مناسب سازی اماکن عمومی برای افراد معلول گردیده است، استدعا دارد تا با دستور مؤکد حضرتعالی زمینه برای ارتقاء کیفیت اطلاع رسانی مناسب در این باره فراهم گردد. مزید امتنان خواهد بود دستور فرمایند از تصمیمات متخذه این حوزه را نیز مطلع نمایند.

رئیس سازمان صدا و سیما در پی مصوبه دولت به بخش های آن سازمان ابلاغ کرده که باید در زمینه مناسب سازی فعال شوند. مجتبی اعلائی مدیر روابط عمومی صدا و سیما خطاب به همه معاونت ها در زمینه دستور ریاست سازمان در زمینه اقدامات رسانه ای در ارتباط با جامعه ناشنویان ابلاغ زیر را در مهرماه ۱۳۸۰ ارسال کرد:

به پیوست تصویر نامه شماره ۵۳۷۱/۸۴۰ مورخ ۳/۷/۸۰ معاون محترم امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور و تصویر نامه مورخ ۱۰/۱۲/۷۹ هیئت وزیران متضمن دستور ریاست محترم سازمان مبنی بر جمع آوری و تدوین گزارش اقدامات تبلیغی صدا و سیما در اجرای ماده ۱۱ تصویب نامه ایفاد می شود.

موجب تشکر است مقرر فرمایید گزارش مورد نظر از اقدامات حوزه مربوط و فعالیت هایی که در این خصوص در مراکز استان ها صورت پذیرفته است در اسرع وقت به این امور اعلام شود.

(صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است نسبت به تولید و پخش برنامه های تبلیغی برای ارتقاء آگاهی عمومی در زمینه مناسب سازی اماکن عمومی برای افراد معلول اقدام نماید.)

اما این برنامه ها در سال های بعد تداوم نداشته یا بسیار محدود اجرا شده است.

## تحولات سیما در دهه های اخیر

### اشاره

در گزارشی که در شهریور ۱۳۷۹ کارشناسان بهزیستی برای دکتر انصاری رئیس سازمان بهزیستی نوشته اند تاریخ تحولات برنامه های سیمای ناشنوایی را این گونه گزارش داده اند.

با تلاش های فاطمه آقامحمد و محمدباقر جعفری نیا برنامه های سیما برای ناشنوایان با تحول و پیشرفت همراه بوده است. پخش برنامه های ناشنوایان از دیرباز به شکل مُقَطَّع و مَقْطَعی در آدوار مختلف در شبکه های مختلف سیما پخش شده است ولی به شکل تثبیت شده از سال ۶۲ با درخواست سازمان بهزیستی (دکتر یاریگر روش) و موافقت ریاست وقت سازمان صدا و سیما (آقای محمد هاشمی) یک برنامه خبری ۱۵ دقیقه ای در هر هفته ضبط و پخش شد که کماکان نیز تداوم دارد.

این برنامه اگرچه به شکل خاص هیچ یک از نیازهای این قشر را جوابگو نبود ولی به دلیل اشغال بخشی از کنداکتور (برنامه ها روزانه) شبکه دو، هویت این خواست را بیش از پیش به رُخ کشید و این حق را معرفی کرد و آن حق ناشنوایان در استفاده از برنامه های سیما بود.

و در گام بعدی از سال ۷۷ به لطف حق و همکاری کارشناسان و مدیران سیما و پیگیری ها و حمایت های معاونت محترم توان بخشی سازمان و حضرتعالی، شبکه های سیما همزمان با هفته ناشنوایان عنایت ویژه ای را به این نیاز و خواست و هدف حمایتی توانبخشی ابراز داشتند که این عنایت با گسترش کمی و کیفی، هم اکنون یک برنامه ویژه و متنوع خانواده را از شبکه دو سیما - یک بخش خبری از شبکه خبر سیما (ساعت ۱۸) دو برنامه نمایشی و سرگرمی در هر هفته از شبکه پنج سیما - یک فیلم سینمایی جمعه در هر ماه از شبکه پنج و یک فیلم سینمایی پنجشنبه در هر ماه از شبکه دو سیما، شامل می شوند.

این برنامه ها هنوز انطباق دقیق با اهداف تعیین شده برای آنها ندارد ولی طیف نسبتاً وسیعی از برنامه ها را در برمی گیرد.

### خط مشی

هدف و خط مشی کارشناسان بهزیستی و سیما این است که سیما را به گونه ای مناسب سازی کنند که ناشنوایان به راحتی بتوانند از برنامه های سیما استفاده کنند.

- نهادینه کردن این کار در درون سازمان صدا و سیما

- سیاست گذاری برای گزینش برنامه ها با توجه به نیازهای ناشنوایان، همچنین تعریف ضوابط فنی لازم و مورد نیاز در پخش این برنامه هاست که با توجه به زمینه پذیرش این درخواست ها در صدا و سیما اقدام شده و خواهد شد.

تجربه و سیاست راهبردی ایجاد می کند، متغیرهای داخل سازمان صدا و سیما را بشناسیم و پس از شناخت این متغیرها، اقدام به موقع و مقتضی در تولید برنامه را داشته باشیم.

## اقدامات بهزیستی

همچنین به شکل محوری اصول مورد تأکید در معاونت توانبخشی برای این اقدام به شرح ذیل قابل شمارش است.

۱- درخواست سازمان بهزیستی از صدا و سیما در این برنامه تنها مجهز کردن بخش کوچکی از برنامه های شبکه های مختلف سیما به روش و امکاناتی است که ناشنویان نیز به عنوان جزئی (اگر چه کوچک) از مردم این کشور بتوانند از آن برنامه ها استفاده کنند.

۲- سازمان بهزیستی در این اقدام به هیچ وجه درخواست اختصاص برنامه مستقل برای ناشنویان را ندارد (ولی حاضر به همکاری کارشناسی در تهیه این نوع برنامه ها نیز هست).

۳- سازمان بهزیستی به عنوان مسئول ارائه خدمات حمایتی توانبخشی به معلولین کشور (از طریق جلب همکاری وزارت خانه ها - سازمان ها - ادارات - نهادها - شخصیت ها و...) ارائه این خدمت را از سازمان صدا و سیما درخواست نموده و آن را یک اقدام حمایتی توانبخشی می داند و نه آموزشی.

۴- اهداف در نظر گرفته شده در ارائه این خدمت نیز تمامی اقشار در سنین مختلف ناشنویان را در برمی گیرد.

۵- بخش کارشناسی معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی ارائه این خدمت را به ناشنویان از طریق پخش بخشی از برنامه های سیما به همراه رابط ناشنویان (interpret) و یا زیرنویس کردن (subtitling) محدودی از فیلم ها و سریال هاست.

## نظریه کارشناسی

بر اساس اقتضائات موجود، کارشناسی برنامه های سیما در معاونت توانبخشی اعلام می نماید که به دلیل سطح پایین سواد ناشنویان و مشکلات موجود در زیرنویس کردن برنامه ها و مشکلات کارشناسی درک مطالب نوشته شده برای ناشنویان در برنامه سازی و تولید برنامه باید به نکات زیر توجه شود:

۱- جهت درک مفاهیم هرچه بیشتر کلمات

۲- تسلط به فرهنگ گفتاری جامعه

۳- ایجاد مهارت در لب خوانی

۴- ایجاد مهارت جهت گفتار خوانی، با استفاده از رابط را اولویت اول و بسیار مهم خود می داند و در همین راستا از روش ارتباط کلی:

۱- استفاده از باقیمانده شنوایی (صدا)

۲- زبان اشاره (اشاره مادرزادی، اشاره قراردادی، الفبای دستی، الفبای گویا)

۳- القای مطلب از طریق: (حالات و تغییرات چهره، حالات و چگونگی بیان اشاره)

۴- گفتار و غیره

## ضرورت‌ها و نیازها

### اشاره

به منظور گسترش برنامه‌های سیما برای ناشنوایان لازم است سازمان بهزیستی این نیازها را تأمین کند:

ص: ۲۴۴

۱- تأمین یک اعتبار یکصد میلیون ریالی تحت اختیار معاونت محترم توان بخشی سازمان، به منظور هزینه کردن در این بخش به نظر و امضای معاونت محترم توان بخشی.

۲- الزام کلیه ادارات کل استان ها و ستاد سازمان به اینکه مسائل مربوط به ناشنوایان و سیما را قطعاً با بخش کارشناسی این برنامه و اصول و اهداف حاکم بر این برنامه که در بالا به آنها اشاره شد، هماهنگ نمایند.

۳- طراحی یک بخش مستقل تحت نظر معاونت محترم توان بخشی سازمان به منظور پیش برد و برنامه ریزی این اقدام (این بخش می تواند به شکل موقت تعریف شود تا در صورت موفقیت کارشناسان سازمان به نهادهای مربوطه اقدام در صدا و سیما، وظایف این بخش در همان تشکیلات جایگزین شود).

۴- حمایت بیشتر در همه ابعاد از این برنامه به خصوص پشتیبانی از طریق ریاست و معاونت توانبخشی سازمان

۵- اختصاص سه نیرو و یا به عبارتی تأمین سه نیروی کارشناسی برای استفاده در این برنامه (هم اکنون خانم ها آقامحمد و غلامی در این بخش به شکل نیمه وقت فعال هستند و تنها صدور یک مجوز استخدام دیگر تکافو خواهد کرد).

### **نقش آقامحمد**

بدون اغراق باید تأکید کرد که تلاش بی وقفه، علاقه مندی، تسلط به زبان اشاره و نیازهای ناشنوایان و حس همکاری و معاضدت سرکار خانم آقامحمد در موفقیت این اقدام اخیر در سیما، بسیار کارساز و دارای نقش محوری بوده است و از آنجا که نامبرده هم اکنون به شکل شرکتی با سازمان همکاری دارد، معاونت توان بخشی به دلیل مشکلات مقرراتی اداری و مالی طی مدت اخیر نتوانسته است آن چنان که باید ما به ازای خدمات وی را به نامبرده پرداخت نماید. (خانم آقامحمد هم اکنون با حقوق ۵۳۰۰۰ تومان ماهیانه - از حق اضافه کار - حق کارشناسی و در صورت عزیمت به مأموریت از حق مأموریت محروم است و بخش مالی سازمان در این بخش ها قادر به پرداخت حقوق حقه وی نیست.

همچنین لازم است نامبرده در گردهمایی بین المللی که برای ناشنوایان تشکیل می شود، به خصوص در ارتباط با زبان اشاره - روش ارتباط کلی و برنامه سازی برای ناشنوایان شرکت نماید.

و با توجه به شرکتی بودن نامبرده، این اقدامات برای نامبرده میسر نیست.

لذا استدعا دارم برای حلّ معضلات فوق دستور فرمایید روش پیشنهادی مناسب از سوی معاونت محترم پشتیبانی سازمان اعلام گردد.

طی سال های گذشته خانم آقامحمد به شهرهای مختلف سفر کرده و با پیگیری، برنامه های سیمای استان های گیلان، مازندران، قم، خراسان و سیستان بلوچستان و اجرایی شده است.



در دهه های اخیر با افزایش مطالبات ناشنوایان در استفاده از سیمای جمهوری اسلامی مواجه بوده ایم. ناشنوایان به دلیل نداشتن حس شنوایی و فقدان تکلم، از صدای جمهوری اسلامی یا رادیو نمی توانند استفاده کنند. به جای آن، تلویزیون و سیما ابزار خوبی برای ناشنوایان است تا با استفاده از تصویر بتوانند پیام ها را فرا گرفته یا منتقل کنند.

استفاده ناشنوایان از سیما و همکاری بین نهادهای ناشنوایی و سیمای ملی ایرانی، ماجرای مفصلی است و دارای تحولات و تطورات فراوان بوده است.

از سال ۱۳۶۳ خبر ناشنوایان در سیما راه اندازی شد. بعدها با پیوستن خانم فاطمه آقامحمد و رضا محمودی و چند تن دیگر «اخبار ناشنوایان» به مرور زمان نظام مندرتر و ضابطه مندتر گردید. تاکنون سیر تاریخی ناشنوایان و سیما در ایران تدوین نشده و کسی درصدد برنیامده تا این موضوع را به صورت یک مسئله تاریخی بررسی و مقاله یا کتاب یا پایان نامه ای درباره آن بنویسد. اکنون به مناسب کتاب حاضر درصدد هستیم این موضوع را بررسی کنیم و جایگاه فاطمه آقامحمد را در سیر حوادث مرتبط به این موضوع گزارش کنیم.

### اوج گیری مطالبات در سال ۷۷

در دولت اصلاحات به ریاست جمهوری محمد خاتمی، ناشنوایان با جدیت بر استفاده از تلویزیون اصرار کردند و خواستار اختصاص ساعتی از وقت تلویزیون به برنامه های خودشان شدند. در سال ۱۳۷۷ این درخواست ها به اوج رسید. چند تن از نخبگان ناشنوا نامه تاریخی مهمی خطاب به رئیس جمهوری سید محمد خاتمی نوشتند و متذکر شدند که استفاده از رابط و زیرنویس در برنامه های سیما در کشورهای جهان برای ناشنوایان مرسوم است و در ایران هم باید اجرا گردد. متن این نامه این گونه است:

ناشنوایان با نماینده تهران خانم فائزه هاشمی نامه نگاری کردند و همان خواسته ها را مطرح کردند. خانم هاشمی خواسته آنها را برای ریاست مجلس شورای اسلامی و نیز به ریاست شورای تشخیص مصلحت می فرستد. نامه ناشنوایان توسط خانم منیژه خاقانی برای خانم فائزه هاشمی ارسال می گردد و دفتر ارتباطات مردمی مجلس شورای اسلامی در ۶ خردادماه ۱۳۷۷ درخواست واصله به فائزه را برای تشخیص مصلحت می فرستد.

سپس دو نامه یکی از طرف رئیس دفتر رئیس جمهور، سید محمدعلی ابطحی در ۹ خردادماه ۷۷ و نامه دیگر از طرف رئیس دفتر مجمع تشخیص مصلحت محسن هاشمی برای رئیس صدا و سیما یعنی آقای علی لاریجانی ارسال و درخواست ناشنوایان به ریاست صدا و سیما اعلام می گردد. تصویر نامه اول چنین است:

ص: ۲۴۷

در این نامه هست که رئیس جمهور نامه ۲۰ اردیبهشت ۷۷ ناشنوایان را دیده و زیر آن نوشته است:

۱- تقاضای ناشنوایان مبنی بر زیرنویس داشتن برنامه های سیما بی جا نیست.

۲- در ادامه آورده ولی نمی دانم مشکلات واقعی و فنی اجازه می دهد یا نه؟ در واقع با این جمله رئیس جمهور اظهار تردید کرده است. با اینکه ایشان به راحتی می توانست گزارش از سراسر جهان بگیرد که در بسیاری از کشورها زیرنویس در رسانه های تلویزیونی به راحتی اجرا می گردد.

تصویر

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر لاریجانی  
رئیس محترم سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

باسلام


درخواست مشترک مورخ ۷۷/۲/۲۰ جمعی از ناشنوایان و ضمیمه آن درخصوص پخش برنامه های سیما با زیرنویس، که تصویر آن به پیوست ارسال می گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«بنام خدا»

جناب آقای دکتر لاریجانی

تقاضای بی جانی نیست این عزیزان هم حق دارند اما نمی دانم مشکلات واقعی و فنی اجازه می دهد یا نه؟  
بهرحال باید برای این عزیزان هم فکری کرد اگر دستور بررسی صادر  
و نتیجه را برای انتقال به عزیزان به من منعکس کنید متشکرمی شوم.»

سیدمحمدعلی ابطحی



۱۴۰۳/۱۱  
۱۳۷۷/۲/۹

متن این نامه گویاست که رئیس مجمع تشخیص مصلحت خواستار اقدام مقتضی برای ناشنوایان شده است. یک نکته مهم این است که تاریخ نامه ناشنوایان به مجمع تشخیص مصلحت اردیبهشت و نامه ناشنوایان به ریاست جمهوری ۲۰ اردیبهشت است. یعنی ناشنوایان ابتدا از طریق مجلس شورای اسلامی و نماینده تهران اقدام کرده اند.

پس از وصول این نامه ها و درخواست ها به صدا و سیما و دفتر ریاست سازمان علی لاریجانی، جلسه ای با حضور چهار تن مدیرکل و معاون تشکیل و موضوع بررسی شود. در این جلسه معاون سیاسی، معاون فنی، مدیرکل فنی و مدیرکل پخش در ۷ تیرماه ۷۷ تشکیل جلسه داده و ابعاد درخواست های ناشنوایان را بررسی می نمایند. این افراد با تله تکست (آوردن توضیح گر روی تصویر) مخالفت کرده و با این استدلال که گیرندگان مردم مجهز به دستگاه دریافت تله تکست فارسی نیستند، این درخواست را رد کرده اند.

اما آوردن زیرنویس را در سطح محدود ممکن و قابل اجرا می دانند. در مورد پخش خبر ناشنوایان و ایجاد باکس رابط توضیح گر را در برنامه ها را پذیرفته اند.

تصویر

ریاست  
جمهوری اسلامی ایران  
مجمع تشخیص مصلحت نظام  
رئیس و رئیس

شماره: ۸۰۴۳  
تاریخ: ۷۷/۳/۱۷  
پرته

جناب آقای دکتر لاریجانی  
رئیس محترم سازمان صدا و سیما

با سلام، به پیوست نامه مورخ ۷۷/۲/۱ خانم منیره خاقانی و جمعی از ناشنوایان در خصوص تقاضای پخش برنامه های تلویزیون بازرنویس، حسب نظر مقام محترم ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام جهت بررسی و اقدام مقتضی ایفاد می گردد. ب.

محسن هاشمی  
۸۷

صورت جلسه دو تن از معاونان و دو تن از مدیرکل ها این گونه است:

تصویر

### صورت جلسه بررسی پنخشی برنامه های سیما با زیر نویس

زمان: ۷۷/۴/۷

ساعت: ۱۸

حاضران: آقایان: مهندس محمدی، مهندس علی نژاد، مهندس شایسته فرد، مهندس

افراسیابی.

موضوع نامه شماره ۱۴۱۰۳/۱۱ مورخ ۷۷/۳/۹ رئیس محترم دفتر ریاست جمهور در جلسه مطرح و با توجه به سیاستهای سازمان و امکانات و منابع موجود مقرر گردید اقدامات زیر در این زمینه بعمل آید:

۱- امکان استفاده از تله تکست بگونه ای که بر روی تصویر برنامه حکا گردد. انجام اینکار مستلزم تأمین تجهیزات و انجام مطالعات است. در همین حالیکه هنوز گیرنده های مردم مجهز به دریافت تله تکست فارسی نشده و تا یک سال آینده تعداد گیرندگان که دارای آشکارساز تله تکست فارسی باشند قابل توجه نخواهد بود.

۲- باز کردن پنجره ای در گوشه تصویر برنامه ها (مثلاً خبر) و پنخشی تصویر مجری خاص ناشنویان برای برنامه های خاصی قابل اجرا می باشد. (خبر شب سراسری + کوکر با یک درصم)

۳- پنخشی خبر ویژه ناشنویان می تواند بصورت روزانه انجام پذیرد. با توجه به مشکلات و

کسانی که متن صورت جلسه فوق را تنظیم کرده اند، رویکرد منفی نسبت به اجرای درخواست های ناشنویان داشته و احتمالاً نگرش درستی نسبت به این قشر از جامعه نداشته اند. به همین دلیل در مواردی خواست ناشنویان مبنی بر زیرنویس یا باکس رابط را مطلوب بینندگان عادی ندانسته و آزاردهنده می دانند. این در حالی است که شبکه های بزرگ جهان دارای زیرنویس اند و به فراوانی از این ابزار برای اطلاع رسانی استفاده می کنند.

نتیجه اینکه ناشنویان چند ماه منتظر ماندند ولی وقتی دیدند اقدامی صورت نگرفت، کانون ناشنویان ایران در نامه ای به رئیس صدا و سیما نوشت اگر زیرنویس را اجرا نمی کنید حداقل در

ص: ۲۵۱

کنار برنامه های سیما یک باکس رابط (توضیح گر) باشد و برنامه را ترجمه کند. (۱) متن نامه کانون این گونه است:

بالاخره ریاست جمهوری و مجمع تشخیص مصلحت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی روی خواسته های ناشنوایان اصرار کردند و برخی برنامه های سیما بر اساس این خواسته ها اجرایی گردید. در ۱۱ آبان ماه ۷۷ منیژه خاقانی و جمعی از ناشنوایان نامه زیر را برای رئیس جمهوری فرستادند:

ص: ۲۵۲

---

۱- البته متذکر می شوم این نامه پس از سال ۷۶ است که بخشی از برنامه ها برای ناشنوایان با رابط قابل استفاده می گردد. همانطور که در نامه نوشته شده بخش های بیشتری با رابط که برای سیما امکان پذیر است پخش شود.

در سال ۱۳۷۷ تلاش های ناشنویان و درخواست ها و مطالبات مکرر آنان از یک طرف و تلاش های نهادهای دولتی از طرف دیگر موجب پیشرفت های خوبی برای ناشنویان گردید. نامه زیر که در ۲ آذرماه ۷۷ تاریخ دارد گویای حوادث بسیاری است که در زمینه اجرای مطالبات ناشنویان اجرایی شده است. بسیاری از این نامه ها پاراف خانم آقامحمد را دارد و جهت کارشناسی یا پیگیری یا اجرا برایشان ارجاع شده است. این گویای نقش بی نظیر و مهم ایشان در صدا و سیما و در بهزیستی است.

ص: ۲۵۳



یکی از اقدامات سودمند در این دوره تدوین چند جزوه کارشناسانه در شناسایی و معرفی ناشنوایان و مشکلات آنها به ویژه مشکل آنان در زمینه ارتباطات و ضرورت افزایش سامانه ارتباطی ناشنوایان در سیمای ایران است. این جزوات که با مساعدت و کمک خانم آقامحمد در سازمان بهزیستی، معاونت توانبخشی تدوین شد و برای مدیران و مسئولان سیما ارسال گردید، تأثیر اساسی بر رویکرد آنان داشت.

تلاش ها و افزایش مطالبات ناشنوایان در سال ۱۳۷۷ هم قابل توجه است. چندین درخواست با امضاء های بسیار از شهرهای مختلف به صدا و سیما یا مجلس یا ریاست جمهوری از طرف ناشنوایان ارسال شد. اعضای کانون ناشنوایان در استان خراسان یک طومار با ۹۳ امضاء در ۱۵ دی ماه ۷۷ به مرکز فرستادند؛ اعضای کانون ناشنوایان سیستان و بلوچستان، درخواستی با ۲۴۰ امضاء فرستادند. در تهران چند بار امضاء جمع آوری شد و ناشنوایان مطالبات و درخواست هایی مبنی بر زیرنویس یا ایجاد برنامه توضیح گر و ترجمه را خواستار شدند.

البته کسانی هم بودند که اجرای چنین برنامه هایی را قبول نداشتند و نمی پسندیدند و خواستار توقف برنامه ها بودند یا این برنامه ها را دارای پیامد منفی برای عموم بینندگان

تصویر

### مدیر کل محترم دفتر توانبخشی و امور اجتماعی جناب آقای جعفری نیا

پیرو مذاکرات حضوری مقرر شد برای استفاده بیشتر ناشنوایان از برنامه های کودک و نوجوان اقدامات زیر انجام شود خواهشمند است نماینده آن اداره برای هماهنگی با این گروه معرفی گردد.

- ۱- حضور یک مجری برای ناشنوایان در کنار مجری برنامه های روز جمعه .
- ۲- ضبط برنامه خبر ناشنوایان برای پخش روزهای جمعه در برنامه کودک و نوجوان .
- ۳- برنامه ریزی برای استفاده از رابط و یا زیر نویس برای بعضی از برنامه های نمایشی .

مدیر گروه کودک و نوجوان شبکه اول

اسداله املائی

۱۳۷۸/۹/۲



می دانستند. اما فشارهای اکثریت ناشنویان باعث تداوم برنامه های ایجاد شده و پیگیری برنامه های جدید بود. نامه زیر که از دفتر رئیس جمهور به قائم مقام رئیس سازمان صدا و سیما ارسال شده گویای همین نکته است.

## رخدادهای سال های ۷۸ و ۷۹

مطالبات و پافشاری ناشنویان موجب شد تا استفاده از رابط در برنامه های سیما از سال ۷۶ آغاز گردد اما از سال ۱۳۷۸ کم کم اختلافات شخصی میان ناشنویان با گروه بندی های آنان به برنامه صدا و سیما هم کشیده شد تا جایی که نیازهای جامعه ناشنویان به فراموشی سپرده شد. از همه مهم تر اصلاً تصور نمی کردند که صدا و سیما اجرای رابط در کنار برنامه های خود را کاری اضافه می داند با

تصویر

شماره ۲۷۱۴۹  
تاریخ ۲۰۰۸/۰۱/۰۱  
پست



دفتر رئیس جمهور

بسمه تعالی

جناب آقای مهندس آخوندی

قائم مقام محترم ریاست سازمان صدا و سیما

سلام علیکم

تصویرنامه خانم منیره خاقانی مبنی بر درخواست استمرار برنامه های ناشنویان از سوی سیما به پیوست ارسال می گردد.  
لطفاً دستور فرمایند بررسی لازم و اقدام مقتضی معمول و از نتیجه نامبرده و این اداره کل را مطلع نمایند.

محمدعلی سام  
مشاور و مدیرکل ارتباطات مردمی

تلاش های زیاد، جلسات کارشناسی مختلف در سیمای جمهوری اسلامی با مدیران وقت و با حضور آقای جعفری نیا و آقامحمد و برخی مواقع آقای محمودی تشکیل گردید تا مدیران سیما متقاعد شوند برای ناشنوایان از رابط استفاده گردد. (۱)

متأسفانه از همان ابتدای کار که تازه در سیما آغاز شده بود و همان گونه که قبلاً گزارش شد (۲) سیما در زمان درخواست فقط با باز کردن دریچه ای در کنار تصویر (به صورت رابط) که امکان پذیرتر بود و هزینه ای نداشت موافقت کرد. ما هم غنیمت شمردیم پذیرفتیم و همکاری را آغاز کردیم. اما جمعی اندک از ناشنوایان بدون توجه به اهداف بلند این پروژه و دستاوردهایی که به دست آمده بود، درخواست های غیر واقع بینانه داشتند. بیشتر تأکید می کردند که رابط را باید آنان معرفی کنند. از طرفی ضوابط اداری به ویژه در سازمان صدا و سیما چنین اجازه ای حتی به مدیران ارشد نمی دهد.

برای حل این مشکل چندین جلسه با آقای دکتر کمالی گذاشتند و دائم تأکید می کردند انتخاب رابط ویژه برای برنامه تلویزیونی را باید آنها معرفی کنند بالاخره آقای دکتر کمالی خواستند در جلسه ای که آقامحمد حضور دارد، خواسته هایشان را مطرح کنند.

خانم آقامحمد درباره ناسازگاری گروهی از ناشنوایان با بهزیستی در مورد اداره برنامه های ناشنوایان در سیما می گوید: چندین جلسه با حضور کمالی، نجفی، جعفری نیا و آقامحمد از یک طرف و نمایندگان ناشنوایان از طرف دیگر در سال های ۷۸ به بعد تشکیل شد ولی نتیجه خاصی اخذ نشد.

در این باره مدیران یا اعضای آن زمان کانون ناشنوایان، انجمن خانواده ناشنوایان و کمیته توسعه زبان اشاره اظهار نظری نکرده اند و نظرشان را نمی دانیم ولی خانم آقامحمد به دلیل اینکه در متن حوادث آن دوره بوده و اطلاعات خوبی از رخدادهای آن دوره دارد در این باره چند مطلب مطرح کرد:

ناشنوایان در تاریخ معاصر فرصت های مهمی را از دست داده اند چون گاه بدون سنجیدن واقعیت ها به موضع گیری می پردازند. در مورد برنامه های ناشنوایان در سیما هم این گونه بود و عده ای که خود را رهبر جامعه ناشنوایان می دانستند، بدون اینکه طرح مشخص کارشناسی داشته باشند و بدون اینکه نتایج عملکرد خود را بسنجند، فقط مدعی بودند که برنامه ها باید توسط افراد با صلاحیت از تمام لحاظ اداره شود.

وقتی به آنان گفته می شد ما هم معتقدیم افراد با صلاحیت باید این امور را انجام دهند و شما چه کسی را معرفی می کنید یا چه طرحی دارید، معمولاً پیشنهاد خاصی نداشتند.

متأسفانه جامعه ناشنوایان ایران به غیر ناشنوها بدبین و بی اعتماد هستند و عملاً به این باور رسیده اند که امور ناشنوایان را خود ناشنوایان باید انجام دهند. در حالی که این طرز فکر بسیار مضر

ص: ۲۵۶

۱- این نکته در ص ۴۴ و ۴۵ توضیح داده شد.

۲- ص ۲۴۵-۲۴۸.

است زیرا هیچ جامعه ای نمی تواند همه امور را در داخل خودش تأمین کند و نیاز به افراد دیگر جوامع هم دارند. انسان ها یک جامعه در هم تنیده و ترکیبی دارند که صدها شغل و مهارت باید اجرایی گردد تا زندگی یک انسان به سامان برسد. هر گروه انسانی را در نظر بگیرید به تنهایی قادر نیست همه این مهارت ها و مشاغل را تأمین کند.

دوم اینکه اگر ناشنوایان بگویند ما امور خود را خودمان اداره می کنیم و نیاز به غیر ناشنوا نداریم، همین استدلال را غیر ناشنواها هم می توانند داشته باشند و بگویند ما امور خود را اداره می کنیم و نیازی به ناشنواها نداریم و به آنان اجازه ورود به کارهای خودشان را ندهند. سوم اینکه اگر بپذیریم که ناشنواها خودشان خودکفا باشند و امورشان را اداره کنند و کارها را به خودشان بسپاریم، تجربه نشان داده عملاً از بسیاری از امور ناتوان هستند. من نمی خواهم باز کنم ولی خودشان هم می دانند واقعیت چیست؟

مرحوم جبار باغچه بان پس از یک عمر تلاش و کوشش برای جامعه ناشنوایان، در سال های آخر عمرش زندگی نامه خود نوشتی نوشته که بسیار آموزنده است و گلایه های فراوان مطرح می کند. چون باغچه بان شنوا بوده و در جاهایی از او حرف شنوی و اطاعت نداشتند.

به هر حال از همه کسانی که متعلق به جامعه ناشنوایان هستند و در قید حیات می باشند عاجزانه تقاضا دارم منصفانه یک بار حوادث سال های ۷۸ به بعد را بررسی و مرور کنند. ببینند چقدر نیرو و انرژی هدر رفت، با اینکه می توانستیم این نیروها را در راه ساختن جامعه هدف و پیشرفت برنامه ها بسیج کنیم. اگر من به جای آنان بودم، تجارب آن دوره را می نوشتم و در اختیار ناشنوایان جوان تر قرار می دادم که متأسفانه همان راه را دارند طی می کنند، و از جامعه هدف می خواستم از گذشته درس آموخته و بیش از این موجب از بین رفتن فرصت ها نشوند.

اینجانب (مؤلف این کتاب) از ۱۳۷۰ با جامعه ناشنوایان کار کرده ام و برخوردها، موضع گیری های ناروا من هم دیده ام ولی یک نکته را نباید فراموش کرد. سازمان بهزیستی و سازمان صدا و سیما به عنوان بخشی از دولت در ارتباط با ناشنوایان و کلاً در ارتباط با معلولان باید با حوصله و درایت عمل کند.

اگر نهادهای دولتی و متصدی امور ناشنوایان، امور را به خودشان واگذار می کردند ولی ناظر به کارهایشان بودند، از این طریق آنان مجرب می شدند و بعد از چند بار شکست خوردن، پخته شده و آمادگی پیدا می کردند آینده جامعه خود را به دست گرفته و بسازند.

خانم آقامحمد بر این واقعیت اذعان داشت که ناشنوایان در امور مختلف فرهنگی و اجتماعی مربوط به خودشان به تدریج تجربه آموخته و به خود کفایی برسند.

به هر حال بعضی از نخبگان جامعه این گلایه را در مورد مدیریت های دولتی داشته اند که بهزیستی امور ویژه معلولین را به آنها واگذار نمی کند. در حالی که مدیران دولتی هم استدلال خود را دارند و می گویند به دلیل تبحر و تسلط آنان بر امور روش آنها مطلوب تر است.

بنابراین از یک زاویه سخن و داوری آقامحمد درست است و ناشنویان باید رفتار خود را عوض کرده و با موضع گیری های عناد آمیز و تفرقه افکن، موجب هدر رفتن امکانات نشوند و از منظر دیگر لازم است مدیران دولتی با راهنمایی های درست ناشنویان راه را برای اصلاح امور آنان هموار کرده و آنان با اصلاح خود بر کارآمدی جامعه خودشان بیفزایند.

از نظر جامعه شناختی و روان شناختی رفتار ناشنویان که بارها در طول تاریخ معاصر تکرار شده و به هیچ وجه قابل توجه نیست بلکه باید اصلاح کنند. در واقع اگر ناشنویان بخواهند در جامعه نفوذ داشته و از امکانات اجتماعی و دولتی بهره مند گردند، ضرورت دارد اختلافات و خودمحموری ها را کنار گذاشته و با تدبیر و آینده نگری به پیشرفت و رفاه خود بیندیشند. و با اتحاد و هماهنگی و همکاری و حمایت یکدیگر به اجرای طرح های بزرگ پردازند.

چند سند تاریخی درباره حوادث مزبور هست، اکنون به معرفی این اسناد می پردازم. تلاش می کنم بدون پیش داوری، به تجزیه و تحلیل آنها پردازم.

هادی معیری رئیس هیئت مدیره کانون ناشنویان ایران در نامه ای به علی لاریجانی رئیس سازمان صدا و سیما خواستار اصلاح برنامه ها در سه بند شد. متن این نامه به شرح زیر است:

ص: ۲۵۸



بابل، انجمن خانواده ناشنویان شهرستان بابلرس به ریاست صدا و سیما نوشته شد و خواستار و اصلاح برنامه ها شدند.

هر کس نامه های مختلف و از شهرهای مختلف را ببیند و به مقایسه آنها پردازد متوجه می شود همه یک خواسته دارند و متن همه تقریباً یک محتوا دارد، از این رو می توان نتیجه گرفت که یک جریان خاص چند نفره پشت همه اینها بوده و جریان مخالفت را هدایت می کردند. البته یک احتمال ضعیف هم هست که مثل این زمان که جو فراگیر در همه شهرها علیه بهزیستی هست و همه یک حرف را می زنند. البته تفاوت این زمان با آن زمان در این است که اکنون انواع شبکه ها و رسانه های فراگیر هست و در آن زمان این گونه نبود.

نیز مجدداً در سال ۱۳۷۹ نامه ای توسط چهار نهاد ناشنوایی کشور یعنی کانون ناشنوایان ایران، انجمن خانواده ناشنوایان، انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق و کمیته توسعه زبان اشاره ناشنوایان ایران به ریاست صدا و سیما ارسال شد که همان درخواست ها که در نامه هادی معیری بود تکرار گردید. از نظر اهمیت این نهادها می توان گفت کمیته توسعه زبان اشاره استقلال کامل نداشته بلکه وابسته به سازمان بهزیستی است. از طرف دیگر انجمن فرهنگی شفق وابسته به فرهنگسرای شفق بوده و مدت ها قبل فعالیت نداشته است و معاونت توانبخشی بهزیستی به نکات مزبور توجه داده است.

اساس اختلاف بین کانون ناشنوایان و انجمن خانواده ناشنوایان از یک طرف و کارشناسان امور ناشنوایان در معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی بر سر این بود که برنامه های ناشنوایان در سیما را چه کسی با برنامه ریزی و جذب نیرو مدیریت کند.

در مقابل بهزیستی معتقد بود غیر از تیم مجرب موجود، افراد خام را نمی توان سر اینگونه کارهای ظریف گذاشت و به همان تیم چند نفره که عملاً آب دیده بودند بسنده می کرد. لب منازعات نکات فوق بود که قابل مذاکره و حل شدن بود. البته در اینگونه منازعات مسائل دیگری وارد می شود که موجب تشدید اختلافات خواهد شد و راه حلی هم ندارد که همان مسائل نفسانی مثل حسادت یا زیاده خواهی است. برای مثال فردی به ظرفیت و توانایی خود قانع نیست و درصدد دست اندازی به قلمرو دیگران است. در منازعات بین گروهی از ناشنوایان و بهزیستی اینگونه عوامل اخلاقی دخالت داشت و کار را سخت کرده بود.



جناب آقای دکتر لاریجانی

ریاست محترم صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

باسلام

احتراما "به استحضار می‌رساند با تلاش و کوشش بیدریغ چندین ساله اعضا، هیئت مدیره مراکز ناشنویان ایران همچنین با لطف و محبت جنابعالی و همکاران ارجمند مدتی است که برنامه‌های سیما به نفع قشر ناشنویان تغییراتی کرده که مهمترین آنها قراردادن رابط ویژه ناشنویان در هنگام پخش پاره‌ای از برنامه‌هاست که انجام آن یکی از آمل دیرینه جامعه ناشنویان بوده است. ضمن تشکر از عنایت جنابعالی و همکارانتان چند مورد کارشناسی را که مجامع بین المللی مربوط به امور ناشنویان هم بر آن تاکید می‌نمایند برمی‌شماریم.

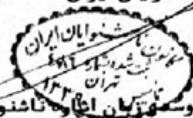
- ۰۱ در برنامه‌هایی که یک نفر سخن می‌گوید مانند اخبار، دکتر، روانشناسی، آشپز، روحانی و غیره می‌توان از رابط ویژه به نحو مطلوب استفاده نمود.
  - ۰۲ در فیلم‌های داستانی، سینمایی و مستند که چندین نفر در آن صحبت می‌نمایند یا در آن واحد چند حرکت انجام می‌شود باید از زیرنویسی استفاده شود تمام تصاویر فیلم را در یک زمان نمی‌توان دید یا باید فیلم را دید یا رابط ویژه را
  - ۰۳ در فیلمی که مثلا "سه نفر در آن صحبت می‌کنند باید بوسیله سه نوع رنگ زیرنویسی شود که هر نفر با رنگ مخصوص مشخص شود تا منتخب آن مشخص گردد.
  - ۰۴ انتخاب رابط ویژه به برنامه‌های تلویزیونی باید بعهده کارشناسان ناشنوی مرکز ناشنویان از جمله کانون ناشنویان ایران، گروه توسعه زبان اشاره (دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی) انجمن خانواده ناشنویان ایران، انجمن فرهنگی ناشنویان شفق گذاشته شود تا با نظر کارشناسی افراد با صلاحیت از تمام لحاظ انتخاب شود.
- در خاتمه ضمن تشکر مجدد از لطف و عنایت جنابعالی و همکاران شریف برنامه از خداوند متعال آرزوی موفقیت و سلامتی را داریم /۰

انجمن فرهنگی ناشنویان شفق

انجمن خانواده ناشنویان



کانون ناشنویان ایران



دو نوشت: حجت‌الاسلام آیت‌الله محمد باقر مکارم شیرازی

چهار خواسته ای که در نامه بالا آمده، نکات کلی است که فکر نکنم بهزیستی یا صدا و سیما هم با آن مخالف باشد، همه مدیران قبول دارند که افراد با صلاحیت را سرکار بگذارند. مگر اینکه نویسندگان این نامه با طرح این چهار بند مقبول درصدد رسیدن به اهداف دیگری باشند که در این نامه نیامده است.

پس از اینکه رئیس هیئت مدیره کانون ناشنوایان عوض شد و بهروز مبشری جای هادی معیری را گرفت. نامه ای را در ۸ شهریور ۷۹ برای دکتر کمالی معاون توان بخشی سازمان بهزیستی کشور فرستاد و همین چهار خواسته که قبلاً در نامه هادی معیری به ریاست سازمان صدا و سیما و بعداً در نامه چهار نهاد ناشنوایی مطرح شده بود، مجدداً به معاون توانبخشی نوشت و به او متذکر شد که انتخاب رابط برای برنامه های تلویزیونی بر عهده کانون یا انجمن خانواده یا انجمن شفق و یا کمیته است و در پایان نامه از خود کفایی ناشنوایان سخن رفته و تعریضی به سازمان بهزیستی زده است.

چند ماه بعد، وقتی مدیریت کانون ناشنوایان از بهزیستی پاسخی دریافت نکرد. بهروز مبشری رئیس هیئت کانون ناشنوایان ایران نامه ای به شرح زیر در ۱۶ آذرماه ۷۹ به رئیس سازمان بهزیستی نوشت:

تصویر

بسمه تعالی  
 رئیس تقاضاهای کانون ناشنوایان از ریاست محترم سازمان بهزیستی کشور  
 ۱- تدوین ترتیبات و ضوابط ارتباط منظم و همکاری مستمر کانون ناشنوایان ایران با سازمان بهزیستی کشور. در حال حاضر این ارتباط محدود، غیر مطمئن، غیر کافی و غیر موثر است. بلاجواب ماندن نامه های کانون ناشنوایان و تشکیل دو جلسه همزمان بنامسبت هفته ناشنوایان از جمله آثار منفی وضع فعلی میباشد. کانون در اینخصوصی طرحی دارد که در صورت موافقت با اصل پیشنهاد به ریاست محترم سازمان و یا مسئول درجه اول دیگر سازمان که تعیین فرمائید ارائه خواهد شد.  
 ۲- دستور رسیدگی به طرح قانون حمایت اجتماعی از معلولان پیشنهادی این کانون که طی نامه شماره ۶۶۵۸ مورخ ۷۶/۲/۲۴ دفتر خدمات مدیریت و اطلاع رسانی ریاست جمهوری به سازمان بهزیستی کشور ارسال شده و سرنوشت آن در سازمان بهزیستی نامعلوم است.  
 ۳- دستور تشکیل کمیسیونی در آن سازمان یا شرکت نمایندگان سازمانهای خدماتی ناشنوایان برای بررسی و تصمیم گیری در زمینه مسائل استفاده ناشنوایان از تلویزیون.

ض.ب.ب. کمن  
 در بر صدر برانسان عالم  
 آگاهت هست کمن  
 سازمان بهزیستی کشور  
 دبیرخانه حوزه معاونت امور توانبخشی  
 شماره ۸۵۴۵  
 تهران ۱۹۸۸

به روز پیش ری  
 رئیس هیئت مدیره کانون ناشنوایان ایران  
 سازمان ناشنوایان  
 پست شماره پناه ۱۳۳۹  
 تاسیس تهران ۱۳۳۹

این نامه تاریخی است و نشانگر اوج اختلافات چند نفر از ناشنوایان که در رأس امور بعضی از NGOها بودند. مبشری بلافاصله پس از باسمة تعالی، بدون هیچ گونه آدابی رئوس تقاضاهای کانون ناشنوایان از ریاست سازمان بهزیستی کشور را برمی شمارد. این رویه بر خلاف آداب نامه نگاری و خلاف اخلاق است.

بند آخر مربوط به ناشنوایان و تلویزیون است. مبشری خواستار تشکیل کمیونی می شود که نمایندگان بهزیستی و سازمان های مردمی در مورد استفاده ناشنوایان از تلویزیون تصمیم گیری کنند. در واقع خواستار شده که سازمان بهزیستی یا معاونت توانبخشی بهزیستی بدون آنها اقدام نکنند و تصمیم نگیرند بلکه بهزیستی یک رأی داشته باشد و نماینده بهزیستی در کنار نمایندگان ناشنوایان تصمیم سازی کنند.

رئیس سازمان بهزیستی نامه مبشری را برای معاون توانبخشی آقای کمالی می فرستد و آقای کمالی به آقای نجفی پاراف می کند که در یک جلسه با حضور فاطمه آقامحمد صحبت کنند.

به رغم تندی نامه رئیس کانون، بهزیستی صبوری کرده و به اقتضای ادب و اخلاق پاسخ منطقی و بدون تندی چند روز بعد و در ۲۱ آذرماه ۷۹ نامه برای کانون ارسال کرد. تنها نکته مهم اینست که این نامه خطاب به کانون ناشنوایان ایران نه خطاب رئیس آن است. نیز توسط رئیس بهزیستی یا معاون توان بخشی امضاء نشده بلکه مدیرکل دفتر امورخدمات رفاهی توانبخشی، ستار اعتمادی امضاء و ارسال کرده است.



کانون ناشنوایان ایران

بسم الله

شماره ۸۴۴، ۸۵۵۵  
تاریخ ۲۱، ۹، ۷۹  
پیوست دلم

سلام علیکم:

احتراماً، با بازگشت به نامه شماره ۱۵۷۲۴/ک مورخ ۷۹/۸/۲۵ در خصوص پیشنهادات طرح قانون حمایت اجتماعی از معلولان، ضمن تشکر از پیشنهادات ارائه شده در صورت لزوم از آنها استفاده خواهد شد. در مورد نامه‌های ارسالی ضمیمه به اطلاع میرساند.

نامه شماره ۶۶۵۸ مورخ ۷۶/۳/۲۴ به دفتر خدمات و اطلاع رسانی ریاست محترم جمهوری و نامه شماره ۱۸۸۹۰/ش مورخ ۷۷/۷/۲۸ به مدیرکل ارتباطات مردمی ریاست محترم جمهوری که بیانگر اقداماتی از سوی آن کانون می‌باشد نیز کار پسندیده‌ای بوده است.

در زمینه نامه شماره ۱۵۴۶۶ مورخ ۷۹/۶/۱۸ اعلام میدارد. درخواست قابل استفاده نمودن بخشی از برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی ایران برای جامعه ناشنوایان توسط سازمان بهزیستی کشور انجام گردیده است. زیرا حوزه معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی مسئولیت ارائه خدمات توانبخشی مربوط به ناشنوایان را در سراسر کشور بعهده دارد. صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز بعنوان ارگان دولتی همکاری با این حوزه را پذیرفته و با موافقت ریاست محترم وقت صدا و سیما پیرو این درخواست پاسخ مثبت داده است که مسئولیت موارد کارشناسی برنامه ویژه ناشنوایان در سیما بعهده بخش کارشناسی در حوزه معاونت توانبخشی و سیمای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. معذالک درخواست این بخش مجهز نمودن بخشی از برنامه‌ها با زیرتویس در کنار رابط نیز می‌باشد که در کوتاه مدت به لحاظ برخی مشکلات از جمله هزینه بالا جهت تأمین تجهیزات و نیروی کارشناسی میسر نمی‌باشد. در اینجا لازم میدانم به اطلاع برسانم ضمن مذاکره کارشناس ایندفتر با سرکار خانم شاهین فر مسئول محترم فرهنگسرای شفق ایشان اظهار داشتند انجمن فرهنگی ناشنوایان شفق مدتهاست که فعالیتی نداشته و فاقد مجوز قانونی می‌باشد و کمینه توسعه زیان اشاره نیز واحد کوچکی در بهزیستی می‌باشد که مسئولیت پژوهش و تدوین اشارت را بعهده دارد که رسماً اجازه مکاتبه مستقل با این عنوان را ندارند. مطالب فوق جهت اطلاع ایفاد می‌گردد.

ستار اعتمادی

مدیر کل محترم دفتر امور خدمات رفاهی توانبخشی

درباره عنوان نامه ستار اعتمادی، خانم آقامحمد معتقد است بهزیستی در واقع می‌خواست جامعه ناشنوایان را مخاطب قرار دهد نه یک شخص را. از این رو نامه اش را خطاب به کانون نوشت. نکته دیگر که اهمیت دارد ناشنوایان فراوانی بودند که با نامه نگاری به بهزیستی یا صدا و سیما موافق بودند و رویه موجود را قبول داشتند، به ویژه در شهرهای دیگر.

از منظر رفتارشناسی اجتماعی متن این نامه اهمیت فوق العاده در شناخت ماهیت و کارکرد سازمان بهزیستی دارد. سخن بر سر این نیست که کانون ناشنوایان، سخن و موضع کانون ناشنوایان درست است یا نیست؛ بلکه به منظور افزایش مشارکت ناشنوایان و جذب آنان در پروژه های مرتبط به خودشان، یک مدیر لایق، راه را بر روی آنان باز می‌کند و آنان را تشویق به تلاش بیشتر می‌نماید و حتی امور را به خودشان واگذار می‌نماید. اما یک مدیر اقتدارگرا درها را بر روی آنان می‌بندد و مانع مشارکت آنان می‌گردد و یأس و دلسردی را در جامعه ناشنوایی منتشر می‌نماید.

با عوض شدن مدیر کانون ناشنوایان و آمدن خسرو گیتی، ایشان در ۱۰ دی ماه ۷۹ به محمد کمالی معاون توانبخشی سازمان بهزیستی نامه ای نوشته است. ایشان گویا مواضع پیشین کانون و پاسخ بهزیستی را می‌خواهد نادیده فرض کند و روابط جدیدی را پایه ریزی نماید. بخش های از این نامه مستقیم به حضور ناشنوایان در سیما و اجرای برنامه های ناشنوایی در سیما اختصاص دارد. آقای گیتی مطرح می‌کند که طرح دارد و دارای فکر جدید در این زمینه است.

در این اختلافات عده قلیلی از ناشنوایان که در رأس کانون و انجمن بودند با بهزیستی درگیر بودند ولی عده ای از نخبگان ناشنوا مثل رضا محمودی با بهزیستی همکاری می‌کردند. نیز بدنه ناشنوا معمولاً در همه زمان ها با بهزیستی سازگاری دارد و مخالفت نمی‌کند.

لازم بود بهزیستی با فرهنگ سازی و با استمداد از امکانات و اهرم هایی که دارد، افراد مخل به پیشرفت ناشنوایان و افرادی که درصدد منافع شخصی خود بودند کنار می‌زد و افراد پاک دست و درستکار را حاکم بر تشکل ها می‌نمود. تعجب اینکه بهزیستی حتی از افرادی که با تمام وجود در راه اهدافش تلاش می‌کردند هم حمایت جدی نمی‌کرد. از این رو طی چند دهه نتوانست یک قشر نخبه در ناشنوایان دیگر معلولین به وجود آورد. به نظر بنده مدیران بهزیستی به رغم پرکاری و فعالیت بسیار، در زمینه ها مختلف ضعف های اساسی داشتند.

البته خانم آقامحمد مدافع عملکرد بهزیستی و سازمان صدا و سیما است و عامل همه نابسامانی ها را افرادی می‌داند که در رأس تشکل ها قرار گرفته اند و انحصار طلب و خودخواه هستند. اما من می‌گویم اگر بهزیستی درست کار می‌کرد، اینگونه افراد مجال پیدا نمی‌کردند تا در رأس قرار گیرند.

آقای کمالی با توجه به بند ۵ همین نامه آقای خسرو گیتی را به عنوان نماینده ناشنویان در گروهی که طرح قانون حمایت از حقوق معلولان را تدوین می کردند، قرار داد.

تصویر

با آرزوی موفقیت

خسرو گیتی

۶/۱

۱۳۷۹/۱۰/۱۰

۲۰۰۰  
مهرتاج امامی  
لطفاً برای این صندوق  
ارسال نامه و درج نام در این  
گیتینگ  
۱۰/۱۰

ص: ۲۶۶

## مخالفت علنی با برنامه های ناشنوایان در سیما (۸۰ و ۸۱)

با تلاش های فاطمه آقامحمد و همکاری جمعی از ناشنوایان و نخبگان فرهنگی، تیم فعالی برای اخبار ناشنوایان در شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی شکل گرفت. افراد این تیم عبارت بودند از:

مرتضی پیروزی (گوینده ناشنوا)؛ رضا محمودی (گوینده ناشنوا)؛ احمد نورمحمدی (گوینده شنوا)؛ محسن سعیدی (تهیه کننده)؛ حسن منظوری (تهیه کننده)؛ علیرضا جلالی (تهیه کننده)؛ فاطمه آقامحمد (سردبیر)؛ مهدی محمدی (تهیه کننده)؛ رضا دربندری (تهیه کننده).

این افراد با تقسیم کارها در هفته ها اخبار ناشنوایان را در سال های ۷۹ اجرا می کردند. فاطمه آقامحمد در جمع مزبور فعال تر و پیگیرتر بود و به همین دلیل در سال ۷۹ اقدامات برای ناشنوایان به مناسبت هفته جهانی ناشنوایان توسط معاونت توان بخشی بهزیستی کشور، تقدیر نامه ای به ایشان اعطا گردید:

به هر حال مدیریت خوب آقامحمد موجب شده است، امور این گروه، سامان گرفته و کارها به خوبی پیش می رفت.

اما از سال ۱۳۸۰ مخالفت ها نسبت به این فعالیت ها تشدید شد. چند تفکر مشخص پشت سر این مخالفت ها بود که تماماً از جریان مخالفین زبان اشاره نشأت می گرفت. چون اقدامات ناشنوایی در

تصویر

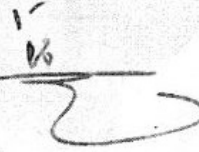
## تقدیر نامه

خواستن توانستن است.

جناب آقای  
سرکار خانم

تلاش و کوشش ارزنده جنابعالی را که عرصه‌های علم و دانش را با موفقیت طی نموده و با شایستگی خود تحسین جامعه را برانگیختید لرج می‌نمایم. امید است به یاری عالم یگانه در رسیدن به قله‌های علم و دانش موفق باشید.

دکتر محمد کمالی  
معاون امور توانبخشی  
سازمان بهزیستی کشور





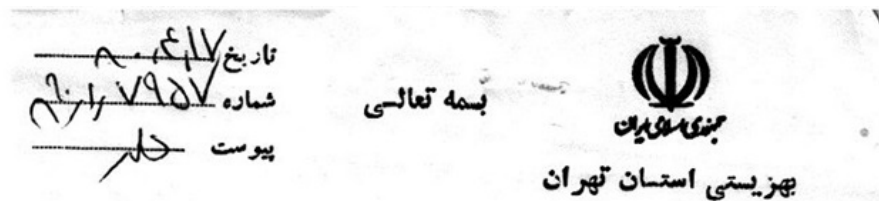
سیما بر اساس زبان اشاره استوار شده بود، از این رو کسانی که مخالف زبان اشاره بودند، در رأس مخالفین قرار داشتند. یونس لطفی که مدتی سرپرست بهزیستی استان تهران بود در تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۸۰ نامه ای به کمالی معاون توان بخشی سازمان بهزیستی نوشت. متن این نامه این گونه است:

نکاتی که در متن این نامه هست عبارت اند از:

۱. نویسنده این نامه به جای ناشنوایان، نابینایان نوشته است.

۲. کسانی در مخالفت با پخش مجری اشارات، مکاتباتی با بهزیستی تهران داشته اند. این مکاتبات توسط چه کسانی و چه محتوایی داشته معلوم نیست چون در اختیار عموم قرار نگرفته است.

تصویر



جناب آقای دکتر کمالی  
معاونت محترم امور توان بخشی سازمان بهزیستی کشور

سلام

احتراماً ، به پیوست تصویر مکاتبات انجام شده انجمن های نابینایان در خصوص پخش همزمان مجری اشارات در زمان پخش فیلم های سینمایی جهت استحضار و دستور رسیدگی و در صورت تأیید قطع پخش همزمان یا استفاده از راهکار بهتری ارسال میگردد. خواهشمند است دستور فرمائید پس از رسیدگی امر به ابلاغ نمایند.

دکتر یونس لطفی  
سرپرست بهزیستی استان تهران

دکتر یونس لطفی  
تاریخ ۱۷ تیر ۸۰

سازمان بهزیستی کشور
شماره: ۱۲۹۱۶
تاریخ: ۸/۱۸
پیوست: ۱



بسمه تعالی  
تاریخ ۲۰ تیر ۸۰  
حضرت دکتر کمالی  
معاونت محترم امور توان بخشی



۳. فقط خواستار رسیدگی به پخش همزمان رابط با فیلم های سینمایی است و از دیگر اقدامات مثل اخبار ناشنویان و زیرنویس دار شدن برنامه های سیما سخنی به میان نیاورده است.

در مورد هم زمانی رابط با فیلم قبلاً توسط مدیریت کانون ناشنویان و دیگر تشکل ها نامه هایی برای ریاست صدا و سیما ارسال شده بود و این موارد در رخدادهای سال ۷۸ و ۷۹ آوردیم.

۴. یونس لطفی خواستار قطع برنامه تا رسیدن به راه کار بهتر شده است.

کمالی این نامه را جهت ملاحظه برای خانم آقامحمد فرستاده و آقامحمد پس از بررسی ذیل نامه نوشته است: مورخ ۲۰/۴/۸۱ حضوراً خدمت معاون توضیح دادم. در مورد این توضیحات چیزی نمی دانیم و ایشان گزارشی منتشر نکرده است.

غیر از نامه یونس لطفی که به مخالفت با زبان اشاره مشهور است، نوشته ای از محمود پاکزاد در اختیار داریم که در ۱۶ مهرماه ۱۳۸۰ برای مسئول برنامه به خانه برمی گردیم سیما ارسال شده است. محمود پاکزاد از مخالفین سرسخت زبان اشاره است. اما مطلب او چنین است:

مسئول محترم برنامه به خانه برمی گردیم شبکه تهران و مجری محترم آن سرکار خانم امیرشاهی

در برنامه «تکرار» به خانه برمی گردیم، که در صبح پنجشنبه مورخ ۱۲ مهرماه ۸۰ پخش گردید در گفتگوی مجری محترم برنامه با خانم آقامحمد رابط ناشنویان سازمان بهزیستی مطالبی در مورد آموزش اشاره متداول بین ناشنویان به دیگر افراد عادی جامعه، به خصوص کودکان مطرح گردید که آگاهی موارد زیر را طلب می کند:

۱- در مورد مطالبی که خانم آقامحمد که همکاری سخت کوش در امور ناشنویان در سازمان بهزیستی است بیان داشتند، از جمله اظهارات بیان شده از طرف ایشان در مورد تأثیر مثبت فراگیری اشاره بر هوشی کودکان عادی، متأسفانه برخلاف نظر ایشان نه تنها اشارات بر هوش کودکان عادی اثری مثبت نمی گذارد بلکه به جهاتی اثرات منفی و زیانبار بر سیر تکاملی فراگیری زبان کودک و انحراف دقت و توجه او در سال های طلایی زبان آموزی خواهد داشت. زبان برای مرادده افراد جامعه است و در بهترین وضعیت پیشرفت آن زبان تکلمی امروزی است. آموزش اشارات به کودک عادی با توجه به حالت نمایشی اشارات که جاذب توجه کودک است وی را تا در حدی که تصور کنید از فراگیری زبان تکلمی که کودک در سنین طلایی فراگیری آن قرار دارد باز می دارد و لاقلاً اثری منفی می گذارد و ضمناً نیروی زبان آموزی وی را در این سنین حساس منحرف و تقسیم کرده تمرکز او را در فراگیری زبان تکلمی به جای هدایت در یک جهت در چند جهت تقسیم و صرف نموده و اثری منفی بر توسعه، رشد و شکوفایی زبان وی خواهد گذاشت و نتیجتاً استعداد او را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

۲- از چهار ساله اول زندگی کودکان به عنوان دوران طلایی زبان آموزی کودک یاد می شود و در این دوران شکوفایی زبان که قدرت تقلیدی وی در فراگیری زبان بی حد است کودک هر زبانی را با تلفظ صحیح آن فرا می گیرد. این امر حتماً برای بزرگسالان

مقدور نیست و معمولاً بزرگسالان زبانی را که فرامی‌گیرند با تکیه بر تلفظ زبان مادری است. لذا از این دوران طلایی، باید به طور کامل در فراگیری صحیح زبان کودک بهره گرفت و انحراف او به فراگیری اشارات بر زبان آموزی او لطمه جبران ناپذیری می‌زند.

دوران دوم و تکاملی توسعه زبان در نزد کودکان از ۴ سالگی تا ۱۲ سالگی (پایان دوره آموزش ابتدایی) است به همین لحاظ کودکان ناشنوا نیز باید در این دوره یعنی از تولد تا ۱۲ سالگی با استفاده از روش شفاهی تکلمی آموزش ببینند و گفتار را فراگیرند و پس از آن می‌توانند از اشارات به عنوان وسیله کمکی نه زبان اصلی در تفهیم و تفاهم بهتر بهره‌گیرند.

۳- ارائه و اشاعه اشارات از تلویزیون که یک وسیله ارتباطی فراگیر است مضرراتی را به همراه دارد. از جمله سبب می‌شود تا سایر کودکان استثنایی از جمله معلولین ذهنی، کودکان دیرآموز، کودکانی با فراگیری ضعیف و کودکانی با ناسازگاری‌های اجتماعی که آماده هرگونه انحراف از مسیر اصلی زندگی هستند اشارات را فراگیرند و به زبان آموزی توجهی نکنند و برخی از آنان به خصوص کودکانی با ناتوانایی‌های ذهنی مقداری از زبانی را هم که فرا گرفته‌اند و معمولاً برای گذران زندگی آنان کافی است از دست بدهند و زیان جبران ناپذیری عاید آنان شود.

۴- اصولاً علائمی که به عنوان زبان اشاره از آن نام برده می‌شود، زبان نیست زیرا زبان بر پایه علم فونتیک و قواعد دستوری پایه گذاری شده و زبان اشاره فاقد این نکات علمی است. لذا زبانی به نام زبان اشاره موجودیت علمی ندارد بلکه می‌توان از آن به عنوان علائم اشاره ای نام برد. همانند سایر علائم متداول در زندگی بشر از جمله علائم موریس در تلگراف، علائم نت موسیقی و یا علائمی که انسان‌های بدوی همانند خطوط تصویری از آن استفاده می‌کردند و یا علائمی که سرخ پوستان با ایجاد دود از آن برای ارسال برخی پیام‌ها بهره می‌گرفتند.

به خوبی واضح است که اگر به فرض محال قرار بود روزی جوامع بشری از علائم اشاره ای به جای زبان تکلمی استفاده کنند بشریت با رکود علمی کامل مواجه می‌شد پیشرفت علوم متوقف می‌گردید و اشارات برای پذیرش این تکامل نه تنها ناکافی که قابل استفاده نبود و به فرض اگر می‌خواستیم کتاب لغتی با علائم اشاره ای تدوین کنیم باید کتابی به قطر بیش از کره زمین داشته باشیم. سازمان بهزیستی از سال ۱۳۵۳ اقدام به اشاره سازی نموده و طی حدود ۳۰ سال حتی چند هزار اشاره هم ایجاد نموده که متأسفانه این اشارات برای تمامی ناشنوایان قابل استفاده هم نمی‌باشد. لازم به ذکر است که اینجانب مخالف آن نیستم که اشارات موجود در حد نیاز اولیه ناشنوایان سر و سامانی یکنواخت گیرد ولی استفاده از اشارات را پس از تکامل زبان تکلمی در ناشنوا و پس از پایان دوره ابتدایی توصیه می‌کنم.

استفاده از اشارات توأم با تکلم و لب خوانی است و اگر مجری محترم در روز یاد شده در برنامه به خانه برمی‌گردیم تعدادی از اشارات بسیار ساده خانم آقامحمد را دریافت نمودند

به خاطر توجه به حرکات لب گوینده و استفاده از صوت ضعیفی بود که ایشان هنگام انجام اشارات به کار می بردند.

۵- چرا به جای آن که کوشش بیهوده زبان آوری برای آموزش اشاره برای نمونه به حدود هفتاد میلیون ایرانی کنیم. حدود یکصد هزار نفر ناشنوا را مراد کلامی نیاموزیم. مسلماً افراد عادی چون نیازی به استفاده از اشارات ندارند آنها را فرا نخواهند گرفت و در صورت فراگیری به سرعت فراموش خواهند کرد ولی ناشنوا با توجه به اینکه نیازمند مراد به جامعه است در صورت فراگیری گفتار آن را حفظ خواهد کرد، عضو جامعه اطراف خود خواهد شد و مطرود و منزوی نخواهد گردید.

۶- در چنین مواردی که مسائلی علمی مطرح است آیا بهتر نیست مجریان و برنامه ریزان آن رسانه بسیار مهم و فراگیر از نظریات کارشناسان و متخصصان بهره گیرند.

یکی از اهداف تعلیم و تربیت گروه های مختلف استثنایی نزدیکی هر چه بیشتر این گروه ها به جامعه است که در آن زندگی می کنند. برنامه جهانی برای معلولین نیز بر این امر تأکید بسیار دارد. لذا با توجه به اینکه ناگویایی (لالی) لازمه ناشنوایی نیست بلکه ثمره آن است و هر ناشنوایی با بهره گیری از روش شفاهی و تخصص مریان ارزشمند این رشته می تواند به سهولت تکلم را فراگیرد آیا دیر نیست به آنان تکلم را یاد دهیم. اصولاً کدام علمی تر و عملی تر است یکصد هزار ناشنوا را تکلم آموختن یا هفتاد میلیون را اشاره غیر ضروری یاد دادن؟

۷- در مورد آموزش و پرورش، و بهره گیری از روش های آموزشی و مطالب علمی کودکان استثنایی، از جمله ناشنوایان سازمان آموزش و پرورش استثنایی مسئولیت مستقیم دارد و با داشتن کارشناسان ورزیده و مریان توانمند خدماتی ارزشمند انجام می دهد. لذا در چنین مواردی باید حتماً از نظر آنان هم بهره گرفته شود. دخالت بی مورد دیگران در مسائل آموزشی و پرورشی کودکان استثنایی به این قسمت از آموزشی و پرورشی لطمه جبران ناپذیری می زند.

۸- تکلم اولین حق مسلم هر کودک از جمله کودکان ناشنوا است. آنان که این حق را از وی دریغ می کنند نه تنها به ناشنوایان که به جامعه بشری خیانت کرده اند. تاریخچه زبان نشان می دهد که پیشرفت آن از علائم دیداری و اشارات به سوی تکلم و گفتار بوده و از اشارات طبیعی که بشر اولیه استفاده می کرده به خطوط تصویری و پس از قرن ها تکامل به زبان تکلمی امروزه رسیده است. که در حال حاضر بهترین وسیله مراد به و تفهیم و تفاهم تمامی جوامع بشری است. بدون شک اگر زبان تکلمی جهانی شود و تمام کشورها از یک زبان واحد استفاده کنند محققاً پیشرفت بشر سریع تر و تفهیم و تفاهم بیشتر خواهد بود.

لازم به ذکر است که بشر به چند جهت اشرف مخلوقات لقب گرفته و چند صفت تمایز او از سایر موجودات شده است. اولین موهبتی که سبب تمایز او از سایر مخلوقات شده است راست قامتی او است. قامت راست و استفاده از دستان آزاد وی را به سازندگی

و استفاده از ابزار تشویق نمود و به سبب نیاز، او توانست با دستن خویس وسایل و ابزاری برای زندگی بهتر و آسان تر طی قرن ها ایجاد کند. پس از راست قامتی تعقل، تفکر و تجسم صفات دیگری هستند که سبب پیشرفت بشر گردیده اند. و بالاخره تکلم نیز از جمله مواردی است که پیشرفت بشریت را سبب شده است. انسان با استفاده از گفتار توانسته است ساخته ها و اختراعات خود را با دیگران در میان گذارد و مشورت و تبادل نظر کند و سپس به صورت مکتوب به نسل های بعد منتقل کند و نسل بعد در صدد ادامه و توسعه آنچه انجام شده باشد تا به امروز که ما شاید پیشرفت دقیقه ای علوم، اختراعات و اکتشافات در زندگی بشر هستیم. در آینده ای نه چندان دور پیشرفت ها، شکفت انگیز خواهد بود و بسیاری از معلولیت ها مهار خواهند شد و مهندسی ژنتیک به موفقیت های بسیاری دست خواهد یافت. لذا تکلم که یکی از ابزارهای مهم پیشرفت در زندگی بشر بوده است را باید محترم شماریم و این هدیه خداوند را پاس داریم. اجازه دهیم تا ناشنوایان از طرق گفتار چون سایر انباء بشر مراده کلامی داشته باشند و در این موفقیت در هر حدی که ممکن باشد با ما همگام گردند.

در پایان مجدداً یادآور می گردم که من به هیچ وجه با استفاده از اشارات در زندگی ناشنوایان مخالفتی ندارم بلکه بر استفاده از تکلم در زندگی این قشر از هموطنان عزیز تأکید بسیار دارم. زیرا تکلم تنها وسیله علمی و صحیح مراده افراد جامعه است و ناشنوا با استفاده از گفتار به جامعه اطراف خود نزدیک می شود و از انزوا به در می آید. به امید روزی که هیچ کودک استثنایی بدون آموزش و هیچ کودک ناشنوایی بدون تکلم نباشد.

### پاسخ آقامحمد

اما آقامحمد در آن برنامه زنده پس از دریافت مطالب فوق از پاکزاد به خاطر زحماتی که برای ناشنوایان کشیده تشکر کرد و گفت: در همه دنیا روش های مختلف برای آموزش ناشنوایان اجرا شده است، مثل شفاهی و اشاره، اما ما اعتماد به روش ارتباط کلی داریم.

### درباره متن محمود پاکزاد

ایشان از زمان مرحوم باغچه بان با ایشان اختلاف نظر و اختلاف رویه داشت و نتوانست در مدرسه باغچه بان کار کند و مدرسه مستقلی برای ناشنوایان به نام نیمروز دایر کرد. آن طور که خودش نوشته او در سمت های زیر فعالیت داشته است.

- مدیر کل اسبق دفتر کل آموزش و پرورش استثنایی

- دبیر کل کانون ناشنوایان ایران

- مشاور عالی سابق فدراسیون ورزش های ناشنوایان

- بنیان گذار مجتمع آموزشی ناشنوایان نیمروز

- اهل قلم و نویسنده ده ها کتاب (دو جلد ضمیمه است)

- متخصص تعلم و تربیت و روانشناسی کودکان ناشنوا از آمریکا

- نماینده سازمان جهانی ناشنوایان در امور تعلیم و تربیت

در مورد آموزش کودکان ناشنوا که بر اثر زندگی از نوجوانی تا به امروز تجربه ای که در تنگاتنگ بودن او با ناشنوایان و مطالعاتی که انجام داده در متن به دست آورده در دست نویس موجود است.

در مورد اهمیت زبان اشاره در ایجاد ارتباط و فراگیری زبان با شما صحبت کنم. البته مطالبی را که بنده خدمتان عرض می کنم حتماً اکثر شما عزیزان به آن واقف هستید. اما برای اینکه به یک جمع بندی برسیم مطالبی را به صورت مختصر و کلی عرض می کنم.

می دانیم که همه جانوران به نحوی نیازمند ایجاد ارتباط با جانوران هم نوع خود هستند. و هر کدام راهی را برای این امر انتخاب کرده اند. مثلاً وقتی یک حیوانی با آغشته کردن تنه و شاخه درختان به ماده مترشحه گوشه چشمش قلمرو خودش را مشخص می کند و بدین طریق این اطلاعات را به حریف می دهد که او نباید وارد قلمرواش بشود پس بدین وسیله پیام خودش را منتقل می کند تا اینکه می رسد به انسان که حیوانی ناطق است او نیز با بهره گرفتن از سیستم شنوایی به وسیله گفتار اطلاعات خودش را منتقل می کند و این ارتباط از همان بدو تولد به دلیل داشتن نعمت شنوایی به خودی خود انجام می گردد. اما در مورد کودکانی که دچار نقص شنوایی هستند می بینیم آنها نیز کمبود شنوایی خود را با بهتر دیدن جبران می کنند و خداوند این توانایی را در اختیار آنان قرار داده است.

و آنها نیز با بهره گرفتن از این توانایی کمبود شنوایی خود را جبران می کنند اما دیگر این امر خود به خود به صورت نمی گیرد بلکه نیازمند آموزش است هم او و هم خانواده اش چرا که باید بگویم اکثر کودکان ناشنوا از پدر و مادر شنوا به دنیا می آیند.

مسئله دیگر که بسیار پر اهمیت است پژوهشگران بدین نتیجه رسیده اند که بهترین زمان یادگیری زبان از بدو تولد تا ۴ سالگی است و این دوره را دوره طلایی می نامند. متأسفانه برای یک کودک ناشنوا این زمان محدودتر می باشد به دلایل مختلف که یک مورد خیلی ساده آن بی بردن مادر یا پدر به نقص شنوایی کودک خود می باشد. چنانچه این کودک فرزند اول خانواده باشد برای اینکه الگویی وجود ندارد که عکس العمل های این کودک را با او در مقابل وجود صدا مقایسه کنند فقط مادر شکایت از ناآرامی های بی جای او دارد و گاهی به صورت گذرا اعتقاد دارد که نسبت به صداهای ناگهانی بی توجه است و این مسائل وقتی به صورت یک مجموعه مطرح می شود او تصمیم می گیرد تا به دنبال مشکل بگردد. و نهایتاً با بررسی های مختلف و مراجعه به مراکز ذیصلاح متوجه مشکل شنوایی فرزندش خواهد شد و بالاخره به ما می رسد در اینجاست که مسئولیت بزرگی به عهده ماست چرا که پیشنهاد یک راه صحیح، راهی که بدون مشقت و بدون آن که استرس و فشار روانی را برای کودک و خانواده او بیشتر کنند راهی که برای بهره جستن از آن به زبان کوتاه تری نیازمند باشد. راهی که وقتی خانواده از آن استفاده کرد رفته رفته نتیجه مطلوب را از آن دریافت کند و این امر باعث دلگرمی و آرامش و ایجاد رضایت و تشویق آنها برای ادامه کار گردد.

اینجاست که تجربیات کشورهای دیگری که در این امر پیش قدم تر از ما و هم موفق تر بوده اند برای ما ارزشمند می توان سرلوحه کار ما قرار بگیرد.

البته در حال حاضر فدراسیون جهانی ناشنویان که توسط خود ناشنویان اداره می شود و مرکزی پر اهمیت و بسیار فعال است که همه ساله در یکی از کشورهای عضو کنگره برگزار می کند. خط مشی کلی نیازهای ناشنویان را در تمام زمینه ها و از همه مهم تر چگونگی راه ایجاد ارتباط این عزیزان را در جهان تسهیل و حمایت می کند.

آنها عقیده دارند زبان اشاره برای ناشنویان از جایگاه ویژه و اهمیت خاصی جهت ایجاد ارتباط برخوردار است. زیرا که زبان اشاره زبان مادری اوست هر ناشنوایی است و باید به عنوان فرهنگ جامعه ناشنوا پذیرفته شود و جامعه ناشنوا به عنوان اقلیت زبانی از سوی جامعه شنوا شناخته شود.

توسط همین فدراسیون در بیانیه سالانکا که از اسناد مهم در سازمان ملل متحد در رابطه با معلولین است در سال ۱۹۹۴ قانونی را تصویب نمود که عینی آن را برایتان می خوانم:

«قوانین آموزشی باید تفاوت ها و موقعیت های فردی را در نظر بگیرند. اهمیت استفاده از زبان اشاره به عنوان وسیله ارتباطی برای ناشنویان باید مورد توجه قرار گیرد. باید مطمئن بود که تمامی ناشنویان امکان دستیابی به آموزش زبان اشاره ملی خود را دارند.

همچنین زبان اشاره از طرف یونسکو در سازمان ملل متحد به عنوان زبان اول کودکان ناشنوا پذیرفته شده است چرا که آنها اعتقاد دارند کودک ناشنوا نیز باید از ابتدای تولد در معرض کلمات قرار بگیرند با توجه به اینکه این کودکان از حس بینایی قوی تری بهره می برند پس اطرافیان او باید سعی کنند زبان اشاره را بیاموزند و در مقابل کودک ناشنوا از آنها استفاده نمایند. البته این مسئله در خانواده هایی که پدر و مادر ناشنوا دارند به خودی خود وجود دارد و کودک ناشنوایی که در چنین خانواده هایی به دنیا می آیند با مشکل کمتری روبه رو هستند و اعتماد به نفس بیشتری در آنها دیده می شود چرا که او نیز مانند کودک شنوا از همان ابتدای تولدش در معرض آموزش قرار می گیرد. چنین کودکی به راحتی احساساتش را بیان خواهد کرد. می تواند سؤال نماید. و پاسخ سؤالانش را دریافت کند و روز به روز به خزانه لغاتش افزوده می شود. زبانش رشد می کند و به راحتی مفهوم کلمات را می فهمد. سپس خودش تصمیم می گیرد با اقلیت جامعه خود با استفاده از زبان اشاره ارتباط برقرار کند و با افراد عادی چون به زبان تسلط پیدا کرده به راحتی ارتباط برقرار کند، زیرا روش ما ارتباط کلی است و همیشه تصمیم گیرنده استفاده از امکانات به عهده خود ناشنویان عزیز است. تا با توجه به توانایی خود از آن بهره مند شوند. در اینجاست که احساس امنیت می کند. پرخاشگری در او از بین می رود.



برنامه های زیرنویس و اخبار ناشنویان و استفاده از رابط در سیما تثبیت شده و تلاش های فاطمه آقامحمد و همکارانش موجب شد اصل این برنامه ها حذف نشود هر چند در روش اجرا یا ساعات این برنامه ها هنوز اختلاف وجود دارد و هنوز مباحث و منازعات مطرح است. لازم است کسانی مثل خانم آقامحمد و رضا محمودی و مرتضی پیروزی و دیگر همکارانشان تجارب خود را مطرح کنند و در اختیار مدیران جوان قرار دهند تا آنان مجبور نباشند از صفر و با آزمون و خطا پیش بروند. اگر میزگردهایی توسط بهزیستی و صدا و سیما اجرا و از شخصیت های فعال این برنامه را دعوت کنند تا به صورت چالشی و انتقادی دستاوردهای خود را مطرح کنند. این دیدگاه ها پیاده و به صورت کتاب در اختیار کارشناسان قرار گیرد. البته کتاب حاضر تا حدی این رسالت را انجام خواهد داد و آراء و تجارب این فعالان را ضبط و ثبت می نماید.

### گسترش اخبار ناشنویان

اخبار سیما توانسته از طریق تصاویر و فیلم و زبان اشاره رابط که آن هم نوعی تصویر است، آگاهی های ناشنویان را افزایش دهد و از این طریق مشارکت و حضور اجتماعی آنان را توسعه داده است. از این رو کارشناسان و مدیران به فکر توسعه اخبار ناشنویان افتادند. اکنون به برخی اسناد در این باره می پردازم.

عزت الله ضرغامی مدیر امور استان ها در سازمان صدا و سیما به مدیرکل های مراکز سی گانه صدا و سیما و در استان ها در تاریخ ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۱ نامه زیر را ارسال کرده است:

پس از یکسال جلسات مختلف بالاخره تصمیم گرفته می شود با همکاری سیما و بهزیستی بخش اخبار در استان ها توسط رابط فعال گردد.

سند دیگری هست که مربوط به ۲۶ بهمن ماه ۱۳۸۱ می باشد و آقای پورنصاری مشاور و مدیر در صدا و سیما از معاونت توان بخشی درخواست رابط کرده است.

خانم آقامحمد در ۲۸ خردادماه ۱۳۸۲ گزارشی به شبکه خبر درباره شیوه اجرایی اخبار ناشنوایان نوشته است که شامل نکات سودمندی است.

آقامحمد تلاش کرده طرح جامع بدهد و در پایان طرح هم نوشته، اینجانب جهت هرگونه همکاری اعلام آمادگی می کنم.

با اینکه به دلیل تجارب و تبحر آقامحمد لازم می بود، مدیریت شبکه خبر به سراغش می رفت و دعوت به همکاری می نمود. اما اعلام آمادگی خودش هم گویای صداقت و دلسوزی او است.

پیرو مذاکره حضوری با جنابعالی که فرمودید شبکه خبر در نظر دارد بخش مشروحي در بعدازظهر یعنی ساعات ۱۶ الی ۱۸ به ناشنوایان اختصاص دهد و چنانچه اینجانب طرحی دارم ارائه نمایم. طرح پیشنهادی را با توجه به اولویت اجرایی و تأکید بر خبر مشروح به لحاظ تنها بخش خبری روزانه برای جامعه ناشنوایان ایفاد می نمایم.

امروزه رویکرد رسانه های جهان ارتقاء سطح آگاهی جامعه از اقدامات و اتفاقات حیطه زندگی و دنیا در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی آموزشی و فرهنگی می باشد. تلویزیون نیز به عنوان رسانه ای فراگیر به طور ویژه این رسالت را بر عهده دارد. از آنجا که تلویزیون رسانه ای برای همه آحاد جامعه می باشد موظف است برای شماری از افراد جامعه که به دلایلی دچار محدودیت هایی جهت بهره مندی از این رسانه ملی شده اند برنامه ریزی خاص نماید. کم شنوایان و ناشنوایان یکی از گروه های فوق می باشند. زیرا به لحاظ نشنیدن قادر به بهره مندی از امکانات سیما که برای آنان اولویت دارد به صورت عام ممکن نمی باشد که می توان با اقدامات خاص و با روش ارتباط کلی (صدا، لب خوانی، زبان اشاره) توسط رابط ناشنوایان بخشی از برنامه ها را برای این عزیزان قابل استفاده نمود. و همسو با برنامه جهانی ایجاد فرصت های برابر در جامعه برای همه افراد شد. این عملکرد در سطح جهانی از طرف اتحادیه رادیو تلویزیون های اروپا EBU و آسیا ABU پذیرفته شده و مورد عنایت است که رسانه سیما در بسط و گسترش اطلاع رسانی به موقع برای نیمه شنوایان و ناشنوایان اقدامات ویژه ای انجام دهد در این راستا سیمای جمهوری اسلامی در دهه اخیر با این اقدام ارزشمند برای جامعه ناشنوایان به عنوان شهروندی دارای حق بهره مندی از این رسانه در منطقه پیشتاز بوده و شبکه خبر با پتانسیل موجود در زمینه اطلاع رسانی به این امر مهم عنایت داشته و از

ابتدای تأسیس بخشی از خبرهای مشروح «داخلی، خارجی، فرهنگی، علمی و ورزشی» را جهت عزیزان ناشنوا توسط رابط ناشنویان قابل استفاده نموده است.

البته روش های مختلفی جهت اجرای هر چه بهتر این اقدام و بهره مندی کامل جامعه ناشنویان وجود دارد که با توجه به اولویت آنان به شرح ذیل ارائه تا ان شاءالله با یاری خداوند یکتا و مسئولین دلسوز با اجرای آن بتواند در این مورد نیز سیمای جمهوری اسلامی ایران در منطقه اسکاپ نمونه گردد.

زمان پخش خبر برای ناشنویان

- ساعت پیشنهادی از ۱۶ الی ۱۸ به دلیل نبودن برنامه خاص در شبکه های دیگر سیمای جهت پخش

- مدت زمان ۱۵ الی ۲۰ دقیقه در روز به صورت مشروح

اختصاص بخش ویژه برای ناشنویان

خبرهای این بخش گزینه ای از خلاصه خبرهای مشروح نیمروزی و کلی خبرهای پخش شده تا آن ساعت با همان تصاویر باشد

- خبرها با نظارت کارشناس امور ناشنویان که تخصص بر روش ارتباط کلی و نیاز جامعه ناشنویان دارد ویرایش گردد.

- چگونگی پخش «اجرا»

- یک سوم از صفحه تلویزیون در سمت چپ اختصاص به رابط ناشنویان داشته باشد که به صورت ایستاده کمی از نیم تنه بیشتر. دو سوم از صفحه ویژه تصویر خبری باشد تصاویر در کادر تعبیر گردد و در زیر این کادر به اندازه دو سطر خالی باشد.

- ابتدا: سطر. آرم بین المللی ناشنویان و با رنگ استاندارد آبی حکک شود.

- زیر تصاویر خبری بعد از آرم. عنوان خبر به صورت زیرنویس و در مواقع شعار مردم گفته ها به صورت زیرنویس درج گردد.

- گوینده عادی در کابین بخواند.

خواندن خبرها

- سرعت خواندن خبر کمی آرام تر از روشی که برای افراد عادی خوانده می شود.

(در عادی هر سطر ۶ ثانیه اگر باشد برای ناشنویان هر سطر ۸ ثانیه بهتر است)

روش دوم

در همین بخش خبری ویژه برای ناشنویان

- خلاصه ای از خبرهای پخش شده در روز و نیمروزی در ساعت ۱۶ الی ۱۸ با همان تصاویر و همان مدت زمان اما به صورت دو گوینده شنوا و رابط



- رابط ایستاده مانند روش قبلی ۳/۱ تصویر و در کادر گوینده شنوا

در مواقع لزوم برای تصاویر خبری گوینده شنوا حذف و پخش تصاویر خبری در کادر قرار گیرد.

روش سوم

پخش خبرهای نیمروزی برای کل جامعه

- با همین روش کنونی که در حال حاضر پخش می گردد

- در ساعت ۱۶ الی ۱۸ به صورت مشروح

یعنی باز کردن دریچه ای در گوشه چپ تصویر جهت رابط ناشنویان و ترجمه همزمان اخبار برای جامعه ناشنویان

ص: ۲۷۸

خود ناشنویان و تشکل های ناشنویایی چه نظری دارند؟ آیا بر این باوراند که برنامه های سیما موجب پیشرفت آنها شده و در زندگی آنها مؤثر بوده است؟ دیدگاه و داوری آنها در مورد فاطمه آقامحمد و فعالیت هایش چیست؟

بررسی آراء و نظرات و داوری های تشکل ها و افراد ناشنوا در تهران و شهرها نیاز به تحقیق مستقل میدانی دارد و به راحتی امکان پذیر نیست. اما در حدّ نامه هایی که برای سیما یا برای آقامحمد نوشته اند می توان حدس زد داوری و نظر آنها مثبت است. صدها نامه تاکنون به آقامحمد رسیده و از تلاش های او قدردانی و سپاسگزاری کرده اند به عنوان نمونه فقط چند نامه را می آورم. لازم است این نامه ها در یک جلد کتاب یا حداقل اسکن و در یک CD نگهداری شود. همچنین در اختیار مراکز و کتابخانه های بزرگ و ملی گذاشته شود تا از نابودی آن ممانعت به عمل آید. نامه ها معمولاً مفصل است و فقط چند جمله آن را می آورم.

سلام علیکم

خانم آقامحمد خسته نباشید حال شما خوب است چطور هستید، نماز و روزهایتان قبول باشد «ان شاءالله». دلم برای شما تنگ شده است. من برای شما دعا می کنم. ان شاءالله هر چه می خواهید خدا به شما بدهد.

قم، رقیه اخوان

با عرض سلام مجدد خدمت شما خانم آقامحمد

امیدوارم که حالتان مثل همیشه خوب باشد ببخشید نامه را دیر پست کردم به خاطر اینکه شوهر خواهرم (دخترخاله ام) فوت کرده بودند برای همین نتوانستم به موقع نامه را پست کنم ما بچه های ناشنوای مدرسه نیمروز از شما تقاضا داریم که در برنامه به خانه برمی گردیم که در جلسه بعد به عنوان هفته جهانی ناشنوا بر پا می شود در آن برنامه از همه دست اندرکاران شبکه تهران که برای ما زحمت می کشند تشکر بکنید و ما به خصوص از خانم شفیععی که مجری برنامه به خانه برمی گردیم هم هست خیلی تشکر می کنیم برای اینکه بچه های ناشنوا را خیلی دوست دارند.

تهران، مهدیه بهشتی مقدم

جناب آقای حاج جعفری نیا

بالاترین سپاس ما را که از ژرفای سکوت با فریادی از دل برمی خیزد پذیرا باشید جناب آقای جعفری نیا با تشکر و سپاسگزاری از زحمات شما در تلویزیون صدا و سیما با رابط پخش شود و به فکر جامعه ناشنوا بوده اید. از آنجا که ما ناشنوایان در ارتباط مانند افراد عادی نیستیم و خیلی چیزها را نمی دانیم از شما عذرخواهی کرده برنامه های مخصوص ناشنوایان در تلویزیون افزوده شود که این کار خداپسندانه به خاطر ناشنوایان ایرانی می باشد. من از شما و همکاران محترم شما که بسیار زحمت می کشید بسیار تشکر می کنیم و همچنین خانم آقامحمد که برایشان آرزوی توفیق و سلامتی می کنم. ان شاءالله در مراحل زندگی تان موفق و مؤید باشید.

شهناز شعبانی

سلام خانم آقامحمد (فاطمه عزیزم):

با عرض سلام. امیدوارم که همیشگی حالتان خوب خوب داشته باشید.

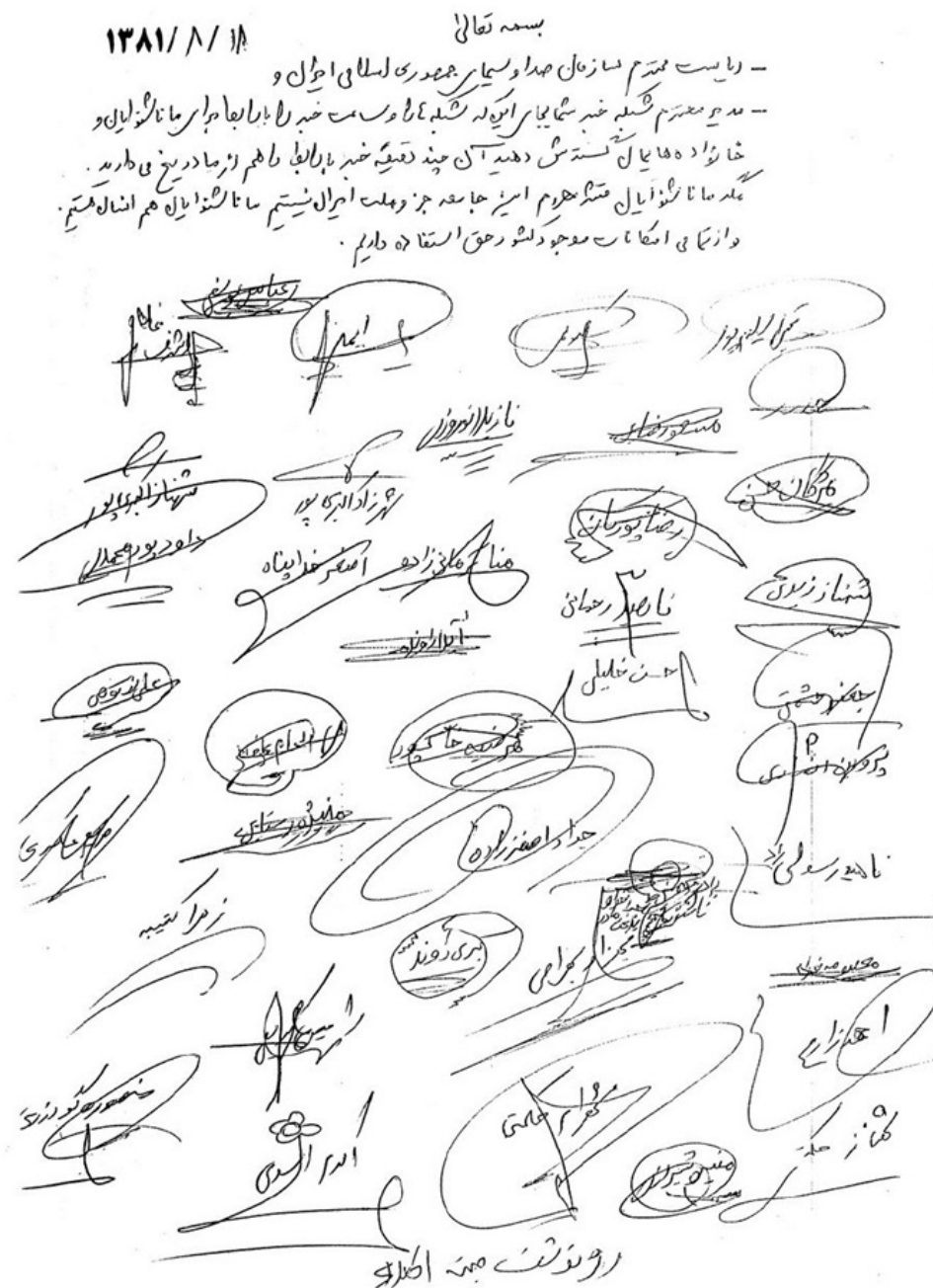
و اگر از حال من جويا باشی بحمدالله خوب هستم. به خصوص آن روزی که نامه ام در روز چاپ شده، خیلی خیلی خوشحال شدم. ان شاءالله که در زندگی بچه هایت و به خصوص نوه عزیزت (نام آن یادم رفته) موفق و سربلند و شادکام داشته باشید و هم سلامتی و خوشبختی شما.

خانم آقامحمد راستی می خواستم از شما تشکر کنم که این زحمات برایم محبت آمیز بوده و امیدوارم که زحمات شما را جبران کنم.

نامه های بسیاری به آقامحمد رسیده که چند نفر امضاء کرده یا تشکل ها نوشته اند. برای نمونه اسکن دو نمونه از این گونه نامه ها را می آورم.

نامه اول توسط جمعی از ناشنویان امضاء شده و از اخبار ناشنویان که خانم آقامحمد دبیر آن است تشکر کرده اند. و نامه دوم توسط کانون ناشنویان سیستان و بلوچستان ارسال شده است.

تصویر



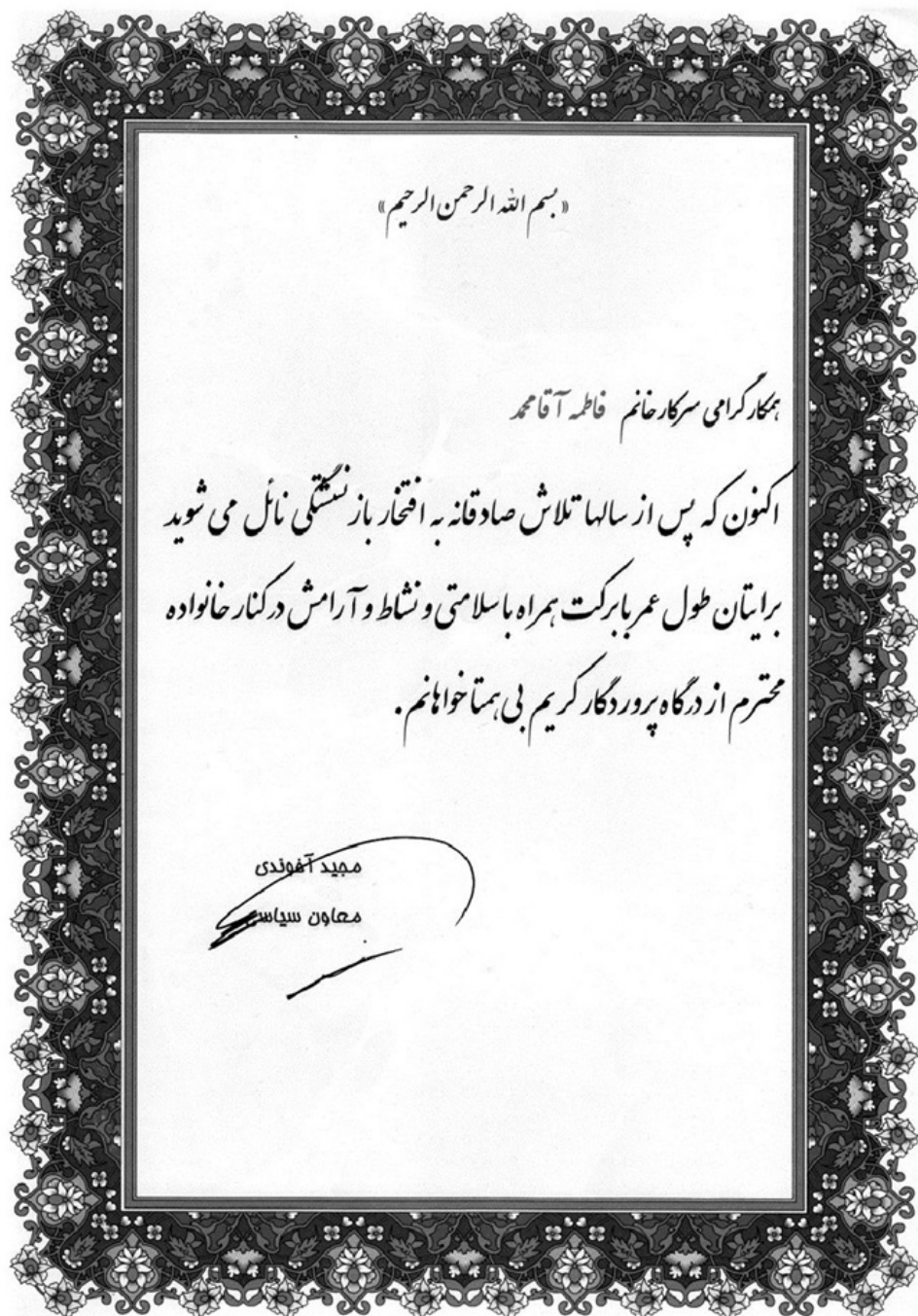


اینها نمونه هایی از صدها نامه ای است که جهت تشکر از زحمات آقامحمد فرستاده اند. جای خوشوقتی است که کارهایی انجام دهد و به چنین سرمایه بزرگی برسد. کسانی در طول تاریخ تلاش کردند و به ثروت های بسیار مادی رسیدند ولی پس از فوت آنان همه توسط دیگر تصاحب شد. اما کسانی هم با نیکوکاری سرمایه ای معنوی شامل رضایت مردم، محبت افراد را به دست آوردند و این سرمایه همیشه در کنار آنها ماندگار است. آقامحمد با تلاش و دلسوزی، کارهایی انجام داده که سال ها و نسل ها باقی می ماند و از آن استفاده می شود و رضایت عمومی همواره در کنار او است.

ص: ۲۸۲

انسان های بزرگ، قدم خیر را برای نام و نان برنمی دارند، آقامحمد هم اقداماتش و تلاش هایش در چهار دهه برای کسب شهرت نبوده است. اما متعارف است از زحمات و خدمات افراد تشکر شود و لوح یادبود و تقدیرنامه ای به او اعطا گردد. در بهزیستی هم، زمان مدیریت دکتر کمالی به عنوان کارمند نمونه انتخاب گردید که در روز زن در سالن اجلاس ریاست جمهور وقت آقای خاتمی با اهدا سکه از ایشان تقدیر نمود. همچنین مدیریت میانی صدا و سیما از ایشان تشکر نموده اند.

اما تقدیر و تشکرهای مدیران میانی صدا و سیما این گونه است:



۱۳۹۵ آبان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سرکار خانم فاطمه آقاچه

سلام حکیم

اینک که به افتخار بازگشتی نائل شده اید، بر خود وظیفه می دانم که از زحمات و تلاش های جنابعالی در طول سالین گذشته تشکر و قدردانی نمایم.

بخوبی می دانم که تشکر بنده جبران کننده ذره ای از تلاش های جنابعالی هم نخواهد بود ولی از باب وظیفه و از آنجا که "من لم یسکر المخلوق، لم یسکر الخالق" به نایبندگی از اداره گل اخبار سیما از سالها تلاش جنابعالی تشکر می کنم. برای شما و خانواده محترم

آرزوی سلامت و توفیق دارم. ۱۳۹۵ آبان

شهرام وثوقی راد

مدیر گل اخبار سیما



فصل پنجم: گفت و گو

اشاره

ص: ۲۸۷

فاطمه آقامحمد در شرایط مختلف و با بروز رخدادهای مهم، با خبرنگاران گفت و گو انجام داده است. اولین مصاحبه او در دی ماه ۱۳۷۷ و آخرین مصاحبه در بهمن ۱۳۹۱ انجام و منتشر شده است.

جمعاً ده مصاحبه از ایشان در اختیار داریم؛ نیز در دو میزگرد شرکت داشته و همراه دیگر کارشناسان و همکاران به بحث و بررسی مسائل و پرسش ها پرداخته است.

دوازده عنوان میزگرد و مصاحبه که بین سال های ۷۷ تا ۹۱ اجرا شده شامل اطلاعات سودمند و ارزنده درباره مسائل معلولان به ویژه ناشنوایان، خانواده های آنان، راه کار برای زندگی بهتر، آموزش و پرورش آنان، تعامل جامعه با آنان، نقش رسانه به ویژه رسانه ملی در انعکاس مسائل و مشکلات معلولان است. در واقع سال های ۷۷ تا ۹۱ را باید دوره پختگی خانم آقامحمد در امور ناشنوایان دانست و اظهارات او در این گفت و گوها گویای همین نکته است.

یافته های خانم آقامحمد تجربی است و با تمرین و ممارست و مطالعه اطلاعات و تحلیل هایی به دست آورده است. از این رو معلوماتش می تواند راهگشا باشد. اما متأسفانه رسانه ها به سراغ افراد مشهور می روند و از نخبگانی که گوشه گیر و غیر مشهورند، دعوت نمی کند و به سراغ آنها نمی روند، با اینکه سخنان اینان از اهمیت بیشتر برخوردار است. امید است با شناخته تر شدن این گونه نخبگان جامعه و توجه به راه کارها و تجارب آنان، مشکلات معلولین کاهش یابد.

دوازده گفت و گو با ایشان در دو بخش مصاحبه و میزگرد دسته بندی شده اند. نیز هر یک از این ها شامل طلوعه و مقدمه ای است که به توضیح چند نکته می پردازد: مصاحبه گر را معرفی می کند، رسانه ای که این گفت و گو را انجام داده و زمان و شرایط تاریخی آن را بیان می کند. نیز محتوای گفت و گو و سرفصل هایی که در مصاحبه به آن پرداخته شده، معرفی می شود.

از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۱، رسانه هایی مثل روزنامه، مجله و خبرگزاری با خانم فاطمه آقامحمد ده مصاحبه انجام داده اند که به ترتیب تاریخی می آورم.

### سکوت و تنهایی در دنیای ناشنوایان

سکوت و تنهایی در دنیای ناشنوایان (۱)

#### توضیح

گفت و گوی کاملیا سلهکی خبرنگار روزنامه زن با فاطمه آقامحمد رابط ناشنوایان در تلویزیون و کارشناس امور ناشنوایی در سازمان بهزیستی در ۲۴ دی ماه ۱۳۷۷ است. این مصاحبه بعداً در جزوه بریده جراید که روابط عمومی بهزیستی منتشر می کرد، آورده شد.

فاطمه آقامحمد، ۲۴ سال است که با ناشنوایان و برای ناشنوایان کار می کند. رشته تحصیلی او ادیولوژی (شنوایی شناس) است کارشناس امور ناشنوایان سازمان بهزیستی و در حال حاضر به دلیل علاقه و تجربه ای که سال ها در این راه آموخته است به عنوان اولین رابط ناشنوایان، همزمان در سریال روزگار جوانی (شبکه ۵) و تصویر زندگی (شبکه ۲ سیما) به امر برگردان گفتارهای متن به زبان اشاره و قابل فهم ناشنوایان مشغول است.

فاطمه آقامحمد دوست دارد با نشانه دوست داشتن عکسی داشته باشد و می گوید: من افتخار می کنم که رابط بچه های ناشنوا باشم و برای آنها کار کنم. من تازه تحصیلات دبیرستانی خود را به پایان رسانده بودم که با این کودکان آشنا شدم. در آن وقت کتاب و زبان اشاره به شکل امروزی گسترده نشده بود ما گروه کوچکی بودیم که با یکدیگر همکاری می کردیم و من برای مفاهیم و جملاتی که بیان می شد شکل می کشیدم. همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی، کتاب اشاره چاپ شد و تا به امروز هم مانند دیگر زبان ها رشد و تکامل یافته است.

او می گوید: ناشنوایان بسیار مظلوم واقع شده اند زیرا معلولیت آنها نامحسوس است. نایبایی مشخص است و اگر فردی به یک نابینا کمک کند از این کمک احساس رضایت می کند. اما اتومبیل ها پشت سر فرد ناشنوا بوق می زنند و احساس خشم می کنند. تمام معلولان می توانند افکار و ذهنیات خود را با زبان بیان کنند. ولی ناشنوایان دنیایی در دل دارند که قادر به بیان آن نیستند. آنها افرادی صمیمی و قدرشناس هستند که در محرومیت به سر می برند.

آقامحمد در ارتباط با استقبال خانواده های ناشنوا و تأثیرگذاری این طرح در روحیه آنان می گوید: من هر روز دو ساعت از اداره می روم و برمی گردم در این مدت یک ساعت برای سراسر ایران برنامه اجرا می کنم.

ص: ۲۸۹



البته جای توضیح دارد که این اولین بار نیست که در دنیا از رابط ناشنوا در تلویزیون استفاده می شود. این تجربه ای موفق است که حتی در کشورهای همسایه ما مثل دوبی و عربستان هم از آن استفاده می شود. اما ترجمه به طور همزمان برای اولین بار در جهان است. من همان طور که سریال را می شنوم به زبان اشاره برمی گردانم. ویژگی و برتری این مسئله در این است که زیرنویس بسیار خشک و رسمی است و به درک مفاهیم کمکی نمی تواند بکند در صورتی که زبان اشاره بسیاری از مفاهیم انتزاعی را که برای ناشنوایان قابل فهم نیست به صورت ساده و قابل درک در آورده و به ناشنوا منتقل می کند.

وی می گوید: خیلی از برنامه های سیما تکراری است و من فقط روی برنامه های تکراری تصویر دارم و فکر نمی کنم مزاحمتی برای افراد عادی ایجاد کند. با توجه به اینکه ای کاش کمی قدر داشته های خود را بدانیم و به افراد محروم از نعمت های خدا نیز فکر کنیم. ارتباط من با افراد ناشنوا دنیا دیگری را به روی آنها گشوده است. قبل از این خانواده ها مشکلات بسیاری را با فرزندان خود داشتند. آنها دوست داشتند تلویزیون را ببینند و بفهمند که چه می گوید و مرتب از خواهر و برادر و پدر و مادر خود در ترجمه این گفتار کمک می خواستند و این امر باعث تنش های بسیاری در خانواده می شد. گوشه گیری و انزوا، خشم و حسرت از عواقب کوچک ناتوانی در عدم ارتباط با بقیه افراد عادی و دنیای روز است.

مادری به من می گفت: کودک ناشنوای من همیشه در گوشه ای می نشیند و منزوی است. از وقتی شما برنامه اجرا می کنید، در یک متری تلویزیون می نشیند و تصویر شما را می بوسد و می گوید این خانم هم مثل من است. این مادر می گفت: شما به بچه های ما هویت و ارزش دادید و آنها را به دنیای روزمره وارد کردید.

از دورترین استان های کشور یعنی سیستان و بلوچستان و مشهد و زاهدان خبر داریم که هنگام پخش برنامه تصویر زندگی کلاس ها تعطیل می شود و شور و اشتیاق آنها هنگام تماشای این برنامه حیرت آور است.

وی اضافه می کند: تصویر من بر روی تکرار برنامه های تلویزیونی پخش می شود و مشکلی برای افراد عادی ایجاد نمی کند ولی همین تصویر کوچک، روزنه ای است به دنیای سکوت و تنهایی افراد ناشنوا ما آرزو داریم این برنامه به صورت ثابت و تکلیفی برای صدا و سیما در آید و این پل ارتباطی قطع نشود.

ما محتاج حمایت صدا و سیما و سایر مسئولین هستیم و از تمام کسانی که به نوعی در این کار ما را یاری کردند تشکر می کنیم.

فقط از مردم خوبمان استدعا دارم به زمانی فکر کنند که خدای ناخواسته روزی در اثر عارضه ای جزئی مثل سرماخوردگی گوش فرزندشان بگیرد و برای ساعتی نتوانند بشوند. آنگاه به یاد مادرانی باشند که عمری در راه به ثمر رسیدن فرزندان ناشنوایشان صبر و تحمل نموده اند. این دعای مادر فرزندی ناشنواست که تلنگری بر روح و جان ما می زند.

باور کنیم دیگران هم حق دارند (۱)

توضیح

زرین رستمی وند خبرنگار روزنامه ایران با خانم فاطمه آقامحمد مصاحبه ای انجام داده که در ۳۰ تیرماه ۱۳۷۸ همان روزنامه (ص ۶) منتشر شده است. رستمی وند در طلوعه این مصاحبه نوشته است:

گاهی کنار تصاویر تلویزیون پنجره ای باز می شود تا به واسطه زبان اشاره، عزیزان ناشنوا با دنیایی تازه آشنا شوند، قاب پنجره را حضور یک چهره آشنا پر می کند و آن وقت، سکوت تلویزیون برای ناشنوایان می شکند.

«اوایل خیلی ها می گفتند این دیگه کیه، تصویر خراب شده و... اما کم کم بچه های ناشنوا و حق آنها را قبول کردند...»

این را فاطمه آقامحمد می گوید. همان که چهره آشنایش قاب آن پنجره را پر می کند تا از سکوت برای ناشنوایان، واژه بسازد. تنگ نظری نکنیم. این پنجره برای خیلی ها روزنه ای است دیر یافته.

\* خانم آقامحمد چطور شد این شغل را انتخاب کردید؟

- وقتی دیپلم گرفتم در اطلاعیه ای در روزنامه خواندم که مدرسه باغچه بان نیاز به نیروی انسانی دارد. من هم که می خواستم کاری را انتخاب کنم که هم برای گروهی نفع داشته باشد و هم مورد رضای خدا باشد، این کار را شروع کردم. البته اوایل، کار سختی بود ولی به مرور با این کار خو گرفتم و با علاقه خاصی آن را ادامه دادم. در ابتدا زبان اشاره به شکلی که حالا دیده می شود، وجود نداشت. اشاره به صورت پراکنده و مادرزادی بین ناشنوایان استفاده می شد. بعدها کمیته ای تشکیل شد و بعد از تحقیق و بررسی و با توجه به زبان گفتاری و نوشتاری، اشارات جدید اضافه شد و رفته رفته در بین ناشنوایان جا افتاد.

\* کار رابط با توجه به اینکه گفته ها را بلافاصله به زبان اشاره به ناشنوایان منتقل می کند. مشکل است. در برنامه های سیمما، غیر از شما و یک رابط خانم دیگر رابط دیگری نمی بینیم. تعداد رابطان محدود است؟

- متأسفانه تعداد رابطان که بتوانند به طور کامل این کار را انجام دهند از تعداد انگشتان دست هم محدودتر است. ولی ان شاء الله با توجه به نیازی که الان حس شده، درصدد هستیم دوره ای تشکیل دهیم و گروه متخصصی را تربیت کنیم.

\* درباره مشکلات بچه های ناشنوا بگویید و تأثیر برنامه های تلویزیون روی آنها؟

ص: ۲۹۱

- بزرگترین مشکلی که بچه های ناشنوا دارند، مسأله ارتباط نداشتنشان است. چون نمی توانند ارتباط کامل برقرار و خواسته هایشان را مطرح کنند جامعه هم نمی تواند آنها را درک کند. الآن برنامه صدا و سیما را تنها با این هدف شروع نکردیم که وقت تفریح و سرگرمی و فراغت این افراد را پر کرده باشیم. در کنار این کار، یک کار توانبخشی صورت می گیرد. یعنی از یک طرف دیدگاه جامعه نسبت به این گروه تغییر می کند؛ ما اکنون شاهد این تغییرات در جامعه هستیم و از زبان بچه های ناشنوا می شنویم که می گویند دیگر وقتی دو نفری با هم حرف می زنیم به ما به دیده تمسخر نگاه نمی کنند. الآن جامعه می داند که این افراد ناشنوا هستند و زبانشان به این نحو است.

از طرفی این کار برای خود بچه ها یک کار توانبخشی است و تمام بچه های ناشنوا تحت پوشش قرار می گیرند. سفری به خوزستان داشتم. در آنجا مادری سراسیمه پیش من آمد و گفت: می خواهم از شما تشکر کنم. گفتم: چطور مگر؟ گفت: یک روز قصد داشتم از منزل خارج شوم. برنامه «تصویر زندگی» شروع شد. بعد من بیرون رفتم و وقتی برگشتم، ناخودآگاه از دخترم پرسیدم که «اوشین تمام شد؟» و او گفت: بله و موضوع آن را برایم تعریف کرد. در حالی که همیشه من بودم که موضوع سریال را برای او تعریف می کردم.

بعضی از مادران هم می گفتند، بچه هایمان که این برنامه را می بینند حتی آشپزی هم می کنند.

\* احتمالاً بچه های ناشنوا در این برنامه ها با لغاتی آشنا می شوند که قبلاً در دایره واژگان آنها نبود. همین طور است؟

- بزرگ ترین خدمتی که زبان اشاره به بچه های ناشنوا می کند، ایجاد درک مفاهیم است. یعنی کودک ناشنوا به معنای دقیق لغت پی می برد. مثلاً یکی از مواردی که یکی از بچه های ناشنوا به من گفت این بود که برای نخستین بار تو با حرکت لب گفתי چشم افتاد ولی با اشاره گفתי دیدم و من تازه فهمیدم که چشم افتاد، دیدن هم معنی می دهد. این بچه کلاس دوم راهنمایی است. الآن در جهان، دیگر درباره چگونگی روش ها صحبت نمی شود. بلکه این مسأله مطرح می شود که زبان اشاره برای ناشنوایان یک زبان مادرزادی است و جامعه شنوا باید جامعه ناشنوایان را به عنوان اقلیت زبانی بپذیرد و به این زبان احترام گذاشته شود.

\* خانم آقامحمد، زبان اشاره در کشورهای مختلف متفاوت است؟

- از آنجا که اساس زبان اشاره بر دیدار است، به همین دلیل متفاوت است. مزیت زبان اشاره ما این است که از حروف کمتری استفاده شده ولی در نهایت می توانند با هم ارتباط برقرار کنند. هر کشوری زبان اشاره مخصوص به خودش را دارد. سازمان ملل هم به این قضیه اهمیت می دهد و اعتقادش به زبان اشاره مادرزادی است. اعتقاد ما هم بیشتر به زبان اشاره مادرزادی است و اشارات جدید را دسته دسته به این کلمات اشاره اضافه می کنیم تا ناشنوایان هم به مرور با آن لغات آشنا شوند.

\* پس آنان حتی اگر از کشورهای مختلف باشند، راحت تر با هم ارتباط برقرار می کنند؟

- بله. همین طور است.

\* حرف درباره کمبودها و مشکلات و برخوردها و ... زیاد است. در این باره هر صحبتی دارید بفرمایید؟

- آنچه که مسلم است این است که ناشنوایان در این جامعه زندگی می کنند و ما در قبال آنها مسئول هستیم.

در خانواده ای که دارای پنج فرزند است اگر یکی از آن فرزندان معلول باشد، تمام اعضای خانواده بسیج می شوند که به آن یک نفر کمک کنند و او را هم به حد بقیه برسانند یا به او بی اعتنایی می کنند؟ مسلماً به او کمک می کنند نه بی اعتنایی. آیا واقعاً در یک خانواده چنین دیدگاهی است که در جامعه چنین شود؟

الآن بینش جهانی هم این طور نیست. آنها برنامه ریزی هایی می کنند و امکاناتی تدارک می بینند که شاید روزی معلولی از آنها بهره بگیرد. حتی برای افرادی که مشکلات ذهنی دارند در جهان برنامه ریزی می شود. در حالی که بچه های ناشنوا مشکل خاصی ندارند.

\* خانم آقامحمد، شما حتماً خاطرات خوبی هم دارید؟

- بله، فراوان. یکی از خاطرات خیلی خوبم این است که روز جهانی ناشنوایان بود و ما داشتیم برای نخستین بار در ایران یک برنامه را به طور مستقیم برای بچه های ناشنوا اجرا می کردیم. دوازده ظهر به ما گفتند که شما بیاید برنامه های امروز شبکه پنج را به صورت ارتباط کلی برای بچه های ناشنوا اجرا کنید. در همان روز از طرف معاونت توانبخشی جشنی گرفته بودیم و شما نمی دانید که چه هیجانی به وجود آمده بود. از طرفی خانواده ها و خود ناشنواها خیلی خوشحال بودند و از طرفی من هم دگرگون بودم. چون از دوازده ظهر تا دوازده شب، من گوش دادم و اشاره کردم ولی اصلاً احساس خستگی نمی کردم. چون فکر می کردم شاید هرگز چنین فرصتی برای بچه های ناشنوا پیش نیاید.

دوازده شب بود که دیگر خسته شده بودم و تمام عضلاتم گرفته بود. وقتی خداحافظی کردم فکر کردم که تصویر قطع شده. در حالی که این طور نبود، وقتی آقای تصویربردار گفت خسته نباشید. گفتم: به خدا خسته شدم و این حرف را با اشاره گفتم. دو روز بعد در جایی، با بچه ها بودم. متوجه شدم که بچه ها دایم به من می گویند خسته نباشید. دستتان درد نکند و من گفتم نه خسته نشدم. بعد یکی از آنها گفت: دروغ نگو من خودم دیدم. گفتم: تو کجا دیدی؟ گفت: من در شبکه پنج دیدم تو گفتی خیلی خسته شدم و من آنجا فهمیدم که آن موقع هنوز تصویرم پخش می شده و بچه ها این جمله را متوجه شده بودند.

ص: ۲۹۳

مجله زنان (مدیریت شهلا شرکت) در شماره ۵۶ (مهر ۱۳۷۸) مصاحبه سودمندی با خانم آقامحمد کارشناس شنوایی شناسی انجام داده و او را گوش ناشنویان لقب داده است. خانم کتابون افجه ای به عنوان مصاحبه کننده با طرح پرسش های مهم به ویژه درباره فعالیت خانم آقامحمد در سیمای جمهوری اسلامی و تأثیر اطلاع رسانی ایشان در توسعه اطلاعات و دانش ناشنویان مؤثر بوده است. خانم افجه ای درباره خانم آقا محمد می نویسد:

فکر می کردم سوژه گفت و گویم زنی متخصص در امور ناشنویان است اما بعداً دیدم که عارف است و آخر سر فهمیدم که عاشق است. موقع حرف زدن به طور غیر ارادی از دست هایش استفاده می کرد و اگر گوش هایم را می گرفتم، هیچ اتفاقی نمی افتاد چون حرکاتش همه چیز را به من می فهماند. با شخصیتی شکرگزار و غیر منتقد و بسیار عاطفی رو به رو بودم که لحن مهربان و نرمش مثل جریانی گرم گفت و گویمان را شست و شو داد و به آخر رساند.

\* فاطمه آقامحمد، کارشناس شنوایی شناسی و اولین رابط ناشنویان در سیما، نخستین فرهنگ الفبای ناشنویان را با کمک یک گروه ناشنوا تدوین و چاپ کرده است. او همان کسی است که تک تک کلمات را برای ناشنویان به زبانی قابل فهم ترجمه می کند. «اوایل با باز شدن کادر کوچک کنار صفحه تلویزیون برخی از مردم اعتراض می کردند.» ولی کم کم ثابت شد که این پنجره تصویری اضافی و مزاحم نیست و برای آن است که بیش از ۸۵۰ هزار ناشنوا هم چیزی از برنامه های سیما دستگیرشان شود.

\* چه شد که یک آدم شنوا به فکر کمک به ناشنویان افتاد؟

- جز لطف خدا چیز دیگری نبود. من به محض این که دیپلم گرفتم، از فرط علاقه به انجام دادن کاری مفید، جذب آموزشگاه «باغچه بان» شدم. بعدها در رشته شنوایی شناسی در دانشگاه ادامه تحصیل دادم. بعد از پیروزی انقلاب مجموعه باغچه بان به آموزش و پرورش منتقل شد و من در سازمان بهزیستی فعالیتیم را ادامه دادم.

\* کار کردن برای کسانی که از شنیدن و حرف زدن محروم اند شادی آور است یا اندوهناک؟

- آدم را عاشق بار می آورد. مسلماً ما نیامده ایم که فقط مصرف کننده نعمت های خدا باشیم و برویم. من همیشه دوست داشته ام در زندگی اثری از خودم به جا بگذارم. فکر می کنم که خداوند این فرصت را به من داده است. اگر شما هم با بچه های ناشنوا در تماس باشید، نامه هایشان را بخوانید، درد دل هایشان را گوش بدهید و تصویرتان را در آینه دلشان ببینید، عاشق می شوید. بدون هیچ

منتی، من زندگی ام را به آنها اختصاص داده ام و از این که خدمت را با عشق انجام می دهم، بسیار راضی ام.

\* ممکن است علت این همه رضایت و علاقه مندی ارتباط مستقیم با مخاطباتان و ابراز احساسات آنها به شما باشد؟

- شاید من نتیجه کارم را مستقیماً از طرف آنها دریافت می کنم. کافی است که یک روز برنامه ای که انتظارش را دارند به علتی پخش نشود، بلافاصله نامه می فرستند، مراجعه می کنند، حتی به خانه ام زنگ می زنند که چرا مرا در تلویزیون ندیده اند.

\* شما در واقع کارمند بهزیستی هستید ولی برای تلویزیون هم کار می کنید؟

- بله. فعلاً هر روز از ساعت ده تا دوازده و نیم برای برنامه صبح زندگی شبکه دو به تلویزیون می روم. هفته ای دو روز بعدازظهرها هم به شبکه پنج می روم. بین این کارها سمینارهای مختلف، مأموریت های کاری به استان ها و برنامه های متفرقه هم پیش می آید.

\* پس از تلویزیون هم حقوق می گیرید؟

- [می خندد] نه به صورت جدی. در همین بهزیستی، دیگران فیش حقوق ماهانه ام را برایم می آورند و گرنه من دنبالش نمی روم.

\* ظاهراً در این دوره و زمانه سخت وضعتان خیلی خوب است؟

- خیلی هم خوب نیست ولی در بدترین شرایط خدمت را به اجرت دنیایی ترجیح می دهم. پول نقش اساسی در زندگی دارد و گذران آن شوخی بردار نیست ولی هیچ وقت برای پول کار نکرده ام و ترجیح می دهم با خداوند معامله کنم چون عقیده دارم هیچ چیز و هیچ قدم خیری در نظر او بی جواب نخواهد ماند.

\* به گمانم مسئولان سازمان باید درباره امثال شما تجدید نظر کنند و برای ایجاد انگیزه و جذب متخصصان هم که شده دست و دل بازتر عمل کنند.

- [می خندد] امیدوارم کار و کاسبی ما را تخته نکنید.

\* شما برنامه های تلویزیونی را همزمان ترجمه می کنید یا قبلاً آنها را می بینید؟

- همه آنها همزمان است که تجربه زیادی نیاز دارد.

\* در سریال روزگار جوانی به راحتی صحبت های ترکی برنامه را ترجمه کردید. شما ترک هستید؟

- ای کاش بودم. تهرانی هستم ولی قسمت های ترکی برنامه را قبلاً دیده و با کمک همکاران پخش برنامه ترجمه کرده بودم.

\* محتوای طنزآمیز یا متأثرکننده یک برنامه تا چه حد شما را تحت تأثیر قرار می دهد، مثلاً اگر در برنامه ای گفته شود: «آقا، شما چرا این قدر چاقید؟» چه طور خود را کنترل می کنید؟

- کسی که نقش رابط را ایفا می کند در عین حال که خودش را فراموش می کند کارش را با عواطف و احساسات انسانی انجام می دهد. البته در یکی از قسمت های سریال روزگار جوانی به حدی خنده ام گرفته بود که نمی توانستم خودم را کنترل کنم.

\* رابط با معلم ناشنویان چه فرقی دارد؟

- بچه های ناشنوا به من می گویند: «تو گوش مایی». رابط باید فردی شنوا باشد. او پل ارتباطی بین ناشنوا و جامعه است. رابط آنچه را می شنود برای ناشنوا بازگو می کند ولی معلم در قالب خاص آموزش و پرورش تدریس می کند و زحمت بسیاری می کشد تا شاگرد ناشنواش بتواند به سختی مثلاً بگوید «بابا»، اینها دو حرفه مجزا از هم هستند و هر کدام ویژگی و تخصص خاصی می طلبند.

\* مردان هم می توانند کار شما را با همین کیفیت انجام دهند؟

- رابط بودن کار حساسی است. در کشورهای دیگر آقایان هم به این کار مشغولند ولی کاری است که صبر و حوصله زیادی می طلبد. حرکات دست و اشارات باید نرم و ظریف باشند. در غیر این صورت نمی توان ارتباط مطلوبی با ناشنوا برقرار کرد. حالا ممکن است مردان هم بتوانند این شرایط را رعایت کنند.

\* درباره زبان اشاره برای ما توضیح بدهید. آیا زبان مخصوص ناشنویان صرفاً شامل تعدادی اشاره های قراردادی است؟

- زبان اشاره به معنی واقعی یک زبان است. زبان ناشنویان دو بخش عمده دارد: یکی اشارات مادرزادی و دیگر اشارات قراردادی. از الفبای زبان آموزشی ناشنویان نیز استفاده می شود که بنیانگذار آن مرحوم باغچه بان بود.

\* می توانید یک مثال بزنید؟

- ببینید، وقتی من با انگشت اشاره به پشت لبم می کشم، شما حدس می زنید به چه مفهومی اشاره می کنم؟

\* به کلمه مرد.

- درست است. اساس این گونه اشارات کم و بیش به طور مادرزادی بین همه مردم و بچه های ناشنوا رایج است و می توان با کمی آموزش حتی با جوامع خارجی ارتباط برقرار کرد. حُسن زبان اشاره فارسی این است که به حروف وابسته نیست و هر کلمه به طور مستقل اشاره خاصی دارد.

\* مثلاً شما سعدی یا فیثاغورث را چه طور ترجمه می کنید؟

- برای اسامی خاص نمی توان از زبان اشاره کمک گرفت. حتماً باید الفبای مخصوص آنها را بیان کرد. در الفبای آموزشی ناشنوایان برای هر حرف یک حرکت در نظر گرفته شده است. آموزش این زبان، علاوه بر تخصص، تمرین بسیار نیاز دارد. مثلاً برای اشاره کلماتی مثل دیالیز کار تخصصی نیاز است. در این موارد من جمله گوینده را سریع ترجمه و جمع و جور می کنم و پس از بیان الفبایی آن، با زبان اشاره توضیح مکتب می دهم. مثلاً می گویم ناراحتی کلیه است. در این صورت هم کار ترجمه انجام شده است و هم ذهن ناشنوا درک صحیحی از کلمه دیالیز پیدا می کند.

\* خانم آقامحمد، شعر و شاعری هم در دنیای ناشنوایان جایی دارد؟

- به شکل بسیار ساده و روشن وجود دارد. ما از مفاهیم سخت و کلمات انتزاعی و شاعرانه کمتر استفاده می کنیم.

\* پس بیان ادبی برای ناشنوا معنای واقعی اش را ندارد، مثلاً شما مجبورید به جای بیان جمله «چشم هایش را برای همیشه بر هم نهاد» بگویید:

«مُرد»

- کاملاً درست است. این یکی از مشکلات بچه های ناشنوا است.

\* کلمات مترادف چه طور؟ اگر در یک متن توضیحی کلمات جنت، رضوان و بهشت با هم استفاده شده باشند، چه می کنید؟

- این کلمات اشاره ای مشابه ولی الفبایی متفاوت دارند. اگر بخواهم از هر سه کلمه استفاده کنم، هر کدام را با الفبای خودش بیان می کنم و موقع تکرار آن کلمات اشاره اش را استفاده می کنم و ناشنوا آن را می فهمد. البته در زبان فارسی بعضی از کلمات نوشته و ادای یکسانی دارند که در زبان اشاره از هم متمایز می شوند، مثل سیب خوردن و زمین خوردن که با هم متفاوت اند.

\* برداشت من این است که شما از بیان کلمات و جملات عارفانه یا ثقیل پرهیز می کنید و می کوشید با حذف معقول مترادف ها و تعابیر مشابه، مفاهیم ساده و صریحی را به ذهن ناشنوا منتقل کنید.

ص: ۲۹۷



- بله، استفاده از کلمات صریح و ساده مهم است. از نظر کارشناسی، حتی طولانی بودن جمله باعث می شود مطلب اولیه در ذهن ناشنوا گم شود. در یک جمله می توان گفت که ما نباید هر چه را می شنویم عیناً برای ناشنوا ترجمه کنیم. جملات باید تغییر کنند و بعد ترجمه شوند.

\* اصلاً کلمه ای هست که نتوانید آن را ترجمه کنید؟

- اگر نتوانم با اشاره بگویم، حتماً با حروف الفبا توضیح می دهم.

\* شیرینی لهجه یا طنز نهفته در برنامه یا یک سخنرانی را چه طور منتقل می کنید؟

- در چنین مواقعی مثل همان مورد شعر و شاعری دستمان بسته است ولی من سعی می کنم لحن گوینده را با حالت چهره، تغییر در اشاره و حرکات بدن نشان بدهم، مثل لوطی مسلکی رفتار عباس آقا پدر جیران یا جدیت کلام پدر هانیکو. ولی ظرافت یا زیبایی لهجه را دقیقاً نمی توان منتقل کرد.

\* چند نفر با توانایی شما در ایران هستند؟

- تعداد ما از شمار انگشتان یک دست هم کمتر است.

\* مثل شما شدن چه قدر استعداد یا حافظه می خواهد.

- [با تواضع] به قول سهراب سپهری خرده هوشی، سر سوزن ذوقی. از من بپرسید، خرده هوشی و به اندازه صدها سر سوزن عشق و علاقه.

\* کار شما از نظر جسمی اذیتان نمی کند؟

- مواقعی که سمینار داریم یا به دلیلی مجبورم برای مدت طولانی به کار اشاره و ترجمه پردازم، خیلی خسته می شوم چون لب ها و دست ها دائم در حال حرکت هستند و ذهن برای یافتن واژه مناسب کنکاش می کند. در این مواقع بند انگشت ها و مچ دست ها دردناک می شوند.

\* این کار با استاندارد های بین المللی چه قدر فاصله دارد؟

- منظورتان چیست؟

\* مثلاً طبق استانداردهای سازمان ملل مترجمان همزمان در دنیا کمتر از یک ساعت در روز ترجمه می کنند چون متخصصان معتقدند که آنها از نظر جسمی و روحی آسیب می بینند و مغزشان ممکن است بعد از مدتی کارآیی لازم را نداشته باشد. به همین دلیل هم حقوق بالایی دارند. در حالی که در کشور ما این کار با رکورد چند ساعته و گاهی صبح تا شب استاندارد تلقی می شود. آیا بروز عوارضی مثل دست درد از نبود استاندارد در کار شما ناشی نمی شود؟

- شاید این مسائل در مورد ما هم صدق کند. چندی پیش در مطلبی که از فدراسیون جهانی ناشنویان به دستم رسید خواندم که رابطان به مرور زمان دچار مشکلات استخوانی در ناحیه میچ، گردن و کتف می شوند. این فدراسیون حقوق بیشتری برای رابطان تقاضا کرده است.

\* راستی تا به حال به فکر ارائه پیشنهاد برای ساخت برنامه ای مستقل یا فیلمی درباره زندگی واقعی ناشنویان افتاده اید؟

- همیشه از هر پیشنهادی استقبال کرده ایم ولی تا آنجا که اطلاع دارم در هیچ کشوری برنامه مستقلی برای ناشنویان تهیه نمی شود. دیدگاه جهانی این است که ناشنویان باید از همان برنامه ای که همه مردم استفاده می کنند، با تغییراتی مانند وجود رابط یا زیرنویس بهره ببرند. البته طرحی را برای ریاست محترم جمهور و سرپرست صدا و سیما فرستاده ایم که مربوط به نهادهای مربوط به ناشنویان در سیمای جمهوری اسلامی است، یعنی سیما خود را مکلف بداند که بخشی از برنامه هایش را برای بهره مند شدن ناشنویان کشورمان به آنها اختصاص بدهد، همان طور که در تمام جهان انجام می شود.

\* فکر می کنید آنها تا چه حد اجرای طرح را ضروری بدانند؟

- در ضرورت آن حرفی نیست، چرا که در تمام کشورهای دنیا به این مسئله مهم توجه شده و در کشور ما نیز از دوم تا هشتم مهرماه هفته جهانی ناشنویان نام گذاری شده است. با کمی انصاف می بینیم که بچه های ناشنوا نه از رادیو، نه از سینما، نه از تئاتر و نه از ضبط صوت، از هیچ چیز نمی توانند استفاده کنند. بنابراین برنامه های سیما اهمیت خاصی برای آنها دارد. اجرای این طرح دنیای سکوت آنها را پر از سر و صدا می کند و همان طور که قبلاً هم گفته ام یک امر توانبخشی نیز در این ارتباط انجام می شود. نهادهای ناشنویان در تلویزیون انتظار ماست.

\* می دانید اسم باغچه بان یا جبار عسگرزاده در فرهنگ معین نیست؟

- واقعاً حیف است. ما هنوز قدر خیلی چیزها را نمی دانیم.

\* پخش برنامه های سیما برای ناشنویان چه قدر طرفدار دارد؟

- اگر ناشنویان هم مثل آدم های شنوا می توانستند حرف بزنند و نظرهايشان را منعکس کنند، متوجه می شدید که چه تحولی در دنیای آنها به وجود آمده ولی آنها نمی توانند خودشان تلفن بزنند و احساسشان را بیان کنند.

\* خانم آقامحمد، آمار دقیقی از تعداد ناشنویان در ایران وجود دارد؟

- آمار نسبی رقمی افزون بر ۸۵۰ هزار نفر را نشان می دهد. متأسفانه در بسیاری از روستاها و حتی شهرها مردم فکر می کنند داشتن فرزند ناشنوا عیب و گناه است و آن را پنهان می کنند. مسائل دیگری

هم ممکن است در کار آمار مؤثر باشد. متأسفانه تا به حال برای آمارگیری اقدام جدی نشده است. به همین دلیل آمار دقیق نیست.

\* دلایل ابتلا به ناشنوایی چیست؟

- اکثراً مادرزادی است و گاهی در ازدواج های فAMILIاری ریشه دارد. گاهی هم بر اثر بیماری، حوادث و سوانح به وجود می آید.

\* آیا امکان دارد بیماری ناشنوایی از یک گوش به گوش دیگر سرایت کند؟

- سرایت نمی کند ولی ممکن است گوش به علت عفونت صدمه ببیند و شنوایی آن را از بین ببرد و در این زمان با رعایت نکردن بهداشت عفونت از یک گوش به گوش دیگر منتقل شود.

\* استفاده از یک گوش به گوش دیگر فشار نمی آورد؟

- مشکلی ایجاد نمی کند ولی استفاده از یک گوش به آموزش و تمرین نیاز دارد.

\* شما فکر می کنید ناشنوایی مشکل تر است یا معلولیت های دیگر؟

- به نظر من ناشنوایی از همه سخت تر است.

\* حتی از نابینایی؟

- درست است که نابینا مشکل دیدن و حرکت کردن دارد ولی او می تواند خواسته اش را بیان کند. نابینا نیازمند امکانات و فضای لازم برای زندگی است اما ناشنوا با مشکلات دیگری دست به گریبان است. مثل مشکل عدم ارتباط. مثلاً وقتی شما از من سؤالی می کنید، من برای چند لحظه در مغزم با کلمات کلنچار می روم تا جواب مناسب را پیدا کنم. کودک ناشنوا برای ارتباط با نزدیک ترین کسان خود باید آموزش ببیند تا وقتی با او حرف می زنیم درک کند. حال اگر این اقدام به موقع انجام نشود و او مفاهیمی از کلمات در ذهن نداشته باشد، نمی تواند با دنیای اطراف خود ارتباط برقرار کند. بچه شنوا در کودکی گریه و قان و قون می کند و سپس حرف زدن می آموزد اما کودک ناشنوا به جای اینها جیغ و فریاد زدن را تجربه می کند و پدر و مادر عصبانی می شوند که چرا بچه شان جیغ می کشد. بچه ناشنوا اگر چیزی دریافت نکند، نمی تواند هیچ چیز بیان کند و اگر ذخایری از لغات در ذهن نداشته باشد نمی تواند صحبت کند. به همین دلیل بسیاری از آنها در خردسالی مورد غضب واقع می شوند. حال اگر خانواده ای تعصب را کنار بگذارد و هر چه زودتر با انتخاب روش های توانبخشی مناسب امکان آماده سازی فرزند ناشنوایش برای حضور در جامعه را فراهم کند، او می تواند زندگی مستقلی داشته باشد.

\* دنیای ناشنویان را چه طور توصیف می کنید؟

- آینه ای است که فقط صفا، صداقت و پاکی در آن دیده می شود، هیچ حقه ای در آن نیست و هر چه را که رو به رویش است منعکس می کند.

\* یک خاطره قشنگ برای ما تعریف می کنید؟

- زندگی من همه اش خاطره است. تماس تلفنی، ملاقات حضوری، کارت تشکر و قدردانی و عکس العمل های آنها همیشه حال مرا متحول می کند، ولی یک بار دختری ناشنوا کارتی برایم فرستاده بود که جمله تکان دهنده ای رویش نوشته بود. جمله این بود: «در میان جمع بودن ولی تنها نشستن. می دانی ما را به حساب آوردن یعنی چه؟...» آن قدر این جملات مرا منقلب کرد که هر بار به یاد آنها می افتم بغض گلویم را می فشارد.

ساعت نزدیک ده صبح است و خانم آقامحمد باید به تلویزیون برود. سؤالاتم تمام نشده. مرا دعوت می کند که همراه او بروم. از اتاقش که بیرون می آیم، تا به واحد حمل و نقل برسیم، با همه سلام و علیک می کند. هر که را می بینم نیمچه تعظیمی می کند و راه می دهد. در بزرگراه مدرّس، تحت تأثیر طبیعت سبز، شروع می کند به تعریف و برای لحظه ای گفت و گو را فراموش می کند.

\* غیر از مسائل ناشنویان و طبیعت چه چیز دیگری روی شما تأثیر عمیق خوب یا بد می گذارد؟ مثلاً سیاست چه قدر در زندگی و روحیات شما تأثیر می گذارد؟

- دوست دارم مملکتی آباد و آزاد داشته باشیم و هیچ کس در سختی و ناراحتی به سر نبرد.

\* مثلاً یک روز صبح که از خانه بیرون می آید و می شنوید روزنامه سلام توقیف شد. هیچ شادی یا اندوهی به شما دست می دهد؟

- به هر حال زندگی من یا یک ناشنوا از جامعه جدا نیست. قطعاً تأثیر می گذارد ولی من طبیعت را به سیاست ترجیح می دهم.

\* از خانواده تان برای ما تعریف کنید.

- دو دختر دارم و یک پسر. [با خنده] اگر بیشتر توضیح بدهم سن و سالم معلوم می شود.

\* همسر تان؟

- او افسر نیروی هوایی است ولی خلق و خوی نظامی ندارد و خیلی نرم خوست.

\* با توجه به کار فشرده و پر مسئولیت شما رابطه تان با همسر و بچه ها چه طور است؟

ص: ۳۰۱

- خیلی دوستانه و خوب. من یک بار به خاطر بچه ها و زندگی ام کار را رها کردم و پس از چند سال دوباره ادامه دادم. آن زمان هم کار می کردم و هم درس می خواندم. بچه ها کوچک تر بودند و همسرم در منطقه جنگی بود. کار را رها کردم چون بچه ها بیشتر به من احتیاج داشتند. بعدها که دوباره کار کردن را از سر گرفتم. همه شان بسیج شدند تا من بتوانم سال های از دست رفته را جبران کنم.

\* کارهای خانه را چه کسی انجام می دهد؟

- همه با هم. البته من به دلیل رعایت بهداشت و کیفیت بسیاری از کارهای وقت گیر را خودم انجام می دهم، مثل تُرد کردن سبزی، درست کردن ترشی و مربا و بقیه امور آشپزخانه اعم از زمستانی و تابستانی. کلاً پویا بودن را دوست دارم. اگر بخواهند مرا تنبیه کنند باید بگویند یک جا بنشین و حرکت نکن.

\* هیچ وقت در خانه یا بیرون از آن مشکلی به دلیل زن بودن برایتان به وجود آمده؟

- بله ولی همیشه مشکلات را حل کرده ام. وقفه کاری من به دلیل مشکلات زندگی و به دلیل مادر بودن و زن بودن پیش آمد. من معتقدم اگر خانم ها در جامعه فعالیت داشته باشند، هم بسیار بهتر می توانند همسرانشان را درک کنند و مشکلات کاری و اجتماعی او را بفهمند و هم می توانند مادر بهتری برای بچه هایشان باشند و با مشکلات برخورد منطقی تری داشته باشند.

در محل کار هم مشکل خاصی ندارم. مسئولان بهزیستی دست مرا در کارم باز گذاشته اند و صمیمانه مرا حمایت می کنند چون این اقدام یکی از اهداف مهم حوزه معاونت توانبخشی بهزیستی است. بنابراین من بدون استرس و نگرانی و با علاقه کار می کنم.

مشکل من در واقع مشکل ناشنوایان است. دلمان می خواهد تلویزیون با تثبیت برنامه ناشنوایان کمک کند تا بتوانیم توانایی آنها را بالا ببریم و هیجان و زندگی را جایگزین سکون و سکوت آنها کنیم. تلاش ما هم این است که بتوانیم در مدت کوتاهی تعدادی رابط آموزش دهیم و کارشناسان بیشتری تربیت کنیم.

به سربالایی جام جم رسیده ایم. خانم آقامحمد یک جفت ساق مشکلی از کیفش در می آورد و از مچ دست تا آرنجش را با آن می پوشاند و آستین مانتویش را روی آن می اندازد و از من جدا می شود....

توضیح

یکی از جراید کشور (گویا روزنامه اطلاعات) در شهریور ۱۳۷۹ با فاطمه آقامحمد گفت و گویی داشته که می آورم. آقا محمد رابط ناشنویان در سیمای جمهوری اسلامی است و در شکل گیری و سامان دهی به اخبار ناشنویان و دیگر برنامه های مرتبط به ناشنویان فعالیت داشته است. او در رشته ادیومتری (ناشنوا شناسی) تحصیل کرده است. و در عمل بیشتر در زمینه زبان اشاره کار کرده و تجربه اندوخته است.

\* آیا داشتن رابط برای ناشنویان پیشنهاد صدا و سیما بود؟

- خیر، این در حقیقت پیشنهاد سازمان بهزیستی به صدا و سیما بود. یکی از مسئولان شبکه خبر در سازمان بهزیستی همکار ما شدند و به همین دلیل از نمایی کاملاً نزدیک با مشکلات و واقعیت های زندگی ناتوانان جسمی و به ویژه ناشنویان آشنا شدند. سال ۱۳۷۷ در «هفته جهانی ناشنویان» صدا و سیما برای اولین بار برنامه هایش را همراه با رابط به روی آنتن برد. و من از ۱۲ ظهر تا ۱۲ شب به عنوان رابط در سیما کار کردم.

از همان زمان به بعد با لطف و همراهی آقای دکتر لاریجانی که از آقای مفید - مدیریت شبکه پنج سیما - به خاطر این کار قدردانی کرده بودند برنامه های با رابط تثبیت شد و به سایر شبکه ها نیز راه یافت.

\* تقریباً در هر شبکه از تلویزیون، می شود شما و برنامه های با رابط را دید، آیا از سوی سازمان بهزیستی مأمور به خدمت شده اید یا همه کارها را با هم انجام می دهید؟

- شاید باور نکنید که تا چه اندازه پر مشغله تر از همیشه شده ام. بهزیستی، خانه، صدا و سیما. تمام قلبم لبریز از این سه آهنگ قوی شده است. از خانه تا بهزیستی و از بهزیستی تا چندین شبکه تلویزیونی مدام در رفت و آمدم. همین امروز صبح برای حذف بعضی سؤالات کنکور به سازمان سنجش رفتم.

\* هیچ وقت شده در خیابان کسی با انگشت شما را نشان دهد که این همان خانم رابط ناشنویان است؟

- (با خنده) بله... خیلی زیاد. تنها چیزی که دلم می خواهد مردم بدانند سپاسگزاری عمیق بچه های ناشنواست. گرچه من بارها به همین بچه ها گفته ام ما هیچ کار ویژه ای برای شما نمی کنیم و این حق شما بوده است. من فکر می کنم سیما با همراهی با بهزیستی در حقیقت نه تنها به بچه های ناشنوا خدمت خیلی خیلی بزرگی کرده است بلکه مابقی مردم را هم نیز با ناشنویان بیشتر آشنا کرده است.

توضیح

چهارم آذرماه ۱۳۷۹ به مناسبت سالروز درگذشت جبار باغچه بان، خانم فاطمه آقامحمد کارشناس امور ناشنوایان سازمان بهزیستی کشور گفت و گویی با واحد مرکزی خبر انجام داده که متن آن ذیلاً می آید.

جبار باغچه بان بنیانگذار آموزش ناشنوایان در ایران در سی و چهار سال پیش درگذشت؛ ولی خدمات فرهنگی و آموزشی او برای ناشنوایان قابل توجه و در خور ستایش است.

\* از نظر شما تأثیر اقدامات فرهنگی و آموزشی باغچه بان چیست؟

- باغچه بان انسانی بزرگ و از نوادر روزگار است که از کودکی ذهن خود را در راه خدمت به مردم به کار گرفت و به امید یافتن راه های کمک به بیچارگان و افراد ناتوان، زندگی خود را سپری کرد و برای اینکه بیش از پیش در خدمت انسان ها باشد به شغل مقدس معلمی روی آورد. او معلمی را با شیوه نوین شروع کرد و همیشه به این فکر بود که روش های جدید آموزش را کشف کند و با کمک آن به نوآموزان و دانش آموزان آموزش دهد. باغچه بان مانند ستاره ای پر فروغ دلهای غم گرفته ناشنوایان را با نور علم و دانش روشن کرد.

\* جبار باغچه بان به دنبال چه هدفی بود و درصدد رسیدن به چه مقصودی بود؟

- هدف مرحوم باغچه بان ریشه یابی مشکلات یادگیری بود و اینکه چگونه می توان به کودکان ناتوان آموزش داد و آنها را مانند همسالان خود قادر به خواندن و نوشتن و برقراری ارتباط با مردم کرد.

\* او کارش را از کودکستان و راه اندازی کودکستان شروع کرد؟

- این معلم بزرگ کار خود را از کودکستان شروع کرد و به علت عشق و علاقه ای که به کودکان داشت، کودکستان را «باغچه اطفال» نامید و در این نهاد تربیتی و آموزشی به شیوه ای جدید، با زبانی شیوا، قلبی دلسوز و با ذهنی نوآموز به تعلم و تربیت پرداخت.

\* باغچه بان دارای چه نوآوری و خلاقیتی بود؟

- ابتکار شگفت انگیز و تاریخ ساز جبار باغچه بان در ابداع شیوه های مؤثر آموزش ناشنوایان بر کسی پوشیده نیست. این استاد بزرگ در تاریخ تعلیم و تربیت ایران و جهان به عنوان معلم خلاق، نوآور، مکتشف و دلسوز و برجسته بود و در آسمان علم و ادب و تعلیم و تربیت درخشید و مانند ستاره ای پر فروغ دل های غم گرفته ناشنوایان را با آمیزه ای از نور علم و تکنیک نورانی کرد.

امروز کودکان ناشنوا در نهادهای آموزشی ناشنوایان که به نام باغچه بان مزین هستند، آینده روشن و استقلال حرفه ای خود را رقم می زنند و دیگر سوژه ای برای ترحم نیستند.

\* جایگاه باغچه بان در آموزش و پرورش ایران چیست؟

- نام مرحوم باغچه بان در تاریخ تعلیم و تربیت ایران و جهان تا ابد زنده خواهد ماند و تمام ناشنویان جهان به یاد مرحوم باغچه بان این سرود را می خوانند.

سلام ای مرد

سلام ای زنده جاوید

سلام ای فاتح جنگ میان بود و نابودی

سلام ای آشنا به نامرادی ها

سلام ای هم زبان بی زبانان پریشان روز

تو دانستی که ...

نشیندن غم انگیز است

که ...

ناگفتن توان فرساست

تو دانستی ...

به دنیای سکوت و وهم

به رنج بی زبانی خو گرفتن سخت محنت زاست

و با دست محبت

گونه هر کودک کرد را

زرنگ یک امید گرم

نقش سرخگون دادی

تو تا پایان دنیا زنده خواهی ماند

و روح در تکاپوی حیات جاودان

پیروز خواهد شد.

به هر حال سبک جدید و مدرن باغچه بان نه تنها در ایران اهمیت دارد بلکه در جهان هم مؤثر بوده و او را به عنوان صاحب یک مکتب



تربیتی برای کودکان می شناسند.

ص: ۳۰۵

توضیح

گفت و گوی فریبا نحوی از روزنامه جام جم با محمدباقر جعفری نیا (گفتار درمان) و فاطمه آقامحمد (رابط ناشنوایان در سیما) است که یکشنبه ۲۸ اسفندماه ۱۳۷۹ در صفحه ۱۷ روزنامه جام جم منتشر شد.

در پی هماهنگی هایی که بهزیستی با صدا و سیما انجام داد، برخی از برنامه های تلویزیونی با رابط مخصوص ناشنوایان همراه شدند تا هموطنان ناشنوا نیز امکان بهره وری از این برنامه ها را داشته باشند خبرنگار جام جم جهت معرفی این اقدام، با محمدباقر جعفری نیا (گفتار درمان بخش توانبخشی بهزیستی) و فاطمه آقامحمد (شنوایی سنج و رابط ناشنوایان در سیما) گفت و گویی انجام داده که در پی می آید.

\* سابقه قرار دادن رابط بر روی برنامه های تلویزیونی در ایران چگونه است؟

آقامحمد: این کار در همه جای دنیا به طور هماهنگ و معمولاً همزمان با هفته ناشنوایان انجام شده است.

جعفری نیا: «سیما» در تمام دنیا برای گروه ناشنوایان مسئولیت این برنامه را بر عهده دارد، یعنی خودش را مسئول می داند که چنین برنامه هایی را برای گروه ناشنوایان داشته باشد. اما این کار با این کیفیتی که در ایران انجام می شود. در سراسر دنیا بی سابقه است. این که ما حتی بر روی سریال ها و فیلم ها رابط می گذاریم، کاری است که ما پیشرو آن هستیم.

\* آیا علاوه بر سازمان بهزیستی و سازمان صدا و سیما، سایر سازمان ها هم در جهت نیل به اهداف شما همکاری کرده اند؟

جعفری نیا: کارهایی که مربوط به سازمان بهزیستی می شود، ارتباط زیادی با وظایف دستگاه های دیگر دارد، اگر کمک سایر دستگاه ها نباشد، امکان سرویس دهی نیست.

\* در کشور خود ما، هزینه های برنامه های این چنینی از کجا پرداخت می شود؟

جعفری نیا: الآن بیشتر مسئولیت بر عهده حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی است. نیروی کارشناسی را بهزیستی ایجاد می کند و کار و هزینه آن بر عهده صدا و سیما است.

\* اکثر خانواده های ناشنوایان، با پدیده ناشنوایی مشکل دارند و نمی دانند که با وجود این مشکل به کجا مراجعه کنند، آیا این اطلاع رسانی جزو برنامه های سیما هست؟

جعفری نیا: خوشبختانه در حال حاضر، سیما واقعاً بیش خوبی نسبت به این قضیه دارد. حتی در برنامه به خانه برمی گردیم، تقریباً به مدت یک ماه است که هر دو هفته یک بار دکتر کمالی به همراه رابط ناشنوایان آقامحمد به منظور اطلاع رسانی پیرامون این موضوع صحبت می کند.

\* این برنامه ها چه تأثیری در خانواده های ناشنوایان و بر روی خود ناشنوایان داشته است؟

آقامحمد: تنش در خانواده ها کم شده، بچه ها اعتماد به نفس پیدا کرده اند. حتی این برنامه ها به نوعی به ناشنوایان توانبخشی می کند و جامعه هم با این پدیده بیشتر آشنا شده است.

\* چرا سعی نمی کنید برای ناشنوایان، برنامه های مخصوصی با حضور خودشان بسازید؟

جعفری نیا: الان در دنیا اصلاً چنین بینشی وجود ندارد و عقیده دارند که بچه ها همه با هم آموزش ببینند و در کنار هم باشند، چرا که به هر حال در اجتماع همه در کنار هم خواهند بود.

\* شما به عنوان رابط، فکر نمی کنید که اگر پیش از پخش سریال، هماهنگی های لازم با شما انجام می شد و می توانستید به جای ترجمه همزمان، پیش از پخش، سریال را ترجمه کنید، در ارائه آن موفق تر بودید؟

- به جهت این که سال هاست ترجمه همزمان انجام می دهیم، هیچ مشکلی با آن نداریم. ضمن این که، این موضوع امکان ارتباط را بدون تخصیص هزینه خاصی و بدون این که وقت گیر باشد، برقرار می کند.

\* با در نظر گرفتن این که خود زبان اشاره هم نیاز به آموزش دارد، چطور آن دسته از ناشنوایانی که چنین آموزشی را دریافت نکرده اند، می توانند از این رابطه برخوردار شوند؟

آقامحمد: روشی که ما داریم، روش ارتباط کلی است که به دلیل مادرزادی بودنش نیازی به آموزش ندارد. بعضی ها معتقدند که باید ناشنوا را به لب خوانی عادت داد. و بعضی دیگر می گویند که باید از روش باغچه بان استفاده کرد. ولی در روشی که ما الان از آن استفاده می کنیم. فقط برای این که مطالب کاملاً منتقل شوند، از تمام این روش ها استفاده می شود.

\* به نظر می رسد که در ترجمه، بعضی از لغات دشوار، با کلمات آسان تری بیان می شوند، علت چیست؟

آقامحمد: به طور کلی هر چه ذخایر لغوی ما کمتر باشند. کمتر با لغات بازی می کنیم. یعنی خیلی ساده تر ارتباط برقرار می کنیم. با در نظر گرفتن این که حجم ذخیره لغوی ناشنوایان به هر حال

خیلی کمتر از سایر افراد است و درک لغت های مفهومی برای آنها دشوار است، ما سعی می کنیم از لغات ساده تری برای بیان مفاهیم استفاده کنیم.

\* خانم آقامحمد! با در نظر گرفتن این که شما خودتان شنوا هستید، چرا صحبت کردن با ناشنوایان را انتخاب کرده اید؟

آقامحمد: البته من نه خودم ناشنوا هستم و نه در میان نزدیکانم کسی با این مشخصات وجود دارد، ولی به هر حال همیشه دوست داشتم خدمتی بکنم و خداوند هم مرا در این مسیر قرار داد، به این صورت که من رشته شنوایی سنجی خوانده ام و از سال ۵۳ به بعد هم با افراد ناشنوا به عنوان شنوایی سنج در ارتباط بوده ام.

گفتنی است در حال حاضر برنامه هایی برای ناشنوایان در نظر گرفته شده که زمان این برنامه ها به شرح زیر است:

شبکه خبر:

هر روز بخش خبری ساعت ۱۸ و اخبار سیاسی و ورزشی.

هر روز گزارش علمی ساعت ۱۸:۱۵

شبکه ۲:

هر روز مجموعه برنامه «تصویر زندگی» ساعت ۱۱ (به همراه رابط)

ماهی یک فیلم سینمایی

پنجشنبه های هر ماه، برنامه کودک

شبکه ۵:

هفته ای یک سریال ایرانی، یک سریال خارجی

ماهی یک فیلم سینمایی

یک سری برنامه های کارشناسی که در آنها مصاحبه هایی با مسئولان بهزیستی انجام می شود.

همچنین در پی هماهنگی عمومی یک سری از برنامه ها نیز در شبکه های مختلف، با زیرنویس پخش می شوند که این زیرنویس، زیرنویس عام است که هنوز با توجه به نیاز و توانایی های ناشنوایان، تخصصی نشده است.

ص: ۳۰۸

توضیح

گفت و گوی نگین حسینی خبرنگار روزنامه اطلاعات با فاطمه آقامحمد است. این مصاحبه در روزنامه اطلاعات، دوشنبه، ۲ اردیبهشت ۱۳۸۱ در صفحه با معلولین ص ۱۱، همین روزنامه چاپ شده است. در طلیعه مصاحبه چنین آمده است:

«زبان اشاره» فقط هنر تکان دادن دست ها نیست، این را وقتی فهمیدم که «فاطمه آقامحمد» دست راستش را بالا آورد، دو انگشتش را خم کرد و گفت: «دوستت دارم» این است نشانه اش در تمام دنیا. چنان با احساس این کار را کرد که دانستم هنر اصلی کسی که از زبان اشاره استفاده می کند، این است که تمام احساسش را با حرکاتش منتقل کند؛ همان احساساتی که در آهنگ گوش نواز یک صدای قشنگ نهفته اما افرادی قادر به دریافت آن نیستند.

«فاطمه آقامحمد» کارشناس امور ناشنوایان حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی، چهره آشنایی دارد. خیلی ها دیگر به دیدن تصویر او در گوشه سمت چپ بعضی برنامه های تلویزیونی عادت کرده اند.

انگیزه او از این دیدار، معرفی یک دختر دانشجوی ناشنوا و نشان دادن نامه او بود؛ اما حیف بود که از تجربه های شخصی اش حرف نزنند.

گفت و گو با او کوتاه بود. قرار شد نامه «صبورا» هم در شماره آینده چاپ شود.

\* خانم آقامحمد! از کی کار با معلولین را شروع کردید؟

- خیلی وقت پیش؛ درست وقتی تازه دبیرستان را تمام کرده بودم. از همان موقع آرزو داشتم بتوانم با معلولین کار کنم. تا اینکه یک روز مادرم گفت: «مدرسه ناشنوایان اعلام کرده که مربی می خواهد. مگر آرزویت این نبود؟ خوب برو!» من هم در امتحان شرکت کردم و قبول شدم. در مدرسه باغچه بان؛ تا چند هفته اول سردرد داشتم چون هنوز به کار آشنا نبودم و کمی برایم سخت بود. مادر خیلی تشویق کرد و مدام می گفت مگر این آرزوی تو نبود؟

\* فکر می کنید از کار با معلولین، چه تأثیراتی گرفته اید؟

- به نظرم، کار با معلولین، آدم را صبورتر و تحملش را بیشتر می کند. حس می کنی که می توانی به زندگی، زیباتر نگاه کنی، سختی ها از یادت می روند، چون کسانی را می بینی که علیرغم اینکه از نظر جسمی مشکل دارند، پشتکار غیرقابل تصویری دارند. می بینی که چطور مشکلات را پشت سر می گذارند. مطمئنم که بیشتر ما، به نعمت هایی که داریم، فکر نمی کنیم، چون از آنها بهره می گیریم و به وجودشان عادت کرده ایم. تجربه نشان داده که اکثراً بعد از ابتلا به یک بیماری، تازه قدر سلامتی را می فهمیم اما بعد دوباره همه چیز را فراموش می کنیم.

فکر می‌کنم کسانی که با معلولان در ارتباط هستند، کمتر دچار این «عادت» می‌شوند که نعمت‌های زندگی را از یاد ببرند.

مثلاً حالا ما قدر «شنیدن» را بیشتر از هر کسی می‌دانیم، چون مدام یا انسان‌هایی سروکار داریم که هیچ درک و تصویری از شنیدن ندارند. آنها از لذت شنیدن صدای باران، رودخانه، طبیعت و ... محرومند.

اما ما که از این نعمت بهره‌مندیم، اصلاً استفاده نمی‌کنیم. بیشتر روزهایمان، در غفلت می‌گذرد. بهار می‌آید و می‌رود ما لذت نبرده ایم. بهارهای دیگر هم سپری می‌شود و ما همچنان درگیری‌های خودمان را تجربه می‌کنیم.

\* فکر می‌کنید بهترین راه برای برقراری ارتباط با ناشنوایان چه راهی است؟

- ببینید، مهم‌ترین مشکل این است که چون بچه‌های ناشنوا مطالب را مستقیماً دریافت نمی‌کنند، همیشه «مردد» می‌مانند. بهترین کار، همدردی و صبوری با آنهاست، و گوش دادن به حرف‌هایشان. لازم نیست که برای برقراری ارتباط با ناشنوایان، حتماً زبان اشاره بلد باشیم، فقط کافی است که با شکیبایی، به حرف‌های آنها گوش دهیم، آرام باشیم، عجله نکنیم و با آنها همدردی داشته باشیم. ناشنواها این خصلت را دارند که محبت را خیلی زود می‌گیرند؛ هر چند که بسیار زود رنج‌اند.

بچه‌های ناشنوا درک عمیقی از محبت دارند. در قبال محبت، قدرشناسی زیادی دارند. گفتم که در عین حال، زود رنج هم هستند و با کوچکترین حرکتی، شاید خیلی ناراحت شوند. برای همین است که در ارتباط با آنها، باید خیلی ظریف و حساب شده رفتار کرد.

متأسفانه مشکل بچه‌های ناشنوا از درون خانواده‌ها شروع می‌شود. بیشتر خانواده‌ها خیلی دیر متوجه ناشنوایی کودک خود می‌شوند و به همین دلیل، دیرتر با او ارتباط برقرار می‌کنند: چرا که عکس‌العمل کودک ناشنوا نسبت به محرک‌های محیطی خیلی کم است و شکاف میان او و اطرافیان از همین جا آغاز می‌شود. اگر خانواده‌ها زودتر متوجه ناشنوایی فرزند خود شوند و مراقبت‌های لازم را زود شروع کنند، در واقع جلوی خیلی از مشکلات را می‌گیرند.

\* خانم آقامحمد! حالا مردم با چهره شما که در گوشه بعضی برنامه‌های تلویزیونی می‌آید، آشنا هستند. درباره این کاری که در تلویزیون انجام شده بگویید.

- ما از این کاری که در تلویزیون می‌کنیم، اهداف زیادی داریم. هدف فقط این نیست که اوقات فراغت ناشنوایان را پر کرده باشیم، بلکه هم برای جامعه و هم برای خود ناشنوایان پیام داریم. می‌دانید که زبان گفتاری با زبان نوشتاری خیلی متفاوت است. چون بچه‌های ناشنوا به زبان نوشتاری بیشتر آشنا هستند، تلاش ما این است که آنها را با زبان گفتاری آشنا تر کنیم. بسیاری از آنها با ضرب‌المثل‌ها و تمثیل‌ها آشنایی زیادی ندارند و ما در تلویزیون، روی این نقاط ضعف کار می‌کنیم. از طرف دیگر، خواستیم مقاومت مردم را هم در برابر حقوق ناشنوایان بشکنیم و در جامعه جا بیندازیم که ناشنواها هم حقی دارند.

اوایل که این کار را در تلویزیون شروع کردیم، خیلی مشکل داشتیم. مردم این کار را نمی پذیرفتند و مدام می گفتند چرا زبان اشاره کنار تصویر وجود دارد؟ شاید به این دلیل که حس می کردند کادر، مزاحمشان است و حواسشان را پرت می کند؛ یا شاید به این دلیل که حق و حقوقی برای افراد ناشنوا قائل نبودند.

الآن دختر مرحوم جبار باغچه بان در ایران است. او از دیدن برنامه های تلویزیون که زبان اشاره هم در کنارش هست، به وجد آمده بود و می گفت این اقدام خیلی بزرگی است، در بسیاری از جاها، طول می کشد تا این کارها برای ناشنویان و مردم جا بیفتد. کلاً من فکر می کنم موفقیت برنامه های توانبخشی در هر جامعه ای، به سطح آگاهی مردم آن جامعه بستگی زیادی دارد.

حرف آخرم این است که مردم ما، با توجه به اخلاق و فرهنگ و قوانین دینی شان، در ارتباط با معلولان خیلی ظریف تر باشند و «باوفاتر» رفتار کنند.

ص: ۳۱۱

توضیح

مریم ولی پور خبرنگار روزنامه اعتماد گفت و گویی با خانم فاطمه آقامحمد انجام داده که در ۲۴ شهریور ۱۳۸۱ همین روزنامه منتشر شده است. ولی پور در آغاز مصاحبه نوشته است:

فاطمه آقامحمد، کارشناس امور ناشنوایان حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی کشور، چهره آشنایی برای همه بینندگان تلویزیون دارد و اصولاً تصویر کوچک او در سمت چپ فیلم های سینمایی توجه و کنجکاوی بینندگان را برمی انگیزد. این کارشناس دلسوز گاه چنان با حرکات سریع انگشتانش سعی در بیان گفته های فیلم به مخاطب ناشنوا دارد که خود به خود بیننده را به تحسین وادار می کند و گاه البته تقلید!

برای انجام گفت و گویی با وی. به سازمان بهزیستی می رویم. مجبور می شویم برای انجام این گفت و گو منتظر بمانیم تا کار مددکارانی که برای مشاوره پیش او آمده اند را انجام دهد. هر چند به آن می ارزید. آنچه می خوانید حاصل یک ساعت گفت و گو با اوست.

کارشناسی که صبح های خود را در بهزیستی وقف ناشنوایان کرده و بعدازظهرهای خود را در صدا و سیما و بر روی صفحه تلویزیون می گذراند.

\* چه شد که به کار در جمع مددکاران خانواده ناشنوایان علاقه مند شدید؟

- بعد از دیپلم وارد جامعه ناشنوایان شدم و توفیق ادامه تحصیل داشتم. در رشته شنوایی شناسی در دانشگاه شهید بهشتی و تقریباً می توانم بگویم تمام عمرم را با ناشنوایان بوده ام در واقع از جوانی!

\* بسیاری از ناشنوایان و حتی فلاسفه معتقدند در دنیا مفهومی به نام «سکوت» وجود ندارد؟ شما چه نظری دارید؟

- به نظر من نیز چیزی به نام سکوت اصلاً وجود ندارد. همه چیز و همه جا در جریان است چه از نظر علمی و چه ذهنی!

آیا اصلاً می شود حرکت و صدایی نباشد حتی در خاموشی!

یک مثل هندی می گوید: سکوت کلامی است بدون صرف انرژی! نظر شما چیست؟

«از درخت سکوت میوه آرامش آویزان است» مثل عربی!

در این موقع یک خانم ناشنوا که از کارمندان است داخل اتاق می شود و به زبان اشاره با دیگران صحبت می کند و خارج می شود.

\* با انگشتان دست چطور می توان معانی و احساسات «کلام» را بیان کرد؟



- انگشت یعنی معجزه یعنی اعجاب. این ده انگشت با هر حرکت و جهت معنای خاصی را القا می کند. ببینید، کلمات وسیع هستند اما همین ده انگشت می توانند آنها را بیان کنند همان طور که صدا از راه شنیدن معنی می باید اشاره نیز از راه دیدن معنا می شود. مثلاً «خیال می کنی؟» مثل زمین و درخت و آسمان نیست که به راحتی قابل دیدن باشد اما بچه های ناشنوا به زیبایی اشاره آن را انجام می دهند. بعضی از کلمات را آنها خود به خود و به طور طبیعی با انگشت می سازند و مفهوم آن را منتقل می کنند.

\* یعنی خودشان در ذهن این کلمات را سر هم می کنند و جمله می سازند؟

- اصولاً کمیته پژوهشی وجود دارد که کارشناسان ناشنوا و شنوا یکسری لغات را به وجود آوردند و برای درک و فهم کلمه و کامل شدن زبان ناشنوا با مشورت و تطابق علمی در روند اشارات. اشاره قراردادی می گذارند. البته الفبای دستی و حروف باغچه بان هم هست و مجموعه اینها می شود زبان اشاره فارسی. زبانی منطبق بر زبان فارسی. به لحاظ اینکه ناشنوایان باید در جامعه حضور پیدا کنند باید کاربرد کلمات را درک کنند و به زبان مسلط شوند تا بتوانند ارتباط صحیح را منتقل کنند. مثل عبارات «از درخت افتادن» یا «چشم بر چیزی افتادن»! اینجا «فعل» افتادن معنای متفاوتی دارد که از طریق اشاره این تفاوت درک می شود.

\* زبان اشاره فقط مخصوص ناشنوایان است؟ یا جای دیگری هم کاربرد دارد؟

- آدمی از لحظه تولد با حرکات دست سخن می گوید رفته رفته دست با کلام عوض می شود اما ناشنوا روند حرکات دست را هم تکمیل می کند. بزرگترها نیز خیلی اوقات با اشاره صحبت می کنند. گاهی از دور با دست «بیا و ببین و بایست» را نشان می دهند. اصلاً کدام سخنران است که برای القای بیشتر گفته ها از اشاره کمک نگیرد؟

\* آیا «اشاره» تنها برای بیان مفاهیم و درک آنها و ارتباط با مخاطب کافی است؟

- می دانید، مهمترین مسئله ایجاد ارتباط است حالا چه آرام سخن بگوییم یا اشاره کنیم یا حتی بنویسیم. همراهی مهم است. اما به یاد داشته باشیم که دنیا به دهکده جهانی تبدیل شده است. اینجا دیگر نمی توانیم کدخدای ناشنوا یا شنوا داشته باشیم! باید با کلام و بی کلام دست همدیگر را بگیریم و جلو برویم.

\* از وضعیت معلولان در خارج از کشور اطلاعی دارید؟ اینکه چه امکاناتی دارند و چه توانمندی هایی.

- این بحث جدی و مفصلی است! آنها شرایط ویژه برای این افراد قایلند. مثلاً در خیابان ها چراغ های راهنمایی گویا دارند تا فرد معلول با استقلال فردی از خیابان عبور کند. حتی یک ناینا! اما اینجا چطور. روبروی بهزیستی یعنی پارک شهر برای جلوگیری از ورود افراد موتور سوار متخلف انواع و

اقسام میله ها را کنار هم می گذارند و راه را می بندند تا خلاف کار عبور نکنند. حالا فرد معلول که از ویلچر استفاده می کند زن حامله یا بچه ای که در کالسکه است باید چقدر دور پارک بگردد تا در دیگری پیدا کند یا نکند بماند!

\* گاهی که شما را در تلویزیون می بینم و یا همکاران شما را، این سؤال ایجاد می شود که چقدر ضرورت دارد شما را با این همه حرکت و اشاره ببینیم!

- در دنیا همه حق زندگی دارند. اصلاً اگر در هر خانواده ای یک نفر مشکل داشته باشند بقیه به او کمک نمی کنند؟ چرا همه خود را موظف به کمک به او می دانند؟ ما هم به همان دلایل موظف هستیم!

\* منتسکیو می گوید: سکوت هزاران معنی در بر دارد که از گفتن بر نمی آید. به نظر شما ناشنوایان چگونه سکوت می کنند.

- با غوغای درون! روشن تر از خاموشی چراغی ندیدم و سخنی به از بی سخنی نشنیدم تا ساکن سرای سکوت شدم.

اشاره

فاطمه آقامحمد در مصاحبه با ایسنا در ۱ مهر ۱۳۸۶ به حضور ناشنویان در تلویزیون و استفاده از رابط در این رسانه توضیحاتی دارد. او، نخستین رابط ناشنویان است که ۹ سال قبل یعنی در سال ۱۳۷۷ در تلویزیون ایران مشغول به کار شد؛ او که در هر چند جمله ای که بیان می کند، نام و یاد خدا را به زبان می آورد، در گفت و گویی تلفنی که تا رسیدن به شبکه خبر و حضور در بخش خبری ساعت ۱۶ با خبرنگار ایسنا به طول انجامید، از پیشینه ی این حرفه در تلویزیون ایران سخن گفت. خلاصه ای از این مصاحبه در ایسنا منتشر شد و اینجا مجدداً ویرایش و به صورت مصاحبه عرضه می گردد.

\* وضعیت استفاده از رابط در تلویزیون ایران چگونه است؟

- استفاده از رابط ناشنویان در تلویزیون یک ضرورت است. و لازم است این مقوله در رسانه ی ملی نهادینه گردد. به رغم پشتاز بودن ایران در میان کشورهای همسایه، هنوز هم خلأهایی در این بخش وجود دارد و لازم است مسئولین به پیشنهادات کارشناسان گوش دهند.

\* در جهان به ویژه کشورهای پیشرفته استفاده از رابط چه وضعی دارد؟

- در همه کشورهای مدرن از رابط برای توضیح و بیان و اطلاع رسانی محتوای برنامه های تلویزیون استفاده می شود. چون استفاده از رابط ناشنویان در برنامه های تلویزیونی یک ضرورت است. اتحادیه رادیو و تلویزیون های آسیا و اقیانوسیه (ABU) و هم چنین اتحادیه رادیو و تلویزیون های اروپا (EBU) بر استفاده از رابط ناشنویان و زیرنویس در تلویزیون های دولتی تأکید دارند. البته خوشبختانه افزون بر ۹ سال است که این امر در تلویزیون ما هم دنبال می شود، اما هنوز نهادینه نشده است.

\* راه کار برای نهادینه شدن این موضوع چیست؟

بهترین راه حل این است که به نظریات و اندیشه های رابط ها توجه شود و احترام گذاشته شود و رابط های ناشنویان در یک نشست صمیمی با رئیس سازمان صدا و سیما و نیز با مدیران ارشد این سازمان مسیر نهادینه شدن را با هم اندیشی و تبادل نظر پیدا کنند.

\* آیا به اندازه کافی رابط در ایران داریم؟

- رابطان در کشور به تعداد انگشتان است. در حال حاضر آموزش رابطان ناشنویان از طریق فرد به فرد و هم چنین از سوی برخی نهادهای غیردولتی (NGO) اجرا می شود و برنامه همگانی و عمومی برای

ص: ۳۱۵

تربیت رابط وجود ندارد. از این رو به اندازه کافی رابط نداریم. اما برای رفع مشکلات در تلویزیون هر هفته جلساتی را برگزار و مسائل و مشکلات را در این جلسات بررسی می کنیم. از جمله راه های جذب رابط را بررسی می کنیم.

\* تاریخچه شروع استفاده از رابط در تلویزیون و تحولات در این زمینه را بیان کنید؟

- پیشینه استفاده از رابط ناشنوایان در برنامه های تلویزیونی ایران برای نخستین بار در مهرماه سال ۱۳۷۷، در شبکه تهران و در زمان مدیریت آقای بهروز مفید تحقق یافت؛ البته پیش از این نیز مسئولان توانبخشی سازمان بهزیستی سعی کرده بودند سازمان صدا و سیما را به استفاده از رابط ناشنوایان متقاعد کنند، اما موفق به این کار نشده بودند.

انتصاب یکی از مدیران سازمان صدا و سیما (آقای جعفری نیا) در سمت مدیرکل حوزه توانبخشی و نفوذی که ایشان در صدا و سیما داشتند، سرانجام باعث شد که در روز ناشنوایان در سال ۷۷ شبکه تهران برای نخستین بار از رابط ناشنوایان در برنامه هایش استفاده کند.

در آن روز تنها قرار بود استفاده از رابط به اعلام برنامه ها محدود شود؛ اما مدیر شبکه تهران با دیدن این برنامه تصمیم گرفتند که در آن روز تمامی برنامه ها با حضور رابط ناشنوایان به روی آنتن برود.

اگر این روز به نام روز استفاده از رابط در تلویزیون در ایران نام گذاری گردد و در تقویم و تاریخ ثبت شود، مناسب است.

\* چه خاطره ای از آن روز تاریخی دارید؟

- در مهرماه سال ۷۷ که همانند امروز با روز ناشنوایان مصادف بود، من ۱۲ ساعت تمام به عنوان رابط ناشنوایان مقابل دوربین رفتم که هنوز هم برای خودم غیر قابل تصور است. اما شوق و شوری که داشتم، موجب شد خستگی احساس نکنم.

در حال حاضر اکثر شبکه های تلویزیونی دنیا برای برخی بخش های خبری از رابط ناشنوایان استفاده می کنند، البته کشور ایران در بین کشورهای همسایه در این زمینه پیشتاز است؛ البته در سطح آسیا ژاپن بسیار از ما جلوتر است.

\* استفاده از رابط در چه زمینه هایی انجام شدنی است؟

- اخبار روزانه، تبلیغات و دیگر برنامه های تصویری را می توان با آوردن رابط در گوشه صفحه تلویزیون برای ناشنوایان سودمند و قابل استفاده نمود.

یک نکته مهم اینکه ایران نخستین کشور در سطح جهان بوده که برای سریال ها نیز از رابط ناشنوایان استفاده کرده است. این اتفاق برای نخستین بار با سریال «روزگار جوانی» در شبکه تهران به تحقق پیوست.

\* آیا رابط در برنامه کودک و برای کودکان ناشنوا هم اجرا شده است؟

- استفاده از رابط ناشنویان در برنامه های کودک، وجود ندارد. البته مدتی این کار در شبکه اول انجام شد، اما برخوردهای سلیقه ای باعث شد به ثمر نرسد.

اگر اراده و همتی باشد این اقدام را می توان اجرایی کرد. چون بسیار لازم و ضروری است و کودکان از سنین نخست مدرسه اگر از طریق تلویزیون، با اشارات آشنا شوند، خوب است

\* وضعیت زیرنویس در تلویزیون ایران چگونه است؟

- غیر از استفاده از رابط ناشنویان، استفاده از زیرنویس را هم برای برخی برنامه ها ضروری است؛ ولی تا کنون در تلویزیون ما تحقق نیافته است.

اما استفاده از زیرنویس مخصوص ناشنویان به انجام کارهای کارشناسی منوط است. در عین حال اولویت استفاده از رابط ناشنویان است؛ چرا که برای هر قشر و گروه سنی قابل استفاده است. حالات مختلف چهره رابط ناشنویان باعث ارتباط رو در رو می شود و مفاهیم نیز از این طریق برای ناشنوا قابل درک تر است.

\* با تشکر از حضور شما در این مصاحبه.

ص: ۳۱۷

اشاره

حتماً باید عاشق باشی تا حاضر شوی قید حضور در عروسی دخترت را بزنی و تصمیم بگیری آن روز به عشق افرادی که خدمت به آنها را نوعی عبادت می دانی، سر کارت بروی یا جراحی ات را که حاصل از کار طاقت فرساست، آن قدر به تأخیر بیندازی تا برای مدتی - هرچند کوتاه - جایگزینی پیدا شود یا حاضر شوی حجم کارت را چند برابر کنی، اما در عوض، عایدات مالی چندانی هم نداشته باشی. صحبت از فاطمه آقامحمد، اولین رابط ناشنوایان در تلویزیون است.

فردی که به قول خودش مادر بزرگ شده، اما هنوز مجبور است مانند جوانی اش با انرژی سر کار بیاید و به امورات ناشنوایان در رسانه بپردازد. او این روزها دغدغه های بسیاری درباره ناشنوایان دارد که پررنگ ترینش برنامه سازی برای قشر کودک است. اگر دوست دارید بدانید چگونه فرد شنوا توانسته تا این حد در کار رسانه ای برای ناشنوایان موفق عمل کند، این گفت و گو را تا انتها بخوانید.

\* شما را با تجربه ترین فرد در حوزه برنامه سازی برای ناشنوایان می دانند. چه شد تصمیم گرفتید وارد این حوزه شوید؟

- من واقعاً این موضوع را لطف خداوند می دانم، چون در عین فعالیت و کار در مسیری که به آن علاقه مندم، به نوعی در حال خدمت به قشری هستم که بسیار آنها را دوست دارم. از دوران کودکی آرزو داشتم خداوند من را در مسیری قرار دهد که بتوانم به مردم خدمت کنم و خب این اتفاق هم به بهترین شکل رقم خورد، در حالی که من در خانواده ای بزرگ شده بودم که در آن ناشنوا وجود نداشت و شناخت چندانی نسبت به این قشر نداشتم. ۱۷ ساله بودم که مدرسه باغچه بان برای آموزش، جذب نیرو می کرد و من هم به طور اتفاقی وارد این مدرسه شدم. ابتدا تصورم این بود قرار است معلم شوم، در حالی که مدتی بعد وارد بخش ناشنوایان و شنوایی شناسی شدم و بقیه اتفاق ها هم خود به خود رقم خورد. ابتدا کار کردن در این فضا برای من بسیار دشوار بود؛ اما رفته رفته، عاشق این کار شدم و دل کندن از آن برایم دشوار شد.

\* چرا صدا و سیما برای ناشنوایان برنامه جداگانه ای تدارک دیده است؟

- این قضیه مختص به کشور ما نیست و در همه کشورها رسانه ملی از طریق رابط، برنامه هایی برای ناشنوایان ارائه می کند و به آنها خدمات تلویزیونی ارائه می دهد. البته چون ناشنوایان از شنیدن اصوات محروم هستند رسانه ملی نسبت به این قشر مسئولیت بیشتری دارد.

ص: ۳۱۸

\* برنامه سازی برای ناشنویان تا چه حد به افزایش اعتماد به نفس و به دنبال آن دانش افزایی این قشر کمک کرده است؟

- خوشبختانه این نوع برنامه ها، جدا از تأثیرات مثبتی که برای ناشنویان داشته است، سبب بالا رفتن سطح آگاهی مردم جامعه شده و آنها دیگر به ناشنویان به عنوان عضوی جدا از خودشان نگاه نمی کنند. از سویی با برنامه سازی برای ناشنویان، حضور در جامعه برایشان عادی شده، چون آنها دیدند مثلاً خبری که برای مردم عادی خوانده می شود برای آنها هم توسط یک رابط قرائت می شود. به هر حال اگر محدودیت را از مقابل ناشنوا برداریم، او هم می تواند مانند یک فرد عادی در جامعه پیشرفت کند.

\* نکته جالب در مورد خبر ناشنویان این است که شما سعی می کنید سه نوع خبرخوانی - یعنی زیرنویس، صدای گوینده و زبان اشاره - را همزمان به مخاطب ارائه دهید. چه شد تصمیم گرفتید از هر سه روش بهره ببرید؟

- ما نمی خواستیم در بخش خبر ناشنویان مخاطب را مجاب کنیم تنها به یک شکل از خبر ما بهره ببرد، بلکه می خواستیم با هر درجه از شنوایی بتواند این برنامه را ببیند. مثلاً اگر چندان به زبان اشاره مسلط نیست و خواندنش خوب است، از زیرنویس بهره ببرد یا اگر کم شنواست و به کمک سمعک تا حدودی می شنود، خبر را از طریق صدای گوینده بشنود. ما سعی می کنیم به شکل کاملاً موازی سه شکل از خبرخوانی را به مخاطب ناشنوا ارائه دهیم.

\* رابط برای مخاطبان ناشنوا برای اولین بار در دنیا در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران انجام شد، اما متأسفانه قدر آن به اندازه ای که باید دانسته نشد و برخی به شکل سلیقه ای با آن رفتار کردند. میان این روش ها، برتری با کدام است؟

- روش برتر را خود ناشنوا تشخیص می دهد، ما او را بمباران اطلاعات می کنیم و خبر را با این سه روش ارتباطی در اختیارش قرار می دهیم تا با توجه به توانایی اش از آن بهره ببرد. علتش هم این است که معتقدیم فرصت را نباید از دست داد، مثلاً من نمی توانم به شما بگویم شش ماه زبان اشاره را یاد بگیرید، حالا شش ماه زمان صرف نوشتار یا لب خوانی کن و... چراکه با این روش، شما عمرت را از دست می دهی. برای مردم عادی و شنوا هم سبک اطلاع رسانی به همین شکل است. یعنی آنها هم می بینند، هم می شنوند و در صورت نیاز می خوانند. پس ما هم همین شرایط را برای ناشنویان فراهم می کنیم.

\* از مدتی پیش تلویزیون، فیلم ها و سریال ها را به کمک رابط برای مخاطبان ناشنوا ارائه می کرد. این رویه را چگونه ارزیابی می کنید؟

- این کار برای اولین بار در دنیا در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران انجام شد، اما متأسفانه قدر آن به اندازه ای که باید، دانسته نشد. ما فیلم ها و سریال ها را با کمک رابط به

مخاطبان ارائه می کردیم که استقبال خوبی هم از آن به عمل آمد، اما برخی به شکل سلیقه ای با آن رفتار کردند و گفتند رابط را حذف کنید و به جای آن زیرنویس قرار دهید، در حالی که به این موضوع اشراف نداشتند که شیوه دیالوگ و حتی خبرنگاری برای ناشنویان متفاوت است و ویرایش خاص خودش را می خواهد.

\* ویرایش برای ناشنویان از چه ویژگی هایی برخوردار است؟

- در متن نویسی برای رابطان خبری ناشنویان، همه چیز باید به شکل ساده نوشته شده و در آن از کلمات طولانی استفاده نشود. به همین خاطر بیشتر جملات ما ساده و شکل دیالوگ گونه دارد و هیچ وقت ابتدای جمله فعل قرار نمی گیرد. ما ساعت ها در تحریریه خبر روی این موضوع کار می کنیم.

پخش فیلم و سریال ها با این سبک و سیاق میان ناشنویان بازتاب مثبتی داشت؟

- بله، این کار بازتاب گسترده ای داشت و با استقبال ناشنویان روبه رو شد. هیچ وقت یادم نمی رود سال ها قبل مادری با من تماس گرفت و گفت از وقتی شما برای سریال ها رابط گذاشتید، زندگی من تغییر زیادی کرده است، چراکه قبلاً دختر ناشنوایم نمی گذاشت من موقع پخش سریال از کنار تلویزیون تکان بخورم و دائم از من می خواست قصه سریال را برایش توضیح دهم، اما حالا با خیال راحت از خانه خارج می شوم و به کارهای خودم می پردازم و زمانی که بازمی گردم، این اوست که برای من تعریف می کند در این قسمت از سریال چه گذشت. شاید این حرف ها در ظاهر ساده به نظر بیاید ولی واقعیت این بود که حضور رابطان خبری در زمان پخش سریال ها برای آن مادر و دختر، حکم یک انقلاب را در زندگی شان داشت.

\* شاهد بودیم برنامه های مختلف تلویزیونی مثل «تصویر زندگی» هم از رابط در طول برنامه بهره می برد، اما گویا مدتی است رابط های ناشنویان از برخی برنامه ها حذف شده اند. آیا این موضوع هم از تصمیم گیری سلیقه ای می آید؟

- باز هم باید بگویم متأسفانه بله. برنامه تصویر زندگی هم جزو برنامه های مفرح در بین قشر ناشنوا بود، اما خب این برنامه هم حذف شد و متأسفانه چون ناشنویان خودشان نمی توانند تماس بگیرند و اعلام کنند نسبت به این حذف ناراحت هستند، ما مجبور می شویم به عنوان زبان آنها این موضوع را اعلام کنیم. البته شاید برخی ها این تعبیر را داشته باشند که مثلاً شخص آقامحمد است که دوست دارد این برنامه پخش شود، در حالی که من به قدری درگیر سایر کارهای ناشنویان هستم که وقتی برای این کار ندارم. در دنیا سینماهایی ویژه افراد ناشنوا وجود دارد، در حالی که ما از این فضا و امکان بی بهره هستیم و تنها نگاه ناشنویان به رسانه ملی است.

\* فکر می کنید در نسل جدید جایگزینی برای شما پیدا شده که بتواند در آینده جا پای شما بگذارد؟



- طی این سال ها، تلاش های زیادی برای جایگزینی انجام داده ام و از این بین، خانم ها صدر دانش و غلامی را هم خودم انتخاب کردم و تحت آموزش قرار دادم، چراکه عمر کاری من رو به پایان است. دیگر مادر بزرگ شده ام و مانند گذشته از توان و انرژی دوران جوانی برخوردار نیستم. به همین علت چشم امیدم به آنهاست که بتوانند در این مسیر حرکت کنند، به همین علت در تحریریه اگر کوچک ترین اتفاقی رخ دهد که حس کنم بار علمی دارد، از همه دوستان خواهش می کنم دور هم جمع شوند و درباره موضوع از آنها سؤال می کنم.

\* اگر برای شما شرایطی فراهم شود که بتوانید کاری مضاعف در رسانه ملی برای ناشنوایان انجام دهید، آن کار چیست؟

- آرزو دارم برای کودکان ناشنوا برنامه سازی کنم. متأسفانه بچه های ناشنوا مهجور واقع شده اند. برخی ها تصور می کنند میزان یادگیری ناشنوایان از سایر افراد و حتی معلولان پایین تر است. در حالی که این تلقی اصلاً درست نیست. متأسفانه شرایط آموزش برای این افراد چندان فراهم نیست و گرنه باید به این توجه کنیم که ما در جامعه پزشکی، حقوقدان، معلم و روان شناس از قشر ناشنوا داریم که به بهترین شکل در جامعه خدمت می کنند، چراکه این عزیزان در مسیر درست آموزشی قرار گرفته اند. به هر حال، ما اگر بخواهیم آنها در جامعه و کنار افراد عادی فعالیت داشته باشند، باید از همان دوران کودکی به زبان خودشان تحت آموزش قرارشان بدهیم، چراکه اگر این کودکان آموزش نینند، به شدت به خانواده شان متکی و از استقلال دور می شوند.

خانم فاطمه آقامحمد در دو میزگرد شرکت نموده است. یکی توسط روزنامه جوان و دومی توسط روزنامه همشهری اجرا شده است.

### چرا ما را نمی فهمند: ما به زبان شما حرف می زنیم

#### توضیح

روزنامه جوان هر پنجشنبه میزگردی با حضور چند تن کارشناس درباره یک مسئله مهم دارد. با دعوت رضا محمودی، فاطمه آقامحمد، کاملیا افضلی، شهناز شعبانی و مرضیه وکیلی در پنجشنبه ۲۱ مهر ۱۳۷۹، به مسائل و مشکلات ناشنوایان به ویژه زبان اشاره پرداخت.

بنا به آمارهای اعلام شده از سوی سازمان بهزیستی، در سطح کشور، به غیر از کم شنوایان، بیش از ۱۰۰ هزار نفر ناشنوا داریم که نیاز به سرویس دهی و ارائه خدمات ویژه دارند.

روزنامه جوان به منظور بررسی مشکلات این قشر جامعه و به خصوص جوانان ناشنوا میزگردی را در سازمان بهزیستی و با حضور کارشناس ناشنوایان و رابط ناشنوایان در برنامه های تلویزیونی، خانم فاطمه آقامحمد، و تنی چند از ناشنوایان برگزار کرد که در ادامه می خوانیم. امید است که با این اقدام توانسته باشیم گامی برای رفع مشکلات ناشنوایان جامعه مان برداشته و نیز دریچه ای گشوده باشیم تا از این راه حرف های ناشنوایان را به گوش مسئولان رسانده و در نهایت گامی به سوی برقراری ارتباط بین جامعه و ناشنوایان جامعه که بزرگ ترین مشکل ناشنوایان محسوب می شود برداشته باشیم.

\* اولین پرسش درباره مشکلات ناشنوایان در ایران است؟

- رضا محمودی: جوانان ناشنوا مشکلات زیادی دارند و در مقایسه با مشکلات جوانان سالم و عادی مشکلات آنها شاید بیش از ۱۰ برابر است. از بزرگ ترین مشکلات جوان عدم جذب به کار است و ریشه این مشکل نیز عدم ارتباط بین آنان است. این در حالی است که طبق قوانین تصویبی باید سه درصد از کارگران و کارمندان از افراد معلول باشند.

\* راه حل این مشکل به نظر شما چیست؟

- فاطمه آقامحمد، کارشناس امور ناشنوایان: به نظر من لازمه حضور ناشنوایان در عرصه کار و امور اجتماعی حمایت ارگان ها و سازمان های مختلف است، زیرا بیش تر کارفرماها ترجیح می دهند از افراد

عادی استفاده کنند. اگر چه برخی ناشنوایان ما در کارهای ظریف و کارهایی که نیاز به دقت دارد توانایی بالایی حتی در مقایسه با افراد عادی دارند.

یک نکته را که می‌خواهم اضافه کنم این است که سازمان بهزیستی برای جذب افراد ناشنوا و معلول، برای کلیه کارفرمایانی که نسبت به جذب معلولین اقدام کنند تسهیلاتی قایل شده است که از جمله حق بیمه ای را که بر عهده کارفرما است، پرداخت می‌کند.

یکی دیگر از اقداماتی که سازمان بهزیستی برای کمک به رفع این مشکل انجام داده تشکیل شرکت های تعاونی برای ناشنوایان و پرداخت وام یک میلیون و دویست هزار تومانی به هر یک از اعضا با نام وام خود اشتغالی و بدون بهره است تا از این روش این عزیزان بتوانند ضمن ایجاد اشتغال برای خود برای دیگر معلولین نیز موجبات اشتغال را فراهم سازند.

اما این واقعیتی است که سازمان بهزیستی به تنهایی قادر به حل مشکلات ناشنوایان نیست و باید سایر ارگان ها و نهادها و سازمان ها همکاری داشته باشند.

مثلاً یک ناشنوا که قصد دارد جواز کسب بگیرد، انتظار ما این است که شهرداری با وی همکاری کند.

- آقای رضا محمودی در ادامه مشکلات این قشر می‌افزاید: در بین ناشنوایان افرادی هستند که تخصص های بسیار بالایی در زمینه های هنری، صنعتی و حرفه ای دارند، ولی چون قادر به برقراری ارتباط نیستند همیشه پنهان می‌مانند و در سر جای خود فعال نیستند؛ مثلاً ما مینیاتوریست ناشنوایی داریم که تابلوهای نقاشی بسیار زیبا دارد و کار وی در سطح بسیار بالایی است، اما در حال حاضر نقاشی بر روی دیوار را پیشه خود کرده است.

- خانم آقامحمد: در ادامه صحبت ایشان باید بگویم اولین چیزی که اساس زندگی را می‌گذارد اشتغال است و بعد از داشتن کار است که تازه به مشکل ازدواج و بچه و... می‌رسد.

\* جوان: یعنی مشکل اصلی ناشنوایان کار است.

- خانم آقامحمد: مشکل اصلی ناشنوایان عدم ارتباط جامعه با ناشنوایان و ناآشنایی جامعه از ناشنوایان است که نمی‌توانند ناشنوایان را درک کنند و این برنامه‌هایی که در صدا و سیما نیز می‌گذاریم به منظور آشنایی جامعه با ناشنوایان و ایجاد ارتباط ناشنوایان با جامعه است.

- شهناز شعبانی، ۲۴ ساله می‌گوید: جامعه ما با ناشنوایان آشنا نیستند و برخورد و ارتباط شان کم است و بعضی اوقات نگاه تمسخرآمیزی به ناشنوایان دارند.

البته از آن موقع که تلویزیون برنامه‌ها را برای ناشنوایان تدوین می‌کند بسیار فرق کرده است، ولی همان طور که آقای محمودی گفت برای جوانان ناشنوا کار بسیار مهم است.

- رضا محمودی در ادامه می‌زگرد به نکته ای دیگر از مشکلات ناشنوایان چنین اشاره می‌کند: شما می‌دانید که ناشنوایی که دیپلم گرفته برای اخذ آن چه قدر زحمت کشیده است و در مقایسه با فرد عادی با مشکلات زیادی روبه رو بوده است. و این نوع نگرش در سطح دانشگاه هم وجود دارد و به نظر من یک ناشنوای تحصیل کرده را با یک فرد عادی نباید مقایسه کرد و کسانی که دارای تحصیلات بالایی هستند را باید تشویق کرد و به آنان امتیازات بیشتری داد. یکی دیگر از مشکلاتی که ناشنوایان

دارند و آن هم ریشه در عدم ارتباط با اطراف دارد، نوع ارتباط با کارفرمایان است. این قشر در بسیاری از مواقع نمی توانند از مزایای شغلی، اضافه کار، مأموریت ها و... بهره ببرند.

- خانم آقامحمد درباره این معضل می گوید: ناشنوایان چون نمی توانند با کارفرمایان ارتباط برقرار کنند و از سوی دیگر عدم اطلاع درست از مزایای شغلی موجود، باعث پایمال شدن حق ناشنوایان می شود و این در حالی است که افراد دیگر با بیان فعالیت های خود حق خود را می گیرند.

- کاملیا افضلی، ۲۳ ساله: مشکلات ما ناشنوایان بیش تر از سایر معلولین است، و این به همان دلیل عدم ارتباط با محیط اطراف است و برای حل این موضوع همان طور که گفته شد، نیاز به حمایت مسئولان داریم.

از طریق آموزش و پرورش (در مدرسه) چند واحد درسی ارتباط با ناشنوایان را آموزش بدهید تا همان طور که ما سعی در یادگیری زبان افراد عادی داریم، افراد عادی نیز بیاموزند که چگونه باید با ما رابطه برقرار کنند.

- مرضیه و کیلی، ۲۶ ساله: از دیگر مشکلات ما کم بودن رابط ناشنوایان در سطح دانشگاه است، زیرا ناشنوایان علاقه دارند که صحبت استاد و درس استاد را همان ابتدا بفهمند.

نکته بعدی مراکز تفریحی است، به خصوص برای خانم ها. شما یک پسر را می بینید به محض این که فرصتی می یابد و اوقات فراغتی را می یابد یک توپ برمی دارد و با چند پسر دیگر داخل کوچه بازی می کنند، و در این قیاس جامعه ناشنوای ما را در نظر بگیرید، به خصوص در تابستان ها که اوقات فراغت زیادی دارند، وقت شان چگونه می گذرد. و در مورد دخترهای ناشنوا این معضل به مراتب سخت تر و بیش تر است و من فکر می کنم تربیت بدنی و شهرداری که خیلی خوب برای جوانان فعالیت می کنند و محل هایی را برای تفریحات سالم آنها احداث می کنند، باید جایگاهی برای ناشنوایان مدنظر قرار دهند و آنان را نیز در برنامه ریزی هایشان لحاظ کنند.

در تابستان امسال بسیج دانشجویی برنامه های زیادی برای جوانان تدوین کرده بود که جایی برای ناشنوایان لحاظ نشده بود و یا در گفت و گوی تمدن ها، در برنامه «بچه های زمین» همه بچه ها را دعوت کرده بودند اما بچه های ناشنوا دعوت نشده بودند، در حالی که ناشنوایان نیز حرف هایی برای گفتن داشتند.

\* جوان: فکر نمی کنید این عدم ارتباط جامعه با ناشنوایان ناشی از ضعف مدیریتی متولیان امور رسیدگی به معلولین ناشنوا است؟

- خانم آقامحمد: من به عنوان یک کارشناس در امور ناشنوایان این عمل مسئولان را ضعف مدیریتی نمی نامم، بلکه اسمش را عدم آگاهی می گذارم، زیرا موقعی که ما کار پخش برنامه های تلویزیونی همراه با رابط را در صدا و سیما شروع کردیم، هیچ کس احساس نمی کرد که این کار تا چه حد در برقراری ارتباط بین جامعه و ناشنوایان مؤثر است و می بینیم که در بحث صدا و سیما فقط اوقات فراغت بچه ها را پر نمی کنیم، ما توان بخشی در جامعه و ناشنوایان می کنیم. و ارگان های دیگر هم به همین صورت اگر آگاهی پیدا کنند این گونه بی تفاوت نخواهند بود. و معتقدم شماها (روزنامه نگاران) در رساندن این آگاهی مسئول هستید.

- در ادامه میزگرد، مرضیه و کیلی به یکی دیگر از مشکلات ناشنویان که موضوعات کتاب درسی است اشاره می کند و می گوید: در حال حاضر کتاب های ناشنویان را خلاصه کرده اند و بعضی از دروس را در مقایسه با افراد عادی حذف کرده اند، به خصوص شعرها را. اما هنگام شرکت در آزمون (کنکور سراسری) باید بر مبنای دروس افراد عادی امتحان بدهند که به همین دلیل میزان قبول شدگان ناشنوا به مراتب کم تر از افراد عادی است.

وی همچنین افزود: از دیگر مشکلات بچه ها یکسان بودن حقوق بچه های ناشنوا با افراد عادی است و این در حالی است که هزینه های ایاب و ذهاب، و سایر هزینه های یک فرد ناشنوا بیش تر از افراد عادی است.

- شهناز شعبانی همچنین افزود: ما بسیار دوست داریم که صدا و سیما برنامه های مختلف را با رابط ناشنوا نشان بدهد و هر شش شبکه رابط برای بچه های ناشنوا داشته باشد، مانند شبکه پنج که بسیار همکاری تنگاتنگی با سازمان بهزیستی دارد.

در حال حاضر ناشنویانی که به تهران می آیند و برنامه های شبکه پنج را با رابط ناشنوا می بینند بسیار ناراحت می شوند و می گویند که چرا در استان های دیگر چنین برنامه هایی موجود نیست.

- رضا محمودی در پایان با ذکر این جمله جلسه میزگرد را به پایان رساند:

«ما سعی می کنیم زبان شما (گفتار) را یاد بگیریم ولی از شما خواهش می کنیم که شما نیز با زبان ما آشنا شوید و آن را یاد بگیرید.»

## توضیح

روزنامه همشهری جمعی از ناشنوایان و کارشناسان را به صورت اقتراح درباره انعکاس ناشنوایی در رسانه ملی (تلویزیون) به بحث و مباحثه واداشته است. در طلیعه این نوشتار چنین آمده است:

زبان پل ارتباطی افراد جامعه است. سازمان ملل ناشنوایان را به عنوان اقلیت زبانی دنیا می شناسد که زبان ویژه خود را دارند یعنی زبان اشاره. کودک ناشنوایی که به دنیا می آید قبل از آموزش زبان شفاهی و حتی بعد از آن منظور خود را با اشاره های دست خود می فهماند. این اشاره های طبیعی در خانواده های مختلف تفاوت دارند. در خانه ای اشاره عینک نشانه پدری عینکی است و در خانه دیگر پدر با اشاره کلاه، ریش یا سیل مشخص می شود. به این ترتیب در مدارس مختلف ناشنوایان نیز اشاره های طبیعی شکل می گیرند تا جایی که این اشاره ها از مدرسه ای تا مدرسه دیگر متفاوت هستند.

نوع دیگر، اشاره های الفبایی هستند که بر اساس شکل نوشتاری حروف مورد نظر نشان داده می شوند. مثلاً در اشاره های جدیدی که درست می شوند مانند اشاره کلاس با استفاده از الفبای فارسی حرف و به دنبال آن اشاره یک فضا نمایش داده می شود. در بعضی کشورها نیز همه حروف کلمه با اشاره الفبایی نشان داده می شوند. این نوع از اشاره ویژه افراد باسواد است.

نوع دیگر، اشاره الفبای گویاست که مرحوم باغچه بان آن را ابداع کرده است. در الفبای گویا شکل گفتاری حرف مورد نظر است. به عبارتی صدای حروف. ناشنوایانی که سواد ندارند نیز می توانند از آن استفاده کنند و آخرین نوع اشاره، اشاره های قراردادی است. گروهی از ناشنوایان در کمیته پژوهشی زبان اشاره دانشگاه علوم بهزیستی فعالیت می کنند و اشاره های قراردادی را تدوین می کنند.

فاطمه آقامحمد کارشناس بهزیستی به عنوان مشاور با این گروه همکاری می کند. او می گوید: جلد چهارم کتاب اشاره در حال تدوین است. اساس این کار بر اشاره های طبیعی است. کمیته زبان اشاره در سراسر کشور بررسی می کند تا ببیند کلمه های مختلف به ویژه کلمه های جدیدی که وارد زبان می شود در بین ناشنوایان اشاره ای دارند یا خیر. اگر اشاره مناسبی وجود داشته باشد که با اشاره های دیگر همخوانی داشته باشد، زیبا باشد و مفهوم را به خوبی برساند آن را انتخاب می کنند تا همه ناشنوایان از اشاره های واحدی استفاده کنند، البته عجیب نیست اگر ناشنوایی اشاره ای را نپسندد. در زبان نیز این اتفاق می افتد یک روز می گویند هلیکوپتر و روز دیگر چرخ بال یا بالگرد.

ص: ۳۲۶

این خاصیت زبان است نه نقص آن. مدتی طول می کشد تا کلمه جدید با فرهنگ جامعه هماهنگ شود.

\* اولین سؤال این است که ناشنویان چگونه می توانند با جامعه ارتباط برقرار کنند؟

آقامحمد: امروزه در مدارس ناشنویان تمرکز اصلی بر لب خوانی است. در لب خوانی فرد ناشنوا با دیدن حرکت لب متوجه کلام گوینده می شود. همچنین از دوران کودکی با گفتار درمانی حرف زدن را به کودک می آموزند. به این ترتیب آنها می توانند با زبان شفاهی با دیگران ارتباط برقرار کنند. اما زبان اشاره در بین ناشنویان جایگاه ویژه ای دارد.

سید مهدی عطری روانشناس کودک استثنایی در این باره می گوید: در مدرسه هدف آماده کردن فرد برای ارتباط با جامعه است، پس تا حد امکان نباید از اشاره استفاده شود. به کارگیری اشاره فرد را از جامعه منزوی می کند ولی وقتی ناشنویان می خواهند با یکدیگر راحت تر باشند از اشاره استفاده می کنند مانند ترک زبان ها که وقتی به هم می رسند چون راحت ترند ترکی صحبت می کنند.

اگر ناشنویان می خواهند از اشاره استفاده کنند بهتر است اشاره های بین المللی را به کار گیرند، مگر کلماتی که برای آن اشاره نداریم مانند آداب و رسوم خودمان. من با به کارگیری زبان اشاره مخالف نیستم اما به تجربه دیده ام کسانی که از اشاره بیشتر استفاده می کنند گفتارشان تحلیل می رود.

او درباره شرایطی که اشاره تنها راه ارتباط است می گوید: در مجامع عمومی ناشنویان که امکان استفاده از زبان شفاهی و لب خوانی وجود ندارد زبان اشاره برای انتقال مفاهیم به کار می رود و در همه سمینارها رابط ناشنویان حضور دارد.

خانم آقامحمد نیز به این نکته اشاره می کند که لب خوانی تا فاصله مشخصی ممکن است. گوینده باید رو به روی فرد ناشنوا باشد، نور باید بر صورت گوینده بتابد نه در چشم بیننده، همچنین محیط ارتباط باید فاقد حرکت های اضافی باشد چون لب خوانی نیاز به تمرکز دارد اما از اشاره در فاصله های بیشتر هم می توان استفاده کرد مانند جمع های چند نفره، در سمینارهای جهانی رابطین در فاصله های مشخص، مستند و با هم مطالب سمینار را اشاره می کنند.

\* استفاده از رابط ناشنویان در تلویزیون از چه زمانی آغاز شد؟

آقامحمد: روز جهانی ناشنویان سال ۷۷، آغاز حرکتی در راستای استیفای حقوق شهروندی ناشنویان بود یعنی استفاده از رابط ناشنویان در سیما. گرچه این کار دیر و ناکامل آغاز شد اما نویدی بود برای استفاده ناشنویان از رسانه ملی. به دنبال درخواست ناشنویان و بررسی کارشناسان سیما این کار آغاز شد. در شبکه های جهانی از رابط ناشنویان استفاده می شد و بعضی کشورها زیرنویس ویژه ناشنویان هم دارند، ما در سازمان بهزیستی از همان ابتدا خواستار استفاده هر دو امکان بودیم اما مسئولان سیما می گفتند استفاده از زیرنویس، هزینه بالایی دارد و در حال حاضر فقط می توانیم از رابط استفاده کنیم.

\* در این سال ها خانم آقامحمد و همکارانش با عشق و علاقه از این حداقل امکان استفاده کرده اند. علاوه بر اشاره کردن با حرکت لب جملات را بازگو کرده اند. همچنین از حالات چهره و بدن نیز برای انتقال مفهوم بهره گرفته اند. اما خوب است بعد از ۶ سال برگردیم و دوباره جویای نظر ناشنوایان در این رابطه شویم. از این رو از ناشنوایان درباره کارایی و تأثیر عملکرد رابط در سیما می پرسیم:

علی صفاری ناشنوایی است که در مدارس عادی تحصیل کرده است. او از لب خوانی و زبان شفاهی برای ارتباط با دیگران بهره می گیرد و با زبان اشاره آشنایی ندارد. او درباره دیدن برنامه های تلویزیونی می گوید: بیشتر فیلم های خارجی را می بینم چون ساختار آن خوب است و با نگاه کردن متوجه موضوع آن می شوم. فیلم های ایرانی و هندی بیشتر متکی بر حرف زدن هستند و نمی توان متوجه داستان آن شد. یک بار سعی کردم با لب خوانی از رابط تلویزیونی استفاده کنم اما اگر زیاد به لب توجه کنم تصویر اصلی را نمی بینم. و در ادامه به این سؤال پاسخ می دهد که چرا اشاره یاد نگرفته ای؟ من باید در روز با آدم های زیادی صحبت کنم. اگر حرف زدن را تمرین نکنم و فقط مبتنی بر اشاره باشم نمی توانم با کسی ارتباط برقرار کنم.

مهشید پهلوان نیز در فاصله نزدیک می تواند با لب خوانی از کلام گوینده و بازیگران استفاده کند. مادر او می گوید: اوایل می گفت با دیدن رابط حواسم پرت می شود و نمی توانم فیلم را ببینم، روی تصویر رابط کاغذ چسباند اما حالا به حضور او در گوشه تصویر عادت کرده و او را نمی بیند. یکی از معلمان ناشنوا می گوید: اگر بخواهم متوجه داستان فیلم شوم باید تمام توجهم را به اشاره های رابط بدهم و دیگر نمی توانم خود فیلم را ببینم یعنی باید بین لذت دیدن فیلم و فهمیدن داستان آن یکی را انتخاب کنم. از آن گذشته رابط فیلم را خلاصه می کند تا بتواند قسمت های ضروری آن را اشاره کند به همین دلیل وقتی با خانواده فیلمی را می بینم گاه آنها می خندند و من متوجه علت آن نمی شوم.

خانم آقامحمد معتقد است می توان فیلم و اشاره ها را با هم دنبال کرد او درباره نحوه کار خود می گوید: کار من به صورت زنده است اکثر فیلم ها دو بار پخش می شوند. من سعی می کنم بار اول فیلم را ببینم تا در جریان داستان آن قرار گیرم و در بخش مجدد آن که باید رابط با اشاره برای ناشنوایان فیلم را بازگو کند به دورین نگاه می کنم و با شنیدن صدای فیلم، داستان را تعقیب و صداها را اشاره می کنم، همزمان با حرکات لب جملات را بیان می کنم البته با خلاصه و کوتاه کردن داستان فیلم، سعی می کنم موضوع اصلی آن حفظ شود و تا حد امکان داستان عیناً بازگو شود. جاهایی که نیاز به خنده دارد می خندم و گاه غمگین می شوم و حتی در آهنگ صدا وقتی گوینده مریض است اشاره هایم ضعیف و آرام می شود. وقتی فرد نظامی است حالت دستوری را در اشاره به خود می گیرم.

معلم ناشنوا: برخی دیگر از ناشنوایان می گویند اشاره های جدیدی که رابط استفاده می کند را نمی فهمیم معلم ناشنوای دیگری نیز می گوید: اگر بخواهم متوجه موضوع فیلمی شوم دو بار آن را می بینم بار اول فقط تصویر را می بینم و بار دوم اشاره های رابط را، اما باز هم نیاز دارم کسی به سؤالات جواب دهد. دیگری می گوید: در زبان اشاره، کلمات زیادی داریم که اشاره یکسانی دارند مانند دعوا و جنگ یا زیبا و قشنگ با جذاب و همچنین شدت ناراحتی و عصبانیت که در اشاره مشخص نمی شود.



خانم آقامحمد: در اشاره دعوا دو انگشت با هم برخورد می کند اما در اشاره جنگ چون جنگ بین دو گروه است تمام انگشتان دو دست با هم برخورد می کنند. شدت عصبانیت نیز در چهره رابط مشخص است اشاره زیبا و قشنگ هم یکی است. این دوستان هنوز اشاره های جدید را یاد نگرفته اند. من در کار خود از اشاره های تأیید شده کمیته زبان اشاره نیز استفاده می کنم و کلماتی چون اسامی خاص و نام میدان ها را نیز با الفبای گویا باغچه بان نشان می دهم.

\* از او می پرسیم به این ترتیب یک ناشنوا برای فهمیدن تمام اشاره هایی که شما در فیلم به کار می برید باید با همه این اشاره ها آشنایی داشته باشد؟

آقامحمد: برای ناشنوا زبان اشاره مانند زبان گفتاری افراد شنواست هر گاه اشاره کلمات جدید را ببیند آن را می آموزد.

\* آیا کلاسی برای آموزش کلمات جدید وجود دارد؟

آقامحمد: البته کتاب اشاره داریم اما کتاب از نظر تصویری محدودیت دارد و نمی تواند حرکات دست را به خوبی نشان دهد. آقای رضا محمودی نیز روزهای یکشنبه در فرهنگسرای سرو، زبان اشاره را به صورت رایگان آموزش می دهد. من هم در شبکه پنج کار آموزش زبان اشاره را شروع کرده ام.

\* اما چه راهی برای استفاده تعداد بیشتری از تلویزیون وجود دارد؟

علی صفاری: اگر برنامه ای زیرنویس داشته باشد من هم می توانم از آن استفاده کنم. مدتی پیش شبکه ۴، برنامه مستندی داشت درباره طبیعت که با زیرنویس پخش می شد که برای من نیز قابل استفاده بود اگر برنامه ای زیرنویس داشته باشد می توان آن را تند خواند و بعد تصویر را دید مانند فیلم های کلپ ها. هر چند ترجمه فارسی آن اشکال دارد اما به هر حال از اشاره بهتر است.

دیگر ناشنویان نیز با او هم عقیده هستند و می گویند: وقتی فیلمی زیرنویس دارد هر جای فیلم را که متوجه نشویم نوشته پایین آن را می خوانیم و اگر معنای کلمه ای را هم نفهمیم تنها به پرسیدن معنای یک کلمه نیاز پیدا می کنیم نه همه موضوع را. آنها اخبار را از شبکه ۶ پیگیری می کنند هر چند اغلب موضوع زیرنویس و تصویری که پخش می شود با هم ارتباط ندارند. اخبار ناشنویان نیز برای آنها جالب است چون خبرها خلاصه و تصویر گوینده ای که اشاره می کند بزرگ است. از طرفی اخبار صنفی ناشنویان در آن گفته می شود. به عقیده آنها تبلیغات نیاز چندانی به داشتن رابط ندارد. چون قابلیت تصویری بالای تبلیغ آن را کاملاً مشخص می کند به علاوه زمان کوتاه تبلیغ رابط را مجبور می کند که سریع اشاره کند که باعث گیج شدن ناشنوا می شود.

فاطمه انصاری، کارشناس ناشنویان می گوید: در کشورهای دیگر فیلم ها زیرنویس خاص ناشنویان دارند که در آن جملات ساده و خلاصه شده اند و همچنین صداهایی که در فیلم شنیده می شود نوشته می شود مانند صدای همهمه یا این که همه خندیدند یا صدای گریه می آید.

مهدی عطری: در اخبار ناشنویان، خبرها خلاصه و ساده می شود یعنی در سطح متوسط درک ناشنوا. اما در فیلم ها گاه کلمات غامض و پیچیده ای (1) به کار می رود که برای ما نیز قابل فهم نیست. اگر فیلمی زیرنویس خاص ناشنویان را داشته باشد آنها نیز می توانند آن را به خوبی تعقیب کنند. در دیدن اشاره های رابط توجه چشم باید دقیق باشد چون هر حرکتی معنایی دارد اما جمله زیرنویس را با یک نگاه کلی می توان خلاصه کرده و خواند البته باید در نظر داشت زیرنویس برای افرادی که سواد دارند مناسب است.

خانم آقامحمد: زیرنویس اخبار بعد از چندین بار تکرار به صورت کامل خوانده می شود به علاوه در شرایط کنونی که از زیرنویس استفاده نمی شود نمی توان قضاوت صحیحی در مورد آن داشت. بنابراین باید امکان استفاده از هر دو روش زیرنویس و رابط در اختیار ناشنوا قرار گیرد تا او بنا به شرایط خود بهترین را برگزیند.

او در مورد مزایای هر روش می گوید: «یکی از محاسن زبان اشاره این است که ناشنوا با زبان محاوره آشنا می شود. ما در محاوره لغات را می شکنیم نان را، نون می گوئیم اگر بچه ناشنوا را در زبان قوی نکنیم چگونه با لب به او می گوئیم نون و بعد بگوئیم بنویس نان. با اشاره می توان به راحتی کلمات متضاد و مترادف را نشان داد. کلماتی که مشابه نوشته می شوند اما معانی متفاوتی دارند مانند کلمه (نظام) که معانی زیادی دارد ناشنوا با دیدن این کلمه اولین برداشتش نظامی است اما حکومت نیز نظام است. لغات انتزاعی با اشاره به راحتی قابل انتقال است وقتی می گوئیم - چشمم افتاد - به این معنا نیست که چشمم از حدقه بیرون افتاد برای درک معنای این عبارت، من با لب می گویم چشمم افتاد و با دست اشاره می کنم - دیدم - در اشاره حالاتی که در کلام است در چهره و حرکات دست و بدن رابط دیده می شود مانند غم، شادی، عصبانیت، به همین دلیل فرد با فیلم ارتباط بیشتری برقرار می کند. در لب خوانی حرکت لب برای بعضی کلمات مشابه است مانند روزنامه و نوشابه اما در اشاره این کلمات از هم مشخص می شوند زبان اشاره بر مبنای محاوره است اما زیرنویس بر اساس قانون نوشتاری. در زیرنویس باید جملات ساده و کوتاه شود حتی معنا شود.

ص: ۳۳۰

۱- دیدگاه خانم آقامحمد درباره غامض و پیچیده بودن اخبار ناشنویان چنین است: در زبان اشاره کلمات غامض و پیچیده ای اصلاً وجود ندارد. چون اشاره زبان مادری ناشنویان است که به سادگی و آسانی توجه خاصی دارد و باعث تفهیم لغات سخت می شود. همان گونه که پاسخ داده شده چون دو روش اجرا نمی شود، نمی توان درباره آن قضاوت کرد. همچنین وقتی کسی زیرنویس را می بیند آیا می تواند موقع خواندن آن فیلم را هم ببیند؟ البته خیر. اما بخشی از هر کدام را می بیند و موضوع را در می یابد. در مورد رابط همین طور است. ضمن آنکه زیرنویس حرکت می کند و بعضی اوقات در دو سطر می آید. اما تصویر رابط در یک نقطه ثابت است و تمام حالات گفتار را نشان می دهد «و به گفته یک عزیز ناشنوا با رابط ارتباط عاطفی و نزدیکی برقرار می کند.» و بهره مند شدن از زیرنویس نیازمند سواد خواندن و نوشتن در سطح بالایی است. در صورتی که از رابط که هم لب خوانی می کند و هم اشاره و هم کلمات را ساده پس همه اقشار ناشنوا با هر توانایی می تواند از آن استفاده نماید. اما در نهایت هر دو امکان باید باشد تا خود ناشنوا هر چه را می خواهد استفاده کند.

\* به همین دلیل تبدیل محاوره به نوشتار یک کار تخصصی است و زمان زیادی می‌طلبد و چه باید کرد؟ راه حل این مسئله را از کارشناسان جویا می‌شویم

آقامحمد: سازمان ملل متحد زبان اشاره را حق ناشنوا می‌داند و می‌گوید ناشنویان حق دارند از زبان اشاره بومی خود استفاده کنند چون زبان مبتنی بر فرهنگ است. از طرفی ما حق نداریم لب خوانی را از ناشنوا بگیریم و او را مجبور کنیم فقط از اشاره استفاده کند چون در این صورت او در ارتباط با جامعه دچار مشکل می‌شود. ناشنوا به ارتباط کلی نیاز دارد نه فقط اشاره. هم باید سمعک داشته باشد تا از ذره صوت استفاده کند و هم باید لب خوانی، استفاده کند. بر اساس این اعتقاد، ما هنوز خواهان زیرنویس هم برای فیلم‌ها هستیم.

کارشناسان دیگر: او ضمن تأکید بر این که باید قدر حضور رابط ناشنویان در سیما را دانست اظهار می‌کنند در همه دنیا از ترکیب دو روش، (اشاره و زیرنویس) استفاده می‌شود و پیشنهاد می‌کنند حال که هر فیلم دو بار پخش می‌شود یک بار با زیرنویس باشد و بار دیگر با استفاده از رابط.

در توانبخشی افراد معلول آنچه مورد نظر است فراهم کردن شرایط و لوازمی است که فرد با آنها بتواند هر چه بیشتر به استقلال برسد. در این مقوله نیز ناشنوا با توجه به درصد شنوایی، موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد و نیازهای ارتباطی اش باید بهترین روش را انتخاب کند. چالش‌های زیادی بر سر راه استفاده از زبان اشاره در بین ناشنویان و کارشناسان وجود دارد و در این بین ضرورت آموزش یکسان نیز احساس می‌شود. رابط تلویزیون در حال حاضر این نقش را هم بر عهده دارد از طرفی عده زیادی از ناشنویان خواستار استفاده از زیرنویس در برنامه‌های تلویزیونی هستند. خواسته‌ای که همواره جواب منفی را به همراه داشته است اما این بر کسی پوشیده نیست که ناشنوا هم به عنوان یک شهروند حق استفاده مطلوب از مهم‌ترین رسانه ارتباطی را دارد و هیچ بهانه‌ای در این بین پذیرفته نیست. به نظر می‌رسد خود ناشنویان، تشکل‌های آنان و علاقه‌مندان به امور ناشنویان باید در این رابطه آستین همت بالا بزنند و فاصله ارتباطی موجود را پر کنند.

\* شاید این نوید روشنی باشد که از زبان خانم آقامحمد شنیدیم که مؤسسه‌ای (جوانه پویا) حرکتی نو را در این راستا آغاز کرده است. در این مؤسسه با همکاری یک تیم تخصصی فیلم‌های خانوادگی ایرانی و خارجی انتخاب و برای آنها زیرنویس ویژه ناشنوا تهیه می‌شود. فرد ناشنوا با استفاده از دستگاه DVD می‌تواند فیلم را به صورت عادی ببیند یا با رابط، یا زیرنویس فارسی. همچنین می‌توان از هر دو امکان توأم استفاده کرد. زیرنویس به انگلیسی هم ترجمه و قابل استفاده است.



فصل ششم: نویسندگی و کتاب

اشاره

ص: ۳۳۳

یکی از فعالیت های فاطمه آقامحمد تألیف و نویسندگی کتاب بوده است. در فصل دوم اجمالاً این فعالیت را گزارش دادم ولی در این فصل به تفصیل به آن می پردازم.

آقامحمد بر اساس اسناد در دسترس، در تألیف پنج عنوان کتاب مشارکت داشته و این کتب منتشر شده اند. اما حداقل سه کتاب کودک هم سراغ داریم که مشغول تألیف آنها بوده و بسیاری از کارهای این سه اثر هم تمام شده بود ولی با تعویض ریاست سازمان بهزیستی و عوض شدن معاون توانبخشی، ادامه کار این کتب هم متوقف شد.

نکته مهم این است که اسم آقامحمد در شناسنامه و در هیچ کجای دو عنوان از این کتاب ها نیامده است در حالی که اسناد بسیاری هست که حضور و مشارکت ایشان را به عنوان مؤلف تأیید می کند.

ص: ۳۳۴

این کتاب با مشخصات زیر منتشر شده است:

مهمان های ناخوانده به زبان اشاره فارسی، تنظیم متن ثمینہ باغچه بان؛ نقاشی دیورا سوزان هولم، تنظیم اشاره فاطمه آقامحمد و الهه افضلی و حبیب تهرانی و رضاقلی شهیدی و رضا محمودی و محسن موسوی؛ تایپوگرافی روشنک رضا خانلو، تهران، سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران، ۱۳۵۹، ۳۴ + [۶] ص.

عکس روی جلد:

عکس صفحه عنوان:

تصویر

عکس روی جلد:

# مهمانهای ناخوانده

به زبان اشاره فارسی

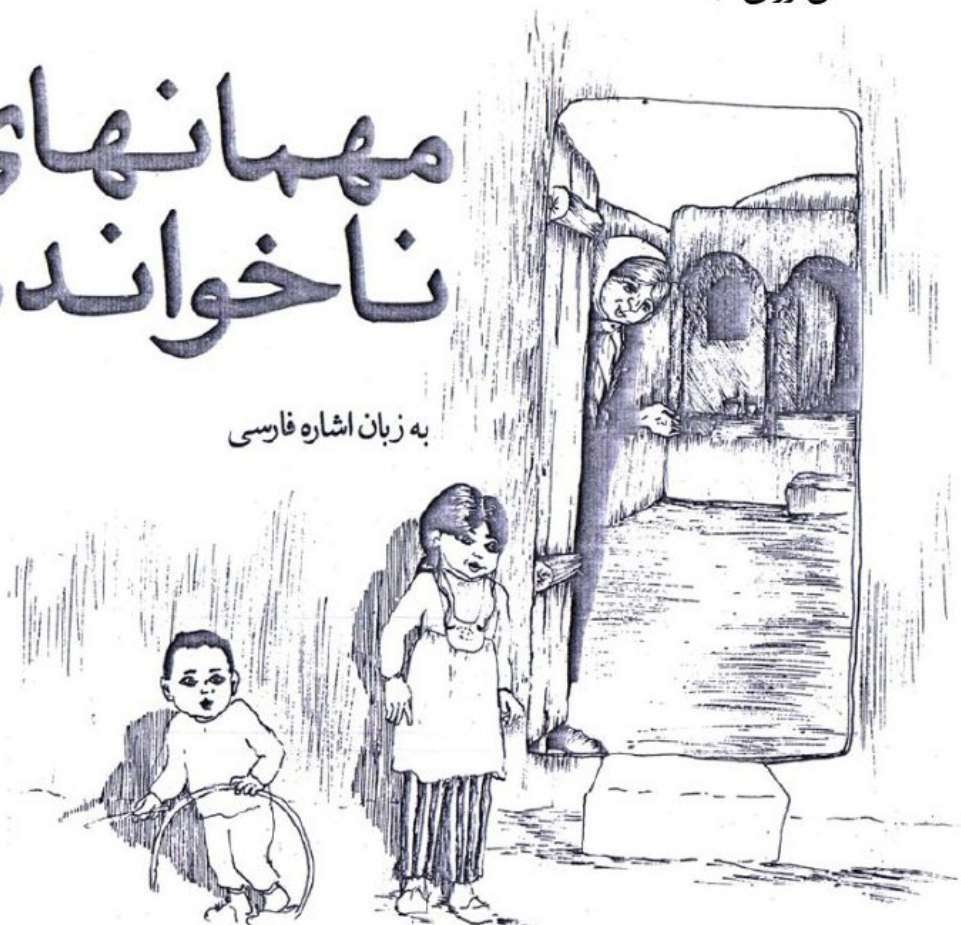
از انتشارات واحد آموزش (زبان اشاره)

سازمان رفاه ناشنوایان

چاپ اول، ۱۳۵۹

برای سال جهانی کودک

کلیه حقوق محفوظ است



عکس صفحه عنوان:





متن این کتاب، داستان زیبا و آموزنده ای است. ناشنویان این داستان را بسیار دوست می داشته و از آن استقبال نموده اند. در این داستان، پیرزنی در دهی زندگی می کرد و خانه کوچکی داشت. بچه ها و مردم بسیار او را دوست داشتند و برای شنیدن قصه به خانه او می آمدند. خانم آقامحمد درباره این کتاب نوشته است:

«با عنایت خداوند نخستین کتاب با نام فرهنگ زبان اشاره فارسی در سال ۱۳۵۹ به چاپ رسید. البته کتاب داستانی میهمانان ناخوانده را خانمی انگلیسی به نام سوزان دبوراهلم کشیده و تمام کارهای صفحه بندی قطع کتاب و در هر صفحه تصویری از موضوع داستان را نقاشی کرده و در زیر تصویر کلمات اشارات را با همکاری گروه کشیده بود در حقیقت کار تایپوگرافی آن را انجام داده بود» (۱).

یک شب بارانی زمستانی، حیوانات بسیار می آمدند در خانه اش را می زدند و می گفتند ما زیر باران و در سرما هستیم و خواهش می کردند به داخل خانه بیایند. پیرزن همه آنها را راه داد و به آنها جا دادند و همه در آرامش خوابیدند. فردا هم سر سفره جمع شدند و هر یک کاری انجام دادند به پیرزن کمک کردند. این داستان مشارکت جمعی در جامعه و همکاری همگانی برای ایجاد جامعه مطلوب را به خوبی و با زبان داستان و با ادبیات ساده و روان نشان می دهد. تعامل و همکاری و تعاون بین افراد را عیناً می فهماند و ضرورت کنار نهادن خودخواهی ها، کبر و غرورها را یاد می دهد.

این داستان برای جامعه ناشنویان ایران که دارای تشش ها، تضادها و انواع اختلافات است، آموزنده است. برای آشنایی با سبک کار پدیدآورندگان این داستان چند صفحه از آن را می آورم.

تصویر

# مهمانهای ناخوانده

برگرفته از متن تنظیم یافته فریده فرجام

انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و ناسنویان

تنظیم برای متن حاضر: ثمینة باغچه بان

نقاشی: دبوراسوزان هولم

تنظیم اشاره: فاطمه آقامحمد،

الهه افضلی، حبیب تهرانی،

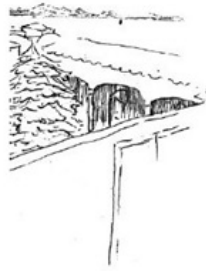
رضا قلبی شهیدی، رضا محمودی

محسن موسوی و باهمکاری ناشنویان

تایپوگرافی: روشنگر رضاخانلو

ص: ۳۳۶

عکس صفحه ۱ کتاب:



در يك ده كوچك يك پير زن زندگی می کرد.



خانه اين لاله پير زن خيلى كوچك بود. يك حياط

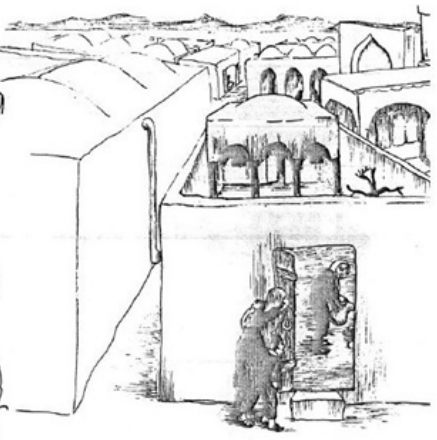


داشت ، لاله اندازه يك غريبيل.

عکس صفحه ۲ کتاب:



توی این حیاط يك درخت بود توی این حیاط يك چوب كبريت اندازه پيرزن مهربان بود و دوستش داشتند. خيلى بچه ها



عکس صفحه ۲ کتاب:

برای هر کلمه یک تصویر آورده است. این تصویر گویای نماد اشاره مطلوب است که بین ناشنویان در مورد آن توافق هست.

با همین شیوه می توان بسیاری از متون را برای ناشنویان منتشر کرد. البته کار شاق و پردردسر و سختی است ولی امکان پذیر است. اگر در سال حداقل پانصد کتاب به این روش منتشر گردد، در توسعه و تحکیم زبان اشاره فارسی بسیار مؤثر خواهد شد. در پایان سه فصل پیوست آورده است که مهم است. اول فهرست لغات راهنما آورده است. مثلاً واژه من و نماد اشاره ای آن در چه صفحه هایی درج شده است.

پس از آن، الفبای گویای باغچه بان که ابتکار خود او است در دو گروه صداهای آوایی و صداهای بی آوا آورده است. این دو صفحه را عیناً می آورم:

یک صفحه از کتاب مهمان های ناخوانده:

تصویر

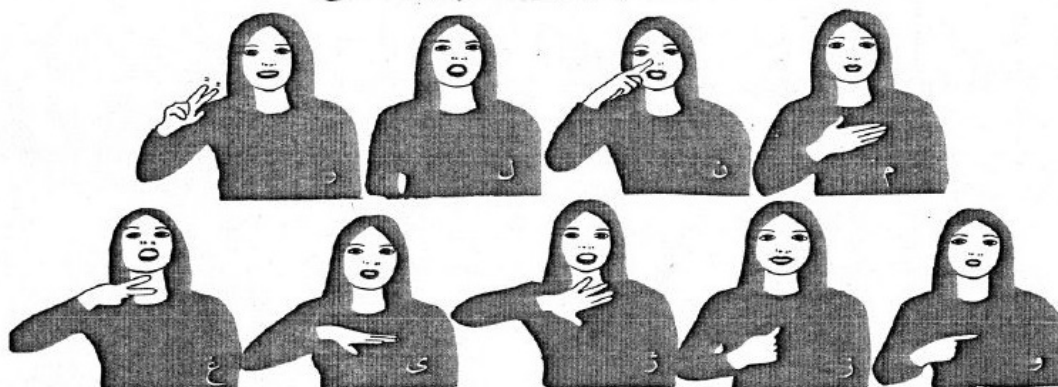
## الفبای گویای باغچه بان ابتکار جبار باغچه بان

گروه اول: صداهای آوایی (حنجره ای)

۱ مصوت های زبان فارسی



۲ صامت های آوایی امتداد پذیر (انقباضی)



بالاخره در آخر الفبای دستی زبان اشاره فارسی ابتکار جولیا سمیعی را آورده است.

تصویر

۳ صامت‌های آوایی امتداد ناپذیر (انسدادی یا گنگ)



گروه دوم: صداها بی آوا (تنفسی)

۱ صامت‌های بی آوای امتداد پذیر (انقباضی)



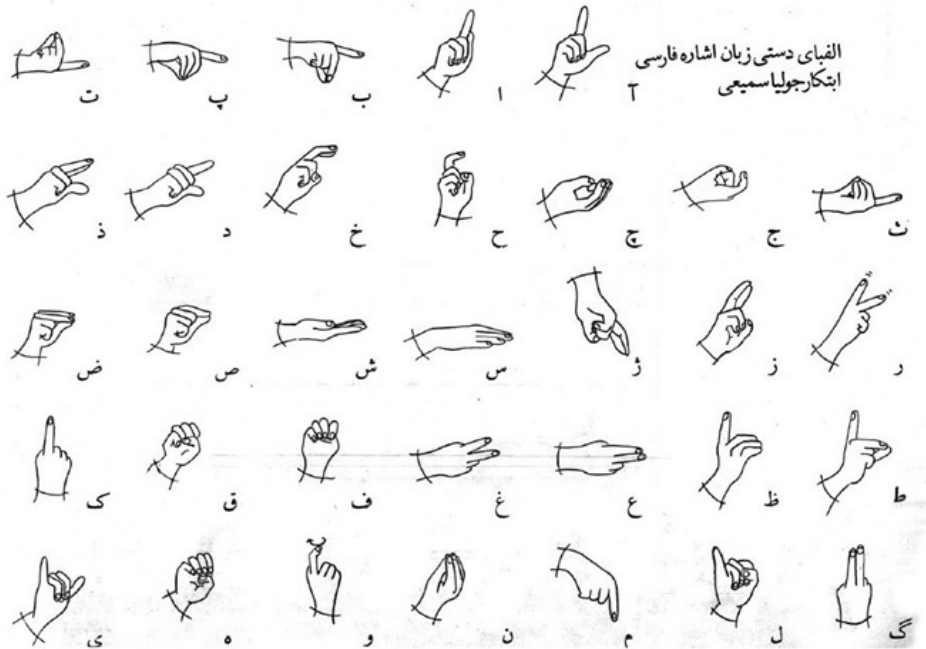
۲ صامت‌های بی آوای امتداد ناپذیر (انسدادی)



نشان حرف‌های عربی



بالاخره در آخر الفبای دستی زبان اشاره فارسی ابتکار جولیا سمیعی را آورده است.



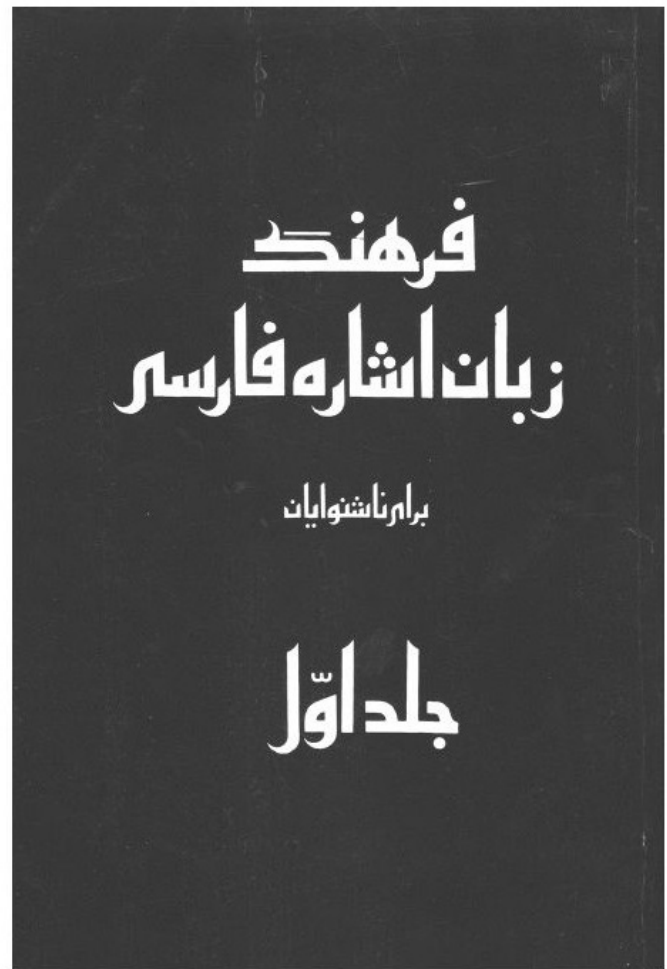
## فرهنگ زبان اشاره فارسی

کتابی در سال ۱۳۵۹ توسط سازمان رفاه ناشنوایان با مشخصات زیر منتشر شد. خانم آقامحمد در تألیف این اثر سهیم و شریک بود. مشخصات این اثر این گونه است:

عکس روی جلد:

عکس صفحه عنوان کتاب:

تصویر



ص: ۳۴۰

همه زبان ها به لغت نامه و فرهنگنامه نیاز دارند؛ زبان اشاره هم از این قاعده مستثنی نیست و زبان اشاره هم فرهنگنامه می خواهد که مترادف و متضاد و معادل های یک واژه را نشان دهد.

برای اولین بار چند تن از کارشناسان زبان اشاره برای اشارات فارسی و ایرانی، این فرهنگنامه را تدوین و عرضه کردند. البته فقط جلد اول آن در سال ۱۳۵۹ منتشر شد و با انحلال سازمان رفاه و ادغام آن در بهزیستی، جلدهای دیگر آن آماده و منتشر نشد.

تصویر

## فرهنگ زبان اشاره فارسی

برای ناشنویان

جلد اول

تألیف و تنظیم از گروه زبان اشاره:

فاطمه آقامحمد، الهه افضلی، مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی،

رضاقلی شهیدی، محسن لوح موسوی،

رضا محمودی

عکاسی: محمودحاج محمدی، محسن منوچهری

تایپوگرافی: روشنگر رضاخانلو

ص: ۳۴۱

در سال ۱۳۶۸ کتابی به نام مجموعه اشارات ناشنویان در دفتر آموزش و پژوهش سازمان بهزیستی کشور منتشر شد. مدیر این دفتر به نام میر کیهان مدیرزاده در نامه ای به خانم فاطمه آقامحمد از زحمات او در تألیف و تهیه این کتاب تشکر کرده و این کتاب را در راه گشایی مشکلات ارتباطی ناشنویان مهم و مؤثر دانسته است. متن این نامه را می آورم:

نکته مهم در مورد این کتاب این است که در صفحه معرفی پدیدآورندگان، اسم خانم آقامحمد نیست.

عکس روی جلد کتاب:

ص: ۳۴۲

شناسنامه کتاب:

نام کتاب : مجموعه اشعار ناشنویان

تهیه و تالیف : کمیته توسعه زبان اشاره :  
ایران بهادری - مرتضی پیروزی - حبیب تهرانی زاده  
اللهه قاسمی شاد - محسن لوح موسوی - رضا محمودی

با همکاری : طاهره محمدپور - بهنا زنسوادرانی

طراحی اشعار : شعله نواب تهرانی

طراحان فلش : مرتضی پیروزی - رضا محمودی

زیر نظر : ایران بهادری - محسن لوح موسوی

مشاور ادبی : منصور استخری

مشاوران اجرایی : تقی ناصر شریعتی - عطا الله مثنوی

مفحه بندی کتاب : کمیته توسعه زبان اشاره

ناشر : سازمان بهزیستی کشور

چاپ اول : ۱۳۶۸ تهران

چاپ دوم : ۳۳۷۵ تهران

تیراژ : ۵۰۰۰ نسخه

چاپخانه : آفرینش



## آشنایی با اشارت ناشوایان

این کتاب در گروه پژوهش های توانبخشی دفتر آموزش و پژوهش سازمان بهزیستی کشور تدوین و در سال ۶۳ منتشر شده است. نام فاطمه آقامحمد در صفحه پدیدآورندگان آمده است.

عکس روی جلد:

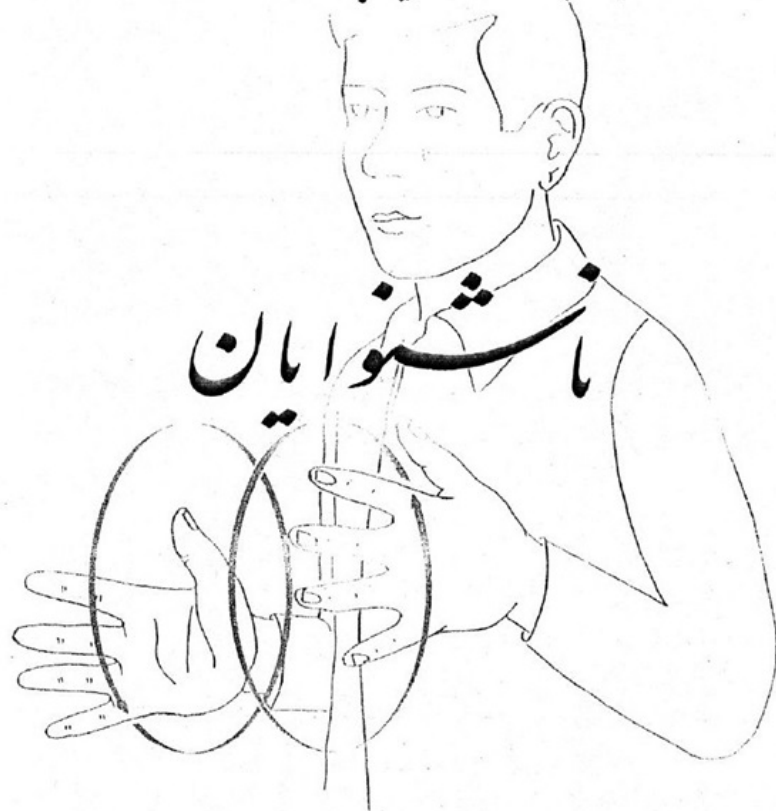
تصویر

عکس روی جلد:



جمهوری اسلامی ایران  
سازمان بهزیستی کشور

آشنایی با اشارت



تألیف و تنظیم  
مگروه پژوهشهای توانبخشی دفتر آموزش پژوهش

۲۰۰ ریال

ص: ۳۴۴

شناسنامه کتاب:



نام کتاب:	آشنایی با اشارات ناشنویان
تألیف و تنظیم:	مکرده پرو بهشاهی توابعی ناشنویان قرآآموزش و پرورش
مشاور ادبی:	منصور استخری
طراحان:	شعد نواب تهرانی - قاسم بخشش

تألیف و تنظیم اشارات توسط:  
مرتضی پیروزی - حبیب تهرانی زاده - الله قاسمی شاد - محسن لوح موسوی - رضا محمودی

بازنگاری:  
فاطمه آقا محمد - الله فضلی - ایران بهسادگی - هموش گلبدن - طاهره محمدپور - بهنا زینوادی

چاپ و نشر:	ردابلا عمومی و ارشاد سازمان بهرستی کشور
تعداد نشر:	۲۰۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۳۶۳

چاپخانه سازمان بهرستی کشور

این کتاب مهم ترین اثری است که در ایران درباره زبان اشاره منتشر شده است. چهار جلد است و دارای این مشخصات است:

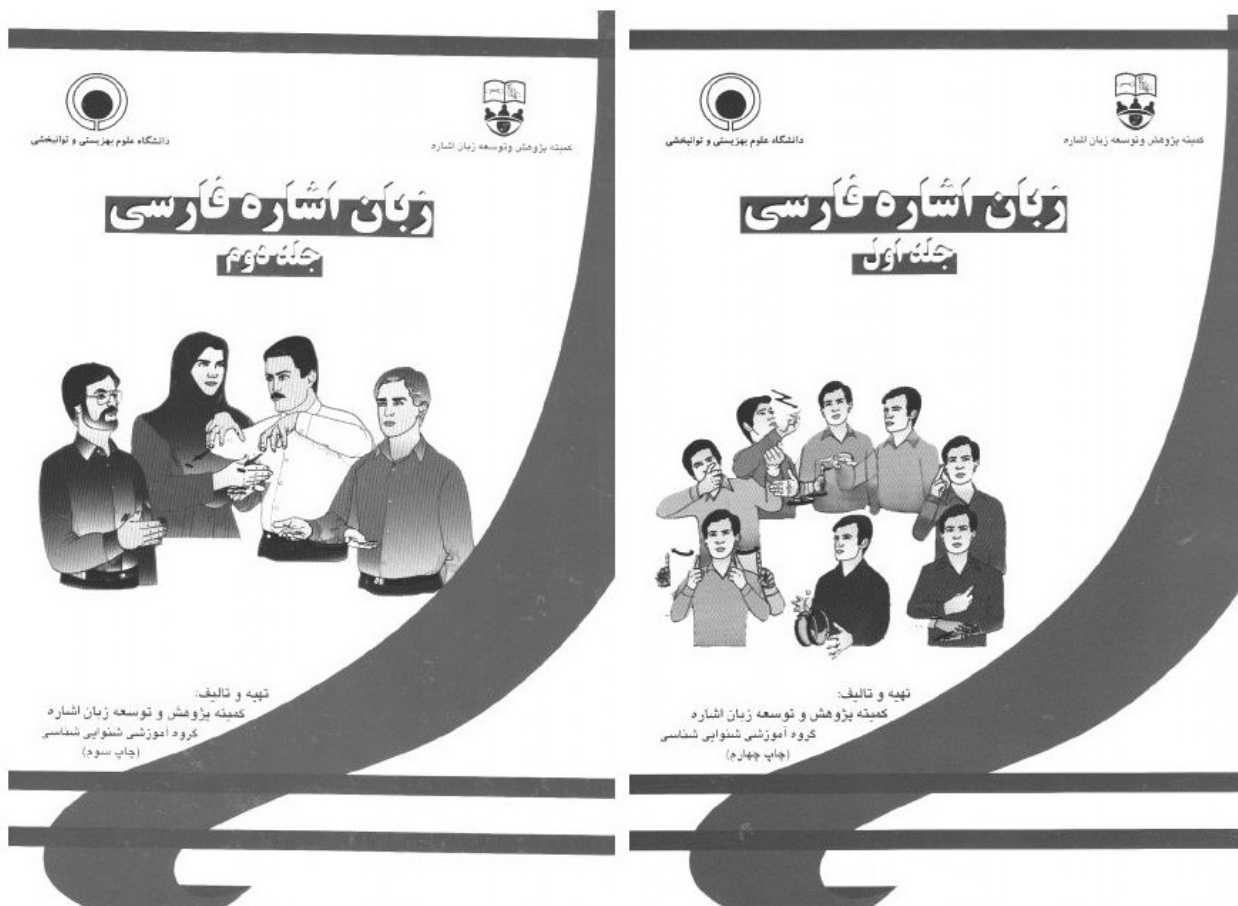
زبان اشاره فارسی، ۴ جلد، تهیه و تألیف کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۴.

روی سه جلد اول بازبینی و طراحی کتاب های قبلی است. تهیه و تألیف کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره آمده و روی جلد چهارم در کنار این کمیته یونس لطفی هم آمده است. اما در شناسنامه هر چهار جلد، این نام ها مطرح شده است: مرتضی پیروزی، حبیب تهرانی، الهه قاسمی شاد، محسن لوح موسوی، رضا محمودی، طاهره محمدپور، بهناز نسوادرانی، ایران بهادری، اکرم حاج علی اکبری، پریسا کرمانی زاده.

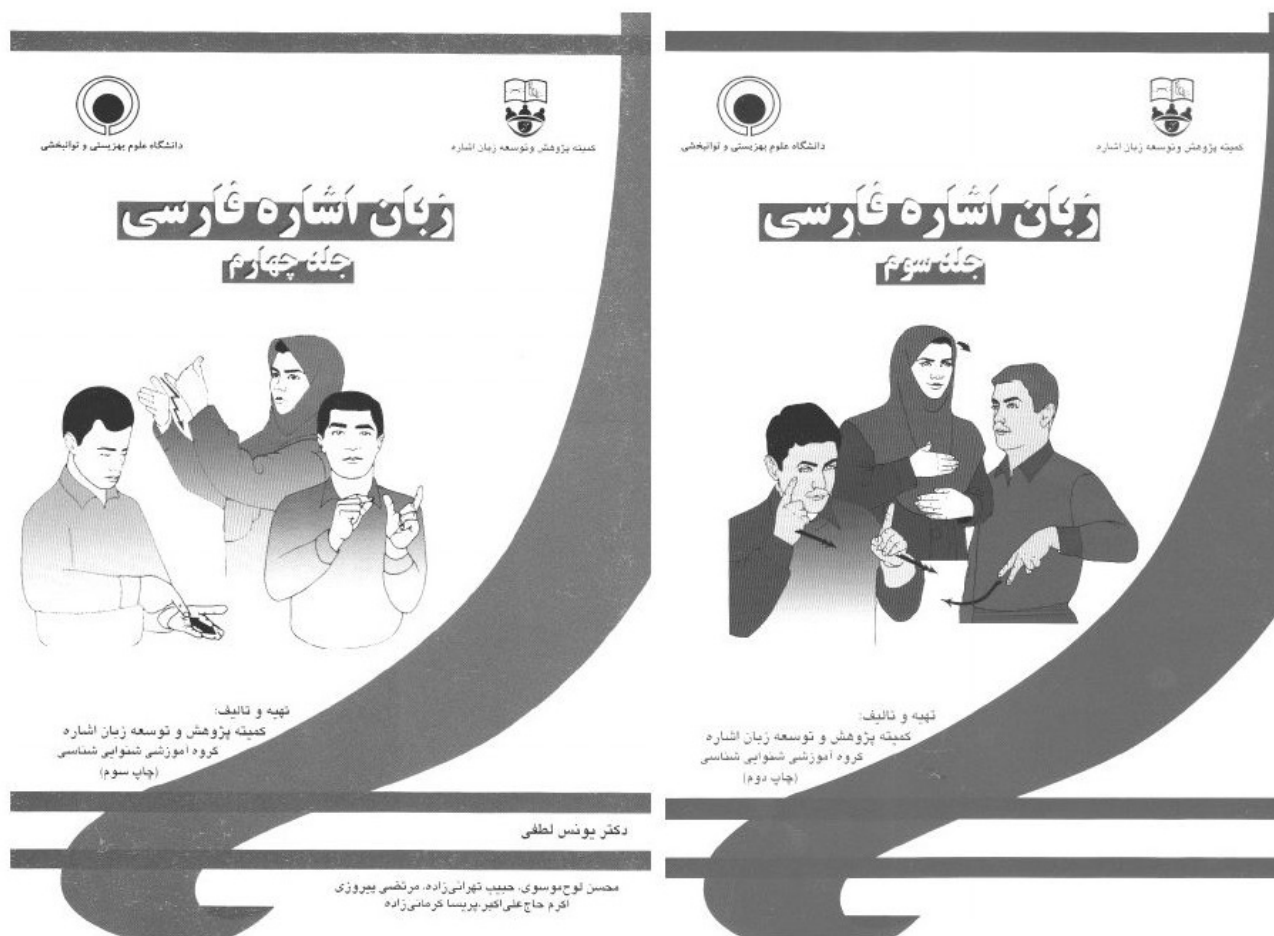
خانم آقامحمد در زندگی خودنوشت خود از همکاری و مشارکت خودش در تدوین و تألیف این کتاب یاد کرده است. (۱)

تألیف و نشر چهار جلد که مجدداً طراحی و بازبینی شده از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹ طول کشیده و چند چاپ داشته است، اما آقامحمد به هنگام تألیف و نشر سه جلد اول در بهزیستی حضور نداشته و فقط به هنگام تألیف جلد چهارم مشارکت داشته است. ولی اسم او در جلد چهارم هم نیامده است. اما اسناد فراوان هست که حضور و مشارکت او را تأیید می کند.

تصویر



۱- زندگی نامه خودنوشت.



## اسناد و مدارک

مدارک و سندهای بسیار درباره کتاب زبان اشاره فارسی و به ویژه جلد چهارم این اثر در دست است که گویای همه زوایا و جنبه های این اثر می باشد. سه جلد اول کتاب زبان اشاره فارسی مورد نظر نیست، چون در دوره ای تألیف و منتشر شده که آقامحمد در این بخش اداری نبوده و خودش هم ادعایی نسبت به این سه جلد ندارد. اما در جلد چهارم به عنوان ناظر تخصصی و ویراستار اشارات و طراح فعال بوده است. البته نه صرفاً ناظر اداری و اجرایی بلکه ناظر در همه زمینه ها و از جمله در زمینه محتوای علمی آن نظر می داده است. در اینجا سیر تولید این اثر را از ابتدا تا انتها را بررسی می کنیم و جایگاه آقامحمد را در هر مرحله نشان می دهیم.

### آغاز پروژه

حبیب آقابخشی مدیر پژوهش دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در ۳ مهرماه ۱۳۷۸ در نامه ای به معاون توان بخشی سازمان بهزیستی، محمد کمالی، ضرورت چنین کتابی و نیاز به آن را مطرح و همراه نامه اش طرح یک صفحه ای برای تألیف این اثر را هم می فرستد.

معاون این نامه و طرح را برای خانم آقامحمد جهت بررسی می فرستد. متن نامه و طرح این گونه است:

ص: ۳۴۸

چکیده ای از طرح تحقیقاتی:

- عنوان طرح تحقیقاتی: تدوین جلد چهارم فرهنگ زبان اشاره فارسی

- تاریخ شروع طرح: مردادماه ۱۳۷۸

- تاریخ خاتمه طرح

- بودجه کل طرح:

- مجری: اکرم حاجی علی اکبر

- اعضاء گروه تحقیقاتی: محسن لوح موسوی - رضا محمودی - مرتضی پیروزی - حبیب تهرانی زاده، پریسا کرمانی زاده

همکاران:

۱- استاد ادبیات فارسی

تصویر

بیتوالم حبیب  
حبیب آقابختی  
مدیر پژوهش دانشگاه

شماره ۸۵۴ / ۱  
تاریخ ۷۸ / ۳ / ۳

۴  
۱۳۷۸  
۲۵  
۲۶

۵

۲- رئیس کانون ناشنویان خراسان

۳- رئیس کانون ناشنویان تبریز

۴- رئیس کانون ناشنویان سیستان و بلوچستان

۵- رئیس انجمن فرهنگی ناشنویان شفق

۶- رئیس انجمن خانواده ناشنویان

- سازمان اجرا کننده طرح: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

- محتوای برنامه تحقیقاتی:

۱- مسئله تحقیق: جمع آوری و ساخت اشارات زبان اشاره فارسی

۲- اهداف کلی طرح: تهیه مرجع و مآخذ جامع و کامل از اشارات ناشنویان ایران در قالب فرهنگ نامه زبان اشاره فارسی

- یکپارچه نمودن زبان اشاره فارسی در سراسر ایران اسلامی

۳- جامعه مورد مطالعه و روش های جمع آوری داده ها:

جامعه مورد مطالعه جامعه ناشنویان ایرانی می باشد و با تشکیل جلسات حضوری توسط اعضای ناشنوی گروه تحقیقاتی اشارات موجود جمع آوری می گردد.

۴- چگونگی استفاده از نتایج:

حاصل کار تحقیقاتی گروه به صورت فرهنگ زبان اشاره فارسی جلد چهارم به چاپ خواهد رسید تا مورد استفاده جامعه ناشنویان، مربیان، معلمان، کارشناسان توان بخشی ناشنویان و دیگر دست اندرکاران امور ناشنویان برسد. ضمناً مبنایی برای فعالیت های تحقیقاتی بنیادی در زمینه زبان شناسی و جامعه شناسی قرار می گیرد.

چند روز بعد یعنی ۲۴ مهرماه ۱۳۷۸ آقای نجفی مدیرکل دفتر توان بخشی و امور اجتماعی معلولین پاسخ نامه آقابخشی را می دهد. ابوالقاسم نجفی در ابتدای نامه گزارش می دهد که تیم کارشناسی با بررسی طرح نامه جلد چهارم به جمع بندی رسیدند و این نکات را در هشت محور عرضه می کند. متن این نامه به شرح زیر است:

ص: ۳۵۰





خلاصه این نامه این است که باید جلد چهارم مبتنی بر اشارات خود ناشنویان باشد که در شهرهای دور و نزدیک زندگی می کنند و لازم است با تحقیقات میدانی این اشارات شناسایی و جمع آوری گردد. از این رو مدیریت پژوهش دانشگاه و آقابخشی به سراغ تألیف طرح جامع می روند و پس از مطالعات این طرح را آماده و در ۹ بهمن ۱۳۷۹ یعنی حدود یک سال و نیم بعد برای معاون توانبخشی (محمد کمالی) می فرستد. متن نامه این گونه است:

تصویر

۶- تعداد مشخصی از لغات با توجه به الیستیکهای کاربردی دسته بندی و در هر هفته مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.

۷- تاریخ و تعداد جلسات نهایی جهت پیشنهادات جمع آوری شده و تائیسر و تصویب در هر ماه معین گردد.

۸- نوع چگونگی همکاری موارد مطرح شده در طرح بعنوان همکاران به وضوح مشخص گردد.

بدیهی است این دفتر همکاری صمیمانه خود را در تحقق بخشیدن اهداف طرح ناشنویان اعلام میدارد. م/

ابوالقاسم نجفی

مدیرکل دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین

شماره ۱۴۲/۹۷۰۴

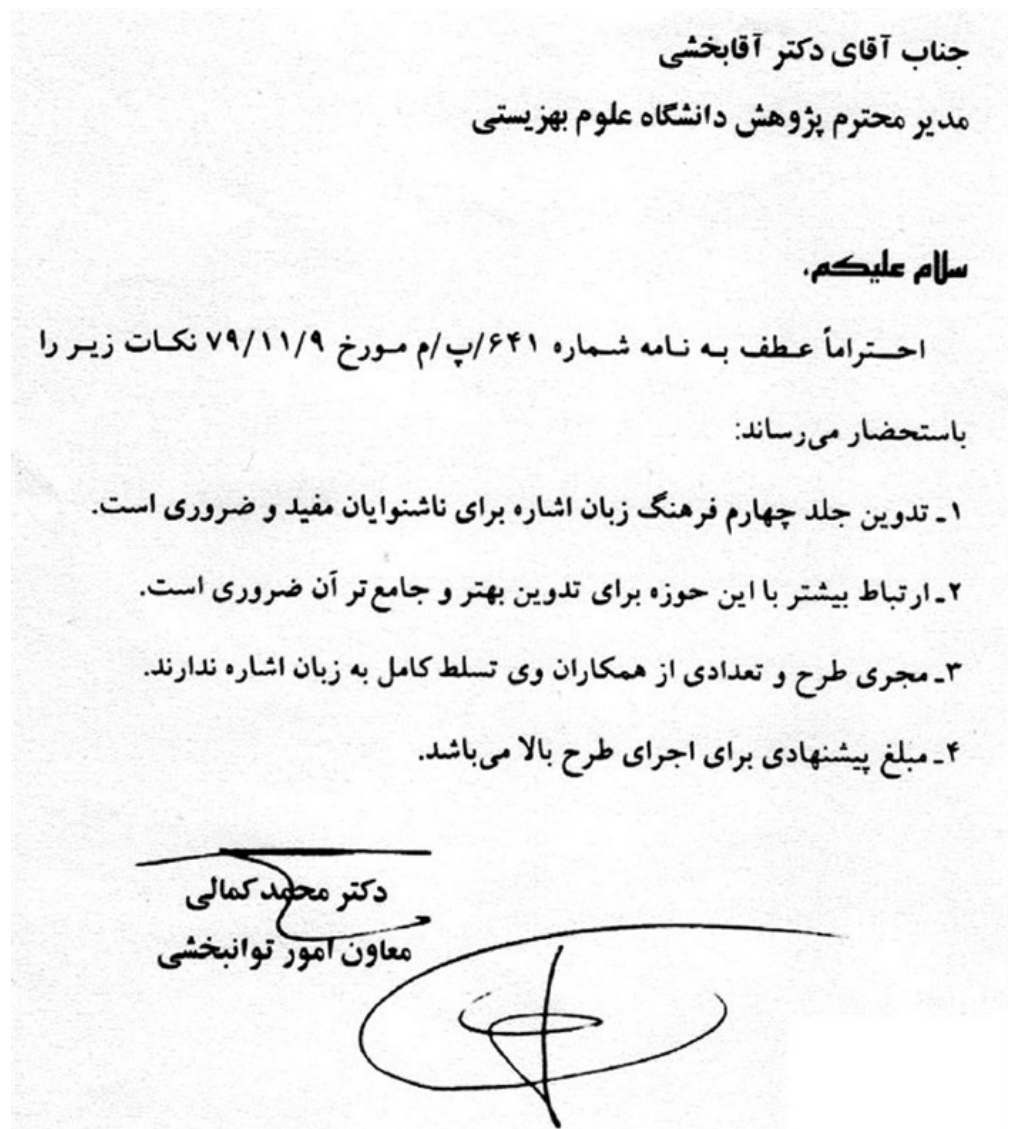
تاریخ ۷۸/۴/۲۷

معاون توانبخشی (محمد کمالی) چند روز بعد یعنی ۲۷ بهمن ۱۳۷۹ طی نامه ای به آقابخشی، پذیرش طرح و ضرورت آن را اعلام می کند ولی چند نقد هم مطرح کرده است از جمله می نویسد: مجری که این پروژه را نوشته است: و تعدادی از همکاران وی تسلط کامل بر زبان اشاره ندارند. در صفحه نخست طرح نوشته است: مجری طرح یونس لطفی (۱) است. متن نامه معاون این گونه است:

با اینکه معاون مخالفت خودش را با ادامه کار مجری طرح یعنی یونس لطفی اعلام می کند ولی ایشان نمی دانیم به چه دلیل کارش ادامه یافت و حتی پس از چاپ و انتشار کتاب اسمش به عنوان مجری و مؤلف آمده است. (۲)

بهرحال این اسناد گویای چگونگی آغاز این پروژه و سیر اولیه آن است. در همه این اسناد آقامحمد به عنوان کارشناس و ناظر حضور فعال دارد.

تصویر



ص: ۳۵۳

۱- آقای یونس لطفی شخصی است که در زمان پخش برنامه های سیما با رابط، مخالفت کرده بود و به دکتر کمالی هم جهت قطع برنامه نامه داده بود. ارجاع به ص ۲۶۸ همین کتاب. (فاطمه آقا محمد)

۲- زمان چاپ کتاب متأسفانه آقای دکتر کمالی از بهزیستی رفتند. (فاطمه آقا محمد)

پس از قبول ایده تألیف جلد چهارم کتاب زبان اشاره فارسی، حدود یک ساله و نیم طول کشید تا طرح نامه ای در گروه پژوهشی دانشگاه بهزیستی و توان بخشی آماده و برای معاون توان بخشی سازمان بهزیستی (محمد کمالی) ارسال گردید. و کمالی این طرح نامه را برای آقای محمد ارسال کرد.

اکنون نگاهی می اندازیم به طرح نامه و سپس بررسی و اظهار نظر آقای محمد را می آوریم. چکیده طرح نامه که در صفحه اول آن آمده این گونه است:

چکیده ای از طرح تحقیقاتی: کلیات و خلاصه طرح تألیف جلد چهارم کتاب زبان اشاره فارسی عبارت است از:

- عنوان طرح تحقیقاتی: تدوین جلد چهارم فرهنگ زبان اشاره فارسی

- تاریخ شروع طرح از زمان تصویب محاسبه می گردد

- تاریخ خاتمه طرح

- بودجه کل طرح: صد و شانزده میلیون و نهصد هزار ریال ۱۱۶/۹۰۰/۰۰۰ ریال

- مجری: دکتر یونس لطفی

- اعضای گروه تحقیقاتی: آقایان محسن لوح موسوی، مرتضی پیروزی

حبیب تهرانی زاده، خانم ها پریسا کرمانی زاده، اکرم حاج علی اکبر

همکاران:

۱- استاد ادبیات فارسی

۲- رئیس کانون ناشنویان ایران

۳- رئیس کانون ناشنویان خراسان

۴- رئیس کانون ناشنویان گیلان

۵- رئیس انجمن فرهنگی ناشنویان شفق

۶- رئیس انجمن خانواده ناشنویان

سازمان اجراکننده طرح: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

محتوای برنامه تحقیقاتی:

۱- مسئله تحقیق: جمع آوری و ساخت اشارات زبان فارسی برای ۵۰۰ کلمه جدید

۲- اهداف کلی طرح: ادامه تهیه مرجع و مأخذ جامع و کامل از اشارات ناشنویان ایران در قالب فرهنگ نامه زبان اشاره فارسی برای تکمیل ۳۰۰۰ کلمه اشاره مورد نیاز برای ناشنویان بر اساس زبان اشاره متداول در جهان

۳- یکپارچه نمودن زبان اشاره فارسی در سراسر ایران اسلامی

ص: ۳۵۴

۴- جامعه مورد مطالعه و روش های جمع آوری داده ها: جامعه مورد مطالعه جامعه ناشنویان ایرانی می باشد و با تشکیل جلسات حضوری توسط اعضای ناشنوی گروه تحقیقاتی اشارات موجود جمع آوری می گردد.

۵- چگونگی استفاده از نتایج: حاصل کار تحقیقاتی گروه به صورت فرهنگ زبان اشاره فارسی جلد چهارم به چاپ خواهد رسید تا مورد استفاده جامعه ناشنویان، مربیان، معلمان، کارشناسان توان بخشی ناشنویان و دیگر دست اندرکاران امور ناشنویان برسد. ضمناً مبنایی برای فعالیت های تحقیقاتی بنیادی در زمینه زبان شناسی و جامعه شناسی قرار می گیرد.

دیگر بخش های طرح نامه: در ادامه مشخصات همکاران اصلی طرح را آورده است. نام شش نفر در این جا به عنوان همکار اصلی ذکر شده است.

محسن لوح موسوی (کارشناس زبان اشاره و دیپلم)، مرتضی پیروزی (کارشناس زبان اشاره و دیپلم)، رضا محمودی (کارشناس زبان اشاره و دیپلم)، لازم به ذکر است محمودی در آن زمان لیسانس و فوق دیپلم داشت؛ حبیب تهرانی زاده (کارشناس زبان اشاره)، پریسا کرمانی زاده (کارشناس زبان اشاره و کارشناس عکاسی)، اکرم حاج علی اکبر قمی (دانشجوی کارشناسی ارشد توان بخشی، ادیولوژیست).

در ادامه آثار علمی شامل مقاله و کتاب های آنان معرفی شده اما اثری که مرتبط با زبان اشاره باشد. نیامده است.

پایان نامه رضا محمودی درباره اشارات قالی بافی است و اثر ابتکاری می باشد ولی چرا معرفی نشده، علت آن را نمی دانیم. نیز حبیب تهرانی زاده، محسن لوح موسوی و رضا محمودی در چند پروژه مرتبط به زبان اشاره کار کرده و کتاب های به نام آنها منتشر شده است.

سپس به اطلاعات طرح پژوهشی شامل عنوان به فارسی عنوان به انگلیسی و نوع پژوهش یعنی بنیادی و کاربردی بودن آن است. در همین جا واژه های مندرج در عنوان مثل زبان اشاره، اشاره و جامعه ناشنویان را معرفی کرده است.

مبحث دیگری به نام بررسی متون آورده و شش کتاب را بررسی و معرفی کرده است. در واقع این مبحث، پیشینه این پژوهش است. این مبحث را این گونه آغاز کرده است: پژوهش های انجام شده در این زمینه از سال ۱۳۵۲ در سازمان ملی رفاه ناشنویان آغاز گردید. پس از ادغام این سازمان در سازمان بهزیستی کشور کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره فارسی به فعالیتش ادامه داد و پنج کتب حاصل فعالیت های این کمیته است.

- فرهنگ زبان اشاره

- آشنایی با اشارات ناشنویان

- مجموعه اشارات ناشنویان

- زبان اشاره فارسی (۱ تا ۳)

- زبان آموزی به کودک ناشنوا

اما نیازهای ناشنویان با این آثار تأمین نشده و با توجه به اینکه نیازهای جدید هست چون زبان در حال زایش و پیشرفت است و لغات جدید در محاورات تولید می شود و لازم است کتاب های جدید به معرفی اشارات جدید پردازند.

ادامه طرح نامه به اهداف، فرضیه، روش، جمع آوری اطلاعات و هزینه ها می پردازد. در مورد اهداف چنین آمده است.

اهداف اصلی طرح (general objectives)، عبارت اند از:

۱. جمع آوری اشارات موجود در بین جامعه ناشنویان در جهت تکمیل زبان اشاره مورد نیاز جامعه ناشنویان

۲. انتخاب مناسب ترین اشاره از نظر علمی، رسایی، زیبایی و راحتی بیان برای هر لغت

۳. هماهنگ نمودن اشارات زبان اشاره فارسی در بین جامعه ناشنویان

۴. رواج زبان اشاره فارسی استاندارد از طریق تدوین کتاب زبان اشاره برای والدین، مربیان و معلمان ناشنویان و کارشناسان رشته های توانبخشی از جمله گفتار درمانی و شنوایی شناسی و دست اندرکاران امور ناشنویان و رابطین زبان اشاره که به طور رسمی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران حضور دارند.

۵. تقویت زبان اشاره فارسی و ایجاد زیربنای اصولی که مبنای تحقیقات در زمینه زبانشناسی، جامعه شناسی، ... قرار گیرد.

ب. اهداف فرعی طرح (specific objectives) عبارت اند از:

۱. کامل کردن و هماهنگ شدن زبان اشاره فارسی در جامعه ناشنویان به عنوان اصلی ترین روش ارتباطی

۲. استفاده از این لغات در آموزش کودکان ناشنوا و ایجاد پایه های قوی زبانی در آنها.

۳. آشنا کردن جامعه شنوا با فرهنگ ناشنویان ایرانی که این مهم قطعاً با آشنایی با زبان آنها فراهم می گردد.

ج - هدف کاربردی:

۱- تهیه مواد آموزشی کلاس های زبان اشاره در مراکز پیش دبستانی، سوادآموزی و حرفه آموزی ناشنویان در سراسر کشور

۲- تهیه مواد آموزشی برای واحدهای زبان اشاره رشته های توانبخشی از جمله شنوایی شناسی و گفتار درمانی و رشته های مربوط به ناشنویان از جمله کاردانی ناشنویان و کاردانی خدمات رابطی که به تازگی دانشجو پذیرفته اند.

کارشناسی فاطمه آقامحمد

پس از وصول طرح نامه در بهمن ۱۳۷۹، معاون (محمد کمالی) آن را برای آقامحمد جهت بررسی ارسال کرد. آقامحمد بررسی های خود را در هفت بند به شرح زیر برای معاون ارسال کرد:

احتراماً نظرات کارشناسی در خصوص طرح تحقیقاتی «تدوین جلد چهارم فرهنگ زبان اشاره فارسی» به شرح ذیل ایفاد می گردد.

با تأیید بر ضروری بودن چاپ جلد چهارم و با توجه به کاربردی زبان اشاره در حوزه معاونت توان بخشی به صورت گسترده در سراسر کشور از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران «که در طرح نیز تأکید گردیده» موارد کارشناسی ذیل جهت ارتقاء کیفیت طرح فوق پیشنهاد می گردد.

۱- مجری طرح مورد نظر می بایست کاملاً به طرح آشنایی داشته باشد.

۲- کارشناس ناظر نیز می بایست مشخص و در زمینه فوق دارای تجربه کافی و آشنا به طرح

۳- با توجه به اینکه زبان اشاره طبیعی به فرهنگ هر استان بستگی دارد لازم است از استان‌ها متفاوت در حداقل چهار منطقه کشور جهت رایزنی برگزیده شوند نه دو یا سه استان همجوار

۴- اولویت کاربردی گزینش لغات حتماً مدنظر قرار گیرد.

متأسفانه به این مسئله کمتر توجه شده است مانند اشاره جمهوری ما رئیس جمهور در هیچ یک از کتاب‌ها وجود ندارد اما کلمه بالون در صفحه ۱۳۴ جلد سوم وجود دارد.

۵- با توجه به اینکه زبان اشاره جهت درک مفاهیم کلمات کاربرد دارد کلمات متضاد حتماً دارای اشارات متفاوت باشد.

الف: کلمه تسلیت در ص ۱۴ کتاب زبان اشاره فارسی و تبریک در ص ۱۹ کتاب مجموعه اشارات و یا کلمه تعامل و تفاوت

ب: انتقال مفاهیم صحیح در انتخاب اشارات توجه گردد.

کلمه حلال در ص ۲۳ جلد سوم از اشارات ح+ بس استفاده شده که بهتر است ح+ پاک استفاده گردد.

مشابه موارد فوق در جلد سوم در صورت لزوم اعلام خواهد شد.

۶- استاد ادبیات فارسی در طرح باید مشخص گردد.

۷- بودجه پیشنهادی نیز قابل بررسی می باشد زیرا بعضی از موارد پیشنهادی به عنوان کار موظف محاسبه می شود. این نامه به تاریخ ۲۶ بهمن ماه ۱۳۷۹ تقدیم معاونت شده است.

آقامحمد نظارت خود بر این پروژه را ادامه داد و در ۱۵ بهمن ۱۳۸۰ مواردی را در نامه ای خطاب به کاکویی معاون پژوهشی دانشگاه نوشت:

احتراماً به استحضار می رساند پیرو ابلاغ شماره ۱۰۴۲۶/۴/۸۰۱ مورخ ۴/۱۰/۸۰ به اینجانب به عنوان ناظر تخصصی طرح «تدوین جلد چهارم فرهنگ زبان اشاره» حسب الدستور در مورخ ۱۷/۱۰/۸۰ اولین جلسه با حضور جناب آقای دکتر لطفی مجری

ص: ۳۵۷



محترم طرح و سرکار خانم حاج علی اکبر به درخواست مجری محترم و سرکار خانم سعیدی ناظر محترم اجرایی طرح و سرکار خانم محمدپور به درخواست ناظر محترم طرح تشکیل گردید و مقرر شد با توجه به وقت مجری محترم هر هفته دوشنبه ها جلسه ای برگزار و اقدامات انجام شده بررسی و پیشنهادات مطرح گردد. در جلسه فوق ضمن معرفی و آشنایی هر کس با وظایف محوله، اینجانب اعلام آمادگی و توضیحات لازم در خصوص وظایف خود دادم و درخواست لیست لغات، فرم های ارزشیابی، جدول زمان بندی، اشارات پیشنهادی ناشنویان هر استان جهت لغات موردنیاز و توضیح نوشتاری آخرین اشارات انتخاب شده نمودم. که لیست لغات و توضیح نوشتاری اشارات و اشارات پیشنهادی ناشنویان در ۹ پوشه تحویل گرفتم تا بررسی و اعلام نظر نمایم.

روز دوشنبه مورخ ۲۴/۱۰/۸۰ که می باید اولین جلسه کاری مشترک گروه پژوهشی باشد به مجری محترم طرح مراجعه نمودم و از ایشان درخواست کردم که گروه پژوهشی یا حداقل آقای موسوی در جلسه حضور داشته باشند تا توضیحاتی پیرامون چگونگی انتخاب اشارات بفرمایند و چنانچه مواردی به نظر اینجانب رسید برای ایشان توضیح داده تا بتوانند تصمیم گیری نمایند. که مجری محترم فرمودند بنده از خدا می خواهم اما آنها نمی پذیرند ایشان اعلام نمودند که متأسفانه گروه ناشنویان نپذیرفتند و گفتند اشارات از طرف ناشنویان انتخاب شده است. بنابراین جلسه با حضور آقای دکتر لطفی مجری محترم و خانم حاج علی اکبر به دعوت ایشان تشکیل گردید.

پس از سه جلسه لیست لغات تا کلمه «سرفه» بدین صورت که خانم حاج علی اکبر می خوانند و سپس با توجه به نوشته اشاره را نشان می دادند اقدام گردید.

ما اهتمام به اهداف طرح که

الف. افزایش ذخایر لغوی ناشنویان

ب. یکسان سازی و هماهنگ نمودن اشارات

ج. تسلط به زبان رایج فارسی

د. در نهایت انتخاب ۵۰۰ لغت با توجه به اهمیت

و میزان کاربرد آنها در مکالمات روزمره

نکات کارشناسی به شرح ذیل ایفاد می گردد.

- پس از بررسی لغات ارائه شده و نیاز لغوی ناشنویان در مکالمات روزمره و عدم اشارات آن کلمات در کتاب های موجود «۳ جلد» لیستی افزون بر ۲۰۰ لغت به ضمیمه ایفاد می گردد که می توان از لیست لغات ارائه شده بعضی از کلمات که کاربرد بسیار کمی دارد و یا اشارات بسیار شخصی دارد مانند: «آروغ زدن، آکواریوم، اسب آبی، تلی پاتی» (پارس کردن، خروش فریاد، شلاق زدن) حذف و کلماتی مانند: شیر مادر، دست نزن، محرم، داماد و غیره جایگزین نمود. لیست در ۴ صفحه ضمیمه می باشد.

ص: ۳۵۸

- با بررسی انجام شده پوشه های لیست لغات و اشارات پیشنهادی ناشنویان استان ها، همه لغات بررسی نگردیده است به طور متناوب و بعضی از کلمات به صورت مجموعه ای از حرف ارائه شده است.

- متأسفانه توضیح نوشتاری اشارات نامشخص و مبهم می باشد.

- سرکار خانم حاج علی اکبر اشرف کامل به اشارات را ندارند که دو مشکل ایجاد می شود.

الف: احتمال انتقال اشتباه یک اشاره به اینجانب

ب: عدم اطمینان به اشاره بعضی کلمات نیازمند سؤال آن اشاره از گروه ناشنویان در جلسه می باشند.

- بعضی از اشارات مانند کلمه «ارتباط کلی» که در پوشه های ارسالی استان ها اکثریت اشاره ارتباط + همه می باشد. اما در جلسه می گویند اشاره کلمه ارتباط و سپس کامل در صورتی که ارتباط + همه مناسب تر می باشد.

- عدم حضور استاد زبان فارسی در جلسات با گروه جهت گزینش صحیح اشاره با معنی کلمه جهت تفهیم آن کلمه به ناشنویان مانند: ایمنی که اشاره اطمینان + آدم انتخاب شده در صورتی که ایمنی از امن، ایمن، امانت دار می باشد و شایسته است امانت + آدم انتخاب شود.

- استفاده اشاره کشورها از اشارات بین المللی بسیار شایسته است و حتی کلمه ای مانند اینترنت زیرا خود کلمه نیز خارجی است اما کلمه انتقاد بهتر است از اشاره بین المللی استفاده نشود و منطبق با فرهنگ زبان خودمان باشد.

- کلماتی مانند آب و انرژی نمی توان از یک اشاره استفاده نمود چون کاربرد متفاوت دارد یکی آشامیدن و دیگری انرژی که کاربرد متفاوت دارد مانند: انرژی نفت، اتمی، برق، عضلانی

همان طور که در کلماتی مانند: صدا، صداهای اطراف که اشاره به گوش می شود و دیگر صدای گفتار که روی گلو اشاره می شود در کتاب موجود است و مشابه آن زیاد است.

- در مورد کلمه بیکار که ۲ اشاره پیشنهاد شده یکی اشاره طبیعی است که ناشنویان استفاده می نمایند و اشاره دیگری از اشارات بین المللی است که برای اوقات فراغت است بهتر است تغییر کند.

- کلمه آیت الله که در یک سری لغات دیده می شود و در بقیه لیست ها حذف شده و با توجه به نیاز آن پیشنهاد می شود اشاره آدم با دست راست روی کف دست چپ و به طرف بالا، آسمان

- اسکله که اشاره پیشنهادی به صورت یک دست صاف نمادی نصفه از کشتی دارد بهتر است با توجه به نماد آن که همیشه روی آب دریا است دست چپ، انگشتان صاف و بسته و شست به طرف پایین و دست راست حالت دریا به طرف و زیر دست چپ حرکت کند.

- اشاره اعتماد به نفس که اشاره اطمینان + بدن است بهتر است اشاره اطمینان + «روح» روان باشد.

- الفبا که اشاره الف + ی است بهتر است الف + ب باشد.

- اشاره آب میوه که همان اشاره آب است با همه انگشتان بهتر است. جهت نوشیدنی ها استفاده شود مانند قهوه نوشید یا چای نوشید. و برای آب میوه جهت هماهنگی با اشاره آب لیمو بهتر است همان حالت آب گرفتی یعنی حرکت اول آب لیمو + میوه استفاده شود.

- آب و هوا... اشاره پیشنهادی از کتاب بین المللی است بهتر است اشاره آب هم داشته باشیم نه فقط به هوا بسنده نماییم.

- آژانس اشاره تلفن و سپس اشاره تاکسی با دو حرکت پیشنهاد شده بهتر است همزمان با دو دست انجام شود «جهت کوتاه تر شدن اشارات»

- افق: در اشاره از طرف استان ها پیشنهاد شده که یکی پذیرفته شده است بهتر است اشاره غروب بدون حرکت باشد.

- انصراف که ابتدا اشاره فکر سپس برگشتنی پیشنهاد شده که همان اشاره سوء تفاهم در ص ۱۷۷ در کتاب سبز رنگ است می باید تغییر کند.

- بیت المال که اشاره پیشنهادی حرکت اول آن برابر اشاره «خود» یا «ضمیر ملکی» است بهتر است بررسی گردد.

- اشاره پارک کردن اشاره پیشنهادی حالت «برو کنار» را تفهیم می کند بهتر است جهت هماهنگی با اشاره پارکینگ حرکت دوم «ماشینی» به آن اضافه شود.

- پیچک اشاره پیشنهادی بهتر است نمادی از گیاه در آن باشد.

- جامد اشاره سنگ پیشنهاد شده بهتر است بررسی گردد چون جامدات فقط سنگ نیست؛ لیست موارد فوق جهت استحضار جنابعالی و تسریع در دستور ابلاغ شده تا پایان حرف ج ایفاد می گردد.

مجدداً یونس لطفی (مدیر گروه آموزشی و توان بخشی ناشنوایان) در نامه ای به کاکویی؛ درخواست بازیینی و اصلاح واژه های خاص اختلالات شنوایی را می کند. و کاکویی این نامه را برای آقامحمد این گونه ارجاع می دهد:

ناظر محترم سرکار خانم آقامحمد لطفاً بازیینی فرمایید و نظر خودتان را به اینجانب ارائه دهید (۱۷ فروردین ۱۳۸۲). اصل نامه این گونه است:

آقامحمد پاسخ ارجاع کاکویی را در ۲۳ فروردین ۸۲ این گونه کارشناسی و نوشته است:

جناب آقای دکتر کاکویی

معاونت محترم پژوهشی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

سلام علیکم

احتراماً. ضمن عرض تبریک به مناسبت فرا رسیدن سال نو و آرزوی موفقیت روز افزون جنابعالی در پناه خداوند یکتا و سایه حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف را از درگاه حق تعالی خواهانم.

حسب الامر جنابعالی در خصوص نامه شماره ۱۲۵۷ مورخ ۲۰/۱۲/۸۱ واژه های خاص اختلالات شنوایی مبنی بر بررسی و اظهار نظر، موارد را به شرح ذیل به استحضار می رسانم.

با توجه به اهداف تدوین و چاپ جلد چهارم کتاب زبان اشاره فارسی که اولویت آن گزینش در واژه هایی است که بیشتر مورد نیاز و استفاده جامعه ناشنوا می باشد.

و با عنایت به مورد فوق در لیست مذکور واژه هایی که کاربرد عمومی دارد. مانند: شنیدن، کم شنوا، ناشنوا، نیمه شنوا، ادیوگرام، سنجش شنوایی، سمعک، زبان اشاره، گوش، توان بخشی، سرگیجه (تربیت + شنوایی) در کتاب های قبلی چاپ گردیده است.

بقیه واژه های لیست دقیقاً کاربرد کاملاً تخصصی دارد.

مانند: پاسخ های ساقه مغز شنیداری (ABR)، پتانسیل های برانگیخته شنیداری Auditory Evoked Potentials حتی بعضی از واژه ها نیز به همان فرم تخصصی به کار رفته است.

تصویر

جناب آقای دکتر کاکویی  
معاونت محترم پژوهشی دانشگاه

باسلام

احتراماً ، به پیوست کلیه واژه های خاص اختلالات  
شنوایی بازگشت به نامه شماره ۸۰۱/۴/۱۳۳۱۹ مورخ ۱۲  
//۸۱/۱۲ ارسال می گردد.

شماره : ۱۲۵۷  
تاریخ : ۸۱/۱۲/۱۲  
۷۱۳۸

دکتر یونس لطفی

دکتر یونس لطفی  
مدیر گروه آموزشی و توانبخشی ناشنوایان

با نظر نخبی سرکار نام آن نامه درجاً بازگشت فرما  
سید دکتر قزوینی ۸۱/۱۲/۱۲

مانند: نویز زمینه Background noise، دستگاه های FM، که بعید به نظر می رسد نیاز کاربردی جامعه ناشنوا باشد و حتی تفهیم آن بسیار مشکل است. مطالب فوق جهت هر گونه دستور لازم ایفاد می گردد.

پاسخ به پرسش های محمد نوری

محمد نوری از دفتر فرهنگ معلولین در مورد نقش آقامحمد در کتاب زبان اشاره فارسی پرسش هایی از ایشان پرسید و ایشان در پاسخ این مطالب را نوشت:

جناب آقای نوری

با سلام و احترام:

پیرو گفتگوی تلفنی با جنابعالی در خصوص مدارک ارسالی یادآوری می نمایم اینجانب به عنوان ناظر و کارشناس تخصصی طرح و چاپ جلد چهارم کتاب زبان اشاره فارسی از حوزه توان بخشی با معاونت پژوهشی دانشگاه علوم توان بخشی بهزیستی و در نهایت گروه توسعه زبان اشاره فارسی همکاری کردم. همچنین بودجه و هزینه کل کار طرح چاپ جلد چهارم زبان اشاره با تأیید و اعلام نیاز از طرف اینجانب اقدام شده است. پروسه کار که در مدارک ارسالی مشخص است بدین صورت بود که گروه توسعه زبان اشاره لیست لغات مورد نیاز استان ها را با مشورت ناشنویان مراکز غیر دولتی NGOها جمع آوری می کردند و در مجموعه لیست ها و توضیح کوتاهی در برابر هر کلمه به اینجانب ارائه می شد. من هم آنها را بررسی می کردم. حتی بعضی اوقات مجبور بودم به خاطر فشردگی و کار زیاد در اداره آنها را به منزل ببرم پس از مطالعه آنها را آماده می کردم سپس در جلسه هفتگی که در دانشگاه در دفتر توسعه زبان اشاره تشکیل می شد یک نماینده از آن دفتر اشاره لغات را برایم توضیح می داد اگر از نظر من اشاره پیشنهادی معنی و درک درستی از کلمه به بیننده می داد آن اشاره را تأیید می کردم در غیر این صورت دوباره باید آن اشاره در گروه بررسی می شد و در جلسه بعدی ارائه و در صورت پذیرفتن اینجانب تصویب می گردید. همچنین در این جلسات چنانچه لغتی مورد نیاز در اخبار سیمای جمهوری اسلامی و برنامه های ناشنویان اشاره ای نداشت. در لیستی به گروه داده می شد. مدارک ارسالی مبین مطالب فوق است. همان گونه که در مدارک ارسالی موجود است. مکاتبات جناب آقای دکتر کاکویی معاون محترم پژوهشی دانشگاه علوم توان بخشی بهزیستی که در نامه خود به معاون محترم توانبخشی بهزیستی کشور نوشته اند که اینجانب «فاطمه آقامحمد» کارشناس آن حوزه به عنوان ناظر در جلد چهارم کتاب زبان اشاره ذکر نموده اند. ضمناً جناب آقای دکتر آقابخشی نیز که مدیر محترم پژوهشی دانشگاه بودند به طور مکرر با ما در حوزه توان بخشی در خصوص روند کار چاپ جلد چهارم کتاب زبان اشاره مکاتبه نموده اند.

ص: ۳۶۲

با تمام تلاش‌ها و زحماتی که اینجانب در جلد چهارم کشیدم اما در پایان کار نه نام حوزه توانبخشی که تأمین بودجه کتاب و لزوم بر چاپ آن را به عهده داشت و هم نام اینجانب را از مجموعه به دلیل سوء استفاده از رفتن دکتر کمالی از بهزیستی و هم تنگ نظری‌های گروه دست اندرکار و بی تفاوتی مدیران وقت حذف نمودند.

گزارش

گزارش ارائه پروژه از دفتر توسعه زبان اشاره به معاونت حوزه توانبخشی و ارجاع به آقامحمد است. «گزارش کار طرح تحقیقاتی "تدوین فرهنگ زبان اشاره فارسی جلد چهارم"» تقدیم مسئولین نمود. متن گزارش چنین است:

دکتر کمالی - آقامحمد

احتراماً بدین وسیله گزارش فعالیت‌های انجام یافته در زمینه طرح تحقیقاتی "تدوین فرهنگ زبان اشاره فارسی جلد چهارم" از تاریخ ۱/۱۰/۷۹ لغایت ۳۱/۶/۸۰ به استحضار می‌رسد:

۱. انتخاب لغات روزمره به تعداد ۱۴۵۰ لغت.
۲. فیش کردن لغات انتخابی و جمع آوری مترادف‌های معنایی کلمات.
۳. تهیه فهرست لغات به ترتیب الفبا و آماده سازی برای جمع آوری اشارات.
۴. انتخاب ۷۰۰ لغت ضروری با توجه به اهمیت و میزان کاربرد آنها در مکالمات روزمره از فهرست ۱۴۵۰ لغت.
۵. جمع آوری اشارات موجود در جامعه ناشنوایان تهران و شهرستان‌های اصفهان، کرمانشاه، سنندج، تبریز، مشهد، سبزوار و قوچان با مراجعه حضوری به مراکز و مدارس مخصوص ناشنوایان که گزارش کار کامل آن در پیوست موجود می‌باشد.
۶. جلسات حضوری با طراحان معرفی شده از طرف دفتر پژوهش و ارزیابی کار طراحان.
۷. تهیه و تنظیم فهرست کامل لغات مورد تحقیق و توضیح اشارات مربوط به هر لغت برای هر یک از شهرستان‌ها به طور مستقل.
۸. جلسات گروه پژوهش ناشنوایان برای انتخاب مناسب‌ترین، زیباترین، رساترین و ساده‌ترین اشاره برای هر لغت از بین فهرست اشارات جمع آوری شده از شهرستان‌های مختلف. این جلسات در ۴ ماه هفته‌ای ۵ روز و روزی ۴ ساعت تشکیل گردید.
۹. جلسات گروه پژوهش ناشنوایان با مربیان مراکز آموزشی ناشنوایان بهزیستی در شهر تهران جهت نظرخواهی و مشاوره برای انتخاب نهایی اشارات لغات.
- گزارش این جلسات در پیوست موجود می‌باشد.
۱۰. جلسات مربوط به ساخت اشارات برای لغاتی که اشارات آنها در بین جامعه ناشنوایان موجود نبوده توسط اعضای گروه پژوهشی.
۱۱. تهیه و تنظیم و تایپ فهرست لغات مورد تحقیق و توضیح اشارات تصویب شده هر یک در مرحله مقدماتی و آماده سازی لیست‌ها برای تصویب نهایی.





استان تهران: اینجانبان حبیب تهرانی زاده و پریسا کرمانی زاده جهت جمع آوری اشاراتی که ناشنویان تهران برای لغات مورد نظر در تحقیق به کار می برند، به چند مرکز در تهران مراجعه کردیم که عبارتند از:

۱. مرکز حرفه آموزی شهید آیت واقع در خیابان یوسف آباد میدان فرهنگ از تاریخ ۲/۲/۸۰ در مدت چهار روز با ۴ نفر از ناشنویان، ۲ تن از معلمان سوادآموزی و ۲ تن از معلمان حرفه آموزی که ۳ نفر از آنها نیمه شنوا بودند و ۴ تن از معلمان شنوا مورد تحقیق قرار گرفت. در جلسات کلمات را ارائه شده و اگر اشاره ای برای آن کلمه استفاده می شد در فرم مخصوص جمع آوری یادداشت می گردید. در طی این جلسات ۲۲۱ لغت از (الف) تا (خ) مورد بررسی قرار گرفت.

اعضای شرکت کننده در جلسات از شرکت در این طرح استقبال کرده پیشنهاد نمودند که همکاری بین مرکز و دانشگاه به خصوص همکاری های آموزشی ادامه داشته باشد تا در جریان اطلاعات جدید قرار بگیرند و بهتر بتوانند روند آموزش ناشنویان را پیش ببرند. ساعات کاری در این چهار روز ۲۲ ساعت بود.

۲. در هنرستان پسرانه نظام مافی واقع در خیابان یوسف آباد میدان کلاتری از تاریخ ۹/۲/۸۰ لغایت ۱۰/۲/۸۰ به مدت دو روز تحقیق انجام شد. جلسات با دو نفر از معلمان ناشنوا و یک نفر مشاور شنوا که روانشناس بود انجام شد. دانش آموزان به علت داشتن کلاس و عدم اجازه شرکت در جلسات، حضور نداشتند. بنابراین در زنگ های تفریح و استراحت دانش آموزان با جلسات گروهی و توضیح لغاتی که با احتمال بیشتری در بین دانش آموزان ناشنوا اشاره ای داشت، اقدام به جمع آوری اشارات آنان کردم. جمعاً ۱۸۲ لغت با توجه به وقت کم از (د) تا (ف) مورد بررسی قرار گرفت و بقیه لیست لغات با مراجعه مجدد به مدرسه جمع آوری خواهد شد.

معلمان از طرح استقبال فراوانی کردند زیرا بیشتر لغات همان هایی بودند که آنها در انتقال معنی به دانش آموزان ناشنوا مشکل داشتند و بعد از اتمام کار تحقیق می توانند از نتایج آن در برطرف کردن نسبی مشکل ارتباطی خود با دانش آموزان اقدام نمایند.

۳. جلسات تحقیق در کانون ناشنویان ایران واقع در میدان دوم صادقیه ابتدای خیابان ستارخان طی دو روز از تاریخ ۳/۲/۸۰ لغایت ۵/۲/۸۰ بعدازظهرها هر روز ۴ ساعت با اعضای هیئت مدیره کانون و ۸ نفر از ناشنویان که می توانستند در این طرح مشارکت فعال داشته باشند، تشکیل گردید. کانون ناشنویان ایران بیش از ۱۰۰۰ نفر عضو دارد. در هر روز فقط تعدادی از ناشنویان به کانون مراجعه می کنند که در دو روز مراجعه اینجانب سعی شد از همگی آنان به طور تصادفی در مورد لغات و اشارات پرسش شود.

۴. جمع آوری اشارات مربوط به لغات مورد نظر در مدارس دخترانه استان تهران مدرسه باغچه بان شماره ۲، مدرسه باغچه بان نیمروز، هنرستان ناشنویان شماره ۳ و هنرستان نظام مافی در طی ده روز از تاریخ ۳۰/۱/۸۰ لغایت ۲۲/۲/۸۰ انجام شد.

در این جلسات در تمام مدارس جمعاً بیش از ۱۰ معلم شنوا، ۵ معلم ناشنوا و ۶۰ دانش آموز ناشنوی مقطع دبیرستان و هنرستان شرکت داشته اند.

استان مازندران: اینجانبان محسن موسوی و مرتضی پیروزی از تاریخ ۱/۲/۸۰ لغایت ۶/۲/۸۰ جهت جمع آوری اشارات جلد چهارم به استان مازندران سفر کردیم. در این مدت با اعضای انجمن خانواده ناشنویان و کانون ناشنویان از شهرهای قائم شهر، بابلسر، بابل، آمل جلسات جمع آوری اشارات را تشکیل دادیم. در هر جلسه ۱۰ نفر از ناشنویان و یک نفر مربی ناشنوا که در هنرستان تدریس می کرد حضور داشتند.

مربیان شنوا که به ناشنویان تدریس می کنند در جلسات شرکت داشتند. جلسات در دو نوبت صبح ها از ساعت ۸ الی ۱۲ و بعدازظهرها از ساعت ۱۶ الی ۲۰ تشکیل شد. با هماهنگی قبلی با ریاست کانون و انجمن خانواده ناشنویان استان مازندران ناشنویانی انتخاب شدند که در طرح های قبلی فرهنگ زبان اشاره جلد اول تا سوم با گروه همکاری داشتند. ضمناً سواد، اطلاعات و روابط اجتماعی بیشتری با ناشنویان شهر خود دارا بودند. در هر جلسه لغات انتخابی برای ناشنویان توضیح داده و توصیف اشاره ای که آنان برای آن لغت به کار می بردند در فرم جمع آوری اشارات یادداشت شد.

در این استان اشارات ۲۶۵ کلمه از (الف) تا (ع) مطابق لیست کلمات انتخابی جمع آوری گردید.

ناشنویان حاضر در جلسات از ادامه یافتن طرح جمع آوری زبان اشاره فارسی برای کلمات بیشتر اظهار رضایت نموده و درخواست کردند لیست کلمات باقیمانده را برای بررسی و پیدا کردن اشارات آنها نزد خود داشته باشند و پس از یک ماه برای گروه ارسال نمایند. کلمات پیشنهادی آنان نیز به طور همزمان در جلسات جمع آوری اشارات به فهرست کلمات اضافه شد.

ساعات کاری هر نفر در این مأموریت ۴۰ ساعت و ساعات کاری دو نفر ۸۰ ساعت و مدت کل مأموریت با احتساب زمان رفت و برگشت از استان مازندران ۶ روز می باشد.

استان اصفهان: اینجانبان محسن موسوی و مرتضی پیروزی در ادامه طرح جمع آوری اشارات فرهنگ جلد چهارم در تاریخ ۹/۲/۸۰ به شهر اصفهان مسافرت کردیم و تا ۱۲/۲/۸۰ در آنجا اقامت داشتیم. قبل از سفر با هماهنگی با کانون ناشنویان اصفهان و مرکز حرفه ای و آموزشی شهید اژه ای و سازمان بهزیستی اصفهان، ناشنویان و مربیانی که در جلسات حضور پیدا می کردند معرفی شدند. کانون ناشنویان اصفهان ۸۰۰ عضو دارد که ۹ نفر با توجه به سواد، اطلاعات و روابط اجتماعی بیشتر برای شرکت در جلسات معرفی شدند. ضمناً یک مربی نهضت سوادآموزی و تعمیر سمعک و قالب گیری مرکز شهید اژه ای که نیمه شنوا می باشد و یک مربی شنوای نهضت سوادآموزی شهید اژه ای نیز در جلسات حضور داشتند. جلسات در روز یکشنبه از ساعت ۱۷ الی ۲۰:۳۰ و در روزهای دوشنبه، سه شنبه و چهارشنبه صبح ها از ساعت ۵/۸ الی ۱۳ و بعدازظهرها از ساعت ۱۶ الی ۲۱ تشکیل گردید به جز روز چهارشنبه که جلسه بعد از ظهر زودتر به پایان رسید. در طی این جلسات معنی لغات مورد نظر برای ناشنویان توضیح داده شده و اشاراتی که ناشنویان برای بیان آن کلمات استفاده می کنند جمع آوری و به طور توضیحی نوشته شد. حدود ۳۴۰ لغت از (الف) تا (ق) مورد تحقیق قرار گرفت.

ناشنویان و مربیان شرکت کننده در جلسات ضمن اظهار رضایت از مشارکت در این طرح، کلمات مورد نیاز خود که بعضی از آنها اسامی شهرهای استان اصفهان بودند را پیشنهاد کردند و درخواست

داشتند که در مواقعی غیر از جمع آوری اشارات نیز با گروه ناشنویان دانشگاه ارتباط داشته باشند تا بتوانند اطلاعات خود را در زمینه دایره لغات فارسی افزایش دهند.

ساعات کاری هر نفر در این مأموریت ۳۲ ساعت و ساعات کاری دو نفر ۶۴ ساعت و مدت زمان کل مأموریت ۴ روز می باشد.

استان کردستان: اینجانبان محسن لوح موسوی، مرتضی پیروزی و حبیب تهرانی زاده از تاریخ ۱۹/۲/۸۰ لغایت ۲۱/۲/۸۰ جهت جمع آوری اشارات ناشنویان در استان کردستان، شهر سنندج حضور داشتیم. با هماهنگی قبلی با کانون ناشنویان سنندج که حدود ۴۵۰ نفر عضو ناشنوا دارد، در محل کانون جلسات تحقیقاتی را تشکیل دادیم. ۱۰ نفر از ناشنویان و دو نفر نیمه شنوا که ریاست کانون و دبیر کانون سنندج بودند در جلسات شرکت می کردند. یک نفر از والدین کودکان ناشنوا نیز در جلسات حضور داشت که خود شنوا بود. به دلیل بی سوادی و عدم وجود اطلاعات کافی ناشنویان سنندج، اشارات تقریباً ۷۰ لغت از (الف) تا (ی) جمع آوری شد و توصیف اشارات در فرم های مخصوص یادداشت گردید. جلسات هر روز طی ۹ ساعت برگزار گردید. برای جمع آوری تعداد بیشتری از اشارات می بایست جلسات بسیار بیشتری تشکیل می دادیم تا بتوانیم به تفصیل لغات را برای ناشنویان توضیح داده و اشاره ای که آنان برای آن لغت خاص استفاده می کنند را یادداشت نماییم. اعضای شرت کننده در جلسات نیز این نکته را اذعان داشتند که برای لغات مختلف درخواست شده اشاره وجود دارد اما ناشنویان باید آن اشارات را با کلمات استفاده شده در زبان گفتاری فارسی تطبیق دهند که این امر به زمان بسیار بیشتری نیاز داشت.

معاونت توان بخشی و مدیرکل بهزیستی استان کردستان از حضور گروه ناشنویان دانشگاه و انتخاب استان کردستان برای طرح ابراز خوشنودی کردند و خواستار همکاری بیشتر در راستای طرح های تحقیقاتی این گروه بودند.

ساعات کاری هر نفر در این مأموریت ۱۸ ساعت و ساعات کاری سه نفر ۵۶ ساعت و مدت زمان کل مأموریت ۳ روز می باشد.

استان آذربایجان شرقی: اینجانبان محسن لوح موسوی، مرتضی پیروزی و حبیب تهرانی زاده در ادامه طرح جمع آوری اشارات ناشنویان از تاریخ ۲۲/۲/۸۰ لغایت ۲۶/۲/۸۰ به استان آذربایجان شرقی، شهر تبریز مسافرت کردیم. قبلاً با کانون ناشنویان تبریز، سازمان بهزیستی و سازمان استثنایی استان هماهنگی لازم انجام شده بود. جلسات جمع آوری اشارات صبح ها از ساعت ۸ الی ۱۲:۳۰ و بعدازظهرها از ساعت ۱۶ الی ۲۰:۳۰ تشکیل شد.

هشت نفر ناشنوا از اعضای کانون ناشنویان تبریز که در طرح های قبلی نیز شرکت داشتند، یک نفر معلم ناشنویان باغچه بان شماره ۲، چهار نفر نیمه شنوا، معلم نهضت سوادآموزی، دو نفر معلم ناشنویان باغچه بان شماره ۱ و یک نفر معلم شنوای نهضت سوادآموزی مرکز توان بخشی ناشنویان بهزیستی در جلسات شرکت داشتند. ناشنویان انتخابی کانون دارای سواد بالاتر، اطلاعات و روابط اجتماعی بیشتری بودند و می توانستند در جمع آوری اشارات کمک کنند. در طی جلسات تقریباً ۲۶۰ لغت از (الف) تا (ش) برای ناشنویان توضیح داده و معنی شد و توصیف اشارات آنها در فرم های مخصوص جمع آوری اشارات یادداشت گردید.

همه اعضای شرکت کننده در جلسات و معاونت توان بخشی بهزیستی از این طرح استقبال کردند و ادامه چنین مجموعه فرهنگ نامه ای را پل ارتباطی بین ناشنوایان و افراد شنوا دانستند و امیدوار بودند که گروه آموزشی و توان بخشی ناشنوایان برای آموزش اشارات نیز جلساتی داشته باشند:

ساعات کاری هر نفر در این مأموریت ۳۶ ساعت و ساعات کاری سه نفر ۱۰۸ ساعت و مدت زمان کل مأموریت ۵ روز می باشد.

استان خراسان: اینجانبان محسن موسوی و حبیب تهرانی زاده از تاریخ ۲/۳/۸۰ لغایت ۱۳/۳/۸۰ جهت جمع آوری اشارات جلد چهارم به استان خراسان سفر کردیم. در این مدت با اعضای کانون ناشنوایان از شهرهای سبزوار، نیشابور و قوچان جلسات جمع آوری اشارات را تشکیل دادیم. در هر جلسه ۲۳ نفر از ناشنوایان و ۵ نفر مربی ناشنوا از سازمان کودکان استثنایی و ۴ نفر مربی ناشنوا از سازمان بهزیستی، ۳ نفر مربی شنوا از سازمان استثنایی و ۵ نفر مربی شنوا از سازمان بهزیستی، ۲ نفر از کانون ناشنوایان سبزوار حضور داشتند.

جلسات در دو نوبت صبح ها از ساعت ۸ الی ۱۲:۳۰ و بعدازظهرها از ساعت ۱۴:۳۰ الی ۲۰ تشکیل شد. با هماهنگی قبلی با ریاست کانون ناشنوایانی انتخاب شدند که در طرح های قبلی فرهنگ زبان اشاره جلد اول تا سوم با گروه همکاری داشتند. ضمناً سواد، اطلاعات و روابط اجتماعی بیشتری با ناشنوایان شهر خود دارا بودند. در هر جلسه لغات انتخابی برای ناشنوایان توضیح داده و توصیف اشاره ای که آنان برای آن لغت به کار می بردند در فرم جمع آوری اشارات یادداشت شد.

در این استان اشارات کل کلمات از (الف) تا (ی) مطابق لیست کلمات انتخابی جمع آوری گردید.

ناشنوایان حاضر در جلسات از ادامه یافتن طرح جمع آوری زبان اشاره فارسی برای کلمات بیشتر اظهار رضایت نمودند. کلمات پیشنهادی آنان نیز به طور همزمان در جلسات جمع آوری اشارات به فهرست کلمات اضافه شد.

ساعات کاری هر نفر در این مأموریت ۸۴ ساعت و ساعات کاری دو نفر ۱۶۸ ساعت و مدت زمان کل مأموریت ۹ روز می باشد.

استان کرمانشاه: اینجانبان محسن موسوی، حبیب تهرانی زاده و مرتضی پیروزی در ادامه مسافرت های خود به استان های مختلف ایران جهت جمع آوری اشارات ناشنوایان برای لغات تعیین شده از تاریخ ۱۵/۳/۸۰ لغایت ۱۸/۳/۸۰ به استان کرمانشاه مسافرت کردیم و مورد استقبال کارشناس ناشنوایان بهزیستی کرمانشاه قرار گرفتیم. پس از معرفی به معاونت توان بخشی بهزیستی استان، جناب آقای دکتر شیخی به کانون ناشنوایان کرمانشاه هدایت شدیم. این کانون به تازگی تأسیس شده و بسیار فعال بوده و تقریباً ۵۰۰ نفر عضو دارد. در طی اقامت در کرمانشاه جلسات خود را با حضور ۷ نفر از ناشنوایان که عضو هیئت مدیره کانون نیز بودند و یک نفر نیمه شنوا - مربی نهضت سوادآموزی در مرکز ناشنوایان بهزیستی و دو نفر مربی اندرزگاه و رابط ناشنوایان تشکیل دادیم. در این جلسات تقریباً ۱۹۰ لغت از "ق" تا "ی" مورد تحقیق قرار گرفت. تحقیقات در سه جلسه ۹ ساعته در طی سه روز انجام شد.

اعضای شرکت کننده در جلسات ضمن ابراز خوشحالی از ادامه فرهنگ نامه زبان اشاره فارسی اظهار داشتند که فرهنگ ها در آموزش و ارتباط بین ناشنوایان و افراد شنوا با ناشنوایان بسیار مؤثر هستند.

ساعات کاری هر نفر در این مأموریت ۲۷ ساعت و ساعات کاری سه نفر ۸۱ ساعت و مدت زمان کل مأموریت با احتساب زمان رفت و برگشت ۴ روز می باشد.

نظرخواهی از مریبان مراکز آموزشی ناشنوایان شهر تهران: این جلسات با حضور گروه پژوهش ناشنوایان و مریبان معرفی شده از مراکز آموزشی ناشنوایان شهر تهران، مرکز حرفه آموزی شهید آیت، مرکز خانواده و کودک ناشنوا سمانه، مرکز توان بخشی شهید جلالی پور و مرکز توان بخشی مبتنی بر جامعه از تاریخ ۳/۵/۸۰ لغایت ۲۱/۶/۸۰ روزهای چهارشنبه هر هفته به تعداد ۸ جلسه در محل دفتر گروه آموزشی و توان بخشی ناشنوایان تشکیل گردید. اسامی مدعوین به شرح ذیل می باشد:

۱. سرکار خانم بزرگمهر از مرکز توان بخشی سمانه

۲. سرکار خانم شمس از مرکز حرفه آموزی شهید آیت

۳. سرکار خانم عرب از مرکز توان بخشی شهید جلالی پور

۴. سرکار خانم کوشا از مرکز توان بخشی مبتنی بر جامعه

در این جلسات کلیه اشارات جمع آوری شده لغات مورد نظرخواهی و مشورت قرار گرفت و تصویب مقدماتی اشارات صورت گرفت. ضرورت و اهمیت لغات نیز از نظر کاربرد روزمره مورد بررسی و مشورت قرار گرفت.

ملاحظات و تأملات

در مورد کتاب زبان اشاره فارسی جلد چهارم نکاتی هست که لازم است مطرح گردد:

۱- در صفحه عنوان نوشته شده: تألیف دکتر یونس لطفی و در سطر بعد با قلم کوچک تر آمده است:

محسن لوح موسوی، حبیب تهرانی زاده، مرتضی پیروزی، اکرم حاج علی اکبر، پریسا کرمانی زاده.

در جدول فیبا و در شناسنامه چنین آمده است:

تألیف: دکتر یونس لطفی - گروه آموزشی و توان بخشی ناشنوایان: محسن لوح موسوی، حبیب تهرانی زاده، مرتضی پیروزی، اکرم حاج علی اکبر، پریسا کرمانی زاده.

اما در پایان مقدمه نوشته است:

دکتر یونس لطفی مجری طرح

هر شخصی با نگاه فنی و با دقت به این سه پاراگراف بنگرد نوعی تضاد و چندگانگی مشاهده می کند.

۲- نیاوردن نام فاطمه آقامحمد نوعی ظلم و اجحاف در حق ایشان است. زیرا اسناد کاملاً گویا است که برای این کتاب زحمات بسیار متحمل شده است.

۳- چنین اثری نیاز به مقدمه جامع و علمی دارد. اما مقدمه حاضر که با امضا یونس لطفی است هیچ بحث علمی درباره زبان اشاره ندارد، با اینکه لازم می بود درباره زبان اشاره فرهنگ سازی می شد و پیشینه آن در فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی مطرح می شد. لازم بود تجارب به دست آمده معرفی می شد. بالاخره مقدمه این کتاب مناسب آن نیست.

۴- در این جلد و در مجلدات قبلی، بسیاری از موضوعات مطرح شده اگر اشارات مرتبط به کتاب، کتاب خوانی، مطالعه، پژوهش، نویسندگی و دیگر مسائل این چنینی.

ص: ۳۶۹

خانم آقامحمد، زمانی که در حوزه توان بخشی بهزیستی بود برنامه ریزی کرد تا برای کودکان ناشنوا کتاب داستان با موضوع مسائل روز و هم چنین با گرایش مذهبی نوشته و منتشر کند. با دکتر کمالی معاون توان بخشی، موضوع را مطرح می کند، ایشان این ایده را خوب می داند و خانم افشار (مسئول مؤسسه کمال هنر) را جهت همکاری به او معرفی می کند. خودش هم خانم حمیرا عمادی ناشنوا و معلم در سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی را می شناخت. خانم عمادی در نقاشی و طراحی خوب بود که اشارات را بسیار زیبا می کشید. مهم تر اینکه ایشان خود ناشنوا بود و با کمی توضیح مطلب را می گرفت و کار را آماده می کرد. ضمناً خانم فرح مملکت دوست تجربه داستان نویسی برای کودکان در رادیو را داشت. با ایشان صحبت کرد و هدفش را توضیح داد. او داستان سارا کوچولو را نوشته بود و آقامحمد آن را برای کودکان ناشنوا «ساده نویسی» جملات را کوتاه کرده بود. روی این موضوع سه نفری کار کردند. از طرفی تصمیم گرفتند در اشاره از یک طرح استفاده کنند، که هم برای کودکان زیبا و دلنشین باشد و در تمام کتاب ها الگوی قرار بگیرد.

خانم افشار چند طرح آورد که یکی از آنها را انتخاب و به دکتر کمالی نشان دادند. ایشان هم آن را تأیید کرد. آقامحمد از طرفی فکر کرد کتاب های آموزشی سوادآموزی که ساده است را برای ناشنوایان انتخاب کند. از این رو به نهضت سوادآموزی رفت و با کارشناسان آنها در جلسه ای که آقای نجفی مدیرکل دفتر توان بخشی هم حضور داشتند شرکت کردند. آقامحمد هدفش را برایشان توضیح داد و آنان استقبال کردند و کتاب های مختلفی را به آنها دادند. آقامحمد برای نخستین کتاب، کتاب حضرت خدیجه را انتخاب کرد. کتاب نوشته آقای بهشتی بود موضوع را ساده تر و خلاصه تر کرد و نقاشی صفحات را هم خانم حمیرا عمادی کشید. قرار شد کتاب سارا کوچولو را ابتدا تمام کنند. سپس کتاب حضرت خدیجه را آقامحمد با دکتر کمالی صحبت کرد، چون خانم افشار مبلغی را برای کار می خواست. تا به عوامل طراح و نقاش بدهد. دکتر کمالی گفت آقامحمد به عنوان نماینده بهزیستی در دفتر یونیسف (سازمان ملل متحد) با مدیریت یونیسف صحبت کند، ببیند، قبول می کنند تا هزینه چاپ کتاب را بدهند. آقامحمد جلسه ای با آنها داشت و موضوع را با آنان مطرح کرد. پس از مدتی پیگیری آنها گفتند شما چون در مرحله گذار هستید باید خودتان هزینه این طور کتاب ها را بپردازید. آقامحمد به یونیسف گفت: شما با همکاری ثمینه باغچه بان کتاب «دویدم و دویدم» را چاپ کردید و تصور ما این بود باز هم علاقه مند به چاپ کتاب برای ناشنوایان هستید. «برخورد سیاسی کردند» خلاصه با آقامحمد همکاری نکردند. درگیر این کار بود که متأسفانه مدیریت سازمان بهزیستی تغییر کرد و دکتر کمالی از سازمان رفت و کار ناتمام رها شد.

قرار بود کتاب در طرف راست نوشته و عکس در طرف چپ، اشارات باشد. البته نمونه ای که می بینید. فقط برای نشان دادن کار است و اگر نه جملات با اشارات یکی نیست.

کار نهایی شد و پایان یافت اما خانم افشار چون هزینه ای دریافت نکرد کار را تحویل نداد.

متن این داستان را خانم فرح مملکت دوست نوشته سپس خانم آقامحمد آن را ساده و آماده برای ناشنوایان کرده است.

سارا کوچولو یه دختر خوب و قشنگ بود که، پدر و مادرش توی یک خونه زندگی می کرد.

سارا کوچولو یه عروسک قشنگ داشت. عروسک سارا کوچولو اسم خیلی قشنگی داشت اسم عروسک سارا کوچولو مریم خانوم بود.

سارا کوچولو عروسکش را خیلی دوست داشت. عروسک سارا کوچولو هم سارا کوچولو را خیلی دوست داشت.

عروسک سارا کوچولو مو داشت. موهای مریم خانوم عروسک سارا کوچولو بلند بود سارا کوچولو موهای عروسکش را خیلی دوست داشت. سارا کوچولو همیشه موهای عروسکش را شانه می کرد.

مریم خانوم عروسک سارا کوچولو دو تا چشم قشنگ هم داشت. چشم های عروسک سارا یعنی مریم خانوم شب ها وقتی می خوابید بسته می شد. صبح ها وقتی از خواب بیدار می شد باز می شد.

عروسک سارا کوچولو یک بینی قشنگ هم داشت. بینی مریم خانوم عروسک سارا کوچولو خیلی کوچک بود. عروسک سارا کوچولو دهان هم داشت. یک پستانک خیلی قشنگ هم در دهان مریم خانوم عروسک سارا کوچولو بود. که وقتی سارا کوچولو پستانک را از دهن مریم خانوم در می آورد مریم خانوم شروع به گریه می کرد. وقتی سارا کوچولو پستانک را به دهان مریم خانوم می گذاشت عروسک سارا کوچولو دیگه گریه نمی کرد.

عروسک سارا کوچولو یه لباس خیلی قشنگ هم داشت. لباس مریم خانوم عروسک سارا کوچولو سفید بود. لباس مریم خانوم را مادر مهربون سارا دوخته بود.

مادر سارا کوچولو یک روز به سارا کوچولو گفت دوست داری من تو و عروسک قشنگت مریم خانوم به گردش بریم.

مریم کوچولو گفت بله خیلی دوست دارم. مادرش سارا کوچولو را بوسید و دستش را گرفت و با هم به گردش رفتند. سارا کوچولو و عروسکش مریم خانوم خیلی خوشحال بودند. سارا کوچولو به مادرش گفت: مامان تو را خیلی دوست دارم. مادر مهربونش گفت منم تو را خیلی دوست دارم. سارا کوچولو گفت: مامان عروسکم را هم دوست داری. مادرش گفت: بله عزیزم تو و مریم خانوم عروسک قشنگت را هم خیلی دوست دارم. سارا کوچولو خندید چون خیلی خوشحال شده بود. عروسک سارا کوچولو هم خندید چون او خیلی خوشحال شده بود. همه خوشحال و خندان به گردش رفتند.

ساده سازی داستان سارا کوچولو

اسم این دختر سارا کوچولو است

سارا کوچولو خوب و قشنگ است

سارا یک عروسک دارد

عروسک سارا خیلی قشنگ است



اسم عروسك سارا مريم است

سارا مريم را خيلي دوست دارد

ص: ۳۷۱

موهای مریم قشنگ است

موهای مریم، عروسک سارا کوچولو، بلند است

سارا موهای عروسک خود را دوست دارد

سارا کوچولو موهای عروسک خود را شانه می کند

عروسک سارا کوچولو، بینی قشنگی دارد

بینی عروسک، سارا قشنگ است

بینی مریم، عروسک سارا، کوچک است

عروسک سارا کوچولو دهان هم دارد

عروسک سارا یک پستانک هم دارد

پستانک در دهان مریم، عروسک سارا کوچولو، است

وقتی پستانک را از دهان مریم بیرون می آورد

مریم گریه می کند

سارا کوچولو عروسک خود را خیلی دوست دارد

سارا نمی خواهد مریم گریه کند

سارا کوچولو پستانک را دهان مریم می گذارد

عروسک سارا گریه نمی کند

عروسک سارا کوچولو لباس قشنگی دارد

لباس مریم، عروسک سارا، سفید است

یک روز

مادر سارا کوچولو به سارا گفت:

دوست داری من و تو و مریم به گردش برویم

سارا کوچولو گفت: بله، دوست دارم

مادر، سارا کوچولو را بوسید

مادر، دست سارا را گرفت و با هم به گردش رفتند

سارا و عروسکش مریم خوشحال بودند

سارا کوچولو به مادرش گفت

مامان، تو را خیلی دوست دارم

مادر گفت: من هم تو را خیلی دوست دارم

سارا کوچولو گفت:

مامان، عروسک من را دوست داری؟

مادر گفت: بله عزیزم، تو و عروسک قشنگت را خیلی دوست دارم.

سارا کوچولو خیلی خوشحال شد.

گفت: مادر، مریم هم تو را خیلی دوست دارد.

همه خوشحال و خندان به گردش رفتند.

ص: ۳۷۲

دو کتاب دیگر برای کودکان در حال آماده شدن بود و بیش از شصت درصد از کارهای این کتب انجام یافته بود. یکی کتاب حضرت خدیجه بود که متن آن در نهضت سوادآموزی تدریس می شود. ولی خانم آقامحمد آن را خلاصه و ساده سازی کرد و سپس اشاراتی برای هر کلمه آورد. خانم حمیرا عمادی نقاشی های آن را کشید، که متأسفانه ناتمام ماند.

تصویر



سارا یک عروسک دارد.



اسم عروسک سارا مریم است.





چند مطلب که در این فصل آمده، مقالات و طرح هایی است که به قلم خانم آقامحمد است که در زمان های مختلف تألیف کرده است. اما هر یک از این مقالات به صورت جزوه رحلی توسط سازمان بهزیستی کشور منتشر شده است.

مطالب این فصل، مقاله و بعضاً طرح هایی است که بر حسب رفع نیاز جامعه ناشنویان در امور و مسائل توانبخشی و رفاهی نوشته شده و بعداً با ویرایش تبدیل به مقاله شده است.

یازده مقاله در این فصل آمده است. این مقاله ها به ترتیب تاریخ تألیف تنظیم شده اند. البته مقالاتی که تاریخ نداشت در آخر آمده اند. این مقالات گویای دیدگاه های آقامحمد می باشند. از این رو عنوان این فصل را دیدگاه ها یا مقالات نامیدیم.

آخرین مقاله، متن سخنرانی خانم آقامحمد در همایش مترجمان است که در تهران، آبان ۹۷ برگزار گردید.

## توضیح

این مطلب توسط فاطمه آقامحمد تدوین و قبلاً به صورت جزوه توسط دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین سازمان بهزیستی منتشر شده و بعداً در روزنامه اطلاعات در صفحه معلولین در سال ۱۳۷۶ درج شده است. الآن با ویرایش جدید در اینجا آمده است.

انسان از دیر باز در بستر زندگی پر افراز و نشیب خویش طعمه حوادث و اتفاقات ناشناخته و قربانی بلایای متعددی می شود که او را موقتاً یا برای همیشه از نعمت سلامتی و زندگی مستقل محروم می سازد. در دنیای امروزه در اثر رعایت بهداشت و درمان به موقع بیماری ها، ممکن است تا حدودی جامعه از سلامتی نسبی برخوردار باشد اما حوادث و اتفاقات معمول در جوامع صنعتی مانند تصادفات خیابانی سلامت انسان را تهدید نموده، همه ساله گروه های کثیری از افراد را به جمعیت معلول جامعه اضافه می نماید.

در قرن بیستم تحولی عظیم در وضع معلولین به وجود آمده و زمانی که آتش جنگ جهانی دوم هنوز شعله می کشید و میلیون ها معلول با یأس و سرگردانی به آینده مبهم خود می اندیشیدند، ستاره امیدی در افق تاریخ زندگی آنان درخشید و گروهی از پزشکان بشر دوست پایه و اساس مطالعات و اقدامات توانبخشی را به عنوان یک رشته نوین پزشکی بنا نهادند. که امروزه به عنوان یکی از جدیدترین تخصص های پزشکی با تکنیک های درمانی بسیار به عنوان تنها پشتیبان و امید معلولین، تجلی نموده است. بیمارانی که در روزگاران پیشین محکوم بوده اند. امروزه به کمک تدابیر توانبخشی نه تنها از برکت زندگی بهره مند می شوند بلکه می توانند افراد مفید برای خود و جامعه بوده و به جای مصرف کننده تولید کننده باشند. پس ما نیز بر آن شدیم تا مطالبی ساده و قابل استفاده در خصوص چگونگی برخورد با کودک ناشنوا، آموزش و بهتر استفاده نمودن از سمعک در حیطه توانبخشی برای خانواده ها و تمام افرادی که به نحوی مشکل شنوایی دارند تهیه نماییم تا ان شاءالله هر چند ناچیز قدم مؤثری در توانمندی آنها برداشته باشیم.

## تولد کودک ناشنوا

مادر و پدر عزیز وقتی به دنیا آمدم از دیدن من بسیار خوشحال شدید من هم خدا را شکر می کنم که در آغوش شما بزرگ می شوم شما دلسوزانی که بعد از خداوند از همه بیشتر دوستتان دارم.

حتماً تا به حال متوجه شدی که من مثل کودکان دیگر قادر به شنیدن نیستم شما نباید نگران شوید یا با یکدیگر جر و بحث کنید که کدام یک مقصرد. تقدیر چنین بوده و من هیچ کس را مقصر



نمی دانم شما هم بهتر است آرام باشید و سعی کنید محیط خانه را بی جهت آشفته نکنید این را بدانید که من با کودکان دیگر تفاوت چندانی ندارم اگر نمی توانم بشنوم اما بهتر از دیگران می بینم در کارهایم دقت بیشتری دارم به شرط آن که تویاری ام نمایی.

وظیفه والدین ناشنوا

پس با من حرف بزن تا بیاموزم عزیزانم باید بدانید که اگر چه صدای شما را نمی شنوم به همین دلیل نمی توانم صحبت کنم و با شما حرف بزنم اما همه گفتار شما را درک می کنم پس با من مانند همه کودکان هم سن و سالم صحبت کنید حتی کمی بیشتر اگر صدای من نظم و آهنگی ندارد بدانید که سعی می کنم با شما سخن بگویم در حد توان و قدرت خودم ممکن است که صدای صحبت شما را نشنوم اما صداهای بلند را درک کنم صداهایی مانند محکم به هم خوردن درب اطاق یا صدای بلند زنگ، بوق ماشین، پارس کردن سگ و غیره تو میدانی که این صداها برای من بسیار جالب هستند پس وقتی چنین صداهایی را شنیدی برایم خیلی آرام توضیح بده زیرا من به آنها نیاز دارم.

مرا مانند کودکان دیگر به گردش ببر و در پارک و باغ وحش در مورد هر چیزی که می بینی برایم توضیح بده تا من هم یاد بگیرم و از آنچه در اطرافم وجود دارد آگاه شوم و لذت ببرم و بیاموزم من هم مانند کودکان شنوا از همان روز اول می توانم یاد بگیرم فقط شما باید صبور باشید زود خسته نشوید کمی بیشتر برایم وقت صرف کنید مطمئن باشید نتیجه این صبوری را هم شما خواهید دید و هم من و این کار شما دقت مرا در توجه کردن و بهتر دیدن بیشتر خواهد کرد.

راستی ناشنویان وقتی با هم هستند دست های خود را خیلی تکان می دهند می دانید چرا برای اینکه آنها به جای حرکت دادن زبان در دهان با دست های خود سخن می گویند این کاری است که هر کودکی وقتی به دنیا می آید قبل از آن که بتواند سخن بگوید با دست های خود آنچه را که بخواهد به شما می فهماند پس زبان اشاره برای همه در ابتدای کودکی وجود دارد اما وقتی آنها که می شنوند رفته رفته می آموزند تا سخن بگویند دیگر از دست های خود استفاده نمی کنند اما ما چون نمی توانیم سخن بگوییم با دست های خود ادامه می دهیم سخن گفتن را. برای ما هر حرکت دست معنی یک کلمه است که مجموعه آنها زبان اشاره را تشکیل می دهد.

آن اشارات را یاد بگیرید و از همان روزهای اول وقتی با من صحبت می کنید از اشارات هم استفاده کنید اما فراموش نکنید که باید هم اشاره کنید و هم صحبت کنید زیرا من باید بتوانم لب خوانی کنم و ممکن است حتی کمی باقیمانده شنوایی داشته باشم و بعضی از کلمات شما را بشنوم پس خیلی عادی و طبیعی اما آرام و شمرده با من صحبت کنید.

در مورد من دلسوزی بی جا نکنید من هیچ فرقی با کودکان دیگر ندارم. مرا لوس نکنید. اجازه ندهید هر کاری که دلم می خواهد بکنم به من یاد بدهید هر کاری را که درست است انجام بدهم.

مرا از مردم جدا نکنید بگذارید با بچه های دیگر بازی کنم چرا که من بیشتر از بچه های شنوا به این ارتباط احتیاج دارم.

پدر و مادر عزیزم اگر تو قبول کنی که من فقط مشکل شنوایی دارم. اگر به موقع متوجه شوی و از همان روزهای اول کمک کنی بدان که روزی می رسد تا بتوانی به وجود من افتخار کنی فقط از تو

می خواهیم صبور باشی و وقت بیشتری را صرف آموزش و تربیت من بکنی به حمدالله در دورانی زندگی می کنیم که امکانات فراوانی برای آموزش و تربیت ما وجود دارد آن راه ها را بشناس و از آنها استفاده کن.

پدر و مادر عزیزم حالا که متوجه شدی من صدای شما را خوب نمی شنوم بهتر است مرا به مراکزی که سنجش شنوایی انجام می دهند ببری تا بدانی کمبود شنوایی من چه مقداری است.

شاید من بتوانم با استفاده از سمعک صدای شما را بشنوم. چنان چه شنوایی من مقداری باشد که سمعک برایم مفید باشد بهتر است هر چه زودتر این کار را انجام بدهید زیرا آموزش زبان برایم بسیار مهم است من و همه شما از راه زبان همه چیز را یاد می گیریم فکرمان پرورش پیدا می کند و بهتر می توانیم مشکلات زندگی را بشناسیم و خود را برای آنها آماده سازیم پس اول تو باید میزان کمبود شنوایی مرا بدانی تا راه بهتر را برای آموزش و تربیت من انتخاب کنی.

می دانی برای کودک ناشنوی تو رعایت چند نکته بعد از اینکه متوجه مشکل شنوایی او شدی مهم است.

شرایط صحبت با ناشنوا

- اتاق آرام و بی سر و صدا باشد.

- صورتت روبروی صورت من باشد.

- خیلی عادی و طبیعی صحبت کن فقط کمی آرام تر یعنی شمرده تر.

- صورتت در روشنایی باشد تا کاملاً بتوانم آن را ببینم.

- از جملات کوتاه استفاده کن اگر متوجه نشدم آن را تکرار کن فقط ۲ الی ۳ مرتبه بیشتر تکرار نکن زیرا ممکن است خسته بشوم.

- زمان تمرین طولانی نباشد.

- روزانه از ۲۵ الی ۵۰ جمله استفاده شود بیشتر از این مدت خسته می شوم.

- قصه های کوتاه همراه با تصویر برایم بگو.

- کلمه های جدید را با تصویر به من یاد بده.

- از لغات ساده که در روز از آنها استفاده می کنی به من یاد بده.

- بعضی وقت ها مرا جلوی آئینه بنشان و خودت کنار من بنشین و کلمه جدید را در آئینه بگو و از من بخواه مانند تو تکرار کنم.

- وقتی صحبت می کنی دست مرا روی صورت خودت بگذار تا لرزش کلمات را روی صورت تو حس کنم و سپس روی صورت خودم قرار بده تا من نیز همان حالت را ایجاد کنم.

- به من یاد بده به اطرافم بهتر نگاه کنم و دقت بیشتری داشته باشم.

- اگر هواپیما از آسمان می گذرد به من نشان بده تا بدانم صدایی که می شنوم مربوط به آن است صدای پارس سگ و آنچه در اطرافم

است.

- چون من از فهمیدن آنها لذت می برم و همین موضوع باعث می شود من دقت بیشتری داشته باشم.

ص: ۳۷۹

هر چه زودتر مرا به مراکز سنجش شنوایی ببر اگر برای من سمعک مفید است هر چه زودتر آن را تهیه کنید و طرز استفاده کردن از آن را به من بیاموزید تا هم بتوانم به خوبی صداهای اطراف را بشنوم و هم بتوانم به خوبی از آن نگهداری نمایم.

شرایط استفاده از سمعک

- ۱- ابتدا طرز استفاده از سمعک را باید از طریق فرد شنوایی سنج آموزش بگیرد.
  - ۲- چنانچه برای اولین بار سمعک استفاده می کند مدت استفاده از ۱ الی ۲ ساعت شروع و رفته رفته مدت آن زیاد شود.
  - ۳- در محیط آرام و بدون سر و صدا از آن استفاده نماید در مهمانی و خانواده پر جمعیت به علت صداهای زیاد استفاده نکند.
  - ۴- فرد به فرد باشد یعنی در گفتگوی دو نفره از آن استفاده کند.
  - ۵- گفت و شنود در فاصله گفتاری معمولی یعنی یک تا دو متر بیشتر نباشند.
  - ۶- در سالن های بزرگ به دلیل آن که صدا در آنجا می پیچد از سمعک استفاده نکند.
  - ۷- در محل های پر رفت و آمد مانند خیابان، بازار، کارخانه های پر و سر صدا استفاده نکند.
  - ۸- روزهای طوفانی از سمعک استفاده نکند.
- ملاحظات به هنگام صحبت با ناشنوای استفاده کننده از سمعک
- ۱- آرام ولی معمولی صحبت کنید.
  - ۲- از حرکات لبی واضح «شمرده» استفاده کنید.
  - ۳- از جملات و توضیحات کوتاه استفاده کنید.
  - ۴- وقت کافی برای فهمیدن گفتار خود به فرزندتان بدهید.
  - ۵- چنانچه لازم باشد صحبت خود را تکرار کنید جمله را به طور کامل تکرار کنید.
  - ۶- از تکرار بیش از ۳ مرتبه خودداری نمایید.
  - ۷- از داد زدن اجتناب نمایید.
  - ۸- صبور باشید و با خوش رویی با او تمرین کنید.
  - ۹- زمان هر تمرین طولانی نباشد زیرا او را خسته می کند.
  - ۱۰- بهتر است هر تمرین ۳۰ الی ۴۵ دقیقه باشد.

درباره سمعک

کار اصلی سمعک: صدای موجود در محیط را افزایش می دهد پس بنابراین سمعک باید برای استفاده کننده توسط شنوایی سنج تنظیم گردد.

سمعک انواع مختلف دارد: ۱- سمعک جیبی ۲- سمعک پشت گوشی ۳- سمعک عینکی ۴- سمعک تو گوشی یا نامرئی

سمعک معمولاً شامل قسمت های زیر است:

ص: ۳۸۰

۱- پیچ تنظیم صدا: که برای زیاد و کم کردن صدا به کار می رود.

۲- کلید خاموش و روشن کردن: که در سه حالت می تواند قرار بگیرد.

O= خاموش است.

T= در این حالت می توانید با تلفن صحبت کنید یا در سالن های بزرگ جهت استفاده از سخنرانی ها یا تئاتر که در این شرایط پیچ تنظیم صدا باید روی حداکثر قرار بگیرد.

M= در این حالت برای استفاده روزمره و کارهای معمول است.

۳- درب محل باتری: پس از باز کردن آن داخل سمعک باتری قرار می گیرد.

۴- قلاب گوش: پلاستیکی است به سمعک متصل می شود و پشت گوش قرار می گیرد. (مخصوص سمعک پشت گوشی است)

۵- مجرای پلاستیکی: که از طرفی به قلاب گوش و از طرف دیگر به قالب گوش متصل می شود. (مخصوص سمعک پشت گوشی است)

۶- قالب گوش: که در افراد مختلف متفاوت است و توسط قالب گیر مطابق گوش افراد ساخته می شود.

۷- میکروفون: گیرنده صدای اطراف

سمعک جیبی

سمعک جیبی کمی بزرگ تر از سمعک پشت گوش است و روی سینه قرار می گیرد.

۸- دارای سیم بلندی است که از سمعک به قالب گوش متصل است.

در ضمن جهت بهتر استفاده نمودن از سمعک جیبی باید کیسه ای دوخته و باید بند آن را به گردن بیندازید و سمعک را داخل کیسه قرار دهید. توجه داشته باشید موقع غذا خوردن آب یا غذا روی سمعک ریخته نشود بهتر است با روکش پلاستیکی روی سمعک از این مورد جلوگیری به عمل آورید.

ممکن است فرزند شما به دلایل مختلف لاله گوش نداشته باشد بنابراین نمی تواند به وسیله قلاب گوش از سمعک استفاده نماید در چنین مواردی می توان توسط نوار دور سر گیرنده سمعک را روی سر او قرار دهیم.

استفاده بهتر از سمعک

۱- وجود باتری های جدید بسیار مهم و الزامی است و باید به همان مقدار که گفته می شود از باتری استفاده نمود و پس از مدت طی شده باتری جدید استفاده نمایید زیرا استفاده بیشتر صدا را ضعیف به گوش می رساند و گاهی ممکن است باتری «سولفات» فاسد شود می توانید در چنین مواقعی محل های اتصال باتری را در سمعک با سمباده پاک کنید و بعد باتری جدید استفاده کنید. (در سمعک های جیبی)

۲- سیم های سمعک: سیم های سمعک بسیار ظریف است دارای پوشش پلاستیکی کرم رنگی است مراقب باشید در اثر کمی کشیدگی سیم ها از داخل قطع می گردد در این مواقع صدا قطع و وصل می شود پس باید سیم سمعک را عوض کنید.



۳- قالب گوش: توجه کنید کاملاً در گوش قرار گیرد در غیر این صورت سوت می زند و قبل از استفاده کاملاً آن را تمیز کنید که سوراخ آن توسط جرم گوش بسته نشده باشد.

۴- شیلنگ قالب «یا مجرای پلاستیکی»: مراقب باشید که سوراخ نشده باشد یا (دو سر آن) محل اتصال شل نشده باشد در این موقع نیز سمعک سوت می زند باید تعویض شود.

همه‌انگاری با شنوایی سنج جهت بازدید دائم از سمعک جهت سالم بودن آن و در غیر این صورت تعویض به خصوص برای کودکان این مسئله بسیار اهمیت دارد زیرا:

۱- کودک دائم رشد می کند پس قالب گوش مناسب لازم دارد.

۲- جهت آموزش سالم بودن سمعک بسیار اهمیت دارد.

۳- طرز استفاده صحیح از سمعک به کودک کاملاً آموزش داده شود او باید بداند که سمعک اسباب بازی نیست بلکه وسیله ای است برای او تا بتواند صدا را بهتر بشنود پس خیلی اهمیت دارد.

۴- شب ها سمعک را از گوش فرزند خود خارج کنید آن را خاموش کرده و دور از دسترس بچه ها قرار دهید.

۵- اگر گوش کودک شما جرم دارد جهت تمیز کردن به پزشک مراجعه کنید تا مشکلی جهت استفاده از سمعک نداشته باشد.

۶- هر روز قبل از استفاده از سمعک حتماً کسی که شنوایی خوبی دارد آن را امتحان کند تا از سالم بودن آن مطمئن شوید.

#### امتحان سمعک

به منظور امتحان و آزمایش سمعک به نکات زیر توجه شود:

۱- دکمه خاموش و روشن را امتحان کنید.

۲- دکمه تنظیم صدا چندین مرتبه آن را کم و زیاد کنید.

۳- صدا صاف و بدون خش و خش باشد.

۴- پرریز «دو شاخه سمعک» دقت کنید شل نباشد.

۵- مراقب باشید که سمعک خیس نشود یا آب روی آن نریزد.

۶- از نفوذ شن و خاک به سمعک جلوگیری کنید.

۷- سمعک را در مقابل آفتاب داغ قرار ندهید.

اما سالم بودن سمعک فرزند خود را آزمایش کنید:

۱- آیا سمعک خوب کار می کند؟



اگر بله: بنابراین باطری سالم است

اگر خیر: بنابراین باطری را عوض کنید

(توجه مطمئن باشید که باطری جدید سالم باشد).

۲- اگر سمعک خوب کار نکرد سیم و پرز آن را آزمایش کنید.

ص: ۳۸۲

۳- چنانچه اشکال آن رفع نشد باید گیرنده آن را آزمایش کنید.

۴- چنانچه باز هم خوب کار نکرد به تعمیر کار سمعک آن را نشان بدهید.

چنانچه فرزند شما می گوید سمعک خوب کار نمی کند به موارد زیر توجه کنید:

۱- بررسی کنید که آیا بیمار از دکمه صحیح استفاده نموده است «دکمه باید روی حرف **M** باشد»

۲- باطری صحیح در جای خود قرار گرفته باشد «علامت داخل جای باطری را با باطری کنترل کنید + به طرف + باشد»

۳- تمام موارد قبل را کنترل نمایید.

۴- حالا چنانچه باز هم فرزند شما از بد کار کردن سمعک شکایت دارد به شنوایی سنج مراجعه نمایید تا او به سمعک شما گوش بدهد.

۵- گوش فرزند شما توسط متخصص مورد معاینه قرار بگیرد.

۱- پزشک ۲- شنوایی سنج ۳- پرستار واجد شرایط

زیرا ممکن است جرم یا موم در گوش او باشد باید تمیز گردد.

۶- ممکن است گوش او چرک کرده باشد «عفونت داشته باشد» در این مورد جدی بگیرید و درمان کامل نمایید تا باقیمانده شنوایی او از بین نرود «باید پزشک درمان کند»

۷- دوباره مورد سنجش شنوایی قرار بگیرد ممکن است گوش او سنگین تر شده باشد.

اولین تجربه

اگر فرزند شما برای اولین بار سمعک گرفته است باید به این نکات توجه کنید:

۱- عادت کردن به سمعک ابتدا برای مدت کوتاهی سمعک به گوش او بگذارید و رفته رفته زمان آن را بیشتر کنید.

۲- عادت کردن به اصوات «صداها» نیازمند زمان بیشتری است ابتدا همه چیز ممکن است پر صدا باشد اما رفته رفته تجربه پیدا می کند و مشکل او حل خواهد شد.

۳- باید فرزند شما تحمل کند تا رفته رفته به آن عادت کند.

۴- دقت داشته باشد در صورت لزوم در محیط پر صدا دکمه (کم و زیاد) پایین ترین حد باشد.

۵- قالب گوش ناراحت کننده است نیاز به عادت کردن دارد چنانچه فرزند شما می گوید ناصاف است می توانید به قالب گیر بدهید تا آن را خیلی کم صاف کند اما توجه داشته باشید که باید به مرور زمان عادت کند.

۶- ابتدا دکمه تنظیم «کم و زیاد» را با کم شروع کنید و رفته رفته به میزان مورد نیاز فرزند خود برسانید (پس از عادت کردن به مراحل مختلف این کار عملی خواهد بود)

۷- برای درك گفتار صحيح و روشن ممكن است فرزند شما نياز به لب خوانی داشته باشد. «نكاتی كه قبلاً ذكر شد رعایت نماید» نور رو در رو و غیره

آیا می دانید دانشمندان و بزرگان در امر تربیت عقیده دارند كه پرندگان و موجودات دیگر را می توان به دلخواه تربیت كرد و آموزش داد و چنانچه در این كار موفق نمی شوند تلاش می كنند

ص: ۳۸۳

تا اشکال خود را رفع کنند اما بعضی از پدر و مادرها اگر در تربیت فرزند خود موفق نمی شوند کودک را مقصر می دانند.

آزمایش شنوایی یا شنوایی سنجی

والدین گرامی شما نیز خود می توانید از میزان شنوایی فرزند خود آگاه شوید که آیا او مشکل شنوایی دارد یا نه!

از تولد تا ۴ ماهگی: ابتدا سعی شود بچه در اتاقی آرام بخواب رفته و دراز کشیده باشد نه در حالت خواب عمیق «زنگ»، جفجغه، اسباب بازی های فشاری نرم که در آن سوت باشد» را در فاصله ۱۲ سانتیمتری از گوش کودک به صدا در آورید خوب دقت کنید کوچک ترین حرکت او را زیر نظر بگیرید ممکن است او چشمش را «پس از به صدا در آوردن شیء» باز کند یا بدنش را جمع کند مانند جمع کردن انگشتان دست یا تکان دادن انگشت پا حتی لرزش خفیف و یا از جا پریدن نشان بدهد این علامات نشان می دهد که او صدا را شنیده است.

حالا اگر فرزند شما نخوابیده باشد برای جلب توجه او شیء براقی را جلوی چشمانش بگیرید سپس زنگ را به صدا در آورید در نتیجه ممکن است گشاد شدن چشم یا وقفه در حرکت، چشمک زدن ظاهر شود اینها تنها پاسخ هایی هستند که ما در این سن می توانیم از او ببینیم وقتی سن او به ۴ ماهگی نزدیک تر می شود کودک سرش را کمی به طرف صدا برمی گرداند اما کاملاً قادر به چرخاندن سر نیست آزمایش فوق دقت زیادی لازم دارد حال چنانچه شما این آزمایشات را انجام دادی و هیچ گونه عکس العملی از او ندیدی بهتر است جهت سنجش شنوایی او به مراکزی که این آزمایش را انجام می دهد مراجعه کنی زیرا این مسئله بسیار اهمیت دارد که هر چه زودتر متوجه مشکل فرزند خود بشوی راه حل هایی را که وجود دارد می توانی استفاده کنی.

ملاحظات

به چند نکته لازم است توجه داشت:

۱- قبل از ازدواج حتماً با پزشک مشورت کن.

۲- از ازدواج با فامیل نزدیک حداقل امکان خودداری نمایید.

۳- قبل از بارداری خون خود را آزمایش بده چنانچه سرخچه نگرفتی حتماً واکسن آن را بزنی.

۴- به موقع فرزند خود را واکسن بزنی.

۵- اگر کودک تو بیمار است حتماً به پزشک مراجعه کن و خودت به او دارو نده.

۶- مقدار دارویی را که دکتر برای او می دهد طبق دستور او تا آخرین مقدار به او بده.

۷- اگر فرزند تو گوش درد دارد حتماً به پزشک مراجعه کن با دود سیگار درد او درمان نمی شود.

چنانچه فرزند تو مشکل شنوایی داشت به بهزیستی محل خود مراجعه کن تا هر چه زودتر فرزندت را تحت آموزش قرار بدهی زیرا در کودکی قدرت یادگیری بسیار زیاد است:

شما باید سعی کنید این زمان ارزشمند را از دست ندهید تعصب نداشته باشید اگر فرزند شما کمبود شنوایی دارد و شما قبول نکنید شنوایی او بهتر نمی شود بلکه زمان خوب آموزش و یادگیری را



از او می‌گیرید و فرزند خود را نسبت به بچه‌های دیگر عقب‌تر می‌رانید تصمیم به موقع شما تأثیر بسیار زیادی در آینده او دارد.

پدر و مادر عزیز هر کدام از شما مشکل او را نمی‌پذیرید دیگری سعی کند با مشاورانی که در سازمان بهزیستی هستند تماس بگیرد تا متقاعد شود و مشکل فرزند خود را بپذیرد. ما باید بدانیم که به وسیله سخن گفتن و زبان آموختن انسان چیزهای مختلف را یاد می‌گیرد با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و همین مسئله باعث رشد او در زمینه‌های گوناگون می‌گردد. پس عزیزانم زمان طلایی کودکی را که انسان طالب یادگیری است از دست ندهید به حمدالله در زمانی زندگی می‌کنیم که ناشنوا را همه می‌شناسند توانمندی او را می‌دانند فعالیت‌های آنها را در کارهای اجتماعی، فرهنگی، هنری، ورزش می‌بینند. امروزه ناشنویان در دانشگاه‌ها همپای دیگران قدم برمی‌دارند در المپیک‌های جهانی مقام به دست می‌آورند اینها عزیزانی هستند که به موقع مشکل خود را شناخته‌اند و برای آن راه‌های موجود را به کار گرفته‌اند به امید آنکه شما نیز چنین راهی را انتخاب کنید تا موفقیت فرزند خود را در عرصه‌های مختلف زندگی ببینید.

مآخذ

با من سخن بگو (۱)، آقای گورابی؛ بیماری‌های گوش: آقای دکتر تابش؛ لب‌خوانی، خانم بهناز نسوادرانی؛ (WHO) به منظور استفاده از سمعک، ترجمه آقای محمدتقی هم‌رنگ یوسفی.

ص: ۳۸۵

این طرح با تحقیق و تلاش فاطمه آقامحمد قبلاً توسط معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی در زمستان ۱۳۷۶ منتشر شده است. و دارای این مباحث است:

پیشگفتار؛ مقدمه؛ بیان مسئله و اهمیت آن؛ خدمات مورد نیاز؛ تعاریف و مفاهیم؛ بررسی وضع موجود در جهان؛ بررسی وضع موجود در ایران؛ مشکلات و تنگناها؛ جایگاه ناشنوایان؛ ناشنوایان در اسلام؛ ناشنوایان در قانون اساسی؛ ناشنوایان در فرهنگ ملی؛ اهداف؛ هدف کلی؛ اهداف اختصاصی؛ اهداف اجتماعی فرهنگی؛ اهداف بهداشتی درمانی توانبخشی؛ استراتژی ها؛ استراتژی های اقتصادی؛ استراتژی های اجتماعی و فرهنگی؛ استراتژی های بهداشتی درمانی و توانبخشی؛ فعالیت ها؛ فعالیت های استراتژی های اقتصادی؛ فعالیت های استراتژی های اجتماعی و فرهنگی؛ فعالیت های استراتژی های بهداشتی درمانی و توانبخشی؛ روش های اجرایی؛ مدیریت و نظارت، پایش و ارزشیابی.

برنامه ملی ناشنوایان

### ۱- پیشگفتار

امروزه چشم انداز توسعه در کشورهای در حال پیشرفت از جمله ایران حاکی از آن است که کمبودهای عمیق در زمینه تأمین نیازهای اساسی اقشار آسیب پذیر جامعه بالاخص ناشنوایان وضعیتی را ترسیم می نماید که تأمین این نیازها روز به روز و سال به سال ابعاد گسترده تری را پیدا می کند رشد جمعیت کشور در دهه اخیر از یک سو و ترکیب جمعیتی موجود که به صورت یک جمعیت جوان ظاهر شده است بیانگر این واقعیت است که کشور ایران در آینده نه چندان دور مسائل و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت بدیهی است پدیده فوق و سایر پدیده ها و مسائل اجتماعی به نوبه خود محدودیت هایی را برای بهبود سطح زندگی مردم فراهم می سازد که این محدودیت ها در تعیین اولویت برنامه های توانبخشی و رفاهی و امور اجتماعی کشور تأثیر گذارده و برنامه ریزان مسائل توانبخشی و امور اجتماعی کشور را به خود جلب می نماید. بدین لحاظ هدف از تهیه و تدوین این مجموعه این است که عرضه خدمات لازم به این قشر از جامعه به شکل سازمان یافته و منسجم و مبتنی بر برنامه های پیش بینی شده و در چهار چوب مفهوم علمی و گسترده و با مشارکت های بخش اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشور انجام گیرد تا اهداف تعیین شده در جهت حمایت از ناشنوایان و نیمه ناشنوایان عزیز در مسیر توسعه کشور تحقق یابد. اینک جا دارد از ارشادات و مساعدت های جناب آقای میرخانی معاونت محترم توانبخشی و جناب آقای ابراهیم رحیم اف مدیر کل محترم دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین و همچنین از تلاش و کوشش همکاران و کارشناسان محترم به اسامی:

جناب آقای منصور شریعتمداری معاون دفتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین

جناب آقای رضا محمودی عضو هیئت مدیره کانون ناشنویان ایران

از همکارانی که زحمات تهیه و تایپ این مجموعه را بر عهده داشته اند تشکر و قدردانی می نماید. (۱)

معاون طرح و برنامه

۱-۲ بیان مسئله و اهمیت آن

در کشتزار زندگی همه فرزندان انسان یک دست و یکسان نیستند و گاهی فرزندان به دنیا می آیند که به علت یا عللی گرفتار نقص یا نقایصی هستند که آنان را از دیگر مردم متفاوت می سازد از جمله این افراد می توان کسانی را که دچار نقص شنوایی می باشند را نام برد البته برای ما که از نعمت شنوایی بهره مند هستیم و هر لحظه اراده کنیم مقاصد و امیال خود را در قالب کلمات و جملات به دیگران می گوئیم اندیشه اینکه شنوایی و زبان چه رل مهمی در زندگی افراد دارد بدون شک میسر نیست بعضی از دانشمندان عقیده دارند که تکلم صحیح ناشی از فکر صحیح می باشد حال اگر نظریه دانشمندان را درباره رابطه میان زبان و اندیشه بپذیریم و اهمیت زبان را در امور اجتماعی بررسی کنیم به این حقیقت بیشتر پی خواهیم برد که گروه ناشنوا به سبب محرومیت از حس شنوایی در بعضی موارد قادر به تکلم نیز نمی باشند.

می دانیم که حس شنوایی و زبان دو عامل مهم یادگیری محسوب می گردند و فقدان آنها کوشش شخص را در امر یادگیری بیش از حد تصور مشکل می سازد و از طرفی زبان یکی از عوامل مهم متحد ساختن گروه های اجتماعی است و با توجه به امر فوق به دلیل همین عدم ارتباط آنها از روز اول که به دنیا می آیند طعم تلخ بیگانه بودن را حتی با عزیزترین کسان خود که مادر و پدرش هستند می چشند مجبورند جهت ابراز ساده ترین خواسته خود نهایت تلاش را بکنند زمانی که کودکان با شیرین زبانی محبت خانواده را جلب می کنند اما کودک ناشنوا ناچار است فریاد کند و بر اثر همین بی قراری و جنجال گاهی بی دلیل تنبیه می شود بنابراین نیازمند آموزش ویژه از بدو تولد هم خود او و هم خانواده اش هستند چرا که بتواند با یکدیگر ارتباط برقرار کند تا کودک ناشنوا بیاموزد و آموخته هایش را بیان کند بعد از سپری کردن دوران کودکی و نوجوانی او همانند دیگر افراد جامعه از رشد مناسب جسمانی برخوردار است. پس طالب شغل مناسب و مسکن و تشکیل خانواده می باشد در ضمن در پیری مسائل سالمندی را با تمام مشکلات خاص خود به همراه دارند.

نکته دیگر اینکه افراد عادی نیز در سالمندی دچار گرفتاری های مختلف شنوایی نیز می شوند و ضمناً اگر چه از نظر بهداشت در کشورهای در حال توسعه پیشرفت حاصل شده اما حوادث و آلودگی های صوتی خود نیز عامل بزرگی است که ایجاد اختلال در سیستم شنوایی می نماید. با توجه به آمار موجود ۶/۱٪ از کل معلولین را ناشنویان تشکیل می دهند که همه آنها به نوعی نیازمند

ص: ۳۸۷

۱- در اینجا آقای میرخانی هم معاونت توانبخشی بود؛ هم آقای رحیم اف که مدیر کل دفتر بود و آقای شریعتمداری که معاون ایشان بود؛ آقای محمودی که همکار خودم بود؛ هیچگونه اقدامی نداشتند. آن زمان رسم بود از مدیران قدردانی شود، من هم نام دو مدیر و همکار خودم را آوردم و گرنه این طرح توسط آقامحمد تهیه و تدوین گشته است (آقامحمد).



خدمات توانبخشی از سازمان بهزیستی می باشند که گروه ۵ تا ۱۴ سال را آموزش کودکان استثنایی فقط در خصوص مقاطع مختلف آموزش تحت پوشش قرار می دهد که همین گروه نیز خدمات دیگر را از سازمان بهزیستی می گیرند که در جدول شماره ۶ نمونه ای از نیازهای جامعه ناشنوا به سمعک و باطری در سال ۱۳۷۶ تعیین گردیده است.

## ۲-۲ خدمات مورد نیاز

۱-۲-۲ آموزش جامعه تغییر نگرش و رفتار در چگونگی برخورد با پدیده ناشنوایی و اقدام به موقع جهت پیشگیری

۲-۲-۲ مشاور خانواده جهت تنش زدایی ناشی از بروز معلولیت ناشنوایی

۳-۲-۲ ارائه هر چه زودتر خدمات ارزشیابی و تشخیص جهت شناخت وضعیت کودک ناشنوا

۴-۲-۲ آموزش زبان به اولیاء همراه با کودک ناشنوا جهت ایجاد ارتباط

۵-۲-۲ تجهیز وسایل مورد نیاز توانپزشکی با ناشنوایان

۶-۲-۲ خدمات پزشکی به موقع جهت پیشگیری از پیشرفت معلولیت

۷-۲-۲ حرفه آموزی و اشتغال جهت استقلال فردی در جامعه

۸-۲-۲ حمایت قانونی برای ناشنوایان

۳-۲ تعاریف و مفاهیم

۱-۲-۳ تعریف ناشنوایی:

قبلاً در دو گروه کر و کر و لال تعریف می شد اما امروزه تعریف این واژه حساسیت بیشتری را طلب می کند بنابر همین اصل دو تعریف کلی که امروزه از این کلمات می شود را در اینجا درج می کنیم.

۲-۳-۲ ناشنوا یا کر و لال: ناشنوا به کسی اطلاق می شود که به هنگام تولد یا پیش از فراگیری زبان مادری دچار اختلال شنوایی شده باشد و این اختلال به حدی باشد که نتوان زبان مادری را حتی با استفاده از سمعک مستقیماً از محیط بیاموزد.

۳-۳-۲ نیمه شنوا یا کر: به کسی اطلاق می شود که ناتوانی او در شنیدن به حدی باشد که بتواند زبان مادری را با استفاده از سمعک و با راهنمایی های لازم از محیط بیاموزد.

اما کمیته اجرایی کنفرانس مدیران آموزش ناشنوایان ناشنوایی را چنین تعریف نموده است نقص شنوایی یک اصطلاح ژنریک است که نمایانگر آن عده از ناتوانی های شنوایی است که ممکن است درجات و ضعف آن بین خفیف تا عمیق متغیر باشد و شامل دو گروه فرعی ناشنوا و کم شنوا می باشد.

۲-۳-۲ فرد ناشنوا: کسی است که اختلال شنوایش از روند پردازش موفقیت آمیز اطلاعات کلامی که از طریق شنیدن به دست می آید چه با سمعک و چه بدون سمعک جلوگیری می کند.

۲-۳-۳ کم شنوا: به کسی اطلاق می شود که به طور کلی با بهره گیری از وسایل کمک شنوایی بتواند از باقیمانده شنوایی خود در پردازش و فرایندسازی اطلاعاتی که از طریق شنیدن به دست می آورد استفاده کند. متخصص ناشنویان بسیار علاقه مندند که زمان شروع نقص شنوایی را بدانند زیرا ذکر این نکته ضروری است تا بتوان برنامه ریزی دقیق و جامعی را ارائه داد.

ص: ۳۸۸

علل ناشنوایی به سه دسته تقسیم می شود

۲-۳-۲-۱ عوامل ارثی: ناشنوایی می تواند از طریق توارث از نسلی به نسل دیگر منتقل گردد. حاملین وراثت ژن ها هستند ژن ها در نردبان کروموزومی پدر و مادر وجود دارند که این کروموزوم ها تمام صفات و نقایص را به کودکان منتقل می کنند. که شایع ترین علل ناشنوایی را باعث می شوند.

۲-۳-۲-۲ علل محیطی قبل از تولد «دوران بارداری»

عواملی که از زمان پیدایش جنین در رحم مادر روی شنوایی تأثیر می گذارد: میکروب ها و خطرات احتمالی را می توان نام برد.

زیرا در این دوران سلسله اعصاب در حال تکوین و طفل در حال رشد سریع است در این زمان ابتلای مادر به بعضی امراض عفونی از جمله سرخجه، اوریون، یرقان و غیره برای جنین خطرناک می باشند وضع حمل غیر طبیعی عامل RH، ضربه یا فشار وارده بر جنین، کمبود اکسیژن در حین تولد عواملی است که روی سیستم شنوایی تأثیر می گذارند و ایجاد اختلال در سیستم شنوایی می کند.

۲-۳-۲-۳-۲ عللی که پس از تولد سبب ناشنوایی می گردند عبارتند از:

۲-۳-۲-۳-۱ اختلالات ناشی از بیماری های عفونی در دستگاه شنوایی و مسمومیت های دارویی

۲-۳-۲-۳-۲ اختلالات ناشی از حوادث و ضایعات ناشی از محیط کار و آلودگی های صوتی.

۲-۳-۲-۳-۳ اختلالات ناشی از تقلیل شنوایی به دلیل کهولت و پیری.

۲-۳-۲-۳-۴ اختلالات روانی که ایجاد کری روانی می کند.

با توجه به علل شنوایی که ذکر گردید چنانچه اختلالی در سیستم شنوایی ایجاد شود، میزان حساسیت شنوایی را چنین تقسیم بندی می نمایند.

از ۰ تا ۲۵ نرمال

۱- ناشنوای خفیف یا ملایم ۴۰-۲۶ دسی بل

۲- ناشنوای متوسط ۵۵-۴۱

۳- ناشنوای نسبتاً شدید ۷۰-۵۶

۴- ناشنوای شدید ۹۱-۷۱

۵- ناشنوای عمیق +۹۱ دسی بل

جدول شماره (۱) درجه تقسیم بندی شنوایی

نوع

ناشنوایی

درجه بندی

ناشنوایان برحسب دسی بل (DB)

تعاریف

تصویر

تعاریف	درجه بندی ناشنوایان برحسب دسی بل (DB)	نوع ناشنوایی	تصویر
--------	--	--------------	-------

۱

ناشنوای

خفیف

۴۰-۲۶

فردی که حساسیت آستانه شنوایی شان

در گوش بهتر برای فرکانس های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز معادل ۲۶-۴۰ دسی بل باشد.

۲

ناشنوای

متوسط

۵۵-۴۱

فردی است که حساسیت آستانه

شنوایی در گوش بهتر برای فرکانس های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز معادل ۴۱-۵۵ دسی بل

باشد.

۳

ناشنوای

نسبتاً

۷۰-۵۶

فردی است که حساسیت آستانه

شنوایی در گوش بهتر برای فرکانس های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز معادل ۵۶-۷۰ دسی بل

باشد.

۴

ناشنوای

شدید

۹۱-۷۱

فردی است که حساسیت آستانه

شنوایی در گوش بهتر برای فرکانس های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز معادل ۷۱-۹۱ دسی بل

باشد.

۵

ناشنوای

عمیق

پیش از

۹۱

فردی است که حساسیت آستانه

شنوایی در گوش بهتر برای فرکانس های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز بالاتر از ۹۱ دسی بل

باشد.

۲-۴ بررسی وضع موجود در جهان

در سال ۱۹۵۱ اولین کنگره جهانی ناشنوایان در ایتالیا برگزار گردید که همزمان با برگزاری این کنگره فدراسیون جهانی ناشنوایان WFD در شهر رم تأسیس گردید که می توان این فدراسیون را اولین فدراسیون معلولین در جهان نام برد فدراسیون جهانی ناشنوایان مرکزی است غیر دولتی و بین المللی دارای اهدافی جهت پیشبرد حقوق افراد ناشنوا در سراسر جهان می باشد که فعالیت های خود را منشور سازمان ملل قرار داده و سیاست های آن را دنبال می کند هدف فدراسیون جهانی ناشنوایان اطمینان از برابری حقوق انسانی و اجتماعی افراد ناشنوا در سراسر دنیاست در راه دستیابی به این هدف فدراسیون جهانی ناشنوایان با سازمان ملل و دیگر سازمان های بین المللی مانند سازمان جهانی بهداشت "WHO" سازمان جهانی کار "ILO" و با کارشناسان آموزشی، ارتباطی، و فرهنگی ناشنوا و دیگر متخصصین همکاری نزدیک دارد فدراسیون جهانی ناشنوایان در تمام سطوح در قوانین استاندارد سازمان ملل برای ایجاد برابری امکانات افراد جهت پیشرفت حقوق ناشنوایان فعالیت می کند.

همکاری های جهانی در زمینه های مختلف در حال گسترش است. تکنولوژی جدید راه های بیشتری برای برقراری ارتباط در اختیار فدراسیون قرار داده است با استفاده از این تکنولوژی ها پیشرفت های مختلف فدراسیون به سازمان های ذیربط منتقل و این امر موجب پیشرفت جهانی ناشنوایان می شود.

به طور کلی سرلوحه برنامه ها و فعالیت های آن در سال ۱۹۹۱ چنین اعلام شده است.

فردی که حساسیت آستانه شنوایی شان در گوش بهتر برای فرکانس‌های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز معادل ۲۶-۴۰ دسی‌بل باشد.	۲۶-۴۰	ناشنوای خفیف	۱
فردی است که حساسیت آستانه شنوایی در گوش بهتر برای فرکانس‌های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز معادل ۴۱-۵۵ دسی‌بل باشد.	۴۱-۵۵	ناشنوای متوسط	۲
فردی است که حساسیت آستانه شنوایی در گوش بهتر برای فرکانس‌های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز معادل ۵۶-۷۰ دسی‌بل باشد.	۵۶-۷۰	ناشنوای نسبتاً	۳
فردی است که حساسیت آستانه شنوایی در گوش بهتر برای فرکانس‌های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز معادل ۷۱-۹۱ دسی‌بل باشد.	۷۱-۹۱	ناشنوای شدید	۴
فردی است که حساسیت آستانه شنوایی در گوش بهتر برای فرکانس‌های ۲۰۰۰-۱۰۰۰-۵۰۰ هرتز بالاتر از ۹۱ دسی‌بل باشد.	پیش از ۹۱	ناشنوای عمیق	۵

۱- افزایش آگاهی عمومی در مورد جامعه ناشنوایان

۲- رفع سدهایی که مانع ارتباطات زبانی می شود در محدوده ملی و بین المللی

"به توسعه و پیشرفت زبان اشاره توجه خاص دارد."

۳- آموزش ناشنوایان.

۴- تقویت انجمن های آنان

- تقویت همکاری های منطقه ای.

و سازمان بهداشت جهانی WHO میزان اختلالات شنوایی را چنین تقسیم بندی می نماید.

خفیف ۲۶-۴۰ dB Mild

متوسط ۴۱-۶۰ dB Moderate (با توجه به تعاریف گذشته)

شدید ۶۱-۸۰ dB Severe

عمیق ۸۰+ dB Profound

با توجه به شاخص های آماری سازمان بهداشت جهانی WHO

ناشنوای خفیف ۰.۵٪ درصد

ناشنوای متوسط ۰.۹٪ درصد

ناشنوای شدید ۰.۱٪ درصد

ناشنوای عمیق ۰.۱٪ درصد

که جمعاً ۱.۶٪ کل ناشنوایی را اعلام می دارد.

۲-۵ بررسی وضع موجود در ایران

طبق آمار و سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۶۵ که اولین سرشماری در نظام جمهوری اسلامی ایران است با توجه به جمعیت ۴۹۴۴۵۰۱۰ نفر در کشور تعداد کر و لال را ۴۴۰۲۵ و تعداد کر را ۲۷۲۷۲ نفر اعلام نموده است که مجموعاً افرادی که اختلالات شنوایی دارند را به طور کلی تعداد ۷۱۲۹۷ که در جدول شماره ۲ به تفکیک جنس و سن ضمیمه می باشد.

با توجه به سالنامه آماری کشور در سال ۷۳ تعداد کر و لال را ۴۹۰۳۲ نفر و تعداد کر را ۳۱۴۱۱ نفر اعلام نموده که نتیجتاً ۹٪ درصد کل جمعیت را کر و لال و ۶٪ درصد را کر و به طور کلی ۶/۱ درصد را افرادی که اختلالات شنوایی دارند در برمی گیرد.

در ایران سازمان بهزیستی کشور و آموزش و پرورش کودکان استثنایی و کانون و انجمن های ناشنوایان در امور مختلف خدمات خود را به



کل جامعه ناشنوایان ارائه می دهند که عبارتند از:

آموزش و پرورش استثنایی عهده دار آموزش در مقطع ابتدایی راهنمایی و تا پایان دوره دبیرستان می باشد انجمن ها و کانون ناشنوایان فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و ورزش و سازمان بهزیستی کشور در حال حاضر خدمات مختلف توانبخشی و امور اجتماعی به صورت روزانه و شبانه روزی "خوابگاهی در مدت زمان آموزش" به ناشنوایان کشور ارائه می دهد که عبارتند از:

۱- آموزش های قبل از دبستان برای کودکان ناشنوای زیر سن دبستان که در سال ۷۴ با دارا بودن ۲۰ واحد آموزش خانواده و کودک ناشنوا در پانزده استان کشور تعداد ۱۲۰۴ نفر را پوشش داده است.

ص: ۳۹۱

۲- سوادآموزی ناشنوایان در ۲۰ واحد آموزش در چهارده استان کشور طی سال ۷۴ به تعداد ۵۵۵ نفر خدمات سوادآموزی را ارائه نموده است.

۳- ارائه خدمات اجتماعی به ناشنوایان و کم شنوایان که دارای بضاعت مالی نیستند این کمک ها شامل خدمات مشاوره، پرداخت کمک هزینه تحصیلی، پرداخت مبالغی جهت ایاب و ذهاب برای مراجعه به مراکز درمانی و توانبخشی و تغذیه رایگان در مراکز توانبخشی ناشنوایان می باشد. ضمناً فراهم نمودن تسهیلات رفاهی برای ناشنوایان شرکت کننده در کنکورهای دانشگاهی و مراکز آموزش عالی از طریق هماهنگی با وزارت فرهنگ و آموزش عالی همانند تعیین وقت اضافی و استفاده از رابطین ناشنوایان جهت کمک به ناشنوایان شرکت کننده در آزمون و مشخص نمودن محل و حوزه های امتحانی خاص برای ناشنوایان و ارائه خدمات مشاوره ای به ناشنوایان و خانواده آنان در زمینه های مختلف اجتماعی مربوط به رفع تنگناهای اجتماعی نیز در این مراکز انجام می گیرد.

- ارائه خدمات پزشکی به کم شنوایان و ناشنوایان از مراحل ابتدایی سنجش شنوایی سپس در صورت لزوم درمان دارویی و تجویز سمعک و آموزش استفاده از سمعک تربیت شنیداری. اصلاح تلفظ و در نهایت مشارکت در اعمال جراحی های با مختلف دستگاه شنوایی با توجه به جدیدترین دستاوردهای پزشکی.

- مطابق آمار موجود ۶/۱ درصد حجم جمعیت کشور را افراد دارای اختلالات شنوایی، بارز، شدید، حاد، خفیف که در مورد خفیف صرفاً رده سنی ۱۴-۵ سال مورد نظر بوده است تشکیل می دهد که بر مبنای برآورد انجام شده کل این حجم از جمعیت کشور ۳/۱ درصد نیاز به استفاده از سمعک دارند به عبارتی در حجم جمعیت ۶۰ میلیون نفری کشور ۰۰۰/۷۸۰ نفر دارای معلولیت فوق هستند که نیاز به استفاده از سمعک دارند.

با توجه به موارد فوق در سال ۱۳۷۶ از طریق دفتر توانپزشکی معاونت توانبخشی تعداد ۳۶۰۰ دستگاه سمعک در ۶ ماهه اول خریداری که ۲۵۰۰ عدد آن پشت گوش و تعداد ۸۰۰ عدد آن جیبی می باشد و طبق آمار جدول شماره ۶ تعداد پشت نوبتی و پیش بینی تعداد نیازمند به سمعک تا پایان سال ۷۶ چنین اعلام گردیده است.

پشت نوبتی

پیش بینی شده

پشت گوش

جیبی

پشت گوش

جیبی

۳۸۶/۱۱

۵۳۰/۵

۴۸۱/۱۷

۶-۲ مشکلات و تنگناها

۶-۲-۱- کمبود نیروی انسانی متخصص و ماهر

۶-۲-۲- عدم هماهنگی در اجرای برنامه های مختلف بین سازمان هایی که خدمات مشابه و موازی با سازمان بهزیستی را ارائه می دهند.

۶-۲-۳- عدم هماهنگی در آیین نامه صعوبت کار با توجه به شرایط کار

۶-۲-۴- رشد جمعیت و به تبع آن رشد جمعیت نیازمند به خدمات بهزیستی.

ص: ۳۹۲

۲-۶-۵- نارسایی قوانین و مقررات موجود در زمینه های حمایت های اجتماعی و اقتصادی ناشنوایان

۲-۶-۶- عدم کفایت برنامه های تبلیغاتی و آموزش عمومی جهت آگاه سازی جامعه از توانایی های ناشنوایان

۲-۶-۷- نارسایی های آماری و اطلاعات در زمینه تعداد ناشنوایان و علل و عوامل بروز معلولیت ناشنوایی

۲-۶-۸- کمبود اعتبارات در زمینه ارائه خدمات به ناشنوایان

۲-۶-۹- عدم تناسب بین میزان حمایت های مالی و نیاز ناشنوایان

۲-۶-۱۰- کمبود امکانات لازم در جهت ارائه خدمات مربوط به امور فرهنگی، تفریحی سیاحتی و پر کردن اوقات فراغت ناشنوایان

۲-۶-۱۱- عدم آگاهی جامعه از مشکلات و آسیب های وارده بر ناشنوایان

۲-۶-۱۲- کمبود دسترسی به منابع و مآخذ و متون جدید.

۲-۷- جایگاه ناشنوایان

۲-۷-۱- ناشنوایان در اسلام:

بدیهی است جامعه اسلامی ما همواره توجهی خاص به افراد معلول داشته است و این امر نشأت گرفته از مکتب متعالی و انسان ساز اسلام است و در کتاب آسمانی ما قرآن مجید و همچنین در فرمایشات پیامبر اسلام و حضرت علی علیه السلام و سایر ائمه اطهار همواره تأکید صریح بر حمایت از محرومین و معلولین و افراد نیازمند به حمایت داشته است.

امام جعفر صادق در مورد یاری کردن به ناشنوایان در خصوص فهماندن کلام به آنها چنین می فرمایند.

إسماع الاصم من غیر تضجر صدقه هنیئه (معلولیت از دیدگاه معصومین(ع)، عباس خاک، نشر خاکیان، چاپ اول، ۱۳۸۹)

شنواندن سخن به افراد ناشنوا بدون ملال و دلنگی «صدقه» گوارایی است.

و در قرآن کریم به کرات گوش مقدم بر چشم و قلب آورده شده است و از بالا-ترین نعمات خداوندی به شمار می آید که به بشر ارزانی داشته و شکر آن را واجب می داند.

در سوره النحل آیه ۷۸؛ الاسراء - ۳۶؛ المؤمنون - ۷۸؛ السجده - ۹؛ انعام - ۴۶

۲-۷-۲- ناشنوایان در قانون اساسی

۲-۷-۲-۱- طبق مصوبه مورخ ۳۰/۱۱/۶۴ مجلس شورای اسلامی

قانون الزام دولت جهت استخدام ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود از بین جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهدا در تبصره ۱ ماده واحده آن که کلیه وزارتخانه ها، نهادهای انقلاب اسلامی، مؤسسات و شرکت ها و کارخانه های دولتی و بانک ها و شهرداری ها و کلیه دستگاه هایی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می کنند موظفند ۳ درصد از پرسنل مورد نیاز خود را از بین معلولین عادی در مشاغل مناسب با رعایت کلیه مقررات مربوط و با هماهنگی سازمان بهزیستی کشور تأمین نمایند.



۲-۲-۷-۲- بر اساس تلفنگرام مورخ ۲۳/۱/۱۳۹۶ در خصوص نحوه شرکت ناشنوایان در آزمون سراسری جهت فراهم آوردن تسهیلات بیشتر.

۲-۲-۷-۲-۱- فراهم آوردن رابط در جلسات امتحان جهت تفهیم مطالب شفاهی برای ناشنوایان

۲-۲-۷-۲-۲- زمان لازم برای پاسخگویی به سؤالات ریاضیات، فیزیک، آمار ۱.۵ برابر زمان لازم هر آزمون

۲-۲-۷-۲-۳- حوزه امتحان خاص که در شهرستان تهران منحصراً در دانشکده علوم توانبخشی برگزار خواهد شد.

۲-۲-۷-۲-۳- بر اساس مصوبه هیئت محترم وزیران به شماره ۱۱۹۸۰/ر/ت/۳۱۰ مورخ ۱۱/۸/۷۳ پرداخت کلیه کمک های ماده ۱۷ توانبخشی به کارمندان معلول دولت بلامانع می باشد که این کمک ها با توجه به میزان معلولیت به صورت مستمر یا غیر مستمر در اختیار معلولین قرار می گیرد.

۲-۷-۳- ناشنوایان در فرهنگ ملی

در ادبیات فارسی نشیندن و ناشنوایی در مفهوم پند و اندرز بسیار مورد استفاده قرار گرفته است اما صائب تبریزی بزرگ ترین غزل سرای قرن یازدهم هجری و یکی از نامدارترین شاعران تاریخ ادبیات فارسی در خصوص ناشنوایان اشعاری دارد که به چند بیت آن غنیمت می کنیم.

ده در شود گشاده، بسته چون دری / انگشت، ترجمان زبان است لال را

امید من به خاموش، یکی ده گشت تا دیدم / که سامان می دهد دست از اشارت، کار لالان را

و استاد سخن مولانا جلال الدین محمد مولوی چنان اهمیت به شنیدن می دهد که می فرماید:

آدمی فربه شود از راه گوش

و جبار باغچه بان نیز در مورد ناشنوایان به خصوص کودکان نیز بسیار شعر سروده است.

همچنین آقای غلامعلی رعدی آذرخشی چنین سروده است.

به نگه باز نما هرچه در اندیشه توست / چو زبان نگهت هست به زیر فرمان

وی که از گوش و زبان ناشنوا بودی و گنگ / زندگی نو کن و بستان ز گذشته تاوان

با نگه بشنو و برخوان و بسنج و بشناس / سخن و نامه داد و ستم و سود و زیان

۳- اهداف

۳-۱ هدف کلی پیشگیری از تشدید معلولیت و ارائه خدمات توانبخشی مناسب به منظور تأمین استقلال فردی، اجتماعی، اقتصادی ناشنوایان همانند سایر افراد در جامعه.

۳-۲ اهداف اختصاصی

۳-۲-۱- اهداف اقتصادی

۳-۲-۱-۱- شناسایی جمعیت ناشنوایان در جامعه

۳-۲-۱-۲- ارائه خدمات مشاوره و مددکاری به ناشنوایان و کم شنوایان

۳-۲-۲- اهداف اجتماعی، فرهنگی، حمایتی

ص: ۳۹۴

۳-۲-۱- ارائه خدمات آموزشی خاص به افراد ناشنوا و کم شنوا

۳-۲-۲- ارائه خدمات آموزشی خاص به خانواده کودکان ناشنوا به منظور ایجاد تسهیلات ارتباطی برای ناشنوایان

۳-۲-۳- شناخت مسائل و مشکلات و نیازها و انتظارات اجتماعی فرهنگی ناشنوایان

۳-۲-۴- توجه به ایجاد زمینه های لازم جهت تأمین امکانات به منظور گذران اوقات فراغت ناشنوایان

۳-۲-۵- ارائه خدمات فرهنگی و هنری به ناشنوایان

۳-۲-۶- اتخاذ روش های لازم در تأمین وسایل مورد نیاز ناشنوایان

۳-۲-۳- اهداف بهداشتی درمانی در توانبخشی ناشنوایان

۳-۲-۱- مشاوره و راهنمایی پزشکی و ژنتیکی و مشارکت در ارائه خدمات درمانی به موقع به افراد مبتلا به نقص شنوایی

۳-۲-۲- به منظور جلوگیری از تشدید معلولیت

۳-۲-۳- شناخت مسائل و مشکلات و نیازهای بهداشتی درمانی ناشنوایان

۴- استراتژی ها

۴-۱- استراتژی های اقتصادی:

۴-۱-۱- تدوین قوانین و مقررات لازم در جهت حمایت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی از ناشنوایان و خانواده های ناشنوایان

۴-۱-۲- حمایت های مالی و تخصصی از انجمن ها و کانون های مربوط به حمایت از ناشنوایان و ایجاد اماکنی که ارتباط ناشنوایان با یکدیگر و جامعه را بیشتر سازد.

۴-۱-۳- تشویق و ترغیب بخش خصوصی و جذب مشارکت های مردمی و سایر نهادها و ارگان ها به منظور گسترش ارائه خدمات توانبخشی به ناشنوایان.

۴-۱-۴- تشویق طرح های شخصی مانند پس انداز فردی، بیمه عمر و...

۴-۲- استراتژی های اجتماعی و فرهنگی

۴-۲-۱- آگاه سازی جامعه و تشویق خانواده ها در جهت شناخت بیشتر و نحوه برخورد با ناشنوایان و آشنا نمودن آحاد جامعه به مسایل و مشکلات و همچنین توانایی های این گروه.

۴-۲-۲- آموزش و تأمین نیروی انسانی متخصص در زمینه های اجتماعی، فرهنگی برای جامعه ناشنوا.

۴-۲-۳- ایجاد زمینه های لازم برای تشکل های حمایت از ناشنوایان از قبیل انجمن حمایت از ناشنوایان و انجمن های خودیار ناشنوایان.

۴-۲-۴- تحقیقات کاربردی در خصوص مسائل ناشنوایان.



۴-۲-۵- ایجاد و گسترش مراکز مشاوره ای برای ناشنوایان و خانواده های آنان.

ص: ۳۹۵

۴-۲-۶- ارائه خدمات فرهنگی و هنری به ناشنوایان به منظور تأمین نیازهای آموزش و پر کردن اوقات فراغت.

۴-۳- استراتژی های بهداشتی درمانی و توانبخشی

۴-۳-۱- توسعه ارائه خدمات بهداشتی درمانی اولیه جهت پیشگیری از معلولیت

۴-۳-۲- آموزش و تأمین نیروی انسانی متخصص پزشکی و پیراپزشکی موردنیاز

۴-۳-۳- آگاه سازی جامعه و خانواده ها در زمینه مسائل بهداشتی درمانی ناشنوایان

۴-۳-۴- گسترش ارائه خدمات به ناشنوایان در منزل

۴-۳-۵- ایجاد و گسترش مراکز مشاوره ای برای ناشنوایان و خانواده های آنان

۴-۳-۶- ایجاد کلینیک ها و بخش های سنجش شنوایی جهت ارائه خدمات به موقع درمانی و توانبخشی تخصصی لازم

۵- فعالیت ها

۵-۱- فعالیت های استراتژی های اقتصادی

۵-۱-۱- فعالیت های استراتژی های اول:

۵-۱-۱-۱- پیگیری در جهت تصویب لوایح و قوانین جدید و اصلاح شده

۵-۱-۱-۲- برگزاری نشست های کارشناسی در خصوص بازنگری قوانین بانکی به منظور فراهم نمودن تسهیلات بانکی برای ناشنوایان و خانواده های دارای ناشنوا از قبیل: اعطای وام ضروری، وام تعمیر، وام جهت ساخت مسکن

۵-۱-۱-۳- پی ریزی طرح تأمین اجتماعی تکمیلی فراگیر.

۵-۱-۱-۴- اقدام در جهت تدوین قوانین لازم و بازنگری قوانین جهت ارائه تسهیلات و خدمات رفاهی، اقتصادی

۵-۱-۲- فعالیت های استراتژی دوم:

۵-۱-۲-۱- تدوین ضوابط قانونی لازم در جهت حمایت های مالی از انجمن های فوق الذکر

۵-۱-۲-۲- تشکیل کمیته های تخصصی با همکاری و حمایت های مالی دولت در معاونت های امور اجتماعی فرمانداری ها با ترکیب ذیل: سازمان بهزیستی، مرکز بهداشت شهرستان، شهرداری، نماینده از کانون ها و انجمن های مربوطه

۵-۱-۳- فعالیت های استراتژی سوم:

۵-۱-۳-۱- تشکیل سمینارهای توجیهی و دوره های آموزشی کوتاه مدت برای مدیران بخش خصوصی و دولتی

۵-۱-۳-۲- فراهم نمودن زمینه های لازم به منظور برخورداری بخش خصوصی از تسهیلات بانکی

۵-۱-۳-۳- نظارت و ارزشیابی بخش خصوصی در جهت ارتقاء کیفیت و ایجاد انگیزه

۵-۱-۳-۴- برگزاری نشست های کارشناسی در خصوص بررسی راهکارهای جلب مشارکت مردمی

۵-۱-۴- فعالیت های استراتژی چهارم:

ص: ۳۹۶

۵-۱-۴-۱- برگزاری نشست های کارشناسی در خصوص بازنگری قوانین موجود در انجام اصلاحات لازم

۵-۱-۴-۲- پیگیری در جهت تصویب اصلاحات انجام شده و اجرای آن

۵-۲- فعالیت های استراتژی اجتماعی و فرهنگی

۵-۱-۲- فعالیت های استراتژی اول:

۵-۱-۱-۲- استفاده از برنامه های صدا و سیما و مطبوعات و سایر رسانه های گروهی "بالا بردن سطح دانش و آگاهی عمومی از عللی که منجر به ناشنوایی می شود نظیر حوادث و یا بیماری ها به عنوان یک امر مهم از پیش گیری"

۵-۱-۲-۲- تغییر نگرش دانش آموزان و دانشجویان نسبت به مطالب ناشنوا از طریق گنجاندن مطالب آموزش در دروس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه

۵-۱-۲-۳- برگزاری مراسم هفته ناشنوایان و روز جهانی ناشنوایان و روزهای خاص

۵-۲-۲- فعالیت های استراتژی دوم:

۵-۱-۲-۲- بازآموزی کارکنان دستگاه های اجرایی مسئول در امر ارائه خدمات اجتماعی و فرهنگی به ناشنوایان

۵-۲-۲-۲- ارتباط با کشورهای پیشرفته در زمینه تبادل آخرین اطلاعات و دستاوردها

۵-۳-۲- فعالیت های استراتژی سوم:

۵-۱-۳-۲- تهیه و تدوین ضوابط قانونی در خصوص چگونگی ایجاد تشکل ها و انجمن های ناشنوایان

۵-۲-۳-۲- ارائه کمک های فکری و جهت دادن به تشکل های ایجاد شده در جهت حل مشکلات ناشنوایان

۵-۴-۲- فعالیت های استراتژی چهارم:

۵-۱-۴-۲- تعیین اولویت های تحقیقاتی در زمینه مسائل اجتماعی فرهنگی ناشنوایان

۵-۲-۴-۲- فراهم کردن زمینه لازم برای تشویق و ترغیب پژوهشگران در انجام تحقیقات مربوط به مسائل ناشنوایان

۵-۳-۴-۲- انجام تحقیقات کاربردی و استفاده از نتایج حاصله در برنامه ریزی های اجتماعی، فرهنگی

۵-۴-۴-۲- تکمیل طرح های تحقیقاتی نیمه تمام

۵-۵-۲- فعالیت های استراتژی پنجم:

۵-۱-۵-۲- فراهم کردن زمینه های علمی ژنتیکی جهت پیشگیری از معلولیت ناشنوایی

۵-۲-۵-۲- آماده سازی و متقاعد ساختن خانواده ها جهت پیگیری آموزش خاص به خصوص در کودکی

۵-۲-۶- فعالیت های استراتژی ششم:

ص: ۳۹۷

- ۵-۲-۶-۱- تهیه و تدوین قوانین لازم در زمینه همکاری شهرداری ها، مراکز فرهنگی و تفریحی، مراکز ورزشی صدا و سیما و مطبوعات با کمیته کشوری برنامه ملی ناشنوایان
- ۵-۲-۶-۲- تهیه و تدوین قوانین لازم در زمینه لزوم اجرای برنامه های فرهنگی، تفریحی، ورزشی برای ناشنوایان بازنشسته از طرف سازمان بهزیستی و انجمن ها و کانون های ناشنوایان
- ۵-۲-۶-۳- هماهنگی و همسویی در جهت ارائه خدمات فرهنگی تفریحی برای ناشنوایان
- ۵-۳- فعالیت های استراتژی های بهداشتی درمانی و توانبخشی
- ۵-۳-۱- فعالیت های استراتژی اول:
- ۵-۳-۱-۱- تکمیل شبکه های بهداشتی درمانی، خانه های بهداشت، مراکز بهداشتی درمانی روستایی و شهری، پایگاه های شهری
- ۵-۳-۲-۲- ادغام برنامه در سیستم شبکه بهداشتی درمانی
- ۵-۳-۲-۳- تدوین شرح وظایف هر یک از سطوح ارائه دهنده خدمات و دستورالعمل های اجرایی برنامه
- ۵-۳-۲-۴- آموزش کلیه کارکنان هر یک از سطوح ارائه دهنده خدمات
- ۵-۳-۲-۵- تهیه و تدوین برنامه های اجرایی برای پیشگیری
- ۵-۳-۲- فعالیت های استراتژی دوم:
- ۵-۳-۲-۱- تشکیل گروه های متخصص پزشکی و پیراپزشکی در دانشگاه های علوم پزشکی و بهزیستی و تربیت نیروهای متخصص فوق
- ۵-۳-۲-۲- بازآموزی پزشکان و پیراپزشکان در زمینه ارائه خدمات لازم به ناشنوایان
- ۵-۳-۲-۳- بازنگری آموزش پزشکی عمومی و رشته های وابسته، ایجاد واحدهای درسی در زمینه مختلف ناشنوایان
- ۵-۳-۲-۴- ارتباط با کشورهای پیشرفته جهت دستیابی به آخرین اطلاعات و روش ها در زمینه تربیت نیروی لازم و نحوه ارائه خدمات
- ۵-۳-۲- فعالیت های استراتژی سوم:
- ۵-۳-۳- استفاده از برنامه های صدا و سیما مطبوعات و سایر رسانه های گروهی
- ۵-۳-۳-۲- برگزاری نمایشگاه در زمینه توانایی های ناشنوایان
- ۵-۳-۳-۳- برگزاری هفته جهانی ناشنوایان
- ۵-۳-۳-۴- برگزاری سمینارهای تخصصی در زمینه مسایل ناشنوایی برای برنامه ریزان جامعه
- ۵-۳-۳-۵- گنجاندن مطالب آموزش در دروس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به منظور تغییر نگرش نسل آینده

۵-۳-۴- فعالیت های استراتژی چهارم:

۵-۳-۴-۱- استفاده از برنامه های صدا و سیما و مطبوعات و سایر رسانه های گروهی

۵-۳-۴-۲- برگزاری کلاس های آموزشی جهت ناشنویان جامعه با کمک دانشگاه ها و مراکز آموزشی به منظور دستیابی به تکنولوژی و

پدیده های علمی

ص: ۳۹۸

۵-۳-۵- فعالیت های استراتژی پنجم:

۵-۳-۵-۱- تهیه و تدوین و آیین نامه های ایجاد مراکز مشاوره

۵-۳-۵-۲- تهیه و تدوین معیارهای مشخص ضوابط قانونی

۵-۳-۵-۳- جذب کمک های مردمی و سایر سازمان ها و ارگان ها و نهادها جهت مشاوره با خانواده ها

۵-۳-۶- فعالیت های استراتژی ششم:

۵-۳-۶-۱- تأسیس و تجهیز بخش های ویژه سنجش شنوایی در بیمارستان های آموزشی

۵-۳-۶-۲- تأسیس مراکز درمانی و توانبخشی تخصصی

۵-۳-۶-۳- ترغیب بخش خصوصی جهت ایجاد این نوع مراکز

۵-۳-۶-۴- تهیه و تدوین قوانین لازم جهت الزام سازمان ها و نهادهای دولتی برای ایجاد این گونه مراکز به منظور خدمات به موقع

۶- روش های اجرایی

۶-۱- نظام ارجاعی ارائه خدمات

۶-۱-۱- سطح اول: شناسایی ناشنویان نیازمند ساکن روستا از طریق مجتمع روستایی و خانه بهداشت و شبکه C.B.R

۶-۱-۱-۱- تکمیل پرسشنامه اولیه مشخصات توانخواه و خانواده

۶-۱-۱-۲- بازدید منزل اولیه از محیط خانواده و توانخواه

۶-۱-۱-۳- تعیین نوع نیاز توانبخشی از لحاظ مالی و اعطای کمک ها و وسایل کمک توانبخشی و آموزش و مراقبت، تأمین وسایل کمک

توانبخشی با استفاده از راهبردهای توانبخشی مبتنی بر جامعه با در نظر گرفتن امکانات و زمینه های موجود در منطقه

۶-۱-۱-۴- تهیه گزارش از وضعیت اجتماعی - اقتصادی توانخواه و تشخیص حدود نیاز و تعیین نوع نیاز

۶-۱-۱-۵- تکمیل پرونده اولیه مددکاری و در صورت لزوم ارجاع آن به بهزیستی شهرستان جهت تصمیمات بعدی

۶-۱-۱-۶- تلاش جهت ایجاد ارتباط به منظور تبادل اطلاعات بین بهزیستی و سایر ارگان ها و نهادهایی که در روستا حضور دارند به ویژه

مراکز خانه بهداشت، جهاد سازندگی، سازمان صنایع دستی، آموزش و پرورش

۶-۱-۱-۷- ایجاد ارتباط با بهزیستی شهرستان به منظور کسب اطلاعات و رفع نیازهای بهزیستی در روستا

۶-۱-۱-۸- اجرای برنامه ها و فعالیت های انجام شده توسط بهزیستی استان با استفاده از همه امکانات موجود در سطح روستا و کمک به

تطبیق امکانات و تجهیزات موجود در محل سکونت مددجو با شرایط و نوع معلولیت به منظور تقویت توانایی های فرد و برخورداری معلول از

شرایط مناسب محیطی با نگرش توانبخشی مبتنی بر جامعه C.B.R





۶-۱-۲- سطح دوم: مطالعه، بازبینی، بررسی پرونده مددجو توسط کارشناس بهزیستی شهرستان

۶-۱-۲-۱- تعیین نیازهای اساسی و ضروری توانخواه برحسب اولویت نیاز

۶-۱-۲-۲- ارجاع توانخواه به سازمان های ذیربط جهت اخذ خدمات مورد نیاز به ویژه خدمات اعمال جراحی و پیگیری

۶-۱-۲-۳- تأمین بخشی از نیازهای مالی و حمایتی مشاوره ای توانخواه توسط بهزیستی شهرستان

۶-۱-۲-۴- حمایت و هدایت توانخواه جهت اخذ خدمات مورد نیاز از سایر دستگاه ها به ویژه تأمین وسایل کمک آموزشی و کمک توانبخشی و هدایت در جهت آموزش

۶-۱-۲-۵- پیگیری تأمین نیاز توانخواه با توجه به این که بهزیستی شهرستان بین دو پایگاه بهزیستی در روستا و بهزیستی در استان قرار دارد. این اقدام از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۶-۱-۲-۶- هماهنگی و استفاده از امکانات سایر دستگاه های دولتی و بخش خصوصی در شهرستان جهت رفع مشکل توانخواه

۶-۱-۲-۷- برقراری تماس نزدیک با خانواده توانخواه در خصوص رفع تنگناهای ارتباطی با آنها و برقراری فضای مناسب جهت برخورد مناسب با معلول و آگاهی از توانایی وی

۶-۱-۲-۸- اطلاع و آگاهی بهزیستی شهرستان از موقعیت و امکانات موجود در سایر دستگاه های روستا و شهرستان و استان نیز از اهمیت برخوردار می باشد که می بایست بهزیستی شهرستان از آن اطلاع داشته باشد.

۶-۱-۲-۹- انجام کارهای محوله و انجام وظایف سازمان و سپس ارجاع به مرکز استان

۶-۱-۳- سطح سوم: ارزیابی تخصصی از پرونده تکمیل شده توسط بهزیستی شهرستان و بازبینی پرونده

۶-۱-۳-۱- ارجاع به مرکز ستاد هماهنگی استان جهت بررسی و پیگیری با توجه به اولویت نیاز

۶-۱-۳-۲- ارجاع ناشنویان و کم شنوایان نیازمند به خدمات تخصصی

۶-۱-۳-۳- اقدام در جهت رفع نیازهای ناشنویان و کم شنوایان با توجه به امکانات موجود در بهزیستی مراکز استان

۶-۱-۳-۴- پیگیری موارد رفع نیاز از طریق بهزیستی استان

۶-۱-۳-۵- اجرای تصمیمات اتخاذ شده توسط ستاد هماهنگی، با اولویت به استفاده از امکانات بهزیستی محل سکونت توانخواه (C.B.R) توانبخشی مبتنی بر جامعه

۶-۱-۳-۶- ارجاع به مراکز خوابگاهی موقت تا پایان دوره های آموزشی خدمات ارائه شده به ناشنویان و کم شنوایان در محیط خانواده

۶-۱-۳-۷- ارائه خدمات توانبخشی و پیراپزشکی و اعطای وسایل کمک توانبخشی

۶-۱-۳-۸- ارائه خدمات مددکاری و مشاوره به خانواده و فرد ناشنوا

۶-۱-۳-۹- ارائه راهنمایی ها و بروشورهایی در جهت ایجاد ارتباط با فرد ناشنوا و کم شنوا

۷- مدیریت و نظارت، پایش و ارزشیابی

ص: ۴۰۰

## ۱-۷ مدیریت و نظارت

به طور کلی نظارت بر اجرای فعالیت مربوط به امور ناشنوایان توسط معاونت های توانبخشی استان بوده و نظارت عالی به عهده ستاد مرکزی سازمان. دفتر خدمات توانبخشی امور اجتماعی خواهد بود.

## ۲-۷ پایش و ارزشیابی

اجرای این فعالیت به طور مداوم توسط مدیریت بهزیستی استان و مدیریت توانبخشی امور اجتماعی حوزه ستادی مرکزی سازمان مورد ارزشیابی قرار خواهد گرفت.

## ۱-۲-۷ ابزار پایش

ابزار پایش عبارت خواهد بود از بازدیدهای ادواری توسط گروه کارشناس حوزه ستاد مرکزی سازمان بازدیدهای ماهانه توسط مدیریت های بهزیستی استان ها. تکمیل فرم های ارزشیابی که توسط دفتر توانبخشی امور اجتماعی تهیه و به استان ها ارسال خواهد شد.

## ۲-۲-۷ روش های ارزشیابی شامل

۱-۲-۲-۷- تهیه گزارش ماهانه توسط اداره بهزیستی شهرستان و ارسال آن به مدیریت بهزیستی استان.

۲-۲-۲-۷- بازدیدهای ادواری توسط گروه کارشناسی دفتر خدمات توانبخشی و امور اجتماعی و تشکیل جلسات و نشست های کارشناسی با گروه کارشناسان و مسئولین واحدهای اجرایی مراکز شهرستان ها و استان ها.

۳-۲-۲-۷- تهیه گزارش ارزشیابی از فعالیت های انجام شده در طول یک سال توسط دفتر توانبخشی امور اجتماعی.

## ۸- منابع و مأخذ:

۱- بهره ناشنوایان ثمین باغچه بان

۲- هیاو در دنیای سکوت محمود پاکزاد

۳- نتایج تفصیلی معلولیت سازمان بهزیستی

۴- طرح بررسی سطح نیازهای جامعه به خدمات بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی ۱۳۷۳

۵- برنامه فعالیت فدراسیون جهانی ناشنوایان، دانشگاه علوم بهزیستی، گروه آموزش ناشنوایان ۷۵

۶- تأمین اجتماعی در اسلام - استاد جعفر سبحانی

۷- قانون اساسی

۸- مجموعه قوانین و مقررات موضوعی جانبازان، شهدا، مفقودین و اسراء ۱۳۷۳

۹- قانون ناشنوایان ایران



این مقاله را فاطمه آقامحمد در ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ تألیف کرده است. نکات و مطالبی در این مقاله هست که در منابع رسمی درج نشده است. زیرا نویسنده در متن حوادث زبان اشاره حضور داشته و به عنوان یک عامل و معجری در جمع آوری، نگارش اشارات، جستجوی اشارات و آوردن تصویر برای آنها و سپس استفاده از اشارات به عنوان کارشناس زبان اشاره و رابط فعال بوده است.

ای که با نامت جهان آغاز شد دفتر ما هم به نامت باز شد

### آغاز شناسایی و جمع آوری اشارات

در سال ۱۳۵۳ سازمان ملی رفاه ناشنوایان که مدیرعامل آن سرکار خانم ثمینه باغچه بان فرزند مرحوم جبار باغچه بان بنیانگذار آموزش ناشنوایان در ایران بود. بخش زیر فعالیت خود را آغاز نمود. این سازمان واقع در خیابان شاه رضا «انقلاب فعلی» خیابان خواجه نصیرالدین طوسی کوچه سمت راست پلاک ۱۲ در طبقه سوم این ساختمان به دستور ثمینه خانم و با مدیریت سرکار خانم جولیا (آن آلیور) سمیعی دفتری جهت جمع آوری و ثبت اشارات طبیعی و برنامه ریزی برای زبان اشاره فارسی دایر گردید. ابتدا گروهی متشکل از خانم مریم رستمی که شنوا دارای پدر و مادر ناشنوا، آقای رضاقلی شهیدی شاگرد باغچه بان دارای همسر و فرزندان ناشنوا، خانم ملک زرگر الهی نیمه شنوا دارای مادر و دو خواهر ناشنوا و خانم ها ایران بهادری و فاطمه آقامحمد شنوا که از طریق امتحان ورودی و مصاحبه جهت دوره کوتاه مدت «۹ ماهه» سنجش شنوایی به دستور ثمینه خانم و مصاحبه ایشان پذیرفته شده بودند. این دو نفر از بین ۲۰ نفر قبولی دعوت به این کار شدند. مسئولیت گروه با خانم سمیعی بود.

### روش جمع آوری اشارات طبیعی

هفته ای یک روز در خیابان کاخ «فلسطین» کنونی مرکزی به نام «کاخ جوانان» خانه جوانان با هدف کارهای فرهنگی برای ناشنوایان دایر بود که خانم ها بهادری و آقامحمد به جمع ناشنوایان می رفتند و اشاراتی که جهت ارتباط خود ناشنوایان با دیگر دوستانشان استفاده می کردند از آنها پرسیده می شد. سپس خانم آقامحمد ضمن مکتوب نمودن آنها به حالت «شماتیک» آنان را طراحی می کرد تا بدون مشکل بتوان اشاره را فهمید. مثلاً: کلمه: است - دست صاف کف آن به طرف زمین جلوی بدن از بالا به پایین حرکت می کند و حرکت با فلش مشخص می شد.؟؟؟

کلمات و اشارات بدین صورت جمع آوری سپس به سازمان آورده و اواخر هر هفته روزهای چهارشنبه تشکیل جلسه و در حضور ثمینه خانم و با نظارت اعضای که نامبرده شد با مورد تأیید قرار گرفتن کلمه ها و اشارات در دفتر بزرگی ثبت می شد. پس از مدتی که گذشت نیاز به وجود جوانان ناشنوا با

آگاهی و سطح سواد بالاتر احساس گردید. در جلسه پیشنهاد شد و کم کم گروه گسترش پیدا نمود. زیرا اشارات طبیعی حتی در افراد باسواد با افراد کم سواد و قدیمی متفاوت بود. که آقای محسن موسوی، رضا محمودی، حبیب تهرانی، مرتضی پیروزی به گروه پیوستند و اشارات طبیعی که ممکن بود کاربرد زیبایی نداشته باشد در آن تغییری داده می شد.

مثلاً کلمه آفتابه هم حالت گفتن آن را نشان می دادند، هم با دست دیگر حالت شستن، اما افراد آگاه تر و جوان اعتقاد داشتند حرکت اول کافی است و دیگر به حرکت دوم نیازی نیست و کم کم بین ناشنوا شکل صحیح و زیباتر کردن عادت و استفاده می شود. بنابراین سعی شد حالت مؤدب تری داشته باشد. همچنین کم کم روش خاصی را دنبال کنیم از جمله کلمات مترادف اشارات مشابه اما از لب خوانی استفاده شود و کلمات متضاد اشارات برعکس شود. پس به معنی و مفهوم کلمات نیز توجه گردید.

با توجه به اینکه اساس و پایه زبان اشاره بر دیدار است. کلماتی که عینی بود به راحتی اشاره اش تصویب می گردید، اما بیشترین مشکل در کلمات انتزاعی بود. گاهی یک روز تمام گروه بحث می کرد تا در مورد تصویب یک کلمه به توافق برسد.

استفاده از اشارات مصوب

در عین حال به دستور ثمینہ خانم و با مدیریت خانم سمیعی همین اشارات اندک که جمع آوری شد و مورد تأیید همه عزیزان قرار گرفته بود به مدرسه شماره ۴ باغچه بان که در خیابان دولت که آقای تراب ساختمان آن را به ناشنویان اهدا کرده بود به همت ثمینہ خانم برای مدرسه ناشنویان آغاز به کار کرد. در آن کودکان ناشنوا جهت آموزش پذیرفته شده بودند با روش ارتباط کلی آموزش داده می شد که به معلمان زبان اشاره جمع آوری شده توسط آقای شهیدی و خانم ها آقامحمد و بهادری آموزش داده می شد و قصه گویی توسط خانم سمیعی با همکاری آقای شهیدی و آقامحمد انجام می شد. همچنین به همت ثمینہ خانم از تمام استان های آن زمان دو کارشناس به تهران دعوت گردید، جهت معلمی و به آنان نیز زبان اشاره آموخته شد.

تأسیس رشته توانبخشی زبان اشاره

با تلاش و همت ثمینہ خانم و در حاشیه آقای پیرنظر اولین رشته توانبخشی شنوایی شناسی در مقطع فوق دیپلم در دانشگاه ملی «شهید بهشتی» دایر گردید که واحد اجباری زبان اشاره «۲ واحد» در رشته فوق با مسئولیت خانم سمیعی، آقای شهیدی، آقامحمد، بهادری تدریس می گردید. که متأسفانه وقتی این رشته پس از انقلاب فرهنگی به کارشناسی تغییر و ارتقاء پیدا کرد. زبان اشاره به صورت اختیاری و در حال حاضر حذف گردیده است.

پس از مدتی خانم رستمی به خارج از کشور سفر کردند و خانم زرگر الهی نیز به دلایلی در جلسات شرکت نکرد و گروه تقلیل پیدا کرد. در این مقطع از زمان خانم الهه افضلی شنوا به گروه پیوست. اما با حمایت ثمینہ خانم و جدیت خانم سمیعی کار پیش می رفت. حالا دیگر زبان اشاره با توجه به فرهنگ

خاص ناشنویان با زبان فارسی منطبق می شد. برای کلماتی مثل حروف اضافه، زمان، جمع بستن، نفی کردن افعال توجه شد و به طور کلی علمی می شد.

انتشار کتاب اشارات

در سال ۱۳۵۷ به دستور ثمینہ خانم تصمیم گرفته شد تا اشارات جمع آوری شده و مورد تأیید اکثر ناشنویان قرار گرفته شده به صورت اولین کتاب چاپ گردد. در این زمان خانم بهادری بورسیه شدند و به خارج از کشور رفته بودند و متأسفانه بر اثر سانحه هوایی خانم سمیعی با دو فرزندش فوت کرده بودند و ثمینہ خانم مسئولیت گروه زبان اشاره را به خانم آقا محمد داده بود.

کار گروه برای اقدام فوق آغاز گردید. در زیرزمین مدرسه باغچه بان شماره ۱ عکس برداری کلمات آغاز گردید. ۲ دختر ناشنوا به نام های الهه قاسمی شاد و شعله صداقت و آقای رضا محمودی و محسن موسوی اشارات را نشان می دادند و عکس برداری می شد با نظارت آقامحمد سپس عکس ها ظاهر می گردید و توسط گروه روی عکس ها فلش ها که معرف حرکت و چگونگی دست ها بود رسم می گردید. در این زمان حرکت های انقلابی مردم آغاز شده بود. رفت و آمد در خیابان ها مشکل شده بود چون در مسیرهای اصلی تظاهرات و آتش کشیدن لاستیک ها وجود داشت و رفته رفته عرصه برای فعالیت گروه مشکل می شد.

تعویض مدیریت سازمان رفاه ناشنویان

برای اینکه به روند کارها آسیبی نرسد ثمینہ خانم آقای احمد فترحی را به جای خودشان مسئول سازمان رفاه ناشنویان کردند. با این اقدام کارها مانند سابق ادامه پیدا کرد تا اینکه موفق شدیم اولین فرهنگ زبان اشاره فارسی با ۹۸۸ لغت و توضیحات کاربردی آن و همچنین الفبای باغچه بان و الفبای زبان فارسی (که با پیشنهاد خانم سمیعی این الفبا ابداع گردید توسط گروه اولی که ذکر گردید که اساس آن بر شکل و فرم الفبای فارسی بود) چاپ گردید از این الفبا جهت قراردادی کردن اشارات بهره گرفته می شد. اما تمام اسامی و کلماتی که هنوز اشاره ای برای آنها تصویب نشده بود از الفبای باغچه بان استفاده می گردید.

نهایتاً کتاب فوق در سال ۱۳۵۹ چاپ و در دسترس جامعه ناشنویان قرار گرفت و با نصف قیمت هزینه تمام شده به جهت تشویق به خریداران داده می شد. و در این زمان آقای شهیدی بازنشسته شدند.

پس از انقلاب

سپس با دستور دکتر فیاض بخش سازمان های رفاهی با هم ادغام و سازمان بهزیستی تشکیل گردید و سازمان رفاه ناشنویان نیز از این ادارات بود. اما گروه زبان اشاره با تمام فراز و نشیب هایی که در مسیر خود گذراند کتاب بعدی به نام آشنایی با اشارات با ۳۴۲ لغت به صورت طراحی چاپ گردید. در این زمان این دفتر در بخش گروه های پژوهش های توانبخشی «دفتر آموزش و پژوهش» فعالیت می کرد. اما گروه از استاد زبان فارسی به نام آقای منصور استخری جهت علمی بودن و منطبق بودن با مفاهیم

ص: ۴۰۴



و ریشه کاربردی لغات در زبان فارسی بهره مند می شد. کتاب فوق انتخاب کلمات در ادامه و تکمیل کتاب قبلی بود اما به صورت طراحی در سال ۱۳۶۳ چاپ و در اختیار علاقه مندان قرار دادند.

در این زمان دوباره خانم بهادری به گروه پیوسته بودند و فعالیت می کردند تا در سال ۱۳۷۵ دفتر آموزش و پرورش کتاب بعدی با عنوان مجموعه اشارات ناشنویان با ۹۸۰ کلمه طراحی و احتمالاً بعضی از اشارات کامل تر و علمی تر در این کتاب ترسیم شده بود و در این زمان خانم آقامحمد به لحاظ مشکلات و رفاه خانواده گروه را ترک نمود. اما کار همچنان ادامه داشت و جامعه ناشنوا حالا دیگر خود مدافع زبان اشاره شد و لزوم کاربرد آن برای افراد جامعه نیز قابل قبول گردیده بود که به حمدالله گروه کمیته زبان اشاره اما با تعداد کمتر اعضا ولی به صورت جدی و علمی کار خود را ادامه می دهد و هر از چند گاهی خانم ثمینه باغچه بان با جامعه ناشنویان دیدار تازه می کنند و راهنمایی و حمایت های خود را از آنان دریغ نمی کنند. در زمان تصدی ایشان اولین کتاب دو زبانه به نام دویدم و دویدم با گروه اولی چاپ گردید که طراحی آن را خانم دبوراهلم انجام دادند. سپس کتاب دویدم و دویدم با همکاری یونسف به همراهی حلقه فیلم ویدئویی و با تلاش ثمینه خانم و نظارت خانم بهادری چاپ و منتشر شد. سپس در کتاب دیگر به نام های زبان اشاره فارسی بالغ بر ۲۰۰ لغت و زبان اشاره فارسی «۳» بالغ بر ۲۱۰ لغت طراحی و چاپ گردید.

در حال حاضر گروه زبان اشاره درصدد چاپ جلد چهارم می باشد و خانم آقامحمد مجدداً همکاری با بهزیستی را در امور ناشنویان آغاز نموده اند و با تلاش معاونت امور توانبخشی آقای دکتر کمالی و آقای محمدباقر جعفری نیا در معاونت سیاسی سیمای جمهوری اسلامی برنامه با رابط ناشنویان را در سیمای جمهوری اسلامی از تاریخ ۲/۷/۷۷ آغاز نموده اند که این عزیزان با تلاش ها و پشتکار صمیمانه ای که داشتند موفق گردیدند. در حال حاضر در شبکه ۲ سراسری و ۵ استان و ۶ خبر داخلی و برون مرزی به صورت کروماکی با استفاده از رابط بخشی از برنامه های سیما را همزمان برای جامعه ناشنویان با استفاده از روش ارتباط کلی قابل استفاده نمایند.

آقامحمد در مورد استفاده رابط در سریال ها و فیلم های سینمایی می گوید به دنبال سرگرمی و اهداف توانبخشی برای جامعه ناشنویان به دلایل ذکر شده است.

در این جا متذکر می شوم این کار یعنی ابداع رابط ناشنویان در سریال ها و فیلم های سینمایی با اهداف توانبخشی سازگار است:

۱- آموزش لغات جدید

۲- یکسان سازی اشارات در سراسر کشور

۳- تفهیم و درک کلمات

۴- آشنایی با محاوره گفتاری

۵- آشنایی با آداب و سنت ها

۶- آشنایی به مسائل روز جامعه

پس جامعه شنوا با فرهنگ زبان ناشنوا آشنا و همین امر حضور آنان را در جامعه سهل تر و با اعتماد به نفس تر خواهد بود و نگرش منفی از بین خواهد رفت.

توسط رابط فقط در ایران انجام می شود که پس از گذشت ۵ سال به اهمیت و اجرای آن از نظر کارشناسی بیشتر معتقد گشته ایم.

همچنین لازم به ذکر است که آقای جعفری نیا در ده سال گذشته نیز با تلاش خود اخبار ناشنوایان را که توسط خود ناشنوایان اجرا می گردد و در شبکه ۲ پخش می شود به صورت هفتگی دایر نمودند نامبرده گفتار درمان می باشد. ایشان کارمند رسمی در صدا و سیما و سردبیر چندین بخش خبری بودند که در دو مقطع ذکر شده ابتدا به صورت مدیرکل و روابط عمومی سازمان بهزیستی مسئولیت داشتند و سپس در حوزه توانبخشی و با دعوت مجدد آقای دکتر کمالی به عنوان مدیرکل دفتر توان بخشی و امور اجتماعی معلولین فعالیت خود را آغاز نمودند که با حمایت دکتر کمالی در بهزیستی و تلاش آقای جعفری نیا در صدا و سیما برنامه رابط در بعضی برنامه های سیما آغاز گردید که هنوز ادامه دارد و امید است روز به روز گسترش یابد. البته کارشناس ناشنوایان و رابط سیما، خانم آقامحمد که پس از یک سال و با آموزش آقامحمد به خانم فاطمه غلامی نیز به عنوان رابط در سیما و همکاری در بهزیستی فعالیت می نماید.

برنامه های سیما برای ناشنوایان با رابط

۱- همه روزه خلاصه خبرها و اخبار علمی - فرهنگی هنری، ساعت ۱۸، شبکه خبر، ۲۵ دقیقه

۲- همه روزه برنامه تصویر زندگی علمی - اجتماعی سریالی، ساعت ۳۰/۱۱، شبکه ۲، ۳۰/۱ دقیقه

۳- هفته ای یک سریال خارجی و یک سریال داخلی، ساعت ۲۳ (سه شنبه ۴۸ دقیقه، چهارشنبه ۷۰ یا ۱۰/۱ دقیقه)

۴- همه ماهه یک فیلم سینما از شبکه ۲ و یک فیلم سینمایی از شبکه ۵، پنجشنبه و جمعه ها

۵- فیلم سینمایی در ایام ویژه به خصوص هفته دفاع مقدس، هفته جهانی ناشنوایان، تعطیلات نوروز و غیره

خود ناشنوایان

۱. اخبار، ۱۵ دقیقه، روزهای جمعه، خلاصه خبرهای هفته گذشته

تربیت رابط

نیاز به رابط در مراکز قضایی، دانشگاهی، بانک ها و ادارات موجب شد تا «دفتر توان بخشی معلولین جسمی حرکتی و حسی» از معاونت توان بخشی سازمان بهزیستی برای راه اندازی دوره تربیت رابط درخواست بودجه و مساعدت کند. این درخواست را به صورت نامه اداری آقای نحوی نژاد در تاریخ ۲۰ اسفندماه ۱۳۸۴ ارسال کرده است:

ص: ۴۰۶

پس از موافقت معاونت توان بخشی، خانم آقامحمد طرح نامه ای برای اجرای دوره تربیت رابط می نویسد و در ۴ تیرماه ۱۳۸۵ عرضه می کند:

تصویر

**جناب آقای نظم ده**  
**معاون محترم امور توانبخشی**

**سلام علیکم**

احتراماً با عنایت به نیاز رفع مشکلات ناشنوایان در مراجع قضایی و دانشگاهی و امور بانکی جهت ارتباط ، طرح کوتاه مدت تربیت رابط ناشنوایان که بصورت پایلوت در استان تهران جهت اجرا پیشنهاد می گردد. خواهشمند است درخصوص اجراء و تأمین بودجه آن راهنمایی

بفرمائید. ۸۴/۱۲/۱۷/خ

**دکتر حسین نحوی نژاد**  
**مدیر کل دفتر توانبخشی معلولین**  
**جسمی حركه‌ای و حسی**

شماره ۸۴/۱۲/۱۷  
تاریخ ۸۴/۱۲/۲

این طرح نامه در سه صفحه بزرگ عرضه شده و شامل مباحث و مطالب متنوع زیر است:

مقدمه: با توجه به لزوم ارتقاء سطح آگاهی جامعه به خصوص کارکنان سازمان های مرتبط با عزیزان ناشنوا همانند دانشگاه ها، مراکز رفاهی، اجتماعی برای برقراری ارتباط مناسب با ناشنوایان جهت تفهیم مسائل مربوطه و ایجاد فرصت های مناسب و حفظ حقوق آنان، در این مقطع زمانی در راستای رفع نیاز ناشنوایان در اسرع وقت طرح کوتاه مدت رابط ناشنوایان به شرح ذیل ایفاد می گردد. این برنامه در مرحله اول جهت استان تهران برگزار می گردد.

اهداف: هدف از برگزاری این دوره، آموزش زبان اشاره به افرادی است که بتوانند با ایجاد ارتباط بین افراد شنوا و ناشنوا، در زمینه های علمی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی نیاز عزیزان ناشنوا را مرتفع سازند. و در نهایت تشکیل کمیته رابطین ناشنوا به نحوی که سازمان های حتی الامکان جهت پاسخگویی به ناشنوایان خود کفا گردیده و در ارتباط با رسیدگی به مشکلات آنان تسریع به عمل آید.

شرکت کنندگان: سه دسته افراد در این دوره ها می توانند ثبت نام و شرکت کنند:

۱- نیروهای درون سازمانی

۲- نیروهای مرتبط با ناشنوایان: دانشگاه ها، دادگاه های قضایی، بانک ها، سازمان آموزش فنی و حرفه ای و... تأمین اجتماعی - مرکز نیروی انتظامی

۳- نیروهای داوطلب

اما شرکت کنندگان با توجه به اولویت ها عبارت اند از:

۱- کارکنان، کارشناسان مرتبط با ارباب رجوع (سازمان ها)

۲- اعضاء درجه یک خانواده ناشنوایان (داوطلبین)

۳- افراد علاقه مند (داوطلبین)

مجری طرح: ستاد بهزیستی حوزه توانبخشی و دفتر امور توانبخشی معلولین جسمی حرکتی و حسی این طرح را اجرا خواهند کرد.

مدت آموزش: یک دوره، نه ماه طول خواهد کشید. هر هفته یک جلسه ۸ ساعته و جمعاً ۲۱۶ ساعت زمان خواهد گرفت.

مکان آموزش: آموزش ها در مرکز توانبخشی اسما اجرا می شود.

مدرسین: چهار گروه زیر به آموزش افراد می پردازند:

۱- کارشناس زبان اشاره

۲- روانشناس

۳- شنوایی شناس

۴- مددکار اجتماعی

درس های اختصاصی: روش ارتباط کلی در سه فرایند زیر آموزش داده می شود:

۱- زبان اشاره

۲- لب خوانی

۳- آشنایی با سمعک

ص: ۴۰۸

درس های عمومی: ویژگی های ناشنویان و ناشنوایی در سه مبحث زیر آموزش داده می شود:

۱- چگونگی برخورد با ناشنوا «با دیدگاه روان شناختی»

۲- مددکاری «با دیدگاه چگونگی ایجاد ارتباط»

۳- جلسات با خانواده های ناشنویان

سرفصل های آموزش: آموزش رابط ها ذیل هفت سرفصل انجام می پذیرد:

الف - مقدمات زبان اشاره: تاریخچه زبان اشاره در ایران و جهان، زبان و فرهنگ جامعه هدف.

ب - روش ارتباط کلی [استفاده از باقیمانده شنوایی (سمعک)، لب خوانی، گفتارخوانی و زبان اشاره]

ج - کاربرد زبان اشاره، آموزش لغات ضروری

د - خدمات رابطی: تاریخچه رابطی در جهان، تفاوت بین مترجم و رابط، قوانین رابطی، خدمات رابطی با توجه به نیاز و سطح آگاهی جامعه هدف

ه - - سمعک: معرفی سمعک و آشنایی با بخش های مختلف و کاربرد آن با توجه به نیاز جامعه هدف و عیب یابی سمعک، آشنایی با قالب گیری سمعک و کاشت حلزون

و - روانشناسی: روانشناسی عمومی، روانشناسی کودکان استثنایی (گرایش اختلالات شنوایی)، چگونگی برخورد با ناهنجاری های کودک و خانواده، ناهنجاری های کودک و جامعه.

ز - مددکاری: تعریف مددکاری، اهداف و فلسفه مددکاری، اصول کلی روش های مددکاری، مشکلات مددکاری، مصاحبه و برقراری ارتباط در مددکار بخش عملی: روش ارتباط کلی، زبان اشاره، خدمات رابطی، آشنایی با سمعک.

محل و مجریان آموزش: این طرح در محل استان تهران (مرکز اسما) اجرا می شود و افراد در کارگاه آموزشی مرکز اسما و در انجمن خانواده ناشنویان توسط مربیان مرکز اسما آموزش داده می شوند.

خلاصه و نتیجه گیری

گزارش حاضر، اجمالی درباره وضعیت زبان اشاره و تاریخ تحولات اشارات در ایران معاصر بود. لازم و ضروری است افرادی که در عرصه زبان اشاره، جمع آوری، شناسایی اشارات، ضبط و ثبت اشارات، دسترس پذیر سازی اشارات، گسترش تجربه و مهارت رابط فعالیت داشته اند، تجارب و خاطرات و یافته های خود را بنویسند و در اختیار دیگر پژوهشگران قرار دهند و مواد علمی و منابع لازم را برای تاریخ نگاری این بخش از فرهنگ مهیا و آماده نمایند.

علیرضا آدم بکان مقاله ای در مجله سروش (۲۹ تیرماه سال ۱۳۸۱) با عنوان «انگشت ترجمان» منتشر کرد و سیر شکل گیری اخبار ناشنویان در سیمای ایران را توضیح داد.

این مقاله مبتنی بر اظهارات و آراء فاطمه آقامحمد، محمد کمالی و محسن بنی هاشمی تألیف شده است.

یکی از بخش های خبری سازمان صدا و سیما که می توان گفت از اوایل انقلاب فعالیت کرده است اما بنا به دلایلی رشدی مقطعی داشته «اخبار ناشنویان» است که از شبکه دو سیما جمعه ها حوالی ساعت ۱۵ پخش می شود. این بخش خبری در طول هفته یک بار آن هم شامل گزیده ای از خبرها ضبط و پخش می شود. مسئول این بخش خبری سید محسن بنی هاشمی، از مدرسان دانشگاه در رشته آسیب شناسی گفتار و زبان است که از سال ۶۴ یعنی از بدو تأسیس این بخش خبری فعالیت کرده است. وی در مورد شکل گیری «اخبار ناشنویان» می گوید: «در بررسی هایی که بعد از انقلاب شد معلوم شد که عده ای بنا به معلولیت های شنیداری و گفتاری نمی توانند خودشان را با مفاهیم جامعه تطبیق بدهند و تغییراتی که در کل مفاهیم جامعه پیش آمد مسئولان را به این فکر انداخت که کار جدی انجام بدهند. تولید این بخش خبری به عهده اداره کل پخش اخبار سیما با مسئولیت آقای جعفری نیا بود که او هم متخصص آسیب شناسی گفتار و زبان است. او این بخش خبری را راه اندازی کرد و من هم از آن سال با ایشان همکاری کرده ام. دوباره به فعالیت خود ادامه داد.

بنی هاشمی در مورد مشکلات این کار خاطرنشان می کند: «یکی از مشکلات ما محدودیت زمانی «اخبار ناشنویان» است. این برنامه زمانی ده دقیقه بود؛ بعد رسید به بیست دقیقه و مدتی هم نیم ساعت. الآن هم فقط حدود ده - پانزده دقیقه دارد پخش می شود».

وی می افزاید: «مهم ترین مشکل ما این بود که برای یک فرد شنوا آسان نیست که بداند نیاز یک ناشنوا چیست. ما معمولاً فکر می کنیم آدم ناشنوا آدمی است که نمی شنود. در صورتی که او با مفاهیم و معانی هم مشکل دارد. یادم هست اوایل انقلاب گوینده ما می خواست خبری را درباره حمله عراق به سکوهای نفتی بخواند و نمی دانست مفهوم سکوی نفتی چیست؛ یک مجتمع کارخانه مانند است یا نه. اما اگر از یک آدم شنوا که متخصص هم نیست پرسید. چون در تلویزیون دیده و هم زمان شنیده سکوی نفتی. پس یاد می گیرد. یا در مورد «آن شاه از آن یکی شاه شکست خورد» می گفت: مگر می شود شکست را خورد! چون در ذهن او این بود که لیوان شکست یا شیشه شکست. می گفت عجب شاه وحشی ای بوده که در جنگ فلان شاه را شکسته و بعد خورده! مدت ها طول کشید تا فهمید شکست خوردن همان باختن است. در واقع شکل گیری «اخبار ناشنویان» برای این بود که ادراک آنها از محیط شان کم تر از آدم عادی است».

مسئول بخش خبر ناشنویان تصریح می کند: «آن زمان با مساعدت آقای هاشمی این بخش خبری شکل گرفت و در حال حاضر هم دکتر لاریجانی کمک بسیاری می کنند. اما باز هم مشکلات بسیاری داریم». بنی هاشمی یکی دیگر از مشکلات این بخش خبری را نبودن شخصی در جامعه ناشنویان دانست که به زبان اشاره استاندارد صحبت کند. و درباره تنوع زبان اشاره افزود: «ما دو نوع زبان اشاره داریم: یکی زبان اشاره طبیعی که وقتی یک بچه ناشنواست رو می آورد به اشاره کردن و یکی هم زبان اشاره استاندارد که نظام های توان بخشی و نظام های کمک به ناشنویان آن اشاره ها را استاندارد می کنند. البته هر کسی تسلط کامل روی این زبان اشاره ندارد. طوری که خود به خود با این زبان اشاره همزاد باشد».

وی درباره معیار انتخاب خبرها برای ده دقیقه اجرا گفت: «در بخش ما یک گروه تحریریه هست که در طول هفته به انتخاب خبرهایی که به درد ناشنویان می خورد می پردازد و در واقع این خبرها تبدیل می شوند به کلماتی که در فرهنگ اشاره ناشنویان وجود دارد. ما در زبان فارسی حدود ده هزار کلمه داریم که روزانه از چند هزار کلمه آن بیشتر استفاده نمی کنیم. زبان ناشنویان هم همین طور است. یک سری واژه های اشاره وجود دارد که بعضی از کلمات در آن پیش بینی نشده است. ما از بعضی کلمات اگر ما به ازای آنها در زبان ناشنوا وجود داشته باشد استفاده می کنیم و اگر نباشد بر اساس حروف الفبای ناشنواها هجی می شود؛ مثلاً اسم وزیر امور خارجه چون در زبان ناشنوا وجود ندارد. بر اساس حروف الفبا گوینده آن را هجی می کند. برای نگارش هم خبرها جمع آوری می شوند و در پایان هفته تهیه کننده می رود و تصویربرداری می کند. البته ما تکست های خبری را جلوی بچه های ناشنوا می گذاریم تا اگر بعضی مفاهیم نارسا باشند غلط گیری شوند و معادل های بهتری برای آنها پیدا کنیم».

رضا محمودی، مجری بخش خبر ناشنویان خود ناشنواست. اما از محققان و مؤلفان زبان اشاره است. او درباره نحوه اجرا گفت: «چون خودم ناشنوا هستم از لحاظ صدا مثل آدم های عادی نمی توانم صحبت کنم. از گوینده کمک می گیرم. وقتی با لب و دستانم اشاره می کنم. گوینده به حرف های من توجه می کند و خبر را می خواند و هیچ مشکلی هم پیش نمی آید. فقط زمان برنامه کوتاه است». او درباره ساده کردن کلمات و جمله ها برای ناشنویان گفت: «وقتی خبرهای مهم انتخاب شد آنها را ساده و خلاصه می کنیم و من کلماتی را که اشاره ای هستند از آنها بی که نیستند جدا می کنم».

وی درباره حضور رابط ناشنویان در بعضی برنامه ها و عملکرد او گفت: «رابط خوبی ها و بدی هایی دارد. این رابط خیلی سریع صحبت می کند؛ چاره ای هم نیست. چون کلمات و تصاویر در حال گذرند و در ضمن تصویر او هم کوچک است. به هر حال ناشنوا مجبور است تحمل کند. بهتر از هیچ است. اما در خبر تصویر ما بزرگ است. در واقع صدا و سیما باید به سمت برنامه هایی مثل اخبار ناشنویان برود».



خانم آقامحمد که اجرای رابط ناشنویان را در تلویزیون به عهده دارد می گوید: «ما از تاریخ ۲۷/۷۷ کارمان را با سازمان صدا و سیما شروع کردیم. الآن حدود پنج سال است که فعالیت می کنیم. اما در این سال ها کسانی که باید سیاست گذاری کنند ما را هنوز ندیده اند!» او درباره وضعیت کار رابط در برنامه های مختلف اضافه کرد: «در خبر کار برایمان خیلی سخت است. در واقع یکی از خواسته های ما از بخش خبر این است که مجریان خبر مقداری طبیعی تر و آرام تر بخوانند. اما نظر آنها این است که شما وقتی فیلم های سینمایی را با آن سرعت اجرا می کنید چطور خبر را نمی توانید! به آنها می گویم چون فیلم تصویر دارد. مفاهیم القا می شود. اما در خبر بحث جدی است و نمی توانیم دخل و تصرفی در مفاهیم بکنیم. خصوصاً در بخش سیاسی. باور کنید وقتی من از استودیوی خبر بیرون می آیم. تمام قفسه سینه ام درد می گیرد. حتی ما خواستار زیرنویس هم هستیم؛ البته نه مثل زیرنویسی که در برنامه های دیگر وجود دارد. ما ساده تر از این می خواهیم. چون بعضی کلمات انتزاعی اند و نیاز به جا افتادن دارند. یکی از دوستان که ناشناخت و تازه از ژاپن آمده می گوید آن جا برای یک ساعت تولید صد ساعت کار کارشناسی می شود. حال ما با رابط هم زمان و با کم ترین هزینه خیلی کارها را داریم انجام می دهیم. در واقع ما هم زمان کار توانبخشی هم انجام می دهیم. چه برای کسی که در جنوب کشور است. چه کسی که در تهران زندگی می کند. پس با استاندارد زبان اشاره همه هم زمان آشنا می شوند و این موارد هیچ هزینه ای برای صدا و سیما ندارد و در تمام دنیا وظیفه این رسانه است که به ناشنویان خدمات بدهد. چون آنها نمی توانند از ضبط استفاده کنند یا از سینما و تئاتر».

او درباره مشکلات کار می گوید: «پنج سال است که فعالیت می کنیم. اما جای ثابتی نداریم و با تغییر مدیریت ممکن است برنامه های ما لغو شود؛ همان طور که در بخش خبر دوازده دقیقه خبر سیاسی داشتیم. پنج دقیقه خبر ورزشی و پانزده دقیقه خبر علمی از جهان. نمی دانید آنها چقدر استقبال می کردند؟

احساس آنها این بود که به آنها احترام گذاشته اند. اما با تغییر مدیریت این سی دقیقه به پنج دقیقه رسید».

بنیان گذار بخش خبر ناشنویان در سازمان صدا و سیما محمداقبر جعفری نیا است. او برای ناشنویان دو کار انجام داده: یکی راه اندازی اخبار ناشنویان و دیگری گذاشتن رابط ناشنویان. آن هم به فاصله زمانی سیزده سال. وی می گوید: «اگر این فعالیت ها انجام شده دلیلش فقط علاقه مندی بوده. نه هدف و سیاست گذاری. پس اگر بخواهیم با هدف بودن این فعالیت ها را ارزشیابی کنیم. این فعالیت ها هیچ جایگاه خاصی ندارند. بعد از انقلاب مشکلات معلولان و جانبازان در هم تنیده شد و بعضی نهادها خدمات ویژه ای دادند. با توجه به این که تغییر تعاریف در علوم به وجود آمده. دیگر تعریف معلول مثل قدیم نیست. در واقع ما معلول نداریم؛ معلول. اجتماع است که نمی تواند خدمات لازم را به آنها بدهد.

این جا توان بخشی اجتماع مطرح می شود. حدود سیزده سال هیچ حرکتی جز پخش «اخبار ناشنوایان» نتوانستیم بکنیم. تا این که سال ۷۷ به لطف آقای مفید، مدیر شبکه تهران و دیگر دوستان توانستیم روز جهانی ناشنوایان خدمتی به آنها بکنیم و تمام برنامه های آن روز را با رابط پخش کنیم. سخت بود. اما به چیزهای دیگری دست پیدا کردیم که حمایت های دکتر لاریجانی را به همراه داشت. البته تا این مدت تمام کارها رفاقتی انجام شده و همین دو برنامه شکل گرفته. در جلسات متعددی که با دکتر لاریجانی و مدیران دیگر داشتیم مطرح شد که اگر این موضوع را نهادینه نکنیم. در جایگاه سیاست گذاری قرار نخواهیم گرفت. درک می کنیم که آنها هم در قبال این موضوع مشکلات متعددی دارند. اما فقط شبکه تهران همراهی کرده که متأسفانه شبکه استانی است. شبکه ایده آل ما شبکه دو است».

## تأسیس و راه اندازی مرکز توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا

ضوابط و دستورالعمل

توضیح

این مطلب توسط فاطمه آقامحمد تهیه و تدوین شده و قبلاً به صورت جزوه توسط معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی در آبان ماه ۱۳۷۸ منتشر شده بود، الآن پس از ویرایش جدید اینجا آمده است.

با در نظر گرفتن کلیه مواد آیین نامه تأسیس و اداره مرکز توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا ضوابط و دستورالعمل تأسیس و راه اندازی مرکز فوق به شرح زیر ارائه می گردد.

بخش ۱: ساختمان:

۱- مکان مرکز باید در نقاط مناسبی از شهر باشد که دسترسی مادر و کودک ناشنوا به آن به سهولت انجام پذیرد.

۲- حدالمقدور ساختمان مرکز یک طبقه بوده و کلیه مقررات مناسب سازی برای کودکان از قبیل نرده های ایمنی و پله، و سایر وسایل و تجهیزات ایمنی در آن پیش بینی گردد.

۳- ساختمان از مراکز آلوده کننده کاملاً دور باشد.

۴- جهت ایجاد فضای گرم یا سرد ساختمان از سیستم های بدون دود و بو حداقل صدا استفاده شود.

۵- در صورتی که متقاضی بخواهد نسبت به ایجاد ساختمان اقدام نماید:

الف: زمینی مورد نظر باید دارای کلیه شرایط قانونی و امکانات و خدمات شهری برای ایجاد ساختمان باشد.

ب: قبل از هر گونه اقدام نقشه های ساختمان مورد تأیید اداره مهندسی و ساختمانی سازمان بهزیستی باشد.

۶- ساختمان مورد نظر واجد استحکام و ایمنی لازم باشد.

۷- کلیه مسائل ایمنی باید رعایت شود از جمله وجود کپسول آتش نشانی جهت اطفاء حریق

۸- ایمنی سازی کلید و پریزهای برق

- فضای مورد نیاز مرکز: فضای مورد نیاز برای یک مرکز توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا با ظرفیت ۳۰ کودک به همراه مادر عبارتند از «توجه داشته باشیم که حضور آنها یک روز در میان است پس ۶۰ نفر ظرفیت می توان در نظر گرفت.

۱- تعداد حداقل ۳ کلاس آموزش «ترجیحاً ۵ کلاس» و در هر کلاس ۱۰ مددجو «ترجیحاً ۶ مددجو» در ابعاد حداقل ۳×۴ متر کلاس ها دارای درب مستقل به راهرو پنجره نورگیر و با نصب توری.

- نصب کفپوش غیر لغزنده و قابل تمیز کردن در کلاس ها الزامی است.

۲- اتاق ریاست ۳×۴ یعنی ۱۲ متر باشد.

ص: ۴۱۴

۳- اتاق تربیت شنیداری ۳×۴ یعنی ۱۲ متر باشد «حدالمقدور دور از سر و صدا دیوارها ترجیحاً آکوستیک باشد».

۴- اتاق گفتار درمانی ۳×۴ یعنی ۱۲ متر باشد «حدالمقدور دور از سر و صدا دیوارها ترجیحاً آکوستیک باشد».

۵- اتاق روانشناس یا مشاور ۳×۴ یعنی ۱۲ متر باشد «ترجیحاً برای هر کدام یک اتاق در نظر گرفته شود» و «اتاق مددکاری»

۶- اتاق کتابخانه

۷- اتاق جهت انبار تجهیزات و غیره

۸- آشپزخانه با ابعاد مناسب و تجهیزات لازم برای آشپزخانه پیش بینی شود «جهت تغذیه بین روز و نهار کودکان»

۹- اتاق جهت تعویض پوشش نوزادان و غیره «لباس و شلوار خردسال»

۱۰- سرویس بهداشتی در هر طبقه متناسب با اندازه کودکان

الف: محل قرار گرفتن دستشویی متناسب با کودک زیر ۶ سال تا به راحتی بتواند دست و صورت خود را بشوید.

ب: حدالمقدور به فضای باز خارج از ساختمان دارای هواکش باشد.

۱۱- یک سرویس بهداشتی مخصوص کادر مرکز

۱۲- ترجیحاً یک اتاق در نظر گرفته شود جهت کمک های اولیه و مراقبت های ضروری «با وسایل کمک های اولیه و تخت مخصوص کودکان»

۱۳- آبدارخانه جهت شستشو و آماده سازی وسایل مورد نیاز مرکز

۱۴- فضای بازی کودکان مجهز به وسایل بازی گروهی و انفرادی، سرسره، تاب، و غیره

۱۵- اتاقی جهت آموزش زبان اشاره به مادران

۱۶- سالن اجتماعات با فضای مناسب ۸۰ نفر

بخش ۲: نیازمندی ها

تجهیزات و وسایل مورد نظر در چنین مرکزی عبارتند از:

الف - تجهیزات لازم در کلاس های آموزش

۱- وسایل بازی کودکان «ابزاری مانند ساختمان سازی، لگو، پازل، رنگ های متفاوت و وسایل کوچک خانه، توپ و ماشین و عروسک و غیره»

۲- وسایل آموزش های مستقیم و غیر مستقیم پیش دبستانی «برای تشخیص اندازه ها، رنگ ها، آشنایی با اعداد»

۳- کتب مصوّر کودکان

۴- کارت های آموزش «برای آموزش زبان اشاره و لب خوانی» «پازل»

۵- قفسه یا کمد برای نگهداری وسایل بازی و آموزش کودکان

۶- میز مستطیل که مربی و شاگردان بتوانند به راحتی از آن استفاده نمایند.

ص: ۴۱۵

۷- میز مربع که مادر همراه کودک از آن استفاده کند.

۸- شش صندلی بچه گانه در هر کلاس (۱۰ صندلی برای کلاس ۱۰ نفره)

۹- شش صندلی مخصوص بزرگسالان «جهت مادر» (۱۰ صندلی برای کلاس ۱۰ نفره)

۱۰- میز تحریر مربی

۱۱- پوسترهای جالب برای نصب به دیوار کلاس ها

۱۲- آئینه نسبتاً بزرگ «که تصویر شاگرد و مربی را بتوان در آن دید»

۱۳- زنگ اخباری نوری

۱۴- جعبه و تابلوی اعلانات ۲ عدد

الف - جهت نصب ادیوگرام کودک

ب - وایت بورد جهت نصب پازل های آموزش

۱۵- سطل آشغال در هر کلاس

۱۶- دفتر حضور و غیاب

۱۷- پرده های اتاق ها از رنگ های شاد و ملایم باشد

۱۸- وسایل تربیت شنیداری بوق، زنگ، طبل، زایلافون، سوت، جفجغه وسایل بازی صدا دار (زیر و بم) ضبط صوت، کاست ضبط

ب - تجهیزات و وسایل لازم مورد نیاز در کلاس آموزش زبان اشاره مادران و یا دیگر افراد خانواده و کسانی که مراقبت و تربیت کودک را به عهده دارند.

۱- برای هر کلاس یک میز تحریر برای مربی

۲- تعداد ده صندلی مخصوص بزرگسال

ج - وسایل مورد نیاز جهت سالن اجتماعات

۱- ۸۰ عدد صندلی بزرگسال

۲- وسایل صوتی، تصویری عبارتند از: تلویزیون، ویدئو، اورهد، پرده مخصوص پخش فیلم، پروژکتور

د- وسایل اداری:

میز، صندلی، فایل و غیره

وسایل آشپزخانه:

فریزر، یخچال، وسایل جهت، پخت غذا به اندازه کافی، ظروف جهت کودکان بهتر است شکستگی نباشد.

بخش ۳: نیازمندی های آموزشی و توانبخشی

منابع آموزش و توانبخشی مورد نیاز کودکان و مربیان در این طرح عبارت اند از:

ص: ۴۱۶



۱- کتاب های مأخذ برای کادر آموزش

۲- فیلم های مناسب کودکان و والدین آنها

۳- اسلاید مناسب کودکان و والدین آنها

۴- نوار برای آموختن صداهاى محیطی و غیره جهت کودکان

۵- کتب مصوّر برای کودکان

۶- سمعک گروهی

۷- وسایل گفتار درمانی مانند ضبط صوت و غیره...

الف - توجه: بچه ها هر ۳ ماه يك بار تحت کنترل شنوایی قرار گرفته و در صورت لزوم قالب گیری تجدید گردد.

ب - ماهی يك بار گردش علمی

بخش ۴: نیروی انسانی

پرسنل مورد نیاز مرکز عبارتند از:

۱- سرپرست مرکز ۱ نفر

۲- مسئول آموزش ۱ نفر

۳- مربی آموزش ناشنوایان ۵ نفر

۴- کمک مربی آموزش ناشنوایان ۵ نفر

۵- مربی کارهای دستی و هنری «نقاشی» ۱ نفر

۶- تکنسین وسایل سمعی و بصری ۱ نفر

۷- رابط یا مشاور آگاه به روش های ارتباطی و مسائل ناشنوایان ۱ نفر

۸- مددکار پاره وقت ۱ نفر

۹- ادیولوژیست یا کارشناس شنوایی سنجی «به طور پاره وقت در مرکز» ۱ نفر

۱۰- گفتار درمان «به طور پاره وقت در مرکز» ۱ نفر

۱۱- روانشناس «به طور پاره وقت در مرکز» ۱ نفر

۱۲- سایر پرسنل من جمله آشپز، مشاور، تغذیه، نظافتچی بر حسب نیاز

بخش ۵: مدارک برای ثبت نام

مدارک مورد نیاز جهت ثبت نام

برای هر یک از کودکان یک پرونده تشکیل گردد که شامل:

۱- ادیوگرام «از قدیمی ترین تا جدیدترین آنها جهت دسترسی به آنها در مواقع لزوم»

۲- کارت واکسیناسیون

۳- کارت انجام آزمایشات انگلی و پوستی

ص: ۴۱۷

۴- فتوکپی شناسنامه

۵- عکس

۶- پذیرش نامه مددکاری

۷- تعهدنامه از اولیاء جهت همکاری با مرکز «در خصوص آموزش های مختلف»

الف - توجه: سن پذیرش در مرکز خانواده و کودک ناشنوا از بدو تولد تا سن ۶ سالگی است و در این مقطع به صورت مختلط (دختر و پسر) بلامانع است.

ب - کودکان باید از نظر سن - کاهش کمبود شنوایی و توانایی در یادگیری گروه بندی گردند.

ص: ۴۱۸

### چگونگی مراحل مختلف توانبخشی (۱)

خانواده و کودک ناشنوا

در قرن بیستم زمانی که آتش جنگ جهانی دوم هنوز شعله می کشید و میلیون ها معلول با یأس و ناامیدی به آینده مبهم خود می اندیشیدند، گروهی از پزشکان بشر دوست اقدامات توانبخشی را به عنوان یک رشته نوین پزشکی بنا نمودند که امروزه یکی از جدیدترین تخصص های پزشکی به تکنیک های درمانی بسیار پیشرفته و تنها پشتیبان و امید معلولین تجلی نموده است بیمارانی که در روزگاران پیشین محکوم به خانه نشینی بوده اند امروزه به کمک تدابیر توانبخشی نه تنها از برکت یک زندگی طبیعی بهره مند می شوند بلکه می توانند افرادی مفید برای خود و حتی الگویی شایسته برای جامعه باشند.

در علم توانبخشی زمان مهم ترین فاکتور برای دستیابی به موفقیت و نتیجه مطلوب است. این مطلب در خصوص ناشنوایان از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا مهم ترین مشکل این قشر عدم ایجاد ارتباط با جامعه به سبب محرومیت از حس شنوایی می باشد.

از آنجا که انسان با بهره گرفتن از «حس شنوایی» قادر به تکلم می باشد و در اثر شنیدن تفکر و اندیشه در ذهن او پرورش می یابد کلمات با هم آمیخته می شوند و زبان را به وجود می آورند و از آنجا که زبان نه تنها عاملی جهت ایجاد ارتباط است بلکه باعث رشد فکری و اجتماعی و متحد ساختن گروه های اجتماعی و ایجاد آداب و سنن خاص می نماید. و انسان را به سوی تکامل هدایت می کند. بنابراین برای ناشنوایان امر توانبخشی از بدو تولد احساس می شود دانشمندان عقیده دارند دستیابی به زبان در دوران ۰ تا ۴ سالگی یعنی دوران طلایی یادگیری از اهمیت ویژه ای برخوردار است به همین دلیل بر آن شدیم تا الگویی علمی و مشخص و یکسان در سراسر کشور در امر توانبخشی مراکز خانواده و کودک ناشنوا ارائه دهیم تا این عزیزان به بهره جستن از آنها بتوانند به زندگی مستقلی دست یابند.

اینک جا دارد از اشارات و مساعدت های بی دریغ و صمیمانه جناب آقای دکتر محمد کمالی معاون محترم امور توانبخشی که با ایجاد انگیزه جهت مکتوب نمودن این مجموعه اینجانب را یاری نمودند سپاسگزاری نمایم.

تعریف: مراکز توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا

مرکز توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا به مرکزی اطلاق می شود که در آن خدمات توانبخشی به کودکان کم شنوای دارای سنین زیر دبستان ارائه می گردد این کمبود شنوایی در حدی است که کودک را در ایجاد ارتباط و یادگیری و به کارگیری زبان دچار مشکل می کند.

ص: ۴۱۹

## هدف

هدف از توانبخشی کودکان در این مراکز استفاده بهینه از توانایی‌های آنها و تقویت این توانایی‌ها با بهره‌گرفتن از روش ارتباط کلی یعنی استفاده از باقیمانده شنوایی به وسیله سمعک و تربیت شنیداری، تقویت لب خوانی، گفتار درمانی، آموزش زبان اشاره جهت درک مفاهیم، گفتارخوانی و نهایتاً ایجاد ارتباط صحیح و استقلال فردی و الحاق به جامعه می‌باشد.

(ضمناً باید توجه داشته باشید: برای رسیدن به هدف فوق خانواده کودک نیز در تمام مراحل نیازمند همکاری و شرکت در کلاس‌های مربوطه می‌باشد)

## اقدامات

اقداماتی که در این مرکز لازم است انجام شود:

۱- مشاوره:

۲- تعیین میزان شنوایی کودکان

۳- تجویز سمعک مناسب با ویژگی‌های آسیب‌شناختی

۴- آموزش و راهنمایی خانواده در چگونگی استفاده بهینه از ابزارهای کمک‌شنوایی و نحوه چگونگی برخورد با کودکان در زمان استفاده از سمعک

۵- آموزش و توانبخشی کودکان با خانواده

الف: استفاده از روش ارتباط کلی یعنی در اختیار گذاشتن تمام امکانات لازم توانبخشی اعم از «لب خوانی»، تربیت شنوایی گفتار درمانی، زبان اشاره، نهایتاً دستیابی به زبان و ایجاد ارتباط بهتر

۶- مراقبت از کودکان در ساعات آموزش:

الف: جهت حفظ سلامت جسمانی (تغذیه)

ب: بهداشت و تأمین سلامت روانی

ج: فراهم ساختن محیطی مناسب برای رسانیدن کودکان به حداکثر توانایی

د: ایجاد رشد فکری در راستای زندگی اجتماعی

ه- ارائه راهنمایی‌های لازم به خانواده

مشخصات هر کلاس

جهت تقسیم بندی گروهی کودکان در یک کلاس با توجه به اولویت سه شاخص مدنظر قرار می‌گیرد:

الف: از نظر میزان سن کودک

۰-۱ سالگی

۱-۲ سالگی

۲-۳ سالگی

۳-۵ سالگی

از ۵ سالگی تا ۷ سالگی باید دوره آمادگی را بگذرانند

ص: ۴۲۰

ب: میزان کمبود شنوایی

۵۵ تا ۷۰ دسی بل کم شنوایی نسبتاً شدید

۷۰ تا ۹۰ دسی بل کم شنوایی شدید

۹۰ تا ۱۱۰ دسی بل کم شنوایی عمیق

ج: فرهنگ خانواده

تعداد کودکان در هر کلاس

۶ نفر و حداکثر ۱۰ نفر «جهت تشکیل کلاس حداقل ۳ نفر کفایت می کند»

«تعداد ذکر شده در مورد کودکان است همراه کودک به این تعداد اضافه می شوند»

زمان ثبت نام «توسط مددکار مرکز»

تشکیل هر کلاس جدید ۶ ماه یک بار انجام می شود.

الف: معرفی از طرف ستاد هماهنگی و پذیرش سازمان بهزیستی

ب: مراجعه مستقیم خانواده ها «در مورد مراکز خصوصی و هیئت امنایی صادق است»

«این اقدام در سراسر سال انجام می گردد و کودکان در لیست نوبت جهت شروع کلاس ها قرار خواهند گرفت. ضمناً جهت جلوگیری از قطع ارتباط خانواده با مرکز تا زمان شروع کلاس های کودک اولیا از کلاس های مشاوره استفاده می نمایند»

ج: برای هر کودک پرونده ویژه تشکیل گردد که در آن تمام مشخصات مورد لزوم در مرکز قید و نگهداری و ضمناً چگونگی پیشرفت او نیز ثابت گردد.

موارد آموزشی مورد نیاز مرکز

۱-۰ سالگی

در این مرحله آموزش توانبخشی به شرح ذیل انجام می گردد.

۱- مادر کودک را در آغوش بگیرد و نوازش کند تا در او احساس امنیت به وجود بیاید زیرا این ارتباط برای آماده ساختن او جهت همکاری لازم و ضروری است.

۲- از قوه بینایی کودک نهایت استفاده را بنماید «حتماً به پزشک مراجعه و از میزان بینایی او مطلع باشد».

۳- دست کودک را گرفته روی صورت خود بگذارد و با او صحبت کند.

۴- رنگ های شاد و آرامش بخش را به او نشان بدهید و کلمات را با اشاره بگویید.

۵- از کارت های تصویری استفاده نماید و به کودک نشان بدهید و توضیح داده و کلمات را با اشاره بگویید.

۶- از کتاب های تصویری استفاده شود و در جملات ساده و کوتاه در مورد تصویر توضیح بدهید و کلمات را با اشاره بگویید.

۷- استفاده از اصوات محیطی (اسباب بازی های صداساز) و جلب توجه کودک به منبع صدا.

ص: ۴۲۱



۱- علاوه بر اقدامات فوق اجازه بدهید با کاغذ و اسباب بازی های خود بازی کند

۲- اجازه بدهید نقاشی کند «با کاغذ و مداد شمعی، در شن و ماسه با دست» «در این مرحله نقاشی منظور خط خطی کردن می باشد».

۳- توجه داشته باشید بازی مورد علاقه او باشد و کودک آزادانه در کلاس، اولیا در کنار کلاس، از دور مراقب آنچه کودک انجام می دهد. باشند اجازه بدهند خود کودک از محیط فراهم شده تجربه کسب نماید.

۴- ساعتی را در کنار او بازی کنید و از روش ارتباط کلی استفاده نمایید.

۵- انجام مراحل اولیه تربیت شنوایی «کشف و تمایز»

«ضمناً کلاس های مشاوره برای همه گروه ها لازم و ضروری است».

موارد آموزش مورد نیاز مرکز (۲ تا ۵ سالگی)

۱- ورزش صبحگاهی «همه روزه» «توسط مربی مرکز»

الف: ایجاد جوی صمیمی و دوستانه

ب: فعالیت جسمی و روحی جهت آماده شدن برای مراحل بعدی آموزش

ج: انجام کار گروهی

د: سرگرمی و بازی

ه- جمع آوری وسایل ورزش و آماده شدن برای آموزش «این کار با همکاری کامل کودکان انجام گردد زیرا این عمل باعث می شود مسئولیت پذیری، نظم و انضباط را آموزش بگیرند».

۲- مشاوره خانواده «توسط مشاور مرکز»

الف: جهت پیشگیری از افزایش مشکل در خانواده

ب: آموزش برای آگاهی از اختلالات متعاقب کم شنوایی در کودکان

ج: اهمیت هر چه سریع تر اقدام به توانبخشی های مورد نیاز کودکان

۱- فردی (با تک تک خانواده انجام شود)

۲- گروهی

الف: آموزش به خانواده یا توسط مشاور مرکز

ب: بازگو کردن تجربیات توسط خود خانواده ها

موضوعات مورد مشاوره:

۱- پذیرش نقص شنوایی توسط والدین

۲- بهداشت روانی خانواده (حفظ آرامش در خانواده)

۳- جلوگیری از احساس گناه در اولیاء

ص: ۴۲۲

۴- اهمیت خانواده و نقش آن در توانبخشی کودک ناشنوا

۵- آشنایی با ویژگی های ناشنوایان

۶- برخورد صحیح خانواده با کودک ناشنوا در مقابل مشکلات او

۷- توجیه فرزندان دیگر به دلیل نیاز توجه بیشتر به کودک ناشنوا برای پیشگیری از بروز حسادت

۸- کشف توانایی های کودک ناشنوا

۹- جلوگیری از مشکلات افسردگی، گوشه گیری، عدم اعتماد به نفس، اضطراب، پرخاشگری

۱۰- دعوت از ناشنوایان موفق و معرفی آنان به اولیاء و کودکان

۱۱- اطمینان به موفقیت در کار توانبخشی کودک

۳- نقاشی و کاردستی «توسط مربی ذیربط»

الف: ایجاد خلاقیت در کودک

ب: انجام کار گروهی «ایجاد جوی صمیمی»

ج: شناخت رنگ ها (استفاده بهینه از ترکیب رنگ ها)

د: بروز فشارهای روحی، روانی کودک و تخلیه آنها به وسیله نقاشی آزاد

هـ: ایجاد مهارت های شخصی با محیط

۱- خمیربازی

۲- رنگ آمیزی

۳- موضوع نقاشی مشخص شده از سوی مربی

۴- نقاشی آزاد

۵- قیچی کردن اشکال و چسباندن آن روی مقوا

۶- اورگامی

۷- کلاژ

۴- خواندن یک کتاب قصه در هفته «توسط مربی آموزشی»

با روش ارتباط کلی (ابتدا مربی داستان را می خواند. سپس از یک کودک داوطلب می خواهد که داستان را تعریف کند و در پایان همه او را تشویق نمایند. سعی شود هر بار یکی از بچه ها این کار را انجام دهند).

الف: افزایش خزانة لغات

ب: محرکی جهت یادگیری زبان «گسترش دانش زبان»

ج: تمرکز حواس

د: قوه محرکه برای ایجاد تحلیل و تفکر

ه: ایجاد همانند سازی

و: ایجاد رشد اجتماعی و عاطفی

ز: نهایتاً علاقه مند شدن به مطالعه و کتاب

ص: ۴۲۳

ویژگی های یک کتاب مناسب برای کودک ناشنوا

۱- کتاب های تصویری که در آن موضوعات روزانه زندگی مطرح شده باشد

«توجه شود موضوع داستان مورد علاقه کودک باشد»

۲- تصاویر از رنگ ها جذاب، متنوع، شاد باشد

۳- تصاویر به صورتی گویا باشد که متن را القاء نماید

۴- سطرها کوتاه و ساده باشد

۵- حروف نسبتاً درشت باشد «نه خیلی درشت»

۶- بین کلمه ها فاصله کافی وجود داشته باشد و همچنین بین خط ها نیز فاصله کافی باشد «خیلی زیاد نباشد»

۷- رنگ کاغذ مهم است اگر سفید باشد چشم را می زند بهتر است شیری باشد «خط مشکی باشد»

۸- اندازه کتاب متناسب باشد خیلی بزرگ نباشد «ضخامت کتاب زیاد نباشد».

۹- متن به فصل هایی نسبتاً کوتاه تقسیم شده باشد

۵- تربیت شنوایی «توسط شنوایی شناس مرکز»

الف: استفاده بهینه از باقیمانده شنوایی

ب: تقویت حافظه شنوایی

«توجه داشته باشیم حداقل دو جلسه اول بدون آموزش به صورت بازی و سرگرمی جهت ایجاد ارتباط بین کودک و شنوایی شناس لازم است. همچنین در امر تربیت شنیداری صبوری اهمیت خاصی دارد.

قبل از تشکیل و شروع کار همیشه از سالم بودن سمعک فرزند خود اطمینان حاصل کنید (باطری، سیم، قالب و سمعک) را کنترل نمایید این کار را می توانند اولیاء کودک یا مربی انجام دهد.

مراحل تربیت شنوایی به صورت زیر انجام می شود.

۱- فردی کودک و اولیاء

۲- گروهی «از ۲ الی تا حداکثر ۳ نفر که همراه با اولیاء ۴ تا ۶ نفر می تواند باشد».

وسایل موردنیاز: بوق، زنگ، طبل، سوت، جغجغه، زایلافون، ضبط صوت، پازل، کارت تصاویر جهت شروع کار فرهنگ محل زندگی کودک اهمیت دارد.

در شهرهای بزرگ ابتدا با صداهایی مانند: بوق اتومبیل، زنگ در، زنگ تلفن، سوت و... در روستاها ابتدا با صدای حیوانات که در اطراف

زندگی او دیده می شود مانند صداهای مرغ، خروس، اسب، گاو، سگ، گربه، آبشار و... ضمناً از ضبط صوت و تصاویر اشیایی که در اطراف کودک نیست جهت آموزش در مراحل بعدی می توان کمک گرفت.

در مراحل مختلف تربیت شنوایی: همیشه از برنامه مشخص برای تقویت شنوایی استفاده شود یعنی از ساده به مشکل برسد.

ص: ۴۲۴

۱- آگاه سازی کودک از صدا «کشف صدا»

در این تأکید اهمیت به تشخیص وجود صدا می باشد:

اصوات غیر گفتاری «صداهاى محیط»

اصوات گفتاری

اصوات غیر گفتاری

- زنگ ساعت را به صدا در می آورد و به کودک می گوید ساعت زنگ زد او را متوجه صدای زنگ می نماید

- بسته شدن درب اتاق

- صداهاى ضربه اى

- طبل، ضربه به درب یا میز

- صدای هواپیما

- صدای حیوانات گربه، سگ، مرغ، خروس و...

اصوات گفتاری

- واكه، همخوان

- سیلاب ها

- کلمات

- جملات

(نام خود کودک)

«پاسخ صحیح را با روش های مختلف تشویق نمایید» «چنانچه پاسخ به وجود صدا داده نشد از او بخواهید توجه کند و صدا را چند مرحله تکرار نماید»

۲- تمایز گذاری بین صداها: به مرحله ای اطلاق می گردد که فرد بین اصواتی که می شنود تفاوت قائل گردد.

الف: شباهت ها، تفاوت ها

ب: صدای اطراف، صدای گفتار

ج: کوتاه تر بودن «کمتر»، بلندتر بودن «بیشتر»

د: یک سیلابی، دو سیلابی و غیره

۳- شناسایی (تعیین هویت) صدا:

در این مرحله کودک باید صدای شنیده شده را تشخیص بدهد و به صورت تکرار یا اشاره به موضوع و یا نوشتن و غیره مشخص کند.

ص: ۴۲۵



#### ۴- درک مطلب

مشکل ترین مهارت سمعی یعنی درک مطلب از گفتار محتاج آن است که شنونده معنای پیام صوتی را بفهمد. در این مرحله چنانچه از کودک سؤال شود «اسم تو چیست» اگر نام خودش را بگوید او درک مطلب از صدا را نموده است اما چنانچه همان جمله را تکرار نماید او فقط تعیین هویت محرک صوتی را بیان کرده است.

باید سعی شود بعد از آشنایی با کلمات با او جملات که از کلمات ساده و کوتاه باشد تمرین شود.

«در مورد کارهای روزانه که از خواب بیدار می شود ... و غیره»

(توجه داشته باشید در تمام مدت آموزش ابتدا از روش ارتباط کلی استفاده می کنیم (گفتار، صدا، لب خوانی، زبان اشاره) سپس موقع تمرین چیزی را جلوی دهان می گیریم یا از کودک می خواهیم سرش را روی میز بگذارد یعنی فقط از شنوایی خود استفاده نماید).

بعد از موفقیت مراحل قبلی مطلب ساده و کوتاهی تهیه نمایید و جلوی کودک قرار دهید سپس آن را برایش (شمرده شمرده) بخوانید و از او بخواهید با دنبال کردن متن و نشان دادن کلمات گفته شده از طرف شما را، با انگشت یا مداد نشان بدهد.

#### ۶- گفتار درمانی «توسط گفتار درمان مرکز»

گفتار درمانگر با توجه به ارزیابی دقیق کودک به، ادامه روند زبان آموزی، اصلاح اختلالات تولیدی، لب خوانی و... می پردازد.

(توجه داشته باشید برای نتیجه بهتر در طی روز بعد از برنامه تربیت شنوایی استراحت کوتاهی به کودک داده شود سپس گفتار درمانی کار گردد) قبل از تمرین: بینایی کودک توسط چشم پزشک کنترل شده باشد.

#### رعایت و ملاحظات

نکاتی که باید مادر و مربی در تمرین لب خوانی رعایت نمایند عبارتند از:

۱- باید صورت گوینده به طرف روشنایی باشد.

۲- نور خورشید یا چراغ نباید مستقیماً به چشم کودک بتابد.

۳- گوینده باید طوری بنشیند که صورت او هم سطح چشم کودک قرار گیرد.

۴- مانعی در راه دید کودک و صورت گوینده نباشد.

۵- مدت تمرین در ابتدا کوتاه و رفته رفته بلند شود.

۶- تمرین لب خوانی متنوع و با حرکت توأم باشد (گوینده در حال لبخند نباشد)

۷- تصاویر کلماتی را که آموزش می دهید (یا اسباب بازی آن را) در کنار صورت و نزدیک دهان نگاه دارید.

ص: ۴۲۶

۸- به طور طبیعی و روشن صحبت کنید ابتدا کمی آرام تر اما سعی کنید حالت طبیعی تمرین نمایند.

۹- هیچ وقت کلمه را تکرار نکنید همیشه جمله را کامل تکرار کنید.

۱۰- از تکرار زیادی که باعث خستگی کودک می شود خودداری نمایند سه بار جمله را تکرار کردید کافیست.

۱۱- تمرین نباید بیش از ۴۵ دقیقه باشد.

۱۲- تشویق در هر مرحله پیشرفت بسیار اهمیت دارد.

۱۳- سعی کنید آنچه به کودک می آموزید مورد علاقه او باشد.

۱۴- انتخاب کلمات با توجه به فرهنگ محل زندگی کودک باشد.

### مراحل تعلیم

۱- به طور طبیعی به وسیله استفاده از باقیمانده شنوایی، استفاده از قوه بینایی و توجه به تکلم خود به خودی

۲- مشاهده مستقیم و تقلید با استفاده از آینه «کودک از این طریق می آموزد که شکل صحیح را به اعضاء گفتار خود با توجه به اعضاء گفتار مربی یا اولیاء خود بدهد.

۳- آگاه نمودن شاگرد «کودک» از چگونگی لب ها

۴- گذاردن دست بر صورت یا سینه یا حنجره و احساس ارتعاش تارهای صوتی موقع تلفظ آن حرف

۵- قبل از تمرین ابتدا کاملاً لب ها را ببندید و سپس با یک کلمه مانند «بگو» یا نام کودک را بگویید سپس آموزش حروف یا کلمه را

۶- اول مصوت ها (با صداها، واکه ها) آموزش داده می شود سپس صامت ها «بی صداها»

۷- ابتدا آموزش به صورت حرف آغاز می شود.

۸- حرف را ابتدا با توجه به ترتیب تشکیل در اعضای جلویی تکلم «لب دندان ها...» تا به اعضاء عقب تر قرار گرفته اند «آشکارتند» تمرین کنید یعنی از لب و دندانی تا به گلوئی، حلقی تمرین کنید.

۹- قرار دادن مصوت (صدادار) بر روی یک صامت (بی صدا) و تمرین کردن آن با (هجا) کردن

۱۰- کلماتی را انتخاب می نمایم که برای کودک آشنا باشند.

۱۱- هنگام تمرین لب خوانی اول از حروف آشکار لبی شروع می کنیم و حرف مورد نظر را یک بار در اول و یک بار در وسط و یک بار در آخر کلمه قرار می دهیم. مانند ... آب، باد، بابا

۱۲- تمرین ها اول از یک حرف سپس کلمه بعد عبارت و جمله باشد.

۱۳- هنگام تمرین حروف مشترک المخرج باید اول با صامت های (بی صداها) تنفسی شروع به تمرین می کنیم و سپس با صامت های حنجره

ای تمرین را ادامه می دهیم.

۱۴- انواع مصوت ها (صدادارها) را از تغییر شکل لب ها تشخیص می دهیم نه از آنچه که در داخل دهان است.

ص: ۴۲۷

تذکر مهم

۱۵- در تمرین لب خوانی باید به این مطلب توجه زیاد داشت زیرا که در زبان نوشتاری با زبان گفتاری (شفاهی) تفاوت زیادی است مانند (این کتاب من است) در گفتار کلمه است به ( ) تبدیل می شود. (این کتاب منه) پس موقع تمرین لب خوانی باید جملات آن طور که گفته می شوند تمرین گردد.

بعضی از تفاوت های زبان کتبی با شفاهی

کتبی

شفاهی

تبدیل

کلمه است به کسره

تبدیل

ا به اُ

تبدیل

آن به اون

حذف

د در آخر افعال

حذف

و ی ما قبل حرف آخر

و

غیره...

این

کیف من است

کتاب

را بلده به من

خیابان

می کنند،

می گویند

می گویم

این

کیف منه

کتابو

بده به من

خیابون

می کنن،

می گن

می گم

میزان آشکاری حروف از نظر لب خوانی

«بی صداها» صامت های مشترک المخرج

ف، و صد در صد آشکارند

پ، ب، م صد در صد آشکارند

ل صد در صد آشکارند

ش، ژ، ج، چ صد در صد آشکارند

ت، د، ن، ط ۷۵٪ آشکارند

ص، ث، س، ز، ض، ظ ۵۰٪ آشکارند

ر ۵۰٪ آشکارند

ک، گ ۲۵٪ آشکارند

خ، ق، غ ۱۵٪ آشکارند

ی ۱۵٪ آشکارند

ح، ه، ع صفر درصد آشکارند

۷- زبان اشاره «توسط مربی مرکز»

الف - سرعت در یادگیری لغت

ب - درک مفاهیم

ج - درک کلمات هم معنی

د- درک کلمات متضاد

تصویر

شفاهی	کتبی	بعضی از تفاوت‌های زبان کتبی با شفاهی
این کیف منِه کتابو بده به من خیابون می کنن، می گن می گم	این کیف من است کتاب را بده به من خیابان می کنند، می گویند می گویم	تبدیل کلمه است به کسره تبدیل اِ به اُ تبدیل آن به اون حذف د در آخر افعال حذف و ی ما قبل حرف آخر و غیره...

ه- افزایش خزانه لغات

و- مسلط به زبان و قواعد آن

مراحل آموزش زبان اشاره

۱- آموزش به اولیاء

۲- آموزش به کودک در حین اقدامات توانبخشی

مسئولیت و نظارت و هماهنگی حسن انجام مراحل مختلف توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا به عهده شنوایی شناس است و ضمناً در تمام مراحل توانبخشی باید از روش ارتباط کلی استفاده گردد.

واحد کار مراکز توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا

۱- اعضای بدن

۲- حرکات ورزشی

۳- رنگ ها

۴- افراد خانواده

۵- خوردنی ها

۶- وسیله مربوط به خوردنی ها

۷- لوازم شخصی

۸- افعال

۹- میوه ها

۱۰- اشخاص

۱۱- نظافت

۱۲- وسیله نقلیه

۱۳- تنقلات

۱۴- خشکبار

۱۵- حیوانات «اهلی و وحشی»



۱۶- سبزیجات

۱۷- وسایل استراحت و خواب

۱۸- بازی و تفریح

۱۹- مکان ها

۲۰- طبیعت

۲۱- پوشاک

۲۲- در خانه

۲۳- اشیاء

ص: ۴۲۹

۲۴- لوازم التحریر

۲۵- مشاغل

۲۶- مربوط به بیماری

۲۷- صفت ها

۲۸- حالات

۲۹- اعداد

۳۰- مزه ها

۳۱- استفهام

۳۲- فصل ها

۳۳- عید نوروز

آموزش کلمات و جملات توانبخشی جهت دستیابی به زبان و نهایتاً ایجاد ارتباط مطلوب برای کودکان در سه مرحله انجام می گردد.

۱- مقدماتی ۲- متوسطه

۳- پیشرفته

کلمات انتخاب شده با توجه به:

۱- نیاز کاربردی کودک

۲- توانایی در یادگیری کلمات

۳- توجه به میزان آشکاری آن در دستگاه گفتاری می باشد

ص: ۴۳۰

فاطمه آقامحمد علاوه بر فعالیت در زمینه زبان اشاره و اجرای اخبار ناشنوایان، وظایف دیگری هم از جمله برنامه نویسی و ارائه طرح های مختلف توانبخشی، حمایتی و رفاهی در مورد توان بخشی و رفع اشکالات و نیاز بررسی در اجرای برنامه های پیشنهادی در استان ها را نیز بر عهده داشت.

به همین دلیل به اکثر استان ها مسافرت و از مراکز دولتی و غیر دولتی بازدید و در رفع مشکلات آنان بحث و مشاوره و در صورت لزوم برنامه ریزی می کرد. در این میان هر مؤسسه یا ارگانی که علاقه مند به ارائه برنامه برای ناشنوایان بود از حمایت و همکاری آقامحمد برخوردار می شد. مانند مؤسسه جوانه پویا. یا مانند جناب آقای محمد سادات اخوی که آن زمان در شهرداری (زمان مسئولیت جناب آقای زم) به عنوان مسئول فرهنگی برای نوجوانان فعالیت می کرد و از آقامحمد دعوت کرد. تا برای معلولان به ویژه ناشنوایان همکاری کند. آقامحمد هم با همه مشغله کاری پذیرفت. نزدیک به یک سال با آقای اخوی و همکارانشان در فرهنگسرای در جنوب تهران در باقر شهر چندین برنامه فرهنگی اجرا نمود. آنجا برای مردم سخنرانی کوتاهی می کرد از فعالیت ها و معرفی جوانان ناشنوا می گفت و سپس اجرای سرود توسط گروه کُر ناشنوایان و اهداء جوایز به عزیزان شرکت کننده ناشنوا داشت.

دعوت نامه ای به ناشنوایان هنرمند داده و از آنان آثار هنری دریافت و به هر کدام جوایزی اهدا می نمود. در این مدت بود که او به فکر نوشتن طرحی ویژه ناشنوایان افتاد تا از این فرصت استفاده کرد. جهت ارتقاء آگاهی و توان بخشی و بهره مندی از امکانات موجود در شهرداری برای نوجوانان ناشنوا استفاده نماید. اما فعالیت این گروه به یک سال نرسید و منحل شد.

در مورد اقدامات رابطی هم باید گفت به دلیل نبود افراد مجرب در این زمینه همیشه با کمبود نیروی تخصصی روبه رو بوده و هست زیرا حوزه توان بخشی بهزیستی متولی امور توان بخشی معلولان بوده و دانشگاه علوم بهزیستی به دلیل رفع نیاز نیروهای کارآمد و علمی بهزیستی تأسیس و فعالیت خود را آغاز نموده است اما متأسفانه هنوز هیچ اقدامی برای آموزش آکادمی رابط یا مترجم زبان اشاره ننموده است. و تنها انجمن خانواده ناشنوایان آن هم زمان مسئولیت آقای محمودی با بضاعت کمی که داشتند. نیروهای علاقه مند را آموزش داده و نیاز رابط های با تجربه ای را به صورت بسیار محدود تأمین نموده اند. به همین دلیل او که در حوزه معاونت توان بخشی به عنوان تنها کارشناس مسئولیت های فراوانی داشت. بعضی اوقات به عنوان رابط در دادگاه ها یا پیگیری مشکلات ناشنوایان و رفع آنان اقدام می کرد. البته خودش از اینکه با ناشنوایان عزیز تنگاتنگ ارتباط داشت و کارشان را به نتیجه می رساند بسیار راضی و خوشحال بود. خاطرات فراوانی در این امور دارد که دو تای آن را جهت انتقال تجربه عرض می کند. فقط نام افراد را نبرده چون شاید راضی نباشند.

یک روز پدری نزد او آمد و گفت. پسرش در آزمون استخدام بانک صادرات قبول شده اما در مصاحبه به دلیل کمبود شنوایی آن را رد کردند. خانم آقامحمد تو یک کاری بکن.

او هم نامه ای از دکتر کمالی گرفت. «ناگفته نماند دکتر کمالی هرگز نامه های او را بدون امضاء و حمایت نمی گذاشتند» و به اداره کل بانک صادرات در خیابان سمیه رفت. به لطف خداوند پیش مدیر هیئت رئیسه بانک صادرات رفت. البته نه به این راحتی تا پشت در اتاق ایشان رسید. مسئول دفتر ایشان گفت باید صبر کنید چون ایشان ناهار مهمان دارند وقتی تمام شد می توانید مدیر را ببینید. اما طول می کشد. او گفت اشکالی ندارد. منتظر می ماند. مدت نسبتاً طولانی نشست. یک مرتبه آقای آقایی آمدند بیرون و از منشی خواستند لیوان دیگری برای آب به ایشان بدهند او فهمید. ایشان مدیر است. جلو رفت و سلام کرد و نامه ای را که به ناشنوا داده و عذرش را خواسته بودند به ایشان داد و توضیح داد که این جوان ناشنوا با شرایط بسیار سخت تحصیل کرده و در آزمون موفق شده است چرا او را در مصاحبه رد کرده اند. ایشان گفتند چون اگر اشتباهی در گفت و شنود پرداخت و دریافت پول انجام دهد خودش مشکل پیدا می کند پیشنهاد می دهد از او در گیشه استفاده نکنید. در بخش دیگر استفاده کنید در حساب و کتاب های دیگر. ایشان روی نامه نوشتند دوباره بررسی شود. او می گوید نه خودم اداری هستم نوشته شما مشکل را حل نمی کند و لطف کنید بنویسید. استخدام شود. ایشان نگاهی به من کرد و نوشته قبل را خط زد و نوشت انجام شود. خدا را شکر کرده و به اداره آمد و به پدر این جوان ناشنوا زنگ زد و گفت بیا نامه ات را بگیر. گذشت چند ماه بعد آن پدر عزیز با شادی فراوان به او زنگ زد و گفت پسرم استخدام شد و از او تشکر کرد.

مورد دیگری بود که پسر نوجوان ناشنوا. مردی را به قتل رسانده بود. دادگاه نامه داده بود که چون مسئله قتل است نمی توان از خانواده او به عنوان رابط استفاده کرد باید یک شخص بی طرف و از مراکز مطمئن باشد. پدر این پسر نامه را برای آقامحمد آورد. او اهل اردبیل بود و در جنوب تهران یک مغازه کوچک اجاره ای جگرکی داشت در کنار مغازه ایشان قهوه خانه ای قرار داشت که یک جوان با داد و بیداد به قهوه خانه می رود ایشان برای وساطت و میانجیگری می رود که آن جوان با پدر این ناشنوا درگیر شده دعوا به مغازه ایشان کشیده می شود آن جوان پدر فرد ناشنوا را می زند بینی او خون می افتد دست هایش هم که به دلیل شغلش که جگری شده و خونی بوده جوان ناشنوا پدر را می بیند که سر و صورت و دستش خونی است و ضارب هم او را می زند. جوان ناشنوا چاقویی که روی تخته برای خورد کردن جگر بوده را بر می دارد و به پشت او فرو می کند که متأسفانه به قلب ضارب فرد می رود و همان جا می افتد و کشته می شود. این پدر ۱۱ دختر و فقط این پسر را داشت. خانواده ضارب هم قصاص می خواستند.

آقامحمد در روز دادگاه می رود رئیس دادگاه جناب آقای اسماعیلی بود و خودش را معرفی کرد و در دادگاه می نشیند. جوان ناشنوا را که بسیار رنگ پریده و ترسیده بود می آورند. سؤالاتی از او شد. آقامحمد برایش می گوید: خانواده او را قبل از تشکیل دادگاه دیده بودم بسیار آرام، محترم، بدون کلک و نگران.

در پایان جناب دادستان آقای اسماعیلی حکم دادند که ایشان قاتل است و خانواده مقتول هم درخواست قصاص کرده. من اجازه خواستم صحبت کنم. ایشان اجازه دادند. بسیار ناراحت بود گفت او یک جوان ناشنواست از دور پدرش را دیده که خونین و مالین است او که صدایی نمی شنود کاری نمی تواند بکند. اهل جنگ و دعوا نبوده تنها وسیله ای که دم دستش بوده برداشته و به ضارب زده او

که قصد آدم کشتن نداشته که قاتل باشد. صدایم از ناراحتی می لرزید. آقای دادستان پایان جلسه را اعلام کردند و گفتند شما خانم آقامحمد تشریف داشته باشید بقیه بروید بیرون همه رفتند بیرون. ایشان به آقامحمد گفت خانم آقامحمد در قانون به صراحت آمده است که اگر در حمله ای از شیئی تیز و برنده که باعث قتل شود استفاده گردد قتل عمد محسوب می شود پس قاتل است. اما به شما قول می دهم. اگر رضایت اولیاء دم را بگیرید او را آزاد می کنم و دیگر به زندان نمی فرستم. آقامحمد به خانواده آن جوان ماجرا را گفت. پدر جوان ناشنوا با گرفتن قرض از اقوام و فروختن همه دارایی هایش آن زمان مبلغ ۱۱ یا ۱۲ میلیون داد و رضایت آن خانواده را گرفت. آقای اسماعیلی بزرگوار هم طبق قولی که داده بود. آن جوان ناشنوا را آزاد کرد. پدرش و خانواده اش بسیار از آقامحمد تشکر کردند.

اما متأسفانه بعد از چند سالی پدر جوان ناشنوا را دیده بود که ناراحت بود و می گفت پسرش پس از آن قتل دچار افسردگی شدید شده و مشکلات زیادی پیدا کرده است.

این دو نمونه یکی خوش و دیگری تلخی بود که از کار رابطی بیان کرد. پس نیاز آموزش رابط در امور اجتماعی، پزشکی، قضایی، رفاهی، اداری و غیره بسیار لازم و زبان اشاره هم پایه و اساس این آموزش است «چون هرگز کسی نمی تواند زبان مادری کسی را بگیرد».

کانون اندیشه های فردا

معتقدیم مدیران فردا از بین عزیزان نوجوان امروز در مسئولیت و برنامه ریزی ها قرار خواهند گرفت و مثبت نگری به تمام اقشار جامعه و آگاهی به نیازمندی های گروه های خاص «معلولیتی آنان را در امر خطیر برنامه ریزی یاری و موفق خواهد نمود. و از آنجا که جامعه امروز ایران اسلامی را نسل جوان تشکیل می دهد و معلولین عزیز از جمله نیمه شنوایان و ناشنوایان نیز مستثنی از این امر نمی باشند. شایسته است در این برهه از زمان برای حفظ ارزش های فرهنگی و بارور نمودن هر چه بیشتر آن و جلوگیری از هدر رفتن انرژی نیروی انسانی ارزشمند با برنامه ریزی صحیح آینده ای روشن فراروی نسل آینده قرار دهیم.

اکنون با گذری کوتاه و کسب تجربه به روند زندگی گروهی که به دلیل تفاوت های ظاهری دچار محدودیت گشته اند و این محدودیت ها باعث عدم پیشرفت و جدا شدن آنان از جامعه شده است. با عنایت به زندگی انسان امروزی که در علم و دانش به شگفتی های فراوانی دست یافته است در مسیر این تحولات نگرش او نیز تغییر کرده به طوری که در جهان دیگر اندیشمندان و متفکرین عزیزان معلول را ناتوان نمی دانند و اعتقاد دارند معلول، جامعه ای است که نتوانسته امکانات لازم را برای حضور فعال و با ثمر آنان در مراحل مختلف زندگی فراهم آورد. همه بر آن شدیم تا عزیزان نوجوان ناشنوا را نیز در کنار دیگر دوستانشان در عرصه های متعالی هم گام و کاستی های مورد نیاز آنان را بر طرف نماییم تا ان شاءالله جوانانی مفید و مستقل، با ایمان و دلسوز در آینده داشته باشیم. در اینجا لازم می دانم از جناب آقای محمد سادات اخوی مسئول محترم این مجموعه که با بینش وسیع خود این فضا را برای نوجوانان عزیز نیمه شنوا و ناشنوا فراهم آورد سپاسگزاری نمایم.

هدف: در این مجموعه ۲ هدف را دنبال می کنیم:

۱- ارتقاء سطح آگاهی و ایجاد فرصت های مساوی برای نوجوانان نیمه شنوا و ناشنوا در جامعه

۲- ارتقاء سطح آگاهی افراد عادی نسبت به نیازمندی های نوجوانان ناشنوا

در راستای اهداف فوق برنامه ریزی آموزشی و فرهنگی به شرح ذیل می باشیم:

۱- برنامه های آموزشی نوجوانان ناشنوا در راستای ایجاد ارتباط صحیح و اعتماد به نفس و حضوری فعال در جامعه

- دستور زبان فارسی

- آموزش زبان اشاره استاندارد «ناشنوایان و مربیان ناشنوا»

- داستان خوانی

- خاطره نویسی

- زبان انگلیسی

- کلاس کنکور

- کلاس کامپیوتر

- گفتار درمانی

- تربیت شنیداری

۲- برنامه های فرهنگی نوجوانان ناشنوا

- نمایش فیلم با رابط در فرهنگسراهای مرکز شهر برای گذراندن اوقات فراغت

- تشکیل گروه سرود «با روش ارتباط کلی»

- تئاتر

- هنرهای دستی

- برگزاری نمایشگاه در ایام خاص از دستاوردهای نوجوانان ناشنوا

- برگزاری مراسم هفته جهانی ناشنوایان «روز جهانی ناشنوایان در ایران»

- تشکیل اردوهای علمی، فرهنگی «یک روزه و بیش از یک روز»

- چاپ و انتشار کتاب های فرهنگی ویژه ناشنوایان «با همکاری و کارشناسی حوزه توانبخشی سازمان بهزیستی کشور»

- مشاوره

- مددکاری

۳- برنامه های آموزشی برای افراد عادی «شنا»

- تربیت رابط

- آموزش زبان اشاره «با اولویت خانواده های ناشنوایان، کارمندان مرتبط با ناشنوایان»

- برگزاری سمینارهای تخصصی یک روزه

- انتشار اطلاعات علمی جهت پیشگیری اولیه از ناشنوایی

- انتشار اطلاعات علمی جهت اقدامات به موقع توانبخشی و پیشگیری ثانویه

۴- برنامه های فرهنگی برای افراد عادی «شنا»

- شرکت در مراسم ویژه ناشنوایان جهت تغییر نگرش نوجوانان نسبت به ناشنوایی

- همکاری و مشارکت در برنامه های فرهنگی ویژه ناشنوایان جهت آگاهی به توانایی های آنان

ص: ۴۳۴

- مشارکت در اردوهای دسته جمعی

خط مشی: استراتژی های مورد نیاز در راستای اهداف اعلام شده

۱- استراتژی های اقتصادی

- بودجه و اعتبارات لازم جهت:

- حق التدریس مدرسین

- حق التدریس متخصصین

- حق التدریس مربیان هنری

- تهیه هدایا برای ناشنوایان در مراسم ویژه هفته جهانی و برگزیدگان برنامه های فرهنگی

- تهیه هدایا جهت تقدیر از همکاران داوطلب و افتخاری

- خرید تجهیزات

- خرید کاغذ و امور مربوط به چاپ

- موارد پیش بینی نشده

۲- استراتژی های اجرایی

- تهیه پوستر جهت ایام خاص «هفته جهانی ناشنوایان»

- تهیه بروشور

- مکان های مورد نیاز جهت تشکیل کلاس های آموزشی

- بهره مندی از سالن های آمفی تئاتر فرهنگسراها در راستای اهداف و برنامه های فرهنگی

- جذب نیروی انسانی متخصص

- تجهیزات لازم مانند: کامپیوتر، ویدئو، ضبط، فاکس

- ارائه خدمات فرهنگی تفریحی برای ناشنوایان

- همکاری تنگاتنگ بخش های مختلف مجموعه فرهنگی نوجوانان

- نیاز کارشناسی و بهره مندی از امکانات حوزه معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور



- رایزنی و همکاری با سازمان های دولتی و غیر دولتی همسو با اهداف این مجموعه

- بهره مندی از امکانات شهرداری جهت اطلاع رسانی و تبلیغات

- ارتباط و همکاری با مطبوعات و نشریات کثیرالانتشار

- رایزنی با وزارت ارشاد اسلامی جهت بهره مندی از امکانات بالقوه آن

۲- جلب مشارکت های مردمی

- کمک های مالی

- کمک های نیروی انسانی مورد نیاز اعم از متخصص و غیر متخصص

- بهره مندی از امکانات موجود در سازمان های دولتی و غیر دولتی به خصوص افراد خیر

۴- استراتژی های زمانی

الف - کوتاه مدت ب - میان مدت ج - دراز مدت

الف - برنامه های کوتاه مدت

- نمایش فیلم با رابط

ص: ۴۳۵

- داستان خوانی

- خاطره نویسی

- آموزش زبان اشاره

- تهیه پرشور

- برگزاری سمینار

- تهیه پوستر

- برگزاری مراسم روز جهانی

- برگزاری نمایشگاه از دستاوردهای ناشنوایان

- تشکیل اردوهای علمی، فرهنگی «۱ روزه»

ب: برنامه های میان مدت

- برنامه های آموزشی تخصصی

- تشکیل گروه سرود

- تئاتر

- هنرهای دستی

- تشکیل اردوهای علمی، فرهنگی «پیش از یک روز»

ج - برنامه های دراز مدت

- آموزش و تربیت رابط ناشنوایان جهت رفع نیاز جامعه ناشنوایان در اماکن عمومی، قضایی، بهداشتی

- آموزش کامپیوتر «تایپ، گرافیک، ...» در راستای ایجاد اشتغال پایدار

- چاپ و انتشار کتاب های فرهنگی ویژه ناشنوایان، جهت ارتقاء سطح آگاهی و توانبخشی نوجوانان ناشنوا

- رایزنی با تمام سازمان های دولتی و غیر دولتی برای حضور نوجوانان ناشنوا در تمام عرصه های علمی و فرهنگی

- بهره مندی از نیروهای طرح متخصص

۵- حق عضویت «با توجه به موارد ذیل قابل دریافت است»

- میزان حق عضویت به دلخواه و با توجه به شرایط اقتصادی خانواده «در موارد خاص رایگان»

- به صورت سالانه با توجه به بهره مندی از امکانات مجموعه

- کلاس های تخصصی به صورت ساعتی

- جهت تشویق نوجوانان ناشنوا بعضی از اقدامات رایگان

- به صورت مرحله ای با توجه به بهره مندی از امکانات مورد نیاز نوجوان ناشنوا

- افراد شنوا با توجه به شرایط آنان و میزان بهره مندی از امکانات

۶- محل کانون اندیشه های فردا

- حدالمقدور در مرکز شهر

- حدالمقدور ثابت و در غیر این صورت «یک سال ثابت» باشد.

ص: ۴۳۶

### توضیح

اسکاپ (کمیسیون اجتماعی، اقتصادی) آسیا و اقیانوسیه یک دهه (۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲م) را به عنوان دهه معلولین نام گذاری کرده و از همه جهانیان خواسته به امور معلولین اهتمام داشته باشند. فاطمه آقامحمد در مقاله ای به دیدگاه مثبت اسلام و دیدگاه مثبت فرهنگ ایرانی به معلولان، به توضیح وظایف مسئولین و مردم ایران در این دوره می پردازد.

مکتب متعالی اسلام به انسان ها در کلیه مراحل زندگی بذل توجه نموده است به خصوص به معلولین، در دین و آیین ما شاد نمودن و کاهش رنج آنان چنان پسندیده است که از شمار عبادات محسوب گردیده است.

در تعاریف سازمان بهداشت جهانی ناشنوایان و نیمه شنوایان از معلولین هستند که در ایجاد ارتباط و دسترسی به اطلاعات مورد لزوم به صورت عام دچار مشکل و نیازمند خدمات ویژه ای در این زمینه می باشند که سیما در بسط و گسترش اطلاع رسانی از اولویت خاصی برای ناشنوایان و نیمه شنوایان برخوردار است.

### وظیفه سیمای جمهوری اسلامی

امروزه چشم انداز توسعه در کشورهای در حال پیشرفت از جمله ایران حاکی از آن است که کمبودهای عمیق در زمینه تأمین نیاز اطلاع رسانی به موقع برای اقشار آسیب پذیر جامعه بالاخص ناشنوایان و نیمه شنوایان وضعیتی را ترسیم می نماید که تأمین این نیاز روز به روز و سال به سال ابعاد گسترده تری را پدید می آورد. ضمناً با توجه به اینکه جمعیت ما جمعیتی جوان است و نقصان در این امر، در آینده نه چندان دور مشکلاتی را برای خود معلول و خانواده و نهایتاً جامعه و مسئولین ایجاد می نماید.

بنابراین در جهت رفع مشکل و حمایت از ناشنوایان و نیمه شنوایان در مسیر توسعه کشور مسئولیت سیمای جمهوری اسلامی در امر اطلاع رسانی به موقع بسیار محسوس می باشد.

### دهه معلولان

با توجه به اینکه از طرف کمیسیون اجتماعی، اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (اسکاپ) از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ دهه معلولین نامگذاری شده است و مهمترین سیاستگذاری این دهه ارتقاء سطح آگاهی عمومی از طریق وسایل ارتباط جمعی می باشد.

در راستای آگاه سازی عمومی به منظور گنجاندن مسائل مربوط به معلولیت، ایجاد تساوی فرصت ها و نگرش مثبت نسبت به افراد دارای معلولیت گام های مؤثری بردارد. هدف از این

سیاستگذاری ایجاد جامعه ای است که معلولین در کنار دیگر اقشار جامعه تلفیق مناسب داشته و امکان زندگی شایسته و مستقل را به دست آورد.

برای دسترسی به هدف فوق هم جامعه و هم معلول نیازمند اطلاع رسانی به موقع در زمینه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می باشد.

روش های ارتقاء آگاهی

دستیابی به ارتقاء آگاهی جامعه حول محورهای زیر به سه طریق قابل اجرا است.

۱- افراد با معلولیت شنوایی از دیگر اعضاء جامعه جدا یا متفاوت نیستند. آنها همانند دیگر اعضای جامعه ما هستند و باید از امکانات موجود با قابل استفاده کردن بخشی از برنامه های سیما بهره مند گردند.

۲- افراد با معلولیت شنوایی به عنوان یک انسان از حقوق پایه انسانی برخوردار هستند و هیچ دلیلی وجود ندارد که این افراد به خاطر معلولیت مورد تبعیض و افکار تعصب آمیز قرار گیرند.

۳- افراد با معلولیت شنوایی واجد توانایی ها و قابلیت های فراوان هستند.

۴- مشکلات افراد با معلولیت شنوایی، مشکل همه افراد جامعه است

۵- کسب اطلاعات جدید علمی از محیط و تجهیزات طراحی شده مناسب و کاربرد اجباری از تجهیزات ایمنی شخصی که عوامل عمده کاهش معلولیت های ناشی از حوادث می باشد.

۶- بررسی مسائل روانی خانواده های دارای معلولیت:

الف: جهت پیشگیری از افزایش مشکل در خانواده

ب: آموزش برای آگاهی از اختلالات متعاقب کم شنوایی

ج: اهمیت هرچه سریع تر اقدام به توانبخشی مورد نیاز

اجرای برنامه

۱- تشکیل میزگرد تخصصی با مسئولین و کارشناسان با حضور معلول

۲- تهیه گزارش از معلولین ناشنوا و نیمه شنوا (کلیه معلولین)

۳- تهیه گزارش و جلسه پرسش و پاسخ از خانواده های آنان

ارتقاء معلولین ناشنوا و نیمه شنوا (معلولین)

۱- آگاهی از امکانات موجود علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی موجود در ایران

مراکز دولتی:

- سازمان بهزیستی کشور: توانبخشی، رفاهی، حمایتی

- سازمان آموزش کودکان استثنایی: آموزش ابتدایی، متوسطه

- وزارت فرهنگ و آموزش عالی: تسهیلات ویژه

ص: ۴۳۸

مراکز غیر دولتی:

- کانون ها و انجمن های معلولین

- نهادهای بین المللی

- خدمات توانبخشی و تجهیزات

۲- معرفی الگوهای نمونه با هدف خودباوری و ایجاد اعتماد به نفس در معلولین ناشنوا و نیمه شنوا (معلولین)

الف: دانشجویان

ب: ورزشکاران در سطح المپیک های جهانی، در ایران

ج: هنرمندان «صنایع دستی، عکاس، غیره»

د: مبتکران

۳- دسترسی به جدیدترین نوآوری ها در کشورهای منطقه اسکاپ (آسیا و اقیانوسیه) و سایر کشورها

الف: علمی

ب: اجتماعی

ج: اقتصادی

د: رفاهی

۴- بررسی نیازها و مشکلات اقشار مختلف جامعه ناشنوایان اعم از کودکان، جوانان، بزرگسالان

الف: توانبخشی

ب: تحصیلی

ج: اشتغال

د: ازدواج

۵- و غیره

شیوه های فرهنگ سازی

الف: تهیه گزارش

ب: مصاحبه

- مسئولین

- ناشنوایان و نیمه شنوایان

باید متذکر شوم مجری یا گزارشگر برنامه فوق «شنوا و مسلّط به چگونگی ارتباط با ناشنوایان» رابط ناشنوایان باشد که برنامه تهیه شده قابل استفاده برای کل جامعه و معلولین عزیز ناشنوا و نیمه شنوا باشد.

ص: ۴۳۹



به منظور فرهنگ سازی و ارضا و اغنای اقشار مختلف مردم و به ویژه معلولین، لازم است از فرهنگ اسلامی و از متون اصیل اسلامی مثل قرآن و روایات استفاده شود. سیما و برنامه های سیما یک ابزار اطلاع رسانی است و مثل یک ظرف است که مظهر و محتوا می خواهد. کارشناسان می توانند آیات و روایات را مطالعه و موارد مرتبط به موضوع را به دست آورند و در اختیار کارشناسان قرار گیرد.

آیات و روایات: بدیهی است جامعه اسلامی ما همواره توجهی خاص به افراد معلول داشته است و این امر نشأت گرفته از مکتب متعالی و انسان ساز اسلام است و در کتاب آسمانی ما قرآن مجید و همچنین در فرمایشات پیامبر اسلام و حضرت علی علیه السلام و سایر ائمه اطهار همواره تأکید صریح بر حمایت از محرومین و معلولین و افراد نیازمند به حمایت داشته است.

امام جعفر صادق در مورد یاری کردن به ناشنوایان در خصوص فهماندن کلام به آنها چنین می فرماید:

إسماع الاصم من غیر تضجر صدقه هنیئه (معلولیت از دیدگاه معصومین(ع)، عباس خاک، نشر خاکیان، چاپ اول، ۱۳۸۹)

شنوندن سخن به افراد ناشنوا بدون ملال و دلتنگی «صدقه» گوارایی است.

و در قرآن کریم به کرات گوش مقدم بر چشم و قلب آورده شده است از بالاترین نعمات خداوندی است که به بشر ارزانی داشته و شکر آن را واجب می داند.

در سوره النحل آیه ۷۸؛ الاسراء - ۳۶؛ المؤمنون - ۷۸؛ السجده - ۹؛ انعام - ۴۶

ناشنوایان در فرهنگ ملی: در ادبیات فارسی نشنیدن و ناشنوایی در مفهوم پند و اندرز بسیار مورد استفاده قرار گرفته است اما صائب تبریزی بزرگترین غزل سرای قرن یازدهم هجری و یکی از نامدارترین شاعران تاریخ ادبیات فارسی در خصوص ناشنوایان اشعاری دارد که به چند بیت آن غنیمت می کنیم.

ده در شود گشاده، شود بسته چون دری

انگشت ترجمان زبان است لال را

امید من به خاموشی، یکی ده گشت تا دیدم

که سامان می دهد دست از اشارت، کار لالان را

داستان سخن مولانا جلال الدین محمد مولوی چنان اهمیت به شنیدن می دهد که می فرماید

آدمی فربه شود از راه گوش

و جبار باغچه بان نیز در مورد ناشنوایان به خصوص کودکان نیز بسیار شعر سروده است.

همچنین آقای غلامعلی رعدی آذرخشی چنین سروده است:

به نگه باز نما هر چه در اندیشه توست

چو زبان نگهت هست به زیر فرمان

ای که از گوش و زبان ناشنوا بودی و گنگ

زندگی نو کن و بستان ز گذشته تاوان

با نگه بشنو و برخوان و بسنج و بشناس

سخن و نامه و داد و ستم و سود و زیان

ص: ۴۴۰

این مقاله به قلم خانم فاطمه آقامحمد است و در اصل سخنرانی او برای مربیان زبان اشاره بوده است.

سلام به همه سروران محترم به خصوص مربیان پر تلاش و ایثارگر مراکز توانبخشی خانواده و کودک ناشنوا. بدون مقدمه عرض می‌کنم قرار بر این است که در مورد اهمیت زبان اشاره در ایجاد ارتباط و فراگیری زبان با شما صحبت کنم. البته مطالبی را که بنده خدمتان عرض می‌کنم حتماً اکثر شما عزیزان به آن واقف هستید. اما برای اینکه به یک جمع بندی برسیم. مطالبی را به صورت مختصر و کلی عرض می‌کنم.

ضرورت ارتباط در جانداران

می‌دانیم که همه جانوران به نحوی نیازمند ایجاد ارتباط با جانوران هم نوع خود هستند. و هر کدام راهی را برای این امر انتخاب کرده اند. مثلاً وقتی یک حیوانی با آغشته کردن تنه و شاخه درختان به ماده مترشحه گوشه چشمش قلمرو خودش را مشخص می‌کند و بدین طریق این اطلاعات را به حریف می‌دهد که او نباید وارد قلمروش بشود پس بدین وسیله پیام خودش را منتقل می‌کند تا اینکه می‌رسد به انسان که حیوانی ناطق است او نیز با بهره گرفتن از سیستم شنوایی به وسیله گفتار اطلاعات خودش را منتقل می‌کند و این ارتباط از همان بدو تولد به دلیل داشتن نعمت شنوایی به خودی خود انجام می‌گردد.

ارتباط ناشنویان

اما در مورد کودکانی که دچار نقص شنوایی هستند می‌بینیم آنها نیز کمبود شنوایی خود را با بهتر دیدن جبران می‌کنند و خداوند متعال این توانایی را در اختیار آنان قرار داده است.

و آنها نیز با بهره گرفتن از این توانایی کمبود شنوایی خود را جبران می‌کنند اما دیگر این امر خود به خود صورت نمی‌گیرد بلکه نیازمند آموزش است هم او و هم خانواده اش چرا که باید بگوییم اکثر کودکان ناشنوا از پدر و مادر شنوا به دنیا می‌آیند.

مسئله دیگر که بسیار پر اهمیت است پژوهشگران بدین نتیجه رسیده اند که بهترین زمان یادگیری زبان از بدو تولد تا ۴ سالگی است و دوره طلایی زبان آموزی است. متأسفانه برای یک کودک ناشنوا این زمان محدودتر می‌باشد به دلایل مختلف که یک مورد خیلی ساده آن پی بردن مادر یا پدر به نقص شنوایی کودک خود می‌باشد. چنانچه این کودک فرزند اول خانواده باشد برای اینکه الگویی وجود ندارد که عکس العمل‌های این کودک را با او در مقابل وجود صدا مقایسه کنند فقط مادر شکایت از ناآرامی‌های بی‌جای او دارد و گاهی به صورت گذرا اعتقاد دارد که نسبت به صداهای ناگهانی بی‌توجه است و این مسائل وقتی به صورت یک مجموعه مطرح می‌شود او تصمیم می‌گیرد تا به دنبال مشکل

بگردد. و نهایتاً با بررسی های مختلف و مراجعه به مراکز ذیصلاح متوجه مشکل شنوایی فرزندش خواهد شد و بالاخره به ما می رسد در اینجاست که مسئولیت بزرگی به عهده ماست چرا که پیشنهاد یک راه صحیح، راهی که بدون مشقت و بدون آن که استرس و فشار روانی را برای کودک و خانواده او بیشتر نکند راهی که برای بهره جستن از آن به زبان کوتاه تری نیازمند باشد. راهی که وقتی خانواده از آن استفاده کرد رفته رفته نتیجه مطلوب را از آن دریافت کند و این امر باعث دلگرمی و آرامش و ایجاد رضایت و تشویق آنها برای ادامه کار گردد.

اینجاست که تجربیات کشورهای دیگری که در این امر پیش قدم تر از ما و موفق تر بوده اند. برای ما ارزشمند و می تواند سرلوحه کار ما قرار بگیرد.

فدراسیون جهانی ناشنویان و زبان اشاره

البته در حال حاضر فدراسیون جهانی ناشنویان که توسط خود ناشنویان اداره می شود و مرکزی پر اهمیت و بسیار فعال است که همه ساله در یکی از کشورهای عضو کنگره برگزار می کند. و نیازهای ناشنویان را در تمام زمینه ها و از همه مهم تر چگونگی راه ایجاد ارتباط این عزیزان را در جهان تسهیل و حمایت می کند.

آنها عقیده دارند زبان اشاره برای ناشنویان از جایگاه ویژه و اهمیت خاصی جهت ایجاد ارتباط برخوردار است. زیرا که زبان اشاره زبان مادری هر ناشنوایی است و باید به عنوان فرهنگ جامعه ناشنوا پذیرفته شود و جامعه ناشنوا به عنوان اقلیت زبانی از سوی جامعه شنوا شناخته شود.

توسط همین فدراسیون در بیانیه سالانکا که از اسناد مهم در سازمان ملل متحد در رابطه با معلولین است در سال ۱۹۹۴ قانونی را تصویب نمود که عین آن را برایتان می خوانم.

«قوانین آموزشی باید تفاوت ها و موقعیت های فردی را در نظر بگیرند. اهمیت استفاده از زبان اشاره به عنوان وسیله ارتباطی برای ناشنویان باید مورد توجه قرار گیرد. باید مطمئن بود که تمامی ناشنویان امکان دستیابی به آموزش زبان اشاره ملی خود را دارند».

یونسکو و زبان اشاره

همچنین زبان اشاره از طرف یونسکو در سازمان ملل متحد به عنوان زبان اول کودکان ناشنوا پذیرفته شده است چرا که آنها اعتقاد دارند کودک ناشنوا نیز باید از ابتدای تولد در معرض کلمات قرار بگیرند با توجه به اینکه این کودکان از حس بینایی قوی تری بهره می برند پس اطرافیان او باید سعی کنند زبان اشاره را بیاموزند و در مقابل کودک ناشنوا از آنها استفاده نمایند. البته این مسئله در خانواده هایی که پدر و مادر ناشنوا دارند به خودی خود وجود دارد و کودک ناشنوایی که در چنین خانواده هایی به دنیا می آیند با مشکل کمتری روبه رو هستند و اعتماد به نفس بیشتری در آنها دیده می شود چرا که او نیز مانند کودک شنوا از همان ابتدای تولدش در معرض آموزش قرار می گیرد. چنین کودکی به راحتی احساساتش را بیان خواهد کرد. می تواند سؤال نماید. و پاسخ سؤالش را دریافت کند و روز به روز به خزانه لغاتش افزوده می شود. در اینجاست که احساس امنیت می کند. پرخاشگری در او از بین می رود.

ص: ۴۴۲

این مقاله به قلم خانم فاطمه آقامحمد تألیف شده است. تاریخ تألیف آن و نیز هدف از نوشتن آن معلوم نیست؛ جایی چاپ و منتشر نشده است. گویا به منظور قرائت در برنامه سیما یا به منظور سخنرانی در مراسم و نشست ویژه ناشنوایان تدوین شده است. محتوای آن درباره تعریف ناشنوا و ناشنوایی از منظره های مختلف است. مقاله دست نویس بوده و پس از بازنویسی به شکل حاضر قابل ارائه شده است.

در کشت زار زندگی همه فرزندان انسان یک دست و یکسان نیستند و گاهی فرزندان به بار می آیند که به علت یا عللی گرفتار نقص یا نقایصی هستند که آنان را از دیگر مردم متفاوت می سازد از جمله این افراد می توان کسانی را که دچار نقص شنوایی می باشند را نام برد.

### ناشنوایی و ارتباطات اجتماعی

برای ما که از نعمت شنوایی بهره مند هستیم و هر لحظه اراده کنیم مقاصد و امیال خود را در قالب کلمات و جملات به دیگران می گوئیم. اندیشه اینکه شنوایی و زبان چه نقش مهمی در زندگی افراد دارد بدون شک میسر نیست، ولی اگر نظریه دانشمندان را درباره رابطه میان زبان و اندیشه بپذیریم و اهمیت زبان را در امور اجتماعی بررسی کنیم به این حقیقت بیشتر پی خواهیم برد که گروه ناشنوا به سبب محرومیت از حس شنوایی در بعضی موارد قادر به تکلم نیز نمی باشند.

حس شنوایی و زبان دو عامل مهم یادگیری محسوب می گردند و فقدان آنها کوشش شخص را در امر یادگیری پیش از حد تصور مشکل می سازد و از طرفی زبان یکی از عوامل مهم متحد ساختن گروه های اجتماعی است و آن که از این وسیله اتحاد به دلیل نشیندن محروم است به ناچار باید بار سنگینی زندگی را پیش از دیگران در تنهایی به دوش کشد و سختی و محرومیت را حس کند.

### طبقه بندی ناشنوایان

در ایران تقسیم بندی معلولیت ناشنوایی بیشتر به این ترتیب می باشد:

۱- ناشنوای خفیف از ۴۰ - ۲۰ دسی بل آستانه شنوایی فرکانس های تکمیلی در گوش بهتر

۲- ناشنوای متوسط یا نیمه شنوا از ۶۰-۴۰ دسی بل

۳- ناشنوای شدید ۸۰-۶۰ دسی بل

۴- ناشنوای عمیق ۹۵-۸۰ دسی بل

که از ۹۵ دسی بل به بالا را ناشنوای مطلق می نامند.

سالنامه آماری کشور ایران، آمار کر و لال ها را در سال ۱۳۶۵، ۰۳۲/۴۹ نفر و آمار کرها را ۴۱۱/۳۱ نفر و جمع هر دو را ۴۴۳/۸۰ نفر اعلام کرده است.

#### تعلیم و تربیت

در جهان در قرون وسطی عقیده مردم بر این بود که سخن گفتن امری غریزی است نه اکتسابی و معتقد بودند که نمی توان آن را از راه تقلید آموخت.

اما با گذشت زمان و آگاهی بیشتر مردم از علل ناشنوایی به تدریج تفکرات ناصحیح جای خود را به تفکرات علمی داد و قدم هایی به منظور تعلیم و هدایت آنان برداشته شد یعنی از قرن هفتم تا سیزدهم میلادی اگر چه اشخاصی به این امر توجه کردند ولی موفقیت چندان قابل ملاحظه ای به دست نیاوردند با این وصف شکی نیست که آن کوشش ها خود پایه و اساس روش های ارزنده ای برای تعلیم کودکان ناشنوا گردد.

کاردانو پزشک معروف قرن ۱۶ میلادی اقدام به پیدا کردن الفبای مخصوص برای تعلیم ناشنوایان نمود.

او متد اشاره را توأم با تکلم به شاگردان خود عرضه داشت در حالی که در قرون ۱۵ و ۱۶ میلادی بسیاری از کشورهای اروپایی تازه شروع به اقداماتی در زمینه باسواد کردن ناشنوایان نموده بودند اسپانیا قدم های اولیه را در این راه برداشته و یکی از پرچم داران تعلیم و تربیت ناشنوایان به شمار می رفت.

جان کامنسکی یکی از بنیان گذاران مکتب جدیدی که عرضه داشت تأکید نمود که قبل از تدریس و یاد دادن نام شیئی باید خود آن را به کودک ناشنوا نشان داد. روش وی که همان متد سمعی و بصری امروز می باشد سال ها به نام روش جدید مورد استفاده قرار داشت و امروزه نیز با تغییراتی از روش های مهم تربیتی به شمار می رود.

در قرن ۱۸ میلادی بود که آگاهی مردم از مشکلات و نقایصی که در تعلیم و تربیت ناشنوایان وجود داشت تدریس مخصوص کودکان ثروتمند بود و در صورتی که ناشنوایانی از مال و مکنت بهره ای نداشتند همچنان زندگی تنها و سختی را می گذراندند. که این قرن آغاز تاریخ حقیقی در تعلیم و تربیت ناشنوایان به شمار می رود زیرا مدرسی برای این گروه ایجاد شد که آلمان، انگلستان و فرانسه را می توان نام برد.

#### آموزش و توان بخشی ناشنوایان در ایران

پس شخص ناشنوا به دلیل نشنیدن و قادر نبودن به ایجاد ارتباط کامل به وسیله بیان کردن و تفکراتش دچار مشکلات فراوانی است زیرا دانشمندان عقیده دارند که فکر صحیح ناشی از طرز تکلم صحیح می باشد. که ان شاءالله در کشور ما که در پناه اسلام قدم برمی دارد بتوانیم با شناخت به نیازهای ناشنوایان با پیشرفت هایی که در زمینه های مختلف در خصوص این عزیزان داشته است بتوان قدمی در راه هرچه توانمند کردن آنها برداریم در کشور ما ایران می توان گفت ناشنوایان اولین

گروه از معلولان می باشند که به جامعه معرفی شده و اولین مسئله به چگونگی آموزش برای این گروه مدنظر قرار گرفته است که آموزش آنها برمی گردد به سال ۱۳۰۳ که شمسی مصادف با ۱۹۲۴ میلادی توسط آقای جبار باغچه بان که در تبریز و در منزل کوچک خود ایشان آغاز گردیده است.

بنابراین وقتی ناشنوایان قادر به آموختن شدند توانایی ها آنها برای جامعه مشخص گردید و رفته رفته آموزش منسجمی به خود گرفت و مدارسی جهت آموزش آنها ایجاد گردید.

پس از این مراحل بود که ناشنوا را جامعه بهتر شناخت و به نیازهای مختلف او پی برد که در سال ۱۳۵۰ سازمان ملی رفاه ناشنوایان در ایران تأسیس که هدف او در جهت انجام امور رفاهی و کارایی ناشنوایان بود سپس با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی سازمان بهزیستی کشور ایجاد گردید که از این تاریخ به بعد امکانات توانبخشی به وجود آمد.

تعریف ناشنوایی

قبلاً در دو گروه کر، یا کر و لال تعریف می شد که در حال حاضر تقسیم بندی دقیق تری را طلب می کند.

ناشنوا: واژه ناشنوا یا کر به کسی اطلاق می شود که به هنگام تولد یا پیش از فراگیری زبان مادری دچار اختلال شنوایی شده باشد و این اختلال به حدی باشد که نتواند زبان راحتی با استفاده از گوشی مستقیماً از محیط بیاموزد.

نیمه شنوا: به کسی گفته می شود که ناتوانی او در شنیدن به حدی باشد که بتواند زبان را با استفاده از گوشی و راهنمایی های لازم از محیط بیاموزد.

اما کمیته اجرایی کنفرانس مدیران آموزشی ناشنوایی را چنین تعریف نموده است.

ناشنوا: کسی است که اختلال شنوایش از روند پردازش موفقیت آمیز اطلاعات کلامی که از طریق شنیدن به دست می آید چه با سمعک و چه بدون سمعک جلوگیری کند.

کم شنوا: به کسی اطلاق می شود که به طور کلی با بهره گیری از وسایل کمک شنوایی بتواند از باقیمانده شنوایی خود برای پردازش و فرایندسازی اطلاعاتی که از طریق شنیدن به دست می آورد استفاده کند.

بنابر تقسیم بندی که از طرف WHO «سازمان جهانی بهداشت» صورت گرفته است بدین ترتیب می باشد.

۱- ناشنوایی خفیف

۲- ناشنوایی متوسط

۳- ناشنوایی شدید

۴- ناشنوایی عمیق

امروزه ما می دانیم که مهم ترین مشکل ناشنوایان عدم ایجاد ارتباط ابتدا با اعضاء خانواده و در شکل وسیع تر آن با جامعه می باشد بنابراین اولین قدم به موقع شناختی آنها و در اختیار قرار دادن امکانات موجود می باشد اگرچه در بعضی مواقع مثلاً بیماری های ساده ای که می تواند با درمان به موقع بهبودی حاصل شود و از ایجاد ناشنوایی جلوگیری گردد یا با تزریق واکسن به موقع نیز از





ناشنوایی جلوگیری شود پس در این معلولیت پیشگیری جای ویژه ای را به خود اختصاص داده است در ضمن باید این مسئله را نیز مدنظر داشت که جامعه ما بسیار جوان است و به مرور زمان در آینده این افراد به سن بالا می رسند و اختلالات شنوایی نیز همانند مشکلات دیگری که با سن انسان نسبت مستقیم دارد دور از انتظار نیست.

پس بنابراین باید به مسائل مختلف از جمله:

- خدمات پزشکی مناسب

- سنجش شنوایی افراد در صورت داشتن مشکل شنوایی دادن سمعکی مناسب، با میزان شنوایی فرد

- بلافاصله دادن آموزش های مناسب

در خصوص جوانان ناشنوا با توجه به مسائل مختلفی که هر سن را در برمی گیرد در مورد جوانان می بینیم اگرچه به دوره بلوغ جسمی رسیده است اما از نظر بلوغ اجتماعی نسبت به دیگر هم سن و سال خود بسیار عقب تر می باشد.

بنابراین نیازمند آموختن حرفه و اشتغال سپس مسکن و ازدواج می باشد و چنانچه جهت مشکل او اقدامی نشود روز به روز مسئله حادثتر خواهد شد.

پس بنابراین در مواقع ای که ناشنوایی ایجاد می شود غیر از مشکل نشنیدن مشکلات اجتماعی و اقتصادی را به همراه می آورد.

ص: ۴۴۶

توضیح

مترجمان شامل رابطان زبان اشاره هم هست و در این همایش خانم فاطمه آقامحمد(۱) دعوت شده بودند. به دلیل خدمات سی ساله خانم آقامحمد در زمینه ترجمه و برگردان مقاصد ناشنویان به مردم و توسعه زبان اشاره در سیمای جمهوری اسلامی ایران با اهداء لوح تقدیر از زحمات ایشان تقدیر و تشکر گردید. همچنین خانم آقامحمد به درخواست ریاست سخنرانی کرد. در این سخنرانی تجارب و یافته های خود در چند دهه را بیان نمود.

دفتر فرهنگ معلولین از ایشان درخواست کرد متن سخنرانی اش را به این دفتر بدهد تا با بارگذاری در سایت دفتر فرهنگ معلولین، دسترسی عمومی را آسان نماید. اکنون توجه شما را به این متن جلب می کنیم. در ضمن از همکاری صمیمانه خانم آقامحمد با این دفتر تشکر می نمایم.

متن سخنرانی

ابتدا از جناب آقای اربابی رئیس صنفی مترجمان و همه دست اندرکاران برگزاری چهارمین جشنواره مترجمین تشکر و قدردانی می کنم که به درستی مترجمین یا رابطین ناشنوا را به عنوان گروهی که کمتر دیده شده اند برگزیدند. و من به نمایندگی از جامعه هدف که ناشنویان عزیز هستند امروز در این جشنواره شرکت دارم به شما عزیزان می گویم ما مظلوم واقع شدیم چرا که ناشنویان در جامعه ما مظلوم هستند از آنجا که آنها معلولیتشان مخفی است و تا کسی به طور مستقیم با آنها در ارتباط نباشد متوجه معلولیت آنها نمی شود. شما عزیزان به خوبی می دانید ارتباط کلامی، فهمیدن و فهماندن زبان کلید اصلی حضور در جامعه عامل مهم رشد و بالندگی برای هر فردی است حالا یک ناشنوا برای رسیدن به این هدف به زبان جامعه ای که در آن زندگی می کند باید مسلط شود تا بتواند در زندگی اجتماعی، فرهنگی آموزشی، اقتصادی، سیاسی و غیره... رشد کند و به استقلال فردی برسد. از توضیحات بیشتر پرهیز می کنم و روی پایه اصلی ارتباط که همانا زبان اشاره است. تکیه می کنم. امروزه ثابت شده زبان اشاره اهمیت خاصی در آموزش زبان ارتباطی برای ناشنویان دارد که به لطف خدا و دلسوزان وقت در سال ۱۳۵۲ در سازمان رفاه ناشنویان توسط گروه زبان اشاره جمع آوری لغاتی که به طور طبیعی در جامعه ناشنوا وجود داشت و همچنین تحقیق و بررسی و تدوین و تألیف لغات جدید آغاز گردید. با تمام مشکلات و چالش های روبروی خود به پیش رفت تا موفق به چاپ چهار جلد کتاب لغات زبان اشاره شد. اما در طول این سال ها سلیقه های مختلف، نظرات متفاوت، منیت های خودخواهانه همیشه جلوی سرعت کار را می گرفت. اما ما که این کار را آغاز کرده بودیم چون به اهمیت آن واقف بودیم. هرگز دست از تلاش و توسعه آن نکشیدیم. سعی کردیم صدا و سیما را که در همه جای دنیا مسئولیت اطلاع رسانی و آگاهی و سرگرمی کل جامعه را به عهده دارد

ص: ۴۴۷

۱- . فاطمه آقا محمد متولد ۱۳۳۳ در تهران است، از سال ۱۳۵۷ در مدرسه ناشنویان باغچه بان در تهران مشغول به کار شد، سپس در بهزیستی کارشناس ناشنویان بود و بعد در تلویزیون اخبار ناشنویان را برعهده داشت.

متوجه حق و نیاز قشر ناشنوا کنیم. طبق گفته شما کسانی که کمتر دیده شوند البته من می گویم کسانی که اصلاً دیده نشدند. خدا می داند چه جلساتی با مسئولین محترم وقت در سیما گذاشتیم با لطف خدا و دلسرد نشدن و موافقت برخی از مدیران دلسوز توانستیم بخشی از برنامه های سیما را با مترجم یا رابط همزمان برای ناشنویان قابل استفاده نماییم. پس از سه دهه از گذشت ترجمه بعضی از بخش های برنامه های سیما شما عزیزان خود گواهیید که هنوز در سیما در برخورد با برنامه های ناشنویان سلیقه ای عمل می شود بعضی از مدیران محترم برنامه ناشنویان را غیر ضروری می دانند. پخش آن را حذف می کنند. در حال حاضر فقط چند بخش خبر با مترجمین زبان اشاره یا رابط قابل استفاده می باشد؛ که امیدوارم همین حداقل هم روز به روز تحلیل نرود. در صورتی که این برنامه ها بسیار پراهمیت و با ارزش است. با پخش برنامه های سیما به چند هدف می رسیم یکی از آنها همین که من اینجا در حضور شما عزیزان هستم اگر برنامه های سیما نبود کسی متوجه مترجمین ناشنویان نمی شد. جامعه با فرهنگ ناشنوا آشنا نمی شد. امروزه دیگر کسی نیست که متوجه نشده باشد ناشنوا تفاوتی با دیگران ندارد فقط زبانش متفاوت است. در ضمن با برنامه های سیما خود ناشنویان از وقایع ایران و جهان آگاه می شوند. اعتماد به نفس پیدا می کنند. لغات جدید را می آموزند و در سراسر ایران زبانشن یکسان سازی می شود. پس با برنامه های سیما امر توانبخشی برای جامعه ناشنوا انجام می شود. اما متأسفانه بعضی وقت ها مورد بی توجهی برخی مسئولین و از همه بدتر مورد حمله بعضی از ناشنویان خودخواه قرار می گیرد. از طرفی این تنها مشکل ما نیست. سازمان های متولی آموزش و توانبخشی ناشنویان اعم از مراکز دولتی و غیردولتی در امر آموزش زبان اشاره و تربیت مترجمین یا رابطین ناشنویان اقدامی که نکرده اند حمایت و پشتیبانی هم نمی کنند به همین دلیل کمتر کسی پا به جرگه آموزش و یادگیری زبان اشاره می گذارد. در حال حاضر نزدیک به نیم قرن از تهیه و تدوین و تألیف کتاب های لغات زبان اشاره می گذرد و ما هنوز به تعداد انگشتان دست خود متخصص یا مترجم زبان اشاره نداریم در صورتی که روز به روز نیاز به این نیروی متخصص در سیما، دانشگاه ها، دادگاه ها، غیره و غیره بیشتر و بیشتر می شود. روی سخنم با ناشنویان و خانواده های آنهاست. برای پیش برد این امر حیاتی باید از متولیان خود بخواهید. اگر من مترجم بگویم. سوء تفاهم می شود. شما باید بخواهید تلاش کنید. پیگیری کنید مطمئناً موفق می شوید. کسانی که مسئولیت دارند چه مراکز دولتی و چه غیردولتی باید آموزش نیروی تخصصی را به طور جدی دنبال کنند تا مشکل کمبود رابط حل شود. حالا روی سخنم با بعضی ناشنویان است کاری که چندین سال است با زحمت فراوان آغاز شده خرابش نکنید.

جامعه ناشنویان ما نیازهای زیادی دارند و لازم است توان خود را برای کارهایی که انجام نشده صرف کنند. به امید آن روزی که در کشور ما هم مانند ژاپن که در منطقه آسیاست برای هر امر ناشنویان مترجم یا رابط داشته باشیم. مجدداً از همه برگزارکنندگان جشنواره مترجمین قدردانی و تشکر می کنم.



خانم فاطمه آقامحمد افزون بر چهل سال با گام نهادن در حوزه هایی که اغلب مسبوق به سابقه نبود و چون اولین بار بود که عملی شد نیاز به تدبیر و درایت ویژه داشت. آقامحمد با ویژگی اخلاقی که دارد و با دقت و حوصله به انجام امور می پردازد، توانست در بسیاری از حوزه ها به موفقیت برسد و نظر مسئولین و مردم را جذب کند.

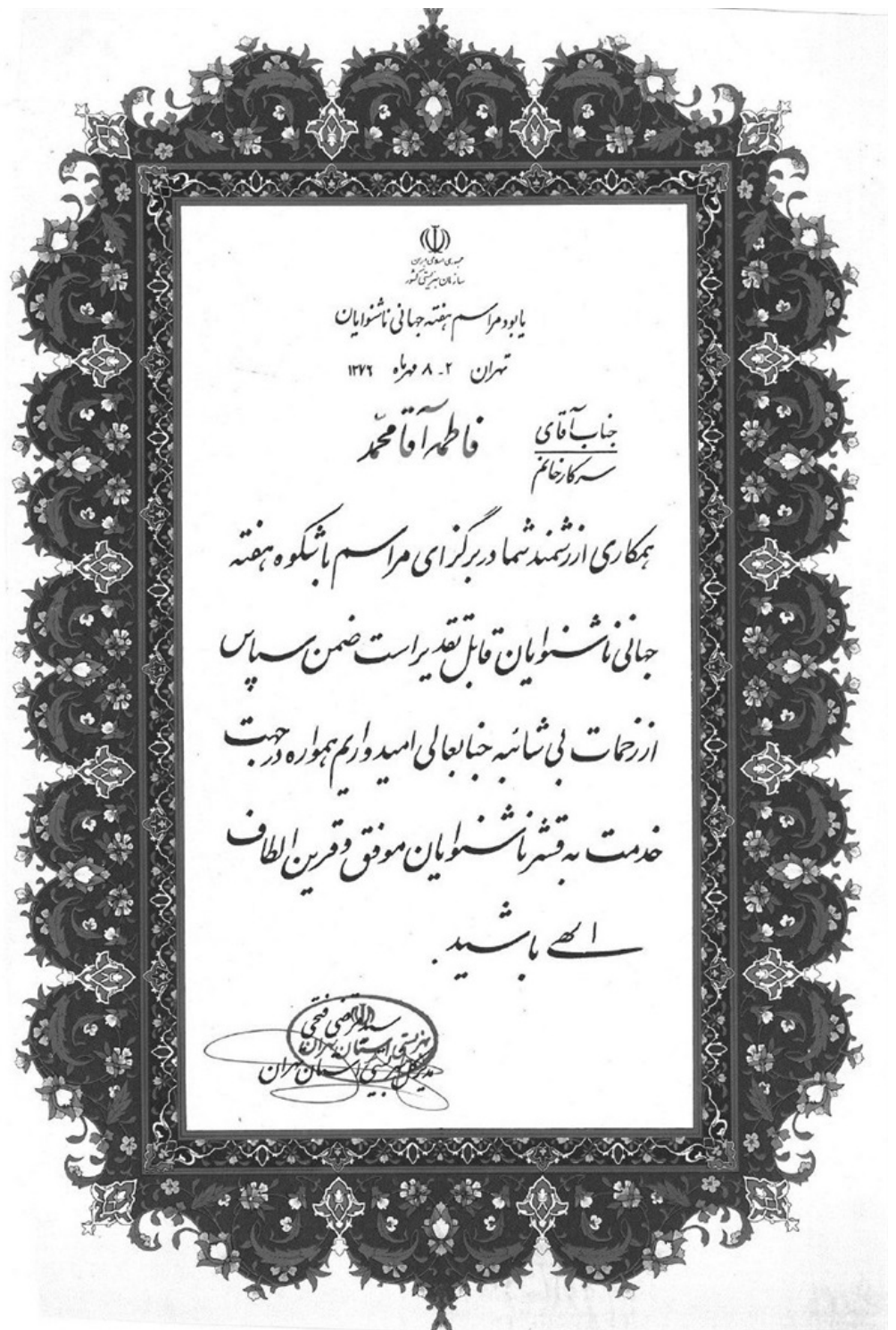
خدمات و فعالیت های خانم آقامحمد در حوزه های مختلف بوده و تقدیرنامه های متعدد به ایشان اعطاء شده است. اکنون اهم آنها را معرفی می کنیم. لازم به ذکر است فقط تقدیرنامه هایی را آورده ایم که از کار و فعالیت مشخص تشکر شده ولی مواردی که کلی یا به مناسبت مثلاً عید نوروز و امثال اینها است را نیاورده ایم.

ص: ۴۵۰

تلاش برای مراسم هفته جهانی ناشنوایان

اداره بهزیستی استان تهران به مناسبت هفته ناشنوایان در ۲ تا ۸ مهرماه ۱۳۷۲ مراسمی در سطح تهران برگزار کرد. فاطمه آقامحمد و چند تن دیگر مسئولیت این مراسم را بر عهده داشتند. سید مرتضی فتحی مدیر کل بهزیستی استان تهران از ایشان در تقدیرنامه زیر تشکر کرده است.

تصویر



معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشوری محمد کمالی تلاش های خانم آقامحمد را شایسته تقدیر دانسته است:

تصویر



معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور، آقای محمد کمالی از تلاش های بی دریغ ایشان در برگزاری هفته جهانی ناشنوایان تشکر کرده است:

تصویر





رئیس سازمان بهزیستی کشور محمدرضا راه چمنی از همکاری آقامحمد در برگزاری مراسم باشکوه هفته جهانی ناشنوایان تقدیر نموده است.

تصویر



همکاری با گردهمایی مسئولین کانون های ناشنوایان

مسئولان کانون های ناشنوایان سراسر کشور در ۲۳ و ۲۴ خردادماه ۱۳۷۷ در زاهدان تجمع نمودند و گردهمایی و هم اندیشی داشتند. خانم آقامحمد هم به عنوان کارشناس امور ناشنوایان از طرف سازمان بهزیستی کشور حضور داشت.

کانون ناشنوایان سیستان و بلوچستان و کانون ناشنوایان ایران تقدیرنامه زیر را به ایشان اعطا کردند.

تصویر



حضور در همایش سراسری مسئولین کانون های ناشنوایی

حسین نحوی نژاد معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی و بهروز مبشری رئیس کانون ناشنوایان ایران و عبدالرضا رحیمی صوفی رئیس کانون ناشنوایان شرق گیلان در تقدیرنامه زیر از خانم آقامحمد جهت حضور در سومین همایش سراسری مسئولان کانون ها و انجمن های ناشنوایان کشور که در ۱۴ - ۱۵ تیرماه ۱۳۷۹ در لاهیجان برپا گردید، قدردانی نموده اند. ایشان به عنوان کارشناس امور ناشنوایان سازمان بهزیستی کشور در این همایش حضور داشت.

تصویر



بِسْمِ تَعَالَى

## هفته زن و روز مادر مبارک باد

همکار گرامی سرکار خانم ... فاطمه ابا محمد ...

میلاذ شکوهمند بانوی بزرگ اسلام، الگوی زنان جهان،

گل یاس محمدی، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

و روز مادر بر شما مبارک باد.

باشد که در همیشه تاریخ پیرو آن کوثر عظیم الشان باشیم.

علی اصغر پور محمدی

مدیر شبکه تهران

دربار

بسمه تعالی

سازمان بیزیستی کشور  
حوزه معاونت توانبخشی

سرکار خانم آفا محمد

خجسته میلاد با سعادت بزرگ بانوی  
اسلام حضرت فاطمه زهرا (س) دخت گرامی  
نبی اکرم محمد مصطفی (ص) و روز زن را از  
صمیم قلب تبریک و تهنیت عرض نموده و  
امید آن دارم که همواره تحت توجهات و  
تعالیم عالیه آن وجود گرامی در کلیه مراحل  
زندگی موفق و مؤید باشید.

دکتر محبتی فتحعلی

مدیرکل دفتر امور بر نامه های توانبخشی

### بسمه تعالی

#### سرکار خانم فاطمه آقامحمد

همه ساله دوازدهم آذرماه "روز جهانی معلولین" فرصتی است که کرامت وجود معلولین را در جامعه مورد تأکید قرار داده و زمینه‌های حضور فعال آنان را در جامعه فراهم نمائیم. تا «**آرمان برقراری فرصتهای برابر برای معلولین تحقق یابد.**»

تلاشهای صمیمانه شما که از تبار نیک‌اندیشان هستید، در برگزاری مراسم گرامیداشت چنین روزی به نهایت پرثمر بود و در یادها خواهد ماند. با تقدیر و سپاس، خدماتتان را ارج نهاده و تأییدات الهی را برای شما مسئلت دارد.

۶۳  
 دکتر منعمه قلمالی  
 معاون امور توانبخشی

بِسْمِ تَعَالَى

ہمسکار کرامی  
سرکار خانم فاطمہ آقا محمد

میلاد بابرکت اسوہ و الگوی زنان عالم، بزرگترین بانو جهان  
مظلومہ قہسبان، منظمہ پاکئی و کھلیبانی، پرچمدار ولایت سبز علوی

حضرت فاطمہ زہرا سلام اللہ علیہا  
و روز مادر بر شما مبارک باد.

باشد تا ہمسارہ در آن راہ نورانی گام برداریم.

باسپاس فراوان  
علی اصغر پور محمد  
مدیر شبکه تھران



بِسْمِ تَعَالَى

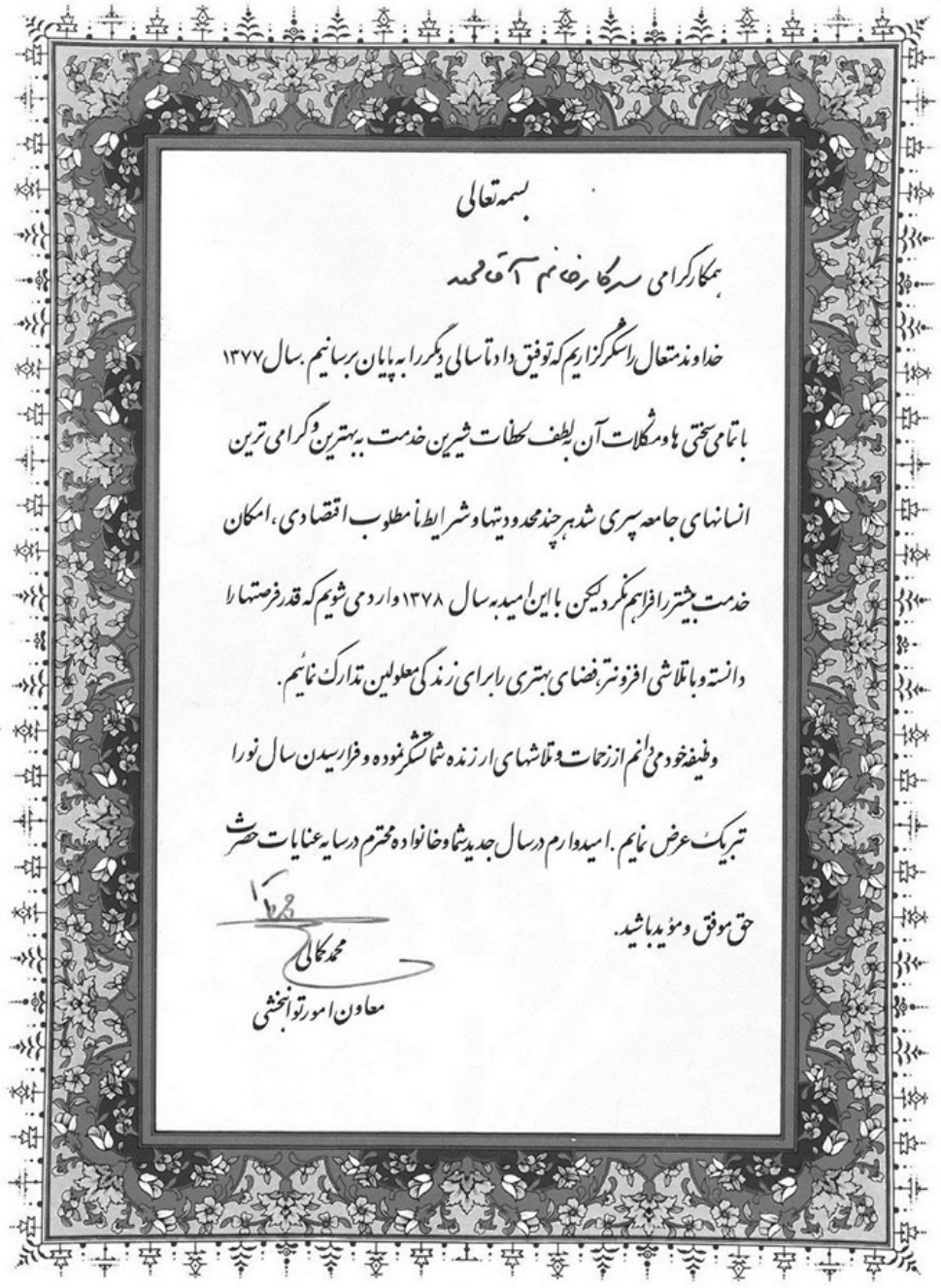
همکار ممتزّم و فواهرگرامی

سرکار خانم آقامحمد

بیستم جمادی الثانی خجسته سالروز میلاد  
حضرت فاطمه زهرا (سلام... علیها)  
و روز زن را خدمت جنابعالی تبریک عرض نموده  
و امید است با اقتداء به آن بانوی بزرگوار  
در تمام مراحل زندگی خود مؤفق و مؤید باشید.  
همچنین وظیفه خود می دانم از زحمات جنابعالی  
در اداره کل پخش اخبار سیما قدردانی نمایم.

سیدمهر دادسیدمهدی  
مدیر کل پخش اخبار سیما





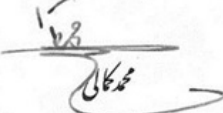
بسمه تعالی

بمکار کرامی سرکار خانم آصف محمد

خداوند متعال را تسکیر می‌کنم که توفیق داد تا سالی دیگر را به پایان برسانیم. سال ۱۳۷۷  
با تمامی سختی‌ها و مشکلات آن لطف سخاوت شیرین خدمت بی‌بهترین و کرامی‌ترین  
انسانهای جامعه پرسی شد. هر چند محدودیتها و شرایط نامطلوب اقتصادی، امکان  
خدمت بیشتر را فراهم نکرد. لیکن با این امید به سال ۱۳۷۸ وارد می‌شویم که قدر فرصتها را  
دانسته و با تاملاتی افزونتر، فضایی بهتری را برای زندگی معلولین تدارک نمایم.

و لطف خود می‌دانم از زحمات و تلاشهای ارزنده شما تشکر نموده و فرارسیدن سال نورا  
تبریک عرض نمایم. امیدوارم در سال جدید شما و خانواده محترم در سایه عنایات حضرت

حق موفق و مزید باشید.

  
محمد کالی  
معاون امور توانبخشی

## بسمه تعالی

## اوصیکم بتقوی... و نظم امرکم

سرکار رضیتم آقا محمد

با سلام و تحیت

فرارسیدن سال ۱۳۷۹ را به حضور جنابعالی تبریک می‌گوییم. هر چند سال ۱۳۷۸ با زحمات شما و عزیزان همکار با موفقیت همراه بوده است لیکن لزوم تلاشی دو چندان را با توجه به حجم بالای خدمات توانبخشی مورد نیاز و درخواست گسترده موجود و روز به فزونی برای پاسخگویی می‌طلبد.

اعتقاد داریم در این مسیر با استفاده از نگرش‌های نوین و استفاده از خلاقیت ذهنی همکاران، بستری را باید فراهم سازیم تا دستیابی به لقی روشن که در آن معلولین به امکانات جامعه دسترسی داشته و همچون دیگران بعنوان شهروندان جامعه به حساب آیند، دور از ذهن نباشد.

بنابراین لازم است تا ضمن رشد فضائل اخلاقی و افزودن بر سعه صدر خویش نظم را سرلوحه امور قرار دهیم، باشد تا در خود و سپس دیگران، زمینه ارتقا، توانمندی‌های را که نهایتاً منجر به ارائه خدماتی مطلوب به جامعه هدف شود فراهم سازیم. از خدای تعالی توفیق همگان را خواستاریم.

دکتر محمد کمالی  
معاون امور توانبخشی





بسمه تعالی

گرامیداشت سال امام علی (ع) و هفته جهانی ناشنوایان (۸-۲ مهرماه ۱۳۷۹)

### ﴿ تقدیر نامه ﴾

خواستن توانستن است.

جناب آقای  
سرکار خانم

تلاش و کوشش ارزنده جنابعالی را که عرصه‌های علم و دانش را با موفقیت طی نموده و با شایستگی خود تحسین جامه را برانگیختید ارج می‌نمایم. امید است به یاری عالم یگانه در رسیدن به قله‌های علم و دانش موفق باشید.

دکتر محمد کمالی  
معاون امور توانبخشی  
سازمان بهزیستی کشور

مشارکت در هیئت اجرایی اولین کنگره عقب ماندگی ذهنی

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در ۶ تا ۸ دی ماه ۱۳۷۶ اولین کنگره علمی عقب ماندگی ذهنی را در تهران برگزار کرد. سید مجید میرخانی به عنوان دبیر کنگره تعیین شد و چند نفر، از جمله خانم آقامحمد به عنوان عضو هیئت اجرایی این همایش فعالیت داشت.

تصویر

بسمه تعالی

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

کر، خانم ناطقه آقامحمد

بدینوسیله از جنابعالی که به عنوان عضو هیئت اجرایی در اولین کنگره علمی عقب ماندگی ذهنی که در تاریخهای ۶ لغایت ۸ دی ماه ۱۳۷۶ در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی برگزار گردید شرکت داشته‌اید، تشکر و قدر دانی نموده و توفیق روزافزون شما را در پیشبرد اهداف علمی دانشگاهها و اعتلای کشور اسلامیان از خداوند متعال خواستاریم.

دکتر مجید تقی محبتی  
رئیس دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

سید مجید میرخانی  
دبیر کنگره

قدردانی از تلاش ها در یاری رساندن به مددجویان

غلامرضا انصاری و چند تن از همفکرانش تشکلی به نام «جمعیت دوستداران بهزیستی» در سال ۱۳۷۷ تأسیس کردند. هدفشان ترویج ایده های بهزیستی و پاسداری دوستی های بهزیستی بود. این جمعیت در لوح تقدیر زیر از آقامحمد به دلیل تلاش های او در راه بهزیستی تشکر کرده است:

تصویر

### سرکار خانم فاطمه آقامحمد

اهداء این لوح تقدیر از طرف جمعیت دوستداران بهزیستی به نشانه پاسداشت و قدردانی از تلاشهای سازنده و گرانقدر سرکارعالی در یاری رسانی به محرومان جامعه و به خصوص مددجویان سازمان بهزیستی کشور می باشد.

رجاء واثق دارد که خدمات شایسته و پُراج سرکار همواره در یادها باقی و در دایرةالمعارف نیکوکاری الهی ثبت خواهد گردید. توفیق روزافزون شما را در خدمت هر چه بیشتر به محرومان از درگاه ایزد متعال آرزو مندم.

دکتر غلامرضا انصاری

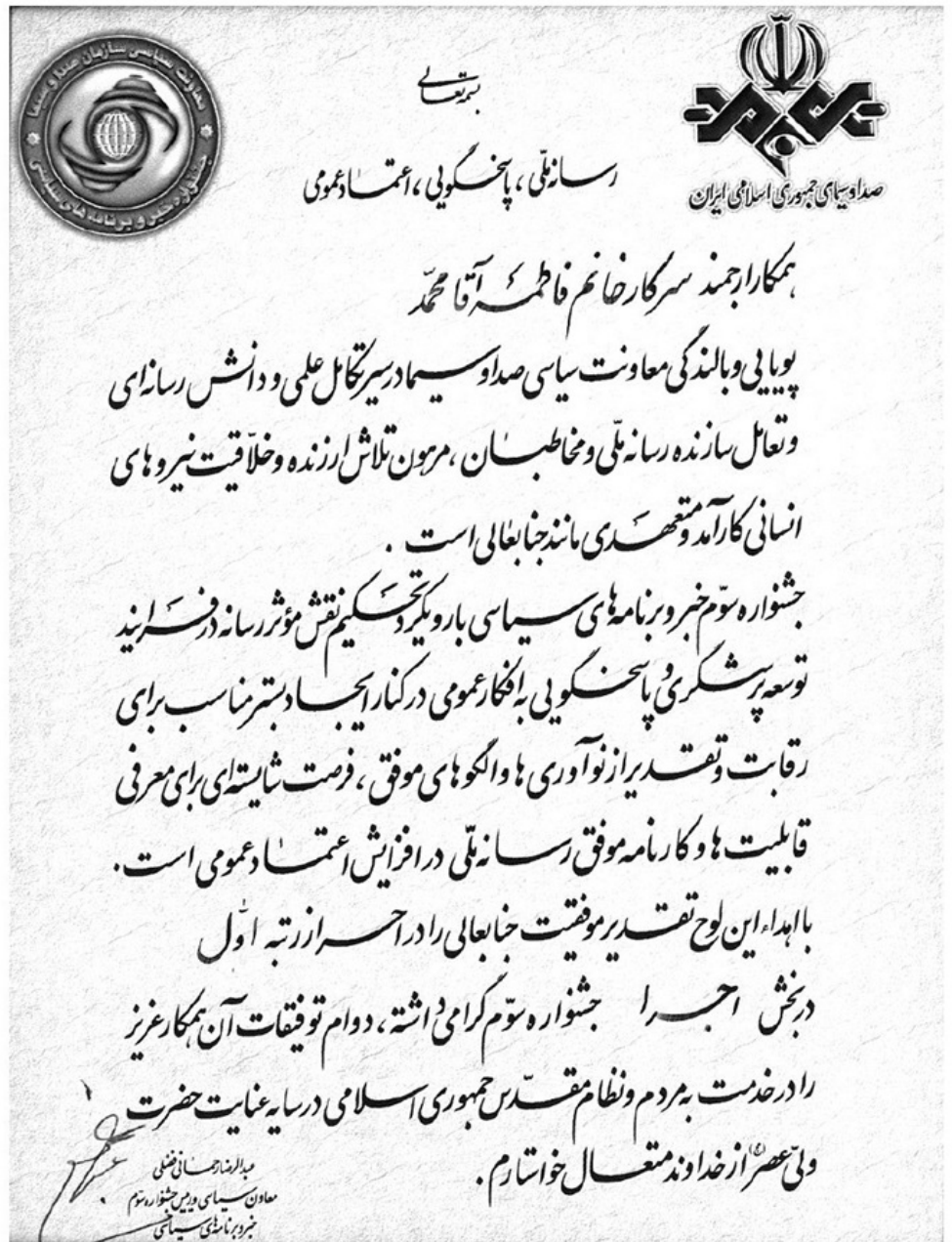
رئیس هیأت امناء جمعیت دوستداران بهزیستی

شماره: ۷۷/۱۲/۴ ج ۲۰۳/۲۴۵ تاریخ: ۷۷/۱۲/۴

کیوان دواتگران مدیرکل دفتر توانبخشی معلولان جسمی - حرکتی و حسی سازمان بهزیستی کشور در تقدیرنامه زیر از آقامحمد به عنوان کسی که به ناشنوایان خدمات صادقانه داشته تشکر کرده است. لازم به تذکر این متن آقای دواتگر مشکلاتی دارد از جمله می نویسد: با استناد به آیه شریفه من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق. در قرآن کریم چنین آیه ای نیست و اساساً در قرآن کلمه مخلوق نیامده است.

عبدالرحمان فضلی معاون سیاسی و رئیس جشنواره سوم خبر و برنامه های سیاسی از خانم آقامحمد به دلیل موفقیت در اجرای خبر برای ناشنویان تشکر کرده است.

تصویر





اکنون گزارشی از جشنواره سوم می آوریم.

حائز رتبه برتر در

سومین جشنواره خبر و برنامه های سیاسی

در خرداد ۱۳۸۳ همایشی توسط مدیریت صدا و سیما با عنوان «سومین جشنواره خبر و برنامه های سیاسی» برپا شد تا از مجریان و فعالان عرصه خبر و فعالیت های سیاسی صدا و سیما تقدیر و قدردانی گردد.

گزارش تفصیلی این همایش در مجله گستره خبر (وابسته به صدا و سیما، شماره ۳) آمده است.

از جمله از کسانی که قدردانی گردید فاطمه آقامحمد بود. ایشان به عنوان مجری گر و مجری اخبار ناشنویان در شبکه خبر حائز رتبه برتر شناخته شد و از زحمات و خدماتش قدردانی گردید. هجده نفر به عنوان برگزیده بخش اخبار و تفسیر خبری سیما برگزیده این جشنواره بودند. فهرست آنها این گونه است (۱):

با ایشان گفت و گویی درباره این جشنواره شده که عیناً می آورم (۲):

تصویر

برگزیدگان کمیته پخش اخبار و تفسیر خبری سیما			
نام و نام خانوادگی	نام اثر	بخش مشاغل	اداره
محمد ساجدی	تفسیر	نویسنده مجری	شبکه خبر
حسین شکرزاده	اخبار ساعت ۱۹	سردبیری	شبکه خبر
ژیلا بادپر	اخبار ساعت ۱۹	کارگردانی	اداره کل پخش اخبار
رضا شیخ محمدی	اخبار ساعت ۱۹	تهیه کنندگی	اداره کل پخش اخبار
فرید حق نژاد	اخبار ساعت ۱۹	تهیه کنندگی	اداره کل پخش اخبار
فؤاد بابان	اخبار مشروح	گویندگی	اداره کل پخش اخبار
سودابه حسنی دخت	اخبار مشروح	گویندگی	شبکه خبر
یوسف خانمحمدی	مجموعه خبری ساعت ۲۲ شبکه ۳	سردبیری	اداره کل پخش اخبار
سیامک آقاییاری	مجموعه خبری ورزشی ساعت ۱۷	کارگردانی	شبکه خبر
احمد احمدپور	اخبار جوان	تهیه کنندگی	استان گلستان
حباب عظیمی	اخبار تخصصی	گویندگی	شبکه خبر
فرشاد سیف بهزاد	اخبار انگلیسی	گویندگی	شبکه خبر
فاطمه آقامحمد	اخبار ناشنویان	مجری گری	شبکه خبر
مهناز طهماسبی	اخبار استان	سردبیری	مرکز ایلام
سیامک حمزه آذر	مجموعه خبری	کارگردانی	مرکز مهاباد
حشمت کرمانی	اخبار استان	تهیه کنندگی	مرکز ایلام
محمد رضا جباری	اخبار استان	گویندگی	مرکز قزوین
لیلا یعقوبی	اخبار استان	گویندگی	مرکز ایلام

ص: ۴۷۰



قابل توجه اینکه در سراسر مجله گستر خبر که ویژه جشنواره خبر و تحلیل خبر است، فقط همین جا از ناشنویان نامی آمده است و معلولین اعم از ناشنوا، نابینا، جسمی و حرکتی و ذهنی غایب و مغفول اند. با اینکه جا داشت به تفصیل حداقل خبر ناشنویان، نقش رابط، شرایط زبان اشاره و دیگر جنبه های خبر معلولان یا خبر ناشنویان معرفی می شد.

نیز تجارب رابط یا گوینده یعنی خانم آقامحمد بیان می شد و مشکلات این رشته با مردم در میان گذاشته شده و تجارب خانم آقامحمد انتقال می یافت. در این مجله به برخی موضوعات چند صفحه اختصاص یافته ولی به مبحث مهم زبان اشاره و اخبار این قشر فقط چند سطر آمده است.

تبریک به مناسبت روز زن و تولد حضرت فاطمه علیها السلام

چندین مرتبه در سال های مختلف به مناسبت ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها و روز زن از آقامحمد تشکر شده است. دو نمونه را می آورم

تصویر

## فاطمه آقا محمد،

### مجری برتر

### ناشنویان

فاطمه آقامحمد، مجری برتر  
ناشنویان، کار داوران جشنواره  
سوم خبر و برنامه های خبری را  
بسیار خوب ارزیابی کرد.  
وی تأثیر تقدیر از کارکنان  
و این گونه تشویقها را  
ماندنی و باعث افتخار شغلی  
خواند.



فاطمه آقامحمد از سال ۱۳۷۷، در هفته جهانی ناشنویان، همکاری خود را با سازمان صدا و سیما به عنوان رابط ناشنویان آغاز کرد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سرکار خانم فاطمه آقا محمد

سلام علیکم

پیشاپیش فرارسیدن عید نوروز و سال نورا خدمت جنابعالی و خانواده محترم تبریک عرض می‌کنم. اداره گل‌پخش اخبار سیما در یکسال گذشته شاهد اقدامات موثر و بزرگی بوده است که بی‌شک بخش عمده‌ای از این موفقیت‌ها، نتیجه تلاش جنابعالی و همکارانتان بوده است. از زحمات جنابعالی و همکاران محترم شما تشکر می‌شود. همچنین بر خود فرض می‌دانم از صبر و شکیبایی و زحمات خانواده محترم جنابعالی صمیمانه سپاسگزاری نمایم. سالی همراه با توفیق بیشتر و سلامتی و شادکامی آرزو مندم. ان شاء الله

سید مهر و اولاد سید مهدی

مدیر گل‌پخش اخبار سیما

تشکر جهت همکاری در خدمت به جامعه ناشنوایان

ریاست فرهنگسرای شفق به مناسبت هفته جهانی ناشنوایان (۲ تا ۸ مهر ماه ۱۳۷۷) از خدمات خانم آقامحمد تشکر کرده است.

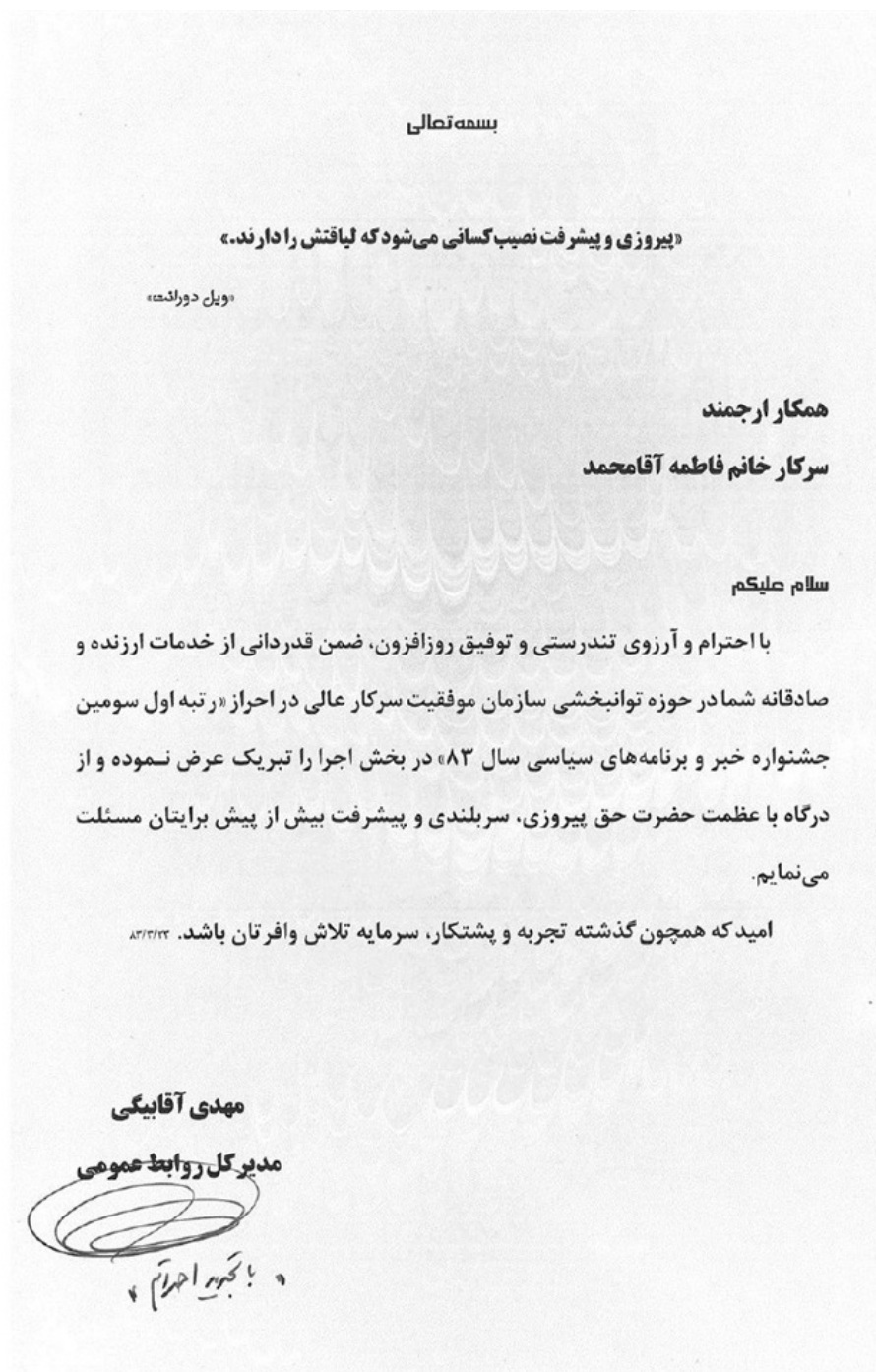
تصویر



قدردانی از خدمات در حوزه توانبخشی

آقای مهدی آقاییگی مدیرکل روابط عمومی سازمان بهزیستی از خدمات ارزنده و صادقانه آقایان آقامحمد و در حوزه توانبخشی تشکر کرده و احراز رتبه اول سومین جشنواره خبر سال ۱۳۸۳ (۱) توسط آقایان آقامحمد را به ایشان تبریک گفته است.

تصویر



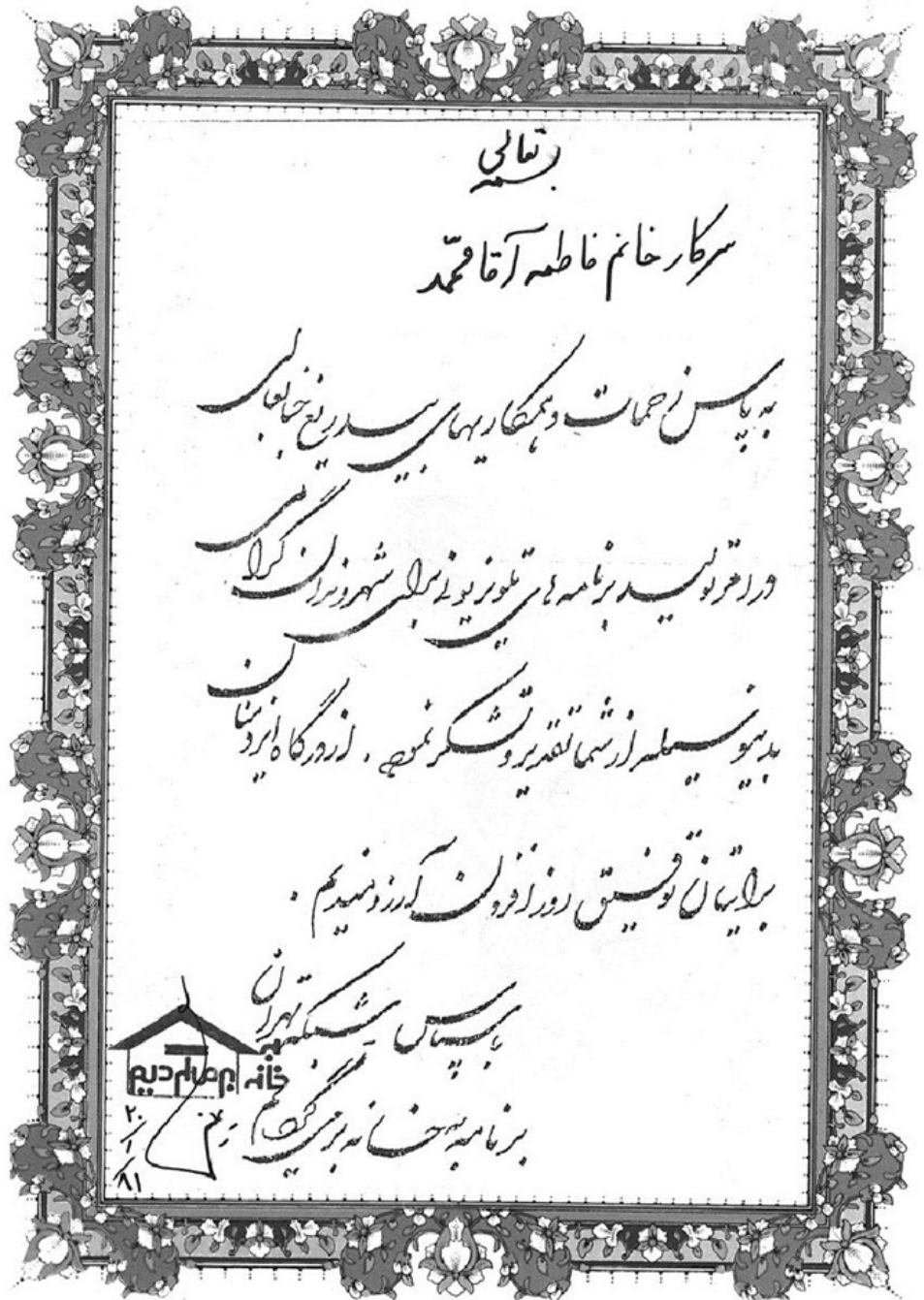
تشکر از تولید برنامه تلویزیونی برای شهروندان

مدیریت شبکه تهران، برنامه به خانه برمی گردیم به پاس زحمات و همکاری های آقایان محمد در تولید برنامه برای شهروندان در ۱۲ آذرماه ۷۹ تقدیر و تشکر نموده است.

ص: ۴۷۵

مدیریت شبکه تهران به تاریخ ۲۰ فروردین ۱۳۸۱ مجدداً همکاری ها و زحمات آقای آقا محمد در تولید برنامه های تلویزیونی برای شهر تهران را ستود و از ایشان قدردانی کرد. به ویژه در مورد برنامه به خانه برمی گردیم.

تصویر





قطعاً موفقیت های آقامحمد بیش از اینها است. اما تعهد بود، مواردی آورده شود که سند و مدرک داشته باشیم. امید است با یافتن اسناد و مدارک بیشتر این فصل را توسعه بدهیم.

نکته مهم تر این است که هر یک از مواردی که نام برده شد، نیاز به گزارش تفصیلی دارد تا نشان دهد آقامحمد در آن زمان چه نوع فعالیت هایی داشته با چه افرادی و در چه زمینه هایی صحبت کرده؟ چه تصمیم هایی اتخاذ کرده؟ و کلاً برداشت و تحلیل خودش از این رخداد خاص چه بوده است؟

اگر مدیران و مسئولین دفتر یادداشت یا سر رسید داشته باشند و همه رخدادهای روزانه خود را یادداشت کنند. در جمع بندی زندگی نامه آنها بسیار مؤثر خواهد شد.













تصویر نقاشی هنرمند ناشنوا در نمایشگاه هفته جهانی ناشنوایان

اردوگاه بابلسر «بهزیستی» و جمعی از عزیزان ناشنوای استان ها

تعدادی از ناشنویان هنرمند در نمایشگاه ویژه هفته جهانی ناشنویان

تصویر



اردوگاه بابلسر «بهزیستی» و جمعی از عزیزان ناشنوای استان ها



تعدادی از ناشنویان هنرمند در نمایشگاه ویژه هفته جهانی ناشنویان



اتاق کار ستاد بهزیستی کشور، حوزه توانبخشی

پوستر چند سال پی در پی هفته جهانی ناشنوایان روی دیوار دیده می شود

از راست به چپ: شهناز شعبانی، رضا محمودی، مرجانه همسر آقای محمودی و فاطمه آقامحمد

در نمایشگاه ویژه هفته جهانی ناشنوایان

تصویر



اتاق کار ستاد بهزیستی کشور، حوزه توانبخشی  
پوستر چند سال پی در پی هفته جهانی ناشنوایان روی دیوار دیده می شود



از راست به چپ: شهناز شعبانی، رضا محمودی، مرجانه همسر آقای محمودی و فاطمه آقامحمد  
در نمایشگاه ویژه هفته جهانی ناشنوایان

گروه اعزامی از کانون بازنشستگان نیروهای مسلح در هتل شیراز مشهد

به میهمانی ریاست محترم جمهور آقای خاتمی

موقع صرف ناهار بازنشستگان نیروهای مسلح در سالن ناهار هتل شیراز

تصویر



گروه اعزامی از کانون بازنشستگان نیروهای مسلح در هتل شیراز مشهد  
به میهمانی ریاست محترم جمهور آقای خاتمی



موقع صرف ناهار بازنشستگان نیروهای مسلح در سالن ناهار هتل شیراز

همکاران از استان های دیگر در اردوگاه بابلسر بهزیستی

مراسم پایانی هفته جهانی ویژه ناشنوایان و تقدیر این عزیزان از خانم آقامحمد

تصویر



همکاران از استان های دیگر در اردوگاه بابلسر بهزیستی

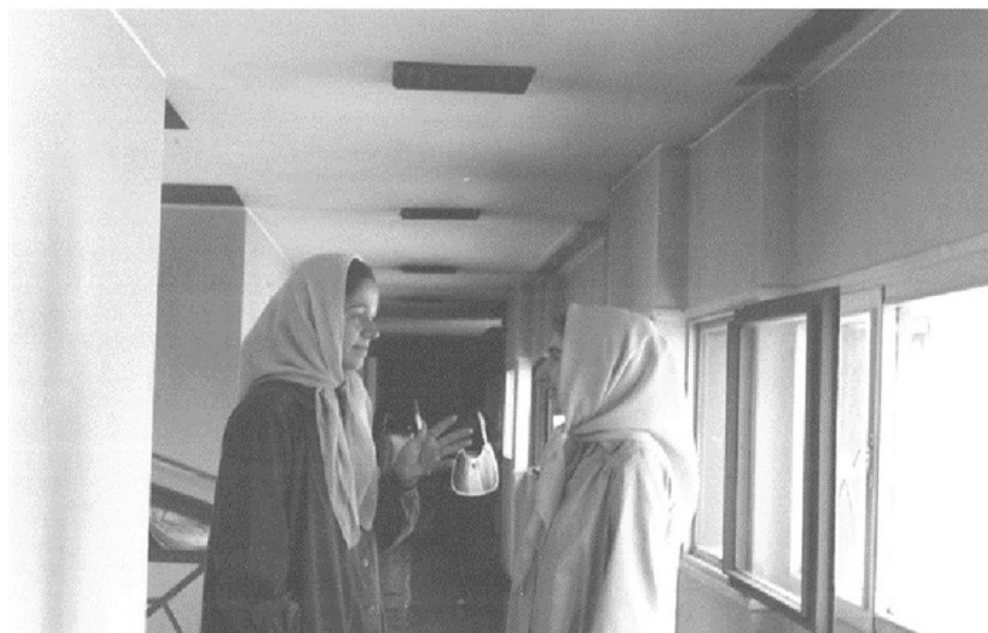


مراسم پایانی هفته جهانی ویژه ناشنوایان و تقدیر این عزیزان از خانم آقامحمد

## گفتگوی خانم آقامحمد با خانم الهه قاسمی شاد

از راست به چپ: الهه قاسمی شاد، شعله صداقت، فاطمه آقامحمد، طاهره محمدپور، مهوش گلبدن، الهه افضلی در دفتر آموزش و پژوهش بهزیستی

تصویر



گفتگوی خانم آقامحمد با خانم الهه قاسمی شاد



از راست به چپ: الهه قاسمی شاد، شعله صداقت، فاطمه آقامحمد، طاهره محمدپور، مهوش گلبدن، الهه افضلی در دفتر آموزش و پژوهش بهزیستی

غرفه دفتر فرهنگ معلولین در بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم

مصلی امام خمینی تهران، خرداد ۱۳۹۷

تصویر



غرفه دفتر فرهنگ معلولین در بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم  
مصلی امام خمینی تهران، خرداد ۱۳۹۷



چهارمین جشن ملی مترجمان  
فرهنگسرای اندیشه تهران، آبان ۱۳۹۷



دفتر فرهنگ معلولین

قم، ۲۷ فروردین ۱۳۹۸

بسمه تعالی

هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ ه. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
  ۲. ارتباط با مراکز هم سو
  ۳. پرهیز از موازی کاری
  ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
  ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :



۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

